تصویر ابو عبد الرحمن الکردی

فتاویٰ

دار العلوم دیوبند فارسی

مدلل و مکمل



تألیف

مفتی اعظم العارف باللہ حضرت مولانا الشیخ

عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمہ اللہ علیہ

چهارم

تصیح ترجمه و ترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد احمد الحقانی الأفغانی غفر اللہ



مکتبہ حنفیہ کانسی روڈ، کوئٹہ، فون ۲۶۶۲۵۱۰

فتاوی

دار العلوم دیوبند

مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمّد أحمد الحقانی الأفغانی غفر الله له

جلد چهارم (٤)

مكتبه حنفيه

کاسی روڈ ، کوئٹه . فون: 081-2662510

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل
حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah Publishing Organization	مکتبہ حنفیہ مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers Composing Organization	العلم کمپیوترز کمپوزنگ اداره

کاسی رود، حاجی غیبی چوک، کوئته ، شمارهٔ تلیفون: Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510
العلم کمپیوترز ، کوئته ، پاکستان ، شمارهٔ تلیفون: **AL-ILM Computers,** Quetta. Mob: 03218016371

فهرست فتاوی دار العلوم دیوبند جلد چهارم

ختم شد فهرست



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

فتاوای دار العلوم دیوبند (مکمل ومدلل) جلد چهارم

نحمده ونصلي علی رسوله الکریم، اما بعد:

احسان وکرم الله پاک است بر بنده عاجز وفروتن که ایشان مرا شوق وذوق خدمت دین قیم وعلوم دیني نصیب نموده است ودر حین تقدیم نمودن جلد چهارم آن فتاوی قلبم مملوء از سپاس واطمنان وخرشنود میباشد.

واز صمیم قلب دعا مي نمایم که این خدمت ناچیز را شرافت قبول حاصل نماید وبراي بنده سبب عروج مدارج بلندي ساخته شد.

بخاطر ترتیب وتدوین فقه جدید وبرای حل نمودن مسائل مجدد احساس نیازمندي آغاز وعام میشود وعلماء کرام درآن مورد سعي وکوششهاي ابتدائي را نیز راه پیما نموده اند ودرآن سلسله از همه اولتر درهندوستان نهاد (تحقیقات شرعیه) گذاشته شد که فرائض صدارت آنرا رکن ممتاز مجلس شوری مابان حضرت مولانا سید شاه منت الله رحماني دامت برکاتهم امیر شریعت بهار او اویسه ادا نموده کسیکه با معیت بودن یک عالم با عمل دور اندیش ودور بین واز مقتضیات موجوده بطور کامل مطلع میباشد، پس در پاکستان قیام یک مجلس بعمل درآمد وبالاخره تحت نگراني حکومت مصر اجلاس (مجمع البحوث الاسلامیه) در قاهره خواسته شد که درآن اجلاس علماء کرام چهل دو (٤٢) ممالک شرکت ورزیده بودند ودر آن اجلاس از جانب هندوستان سر براه دار العلوم دیوبند حکیم الاسلام حضرت مولانا محمد طیب صاحب مولانا سید شاه منت الله رحماني ومولانا سید احمد اکبرآبادي دامت برکاتهم شریک شدند ودر پرتوي کتاب وسنت وتاریخ ایشان نظریات خویش را ارائه نمودند خلاصه آنکه بزرگان دارالعلوم دیوبند جایزه حالات موجوده را اخذ نمودند وکدام چیزي را که با اعتدال کرده میتوانست آنرا میکرد ودرآینده نیز خواهد کرد واین حقیت واضح است که الله پاک بدار العلوم دیوبند بصیرت دیني وفقهي ومزاج معتدل بخشیده است که با نظر داشتن بطور صحیح براي آنجام نمودن این کار اولویت برایش حاصل است، ودر آن هیچ شک نبوده که دار العلوم از صدها سال با خدمتٌ هاي گوناگون آن خدمت عظیم الشان را نیز در مرتبه اداء مي نماید وبرنامه جدید فتاواهاي مایان که از خود دار العلوم دیوبند شائع میشود از مطالعهٔ آن براي شما هویدا خواهد شد که دار الافتاء دار العلوم دیوبند بامسائل قدیم فریضهٔ حل مسائل جدید را نیز بطریقه احسن اداء مي نمایند

ودر آينده إن شاء الله برآن موضوع كوشش روشني وتوضيح انداخته خواهد شد ودر آخر استدعاء دارم که اي خداوند بي نياز خدمت بنده حقير خود را قبول فرما وآن خدمت او را برايش تحفه آخرت بگردان.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

طلبگار دعا

محمد ظفير الدين غفر له

شعبۂ ترتیب فتاوی دار العلوم دیوبند ٢ ربيع الثاني ١٣٨٤ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سید المرسلین وعلی آله وصحبه أجمعین.

الباب السابع فیما یفسد الصلاة وما یکره فیها

فصل اول

مفسدات الصلاة (یعني چیزهاي شکنندهٔ نماز)

اگر امام بگفتار شخص بیرون از نماز عمل نماید نماز فاسد میشود یا خیر؟ سوال: (١٣٠٦) در وقت عصر شخصي أمي امامت میداد وإمام جهرا قرائت خواند وشخصي خارج از نماز به آواز بلند گفت که آهسته وخفیه بخوان وحالانکه در وقت نماز عصر قرائت به آواز بلند خوانده نمیشود وهر گاه آنرا شنید امام فورا درخواندن قرائت خفیه آغاز نمود ونماز را به أنجام رسانید نماز درست شده یا نه؟

جواب: براي شخص خارج از نماز فتح دادن درست نیست اما اگر إمام بعد از فتح دادن آن شخص با اندک توقف بطور خفیه قرائت خواندن را شروع نموده باشد نماز صحیح است. واگر بالفور با دادن فتح آن شخص خواندن قرائت خفیه را شروع کرده باشد نماز صحیح نخواهد بود واعاده نمودن آن لازم وواجب است در در المختار ذکر است: حتی لو امتثل امر غیره فقال له تقدم فتقدم او دخل فرجة الصف احد فوسع فسدت بل یمکث ساعة ثم یتقدم برأیه [(١)] الخ. فقط

اگر زانو آشکار شود نماز میشود یا نه؟ سوال: (١٣٠٧) زانو درآن حصهٔ بدن شامل است که پنهان نمودن آن واجب میباشد یا خیر؟ وآیا درآن لباس یا در حالیکه زانو آشکار میباشد نماز میشود یا خیر؟

جواب: صحیح آنست که رکبها (زانو) در عورت داخل وشامل است که ستر نمودن آن ضروري میباشد درشامی مذکور است: فالرکبة من العورة لروایة الدار قطني: ما تحت السرة إلی الرکبة من العورة الخ ولحدیث علي رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ الرکبة من العورة. [(٢)] لکن اختلاف درآن است که زانو دران هردو باهم یک عضو اند ویا هردو جدا جدا دو عضو مستقل میباشد اما بنا

---

(١). الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوة ومایکره فیها ج١ ص٥٨١ ، ط. س. ج١ ص٦٢٢. ظفیر

(٢). رد المحتار، باب شروط الصلوة، مطلب ستر العورة ج١ ص٣٧٥ ، ط. س. ج١ ص ٤٠٤. ظفیر

بر روایت أول تنها با آشکار شدن زانو درنماز نمیشکند زیرا که زانو تنها حصۂ چهارم ران نیست ومفسد نمازکشف ربع [1] میباشد. واما موافق روایت دوم با اشکار شدن حصۂ چهارم زانو نیز نماز میشکند، بناء با نمایان شدن زانو بدرجۂ اولی مفسد است. درشروع منیة از خلاصة نقل نموده است که راجح ومختار روایت اول است یعني عدم فساد [2] نماز أما سخن ظاهر آنست که احتیاط شود تا که زانو در نماز وغیره مکشوف نگردد وچونکه راجح آنست که زانو عورت است بناءا آشکار نمودن زانو در هیچ حالت درست نیست وکدام اختلاف که بروز کرده است درمورد فساد وعدم فساد نماز است فقط. اگر درنماز عورت آشکار شد فورا آنرا پنهان نماید که تأخیر در آن نباشد نماز فاسد نمیشود: ولو انکشف عضوٌ وهو عورة فی الصلٰوة فَستَر من غیر لبس لا یضر هذا لان الانکشاف الکثیر فی الزمان القلیل عفو کالانکشاف القلیل فی الزمان الکثیر (غنیة المستملی ص٢١٣. ظفیر

با قهقهه در نماز وضوء ونماز هر دو فاسد میشود یا تنها؟ **سوال:** (١٣٠٨) در نماز قهقهه نمودن (باواز بلند خندیدن) وضوء ونماز هر دو را فاسد میکند یا تنها نماز را فاسد مي نماید؟

جواب: در نماز با قهقهه کردن وضوء ونماز هر دو فاسد میشود کما في الدر المختار: وقهقهة بالغ یقظان یصلي بطهارة صغری مستقلة صلوة کاملة ولو عند السلام عمداً انتهی ملخصا [3] فقط.

اگر درحالت سجده پاها بلند شود نماز میشود یا خیر؟ **سوال:** (١٣٠٩) در بعض کتابهاي زبان اردو نوشته شده که اگر درسجده هر دو پاها بلند شود نماز نمیشود وکم ازکم باید یک انگشت پاي برزمین نهاده باشد این سخن چطور است؟

جواب: مسئلۂ بلند شدن قدمها در درالمختار وشامي نیز موجود است ومطلب آن این است که اگر در سجده تا به أنجام آن هردو قدمها بالکل بلند باشند سجده درست وجائز نیست وأما وقتیکه سجده نشد بناء نماز بطریق أولي صحیح نشده زیرا در وقت سجده أقلا باید یک انگشت

---

(١) ویمنع الخ کشف ربع عضو قدر اداء رکن بلا صنعه من عورة غلیظه اوخفیفة علی المعتمد (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة مطلب ستر العورة ج١ ص٣٧٩ ، ط. س. ج١ ص٤٠٨). ظفیر

(٢) وکذا اختلفوا ایضاً فی الرکبة مع الفخور هل کل منها عضو علی حدة او هما عضو واحد فقال بعضهم کلها عضو علی حدة وعلی هٰذا لو انکشف القدر المانع کالربع من الرکبة وحدها لا تجوز الصلاة الخ وقال بعضهم الرکبة مع الفخذ کلاهما عضو واحد وفي الخلاصة هو المختار وفی شرح الهدایه لابن الهمام والاصح ان الرکبة تبع للفخذ لانها ملتقی العظمین لا عضو مستقل. انتهیٰ (غنیة المستملی ص٢١٠ وص ٢١١). ظفیر

(٣) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الطهارة نواقض الوضوء ج ١ ص ١٣٤. ظفیر

پاي بر زمين نهاده باشد وچنين نبوده كه اگر پاها از زمين بلند شد وباز آنرا گذاشت نيز نماز درست نباشد بلكه مقصود آنست كه اگر بالكل وقطعا از زمين تابه آخر بلند بود باز نماز نميشود فقط[۱].

لباس سرقت شده را اگر بقيمت اخذ نموده باشد درآن لباس نماز درست است يا خير؟

سوال: (۱۳۱۰) اگر لباس سرقت شده را خريده ودرآن نماز اداء نمودن چطور است؟

جواب: نمازش صحيح است اما با معلوم بودن آنكه اين لباس سرقت شده است خريدنش بكار نيست.[۲]

درنماز با تكلم نمودن نماز ميشكند يانه؟ **سوال:** (۱۳۱۱) بعد ازتكبير تحريمة در پاسخ يک مقتدي اگر امام چنين بگويد كه ساعت از صبح خاموش است وچيزي نميگويد وشايد اكنون نيز خاموش باشد وباچنين گفتار كدام نقصان وارد نميشود؟ واگر سپس با گفتن تكبير تحريمه نماز را آغاز نمايد؟

جواب: با گفتن چنين سخن نماز ميشكند[۳] ونماز را دوباره شروع كردن لازم است وهمچنان تكبير تحريمه را معاد نمودن بكار است فقط.

اگر مقتدى قبل از امام ركوع نمايد ودرسجده شريک شود چه حكم دارد؟ **سوال:** (۱۳۱۲) يک مقتدي نابينا (كور) است وقتيكه إمام در قيام بود وي ركوع مي نمود وهرگاه امام از ركوع فارغ شد وبطرف سجده روان شد ومقتدي بعد از ادا نمودن قومه در سجده شريک گرديد نماز اين مقتدي درست شده يا نه؟

جواب: در شامي درباب ما يفسد الصلاة چنين مذكور است: ولو ركع وسجد بعده صح وكذا لو قبله وادركه الامام فيها لكنه يكره الخ[٤] از آن جزئيه معلوم شد كه در صورت مسئوله نمازش

---

(۱) ومنها السجود بجبهته وقدميه ووضع اصبع واحدة منها شرط (درمختار) وافاد انه لو لم يضع شيئا من القدمين لم يصح السجود (ردالمحتار باب صفة الصلٰوة بحث الركوع والسجود) ويكفيه وضع اصبع واحدة فلولم يضع الاصابع اصلا ووضع ظهر القدم فانه لا يجوز (البحر الرائق باب صفة الصلٰوة ج۱ ص۳۳۶). ظفير

(۲) وما نقل عن بعض الحنفية من ان الحرام لا يتعدى ذمتين سالت عنه الشهاب بن الشلبى فقا ل هو محمول على ما اذا لم يعلم بذلک او لو رأى المكاس مثلا ياخذ من احد شيئا من المكس ثم يعطيه اخر ثم ياخذه من ذلک الاخر فهو حرام (ردالمحتار باب البيع الفاسد مطلب الحرمة تتعدد ج٤ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۵ ص۹۸). ظفير

(۳) يفسدها التكلم هو النطق بحرفين اوحرف ولو مفهم (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ج۱ ص۵۷٤، ط. س. ج۱ ص۶۱۳). ظفير

=

فاسد نخواهد شد وعمدا همچو عمل نمودن مکروه است أما نابینا معذور است بناءا از معصیت دور وبري است. فقط

الضَّالِّیْن را با دوالین خواندن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۱۳) الضَّالِّین را با دوالین قرائت نمودن نماز میشود یا نه؟

جواب: قراء عربها وعلماء نیز ضآلین را درهمچو صورت چنین اداء میکنند که آواز مفخم دال بر آید وبخاطر آن چنین گفتن مشکل است که نماز سائر آنها نمیشود حالانکه آنها با آوازهاي حروف ومخارج خوبتر فهمیده اند. فقط

با تکبیر گفتن غیر مقلد نماز فاسد نمیشود؟ سوال: (۱۳۱۴) اگر درنماز جماعت احناف غیر مقلد تکبیر بگفت آیا درنماز فساد واقع میشود یا نه؟

جواب: هیچ فساد واقع نمیشود فقط.

با هر ایت وقف جائز است یا نه وایا بر ان نماز فاسد نمیشود؟ سوال: (۱۳۱۵) بر هر آیت وقف نمودن خواه این آیت بماقبل یا بمابعد تعلق دارد یا ندارد جائز است یا نه؟ وهمچنان رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، الرَّحْمَانِ الرَّحِیْمِ، را با وصل قرائت نمودن در نماز، نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: در جواز آن هیچ شبهٔ نیست واما وقف نمودن بر رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، الرَّحْمَانِ الرَّحِیْمِ، درست است وبر آن نماز فاسد نمیشود فقط.

اگر در نماز سخنهای فراموش وگذشته بیادش آید نمازش میشود یا خیر؟ سوال: (۱۳۱۶) کدام مردم که ظاهرا مصروف نماز باشند وخیالات پراکندهٔ آنها ایشان را به بازارها ومحاکم ببرد وسائر سخنهاي گذشته وفراموش شده برایش در نماز بیاد آید این نماز باطل است یا نه؟

جواب: نمازش فاسد وباطل نیست [1] فقط. (عن عثمان بن ابی العاص قال قلت یارسول الله ان الشیطان قد حال بینی وبین صلٰوتی وبین قرآءتی یلبسها علی فقال رسول الله ذالک شیطان یقال له خنزب فاذا حسسته فتعوّذ بالله منه واتفل علٰی یسارک ثلٰثا ففعلتُ ذالک فاذهبه الله عنّی. رواه

---

(٤). ردالمحتار باب مایفسد الصلاة وما یکره فیها ج۱ ص۵۸۹، ط. س. ج۱ ص۶۳۰. ظفیر

(۱) عن ابی هریرة ﷺ قال قال رسول ﷺ ان الله تجاوز عن اُمتی ما وسوست به صدرها ما لم تعمل به او تتکلم متفق علیه. (مشکوٰة باب الوسوسه ص ۱۸). ظفیر

مسلم (مشکوٰة باب الوسوسه ص ١٩، ظفير).

اگر دروقت فجر برازار داغ های را مشاهده نماید آیا نماز فجر را إعاده کند یا نه؟

سوال: (١٣١٧) دربهشتي زيور نوشته است كه كدام شخص بعد از أدا نمودن نماز عشاء خوابيد وبعد از طلوع آفتاب كه بيدار شود وبر ازار خود داغ هاي مني را ببيند براي آن شخص إعاده نمودن نماز عشاء واجب است آيا اين حكم صحيح است يا خير؟

جواب: شخصي كه بعد ازنماز عشاء خواب شد وكدام وقت كه صبح بيدار شد وبرلباس داغ هاي مني را مشاهده نمود بناءا حكم إعاده نمودن نماز عشاء برايش نيست ودركتاب مذكور همچو مسأله ذكر نخواهد باشد وشايد كه غلط فهمي شده باشد فلهذا ثانيا آن كتاب بدقت وغور مطالعه شود فقط.

اگر امام در حالت نماز بگفتار مقتدی پیش قدم بردارد نماز میشود یا نه؟ سوال:

(١٣١٨) زيد نماز جماعت فجر را ميداد وتنها يک مقتدي ديگر همرايش بود كه مطابق قواعد شرعي شخص زيد بالكل عنقريب طرف راست ايستاده وقبل از اختتام قرائت ركعت ثاني يک مقتدي ديگر آمد وميخواست كه درجماعت شامل شود ودرآن اثنا براي مقتدي اول موقع بعقب آمدن حاصل نبود بناءا مقتدي ثاني در الفاظ خود براي زيد گفت كه شما يک قدم پيش شويد وبعد ازآن زيد يک قدم پيش رفت وقرائت را همانطور جاري تلاوت نمود ونماز را به انجام رسانيد زيد ميگويد كه نماز همه فاسد شده است بخاطر براي مقتدي بعوض گفتن بدست إشاره نمودن بكار بود بناءا ضرورت إعاده نماز است يا خير؟

جواب: درآن صورت بعض فقهاء قول نموده اند برفساد نماز اما صحيح آنست كه نماز درست وصحيح است واقعا براي همچو مقتدي بكار است كه با إشاره امام را بگويد كه يک قدم پيش رود لكن به هرحال نماز درست شده وبراي إعاده نمودن آن نيازي نيست [1] فقط.

اگر درجریان نماز هر دو دست ها در داخل لباس ها باشد آیا نماز میشود یاخیر؟ سوال:

---

(١) ثم نقل تصحيح عدم الفساد فى مسئله من جذب من الصف فتاخر (در المختار) وعبارة المصنف فى المنح بعد ان ذكر لو جذبه آخر فتاخر الاصح لاتفسد صلاته وفى القنيه قيل لمصل منفرد تقدم فتقدم بامره اودخل رجل فرجة الصف فتقدم المصلى حتى وسع المكان عليه فسدت صلاته وينبغى ان يمكث ساعة ثم يتقدم برأى نفسه وعلّله فى شرح القدورى بانه امتثال لغير امرالله تعالى اقول ماتقدم من تصحيح صلاة من تاخربمايفيد تصحيح عدم الفساد فى مسئله القنية لانه مع تاخره نجد به لا تفسد صلاته (رد المحتار باب الامامة ج١ ص ٥٣٣ ، ط. س. ج١ ص٥٧١). ظفير

(۱۳۱۹) اگر درحین اداء نماز دست ها درداخل لباس باشد آیا نماز درست است یا نه؟

جواب: نماز درست است [1] فقط.

دادن وگرفتن یا ترک شدن یک نماز چگونه است؟ سوال: (۱۳۲۰) زید امام مسجد است ودر نماز خفتن آیت ذیل را قرائت نموده: وَسِيْقَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ، وبا: فُتِحَتْ اَبْوَابُهَا، آنرا منضم کرده وبه پیش تلاوت نمودن را شروع کرد درآن اثنا عمر وکسیکه حافظ قرآن کریم است وهمچنان ازقدر ما تَجُوْزُ بِهِ الصَّلَاۃَ، نیز واقف بود برایش فتح داد: وَيُنْذِرُوْنَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا، زید باز همانطور تکرار نمود ودر آن جاي توقف ورزید سپس با رسوم آنرا تکرار کرده وبمشکل به پیش رفت لکن: وَيُنْذِرُوْنَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا، را ترک نمود وسورت زمر به پایان رسید وبغیر ازسجده سهوه نماز را انجام نمود واین عمل درمحضر صدها نمازگذار ازطرف زید صادر شد. آیا استیناف صلاۃ بکار است یا نه؟

جواب: در این صورت نماز امام ومقتدیها صحیح است. اما سجده سهوه واجب نمیباشد وهمچنان اعاده نمودن نماز لازم نیست: کما صرح به فی الدر المختار والشامی بخلاف فتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقًا لفاتح وآخذ بکل حال (درالمختار) قوله بکل حال ای سواء قرء الامام قدر ما تجوز به الصلٰوۃ ام لا انتقل الی آیة اخری ام لا تکرار الفتح ام لا هو الاصح نهر، شامی [2] جلد اول ص ۴۱۸، پس واضح گردید که با تکرار فتح اصح نیست که درنماز فساد واقع نمیشود وهمچنان هیچ وجه وسبب وجوب سجده نیسست زیرا با تکرار نمودن قرائت اگر دریک رکن تأخیر شود موجب سجده سهوه نیست: کما فی الدرالمختار واعلم انه اذا شغله ذلک الشک فتفکر قدر اداء رکن لم یشتغل حالة الشک بقراءة الخ وجب علیه سجود السهو [3] الخ، از توضیح فوق چنین معلوم شد که درصورت اشتغال بالقرآئة سجده سهو لازم نمیشود البته در شامي وغیره تصریح شده است: قسمیکه براي مقتدي فورا فتح دادن مکروه است همچنان براي إمام نیز مکروه است که مقتدي را مضطر ومجبور بطرف فتح دادن نماید بلکه براي امام بکار است که به آیت مناسب دیگر ویا کاملا بجانب سورت دیگر انتقال نماید.

---

(۱) رفع یدیه الخ ماسًا بابهامیه شحمتی اذنیه هو المراد بالمحاذاۃ (در المختار) ووفق بینهما وبین روایات الرفع ای المنکبین بان الثانی اذا کانت الیدان فی الثیاب للبرد کما قاله الطحاوی الخ (رد المحتار فصل تالیف الصلٰوۃ ج۱ ص۴۵۰ ، ط. س. ج۱ ص ۴۸۲). ظفیر

(۲) رد المحتار باب مایفسد الصلٰوۃ ج۱ص ۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۶ ، ط. س. ج۲ ص ۹۳. ظفیر

واگرامام بمقدار واجب یا مستحب قرائت خوانده باشد باید که برکوع برود ورکوع کند: کما قال فی الشامی یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئها الیه بل ینتقل الی آیة اخری لا یلز من وصلها ما یفسد الصلٰوة او الی سورة اُخری اویرکع اذا قرء قدر الفرض کما جزم به الزیلعی وغیره وفی روایة قدر المستحب کما رجحه الکمال بانه الظاهر من الدلیل [۳] الخ. فقط

اگر مقتدی در یک رکعت اقتداء را ترک نمود آیا نماز درست شده یا نه؟ **سوال:** (۱۳۲۱) امام مسجد درنماز مغرب بعد از اداء نمودن دورکعت التحیات (تشهد) را فراموش نمود اما مقتدیها بنا برغلطي یا بفراموش آنرا خواندند وامام در رکعت سوم: اَلْحَمْدُ لِلّٰہ را آهسته خواند ورکوع نمود ومقتدیها با گفتن: اللّٰہُ اَکبَرُ ایستادند وامام بعد ازتکمیل نمودن تسبیحات رکوع بسجده رفت وسائر مقتدیها او را متابعت نمودند که درآن صورت نماز امام کامل شده اما مقتدیها بنا بر غلطي در رکعت سوم اقتداي به امام نکردند بلکه بعض آنها دررکوع نیز شامل نشدند بناء حکم نماز مقتدیها چگونه است؟

جواب: آنعده مقتدیهاي که رکوع نکردند اند نماز آنها نشده است وآنعده مقتدیهاي که در ایستادن رکوع نمودند خواه در حال ایستادن با امام دررکوع شامل شدند ویا بعد ازآن رکوع نمودند نماز شان درست شده [۱] وبر عهده امام،سجده سهو بنا بر ترک نمودن قعده أولی لازم است. [۲] فقط.

درحالت نماز نعره وصراخ کشیدن نمازرا فاسد نماید یا نه؟ **سوال:** (۱۳۲۲) یک گروه امیان ازیک پیر تعلیم گرفته اند وایشان درنماز جهري احیانا باشنیدن قرائت واحیانا درنماز سري نیز شور وشغب مي نمایند وصراخ ونعره ها میکشند آیا با این عمل نماز ایشان فاسد میشود یانه؟ زیرا این کلمه آه یا اف نیست بلکه خالص چیغ وآواز بلند است.

جواب: درالدرالمختار مذکور است: والانین هو قوله اه بالقصر والتاوه هو قوله آه بالمد والتافیف

---

(۱) نعم تکون المتابعة فرضا بمعنی ان یاتی بالفرض مع امامه او بعده کما لو رکع امامه فرکع معه مقارنا او معاقبا وشارکه فیه او بعد ما رفع منه فلو لم یرکع اصلا الخ بطلت صلاته (رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب تحقیق متابعة الامام ج۱ ص ۴۳۹ ، ط. س. ج۱ ص ۴۷۱). ظفیر الدین غفرله

(۲) ولها واجبات لا تفسد بترکها وتعاد وجوبًا الخ ان لم یسجد له ای للسهو الخ وهی قراءة فاتحه الکتاب الخ والقعود الاول (الدرالمختار علی هامش رد المحتار ج ۱ص۴۲۴ ، ط. س. ج۱ ص۴۵۶) سها عن القعود الاول من الفرض الخ ثم تذکره عاد الیه الخ ما لم یستقم الخ والا ای وان استقام قائما لا یعود لاشتغاله بفرض القیام وسجدللسهو لترک الواجب (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب سجودالسهو ج۱ ص۶۹۶، ط. س. ج۲ ص ۸۳). ظفیر

اُف او تف والبکاء بصوت یحصل به حروف لوجع او مصیبة الخ لا کذکر جنة او نار فلو اعجبته قراءة الامام فجعل یبکی وبقوله بلی او نعم او اری لا تفسد، سراجیه لدلالته علی الخشوع الخ اوپه شامی کی دی: قوله: لدلالته علی الخشوع افاد انه لوکان استلذاذاً بحسن النغمة یکون مفسداً [۱] الخ، پس معلوم وروشن شدکه درنماز همچنان چیغ ونعره زدن وهو هو کردن اگر از وجه ذکر جنت ودوزخ نباشد آن آوازها شکننده وفاسد کنندهٔ نماز است لهذا جاهلان باشدت ودرشتي از همچو نعره ها وشور شغب منع نمودن بکار است زیرا ایشان نماز خود را فاسد مي نمایند همچان در نماز متباقي نماز گذاران نیز خلل واقع میکنند کما جربناه فقط.

اگر از پیش روی نماز خوان سگ عبور کند نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۲۳) اگر در بیش روی نماز خوان سه مرور کند آیا نماز فاسد میشود یا خیر؟

جواب: نماز فاسد نمیشود وضرورت براي اعاده نمون آن ثانیا نیست [۲] فقط.

باگذاشتن چیز ناپاک درجیب نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۲٤) اگر در جیب قصدا یا سهوا کدام چیز ناپاک یا رخت ناپاک باقي بماند ونماز اداء شود آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: در آن صورت نماز صحیح نمیباشد واعاده کردن آن نماز ضروري است [۳] فقط.

درنماز ازار یا پاجامه خلاص وبازگردید چه باید کرد؟ سوال: (۱۳۲۵) اگر در حین نماز خواندن ازاربند پاجامه وازار مقتدي یا امام بگسلد درآن صورت نماز گذار چه بلید بکند؟

جواب: اگر با یک دست یعني با عمل یسیر درست نمودن آن ممکن نباشد باید که نماز را بشکند وبا هر دو دست لنگ یا پا جامه را ببندد وسپس با جماعة شرکت ورزد [٤] فقط.

اگر بجای ستره چتری وغیره باشد کافی خواهد باشد یا نه؟ سوال: (۱۳۲٦) اگر در پیش

---

(۱) رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ص۵۷۹ ، ط. س. ج۱ ص ٦۱۹ – ٦۲۰ . ظفیر

(۲) ولا یفسدها الخ مروره بین یدیه ای حائط القبلة فی بیت ومسجد صغیر مطلقًا الخ ولو امراة او کلبًا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص ٦۳٤). ظفیر

(۳) وعفی الشارع عن قدر درهم وان کره تحریما الخ وفوقه مبطل (درالمختار) ففی المحیط یکره ان یصلی ومعه قدر درهم او دونه من النجاسة عالما به الخ (رد المحتار باب الانجاس ج۱ ص ۲۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۳۱٦). ظفیر

(٤) ویفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولا لاصلاحها وفیه اقوال خمسة اصحها مالایشک بسببه الناظر من بعید فی فاعله انه لیس فیها(در المختار) القول الثانی ان ما یعمل عادة بالیدین کثیر وان عمل بواحدة کالتعمّم وشدّ السّراویل وما عمل بواحدة قلیل وان عمل بهما کحلّ السّراویل ولبس القلنسوة ونزعها (رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۳ – ۵۸٤ ، ط. س. ج۱ ص ٦۲٤ – ٦۲۵). ظفیر

روي نمازگذار قطيفه يا چتري بجاي ستره گذاشته شود آيا كافي خواهد باشد يا نه؟ ويا ستره ضروري است كه از چوب باشد؟ ويا ضرورت است كه سترۀ چوب اقلا به اندازۀ يک انگشت كلفت باشد ويا ازآن نيز كم كافي شده ميتواند؟

جواب: اگر چتري يا قطيفه در پيش روي نماز گذار باشد بعوض ستره كافي خواهد بود ودرآن مورد تخصص چوب نيست. واما قيد غلظ اصابع (به اندازه عريض بودن انگشت) را صاحب بدائع قول ضعيف گفته است: فی الشامی لكن جعل فی البدائع بيان الغلظ قولاً ضعيفاً وانه لا اعتبار بالعرض وظاهره انه المذهب [1] بحر الخ . فقط

با أخذ نمودن تنفس بر صراط الّذين نه كفر لازم ميشود ونه نماز فاسد ميشود: سوال: (۱۳۲۷) هر كيسكه در مورد علم قرائت معلومات نداشته باشد ودريكي از نمازهاي جهري إمام شود ودرحالت اضطراري نفسش بر صراط الذين به پايان رسيدآيا اين امام كافر شد ونماز فاسد شد يا خير؟

جواب: در همچو موارد نه نماز فاسد ميشود ونه إمام كافر ميگردد بل كه او را كافر گفتن خوف كفر است براي گوينده كمافي الحديث: ايما رجل قال لاخيه كافر فقد باء بها احدهما. رواه الشيخان [2] وفي حديث اخر: سباب المسلم فسوق وقتاله كفر، وفي حديث اخر ايضا: من دعا رجلا بالكفر او قال: عدو الله وليس كذلک إلا حار عليه، متفق عليه.

آنكسی كه نماز گذار نباشد براى نماز گذاريكه بزند نماز نماز خوان فاسد نميشود؟

سوال: (۱۳۲۸) اگر غير نماز خوان براي نماز گذار پكه بزند آيا درنماز نماز خوان فساد واقع ميشود يا نه؟

جواب: درنماز نماز خوان با استعمال نمودن پكه هيچ خلل وفساد لازم نميشود. اگرچه اين عمل خوب نيست كه نماز گذار در حالت نماز بذريعه كسي پكه بزند وبراي نماز گذار بكار است كه پكه كننده را ازآن منع نمايد فقط.

در لفظ (مَاهِيَةْ) ظاهر نمودن تاء غلط است مگر مفسد صلاة نيست: سوال: (۱۳۲۹) اگر

---

(۱) ويغرز ندبا الامام وكذا المنفرد فی الصحراء ونحوها سترة بقدر ذراع طولا وغلظ اصبع لتبدو للناظر بقربه دون ثلاثة اذرع على حذاء احد حاجبيه الخ (درالمختار) لكن جعل فی البدائع بيان اللفظ الخ (ردّ المحتار ج۱ ص ۵۹۵ – ۵۹۶ ، باب ما يفسدالصلوٰة ط. س. ج۱ ص ۶۳۶ – ۶۳۷). ظفير

(۲) مشكوٰة ، باب حفظ اللسان والغيبة والشتم ، ص ۴۱۱ . ظفير

بجاي (هاي) هوز در (مَاهِيَهْ) تاء با تنوين تلاوت شود آيا درست است يانه؟ وبر آن نماز فاسد ميشود يا خير؟

جواب: در آيت: وَمَا اَدْرَاكَ مَاهِيَهْ ، هاء آخري كه هاي سكته است آنرا بتاء خواندن لحن في القراة [1] ميباشد وصراحة غلطی است زيرا اين فاء مبدل از تاء نيست أما اگر كسي به غلطي آنرا همانطور خواند نمازش ميشود. فقط

شب در مورد قبله پرسيد ونماز خواند سپس از آن معلوم شد که قبله غلط بود آيا اين نماز شده يا نه؟ **سوال**: (۱۳۳۰) زيد شبانه از رفيق خود در مورد قبله پرسيد ونماز را اداء نمود وبعد ازچند روز معلوم شد که قبله غلط بوده آيا آن نماز شده يا نه؟

جواب: نماز درست شده است. فقط

اگر مسبوق سهوا با امام سلا گردانيد وکسی او را بيادش داد سپس ايستاد شود اين چه حکم دارد؟ **سوال**: (۱۳۳۱) يک روز من در نماز عشاء در رکعت ثاني شريک شدم اما با امام يکجا هردو طرف سلام گردانيدم ونماز رابه پايان رسانيدم ودرصدد دعا نمودن بودم که درهمان لحظه يک مقتدي ديگر که کاملا با امام در نماز شرکت ورزيده بود برايم ياد دهاني کرد که برخيز ونماز را کامل کن بناء اگر در أثناء من بنده گنهگار ايستاد ميشدم ونماز را تکميل مي نمودم آيا نمازم درست بود يا نه؟ ودرآن صورت که من سخن او را نه بذيرفتم بلکه از سر نو مجددا چار رکعت فرض را اداء نمودم آيا اين نماز شده يا نه؟ وجه عدم قبوليت من آن بود کل درقلبم فکر وإشتباه خطور کرد که با فتح دادن شخص که بيرون وخارج الصلاة باشد نماز فاسد ميشود.

جواب: اگر بعد ازگفتن آن شخص فکر وتدبر مي نمودي وبرايت بياد ميشد که بيشک از من يک رکعت باقي مانده است وبنا براين مقصد قيام کرده ويک رکعت را اداء نموده تکميل مي نمودي وبعد ازآن سجده سهوه اداء کرده بودي نماز درست مي شد زيرا امتثال (قبول نمودن سخن) از شخص غير نيست بلکه هرگاه بيادت درآمده پس همان طرف قيام منسوب ميشود. در الدر المختار مذکور است: حتی لو امتثل أمر غيره فقيل له تقدم فتقدم اودخل فرجة الصف احد

---

(۱) ومنها القرآءة بالالحان ان غير المعنى والا لا. (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب مايفسد الصلوٰة ج۱ ص۵۸۹ ، ط. س. ج۱ ص ٦۳۰). ظفير

فوسع له فسدت بل يمكث ساعة ثم يتقدم برأيه (١) ودرشامي تصحيح عدم فساد نموده است: وقدمنا عن الشربنلالي عدم الفساد وتقدم تمام الكلام عليه (٢) الخ شامي جلد اول. فقط

اگربجاي عَلَيْكُمْ لفظ عَلَيْتُمْ بيرون شود آيا نماز ميشود يا نه؟ سوال: (١٣٣٢) اگر درصورت قرائت السَّلام عَلَيْكُمْ بجاي عليكم لفظ عليتم از دهن بيرون شود آيا نماز ميشود يا نه؟

جواب: نماز درست شده (٣). فقط

در چوغه وعمامه نماز ميشود يا نه؟ سوال: (١٣٣٣) امام كه لباس شرعي مثل جوغه وازار ورداء وعمامه را پوشيده امامت مي سازد وليكن پوشيدن اين لباس او راناخوش است آيانماز جائز مي شود يانه؟

جواب: نماز اداء ميشود.

اگر بالاي لباس اثر وداغ را بنگردچه بايد كرد؟ سوال: (١٣٣٤) امام محتلم شد ولباس هاي خودرا شسته وامامت را اداء مي نمود وبعد از دويا سه روز برقميص خود داغ واثر مني را مشاهده نمود اكنون اعاده نمودن نمازهاي اداء شده بكار است يانه؟ وهمچنان معلوم نيست كه كدام كدام اشخاص درآن نمازها با امام معيت داشتند ونماز را باجماعت همراه امام اداء نموده اند؟

جواب: درمورد همچو صورت دركتابهاي فقه چنين نوشته شده است: اگر يک انسان برلباس خود زياد از مقدار درهم داغ وأثر مني را مشاهده نمود وبعد ازخواب نهائي كه كدام نماز را درآن لباس اداء نموده است آنرا اعاده بايد نمود مثلا امروز بعد ازنماز ظهر برلباس مني رامشاهده نمود سپس اگردر حين چاشت همچنان خواب شده باشد ازآن وقت لباس هاي او پليد وناپاک دانسته ميشود. واگر در حين چاشت نخوابيده باشد بلكه از طرف شب خوابيده باشد پس از همان وقت لباس او ناپاک پنداشته ميشود واز همان وقت هرچند نمازها را كه اداء نموده باشد آنرا اعاده بايد نمود وهمچنان بقدر امكان مقتديها را نيز مطلع ساختن بكار است وهر

(١) ويتحرّى وهو بذل المجهود لنَيل المقصود للعاجز عن معر فة القبلة فان ظهر خطاه لم يعد لمامرّ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة واستقبال القبلة ج١ ص٤٠١ ، ط. س. ج ١ ص ٤٣٣). ظفير

(٢) الدر المختار على هامش رد المحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها تحت الفروع ج١ ص٥٨١ ، ط. س. ج ١ ص ٦٢٢. ظفير

(٣) ومنها الخروج بصنعه كفعله المنافي لها بعد تمامها (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلٰوة ج١ ص ٤١٨ ، ط. س. ج ١ ص ٤٤٨ – ٤٤٩). ظفير

كسيكه بيادش مي آيد او را آگاه ومطلع نمايد. كما في الدرالمختار: كما يلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب او فاقد بشرط اوركن الخ [1]. فقط

ذكر سري مفسد نماز است يا نه؟ **سوال:** (۱۳۳۵) مريدان بزرگان نقشبنديه موجب فهمانيدن مرشدان درنماز فرائض ونوافل ذكر سري مي نمايند كه الفاظ (لون) و(هون) مسموع ميشوند نماز فاسد خواهد شد يانه؟

جواب: ظاهر همين است كه نماز فاسد شود لهذا احتياط درين امر واجب است [2]. فقط

اندك انحراف مسجد ازقبله نمازهاى خوانده شده؟ **سوال:** (۱۳۳۶) در يكى از مساجد مردم نماز ميخواندند وبعد ازچند روز معلوم شد كه مسجد از جهت قبله منحرف است وبعد از تحقيق بعض مردم حسب سابق توجه مي نمايند ونماز را اداء ميكنند وبعضي مردم اندك از آن جهت تمايل نموده نماز را اداء مي نمايند؟ سپس اكنون آن عده مردم كه بجهت اول نمازاداء نموده اند آيا براى ايشان اعاده كردن نماز بكار است يانه وهمچنان قبل از تحقيق آن عده نمازها كه اداء شده است اعاده نمودن آن بكار است يانه؟ وهمچنان اگر كسي منحرف از قبله نماز بخواند آيا نمازش صحيح باشد يانه؟

جواب: آن عده مردم كه برجهت أول نماز ميخوانند نماز ايشان صحيح است وبر ايشان اعاده نمودن نمازهاي سابقه لازم نيست زيرا براندك انحراف از استقبال قبله كدام فرق وارد نمي آيد وهمچنان حساب قطبي نيز تحقيقي نيست بلكه تقريبي است. [3] فقط

در نماز فجر اگر آفتاب طلوع نمود آيا نماز فاسد ميشود يا خير؟ **سوال:** (۱۳۳۷) اگر در حين اداء نماز فجر آفتاب طلوع نمود آيا نماز صحيح است يا خير؟

جواب: نزد احناف نماز فاسد ميشود بناءا بعد ازطلوع وارتفاع آفتاب برايش اعاده نمودن نماز فجر لازم است. كما في الدر المختار والشامي: بخلاف الفجر فتبطل بطر الطلوع الذي هو وقت

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب المواضع التى تفسد صلاة الامام ، ج۱ ص ۵۵۳ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۱ – ۵۹۲). ظفير

(۲) وذكر فى الملتقط ان المصلى اذا لسعته الحية فقال بسم الله الرحمٰن الرحيم تفسد صلٰوته الخ وذكر فى الذخيرة انه اذا قال المريض يارب اوقال بسم الله لما يلحقه من المشقة الخ اما عندهما اى الطرفين فتفسد الخ (غنية المستملى). ظفير

(۳) فللمكى الخ اصابة عينها الخ ولغيره اى لغير معاينها اصابة جهتها بان يبقى شى من سطح الوجه مسامتا للكعبة الخ (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۳۹۷ ، ط. س. ج۱ ص۴۲۷-۴۲۸). ظفير

فساد الخ شامي. والاحاديث تعارضت فتساقطت الخ. الدرالمختار [۱] فقط.

بعوض ضاد ظاء خواندن نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۳۸) در نماز بجاي (ض) (ظ) خواندن نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: قبل از همه درمورد این مسئله ضرورت برآن احساس میشود که عمداً وقصداً از خواندن ظاء احتراز کرده شود بخاطر آنکه درآن مورد روایات فاسد شدن نماز حتما موجود است بلکه در شرح فقه اکبر از محیط نقل نموده است که تعمدا قرائت نمودن آن کفر است عبارتش قرار ذیل است: وفی المحیط سئل الامام الفضلی عمن یقرء الظاء المعجمة مکان الضاد المعجمة اویقرء اصحاب الجنة مکان اصحاب النار اوعلی العکس فقال لایجوز امامته ولو تعمد یکفر قلت اما کون تعمده کفراً فلا کلام فیه اذا لم یکن فیه لغتان ففی ضنین الخلاف سامی. [۲] اما مطلب بنده از تحویر سابق آنست که باوجود ارادۀ اداء نمودن ضاد از مخرج خویش اگر مشابهت باظاء یادال آید نماز صحیح است. درالدر المختار مذکور است: الا ما یشق تمیزه کالضاد والظاء فاکثرهم لم یفسدوها [۳]، در شامي مذکور است: قال فی الخانیة الاصل فیها اذا ذکر حرفا مکان حرف وغیر المعنی ان امکن الفصل بینهما بلا مشقة تفسد وان لا یمکن الا بمشقة کالظاء مع الضاد الخ قال اکثرهم لا تفسد وفی خزانة الاکمل قال القاضی ابو عاصم ان تعمد ذلک تفسد وان جری علٰی لسانه ولا یعرف التمیز لا تفسد وهو المختار علیه وفی البزازیة وهو اعدل الاقاویل وهو المختار [٤] الخ، وبنابرآن بسبب این احتیاط قراء وعلماء عرب قاطبه درموقع ضاد ازخواندن ظاء قطعا خود داري مي نمایند وضاد رابشکل دال مفخم اداء میکنند کما هو مشاهد ومعروف، فقط.

درلباس رشوت نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۳۹) درملبوسات رشوت نماز جائز است یا خیر؟

جواب: نمازاداء میشود اما آنکس عاصي وفاسق است یعني درکمائي نمودن لباس حرام نماز اداء نمودن مکروه [٥] است لکن نماز اداء میشود. فقط.

---

(۱) رد المحتار کتاب الصلاة تحت قوله بخلاف الفجر ج۱ ص ۳٤٦ ، ط. س. ج ۱ ص ۳۷۳. ظفیر

(۲) شرح فقه اکبر ص ۲۰٥ . ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار، باب مایفسد الصلٰوة مطلب زلة القاری ج۱ ص ٥۹۲ . ظفیر

(٤) رد المحتار ، باب مایفسد الصلٰوة مطلب زلة القاری ج۱ ص ٥۹۲ ، ط. س. ج۱ ص ٦۳۳ . ظفیر

با شکستاندن نیت امام نماز مقتدی فاسد میشود؟ سوال: (۱۳۴۰) امام در قعده أولی سهوه شد ومقتدیان با گفتن الله أکبر برایش اطلاع دادند وامام بنا برغلطي نماز راشکستاند آن عده مقتدیان که بجانب راست یا چپ بودند یا درصف دیگربودند براي ایشان عمل نبود که امام نماز را فاسد نموده وایشان بر آن نیت نخستین قائم بودند وچنان مي پنداشتند که بخاطر تکمیل نمودن رکعت سوم توقف نموده است اکنون امام رکوع رکعت نماز دیگر را کرده ومقتدیان همه با امام برکوع رفتند وامام چهار رکعت را کامل نموده سلام گردانیدند ومقتدیان نیز چهار رکعت را تکمیل کردند اکنون سوال چنین مطرح است آن عده مقتدیان که دوباره با امام نیت ننمودند بلکه با تکبیر گفتن امام برکوع رفتند آیا نماز آنها دراین صورت صحیح شده یا نه؟ وآن تکبیر نخستین که با امام درحین رفتن برکوع گفته بودند آیا تکبیر تحریمه محسوب خواهد شد یانه؟

جواب: دراین صورت نماز مقتدیان درست نشده است زیرا وقتیکه امام نماز خود راشکستاند سپس بالتبع نماز سائر مقتدیان فاسد گردیده وپس ازآن مقتدیان بنیت اقتداء نمودن تکبیر تحریمه را نگفته اند وثانیا نماز راشروع نکردند بلکه بر نماز نخستین که فاسد شده بود برآن بناء کردند واین قاعده است که بناء علی الفاسد فاسد است فلهذا ناگزیر نماز ایشان فاسد میباشد [۱]. فقط

جنبابدن پای راست در نماز مفسد نماز نیست: سوال: (۱۳۴۱) زید انگشت بزرگ پاي راست رادر نماز جنبانید آیا نمازش فاسد میشود یا نه؟

جواب: حرکت دادن انگشت بزرگ پاي راست مفسد صلاة نیست [۲]. فقط

مسجد ملکیت کسی نیست ودران نماز درست است: سوال: (۱۳۴۲) ان عده مردم قریه که مسجد قریه را ملکیت خود میدانند درآن مسجد شرعا نماز چگونه است؟

جواب: مسجد ملکیت کسي نمیباشد [۳] وبادعوا نمودن ملکیت کسي درآن کدام تغیري وارد نمیشود بناء درآن مسجد نماز صحیح است وثواب مسجد درآن حاصل میشود. فقط

---

(۵) ردالمحتار ، باب مایفسد الصلٰوة مطلب زلة القاری ج۱ ص ۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص ۶۳۳ . ظفیر

(۱) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة (الدرالمختار شامي کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۵٤). ظفیر

(۲) واذا ظهر حدث امامه وکذا کل مفسد فی رأی مقتد بطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۵۳ ، ط. س. ج۱ ص ۵۹۶). ظفیر

(۳) وأن المساجد لله (سورة الجن، آیة : ۱۸) ویزول ملکه عن المسجد والمصلي بالفعل وبقوله جعلته مسجدا عند الثاني وشرط محمد والامام الصلاة فیه بجماعة وقیل یکفي واحد وجعله في الخانیة ظاهر الروایة (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الوقف مطلب في احکام المسجد ج۳ ص ۵۱۰ – ۵۱۱ ، ط. س. ج٤ ص ۳۵۵ – ۳۵۶).

آنکس که موی زیرناف را نمیتراشد نمازش درست است: سوال: (۱۳۴۳) آنکسیکه موي زیر ناف را نمي تراشد آیا نماز او صحیح است یانه؟

جواب: نمازش صحیح است لکن این عمل قبیح است وموی زیر ناف را بیشتر از چهل روز باقي گذاشتن مکروه میباشد [۱]. فقط

اگر صحیح قرائت نمود نماز شده وسامع را اعتبار نیست: سوال: (۱۳۴۴) زید درنماز جهري سورة وَالْعَصْرِ راچنان تلاوت نمود که بالاي وَالْعَصْر وقف کرد وسامع آنرا وَالْعَص بحذف راء شنید، وثانیا بالاي لَفِیْ خُسْرٍ وقف کرد وسامع آن را لَفِیْ خُس باسقاط راء شنید اگر وقف آخر باسقاط حرکت یا بغیر از تنوین راء باشد درآن مقام وقف نمودن جائز است ویکي از آن مواضع هفده گانه که برآن وقف نمودن مفضي إلى الکفر منقول است ازحضرت علي (رض) فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ است که فساد آن اظهر من الشمس میباشد وعلاوه ازآن مواضع وقف کردن در مابین مبتداء وخبر صفت وموصوف فعل وفاعل ومستثنی منه، صله وموصول وغیر ذلک آنها بنا برقاعده نحوه فصل ووقف جائز وناجائز که آن موضع متنازع فیه جمله استثنائیه است.

جواب: اعتبار براي خواننده است، سامع اگر یک حرف را نشنود از آن عدم قرائت قاری لازم نمیشود بناء وقتیکه قاري وَالْعَصْرِ را تلاوت نمود وهمچنان اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ راتلاوت کرده است پس نماز شده وبرآن وقف نمودن کفر نیست وأما آن روایت که از حضرت علي (رض) در مورد وقف نمودن بر هفده مواضع منقول شده است که کفر میباشد وبرآن کفر لازم میشود آن روایت صحیح نیست [۲]. فقط

درحالت نماز رقص وغیره نماز را فاسد مینماید: سوال: (۱۳۴۵) بعض مردم درنماز شور وشغب مینمایند یعني چک، چک نمودن، ها هو، آواز کردن وجستن رقصیدن آیا این امور جائز است یا نه؟ وبرخي از ملایان متقد آنها میگویند که در الدر المختار وغیره کتاب هاي فقه

---

(۱) الافضل ان یقلم اظفاره ویحفی شاربه ویحلق عانته وینظف بدنه بالاغتسال فی کل اسبوع مرة فان لم یفعل ففی کل خمسة عشر یوماولایعذر فی ترکه وراء الاربعین الخ ویستحق الوعید کذا فی القنیة (عالمکیری مصری کتاب الکراهیة الباب التاسع عشر ج ۵ ص ۳۶۸ ، ط. ماجدیه ج۵ ص ۳۵۷). ظفیر

(۲) اذا وقف فی غیر موضع الوقف اوابتدأ فی غیر موضع الابتداء ان لم یتغیر به المعنی تغیرا فاحشا نحو انّ الذین اٰمنو وعملوا الصالحات ووقف ثم ابتدأ بقوله اولٰک هم خیر البریة لا تفسد بالاجماع بین علمائنا هٰکذا فی المحیط وکذا ان وصل فی غیر موضع الوصل الخ لا تفسد لکنه قبیح هٰکذا فی الخلاصة (عالمکیری مصری زلة القاری ج۱ ص ۷۵ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۸۱). ظفیر

نوشته شده است که بخاطر شوق جنت وخوف جهنم گریان نمودن نماز را فاسد نمیکنند آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: این امور فاسد کنندۂ نماز اند، واما درکتاب هاي فقه بدون شک گریان نمودن بخاطر شوق جنت وخوف جهنم را جائز نگاشته اند لکن چک چک کردن ورقصیدن را هیچکس جائز نه نوشته است، بویژه همچو حرکات را درنماز بالاتفاق مفسد صلاة قرار داده اند وتفصیله في کتب الفقه [1]. فقط

بر پول زکاة یا بوریایٔ خرید شده است بر آن نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱۳۴۶) اگر کسي به پول زکاة جاي نمازهاي خرید نموده وآن را بمساجد اعطاء نمود آیا براي مردم ثروتمند بالاي آنها نماز جائز است یا نه؟ ونماز ایشان درست خواهد شد یاخیر؟

جواب: نماز برآن جائز میشود اما زکاة او اداء نشده است [2]. فقط

اگر مقتدي با امام سجده تلاوت نکرد نمازش میشود یانه؟ سوال: (۱۳۴۷) اگر مقتدي سهوا با امام سجده تلاوت راننمود آیا نماز مقتدي درست شده است یا نه؟

جواب: هرآن سجده تلاوت که درنماز واجب گردد بعد ازنماز اداء نمیشود بلکه ساقط میگردد: وکل سجدة فی الصلٰوة ولم تؤد فیها سقطت ای لم یبق السجود لها لفوات محله [3] الخ شامی، بناءا معلوم شد که سجده ساقط شده ونیازي براي اعاده نمودن نماز نیسست واگر قصدا آن را ترک نموده باشد باید که توبه نماید، وفي البدائع: واذا لم یسجد اثم فتلزمه التوبة [4] الدر المختار. فقط

طوري قرائت نمودن که خودش نیز نشنود آیا نماز میشود یانه؟ سوال: (۱۳۴۸) درنماز اَلْحَمْدُ وسوره وغیره را طوري خواندند که آوازش بگوش هایش نیز نمي آید آیا نمازش میشود

---

(۱) والتنحنح بحرفین بلا عذر الخ اوبلا غرض الخ والانین الخ والتأوه الخ والتأفیف الخ والبکاء بصوت الخ لا لذکر جنة اونار الخ او یفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولاصلاحها (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلاة ج۱ ص ۵۷۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۱۸ – ۶۱۹). ظفیر

(۲) خرج کردن ومصرف نمودن پول زکاة دراعمار مساجد درست نیست زیرا در اینجا تملیک موجود نیست بناء زکاة او اداء نگردیده: یصرف المزکی الخ تملیکا لا اباحة کمامرّ لا یصرف الی بناء نحو مسجد ولا الی کفن میت الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج ۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۳) رد المحتار . باب سجود التلاوة تحت قوله اذا لم یسجد ج۱ ص۷۲۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۰ . ظفیر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۰ . ظفیر

یانه؟

جواب: درا ین مورد زیاد سخن صحیح وقابل اعتبار آنست که طوري قرائت نماید که کدام مانع نباش، بگوش هایش آواز بیاید واما کرخي (رح) وبلخي (رح) بغیر از این نیز نماز را صحیح میگویند، والاول اصح وارجح شامي [۱]. فقط

اگر تنها بوجه شک سجده سهوه بکند آیا نماز میشود یانه؟ سوال: (١٣٤٩) سجده سهوه را بلا سبب وجوب، کسي بنا برمحض شک اداء نماید آیا این نماز صحیح خواهد شد یانه؟

جواب: غیر ازسبب وجوب سجده سهوه محض بنا بر شک سجده سهوه کردن بکار نیست واگر اتفاقا بنا بر غلطي چنان کرد نماز میشود اما نیازي براي اعاده نمودن نماز نیست ودرآینده بنا بر چنان شک وشبه سجده سهوه کردن بکار نیست البته اگر گمان غالب برباقي ماندن واجب باشد پس سجده سهوه را حسب معمول بعد از یکطرف سلام گردانیدن اداء نماید. فقط

درائناء استعمال ناقوس نماز درست است یا نه؟ سوال: (١٣٥٠) درشهر پاني پت درمیان مسلمانان واهل هنود اندک تنازع بوقوع پیوست وباعث آن شد که دروقت نماز مغرب اهل هنود ناقوس را استعمال نمودند ویا منع نمودن منع نشدند ومعامله بدعوا ومقدمه رسید وبنا برمشوره وکیل مسلمانان دروقت نماز مغرب آذان گفتن رادر مساجد ونماز راترک نمودند آیادرجین استعمال ناقوس درآن مساجد اداء نمودن نماز صحیح است یا نه؟

جواب: در آن حالت نماز صحیح است [۲] وترک نماز وهمچنان ترک نمودن آذان وجماعت در آن مساجد عمل پسندیده نیست. فقط

اگر در روی نماز گذار زن یا کدام جانور عبور کند آیا نماز خواهد شد یا نه؟ سوال: (١٣٥١) اگر در پیشروي نماز خوان سگ یا کدام جانور دیگر یا زن عبور نماید آیا نماز اوفاسد میشود یانه؟

---

(١) وادنى الجهر اسماع غيره وادنى المخافتة اسماع نفسه (درمختار) اعلم انهم اختلفوا فى حد وجود القراءة على ثلاثة اقوال فشرط الهندوانى والفضلى لوجودها خروج صوت يصل اذنه وبه قال الشافعى وشرط المريسى واحمد خروج الصوت من الفم وان لم يصل الى اذنه لكن بشرط كونه مسموعا فى الجمله حتى لو دنى احد صماخيه الى فيه يسمع ولم يشترط الكرخى وابوبكر البلخى السماع واكتفيا بتصيح الحروف الخ وان ما قاله الهندوانى اصح وارجح لاعتماد اكثر علمائنا (ردالمحتار فصل فى القراءة ج١ ص ٤٩٨ ، ط. س. ج١ ص٤٣٤ — ٤٣٥). ظفير

(٢) زیرا هیچ چیز از مفسدات نماز یافته نشده است. ظفیر

جواب: اگر در پیشروي نماز خوان سگ یا کدام جانور دیگر یا زن مرور کند نماز او فاسد نمیشود در درالمختار است: ولا یفسدها مرور مارٍ الخ ولو امرأة او کلبا الخ [1] ودرشامي ازحلیه منقول است درآن مورد کدام حدیث که وارد است یا منسوخ میباشد ویا مؤول است، [2] کما هو منقول فی الشروح والحواشی، بهر حال اعاده نمودن نماز واجب نیست. فقط

باجنبیدن پاها نماز فاسد نمیشود: **سوال:** (۱۳۵۲) در نماز ازجای قیام هردو پاها را حرکت دادن نماز را فاسد می نماید یانه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نمیشود. فقط [3]

باسرائیدن ناقوس در نماز هیچ نقصان وارد نمیشود؟ **سوال:** (۱۳۵۳) اگر در وقت صلاة بنابر ضدیت ناقوس سرائیده شود وشور شغب ساخته شود آیا در نماز شرعا نقصان وارد نمیشود یانه؟

جواب: اگر انسداد نمودن آن بذریعهٔ حکام ممکن باشد پس مسدود نمودن آن ضرورت است اگر چه با سرائیدن ناقوس وشور شغب کسی درنماز فساد نمی آید لکن برای نماز خوانان سبب تشویش ونقصان، توجه قلب وعدم خشوع، وخضوع ازآن عارض میشود، فلهذا ضروری است که بذریعهٔ حکام، آنها دروقت نماز از این مسدود ومنع شوند، زیرا فقهاء کرام درحین اداء نماز در مسجد از ذکر جهری منع فرموده اند [4] زیرا به سبب آن توجه قلب مختل میگردد، وهمچنان ممکن است که از نماز خوان قرآئت وغیره فراموش شود، بناء وقتیکه درحین صلاة ذکر از ذکر جهري ممانعت شده پس استعمال باجه وسرائیدن ناقوس دراثناء نماز، سخن واضح وروشن است که بسیار عمل قبیح ونامناسب است اما چونکه مسلمانان را توانائی وقدرت نیست که آنها در انسداد آنها بپردازند وآن را مسدود نمایند، ناگزیر اگر ممکن باشد آن را بذریعهٔ حکام مسدود نمایند. فقط

---

(۱) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب مایفسدالصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۴. ظفیر

(۲) ولو امرأة اوکلبا بیان للاطلاق واشار به الی الرد علی الظاهریه بقولهم یقطع الصلوٰة مرور المرأة والکلب والحمار وعلی احمد فی الکلب الاسود والی ان ما روی فی ذالک منسوخ کما حققه فی الحلیة (رد المحتار باب ایضاً ج۱ ص ۵۹۳ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۴). ظفیر

(۳) وان حرک رجلاً واحدا لا علی الدوام لا تفسد صلوته (عالمگیری کشوری باب مایفسد الصلوٰة ج۱ ص۱۰۳ . ط. ماجدیه ج۱ ص ۱۰۳). ظفیر

(۴) ویکره الخ رفع صوت بذکر (درمختار) لانه حیث خیف الریاء اوتاذی المصلین الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة مطلب فی رفع الصوت بالذکر ج۱ ص ۶۱۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۹ — ۶۶۰). ظفیر

مقصد از محاذات بودن زن: سوال: (١٣٥٤) مراد از محاذات زن چیست واین تنها از زن اجنبی میباشد یا از زن محرم نیز؟

جواب: محاذات زن برسه طرح وسه جوانب مفسد نماز است، درشامی است: وقد صرحوا بان المرأة الوحدة تفسد صلٰوة ثلٰثة الخ من عن یمینها ومن عن یسارها ومن عن خلفها [١]، واین عبارت عام است خواه زن محرمه باسد یا غیر محرمه باشد، شامی. [٢]

اگر مرد زن را بوسه نمود یازن مرد را آیا نماز میشود یانه؟ سوال: (١٣٥٥) مرد درنماز بود که زن اورا بوسه نمود وازآن براي مرد خواهش پیدا شد نمازش فاسد میشود اگر چه این عمل خود او نبوده است، وهمچنان زن نماز میخواند که مرد اورا بُوسه نمود واز آن براي زن شوق وخواهش پیدا شد ونماز زن فاسد نمیشود اگر چه این نیز فعل خود او نبوده این قول زید صحیح است یانه؟

جواب: در درالمختار این مسئله طوري نوشته است که اگر مرد زن را در نماز بوسه نمود به این معنی که زن نماز میخواند ومرد از اوبوسه گرفت خواه شهوت باشد خواه نباشد نماز زن فاسد میشود. واگر مرد نماز میخواند وزن او را بوسه نمود واز آن شهوت مرد برانگیخته شده نماز مرد نیز فاسد شده واگر شهوت مرد پیدا نشده بود پس نماز او فاسد نخواهد شد وعبارت ازآن قرار است: مسها بشهوة اوقبلها بدونها فسدت لا لو قبّلت ولم یشتهها [٣] الخ در المختار. فقط

پوست کارت یا قطي گوگرد درجیب باشد آیا نماز میشود یانه؟ سوال: (١٣٥٦) (١) پستکارت وسکه مروجه وهمچنان قطي گوگرد که برآن عکس جانور ذي روح باشد اگر درجیب گذاشته شود ونماز بخواند آیا نماز درست میباشد یانه؟

موی ریش که چسپیده باشد نماز فاسد نمیشود: سوال: (١٣٥٧) (٢) موي شکسته شدهٔ ریش که در ریش چسپیده باشد آیا در نماز کدام فرق وارد نمیشود؟

جواب: (١) نماز همراهش صحیح است. [٤]

---

(١) ردالمختار باب الامامة مسئله محاذات ج١ ص ٥٣٥ ، ط. س. ج ١ ص ٥٧٢ . ظفیر

(٢) المرأة اذا صلت مع زوجها فی البیت ان کان قدمها بحذاء قدم الزوج لاتجوز صلاتهما بالجماعة (ایضًا) قوله غیر معلول بالشهوة ، ای لیست علة الفساد الشهوة ولذا فسدنا بالعجوز الشوهاء وبالمحرم کاُمه وبنته (ایضًا ج١ ص ٥٣٩ ، ط. س. ج١ ص٥٧٢). ظفیر

(٣) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج١ ص٥٨٧، ط.س. ج١ ص٦٢٨. ظ

(٤) وان یکون فوق راسه اوبین یدیه اوبحذائه تمثال الخ ولایکره لوکانت تحت قدمیه الخ اوعلی خاتمه بنقش غیر مستبین قال فی البحر =

جواب: (۲) همراهش درنماز کدام خلل واقع نمیشود زیرا این شکسته شده پلید وناپاک نیست. فقط

در حالت نماز عارض شدن خیالات دنیاوی نماز را فاسد نمی نماید: سوال: (۱۳۵۷) درنماز عارض شدن تصورات دنیاوي وپیدا شدن وساوس نماز صحیح است یانه؟

جواب: درنماز باعارض شدن تصورات دنیاوي نماز فاسد نمیشود وحتی المقدور آن تصورات ووساوس را دفع نمائید [1].

اگر امام مسافر نماز را کاملاً اداء کرد پس نماز مقتدي نخواهد شد: سوال: (۱۳۵۹) یک امام مسافر بنا بر فراموشي بجاي دو رکعت چهار رکعت را اداء نمود حالانکه سائر مقتدیان مقیم بودند وآن عده مردم که در دو رکعت آخري شامل شده اند بس اکنون نماز امام ومقتدیان صحیح است یانه؟

جواب: نماز امام مسافر دراین صورت میشود اما سجدهٔ سهوه بر او لازم است ومتباقي نماز مقتدیان صحیح نیست [2]. فقط

درحالت نماز ازصحن مسجد بداخل مسجد رفتن نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۳٦۰) زید درصحن مسجد امامت میداد که آب بشدت آمد واو نیت زا شکستاند وبکر مقتدي بود برایش گفت که باید بغیر از تحویل وجه بداخل میرفتي ومقتدیان نیز بداخل رفته میتوانستند وشکستاندن نماز لازم نبود زید برایش گفت: که بر این طرح عمل کردن نماز فاسد میشود زیرا این عمل کثیر است بناء درآن مورد قول زید صحیح است یا قول بکر؟

جواب: دراین صورت قول زید درست است وبراي زید همانطور عمل کردن مناسب وبکار بود زیرا درین صورت وقتیکه نماز را از سر نو اداء کند بلا خلاف صحیح است واگر او در نماز داخل مسجد رفته باشد وبعد از او مقتدیان نیز بتعقیب او رفته باشند پس درآن صورت از سائر

= ومفاده كراهة المستبين لا المستتر بكيس او صرّة او ثوب أخر اوكانت صغيرة لا تتبين تفاصيل اعضائها للناظر قائما الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ويكره فيها ج۱ ص٦٠٦ – ٦٠٧ ، ط. س. ج ۱ ص٦٤٨). ظفير

(۱) عن ابی هريرة ﷺ قال قال رسول ﷺ ان الله تجاوز عن اُمتی ما وسوست به صدرها ما لم تعمل به او تتكلم متفق عليه. (مشكوٰة باب الوسوسه ص ۱۸). ظفير

(۲) ولو نوى الاقامة لا لتحقيقها بل ليتم صلوٰة المقيمين لم يصر مقيما(در المختار) فلو اتم المقيمون صلاتهم معه فسدت لانه اقتداء المفترض بالمتنفل، ظهيريه، اى اذا قصدوا متابعته اما لو نووا مفارقته ووافقوه صورة فلا فساد (ردالمحتار باب صلاة المسافر ج۱ ص۷٤۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۰). ظفير

ایشان عمل کثیر صادرشده که عند البعض عمل کثیر مفسد است وتفصیل آن درشامي موجود است [١]. فقط

باترک نمودن إماله برمجریها نماز میشود یانه؟ **سوال:** (١٣٦١) درایت: بِسْمِ اللهِ مَجْرِيْهَا اگر إماله ترک شود نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز مي شود اما این تخطي قرائت است که با إماله خوانده نشود. فقط

با دکمهای صلیبی نماز جائز است یانه؟ **سوال:** (١٣٦٢) دکمه هاي صلیبي که در لباس نصب گردیده باشد همراهش نماز خواندن جائز است یا نه؟ وهمچنان این دکمه هاي صلیبي حلال وپاک است یانه؟

جواب: نماز صحیح است وصلیب حلال وپاک است [٢]. فقط

با ترک شدن برخی از حصه قرآئت نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (١٣٦٣) رکوع آخرین سوره مزمل در نماز تلاوت شد اما سهوا آیت: وَمَا تُقَدِّمُوْا، تابه: وَأَعْظَمَ اَجْرًا، ترک شد آیا نماز درست شده است یانه؟ ودرآن صورت زید اعادۀ نماز را واجب میگوید.

جواب: نماز درست شده وقول زید صحیح نیست کذا في الدر المختار وغیره من کتب الفقه [٣] فقط.

بنا بر فراموشي امام فتحه دادن درست است: **سوال:** (١٣٦٤) (١) امام در نماز جهري: تَبَّتْ يَدَآ اَبِيْ لَهَبٍ وَّتَبَّ، را تلاوت نمود ومتباقي از وي فراموش شد ومقتدي برایش فتح داد وامام متباقي آیت هارا تلاوت نموده برکوع رفت ودر نهایت سجده سهوه راهمچنان اداء کرد آیا

---

(١) ويفسدها كل عمل كثير ليس من اعمالها ولا لاصلاحها (در المختار) الثالث الحركات الثلاث المتوالية كثير والاً فقليل الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ج١ ص٥٨٣ – ٥٨٤) مشى مستقبل القبلة هل تفسد ان قدر صف ثم وقف قدر ركن ثم مشى ووقف كذالک وهكذا لاتفسد وان كثر ما لم يختلف المكان وقيل لا تفسد حالة العذر ما لم يستدبر القبلة استحسانا (در مختار) اما ان كان اماما فجاوز موضع سجود فان بقدر ما بينه وبين الصف الذى يليه لا تفسد وانْ اكثر فسدت وان كان منفردا فالمعتبر موضع سجوده فان جاوزه فسدت والاً فلا الخ قوله: لا تفسد حالة العذر الخ والقياس الفساد اذا كثر الخ ثم اختلفوا فى تاويله اذا لم يجاوز الصفوف او موضع سجوده والا فسدت وقيل اذا لم يكن متلاحقًا بل خطوة ثم خطوة فلو متلاحقا تفسد وان لم يستدبر القبلة لانه عمل كثير الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج١ ص٥٨٦ – ٥٨٧ ، ط. س. ج١ ص٦٢٤ - ٦٢٥). ظفير

(٢) وشعر الميتة وعظمها الخ وكذا كل ما لا تحله الحياة الخ طاهر (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب المياه ج١ ص١٩٠ ، ط. س. ج ١ ص ٢٠٦). ظفير

(٣) وتجب قراءة الفاتحة وضم السورة اوما يقوم مقامهما من ثلاث ايات قصار او أية طويلة (عالمكيرى واجبات الصلٰوة ج١ ص٦٦ ، ط. ماجديه. ج١ ص٧١). ظفير

نماز امام ومقتدي وفتح دهنده صحيح شده يانه؟

اگر امام فتح را نگیرد آیا نماز فتح دهنده فاسد میشود یانه؟ سوال: (١٣٦٥) (٢) اگر امام فتح را نگیرد آیا نماز مقتدي فتح دهنده فاسد میشود یا نه؟

جواب: (١) نماز مقتدي وفتح دهنده در این صورت صحیح شده وهمچنان نیازي براي سجده سهوه نیست واگر سجده سهوه بنا بر غلطي اداء شده باز هم نماز درست شده است كذا في الدر المختار (١).

جواب: (٢) نماز فاسد نمیشود. فقط

در موتر حامل گاوها که در جریان ورفتار باشد درآن نماز جائز است یانه؟ سوال: (١٣٦٦) در موتر حامل گاوها که در رفتار باشد نماز جائز است یانه؟

جواب: در قطار که در رفتار باشد نماز جائز است واما در موتر حامل گاوها بلا عذر نماز درست نیست (٢).

نماز غلط خوان درست است یا نه؟ سوال: (١٣٦٧) شخص درقرائت: وَلَا الضَّآلِّيْنَ، گوید ویا: رَوبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، گوید نماز درست است یا نه؟

جواب: درین صورت نماز درست نخواهد شد وحکم اللثغ وغیره درکتب فقه باید دید (٣). فقط

آب که در مشک آورده میشود اگر اجرت آن داده نشود آیا بر آن آب نماز ووضوء جائز است یانه؟ سوال: (١٣٦٨) در یک مسجد بخاطر وضوء وغیره مزدور مقرر میشود که آب بیاورد وبرایش گفته میشود که ذخیرهٔ آب مسجد را بوجه أحسن مملوء وپر کند وأجرت آن برایت داده میشود وبعد از مدت یکسال مزدوري آب را مطالبه مي نماید ودرآن اثنا بعضي درآن

---

(١) بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقًا لفاتح واخذ بكل حال (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة ج١ ص٥٨٢ ، ط. س. ج ١ ص٦٢٢). ظفير

(٢) واما الصلوة على العجلة ان كان طرف العجلة على الدابة وهى تسير اولا تسير فهى صلوة على الدابة فتجوز فى حالة العذر المذكور فى التيمم لا فى غيرها ومن العذر المطرٌ وطينٍ يغيب فيه الوجه الخ (در المختار) قوله المذكور فى التيمم بان يخاف على ماله او نفسه او تخاف المرأة من فاسق (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى الصلوة على الدابة ج١ ص٦٥٦ ، ط. س. ج٢ ص٤٠). ظفير

(٣) ولا غير الالثغ به اى بالالثغ على الاصح كما فى البحر عن المجتبى وحرر الحلبى وابن الشحنة انه بعد بذل جهده دائما حتمًا كالامى فلا يوم الاّ مثله ولا تصح صلاته اذا امكنه الاقتداء بمن يحسنه الخ (درالمختار) اللثغ التحريك قال فى المغرب هو الذى يتحول لسانه من السين الى الثاء وقيل من الراء الى الغين او اللام او الياء ، زاد فى القاموس اومن حرف الى حرف الخ الاحوط عدم الصحة (ردالمحتار باب الامامة، مطلب في الألثغ ج١ ص٥٤٤ ، ط. س. ج ١ ص ٥٨١ – ٥٨٢). ظفير

فکر اند که مزدوري برايش داده شود وبرخي درآن فکر هستند که مزدوري برايش داده نشود اکنون آن عدهٔ که وضوء ونماز بر آن نموده اند آيا آن وضوء ونمازها درست است يانه؟

جواب: دادن اجرت ومزدوري ساقي که آب را آورده است برايش بکار است [1] وضوء ونمازهاي همه درست است. فقط

تعديل نمودن در جلسه وقومه: سوال: (١٣٦٩) در قومه وجلسه نماز جمعه امام آنقدر درنگ ومکث مي نمايد که درآن مدت يک سورهٔ کوچک بوجه أحسن تلاوت شده ميتواند بناء درنماز با همچو عمل کدام نقصان واقع نميشود؟

جواب: در اين صورت نماز صحيح است وهيچ نقصان در نماز نيامده است. [2] فقط

به اساس کاهش رکعت امام نماز همه فاسد ميشود: سوال: (١٣٧٠) درنماز مغرب امام دو رکعت را اداء نموده اند ورکعت سوم را اداء نه کردند آيا نماز درست شده است يا نه؟

جواب: در اين صورت نماز امام ومقتديان درست نشده است واعاده نمودن از نماز بکار است [3]. فقط

ضم نمودن سورت در هر چهار رکعت فرائض نماز فاسد نميشود: سوال: (١٣٧١) درهرچهار رکعت نماز عصر ضم سورت نمود آيا نماز بغير از سجده سهوه ميشود يانه؟

جواب: نمازش بغير از سجدهٔ سهوه درست شده است [4].

اگر مقتدي با امام رکوع نکرد او چه بايد کرد؟ سوال: (١٣٧٢) مقتدي از ابتداء درنماز شريک است وبنا برکدام وجه رکوع نمودن از وي فراموش شد وبعد ازآن درسجده شريک شد آيا نماز درست شده است يا نه؟

---

(١) قال رسول الله ﷺ اعطوا الاجير اجراً قبل ان يجف عرقه رواه ابن ماجه (مشکوٰة باب الاجارة ص٢٥٨). ظفير

(٢) وتعديل الارکان اى تسکين الجوارح قدر تسبيحة فى الرکوع والسجود وکذا فى الرفع منهما على ما اختاره الکمال (درالمختار) اى يجب التعديل ايضاً فى القومة من الرکوع والجلسة بين السجدتين الخ (رد المحتار باب صفة الصلٰوة مطلب واجبات الصلاة ج١ ص٤٣٢ ، ط. س. ج ١ ص ٤٦٤). ظفير

(٣) واذا ظهر حدث امامه وکذاکل مفسد فى راى مقتد بطلت فيلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا (درالمختار) فلو قال المصنف کما فى النهر ولوظهر ان بامامه مايمنع صحة الصلٰوة لکان اولى ليشمل ما لو اخذ بشرط اورکن الخ (رد المحتار باب الامامة ج١ ص ٥٥٣ ، ط. س. ج ١ ص ٥٩١). ظفير

(٤) واکتفى المفترض فيما بعد الاوليين بالفاتحة فانها سنة على الظاهر ولو زاد لا باس به (در المختار) اى لو ضم اليها سورة لاباس به لان القراءة فى الاخريين مشروعة من غير تقدير والاقتصار على الفاتحة مسنون لا واجب فکان الضم خلاف الاولى وذٰلک لا ينافى المشروعية والاباحة بمعنى عدم الاثم فى الفعل والترک (رد المحتار باب صفة الصلاة فصل تاليف الصلاة ج١ ص ٤٧٧، ط. س. ج ١ ص٥١١). ظفير

جواب: براي آن مقتدي لازم است که اگر درداخل نماز رکوع نکرد بعد از فراغت امام قیام نماید ورکوع کند وسجده سهوه نماید درآن وقت نماز خواهد درست شد. [(١)] فقط

بعد از سلام گردانیدن در مابین نماز نماز فاسد میشود: سوال: (١٣٧٢) امام سهوا بعد از سه رکعت سلام گردانید وکسي او را فتحه نداد ودرآن اثنا فیما بین امام ومقتدیان بسیار گفتگو وکلام شد سپس باقي یک رکعت اداء شد یا چهار رکعت وحدیث کلام منسوخ است یا نه؟

جواب: هرگاه بعد از رکعت سوم سلام گردانید ودرمیان امام ومقتدیان کلام صورت گرفت بناءا اعاده نمودن هر چهار رکعت ضروري است زیرا حدیث کلام یا مؤول است یا منسوخ میباشد وظاهر آن قابل عمل نیست زیرا کلام منافي نماز است [(٢)] قال الله تعالی: وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِیْنَ. فقط

سجدۂ سهوه قائم مقام رکعت نیست: سوال: (١٣٧٤) (١) امام درنماز عشاء بعد از اداء نمودن سه رکعت سهوا بر آن فکر نشست که چهار رکعت کامل شده لکن فورا برایش یقین حاصل شد که سه رکعت شده است والتحیات لله را تکمیل کرده سجده سهوه نمود وبر همان سه رکعت سلام گردانید آیا نماز شد یانه؟

کسیکه اعاده نمود نماز او درست شده است: سوال: (١٣٧٥) اگر کسي تنها نماز را اعاده نمود آیا عمل پسندیده شده یا نه؟

جواب: (١) درآن حالت نماز درست نشده است [(٣)].

جواب: (٢) اعاده نمودن نماز براي همه ضروري است وکسیکه بتنهائي نماز را اعاده نمود نماز اوصحیح شده است [(٤)]. فقط

---

(١) ورعاية الترتيب بين القراءة والركوع وفيما يتكرر اما فيما لا يتكرر ففرض كمامر فى كل ركعة كالسجدة او فى كل الصلٰوة كعدد صلاتها حتى لو نسى سجدة من الاولى قضاها ولو بعد السلام قبل الكلام لكنه يتشهد ثم يسجد للسهو ثم يتشهد الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلاة ج١ص ٤٢٩ وج١ ص٤٣٢ . ط. س. ج ١ ص ٤٦٠ وص ٤٦٣). ظفير

(٢) يفسدها التكلم هو المنطق بحرفين اوحرف ولو مفهم الخ عمده وسهوه قبل قعوده قدر التشهد سيان الخ وحديث ذى اليدين منسوخ بحديث مسلم انّ صلاتنا هذا لا يصلح فيها شيئ عن كلام الناس (والتفصيل فى الشامى) (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج١ص ٥٧٤ – ٥٧٥ ، ط. س. ج ١ ص ٦١٣). ظفير

(٣) تلافي رکعت بسجده سهوه نمیشود فلهذا نماز درست نشد وسجده براي ترک واجب وبخاطر تقدیم وتاخیر آن میباشد: يجب الخ بترك الخ واجب مما مر فى صفة الصلٰوة سهوًا الخ وتاخير قيام الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج١ص ٦٩٣ ، ط. س. ج٢ ص ٧٩ – ٨٠). ظفير

(٤) واذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد فى رأى مقتد بطلت فيلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا كما يلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث او جنب او فاقد شرط او ركن (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الامامة ج١ص ٥٥٣ ، ط. س. ج١ =

همزه وسين اگر غلط اداء شود آيا نماز فاسد ميشود يانه؟ **سوال:** (١٣٧٦) زيد در نماز در سورة قيامة: لِسَانَكَ بِهِ، را بهمزه تلاوت نمود وهمچنان در: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ، بجاي (بَاسِرَةٌ) (بَاصِرَةٌ) تلاوت نمود آيا درين صورت نماز فاسد ميشود يانه؟

جواب: در آن هر دو صورتين نماز درست شده است ولِسَانَكَ را مهموز تلاوت نمودن لحن في الاداء است ومعنى متغير نميشود واما درمعنى (بَاسِرَةٌ) و (بَاصِرَةٌ) فرق است لكن اين فرق شكننده نماز نيست زيرا قسميكه: وَجُوهٌ بَاسِرَةٌ، شديد العبوس ميباشد همچنان (بَاصِرَةٌ) نيز ميباشد يعني كسيكه بيننده نيز همانطور ميباشد فلا فساد [1] الخ. فقط

طريقه فتحه دادن چگونه است؟ **سوال:** (١٣٧٧) اگر امام در نماز سهوه شد پس طريقۀ فتحه دادن براي امام چگونه است؟

جواب: باگفتن سبحان الله براي امام فتحه بايد داده شود [2]. فقط

اگر امام التحات را ترک نمايد وقيام ورزد، اورا با (التحيات) گفتن ياد دهانى نمودن چگونه است؟ **سوال:** (١٣٧٨) اگر درقعده اولى ازامام التحيات فراموش شد ودر صدد قيام بود كه مقتدي برايش باگفتن (التحيات) بيادش نمود پس آيا در نماز كدام جرح واقع ميشود؟

جواب: در اين صورت گفتن سبحان الله بكار است واگر لفظ التحيات را بگويد نيز نماز صحيح است.

فتحه دادن با سبحان الله از حديث ثابت است: **سوال:** (١٣٧٩) يک شخص بر سهو امام درهر موقع گفتن سبحان الله را افضل ميگويد آيا اين امر از حديث ثابت است يا خير؟

جواب: درحديث شريف بعينه همانطور وارد شده است [3]. فقط

در وقت رفتن بسجده پا جامه يا ازار را بلند نمودن مفسد صلاة است يا نه؟ **سوال:**

= ص ٥٩١). ظفير

(١) ومنها القراءة بالالحان إن غيّر المعنى وإلا لا (درمختار) أى وإن لم يغيّر المعنى فلا فساد الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلوة ج١ ص ٥٨٩ ، ط. س. ج ١ ص ٦٣٠) اوبدله بآخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ايضا ج١ ص ٥٩٢ ، ط. س. ج١ ص٦٣٣). ظفير

(٢) او يدفع بالتسبيح لما روينا من قبل، هدايه، قوله: لما روينا من قبل يعني قول النبي ﷺ إذا نابت أحدكم نائبة وهو في الصلوة فليسبح (حاشيه هدايه ص ١٢٤ باب ما يفسد الصلوة). ظفير

(٣) قا ل عليه الصلوة والسلام والتسبيح للرجا ل والتصفيق للنساء (ردالمحتار باب شروط الصلوة ج١ ص ٣٧٧ ، ط. س. ج١ ص ٤٠٦). ظفير الدين غفرالله له

(۱۳۸۰) اگر کسي در نماز در وقت رفتن بسجده با هر دو دست ازار خود را بلند نماید آیا این فعل در عمل کثیر داخل است یا نه؟

جواب: این عمل در فعل کثیر داخل نیست وهمچنان مفسد صلاة نیز نمیباشد البته همچو عمل پسندیده نیست [۱]. فقط

نماز فرض عشاء را بی وضوء اداء نمود، سنت ووتر را با وضوء آیا سنت را نیز اعاده نماید؟ **سوال:** (۱۳۸۱) اگر بنا برفراموشي نماز فرض عشاء را بي وضوء اداء نمود واما سنت ووتر را با وضوء اداء نماید ودرهمان اثناء بیادش آید بناء با فرض اعاده نمودن بسنت بکار است نه از وتر بنزد امام صاحب رح وبنزد صاحبین اعاده وتر را نیز باید کرد وجه ودلیل آن چیست؟

جواب: این مسئله اداء نمودن نماز در داخل وقت است، واما وجه اعاده نمودن سنت وعدم اعاده نمودن وتر موافق مذهب امام اعظم آنست، وقتیکه فرض عشاء درست نشده ناگزیر با اعاده نمودن فرض اعاده نمودن سنت نیز باید بشوذ زیرا سنت تابع فرض است واما وتر چونکه واجب مستقل است وبا وضوء اداء شده است بناء اعاده نمودن آن ضروري نیست واما صاحبین رح چونکه وتر را سنت میگویند فلهذا ایشان حکم به اعاده نمودن وتر را بافرض نیز مي نمایند وصور مسئله آنست که بعد از نماز درداخل وقت بیادش آید واگر بعد از مرور وقت بیادش آمد پس تنها فرض عشاء را اداء نماید [۲]. فقط

بپالش اسرت نماز درست است یانه؟ **سوال:** (۱۳۸۲) هل تجوز الصلوة على الموائد اللتي تزين بخلاصة الخمر أم لا ؟

جواب: ما كان فيه إختلاط خلاصة الخمر (سپرت) فهو نجس لا تجوز الصلوة عليه بلا بسط الثوب الطاهر. فقط [۳]

فتح دادن لاحق درست است: **سوال:** (۱۳۸۳) در نماز وضوء یک مقتدي شکست وقتیکه

---

(۱) ويفسدها كل عمل كثير ليس من اعمالها ولا لإصلاحها وفيه أقوال خمسة أصحها ما لايشک بسببه الناظرين من بعيد في فاعله أنه ليس فيها وإن شک انه فيها أم لا، فقليل (درمختار) القول الثاني أن ما يعمل عادة باليدين كثير وإن عمل بواحد الخ وماعمل بواحدة قليل وإن عمل بهما كحل السراويل الخ (رد المحتار باب مايفسد الصلوة ج۱ ص ۵۸٤ ، ط. س. ج۱ ص ٦۲٤ – ٦۲۵). ظفير

(۲) وعلى هذا إذا صلى العشاء ثم توضا وصلى السنة والوتر ثم تبين أنه صلى العشاء بغير طهارة فعنده يعيد العشاء والسنة دون الوتر لأن الوتر فرض على حدة عنده وعندهما يعيد الوتر ايضا لكونه تبعا للعشاء والله اعلم. (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص ۱۳۹). ظفير

(۳) وبه يعلم أن ما يستقطر من دردى الخمر وهو المسمى بالعرقى في ولاية الروم نجس حرام كسائر أصناف الخمر (ردالمحتار باب الأنجاس مطلب العرقي الذي يسقي من دردى الخمر ج۱ ص۳۰۰، ط. س. ج۱ ص۳۲۵). ظفير

بخاطر وضوءِ کردن رفت وخارج نماز کدام فعل منافي نماز را انجام ننموده اکنون امام سهوه شد ووضوء کننده برایش فتحه داد در حالیکه خارج از مسجد بود اکنون شاه صاحب نوشته است که در نماز کدام نقصان وارد نمیشود وشما نوشته اید که نماز درست نیست؟

جواب: با فتح دادن لاحق وگرفتن امام فتح او را درنماز هیچ خلل واقع نمیشود وهمان صحیح است [۱] زیرا که او حکما امام است براي لاحق وبراي امام فتح دادن ورفتن در نماز کدام فساد نمي آید. ونگارش قبلي بیادم نیست وشاید که آن نوشته در آن صورت باشد که لاحق کدام عمل مفسد صلاة را انجام داده باشد فقط.

تنها بخاطر حسن صوت سلفه نمودن مفسد صلاة است یا خیر؟ **سوال:** (۱۳۸٤) اگر امام بدون عذر درنماز حنجرهٔ خود را تنها بخاطر زینت بخشیدن صوت تازه نمود که به سه بار میرسید بناء با تنحنح نمودن نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: قال في الدرالمختار: والتنحنح بلا عذر الخ فلو لتحسین صوته الخ فلا فساد علی الصحیح [۲] پس معلوم گردید ازعبارت فوق که براي تحسین صوت تنحنح نمودن نماز فاسد نمیشود خواه سه مرتبه باشد یا کم وبیش باشد: لا طلاق الروایة.

اگر در جنگل نمازخوان ستره را نصب نکند ازکدام جای عبور نمودن بکار است؟ **سوال:** (۱۳۸۵) اگر یک شخص درمسجد یا جنگل نماز اداء مي نماید وستره را نصب ننموده پس تا به کدام حد از پیش روي او عبور نمودن بکار نیست؟

جواب: در جنگل نظر نماز خوان تا به کدام حدي که میرسد ازان به پیش از پیش روي او رفتن درست است [۳]. فقط

با شنیدن صدای تفنگ اگر از دهن نماز خوان إلا الله بیرون شود آیا نماز میشود یانه؟

سوال: (۱۳۸٦) یک شخص نماز اداء مي نمود که ناگهان بگوشش صداي تفنگ یا مرمي آمد

---

(۱) واللاحق من فاتته الرکعات کلها اوبعضها لکن بعد اقتدائه الخ وحکمه کمؤتم الخ (ایضاً باب الامامة ج۱ ص۵۵۷ ، ط. س. ج۱ ص٥۹٤). ظفیر

(۲) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۷۸ ، ط. س. ج۱ ص٦۱۸. ظ

(۳) ولا یفسدها نظره الی مکتوب الخ ومرور مار فی الصحراء وفی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح مروره بین یدیه الخ فی بیت ومسجد صغیر الخ وان اثم المارّ فی ذالک المرور لو بلا حائل الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص٦۳٤ – ٦۳٦). ظفیر

وبلا إختيار از دهن او إلا الله خارج شد آيا دراين صورت نماز فاسد ميشود يا خير؟ وهمچنان لفظ الا الله بغير از ذكر نمودن لا إله جائز است يانه؟

جواب: قال في الدرالمختار: ولو سقط شيئ من السطح فَبَسْمَلَ او دعٰى لاحد او عليه فقال آمين تفسد ولا يفسد الكل عند الثانى والصحيح قولهما الخ ، وفى رد المحتار قوله: فبسمل يشكل عليه ما فى البحر لو لدغته عقرب او اصابه وجع فقاجل بسم الله قيل افسد لانه كالامين وقيل لا لانه ليس من كلام الناس. وفى النصاب عليه الفتوى وجزم به فى الظهيرية وكذا لو قال يا رب كما فى الذخيرة [1] الخ، پس معلوم شد كه در صورت بسمله راجح عدم فساد نماز است، وذكر إلا الله بدون لآ اله درميان صوفيان كرام معروف ورائج است ودرست است زيرا مقصود درآن اثبات بعد النفي است فلهذا بخاطر برآورده نمودن آن مقصد صوفيان كرام وقتيكه ذكر مي نمايند نخست ايشان كاملا كلمه لا إله الا الله را ميگويند وسپس با نفي اول كلمۀ اثبات را يكجا وپيهم مي نمايند واين سخن ظاهر است كه مقصد اصلي از إلا الله همين ميباشد كه هيچكس معبود ومقصود بغير از الله (ج) نه نيست. فقط

در نماز جمعه فتحه دادن درست است يا نه؟ سوال: (۱۳۸۷) زيد در نماز جمعه امام بود واو سورت هَلْ اَتٰى الخ شروع نمود ودرآخر سهو شد بكر كه مقتدي بود برايش فتحه داد بناء در اين صورت نماز درست شده است يانه؟

جواب: در اين صورت نماز درست شده ايست. [2]

درحالت خوف دركجاوه نماز درست ميشود يا نه؟ سوال: (۱۳۸۸) (۱) كدام قافله كه از مكه مكرمه به مدينه منوره ميرود پس اگر از شغدف يا از كجاوه پائين شود از قافله دور ميشود كه درآن حالت خوف هلاكت جان ميباشد فلهذا اداء نمودن نماز عصر در كجاوه چگونه است؟

در وقت مكث نمودن قافله دركجاوه نماز خواندن چه حكم دارد؟ سوال: (۱۳۸۹) (۲) در وقت مغرب قافله لحظات درنگ ومكث مي نمايد وسائر آنكسان بر زمين نماز را اداء مي نمايند اما بعضي حجاج از شغدف يا كجاوه پائين ميشوند واستنجاء ووضوء ميكنند واپس ميروند

(۱) رد المحتار باب ما يفسد الصلٰوة وما يكره فيها ج۱ ص۵۸۱ ، ط. س. ج۱ ص ۶۲۱ – ۶۲۲ . ظفير

(۲) بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقا لفاتح وأخذ بكل حال (الدرالمختار باب مايفسد الصلاة وما يكره فيها ج۱ص ۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲) وايضا مطالعه كنيد: عالمگيرى كشورى ج۱ ص۹۸. ظفير

ودر کجاوه نماز را اداء مي کنند آیا این عمل جائز است یا نه؟

درووقت شب درکجاوه نماز درست است یا نه؟ سوال: (۱۳۹۰) (۳) نماز عشاء را شوافع دروقت مغرب اداء مي نمایند واین وقت بیسار خوفناک میباشد.

نماز فجر در شغدف یا کجاوه درشست میشود یا نه؟ سوال: (۳۹۱) (٤) در وقت فجر همچنان مانند عصر بعضي رفقاء از شتران پائین میشوند ونماز را اداء میکنند واکثر ایشان درکجاوه اداء مي نمایند.

نماز عشاء رابوجه عذر بی وقت اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۳۹۲) (۵) در سفر دربرخي فاصله هاي کوچک در نصف شب قبل از طلوع صبح صادق قیام میشود ودر این صورت بعضي مردم درنماز عشاء تاخیر مي ورزند وبعد از مواصلت نمودن بمنزل نماز اداء مي نمایند واما اکثر مردم بنا بر وقت موعوده درکجاوه نماز را ادا مي نمایند.

جواب: (۱) به اساس عذر مذکور درکجاوه نماز صحیح است [1].

جواب: (۲) در این وقت در کجاوه نماز خواندن صحیح نیست.

جواب: (۳) در این وقت نیز همچنان در کجاوه نماز صحیح است.

جواب: (٤) حکم این نیز مانند پاسخ نخستین است.

جواب: (۵) آن عده مردم که بخلا انتظار منزل درکجاوه نماز اداء مي نمایند نماز ایشان همچنان صحیح است. کذا حققه في الشامي [2] فقط. اکنون نه مصبیبت کجاوه است ونه راه خوفناک وخطرناک میباشد والان حجاج کرام بذریعه موتر میروند وبا جماعت نماز را اداء کرده میتوانند ودر کجاوه اداء نمودن نماز فرض درست نخواهد باشد زیرا عذر باقي نمانده است. ظفیر

اگر زن درپهلوی مرد ایستاده شود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۹۳) یک زن اگر در ظهر وعصر نمازهاي پنج وقت بیاید ودرجماعت با مردان یکسان هموار قیام ورزد آیا نماز مردان درست میشود یا نه؟

---

(۱) واعلم إن ماعدا النفل من الفرض والواجب بانواعه لا يصح على الدابة الاُ للضّرورة كخوف لصّ على نفسه او دابته او ثيابه لو نزل وخوف سَبع وطين ونحوه ممّا ياتى والصلاة على المحمل الذى على الدابة كالصلاة عليها فيؤمى عليها (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب الصلاة على الدابة ج۱ ص٦٥٥ ، ط. س. ج۲ ص٤٠) اکنون در حجاز مقدس این نوع خطر باقي نمانده است ونه سفر نمودن بر کجاوه رائج است. ظفیر

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج۱ ص٥٨٣، ط.س. ج۱ ص٦٢٣. ظفير

جواب: در همچو صورت هر کسیکه از مردان بالغ بود ودر پهلوی این زن هموار یکسان ایستاده باشد نماز او نمیشود کذا في الدرالمختار: واذا حاذته ولو بِعُضو واحد الخ امرأة مشتهاة الخ فسدت صلٰوته لو مکلفا. (۱)

اگر مصحف را نظر کرده نماز خواند چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۳۹۴) درنماز تراویح یک نفر بعقب امام نشسته وقرآن شریف را در دست باز نموده وبراي مقتدي نزدیک خویش که نظراو برقرآن مجید إصابت کرده باشد همراهش در مطالعه قرآن مجید معاونت مي نماید واو قرآن مجید را مشاهده نموده وبراي امام فتحه میدهد واین شخص رهنمائي کنندۀ قرآن دریک رکعت با جماعت نیز شریکت نمي ورزد، هرگاه امام در رکعت دوم رکوع مي نماید او همراهش شریک میشود ویک رکعت را بعد ازآن تنها اداء مي نماید آیا به این طریقه نماز فاسد نمیشود؟

جواب: در درالمختار مذکور است: وقرآئته من مصحف، وفاسد مي نماید نماز نماز خوان را قرائت نمودن ازمصحف شریف پس آن صورتیکه در سوال درج است درآن همچان اندیشه فساد صلاة است بناءا چنین نباید کرد.

بعد ازقعدۀ اخیر با گفتن السَّلام عَلَیْکُمْ فتحه دادن چگونه است؟ **سوال:** (۱۳۹۵) (۱) امام درنماز چهار رکعتي درقعدۀ اخیر سلام نگردانید وقیام نمود وزید براي امام السَّلامُ علیکم گفت پس درآن صورت نماز زید قائم باقي مانده یانه؟

رکعت دوم را اگر قعدۀ آخیر پندارد وفتحه بدهد چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۳۹۶) (۲) امام نماز سه رکعتي را امامت داد وبراي زید درقعده رکعت دوم چنان فکر واندیشه عارض شد که این شاید رکعت سوم باشد وخواست که امام را بلفظ السَّلام علیکم یا تنها بگفتن السَّلام بنشاند بناء دراین صورت نماز زید قائم باقي مانده یانه؟

جواب: (۱ و۲) دراین هر دوصورتها درنماز زید کدام خلل واقع نمیشود زیرا هدف او براي امام تلقین دادن بود یعني این وقت گردانیدن سلام است وهمچنان در قعدۀ آخیر وقت نشستن است البته در همچو موقع براي زیدسبحان الله گفتن بکاربود (۲) لکن باگفتن لفظ السَّلام الخ نیز درنماز

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ص ۵۳۴ – ۵۳۵ ، ط. س. ج۱ ۵۷۲ – ۵۷۵ . ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ من نابه شيء في صلٰوته فلیسبح فانه اذا سبح التفت الیه وانما التصفیق للنساء(نصب الرایه ج۲ ص۷۶). ظفیر

کدام خلل وفساد نیامد.

با چیغ زدن درحالت خمیازه نماز فاسد میشود یانه؟ **سوال:** (١٣٩٧) هر شخصیکه آنقدر با خمیازه آواز رابلند نماید که صداي او راخارج از مسجد بشنوند آیا نماز او میشود یانه؟ وهمچنان اگر آن شخص بوجه درد شدید چیغ زد چه حکم خواهد داشت؟

جواب: درخمیازه نمودن آواز بلند شدن نماز را فاسد نمي نماید واما بسبب درد یا مصیبت با صداي بلند چیغ زدن وگریان نمودن مفسد صلاة است کذا في الدرالمختار [1].

نماز خواندن بر مکان دو منزله درست است؟ **سوال:** (١٣٩٨) بر مکان دو منزله نماز خواندن جائز است یانه؟

جواب: جائز است. [2]

اگر امام درسجده فوت شود پس مقتدیان چه باید کرد؟ **سوال:** (١٣٩٩) اگر درحالت سجده وفات شد پس مقتدیان چگونه نماز را تکمیل نمایند؟

جواب: این نماز فاسد شده واز سر نو کسي دیگر را امام بسازند ومجددا نماز را اداء نمایند.

نماز خواندن بر شتر درست است یانه؟ **سوال:** (١٤٠٠) دروقت سفر حجاز بر شتر نشسته نماز جائز است یا نه؟

جواب: بسفر حجاز بر شتر نشسته نماز خواندن درست نیست [3] لکن فتوی علماء احناف حرمین شریفین بر آنست که درآنجا جمع بین الصلاة نمودن درست است مثلا دروقت مغرب قافله استراحت مي ورزند اگر دروقت عشاء پائین شدن دشوار باشد پس دروقت مغرب بعد ازنماز مغرب نماز عشاء را نیز اداء کرده میتوانند وهمچنان بهمانطور ظهر وعصر را جمع کرده

---

(١) والبکاء بصوت یحصل به حروف لوجع او مصیبة قید للاربعة الاّ لمریض لایملک نفسه عن انین وتاوه لانه حینئذ کعطاس وسُعال وجُشاء وتثاؤب وان حصل حروف للضرورة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلاة ومایکره فیها ج١ ص٥٧٩، ط. س. ج١ ص٦١٩). ظفیر

(٢) زیرا دو منزله در حکم زمین است در مورد محل فقهاء مي نویسند: لا تجوز الصلٰوة علیها اذا کانت واقفة الاّ ان تکون عیدان المحمل الارض بان رکز تحته خشبة (در المختار) وهذا لو بحیث یبقی قرار المحمل علی الارض الخ فیصیر بمنزلة الارض فنصح الفریضه فیه قائما (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٥٦ ، ط. س. ج٢ ص٤٠). ظفیر

(٣) واذا ظهر حدث امامه وکذاکل مفسد فی رأی مقتد بطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة الموتم صحةً وفسادا (در المختار) واشار به الی حدیث الامام ضامن الخ (رد المحتار باب الامامة ج١ ص٥٥٣ ، ط. س. ج١ ص٥٩١) بقی من المفسدات ارتداد بقلبه وموت وجنون الخ وکل موجب لوضوء (در المختار) قوله وموت اقول تظهر ثمرته فی الامام لو مات بعد القعدة الاخیرة بطلت صلاة المقتدین به فیلزمهم استینافها (رد المحتار باب ما یفسد الصلاة الخ ج١ ص ٥٨٨ ، ط. س. ج١ ص٦٢٩). ظفیر

میتوانند (۱). فقط

مسائل زلة القاری
(یعني لغزش هاي قرائت کننده)

اگر بجای: الَینا، عَلَینا بخواند آیا نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۴۰۱) یکنفر در نماز بجاي: إنَّ إلَیْنَا إیَابَهُمْ (۲۵) ثُمَّ إنَّ عَلَیْنَا حِسَابَهُمْ، چنین گفت: إنَّ إلَیْنَا إیَابَهُمْ (۲۵) ثُمَّ إنَّ عَلَیْنَا حِسَابَهُمْ، آیا نماز میشود یانه؟

جواب: در: إنَّ إلَیْنَا إیَابَهُمْ، اگر: إنَّ إلَیْنَا إیَابَهُمْ سهوا بگوید نمازش میشود زیرا باهمچو گفتن کدام تغیيري وفرق در معنی نیامده (۲). فقط

در قرائت اگر بجای: مِنَ الظُّلُمَاتِ إلَی النُّورِ، بطریق قلب مکان تلاوت شود آیا نماز فاسد میشود یانه؟ **سوال:** (۱۴۰۲) یک نفر درنماز آیت کریمه: اَللهُ وَلِيُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إلَی النُّورِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إلَی الظُّلُمَاتِ، درآن هر دو مکان سهوا یعني بجاي (مِنَ الظُّلُمَاتِ إلَی النُّورِ) (مِنَ الظُّلُمَاتِ إلَی النُّورِ) وبجاي (مِنَ الظُّلُمَاتِ إلَی النُّورِ) (مِنَ الظُّلُمَاتِ إلَی النُّورِ) قرائت نمود آیا در این صورت نماز صحیح شده یانه؟

جواب: دراین صورت نماز درست نشده زیرا این غلطي مفسد معنوي است ودرآن نماز صحیح نمیشود (۳). فقط

اگر بعد از مقدار واجب آیت را ترک نمود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۰۳) در نماز قرائت مسنونه را کرده بود وبعد ازآن درمیان سهوا یک آیت کوچک را ترک نمود آیا نماز درست شده یا نه؟

---

(۱) ويتنفل المقيم راكبا خارج المصر (رد المحتار) واحترز بالنفل عن الفرض والواجب بانواعه كالوتر والمنذور وما لزم بالشروع والافساد وصلاة الجنازة وسجدة تليت على الارض فلا يجوز على الدابة بلا عذر لعدم الحرج (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى الصلاة على الدابة ج۱ ص۶۵٤ ، ط. س. ج۱ ص۳۸). ظفير

(۲) ومنها ذكر كلمة مكان كلمة على وجه البدل ان كانت الكلمة التى قرأها مكان كلمة يقرب معناها وهى فى القرأن لا تفسد صلٰوته (عالمكيرى مصرى كتاب الصلٰوة الباب الرابع ج۱ ص۷٤ ، ط. ماجديه ج۱ ص۸۰). ظفير

(۳) وان كان فى القرأن ولكن لاتتقاربان فى المعنٰى نحو قرأ وعداً علينا اناكنا (غافلين) مكان (فاعلين) ونحوهما لو اعتقده يكفر تفسد عند عامة مشائخنا وهو الصحيح من مذهب ابى يوسف هٰكذا فى الخلاصة (عالمكيرى مصرى زلة القارى ج۱ ص۷۵ ، ط. ماجديه ج۱ ص۸۰). ظفير الدين

اگر یک لفظ ترک شود: **سوال:** (١٤٠٤) درآیت: وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ، اگر در آن سهوا (أَنْتَ) ترک شود آیا نماز میشود یانه؟

اگر تخطی إعرابی شود چه حکم دارد؟ **سوال:** (١٤٠٥) اگر (مَا ضَعُفُوْا) را (وَمَا ضَعُفُوْا) تلاوت نمود آیا نماز درست شده یانه؟

جواب: (١) اگر معنی متغیر نشود نماز درست شده واگر معنی متغیر شده پس نماز نیز درست نشده خواه بمقدار فرض قرائت را خوانده باشد خواه نخوانده باشد [1]. فقط

جواب: (٢) نماز صحیح است [2].

جواب: (٣) این غلطي است اما نماز درست شده است [3]. فقط

اگر بجای ثاء شین تلفظ شود آیا نماز درست میشود یانه؟ **سوال:** (١٤٠٦) زید امام جمعه بود ودر سورت اعلی (فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوٰى) را (غُشَاءً أَحْوٰى) یعني بجاي (ثاء) شین تلفظ کرد آیا نماز او جائز است یانه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نخواهد شد کما في الشامي وشرح قوله او بدّله باخر، فإذا لم يغير المعنى الخ لا تفسد [4]. فقط

اگر بجای (آيَاتِه) (آيَاتِنَا) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (١٤٠٧) قاري صاحب در روز جمعه در رکعت اول نمازچنان سهوه شدکه بجاي کلمۀ (أيَاتِه) سورة جمعه (أيَاتِنَا) تلفظ نمود دراین صورت نماز صحیح شده یا نیازي به اعاده نمودن نماز است وهمچنان درمیان (اٰيَاتِه) و (اٰيَاتِنَا) کدام فرق معنوي موجود است؟

جواب: در این صورت نماز درست شده وضرورت به اعادۀ نماز نیست اگر چه درما بین (اٰيَاتِه) و (اٰيَاتِنَا) فرق معنوي موجود است لکن دراین موقع مطلب هردو طریقه صحیح است [1] چنانچه بنزد اهل بلاغت التفات از غائب بسوي تکلم یک تزئین وخوبي دانسته میشود ودر قرآن مجید

---

(١) ان الخطأ في القرآن اما ان يكون في الاعراب الخ اوفى الحروف الخ او زيادته او نقصه الخ او فى الكلمات اوفى الجمل كذلك الخ والقاعدة عندالمتقدمين ان ما غير تغييراً يكون اعتقاده كفراً يفسد فى جمع ذالك (غنية المستملى ص٤٤٦). ظفير

(٢) قال فى شرح المنية وان ترك كلمة من آية فان لم يتغير المعنٰى مثل جزاء سيئة مثلها بترك سيئة الثانية لا تفسد (رد المحتار زلة القارى ج١ ص٥٩١ ، ط. س. ج١ ص٦٣٠). ظفير

(٣) ومنها زلة القارى فلو فى اعراب او تخفيف الخ لم تفسد (درالمختار) فلو فى اعراب ككسر قواما وفتح باء نعبد مكان ضمها الخ وكذا فساد مطر المنذرين بكسر الذال واياك نعبد بكسر الكاف (ردالمحتار ج١ ص٥٩٠ ، ط. س. ج١ ص ٦٣٠ – ٦٣١). ظفير

(٤) رد المحتار باب مايفسد الصلٰوة الخ مطلب فى زلة القارى ج١ ص٥٩٢ . ط س. ج١ ص٦٣٣. ظفير

در بسياري موارد التفات واقع شده است. فقط

لفظ (أَنَا) باثبات الف خواندن چگونه است؟ **سوال:** (۱٤۰۸) لفظ (اَنَا) ضمير متكلم كه در رسم الخط كلام پاک باثبات الف است اگر درحين قرائت همچنان باثبات الف خوانده شود مثلا (اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ) الاية، پس اكنون اين نماز چه حكم دارد؟

جواب: (أَنَا) را باثبات الف خواندن اگرچه نماز ميشود اما اين لحن في القرائت ميباشد [۲]. فقط

اگر در فتح وكسره غلطي شود آيا نماز فاسد ميشود يانه؟ **سوال:** (۱٤۰۹) زيد در پارهٔ چهارم لفظ (مُنْزِلِيْنَ) را كه در ركوع چهارم است بفتحه خواند آيا نماز جائز است يانه؟

جواب: در اين صورت نماز درست شده [۳]. فقط

اگر امام بعد از اندک قرائت خواندن بند شد سپس از آن به پيش برود آيا نماز درست خواهد شد يانه؟ **سوال:** (۱٤۱۰) امام آغاز به قرائت نمود وبعد از قرائت نمودن يک يادو آيت بند ميشود وبرخي از الفاظ راترک نموده واز آيت بعدي قرائت خواندن را شروع نمود آيا نماز جايز باشد يا نه؟

جواب: نماز جائز است [٤]. فقط

با غلطي امام بر مقتدي قاري هيچ اثر نمي افتد؟ **سوال:** (۱٤۱۱) اگر از امام ناظره خوان غلطي شود آيا نماز مقتدي قاري درست ميشود يانه؟

جواب: اگر چنان غلطي نكرده باشد كه برآن نماز فاسد ميشود پس نماز مقتدي قاري نيز درست ميشود. فقط

اگر آيت رابدل خواند چه حكم دارد؟ **سوال:** (۱٤۱۲) اگر يک نفر درنماز بجاي (بَلْ يُرِيْدُ

---

(۱) ولو زاد كلمة او نقص حرفا او قدمه او بدله بأخر الخ لم تفسد ما لم يتغير المعنٰى الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة الخ مطلب زلة القارى ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲ – ۶۳۳). ظفير

(۲) ومنها القراءة بالحان ان غير المعنى والاَّ لا، الاَّ فى حروف مد ولين اذا افحش والاَّ لا، (الدر المختار على هامش ردالمحتار، باب مايفسد الصلٰوة، مطلب مسائل زلة القارى ج۱ ص۵۸۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۰). ظفير

(۳) ومنها زلة القاري فلو فى اعراب الخ لم تفسد وان غيَّر المعنى به يفتى، بزازيه (در المختار) قوله: فلو فى اعراب الكسر قواما مكان فتحها وفتح باء نعبد مكان ضمها الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة مطلب مسائل زلة القارى ج۱ ص۵۸۹ – ۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ۶۳۱ – ۶۳۲). ظفير

(٤) ولو زاد كلمة او نقص كلمة الخ لم تفسد ما لم يتغير المعنٰى (در المختار) قوله نقص كلمة ولم يمثل له الشارح قال فى شرح المنية وان ترک كلمة من آية فان لم يتغير المعنى مثل وجزاء سيئة سيئة مثلها بترک سيئة الثانية لا تفسد (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة مسائل زلة القارى ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص ۶۳۲ - ۶۳۳). ظفير

الانسانُ لِیفجُرَ امامَهُ) چنین بگوید (بَلْ یُرِیْدُ انْ لَّنْ نَّجْمَعَ عِظَامَهُ) آیا نمازش صحیح شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست خواهد شد [۱]. فقط

در اخلاص (اَللّٰهُ الصَّمَدُ) را ترک نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟ **سوال:** (۱۴۱۳) امام (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) را خواند و (اَللّٰهُ الصَّمَدُ) را ترک نموده سجده سهوه کرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: نماز درست شده است [۲]. فقط

اگر در مابین قرائت کدام لفظ ترک شود که معنی را متغیر ننماید هیچ کراهت ندارد:

سوال: (۱۴۱۴) اگر از امام در ما بین قرائت یک آیت ترک شود آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز بغیر از کراهت صحیح شده است بشرطیکه معني متغیر نشده باشد. فقط

بعد از سه آیت تلاوت نیز با غلطی مفسد صلاة نماز فاسد میشود: **سوال:** (۱۴۱۵) اگر امام بعد از تلاوت بیشتر از سه آیات مرتکب غلطي فاحش مفسد صلاة بشود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: غلطي مفسد صلاة در هر وقت که در نماز عارض شود نماز فاسد میگردد [۳] البتة اگر غلطي مذکور تلافي کرده ودوباره اعاده نماید وصحیح تلاوت کند پس نماز درست خواهد شد.

اگر در قرائت کدام لفظ باقي بماند نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱۴۱۶) در رکعت دوم نماز جمعه اگر یک نفر آیت: یَا أَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوْا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ، را تا به آخر تلاوت نمود وبعد ازلفظ (نوْدِيَ) عمدا لفظ (لِلصَّلَاةِ) خوانده نشد وقتیکه سلام گردانیده شد بعد ازآن برایش گفته شده سپس جواب داد که آیت طولاني بود بناءا آنرا ترک نمودم فلهذا درآن صورت نماز درست شده است یا نه؟

جواب: دراین صورت نماز درست شده اما بعد از (نودي) عمدا لفظ (للصلاة) را ترک نمودن غلط است واین جهالت وغلطي امام است که همچو تأویل رکیک را مي نماید زیرا براي امام

---

(۱) اوقدمه اوبدّله بآخر الخ لم تفسد مالم یتغیرالمعنی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفیر

(۲) ولو زاد کلمة او نقص کلمة الخ لم تفسد ما لم یتغیر المعنٰی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوٰة مطلب فی زلة القاری ج۱ ص۵۹۱، ط. س. ج۱ ص۶۳۲ – ۶۳۳). ظفیر

(۳) ان ماغیر المعنٰی تغیرا یکون اعتقاده کفرا یفسدفی جمیع ذالک الخ (رد المحتار زلة القاری ج۱ ص۵۹۰). ظفیر

واضح گفتن بکار بود که من سهوه شده ام واین کلمه سهوا ترک شده است اما نماز صحیح شده بنا بر عدم فساد معنی.(۱)

اگر قاف را به کاف بدل نمود آیا نماز میشود؟ سوال: (۱۴۱۷) در سورت الطارق امام در (لَقَوْلٌ فَصْلٌ) بجاي قاف لفظ کاف تلاوت نمود حالانکه آن شخص قادر بتلفظ نمودن صحیح نیز بود آیا نماز فاسد شده است؟ ودر این صورت اعاده واجب است یانه؟

جواب: در همچو صورت اعاده نمودن این نماز ضروري است زیرا با موجودیت قدرت چنین تلاوت نمودن نماز را فاسد مي نماید (۲). فقط

بر (صِرَاطَ الذین) سکوت نمودن نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۴۱۸) یک امام وقتیکه سورة فاتحه را تلاوت مي نماید بر (صرَاطَ الذین) وقفه مي کند وتنفس نیز را مي گیرد آیا نماز مي شود یا نه؟

جواب: نماز میشود اما این غلطي بزرگي است که درآینده تکرار آن بکار نیست (۳). فقط

اگر دروقت قرائت بجای (کَرِیْمْ) لفظ (عَظِیْمٌ) بگوید چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۱۹) یک روز در نماز آخرین آیت هاي سورة المؤمنون را تلاوت نمودم وسهوا بجاي (رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِیْمِ) را خواندم آیا نماز درست شده یانه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده است (۴). فقط

درجای مد کسره ودرجای فتحه مد خواندن نماز میشود یانه؟ سوال: (۱۴۲۰) درقرائت اگر بجاي فتحه مد وبجاي مد فتحه خوانده شود وهمچنان واحد جمع وجمع واحد تلاوت شود آیا نماز میشود یا نه؟

---

(۱) ولو زاد کلمة او نقص کلمة الخ لم یفسد ما لم یتغیر المعنی. (ردالمحتار ج۱ ص۵۹۳). قال في شرح المنیة وإن ترک کلمة من آیة فان لم یتغیر المعنی مثل (وجزاء سیئة مثلها) بترک (سیئة) الثانیة لا تفسد باب ما یفسد الصلاة وما یکره فیها مطلب زلة القاری ج۱ ص۵۹۳. ظفیر الدین

(۲) قال فی الخانیة والخلاصة الاصل فیما اذا ذکر حرفا مکان حرف وغیر المعنی ان امکن الفصل بلا مشقه تفسد الخ وفی خزانة الاکمل قال القاضی ابو عاصم ان تعمد ذالک افسد وان جری علی لسانه اولا یعرف التمییز لا تفسد وهو المختار (رد المحتار باب ایضاً ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفیر

(۳) بر (انعمت علیهم) تنفس گرفتن بکار است. ظفیر

(۴) او قدمه او بدله بآخر الخ لم تفسد ان لم یتغیر المعنٰی (الدرالمختار علی هامش رد المحتار زلة القاری ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

جواب: روشن نمودن این موقع بکار است که درآن تغیر معنی واقع شده است یا نه بخاطر آنکه موافق مطلب ومعنی آن را دیده حکم نوشته شود. فقط

اگر برخی از حصۂ آیت ترک شود که متغیر نشود نماز جائز است: سوال: (۱۴۲۱) اگر امام صاحب در نماز سورۂ جمعه را قرائت مي نمود ودر ما بین سهوا از او این: بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِیْنَ کَذَّبُوْا بِاٰیَاتِ اللهِ، ترک شد زید میگوید که نماز درست نشده است وعمرو میگوید که نماز درست شده است بناءا دراین صورت ضرورت به سجده سهوه است یا نه؟

جواب: در این صورت درنماز هیچ نقصان نیامده وهمچنان سجده سهوه واجب نمیگردد زیرا سجدۂ سهوه باترک واجب لازم میشود واما درینجا بمقدار قرائت فرض وواجب اداء شده ودرمیان با ترک قرائت هیچ واقع نشده است [1].

اگر (زِیْنَةً) به (فِتْنَةً) تبدیل شود، و (آذانهمْ) به (آثارهمْ) در این صورت نماز میشود یانه؟

سوال: (۱۴۲۲) (۱) اگر کسي در نماز (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا) بجاي أو (فتنة لها) تلاوت نماید بناءا این فساد معنی مفسد صلاة میباشد یانه؟

سوال: (۱۴۲۳) (۲) اگر کسي در نماز بجاي (فَضَرَبْنَا عَلٰى اٰذَانِهِمْ) ، (عَلٰى آثَارِهِمْ) قرائت نمود آیا نماز درست شده یانه؟

سوال: (۱۴۲۴) (۳) اگر کدام شخص درنماز (اُولٰئِکَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا بِاٰیَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهٖ) را تلاوت نمود اما (لقائه) را ترک نماید آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: (۱ – ۳) در این هر سه صورت نماز درست وصحیح است [2]. فقط

با تبدیل لفظ یا آیت نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۲۵) (۱) امام در سورۂ رعد بجاي (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ) (قُلْ إِنَّ اللهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ) ورکوع چهارم را شروع نمود (وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا) را إلى آخره تلاوت نمود حالانکه در سورت محمد در رکوع سوم (وَيَقُولُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُوْرَةٌ) الخ نیز موجود است بناء در این صورت نماز میشود یانه؟

---

(۱) ولو کلمة او نقص کلمة الخ لم تفسد مالم یتغیر المعنٰی (الدرمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة زلة القاری ج۱ ص ۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

(۲) ولوزاد کلمة او نقص حرفا او قدمه او بدله بآخر الخ لم تفسد ما لم یتغیر المعنٰی (الدرالمختار علی هامش رد المحتار، باب مایفسد الصلوٰة زلة القاری ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

سوال: (۱۴۲۶) (۲) درسورت مریم رکوع اول (یَا یَحْیٰی خُذِ الْکِتَابَ بِقُوَّۃٍ) الخ (وَکَانَ تَقِیًّا (۱۳) وَبَرًّا بِوَالِدَیْهِ) بجاي او (بِوَالِدَتِي) تلاوت نمود سپس این نماز چه حکم دارد؟

جواب: در صورت نخستین ودوم نماز درست شده است واین قول أوسع است. فقط

در سورت زلزال یک حصه فراموش شد آیا نماز درست شده یانه؟ **سوال:** (۱۴۲۷) یک نفر در نماز بعد از سورۂ فاتحه سورت (إذا زُلْزِلَتِ) را خواند و (اَخْرَجَتِ الْاَرْضُ اَثْقَالَهَا) را فراموش نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: با ترک شدن آیت (وَاَخْرَجَتِ الْاَرْضُ اَثْقَالَهَا) در مابین نیز کدام تغیر در معنی وارد نمیشود بناءا درصحت بودن نماز کدام شبه نیست [1].

اگر بجای فتحه ضمه تلاوت شود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۲۸) امام در نماز جمعه آیت کریمه را تلاوت نمود (تَصْلٰی نَارًا حَامِیَۃً) بجاي نصب رفع خواند یعني بجاي (حَامِیَۃً) (حَامِیَۃٌ) تلاوت نمود آیا نماز درست شده یا نه ؟

جواب: دراین صورت نماز درست شده است زیرا درا ینجا با قرائت رفع در معنی کدام تغیر نمي آید وصحت تأویل ممکن است گویا چنان گفته شود که (تَصْلٰی نَارًا حَامِیَۃً) [2]. فقط

اگر یک فقرۂ سورت از تلاوت ترک شود آیا نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۴۲۹) امام درنماز جهری آیت (بَلٰی قَادِرِیْنَ عَلٰی اَنْ نُّسَوِّیَ بَنَانَهٗ) را از تلاوت نمودن فراموش نمود واز اول تابه آخر سائر سورت را قرائت نمود بناء دراین صورت نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در این صورت مذکور نماز درست شده است [3]. فقط

اگر در مابین ایات ها را بگذارد وبه پیش رود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۳۰) (۱) یک نماز خوان تا به (وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا) قرآئت نمود ودر ما بین آیت ها را فراموش نموده ترک شد واز (وَالسَّمَآءِ وَمَا بَنَاهَا) تابه آخر آن را قرائت کرد بناءا درهمچو صورت نمازدرست شده است یانه وهمچنان آیا ضرورت براي سجدۂ سهوه است؟

دروقت قرائت نمودن سورت وَالْعَصْرِبه سورت وَالتِّیْنِ بپردازد آیانماز درست میشود یانه؟

---

(۱) ولو زاد کلمة اونقص الخ لم تفسد مالم یتغیر المعنٰی الخ حواله سابقه. ظفیر

(۲) فلو فی اعراب او تخفیف الخ لم تفسد (ایضاً ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

(۳) ولو زاد کلمة او نقص الخ لم تفسد ان لم یتغیر المعنٰی (الدرالمختار علی هامش رد المحتار زلة القاری ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

سوال: (۱٤۳۱) (۲) در سورت وَالْعَصْرِ بعد از تلاوت (آمَنُوْا وَعَمِلُوْا الصَّالِحَاتِ) به سورت وَالتِّينِ رفت و (فَلَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ) را آغاز نمود وتا به آخر سورت را بپایان رساند دراین صورت آیا ضرورت به سجدۂ سهوه است یانه؟

جواب: (۲) در این صورت نماز درست شده است وضرورت به سجدۂ سهوه نیست [1].

جواب: (۲) دراین صورت همچنان نماز درست شدۂ است ونیازي به سجدۂ سهوه نیست [2]. فقط

اگر بجای (دِهَاقًا) لفظ (دِحَاقًا) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱٤۳۲) اگر شخصي بنا بر اعتماد غلطي خود بجاي (دِهَاقًا) لفظ (دِحَاقًا) تلفظ نمود آیا در این صورت نماز درست میشود ویا اعاده نمودن نماز واجب میباشد؟

جواب: (دِهَاقًا) را (دِحَاقًا) تلاوت نمودن باهاي حطي باعتبار ظاهر مطابق قواعد مفسد صلاۃ است زیرا درآن وقت معنی متغیر میشود [3] فلهذا نماز درست نخواهد شد. فقط

یکه حصۂ أیت را مبدل نمود آیا نماز فاسد خواهد یانه؟ **سوال:** (۱٤۳۳) یک امام این آیت را غلط میخواند: اِنَّا اَرْسَلْنَا اِلَيْكُمْ رَسُوْلاً، الآية، به این شکل: اِنَّا اَرْسَلْنَا اِلٰى فِرْعَوْنَ رَسُوْلاً، آیا نماز فاسد شد یانه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نمیشود. [4] فقط

اگر بجای (يُكَذِّبُوْنَ) لفظ (يُمَسِّكُوْنَ) یا بجای (يَعْمَلُوْنَ) لفظ (تَعْقِلُوْنَ) رابگوید آیا نماز درست میشود یا خیر؟ **سوال:** (۱٤۳٤) امام در نماز بجاي (اَنْ يُّكَذِّبُوْنَ) ، (اَنْ يُّمَسِّكُوْنَ) تلاوت نمود ودر نماز دیگر جاي (يَعْمَلُوْنَ)، (تَعْقِلُوْنَ) گفت آیا دراین هردو صورت اعاده نمودن نماز بکار است یا خیر؟

---

(۱) ایضاً ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲. ظفیر

(۲) ایضاً ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲. ظفیر

(۳) ان ذكر حرفًا مكان حرف ولم يغير المعنٰى الخ لم تفسد صلٰوته وان غيّر المعنى فان امكن الفصل بين الحرفين من غير مشقّه كالطاء مع الصاد الخ تفسد صلٰوته عند الكل وان كان لا يمكن الفصل الاّ بمشقة كالظاء مع الضاد والصاد مع السين والطاء مع التاء اختلف المشائخ قال اكثرهم لا تفسد صلاته هٰكذا فى فتاوى قاضى خان وكثير من المشائخ افتوا به قال الامام ابوالحسن والقاضى الامام ابو عاصم ان تعمد .... فسدت وان جرى على لسانه او كان لا يعرف التميز لا تفسد وهو اعدل الاقاويل والمختار، هٰكذا فى الوجيز للكردرى (عالمكيرى مصرى زلة القارى ج۱ص۷٤ ، ط. ماجديه ج۱ ص۷۹). ظفير

(٤) او قدمه اوبدله باخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنىٰ (الدرالمختار زلة القارى ج۱ ص۵۹۲، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

جواب: درصورت اول نماز را اعاده نماید واما درصورت دوم نماز درست شده است [۱]. فقط

اگر در جای تفخیم ترقیق خوانده شود آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟ سوال: (۱۴۳۵) در کدام موارد که (ر) و (ل) مفخم خواندن بکار است اگر در این مواقع باریک خوانده شود آیا در نماز کدام نقصان وارد میشوذ یا نه واگر باشد پس چه قدر خواهد بود؟

جواب: نماز صحیح است ودرآن هیچ خلل واقع نشده است [۲]. فقط

اگر لام (علیهم) را زیاد کش وطولانی نمود آیا نماز درست شده است یانه؟ سوال: (۱۴۳۶) (۱) اگر بر (ي) لفظ (عَلَيْهِمْ) بمقدار نو ۹ ویاده ۱۰ الف مد را تمدید وکش نمود نماز درست میشود یانه؟

درجای غنه اظهار کردن: سوال: (۱۴۳۷) (۲) در جائیکه میم ونون باغنه خوانده میشود اگر در این موارد درمیم ونون اظهار شود نماز درست میشود یا نه؟

جواب: (۱) این سخن واضح است که در اینجا حسب قواعد تجوید مد نیست بناء این لحن وخطاء میباشد اما نماز درست میشود.

جواب: (۲) در آن صورت نماز صحیح است. [۳] فقط

اگر بجای لفظ (نُرَدُّ) ، (لَا نُرَدُّ) تلاوت نمود آیا نماز فاسد میشود یانه؟ سوال: (۱۴۳۸) در آیت کریمه بجاي (يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ)، لَا نُرَدُّ تلفظ نمود آیا نماز فاسد شده است یا نه؟

جواب: در همچو موارد سخن احوط آن است که نماز را اعاده نماید [۴].

در (قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ) در دیگر کدام آیت از نگاه اعراب غلطی واقع شد آیا نماز درست میشود یانه؟ سوال: (۱۴۳۹) در آیت کریمه (وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ) اگر دال دوم را

---

(۱) لو زاد کلمة الخ اوبدله بأخر الخ لم تفسد ما لم يتغير المعنٰى (در المختار) وان غير فسدت الخ (ردالمحتار زلّة القارى ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

(۲) وفي التتارخانية عن الحاوى حكى عن الصفار انه كان يقول الخطاء اذا دخل فى الحروف لا يفسد لان فيه بلوى عامة الناس لانهم لايقيمون الحروف الاّ بمشقة (ردالمحتار زلة القارى ج۱ص۵۹۲، ط.س. ج۱ص۶۳۳). ظفير

(۳) این حاشیه متعلق به هردو جواب اول ودوم میباشد: وفي التتارخانية عن الحاوى حكى عن الصفار انه كان يقول الخطاء اذا دخل فى الحروف لا يفسد لان فيه بلوى عامة الناس لانهم لايقيمون الحروف الاّ بمشقة (ردالمحتار زلة القارى ج۱ص۵۹۲، ط.س. ج۱ص۶۳۳). ظفير الدين غفر الله له

(۴) اعلم ان الكلمة الزائدة امّا ان تكون فى القرآن اولا، وعلى كل امّا ان تغيّر اولا، فان غيرت افسدت مطلقا الخ (رد المحتار زلة القارى ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

مفتوح وتاء را مضموم خواند آیا نماز درست میشود یا نه ونیز آیا تلاوت کننده کافر میشود یا خیر؟ وهمچنان دو (فَعَصٰى فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ) اگر نون را مفتوح ولام را مضموم خواند آیا نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: درآیت (وَقَتَلَ دَاوٗدُ جَالُوْتَ) اگر دال دوم را مفتوح وتاء جالوت را مضموم تلاوت نمود نماز فاسد میشود اما شخصي که غلط تلاوت نموده کافر نمیشود وهمچنان در آیت (فَعَصٰى فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ) اگر درآن نون مفتوح ولام مضموم خوانده شود نماز فاسد خواهد شد [1] واگر آن را صحیح نمود ودوباره اعاده کرد نماز صحیح میباشد. فقط

اگر بجاي (خيرٌ لک من الأولی)، (والاولی) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۴۰) امام در نماز بجاي (خيرٌ لک من الأولی) (خيرٌ لک من الأولی) تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: دراین صورت نماز درست شده است بخاطر انکه در معنی چنان تغیري وارد نشده است که مفسد صلاة باشد واکنون معنی آیت چنین است که آخرت ودنیا هر دو براي شما بهتر است چنانچه مفهوم آیت کریمه (رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً) نیز است [2].

اگر بجاي (لَفِيْ)، لاَ فِي تلاوت شود کدام حرج نیست؟ **سوال:** (۱۴۴۱) درسورت العَصْرِ اگر بجاي (لَفِيْ خُسْرٍ)، لاَ فِيْ خُسْرٍ، تلاوت نماید آیانماز درست میشود یانه؟ یعني بجاي فتحه پست فتحه ایستاده یا ألف تلفظ نمود نماز درست میشود یانه؟

جواب: باهمچو غلطي نماز درست نمیشود ودرآن احتیاط بکار است [3] وکسي را امام باید نمود که بتواند درست وصحیح قرآن را بخواند. فقط

---

(۱) إذا لحن في الإعْراب لَحنا لَا يغيرُ المعنى بأنْ قرأ لَا ترفَعوا أصْواتكم برفع التّاء لَا تفسُدُ صَلَاتهُ بالإجماع وإنْ غيرَ المَعنى تغييرًا فاحشًا كَانْ قرأ وعصٰى آدَمَ رَبُّهُ بنصب الميم ورَفع الربّ وَمَا أشبَهَ ذٰلك مما لَوْ تعمدَ به يكفر، إذَا قَرَأ خَطأ فَسَدَتْ صَلَاتهُ في قَوْل المُتقدمين وَاختَلفَ المتاخرُون: قَالَ محمدُ بنُ مُقَاتل وَأبو نصرٍ مُحَمّدُ بنُ سَلَّام الخ لَا تَفسُدُ صَلَاتُهُ، وَمَا قَالَهُ المُتقدّمُون أحوَطُ؛ لأنّهُ لَو تعمّدَ يكُونُ كُفرًا وَمَا يكُونُ كُفرًا لَا يكُونُ منْ القُرآن وَمَا قَالَهُ المُتَاخّرُون أوْسَعُ؛ لأنّ النّاس لَا يُميّزُون بيْنَ إعْرَاب وَإعْرَاب الخ وَهُوَ الأشبَهُ، كَذَا في المُحيط وَبه يُفتٰى كَذَا في العَتَابيّة وَهٰكَذَا في الظّهيريّة. (عالمگيري مصري زلة القاري ج۱ ص۷٦، ط. ماجديه ج۱ ص۸۱) مفتي علام رحمه الله فتوی بنا بر احوط داده است. ظفير

(۲) اوبدله بأخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنٰى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار زلة القارى ج۱ ص۵۹۲، ط. س. ج۱ ص٦۳۳). ظفير

(۳) ومنها زيادة حرف ان زاد حرفا فان كان لايغير المعنى لا تفسد صلٰوته عند عامة المشائخ الخ وان غيّر المعنٰى الخ تفسد هكذا فى الخلاصة (عالمكيرى كشورى زلة القارى ج۱ ص۷۸، ط. ماجديه ج۱ ص۷۹). ظفير

اگر بجاي ذال جيم تلاوت شود آيا نماز درست ميشود يانه؟ **سوال:** (۱۴۴۲) امام درنماز بجاي ذالِ جيم تلفظ نمود آيا نماز درست شده است يا نه؟

جواب: اماميكه درجاي ذالِ جيم تلاوت مي نمايد مثال آن بايد تحرير ميشد بخاطر آنكه حالت تغير وتبديل معنى معلوم وهويدا ميشد كه داراي كدام درجه تغير واقع شده است اما ظاهر آن است كه در اين صورت نماز درست نشده است بهر حال احوط آن است كه نماز مذكور اعاده شود وهمان حكم تلاوت نمودن ظاء بجاي تاء است [1]. فقط

اگر بجاي ضاد، ذال يا بجاي زاء ظاء تلاوت شود ايا نماز فاسد ميشود يا نه؟ **سوال:** (۱۴۴۳) اگر يک شخص بجاي (ض) (ذ) يا (ز) يا (ظ) بگويد آيا نمازش صحيح باشد يا فاسد؟ واگر درنماز بعد از قرائت نمودن مقدار مفروضه غلطي فاسد كنندۀ نماز شود آيا نماز صحيح شدۀ يا فاسد؟

جواب: لفظ (ض) معجمه را از مخرج اصلي خويش خارج كردن بكار است نه آنكه از مخرج (ذ) يا (ز) يا (ظ) بخاطر آنكه قصدا وعمدا سائر آنها نا جائز است بلكه در شرح فقه أكبر از محيط نقل نموده است كه اگر كسي قصدا بجاي ضاد معجمه ظاء معجمه تلفظ نمايد كافر ميشود [2] العياذ بالله تعالى ونمازش فاسد خواهد شد واگر كسي در نماز بعد از قرائت مفروضه غلطي فاسد كنندۀ نماز را مرتكب شود نماز فاسد ميشود واگر اعادۀ صحيح آن را بكند نماز درست نخواهد شد ورنه فاسد است. در عالمگيري آورده است: لو قرأ في الصلاة بخطاء فاحش ثم رجع وقرأ صحيحا قال في الفوائد عندي صلاته جائزة وكذلک الاعراب [3]. فقط

تأثير غلط خواندن بر نماز: **سوال:** (۱۴۴۴) (۱) امام در آيت سورت توبه بجاي (عزيزٌ) لفظ (ما) را با (عليه) وصل كرده قصدا وقف مي نمايد آيا نماز درست خواهد شد يانه؟

اگر (اَسفَلَ سَافِلِيْنَ) رابا (الاَّ الَّذين) يكجا وصل نمايد كارد ؟ **سوال** : (۱۴۴۵) (۲) در

---

(۱) ان ذكر حرفا مكان حرف ولم يغير المعنى الخ لم تفسد صلاته وان غير المعنى فان امكن الفصل بين الحرفين من غير مشقة كالطاء مع الصاد الخ تفسد صلاته عند الكل وان كان لا يمكن الفصل الاّ بمشقة كالظاء مع الضاد والصاد مع السين والطاء مع التاء اختلف المشائخ قال اكثرهم لاتفسد صلاته الخ قال الامام ابوالحسن والقاضى الامام ابو عاصم ان تعمد فسدت وان جرى على لسانه اوكان لا يعرف التميز لا تفسد وهو اعدل الاقاويل والمختار هكذا فى الوجيز للكردرى (عالمكيرى مصرى زلة القارى ج۱ص۷٤، ماجديه ج۱ ص۷۹). ظفير

(۲) وفى المحيط سئل الامام الفضلى عمن يقرء الظاء المعجمة مكان الضاد المعجمة اويقرأ اصحاب الجنة مكان اصحاب النار اوعلى العكس فقال لا يجوز امامته ولو تعمد يكفر قلت اما كون تعمده كفر فلا كلام فيه اذا لم يكن فيه لغتان (شرح فقه اكبر ص ۲۰۵). ظفير

(۳) عالمكيرى كشورى باب صفة الصلٰوة فصل رابع زلة القارى ج۱ ص۸۱ ، ط. ماجديه ج۱ ص۸۲. ظفير

سورت والتین (اَسفَل سَافِلِینَ) را با (اِلاَّ الذین) الآیة وصل تلاوت نماید آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟

جواب: (۱ – ۲) فقهاي متأخرین در این مورد توسیع نموده اند که خلاصه آن اینست که با همچو تغیرات نماز فاسد نمیشود تا وقتیکه چنان تغیر واقع نشود که معنی را بالکل فاسد نماید حکم صحت نماز باقي خواهد باشد: ولو زاد کلمة او نقص کلمة او نقص حرفًا او قدمه اوبدّله بآخر لم تفسد ما لم یتغیر المعنٰی [۱] الخ اما امامیکه اکثرا همچو غلیطها را مرتکب میشود آن امام قابلیت عهدهٔ امامت را ندارد بناء در عوض امام مذکور یک امام دیگر که فراگیر شرائط امامت باشد نصب گردد. فقط

با طرز سرود قرآن خواندن چگونه است؟ **سوال:** (۱٤٤٦) بطرز سرود خوانان خواندن قرآن مجید چگونه است؟ آیا خوش آوازي در سرود خواندن داخل است در ما بین سرود وخوش آوازي فرق چگونه است؟

جواب: بطرز سرود خواندن قرآن مجید ناجائز است قسمیکه در حدیث شریف ازآن منع آمده است: وعن حذیفة قال قال رسول الله ﷺ اقرأوا القران بلحون العرب واصواتها وایاکم ولحون اهل العشق ولحون اهل الکتابین وسیجئ بعدی اقوام یرجعون بالقرآن ترجیع الغناء والنوح لایجاوز حناجرهم مفتونة قلوبهم قلوب الذین یعجبهم شانهم رواه الیهقی فی شعب الایمان. [۲] ودر غناء ترجیع آواز وتردید آن میشود مانند: آ آ آ آ آ الخ بخلاف خوش اوازي که درآن مد وغیره مطابق قواعد تجوید میشود ولحن خوش وخوش آوازي در سرود شامل نیست.

درآیت (فَمَنْ کَانَ یَرْجُوْا لِقَآءَ رَبِّه) لفظ (کان) ترک شود چه باید کرد؟ **سوال:** (۱٤٤٧) امام در نماز جمعه درآیت (فَمَنْ کَانَ یَرْجُوْا لِقَآءَ رَبِّه) درآن لفظ (کان) را سهوا ترک نمود آیا نماز صحیح شده یا نه؟ یا اعاده ضروري است وبوجه عدم اعاده کسیکه بر امام طعن مي نماید براي او چه حکم است؟

جواب: دراین صورت نماز صحیح شده است [۳] پس هرکسیکه بوجه عدم واقفیت اعاده نماز را

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار . باب مایفسد الصلٰوة وما یکره فیها، مطلب زلة القاری ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۳۲. ظفیر الدین غفر له

(۲) مشکوٰة . کتاب فضائل القرآن . فصل ثالث صحیح ص ۱۹۱. ظفیر

(۳) ولو زاد کلمة الخ لم تفسد ان لم یتغیر المعنی (در المختار) قال فی شرح المنیة وان ترک کلمة من اية فان لم تغیر المعنٰی مثل وجزاء =

ضروري مي پندارد او را بايد بفهمانند كه اصل مسأله ازآن قرار است. فقط

اگر بجای (فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا) (فَالْمُدَبِّرَاتِ اَمْرًا) بگوید آیا نماز درست خواهد شد یاخیر؟

سوال: (۱۴۴۸) زيد سورة المرسلات را شروع نمود اما بجاي (فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا) آيت سورۃ والنازعات را كه (فَالْمُدَبِّرَاتِ اَمْرًا) بود تلاوت نمود اكنون نماز صحيح شده است يانه؟

جواب: در اين صورت نماز درست شده است [1]. فقط

اگر بجای (وَلَا اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ) (وَلَا اَنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۴۹) زيد در فرض نماز مغرب سورت قل يا ايها الكافرون را تلاوت نمود ودر (لا اعبدُ ماتعبدون) (ولا انتم تعبدون ما اَعبُد) قرائت نموده ركعت اول را اداء كرد ودر ركعت دوم (اِذَا جَاءَ نَصرُ اللهِ) را تلاوت كرد آيا نماز درست شده است يا خير؟

جواب: نماز درست شده است بخاطر انكه معنى اش صحيح است. فقط

بعد از قرائت نمودن سیزده ۱۳ آیت اگر بوجه متشابه بودن کدام لفظ ترک شود آیا نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱۴۵۰) اگر امام در قرائت نماز بعد از تلاوت نمودن سيزده (۱۳) آيت، آيت متشابه را قرائت نمود يا يک لفظ در مابين ترک شد وبغير از سجدۂ سهوه نماز را به انجام رساند آيا نماز صحيح است يا نه؟

جواب: نماز صحيح شده است. فقط

ألف مقصوره یا ممدوده را با نون غنه تلاوت نمودن نماز میشود یا خیر؟ **سوال:** (۱۴۵۱) اگر يک قاري در نماز الف مقصورہ وممدوده را نون تلفظ كند آيا در نماز كدام تقصير وارد ميشود يا نماز صحيح است؟ مثلا (موسى) را (موسان) ميگويد و (صحرى) را (صحران) و (بشرى) را (بشران) تلفظ مي نمايد وعلى هذا القياس وهرگاه برايش گفته شود كه اين غلطي را مكن او خشمگين وبغضب ميشود وميگويد كه من همچو تلفظ نمي نمايم حال آنكه حفاظ آن را نيز شنيده اند وايشان همچنان شكايت مي نمايند.

جواب: نماز صحيح شده است اما براي امام همچو غلطي كردن بكار نيست در همچو غلط

= سينه مثلها بترک سينه الثانية لا تفسد وان غيرت مثل فما لهم يؤمنون بترک لا، فانه يفسد عند العامة وقيل لا والصحيح الأول (رد المحتار باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها مطلب زلة القارى ج١ ص٥٩١ ، ط. س. ج١ ص٦٣٢). ظفير

(١) ومنها ذكر كلمة على وجه البدل ان كانت الكلمة التى قرأها مكان كلمتى يقرب معناها وهى فى القرآن لا تفسد صلوته نحو ان قرأ مكان العليم الحكم (عالمگيرى كشورى فصل خامس زلة القارى ج١ ص٧٨ ، ط. ماجديه ج١ ص٧٩). ظفير

خواندن هيچ كلام نيست واين لحن است لكن اعاده نمودن نمازهاي قبلي لازمي نيست ودرآينده احتياط كردن ضروري است (۱) واگر امام اين غلطي را ترک نميكند ناگزير بايد كه ديگر امام صحيح تلفظ كننده مقرر كرده شود. فقط

اگر بجاي ضاد ظاء تلفظ شود آيا نماز ميشود يا نه؟ سوال: (۱٤٥۲) هر كسيكه در نماز قصد اداء نمودن ضاد را از مخرجش نمود اما در وقت اداء كردن سهوا يا بطور لغزش زبان ضاد را ظاء تلفظ كرد آيا نماز او صحيح است يانه؟ وهركسيكه قصدا بجاي ضاد ظاء يا زاء بگويد آيا نماز او صحيح است يا خير؟

جواب: أگر خطاء بجاي ضاد معجمه ظاء معجمه تلفظ شد پس بنا بر قول اكثر نماز صحيح است لكن اگر قصدا بجاي ضاد ظاء يا زاء تلفظ نمود پس قاضي أبوعاصم رح ميفرمايد كه نمازش فاسد است وهمين را قول مختار گفته شده است ودر بزازيه همچنان آن را قول مختار واعدل الاقوال گفته است در شامي است: قال فى الخانية والخلاصة فيما ذكر بشقة كالظاء مع الضاد المعجمتين والصاد مع السين المهملتين والطاء مع التاء قال اكثرهم لا تفسد اهـ وفى خزانة الاكمل قال القاضى ابو العاصم ان تعمد ذالک تفسد وان جرى على لسانه اولا يعرف التمييز لاتفسد وهو المختار، حليه، وفى البزازيه وهو اعدل الاقاويل وهو المختار وفى التتارخانيه عن الحاوى حكى عن الصفار انه كان يقول الخطاء اذا دخل فى الحروف لا يفسد لان فيه بلوى عامة الناس (۲) آهـ ص ٤۲٥ شامى جلد۱. فقط

بجاي شين سيق تلفظ نمودن نماز درست ميشود يا نه؟ سوال: (۱٤٥۳)؟ امام نمودن شخص را كه شين را سين تلفظ مي نمايد وسين را شين چگونه است وآن عده نمازهاي كه با همچو غلطي اداء شده است آن نمازها درست شده است يا نه؟

جواب: آنكس را امام متعين نمودن بكار است كه قرآن مجيد را صحيح قرائت نمايد وآنكس را امام مقرر نكنيد كه داراي غلطي هاي مذكور باشد ونمازهاي كه با غلطيهاي فوق اداء شده است آنها همه درست شده اند اما درآينده آنكس را امام نسازيد تا وقتيكه تلفظ قرآن كريم را صحيح

---

(۱) ومنها القرائة بالالحان ان غير المعنى والاّ لا، الاّ فى حرف مد ولين اذا فحش والاّ لا، (الدر المختار على هامش رد المحتار باب مايفسد الصلوٰة ج۱ ص٥۸۹ ، ط. س. ج۱ ص٦۳۰). ظفير

(۲) ردالمحتار مطلب زلة القارى باب مايفسد الصلوٰة ج۱ ص٥۹۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۳۳. ظفير

ننماید.[1] فقط

با غلط قرائت نمودن نماز درست میشود یانه؟ سوال: (۱۴۵۴) یک امام بجاي (آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون) تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: کدام صورت سوال راکه شما مطرح وتحریر نمودید درآن نماز درست شده است[2]. فقط

آیا با وقف نمودن وعد وقف درسورت فاتحه اسم شیطان ساخته میشد؟ سوال: (۱۴۵۵) زید میگویدکه بعد ازوقف نمودن بردال (الحمد لله) گفتن بکار است زیرا بعدم وقف نمودن لفظ دُلل فهمیده میشود ودُلل اسم شیطان است وهمچنان بر کاف (إیاک) وقف نمودن بکار است زیرا بسبب عدم نمودن کَنَعَ فهمیده میشود و (کَتَعَ) اسم شیطان است، بناءا آیا این قول صحیح است یا نه؟

جواب: این قول زید غلط است. فقط

ادا نمودن سمع الله لمن حمده؟ سوال: (۱۴۵٦) یک نفر سمع الله لمن حمده را قسما تلفظ مي نماید که از لِیمن بسمع میرسد وشنیده میشود آیا این صحیح است یا غلط؟

جواب: همچو قرائت نمودن آنکس باعتبار قرائت غلط است درست نیست در قاعدهٔ قرائت آنست که در ضمه وکسره تنها بوي واو، ویاء مي آید، نه آنکه صریح واو ویاء یعني (هو لیمن) تلفظ شود این قطعا غلط است بناءا مناسب است که امام مذکور (سمع الله لمن حمده) بگوید واز همچو قرائت خود داري نماید. فقط

غلطیهای مفسد صلاة: سوال: (۱۴۵۷) (۱) یک امام قرآن مجید را غلط میخواند که غلطیهایش از این قرار است: در (الحمد لله) لفظ (ال) چنان تلفظ میکند که ازآن کسرهٔ لام معلوم میشود ودال (نَعْبُدُ) رامفتوح میگوید وقاف (مُسْتَقِیمَ) را کاف میخواند الخ بناءا با غلطیهاي فوق الذکر نماز درست میشود یانه؟

---

(۱) در الدر المختار مذکور است: ان کان الخطاء بابدال حرف بحرف فان امکن الفصل بینهما بلا کلفة کالصاد مع الظاء .... فاتفقوا علی انه مفسد وان لم یمکن الا بمشقة کالظاء مع الضاد والصاد مع السین فاکثرهم علی عدم الفساد لعموم البلوی وبعضهم یعتبر عسر الفصل بین الحرفین وعدمه وبعضهم قرب المخرج وعدمه (ج۱ ص۶۵۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفیر

(۲) ومنها ذکر کلمة مکان کلمة علی وجه البدل ان کانت الکلمة التی قرأها مکان کلمة یقرب معناها وهی فی القرآن لا تفسد صلٰوته (عالمگیری کشوری ج۱ ص۷۸ . ط. ماجدیه ج۱ ص۷۹). ظفیر

ترتیل: سوال: (۱٤٥۸) (۲) ترتیل ضروري است یا خیر شد ومد ضروري است یا چطور؟

جواب: (۱) با همچو غلطیها که در سوال مذکور است بعقب او نماز نمیشود واعاده نمودن بکار است [۱].

جواب: (۲) آنقدر ترتیل که حروف همراهش صحیح شود فرض است ودرست شد ومد بعضي ضروري است وبعضي أدنى است [۲].

(لآ أعبد) را بحذف لام تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۱٤٥۹) در سورت کافرون درآغاز آیت دوم که (لآ أَعْبُدُ) است وبا میم (ما تعبدون) است اگر الف لفظ (لا) والف لفظ (فا) ساقط شود وتنها با فتحه هر دو تلاوت شود آیا نماز درست خواهد شد یانه؟

جواب: نماز درست نشده است براي همه اعاده نمودن بکار است [۳]. فقط

اگر بجاي کسره فتح خوانده شود آیا نماز درست خواهد شد یانه؟ سوال: (۱٤٦۰) دریک کتاب نگاشته است که اگر نماز خوان در نماز بجاي کسره فتحه یا بر عکس بگوید پس کافر میشود آیا این صحیح است یا چطور؟

جواب: کافر نمیشود اما نماز فاسد میگزدد [٤]. فقط

اگر دو آیت قرائت نماید آیا نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱٤٦۱) در نماز والشمس را شروع نمود ودر ما بین دو آیت: وَالشَّمْسِ وَضُحٰهَا، وَاللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰهَا، را تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: نماز درست شده است [۵].

در قرائت بعد از تلاوت نمودن یک حصه سورت بفراموش سورت دیگر رفت چه حکم

---

(۱) ولا غير الالثغ به اى بالالثغ على الاصح كما فى البحر عن المجتبٰى الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ج۱ص٥٤٤ ، ط. س. ج۱ ص٥۸۱) قوله: غير الالثغ به قال فى المغرب هو الذى يتحول لسانه من السين الى الثاء وقيل من الراء الى الغين او اللام او الياء زاد فى القاموس اومن حرف الى حرف (رد المحتار ج۱ ص٥٤٤ ، ط. س. ج۱ ص٥۸۱). ظفير

(۲) ورتل القرآن ترتيلا (سوره مزمل : ٤). ظفير

(۳) ومنها حذف حرف، الى قوله : ان لم يكن على وجه الايجاز والترخيم ان غير المعنى تفسد صلٰوته عند عامة المشائخ (عالمگيرى كشورى ج۱ ص۷۸ ، ط. ماجديه ج۱ ص۷۹). ظفير

(٤) ان الخطاء اما فى الاعراب اى الحركات والسكون (الى قوله) ان غير المعنى تغيرا يكون اعتقاده كفر يفسد فى جميع ذالك سواء كان فى القرآن اولاً الخ (رد المحتار ج۱ ص٥۹۰). ظفير

(٥) ومن فرائضها التى لا تصح بدونها (الى قوله) ومنها القرآئة لقادر عليها (در المختار) قوله: ومنها القراءة اى آية من القرآن وهى فرض عملى فى جميع ركعات النفل والوتر وفى ركعتين من الفرض (رد المحتار ج۱ ص٤۱٥ ، ط. س. ج۱ ص ٤٤۲ – ٤٤٦). ظفير

دارد؟ **سوال:** (۱۴۶۲) عمرو در رکعت اول بعد از سورت فاتحه آیت ذیل را تلاوت نمود: لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰت وما فی الارض الملک القدوس العزیز الحکیم، تابه: وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي القَوْمَ الظّٰلمین، تلاوت نمود وسپس از آن بازگشت نمود وآخرین رکوع سورت بقره را شروع کرد؟ (لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰت وما فی الارض) وتا به آخر آن را قرائت نمود ودر رکعت دوم بعد از سورت فاتحه آخرین رکوع سورت مزمل را خوانده نماز را به پایان رساند بناءا در این حالت نماز صحیح شده است یانه؟

جواب: عمرو اول بنا بر فراموشي تلاوت را غلط نمود، سپس آخرین آیت هاي سورت بقره را صحیح خواند ودر رکعت دوم آخرین رکوع سورت مزمل را خواند بناءا نماز درست شده است وسجده سهوه وغیره هیچ لازم نیست اما راجح وبهتر آنهست که در هر یک از نماز فرض در هر یک رکعت در هر دو رکعت اولین سورت کامل را بعد ا از: اَلْحَمْدُ بخواند وقرائت نمودن آیت هاي متفرق در فرائض خلاف مستحب است [1]. فقط

مخرج ضاد کدام است؟ **سوال:** (۱۴۶۳) ضاد را با ظاء مشابه ویکسان خواندن بکار است یا با دال مشابه ویا چگونه خوانده شود؟

جواب: حرف ضاد یک حرف مستقل وجداگانه است که با لسان عربي اختصاص دارد وضاد را نه با دال مشابه خواندن بکار است ونه با ظاء خواندن بکار است وآموختن تلفظ ضاد بغیر از قاري مستند ومشافهة در فهم آمده نمیتواند باقي ماند آنکه درآن یکنوع آنچه که تشابه پنداشته میشود ازکتاب هاي تجوید وقرائت وعبارات آنها تشابه با ظاء معلوم میشود در نهایة القول المفید في علوم التجوید مطبوعۂ مصر: ص۴۸ مطالعه شود ومعمول قراء حرمین شریفین زاد الله شرفهما تشابه بالدال جریان دارد ومیشود که دلائل آنها دراینجا بسبب مضیقه عرض شده نمیتواند وچونکه این یک چیز حالي وکیفي است که تنها درکتابت ونگارش دشوار میباشد. فقط

در قرائت بعضی الفاظ ترک شده است آیا نماز درست شده است یانه؟ **سوال:** (۱۴۶۴) (۱) اگرامام در نماز آیت: وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللهِ، یعني بعد از (یا

---

(۱) الافضل ان یقرأ فی کل رکعة الفاتحة وسورة کاملة فی المکتوبة (عالمکیری کشوری ج۱ ص۷۷ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۷۸) ولو قرأ فی رکعة من وسط سورة ومن آخر سورة وقرأ فی الرکعة الاخریٰ من وسط سورة اخریٰ او من آخر سورة اخری لا ینبغی له ان یفعل ذالک علی ماهو ظاهر الروایة ولکن لو فعل ذالک لا باس به (ایضاً، ط. ماجدیه ج۱ ص۷۸). ظفیر

بَنِی) (إِسْرَائِيلَ إِنِّي) را ترک نمود آیا نماز درست شده است یا ناقص گردیده؟ ودر این وقت یک مقتدي دیگر این آیت را بیاد داشت اما او نیز برایش فتحه نداد آیا نماز او درست شده است یا نه؟

اگر درما بین برخی ازقرائت ترک شود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱٤٦٥) (۲) در سورت رحمن آیت (حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ) را شروع نمود ودر ما بین آیت ها را ترک نموده واز (مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ) إلی آخره آن را تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: (۱) نماز درست شده است وکدام نقصان در آن وارد نیامده أست وهمچنان نماز آنکس نیز درست شده است که فتحه نداده است، ونماز سائر مقتدیان همچنان درست شده است [۱]. فقط

جواب: (۲) در این صورت نیز نماز درست شده است وکدام نقصان در آن نیامده [۲] فقط.

در نماز حرف ضاد را چگونه خواندن بکار است؟ **سوال:** (۱٤٦٦) حرف ضاد را در نماز چگونه خواندن بکار است؟

جواب: ضاد را از مخرج خویش اداء نمودن بکار است واگر از مخرج بیرون شده نمیتواند پس هر قسمیکه اداء شود نماز درست واداء میشود [۳]. فقط

اگر بجای (لَحَافِظُونَ) لنا حافظون بخواند نماز درست میشود یانه؟ **سوال:** (۱٤٦٧) علماء دین ومفتیان شرع متین در مورد آن مسأله چه میفرمایند که امام در رکعت اول نماز بعد از مقدار ده (۱۰) آیت قرائت نمودن اگر سهوا بجاي (لَحَافِظُونَ) لنا حافظون بگوید در این صورت نماز درست خواهد شد یا نه؟ بناء پاسخ سوال را با ارائه حواله کتاب تحریر فرمائید؟

جواب: نماز درست شده است [٤]. فقط

مخرج ضاد کدام است وکسیکه دال را مفخم بگوید آیا امامت او درست است یانه؟

---

(۱) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه اوبدله أخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج۱ ص۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ٦٣٢). ظفير

(۲) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه اوبدله أخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج۱ ص۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ٦٣٢). ظفير

(۳) إلاّ ما يشق تمييزه كالضاد والظاء فاكثرهم لم يفسدها (الدرالمختار ج۱ص۵۹۱، ط. س. ج۱ ص٦٣٣). ظفير

(٤) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه اوبدله أخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج۱ ص۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ٦٣٢). ظفير

سوال: (۱٤٦۸) از عبارت جزریه وشاطبیه وتحفة النذرية وملا علي قاري واضح وروشن است که ضاد معجمه را از دال وظاء جدا خواندن فرض است؟ اگر کسي مي آموزد یقینا ضاد را صحیح خوانده میتواند لکن نمیخواهد که بیاموزد واو را مشابه ظاء ویا دال مفخم میگوید بناء امامت او درست است یانه؟

جواب: اگر ضاد را در صورت خواندن دال مفخم بر آن حکم عدم صحت نماز شود پس نماز هیچکس از علماء وقراء عرب وامامان مساجد درست نخواهد شد وهمچنان نماز یکي ازمقتدیان نیز درست نخواهد شد زیرا ایشان همه (دوالین) تلفظ مي نمایند. پس معلوم شد که چنین حکم صادر نمودن غلط ونادرست است ودرآن حرج میباشد البته عمده وبهتر آنست که کوشش شود ازمخرج اداء گردد نه آن را ظاء تلفظ کند ونه دال وحضرت مولانا رشید أحمد گنگوهي قدس سره تحریر فرموده است که ضاد را در صورت دال مفخم خواندن دال نیست قسمیکه طاء، تاء نیست وقس علیه، بلکه مخرج ضاد ناقص است آنکه مشابه دال مفخم معلوم میشود. [1] فقط

فصل دوم مکروهات نماز

آن چیزهای که بسبب آنها درنماز کراهیت پیدا میشود

روبرو قبر نماز خواندن چگونه است؟ **سوال:** (۱٤۰۹) زید یک مسجد را ا عمار نمود که در ما بین صحن آن مسجد یک قبر است که نقشه آن منسلک میباشد بناء اگر کدام شخص رو یا روي قبر نماز اداء کند آیا جائز است یانه؟

جواب: روبروي محاذات قبر نماز اداء نمودن مکروه است بناء مناسب آنست که در همچو موارد اگر قبر باشد چنانچه درآن صورت موجوده است پس نشاني آن قبر محوه گردد وهر گاه نشاني قبر در فرش مسجد باقي نماند پس در نماز کدام کراهیت نخواهد باشد واگر نشاني قبر از بین نرود ومحوه نشود پس در آن صورت روبروي محاذات قبر نماز خواندن مکروه است علاج وراه بیرون رفت آن اگر قسما شود که در هر جانب قبر یک دیوار ساخته شود پس در آن

---

(۱) قوله مخرج ناقص است الخ دلیلش آنست که در صورت دال مفخم مخرج ضاد یعني از حافة لسان مع الاضراس بسیار کار گرفته میشود ومخرج دال نعني براي کناره زبان وببیخ ثنایا عنیا نیز في الجملة شمول داشته میباشد البته کدام صفات دال که است در صورت دال معجم اداء نمیشود ودر اینجا مخارج وصفات از فوائد مکیه مأخوذ است. جمیل الرحمن

وقت کراهیت مرتفع ودور خواهد شد [۱]. فقط

آیا در وقت سجده رفتن پا جامه را بلند نمودن نا پسند است؟ سوال: (۱٤۷۰) در وقت رفتن از قومه بطرف سجده بعضي مردم ازار را بلند مي نما یند آیا این نماز جائز است یانه؟

جواب: بلا ضرورت چنین بمردن ناپسند است ونماز اداء میشود. [۲] فقط

در زمین بغیر از اجازه نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱٤۷۱) اگر بدون اجازه درزمین کسي نماز اداء نمود آیا نماز درست شده است یا خیر؟

جواب: نماز درست شده است [۳]. فقط

بطور عاجزی سرلچ نماز خواندن بلا کراهیت جائز است: سوال: (۱٤۷۲) در یک کتاب نوشته شده است هر کسیکه سر لچ بر این نیت نماز اداء نماید که با تواضع وعاجزي به درگاه خداوند حاضر میشوم آیا در آن کدام حرج نیست؟

جواب: همانطور در کتاب هاي فقه نیز نوشته شده است که با داشتن نیت مذکوره سر لچ نماز خواندن کراهیت ندارد. در الدر المختار [٤] مذکور است: لأ باس به للتذلل الخ. فقط

امامت دادن با بستن دستمال یا دست پاک چگونه است؟ سوال: (۱٤۷۳) بجاي دستار دستمال یا دست پاک را بسر نموده امامت دادن جائز است یانه؟ ودست پاک را برکلاه بسته نمودن مکروه است یا خیر؟ وهمچنان درین صورت نماز دادن مکروه است یا نه ؟ واین اعتجار

---

(۱) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ ومقبرة (در مختار) واختلف فی علته فقیل لان فیها عظام الموتی وصدیدهم وهو نجس وفیه نظر وقیل لان اصل عبادة الاصنام اتخاذ قبور الصالحین مساجد وقیل لانه تشبه بالیهود وعلیه مشی فی الخانیه ولاباس بالصلاة فیها اذا کان فیها موضع اعد للصلاة ولیس فیه قبر ولا نجاسة ولا قبلة الي قبر (رد المحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۵۲ ، ط. س. ج۱ ص۳۷۹). ظفیر

(۲) وکره کفه ای رفعه ولو لتراب کمشمر کم او ذیل وعبثه به ای بثوبه وبجسده للنهی الا لحاجة ولا باس به خارج صلاة (درمختار) قال فی النهایه وحاصله ان کل عمل هومفید للمصلی فلاباس به اصله ماروی ان النبی ﷺ عرق فی صلاته فسلت العرق عن جبینه ای مسحه لانه کان یؤذیه فکان مفید وفي زمن الصیف کان مفیدا کیلا تبقی صورة فاما لیس بمفید فهو العبث آهـ وقوله کي لاتبقی صورة یعنی حکایته صورة الالیة کما فی الحواشی السعدیة الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۸ – ۵۹۹، ط. س. ج۱ ص٦٤۱). ظفیر

(۳) وکذا تکره الخ او للغیر لو مزروعة (درمختار) فإن اضطر بین أرض مسلم وکافر یصلي في أرض المسلم إذا لم تکن مزروعة، فلو مزروعة أو لکافر یصلي في الطریق اهـ أي لان له في الطریق حقا کما في مختارات النوازل، وفیها: تکره في أرض الغیر لو مزروعة أو مکروبة، إلا إذا کانت بینهما صداقة أو رأی صاحبها لا یکرهه فلا بأس اهـ نقل سیدي عبد الغني عن الاحکام لوالده الشیخ إسماعیل أن النزول في أرض الغیر، إن کان لها حائط أو حائل یمنع منه وإلا فلا، والمعتبر فیه العرف اهـ یعني عرف الناس بالرضا (ردالمحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۵٤ ، ط. س. ج۱ ص۳۸۱). ظفیر

(٤) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۹، ط. س. ج۱ ص٦٤۱. ظفیر

است يا نه؟ واگر كسي بر او طعن مي نمايد والفاظ جاهلانه وتوهين آميز را بگويد آيا او را عتاب دادن بكار است يانه؟

جواب: دست پاک وروماں را بر كلاه بستن مكروه نيست يعني بطور عمامه آن را بسته كردن مكروه نيست ونماز نيز همرايش مكروه نميباشد واين اعتجار مكروه نيست ولفظ عصابه بمعني عمامه نيز آمده است وكدام جبيره كه بالاى سر بسته ميشود آن را همچنان عصابه ميگويند، چنانچه العصابة تاتي بمعنى العمامة كما في القاموس وشرح شمائل للقاري [۱] در مورد عمامه مباركهٔ آن حضرت ﷺ منقول است كه ايشان دو نوع عمامه داشتند يكي هفت ذراع ودوم دوازده ذراع بود لكن صحيح آنست كه درآن هيچ نوعه تحديد شرعا نيست وبقدر ضرورت شدن كافي أست [۲]. دركتاب جمع الوسائل شرح الشمائل لعلي القاري چنين مذكور است: وقال الشيخ الجزري في تصحيح المصابيح: تتبعت الكتب وتطلبت من السير والتواريخ لاقف على قدر عمامة النبى ﷺ فلم اقف حتى اخبرنى من اثق به انه وقف على شئ من كلام النووى ذكر فيه انه كان له ﷺ عمامةً قصيرةً وعمامةً طويلةً وان القصيرة كانت سبعةَ اذرع مطلقًا من غير تقييد بالقصير والطويل [۳] الخ. فقط

در نماز برختم بعضى آيت ها دعا وحكم آن:

سوال: (۱٤٧٤) (۱) يک امام عالم در نماز تراويح سورت رحمن را تلاوت نمود (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) وبعد از آن خاموش شد ومقتديان در جواب او (لَا بِشَيْءٍ مِنْ نِعَمِكَ رَبَّنَا نُكَذِّبُ فَلَكَ الْحَمْدُ) بالجهر خواندند، وهمچنان در آن فرائض كه قرائت در آنها جهرا خوانده ميشود ودر آن با ختم شدن سورت قيامة لفظ بلى ودر سورت أعلى (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ) (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى) ودر ختم شدن سورة والتين (بَلَى وَأَنَا عَلَى ذَالِكَ مِنَ الشَّاهِدِيْنَ) وغيره مقتديان جهرا بگويند، در نماز تراويح وفرائض براي مقتديان ارائه نمودن تعليم خواندن جواب آيت هاي مذكوره وبر آن عمل كردن چطور است؟

---

(۱) جمع الوسائل. ظفير

(۲) فان لم تكن عمامته بالكبيرة التى يؤذى حملها حاملها الخ ولا بالصغيرة التى تقصر عن وقاية الرأس من الحر والبرد بل كانت وسط بين ذلک الخ وقال السيوطى لم يثبت فى مقدارها حديث وفى مايدل على انها عشرة اذرع والظاهر انها كانت نحو العشرة او فوقها يسير وقال الطحاوى فى فتاويه رايت مانسب لعائشة ان عمامته ﷺ فى السفر بيضاء وفى الحضر سوداء وكل منها سبعة اذرع الخ وفى تصحيح المصابيح لابن الجزرى تتبعت الكتب الخ لاقف على قدر عمامته ﷺ فلم اقف على شيء حتى اخبرنى من اثق به انه وقف على شيء من كلام النورى ذكر فيه انه كان له عمامة قصيرة ستة اذرع وعمامة طويلة اثنا عشر ذراعا (شرح المواهب اللدنيه للزرقانى ج٥ ص٤). ظفير

(۳) جمع الوسائل. ظفير

برای امام بر همچو آیت ها مکث نمودن چگونه است؟ **سوال:** (۱٤۷۵) (۲) براي امام در حالت نماز تراويح ويا فرائض بعد از خواندن آيت های جوابي مكث نمودن وبعد از شنيدن جواب هاي مقتديان باز قرائت شروع كردن چگونه است؟

آیا بر همچو کردن اشتغال بر غیر قرآن نمی آید؟ **سوال:** (۱٤۷٦) ارائه نمودن جوابات فوق الذكر در نماز فرض يا تراويح مقتدي مشتغل بغير القرآن دانسته ميشود يا نه؟

با همچنان اشتغال در غیر قرآن مفسد صلاة است یا نه؟ **سوال:** (۱٤۷۷) (۳) با چنين نوع اشتغال بغير القرآن نماز چه حكم دارد؟

اگر کراهیت داشته باشد ایا اعاده اش واجب است یا نه؟ **سوال:** (۱٤۷۸) اگر حكم كراهيت تحريمي ثابت شود پس اعادهٔ نماز لازم ميشود يانه؟

در ائمهٔ أربعه این مذهب کیست؟ **سوال:** (۱٤۷۹) (٤) در خير القرون ازآن وقتيكه بر بيست ركعت تراويح اجماع منعقد شده است آيا همچو عمل را كسي انجام داده است يا خير؟ ودر ما بين أئمهٔ أربعه اين فعل مذهب كيست؟

جواب: (۱) جائز نيست: يظهر من الروايات المنقولة فى السوال، وفى شرح المنية الكبير واما الامام والمقتدى فلا يفعل ذالك السوال والتعوذ لا فى الفرض ولا فى النفل الذى تقصد منه الجماعة كالتراويح .[۱]

جواب: (۲) اين فعل امام مكروه است ومنافي موضوع نماز ميباشد.

جواب: (۳) و (٤) و(۵) ظاهر است كه اين اشتغال بغير القرآن است وبا همچو كردن در نماز كراهيت تحريمي واقع مي شود ودر صورت كراهيت تحريمي اعاده نمودن نماز واجب است واز ضرورت اعاده معلوم شد كه نخست در نماز نقصان آمده وبخاطر جبيرهٔ نقصان مذكور اعاده واجب شده است[۲].

جواب: (٦) ثابت نيست ودر جملهٔ أئمه امام شافعي است كه آن را جائز فرموده كما في شرح المنية الكبير:وإن كان المصلي المنفرد في الفرض يكره له ذلک لعدم الورود وفيه خلاف الشافعي

(۱) غنية المستملي ص ۳٤۵ . ظفير

(۲) وكل صلوة اديت مع كراهة التحريم تجب اعادتها والمختار انه جابر للاول (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ج۱ص٤۲۵ – ٤۲٦ ، ط. س. ج۱ ص٤۵٦). ظفير

(رج) استدل بالحديث ولنا أنه في النفل كما مر. فقط

اگر تنها کلاه بسر باشد نماز مکروه نیست: سوال: (۱۴۸۰) کلاه بسر نمودن امامت دادن بغیر کراهیت جائز است یانه؟

جواب: کُلاه پوشیدن امامت دادن درست است ودرآن کراهیت نیست البته با عمامه نماز خواندن وامامت دادن افضل وباعث ثواب مزید است لکن کلاه نیز مکروه نیست. کذا في شرح المنية الكبير [1]. فقد

با إشارۂ یک دست نابینا را بطرف قبله متوجه کردن چگونه است؟ سوال: (۱۴۸۱) اگر کدام نابینا بغیر از درست بودن سمت قبله در نماز جماعت شامل شود ونماز خوان همجوارش دست را دراز نموده او را بجهت قبله هموار نمود در حالیکه سینۂ نماز خوان همجوار از قبله نگشته بود ونه دیگر کدام حرکت شکنندۂ نماز از او صادر شده بود آیا نماز او خواهد شد یا نه؟ واگر نابینا هموار ودرست بطرف قبله ایستاد نباشد ونماز را اداء نماید آیا نماز او درست خواهد شد یا خیر؟

جواب: اگر با اشارۂ یک دست رخ نابینا مذکور را درست نماید پس اینقدر عمل فعل قلیل است وفعل قلیل مفسد صلاة نیست واگر ضرورت براي درشت نمودن او به هردو دست باشد پس این عمل وفعل کثیر است ودر این صورت نماز کم کننده درست نخواهد شد وبهتر آنست که اگر رخ نابینا را نماز خوان همجوار درست نماید پس از سر نو تجدید نیت کند [2] واگر نماز خوان همجوار رخ او را درست نکرد پس نماز نابینا درست میشود. فقط

دروازه را مسدود نموده نماز را شروع کرد ودر آن اثنا آمد ودر شور شغب پرداخت بناء چه باید کرد؟ سوال: (۱۴۸۲) اگر کسي در کدام حالت دروازه اطاق را از طرف داخل مسدود نماید ونماز را شروع کند وکسي دیگر میخواهد که بداخل تشریف آورد اما برایش

---

(۱) والمستحب ان يصلى الرجل فى ثلثة اثواب ازار وقميص وعمامة ولو صلى فى ثوب واحد متوشحا به جميع بدنه كما يفعله القصّار فى المقصرة جاز من غير كراهة مع تيسير وجود الطاهر الزائد ولكن فيه ترک الاستحباب (غنية المستملى ص۳۳۷). ظفير

(۲) ويفسدها كل عمل كثير ليس من اعمالها ولاصلاحها وفيه اقوال خمسة اصحها ما لا يشک بسببه الناظر من بعيد فى فاعله انه ليس فيها وان شک انه فيها ام لا، فقليل (در المختار) رواه الثلجى عن اصحابنا، حلية، القول الثانى أن ما يعمل عادة باليدين كثير وان عمل بواحدة كالتعمم وشدّ السراويل وماعمل بواحدة قليل الخ واكثر الفروع او جميعها مفرّع على الاولين والظاهر ان ثانيهما ليس خارجا عن الاول لان مايقام باليدين عادة يغلب ظن الناظر انه ليس فى الصلٰوة (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة الخ ج۱ ص۵۸۳ – ۵۸۴ . ط. س. ج۱ ص۶۲۴). ظفير الدين

معلوم نیست که شخص در داخل نماز میخواند وحالانکه شخص بیروني آنقدر فریاد ومضیقه را آغاز کرده است که براي شخص داخلي رجوع نمودن ازنماز بسیار مشکل شده است بناء اکنون نماز خوان چه طریقه اختیار نماید؟

اگر در حالت نماز انسان یا جانور حمله آور باشد پس چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۴۸۳) در همچو حالت قائم نمودن نماز مقابله دشمن را چگونه باید کرد خواه انسان باشد یا حیوان باشد یا حشرات الارض باشد که از آن اندیشهٔ أذیت ونقصان احساس شود؟

جواب: (۱) در همچو حالت اگر با تازه نمودن حلقوم مشکل حل میشد پس تازه نمودن حلقوم درست است بخاطر آنکه شخص که از بیرون آمدن است او بداند که نماز اداء مینماید قسمیکه در در مختار فرموده است: او للاعلام أنه في الصلاة فلا ساد على الصحيح [1] الخ وباقي نماز خواندن در آن صورت درست نیست کما يظهر من تفصيل العلماء.

جواب: (۲) نماز را بشکناند درالدر المختار مذکور است: وما يباح قتل حية [2] الخ فقط، وقبل از این چنین عبارت مذکور اسیت: وند دابة وفور قدر وضياع ما قيمته درهم له أو لغيره الدر المختار قوله: ويباح قطعها اي ولو كانت فرضا كما في الامداد، شامي [3]. فقط

اگر لنگ یا ازار نماز خوان بگشاید آیا به هر دو دست آن را بستن درست است یانه؟

سوال: (۱۴۸۴) اگر در حالت نماز لنگ یا ازار نماز خوان بگشاید آیا نماز خوان آن را با هر دو دست بسته کرده ونماز را به انجام رسانده میتواند یا از سر نو نماز اداء نماید وهمچنان دکمهٔ کلاه قطیفه وغیره همه افعال است که با هر دو دست انجام مي پذیرد اگر با هر دو دست آن امور درست شود پس آن نماز جه حکم خواهد داشت؟

جواب: در کبیري شرح منیة مذکور است: ويكره ايضا فى الصلٰوة نزع القميص والقلنسوة الخ وكذا يكره لبسها اذا كان النزع واللبس بعمل يسير لانه عمل اجنبى من الصلٰوة لايحصل به تتميم شيئ من اعمالها ولهٰذا كان مفسداً اذا حصل بعمل كثير بان احتاج الى اليدين او كان مما لو رآه الناظر ظنه ليس فى الصلٰوة [4] الخ. از این عبارت معلوم شد که درحالت نماز اگر پوشیدن

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد ومايكره فيها ج۱ ص۵۷۸ ، ط. س. ج۱ ص۶۱۹. ظفير

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ ص۶۱۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۱. ظفير

(۳) رد المحتار ايضاً ، ط. س. ج۱ ص۶۵۴. ظفير

(۴) غنية المستملى مكروهات صلٰوة ص۳۴۴ . ظفير

وکشیدن، کرته وکلاه بعمل یسیر باشد یعني بیک دست باشد وبدان طریقه طوري باشد که نگاه کننده وناظر بر نمازگذار چنان فکر نکند که او در نماز نیست پس درآن صورت مکروه است واگر بعمل کثیر باشد پس این عمل مفسد صلاة است بسته نمودن ازاربند، لنگ وغیره بغیر از هردو دست ظاهرا دشوار است لهذا این عمل کثیر است ومفسد صلاة میباشد [1]. فقط

ازجلد دباغت شدهٔ آهو مصلی ساختن درست است: **سوال:** (۱۴۸۵) ازآن جلد آهو مصلی ساختن که هر چهار ناخون وشاخهایش آویزان باشد وبر آن نماز ادا نمودن مکروه است یا نه؟

جواب: برهمچو جلد نماز اداء نمودن بغیر ازکراهیت درست است زیرا هیچ دلیل کراهیت درآن نیست [2]. فقط

بازوئی برهنه نماز خواندن مکروه است: **سوال:** (۱۴۸۶) اگر بازو برهنه باشد نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز میشود اما این عمل خلاف سنت ومکروه است یعني وقتیکه لباس موجود باشد واگر نباشد پس در آن کدام کراهیت نیست [3]. فقط

با کلاه ساخته شدهٔ رخت سرقت نماز چگونه است: **سوال:** (۱۴۸۷) اکثر مردم چنان عمل میکنند که از خیاط لباس میخواهند یا درکرته بطور مثال نشاني (کالر) را نصب مي نمایند وخیاط از لباس دیگر درآن نصب میکند بناء در همچو لباس نماز خواندن جائز است یانه؟

جواب: نماز اداء میشود لکن همچو کردن جائز نیست واگر گمان غالب بر آن باشد که خیاط درآن رخت سرقت را استعمال نموده است بازهم نماز مکروه میشود اگر چه اداء خواهد شد.

---

(۱) ویفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولا لاصلاحها وفیه اقوال خمسة اصحها لا یشک بسببه الناظر من بعید فی فاعله ان لیس فیها وان شک انه فیها ام لا فقلیل الخ (در المختار) القول الثانی ان ما یعمل عادةً بالیدین کثیر وان عمل بواحدة کالتعمم وشد السراویل وما عمل بواحدة قلیل وان عمل بهما کحلّ السروایل ولبس القلنسوة الخ (رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۳ – ۵۸۴ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۴). ظفیر

(۲) شعر المیتة وعظمها طاهر وکذا العصب والحافر والخف والظلف والقرن والصوف والوبر والریش والسن والمنقار والمخلب الخ (عالمگیری کشوری باب المیاه فصل ثانی ج۱ ص۲۳ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۲۴) کل اهاب دبغ دباغة حقیقیة بالادویة اوحکمیة بالترتیب والتشمیس والالقاء فی الریح فقد ظهر وجازت الصلٰوة فیه (ایضًا ، ط. ماجدیه ج۱ ص۲۵). ظفیر

(۳) ولو صلی رافعًا کمّیه الی المرفقین کره کذا فی فتاوی قاضی خان (عالمگیری کشوری باب مایکره فی الصلٰوة ج۱ ص۱۰۵ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۱۰۶). ظفیر

فقط [۱]

اگر نمازخوان با استعمال پکه خوشنود میشود درنماز او کدام کراهیت نیست؟ **سوال:** (۱٤۸۸) اگر برای نماز گذار کسي پکه میزند ونماز خوان بر آن فعل خرسند باشد آیا نمازش درست میشود یانه؟

جواب: اگر براي نماز گذار کسي خاص به رضاي الله پکه میزند ونماز خوان از آن راحت محسوس مي نماید وبا اطمینان نماز خود را کامل نماید در این صورت در نماز کدام فساد وکراهیت نمي آید ونماز گذار اگر به این خرسند شود بازهم در نمازش کدام فساد وکراهیت نمي آید وآن عده باد پکه هاي که در مساجد نصب است با جریان آنها نیز در نماز کسي فساد وکراهیت واقع نمیشود البته براي نماز خوان درآن مورد حکم نمودن بکار نیست که در وقت نماز خواندن برایم باد پکه بزن بخاطر آنکه این سخن خلاف أدب است اگر چه با آنهم در نماز چیزي کراهیت نیز نمي آید. فقط

حد عبور نمودن از پیش روی نماز گذار: **سوال:** (۱٤۸۹) عبور نمودن از پیشروي نماز گذار ممنوع است وجه آن چیست که اگر کسي بیرون بالاي فرش نماز بخواند ودر داخل مسجد از پیشروي او عبور کردن جائز است یانه؟

جواب: وجهش آنست که درمسجد بزرگ تا جاي که نظر نماز خوان میرسد وتا وقتیکه نظر خود را نماز خوان بر جاي سجده داشته باشد تا به آن حدود از پیشروي او کسي مرور نمیکند فلهذا اگر کسي بیرون بالاي فرش نماز بخواند پس در حصه داخل مسجد از پیشروي او عبور کرده میتواند [۲]. فقط

در نماز تصفیه نمودن خاک پیشاني چطور است؟ **سوال:** (۱٤۹۰) در نماز اکثر اوقات پیشاني خاک آلود میشود وپاک نمودن آن چگونه است؟

جواب: درنماز آن را نباید پاک کرد واگر بعد از نمازآن را پاک کند در آن کدام حرج نیست

---

(۱) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة قبیل باب الاذان ج۱ ص۳٥٤ ، ط. س. ج۱ ص٤۰۳). ظفیر

(۲) ومرُوْر مارٍّ فی الصحراء وفی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح او مرور بین یدیه اوحائط القبلة فی بیت ومسجد صغیر فانه کبقعة واحدة مطلقا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٥۹۳ ، ط. س. ج۱ ص٦۳٤). ظفیر

لکن بهتر آنست که آن را تصفیه نکند [۱]. فقط

با کُلاه عسکری نماز جائز است: **سوال**: (۱۴۹۱) اگر کسي بجاي کلاه کلاه عسکري را بسر نموده نماز را اداء کند یا امامت مي نماید آیا نمازش جائز است یانه؟ وهمچنان بغیر از نماز بسر نمودن آن چگونه است؟

جواب: با کلاه عسکري نماز خواندن درست میشود ودر لباس وکلاه کدام وضع وطریقه خاص مامور به نیست بلکه هر قسمیکه عادت ورواج یک مملکت باشد موافق آن لباس وکلاه وغیره استعمال نمودن درست است در حدیث شریف است: کلوا ما شئتم والبسوا ما شئتم، الحدیث [۲] یعني هر چیزیکه پسند شما باشد بنوشید وهر چیزي را که خوش دارید بپوشید اما از حرام خود داري کنید تکبر واسراف مکنید. فقط

اگر در جیب پول رشوت باشد نماز درست میشود یا نه؟ وهمچنان با پول رشوت لباس خریده شده نماز در آن چگونه است؟ **سوال**: (۱۴۹۲) اگر در جیب یک نفر پول رشوت باشد آیا نماز او درست میشود یانه؟ وهمچنان لباس که با پول رشوت ساخته شده باشد ودر بدن نماز خوان باشد آیا نماز درست خواهد شد یانه؟

جواب: نماز درست میشود ودر نماز بخاطر آن وجه کراهیت نیست که گناه رشوت علیحده میباشد واگر در بدنش لباس ساخته شده به پول رشوت باشد در این صورت نماز مکزوه است [۳]. فقط

در نماز تصور بچه وغیره ناپسند است: **سوال**: (۱۴۹۳) در نماز تصور نمودن پسر وغیره جائز است یانه؟

(۲) وهمچنان کدام چیز دنیاوي را تصور نمودن چگونه است؟

قصدا تصور نمودن پسر چگونه است؟ **سوال**: (۱۴۹۴) (۳) بعد از تکبیر تحریمه که تصور پسر کرده شود چطور خواهد باشد؟

جواب: (۱ و ۲) در نماز بغیر از الله تصور هیچ چیز وقصدا در خیال ونظر اوردن هیـج کس بکار

---

(۱) ویکره للمصلی ان یمسح عرقه اویمسح التراب عن جبهته فی اثناء الصلوٰة الخ ولایکره بعد الصلام (غنیة المستملی ص ۳۴۵). ظفیر

(۲) با همچو الفاظ بعینه الفاظ را دریافت نکردم وباقی در جواز نماز قطعا هیچ کلام نیست والله اعلم. ظفیر

(۳) قسمیکه در أرض مغصوبه نماز مکروه است وکذا تکره في أماکن کفوق کهبة الخ وأرض مغصوبة (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۸۴). ظفیر

نیست (۱).

جواب: (۳) مناسب نیست. (۲) فقط

بعد از سلام بغیر از دعا کردن مقتدی رفته میتواند: سوال: (۱۴۹۵) براي مقتدي در دعاي امام شرکت ورزیدن ضروري است ویا رعایت وقت باید بشود؟

جواب: ۱ اگر مقتدي ضرورت داشته باشد ویا کار عاجل دارد او بعد از سلام فورا رفته میتواند ودرآن کدام گناه نیست وبر او طعن گفتن مناسب نیست واگر تا به ختم دعا انتظار نماید وبا امام در دعا شرکت ورزد بهتر خواهد بود ودرآن بواب مزید میباشد (۳). فقط

اصلا نمودن نماز خوان که جهت قبله را غلط نموده باشد جائز است: سوال: (۱۴۹۶) هر کسیکه بلا جهت قبله نماز میخواند او را بطرف قبله مستقیم نمودن بدست بکار است یا به زبان؟

جواب: او را بدست وزبان هر دو مستقیم نمودن درست است که در آن صورت در نماز کدام نقصان واقع نخواهد آمد (٤) یعني در نماز این نماز خوان خلل نمي آید واگر مستقیم کننده خودش در نماز باشد درآن صورت او را با یک دست درست ایستاد نمودن بکار است واگر درآن حالت بزبان برایش گفت نمازش درست نخواهد شد زیرا درنماز سخن گفتن نماز فاسد مي نماید. والله اعلم. ظفیر

در حالت نماز قطیفه یا کمبل از خود پیچاندن درست است یا نه؟ سوال: (۱٤۹۷) (۱) در وقت نماز قطیفه یا کمبل را برشانه انداختن بکار است یا بالاي سر باشد وهمچنان هر دو کنج هاي طرف چسپ آویزان باشد زیرا وقتیکه کناره طرف راست آن بر شانه انداخت درآن حکم سدل الثوب متوجه نمیشود که آن را فقهاء مکروه قرار داده اند بناء کراهیت باقي نماند وبهتر آنست که هر دو اطراف کاره چپ آن نیز بالاي شانه اندازد (۵). فقط

---

(۱) ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (الجن : ۱۸). ظفیر

(۲) وفی الفتاوی لو تفکر فی صلاة فتذکر حدیثا او شعراً او خطبة او مسئلة یکره ولا تفسد صلاته کذا فی السراج الوهاج (عالمگیری مصری باب مایفسد الصلوٰة ج۱ ص۹٤ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۹۸). ظفیر

(۳) ویستحب ان یستغفر الخ ویدعو ویختم بسبحان ربک (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة بعد الفصل ج۱ ص٤۹٥ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۰). ظفیر

(٤) ولو اعمٰی فسوّاه رجل بنٰی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص٤۰۳ ، ط. س. ج۱ ص٤۳٤). ظفیر

(۵) وکره الخ سدل ثوب ای ارساله بلا لبس معتاد (در المختار) فعلی هذا تکره الطیلسان الذی یجعل علی الرأس وقد صرح به شرح =

در وقت زیر وزبر فتحه دادن درست است: سوال: (۱۴۹۸) اگر از امام غلطي زير وزبر قسما صادر شود که در معنی هیچ نوع فرق نیاید در همچو حالت فتحه دادن کراهيت خواهد باشد یا نه؟

جواب: در همچو حالت فتحه دادن هیچ کراهیت بدنبال ندارد واما اصلاح غلطي ضروري است.[1] فقط

در ما بين ترک نمودن سورت کوچک مکروه است در چنان حالت اعاده نمودن نماز مستحب است: سوال: (۱۴۹۹) امام در نماز مغرب در رکعت اول سورت کوثر ودر رکعت دومْ سورت نصر را تلاوت نمود نخست آنکه سورت خورد وبزرگ ودوم آنکه خلاف ترتیب سوزت کوچک در بین ترک شد درآن صورت اعاده واجب است یا نه؟ اگر اعاده نمود آیا گنهکار نمیشود؟ وبرایش ثواب خواهد داده شد یانه؟

جواب: ترک نمودن سورت کوچک در ما بین مکروه تنزیهي است فلهذا اعاده نمودن آن نماز واجب نیست لکن اگر کسي اعادہ نمود درآن گناه نیست بلکه بهتر وباعث ثواب استِ چنانچه در شامي از فتح القدير منقول است: والحق التفصيل بين كون تلك الكراهية كراهية تحريم فتجب الإعادة او تنزيهية فتستحب الخ[2] ودر سورت کوثر وسورت نصر کوچک بودن وبزرگ بودن آنقدر فرق ندارد که از آن کراهیت لازم شود[3]. فقط

در وقت سجده رفتن ازار را بلا ضرورت بلند نمودن خلاف ادب است: سوال: (۱۵۰۰) در وقت سجده رفتن ازار را بلند نمودن چگونه است؟

جواب: بلا ضرورت ناپسند است[4]. فقط

= الوقاية اهـ اذا لم يدره على عنقه والاّ فسدل (ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها ج۱ ص۵۹۷ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۹). ظفير

(۱) بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقا لفاتحة وأخذ بكل حال (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) رد المحتار باب صفة الصلوٰة، واجبات الصلوٰة ج۱ ص ۴۲۵ ، ط. س. ج۱ ص۴۵۵. ظفير

(۳) واطالة الثانية على الاولٰى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث أيات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والكلمات واعتبر الحلبى فحش الطول لاعدد الأيات واستثنى فى البحر ما وردت به السنة واستظهر فى النفل عدم الكرهة مطلقًا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة فصل فى القراءة ج۱ ص۵۰۶ ، ط. س. ج۱ ص۵۴۱). ظفير

(۴) وكره كفه اى رفعه ولو لتراب كمشمر كم او ذيل وعبثه به اى ثوبه للنهى الاّ لحاجة (در المختار) وحاصله ان كل عمل هو مفيد للمصلى فلا باس به (ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج۱ ص۵۹۸ — ۵۹۹). ظفير

چه وقت فتحه دادن بکار است؟ سوال: (۱۵۰۱) امام در قرائت بنا بر فراموشي سورت دیگر را شروع کرد ودو مرتبه برایش فتحه داده اما امام فتحه را نگرفت بناء فتحه دادن درکدام وقت بکار است وهمچنان نماز فتح دهنده درست شده است یانه؟

جواب: اگر امام بعد از قرائت سورت فاتحه بمقدار سه آیات تلاوت نموده باشد در این صورت انتظار فتح دادن مکروه است بلکه فورا باید برکوع برود واگر قبل از تلاوت سه آیت از وي فراموش شد پس بهتر آنست که از یکجاي دیگر تلاوت را شروع نماید اگر امام همچو ننمود در آن وقت هر گاه برایش ثابت شد که براي امام ایت قبلي بیاد نمیشود ناگزیر برایش فتح بدهد وبغیر از دادن مهلت فورا دادن فتحه مکروه است کما في الشامي [1] ص٦٥٠، ونماز در هر حال صحیح است [2]. فقط

با کرته بدون دامن نماز خواندن جواز دارد: سوال: (۱۵۰۲) اگر کسي کرته بدون دامن را بپوشد ودرآن نماز را اداء نماید آیا نمازش مکروه میشود یا نه؟

جو اب: در کرته بدون دامن بغیر از کراهیت نماز خواندن جائز است زیرا مقصود ستر عورت است وستر عورت درآن صورت حاصل است. فقط

اگر در جریان قرائت سورت را فراموش نمود پس سورت دیگر را شروع نماید: سوال: (۱۵۰۳) اگر امام بعد از اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ یک سورة پارۀ عم را شروع کرد وبسبب نسیان عارضه آن را خوانده نتوانست بناءا آیا براي امام اختیار است که از تَبَارَکَ الَّذِيْ بِیَدِهٖ یا از کدام سپاره دیگر رکوع را شروع کرده آن را تلاوت نماید.

جواب: در این صورت براي امام بکار است که از جاي قرائت خواندن را آغاز نماید [3]. فقط

اگر درگوشۀ غربی مسجد وبیرون از دیوار مقبره باشد در نمازکدام نقصان عارض نمیشود: سوال: (۱۵۰٤) در سائر سه اطراف یک مسجد بغیر از سمت غربي آن مقبره ساخته

---

(۱) ویکره ان یفتح من ساعة کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی ایة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوٰة اوالی سورة اخری اویرکع اذا قرأ قدر الفرض کما جزم به الزیلعی وفی روایة قدر المستحب کما رجحه الکمال الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیهاج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۲۲). ظفیر

(۲) بخلاف فتحه علی امامه فانه لا یفسد مطلقا لفاتح وأخذ بکل حال (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۲۲). ظفیر

(۳) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی آیة اخری لا یلزم من وصلها مایفسد الصلوٰة او الی سورة اخری (ردالمحتار باب مایفسدالصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص٦۲۲). ظفیر

شده است؟ آیا در طرف غرب همچنان قبر ساختن شده میتواند یا نه وآیا دیوار که حائل واقع شده کافي است یا خیر؟

جواب: اگر در سمت مغرب مسجد قبور ساخته شود پس در نماز کراهیت نخواهد آمد بخاطر آنکه دیوار سمت غرب مسجد حائل کافي میباشد قال في شرح المنیة: لا بأس في الصلاة في المقبرة إذا كان فیها موضع اعد للصلاة ولیس فیه قبر وهذا لان الكراهیة مطلقة بالتشبیه بأهل الكتاب وهو منتف فیما كان على الصفة المذكورة الخ. [1] فقط

در لباس خارجي نماز درست است: سوال: (۱۵۰۵) در لباس خارجي نماز جائز است یانه؟

جواب: در این لباس نماز درست است [2]. فقط

در پیش روی نما گذار در مسجد خوابیدن وگفتگو کردن مکروه است: سوال: (۱۵۰۶) وقتیکه در مسجد نماز خوان نماز اداء مي نماید در ما بین آنان خوابیدن ودر حالت نشستن گفتگو کردن جائز است یا نه؟

جواب: نزدیک نماز گذاران قسما گفتکو کردن که از آن خوف عارض شدن سهو ونقصان باشد مکروه است [3]. فقط

تمباکو با خود داشتن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۵۰۷) اگر کسي تمباکو نوشیدني را با خویشتن داشته نماز اداء نماید آیا نمازش درست میشود یانه؟ وهمچنان اکثر مردم دود ودخان تمباکو را حرام قرار داده اند بناء استعمال تمباکو نیز مکروه شد یانه؟

جواب: نوشیدن تمباکو ودود آن حرام نیست ونه نجس میباشد پس وقتیکه تمباکو هیچ نوع نجاسة همراه ندارد بناء تمباکو را با خویشتن داشتن نماز درست میشود مطلب آنکه تمباکو باعتبار ذات خود ناپاک نیست اما درآن اگر کدام نوع شیره وغیره آمیخته میشود اگر ناپاک نباشد بلکه پاک باشد درآن وقت همراهش نماز صحیح است اگر چه سخن پسندیده نیست.

---

(۱) غنیة المستملی ص۳۵۰ . ظفیر

(۲) زیرا حکما پاک است وبراي صحت نماز همین شرط است: ولو شک فی نجاسة ماء اوثوب الخ لم یعتبر (در المختار) من شک فی انائه وثوبه فهو طاهر الخ وكذا مایتخذه اهل الشرک والجهلة من المسلمین كالسمن والخبز والاطعمة (رد المحتار کتاب الطهارة مطلب ابحاث الغسل ج۱ ص.... ، ط. س. ج۱ ص۱۵۱). ظفیر

(۳) وصلاته الی وجه انسان ككراهة استقباله فالاستقبال لو من المصلی فالكراهة علیه والآ فعلی المستقبل ولو بعیدا الخ ولا یکره الی ظهر قاعد اوقائم ولو یتحدث الا اذا خیف الغلط بحدیثه (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلاة ومایكره فیهاج۱ ص ۶۰۲ وص۶۱۰ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۴). ظفیر

فقط [1]

در نماز مکررا بلند نمودن ازار ناپسند است: **سوال**: (۱۵۰۸) (۱) در نماز تکرارا بلند نمودن ازار چگونه است؟

در سجده پاها را بیجا نمودن چگونه است؟ **سوال**: (۱۵۰۹) (۲) در وقت سجده رفتن هر دو پاها را از زمین بلند نمودن یا پیش وپس نمودن چگونه است آیا با همچو عمل نماز درست میشود یانه؟

جواب: (۱) تکرارا بلند نمودن پاها ناپسند است لکن نماز صحیح میباشد. [2]

جواب: (۲) درآن صورت نیز نماز صحیح است لکن حتی المقدور همچو قصدا نباید کرد [3]. فقط

اگر ما بین سر برهنه باشد نماز خواندن چگونه است؟ **سوال**: (۱۵۱۰) اگر بالاي سر عمامه بدون کلاه باشد ودر ما بین سر برهنه بود نماز چگونه است؟

جواب: در این صورت نماز مکروه است اما نماز درست میشود [4]. فقط

در نماز آشکار نمودن بازوها مناسب نیست: **سوال**: (۱۵۱۱) در نماز آستین ها را تا به شانه بلند وجمع نمودن چگونه است آیا در نماز کدام خلل واقع نمیشود؟

جواب: نماز درست میشود اما این فعل پسندیده نیست [5]. فقط

با کُلاه جالی دار نماز مکروه نیست: **سوال**: (۱۵۱۲) کُلاه جالي دارِ را بسر نمودن نماز

---

(۱) قلت فیفهم منه حکم النبات الذی شاع فی زماننا المسی بالتن وقدکرهه شیخنا العمادی فی هدیته بالثوم والبصل بالاولی (در المختار) قوله فیفهم منه حکم النبات وهو الاباحة علی المختار (رد المحتار کتاب الاشربة ج۵ ص۴۰۷ ، ط. س. ج۱ ص۴۶۰). ظفیر

(۲) ویکره للمصلی ان یعبث بثوبه وبجسده الخ (هدایه مایکره فی الصلوة ج۱ ص۱۲۴). ظفیر

(۳) ومنها السجود بجبهته وقدمیه ووضع اصبع واحدة منها شرط(الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۱۶ ، ط. س. ج۱ ص۴۴۷). ظفیر

(۴) ویکره اشتمال الصحراء والاعتجار (درمختار) لنهي النبي ﷺ عنه وهو شد الرأس او تکویر عمامة علی راسه ترکه وسطه مکشوفا (ردالمحتار ج۱ ص ۶۱۰ – ۶۱۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۲). ظفیر

(۵) وکره کفه ای رفعه ولو لتراب کمشمر کم اوذیل وعبثه به ای بثوبه (در المختار) قوله کمشمر کم الخ ای کما لو دخل فی الصلوة وهو مشمر کمه اوذیله الخ لکن قال فی القنیة واختلف فیمن صلی وقد شمر کمیه کعمل کان یعمله قبل الصلوة اوهیئته ذالک ومثله ما لوشمر للوضوء ثم عجل لادراک الرکعة مع الامام واذا دخل فی الصلوة کذالک وقلنا بالکراهة فهل الافضل ارخاء کمیه فیها بعمل قلیل اوترکها لم اره والاظهر الاول الخ وقید الکراهة فی الخلاصة والمنیة بان رافعا کمیه الی المرفقین (رد المحتار باب مایفسد الصلاة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۸ ، ط. س.ج۱ ص۶۴۰). ظفیر

مکروه است یا نه؟ وعلی الدوام بسر نمودن کُلاه جالي دار چه حکم دارد؟

جواب: لباسي که براي طبقهٔ ذکور پوشیدن آن مباح است خواه جالي دار باشد ویا نباشد وبا کلاه جالي دار نماز درست است واستعمال آن لباس را طوري نمودن که از آن کشف عورت نمیشود صحیح است. فقط

چشم پوشیدن در نماز چگونه است: **سوال:** (۱۵۱۳) چشم پوشیده در نماز قرائت نمودن گونه است؟

جواب: در نماز چشم پوشیدن ناپسند ومکروه تنزیهي وخلاف اولی است [1] وبخاطر تحصیل خشوع وخضوع تغمیض چشمان بلا کراهیت درست است بلکه بعضي علماء فرموده اند که براي حصول کمال خشوع وخضوع تغمیض چشمان أولی است در شامي مذکور است: بل قال بعض العلماء إنه الاولی [2]. فقط

بوجه شک ضرورت برای اعاده نیست: **سوال:** (۱۵۱٤) اگر در سجدهٔ نماز بسبب عدم واقفیت دعاء نمود سپس برایش معلوم شد که این جائز نیست اکنون برایش این شک عارض شد که این کلام الناس بود یا نه؟ بناء درآن وقت اعاده واجب است یا خیر؟

جواب: در وقت شک ضرورت براي اعاده نیست اگر اعاده نمود بهتر است. فقط

خلاف ترتیب قرائت مکروه است: **سوال:** (۱۵۱۵) زید بعد از والضحی در رکعت دوم والشمس را تلاوت نمود آیا در نماز کدام نقصان عارض شده است؟ ونماز درست شده است یا نه؟

جواب: قصدا درنماز همچو کردن مکروه است اگرسهوا چنان عمل کرد پس کدام حرج نیست بهر حال نماز صحیح است [3]. فقط

در رکعت اول والضحی ودر رکعت دوم یا خواندن والتین کراهیت در نماز پیدا نمیشود:

سوال: (۱۵۱٦) در رکعت أول سورة والضحی را تلاوت نمود ودر رکعت دوم اَلَمْ نَشْرَحْ را

---

(۱) وکره الخ تغمیض عینه للنهی الاّ لکمال الخشوع (درالمختار) ثم الظاهر ان الکراهة تنزیهیّة (رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة وما یکره فیها ج۱ ص٦۰۵ ، ط. س. ج۱ ص٦٤۵). ظفیر

(۲) رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦۰٤ ، ط. س. ج۱ ص٦٤۰. ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا الاّ اذا ختم القرآن (در المختار) منکوسا بان یقرأ فی الثانیة سورة اعلٰی مما قرأ فی الاولی لان ترتیب السور فی القراءة من واجبات الصلٰوة (رد المحتار فصل فی القراءة ج۱ ص۵۱۰ ، ط. س. ج۱ ص۵٤٦). ظفیر

ترک نموده وسورة وَالتِّيْنِ را قرائت کرد آب این نماز مکروه است یانه؟

جواب: در مورد سورت هاي کوچک همچو کردن فقهاء کرام کراهیت نوشته اند یعني آنکه یک سورت را در ما بین ترک نمودن وسورت سوم را در رکعت دوم فرائض خواندن مکروه است لکن (وَالضُّحٰى) در سورت هاي کوچک داخل نیستند بلکه از جمله اوساط مفصل میباشند فلهذا در اینجا صورت مذکوره مکروه نیست (۱). فقط

در لباس های طلائی یا ابریشمی نماز درست است یانه؟ سوال: (۱۵۱۷) درهرکلاه وتاقن که طلاء سوچه یا ردي استعمال شده باشد ودرآن نماز خواندن یا نماز دادن وهمچنان در لباس ابریشمي نماز خواندن چگونه است؟

جواب: اگر از چهار انگشت زیاد بر آن کار شده باشد ودرآن صورت استعمالش ناجائز است ونماز همراهش مکروه میباشد وهمانطور حکم لباس ابریشمي نیز است (۲). فقط

روی گردانیدن بطرف نماز گذار نشسته مکروه است: سوال: (۱۵۱۸) بطرف نماز خوان توجه نموده نشستن چگونه است اگر کسي قبلا نشسته بود وکسي بطرف او نماز خواندن را شروع نماید ویا کسي در نماز بود وبطرف او کسي دیگر روي خود را گردانیده بنشیدند پس در این هر دو صورت نماز مکروه خواهد باشد یا در یک صورت میباشد واین کراهیت در هر دو صورت بطرف کدام یکي راجع میشود؟

جواب: در در المختار مذکور است: وصلٰوته الی وجه انسان ککراهة استقباله فالاستقبال لو من المصلی فالكراهة عليه وإلاَّ فعلى الْمُستقبِل (۳) الخ یعني اگر استقبال از جانب نماز گذار باشد پس کراهیت بطرف او متوجه میشود واگر از جانب کسي دیگر باشد در آن وقت کراهیت بطرف او متوجه میباشد نه بطرف نماز خوان.

اگر امام برفرش باشد ومقتدی بر مصلی ازآن نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵۱۹) زید میگوید که در جماعت امام بالای مصلی یا جاي نماز باشد ومقتدیان همانطور بلا مصلی ایستاد

(۱) ویکره الفصل بسورة قصيرة (در المختار) اما بسورة طويلة بحيث يلزم منه اطالة الركعة الثانية اطالة كثيرة فلا يكره شرح المنية (ردالمحتار فصل في القراة ج۱ ص۵۱۰ ، ط. س. ج۱ ص۵٤٦). ظفیر

(۲) یحرم لبس الحرير الخ على الرجل لا المراة الاَّ قدر اربع اصابع (الدرالمختار على هامش رد المحتار كتاب الحظر والاباحة فصل فى اللبس ج۵ ص۳۰۸ ، ط. س. ج٦ ص۳۵۱). ظفیر

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسدالصلوٰة ومايكره فيها ج۱ ص٦۰۲، ط. س. ج۱ ص۵٤۵. ظفیر

باشند نماز درست نخواهد شد.

جواب: اگر ما تحت پاي امام جاي نماز يا مصلی باشد ودر زير پاي مقتديان نباشد ويا بر عكس باشد در اين هر دو صورت نماز صحيح است [۱]. فقط

در (ساڑی) نوع لنگ هندوستانی نماز زنان جائز است یانه؟ سوال: (۱۵۲۰) براي زنان (ساڑي) كه يک نوع لنگ هندوستاني است، بستن وهمراهش نماز خواندن درست است يانه؟

جواب: براي زنان لنگ مذكور را بسته نماز خواندن ذرست است غرض آنكه حجاب كامل بكار است خواه لنگ مروج هند باشد يا ازار باشد ودر اين مورد كدام خصوصيت مطرح نيست [۲]. فقط

با چربی جانور بحری به ناکه نما زدرست است: سوال: (۱۵۲۱) اگر با چربي حيوان مسمی به ناكه كه در بحر بود وباش دارد اگر دست ها وپا ها را چرب ومالش بدهد وبغير شستن آن همراهش نماز خوانده شود آيا نماز درست خواهد باشد يا نه؟

جواب: نماز در اين صورت صحيح است. فقط

با اقامت فاسق در نماز نقصان وارد نمیشود: سوال: (۱۵۲۲) هر كسيكه زاني باشد وبر خانم پسر خود به ارادهٔ سوء دست درازي كند به اقامت نمودن او در نماز كدام نقصان مي آيد يا نه؟

جواب: با اقامت گفتن آن شخص در نماز نقصان نمي آيد. فقط

اگر در نماز تف دهنش غلبه کند چه باید کرد: سوال: (۱۵۲۳) اگر در نماز تف دهنش غلبه كند آن را كدام طرف تف كند يا نه؟

جواب: اگر تف را نوشيده نميتواند آن را در لباس خود بگيرد [۳]. فقط

---

(۱) بخاطر آنكه در همچو صورت كدام نقصان وارد نميشود وتنها طهارت مكان ضروري است خواه بر آن مكان مصلی باشد يا نباشد. والله اعلم. ظفير

(۲) والرابع ستر عورة ووجوبه عام ولو فی الخلوة علی الصحيح الخ وهی الخ للحرة ولو خنثی جميع بدنها حتی شعرها النازل فی الاصح فلا الوجه والكفين الخ والقدمين (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلاة ج۱ ص ۳۸٤ ، ط. س. ج۱ ص٤٠٤) وستر عورت عام است خواه به ازار باشد يا به بستن لنگ هر دو يكسان ميباشد وچنان پنداشتن صحيح نيست كه لنگ (ساڑي) بستن لباس هندوها است بلكه در بعض مناطق هندوستان زنهاي مسلمانان نيز آن لباس را دارند چنانچه در مناطق كه ازار را مي پوشند درآن با زنهاي هندوها نيز بكثرت ازار را مي پوشند يعني ايشان نيز اين لباس را دارند وزنهاي مسلمان نيز. والله اعلم. ظفير

(۳) قال النبی ﷺ فلا يبزقن احدكم قبل قبلة ولكن عن يساره او تحت قدمه ثم اخذ طرف ردائه فبصق فيه ثم رد بعضه علی بعض فقال او =

بخاطر خوف قطره بر عضو تناسلي خويش رخت را پيچاندن در نماز نقصان نمي آيد:

سوال: (١٥٢٤) بخاطر خوف بيرون شدن قطرهٔ بول بر مكان خروج بول رخت را بسته نموده نماز را خواندن صحيح است يانه؟

جواب: صحيح است. [1]

مرور بين الصفين: سوال: (١٥٢٥) يک عالم درما بين دوصف عبور مي نمود ودر مورد جواز آن استدلال بر حديث مبارک حضرت عبد الله بن عباس (رض) مي نمود بناء آيا اين استدلال صحيح است وبنزد امام اعظم صاحب (رح) اين مسئله چگونه است؟

جواب: مذهب احناف نيز همين است كه ستره امام براي مقتديان كافي است در در المختار مذكور است: وكفت سترة الامام للكل، [2] بناء از روايت عبد الله بن عباس اين مسئله ثابت ميشود كه از پيش روي نماز گذار عبور كردن مفسد صلاة نيست وهمين مذهب احناف است وعلاوه ازآن او تا به آن وقت بالغ نبود زيرا ايشان خود مي فرمايند كه: ناهزت البلوغ الخ. يعني من درآن وقت بحد بلوغ نزديک بودم بناء ازآن جواز صحت عبور شده نميتواند [3]. فقط

در مسجد شيعه ها نماز سني درست است: سوال: (١٥٢٦) آيا اهل تسنن در مساجد اهل تشيع وهمچنان اهل تشيع در مساجد اهل تسنن نماز خوانده ميتوانند يا خير؟

جواب: نماز ايشان ميشود [4]. فقط

در نماز از بيني آواز خارج نمودن چگونه است؟ سوال: (١٥٢٧) يک نفر مبتلا به زكام است اگر او بخاطر درست خارج نمودن حروف از مخارجش سو، سو، مي نمايد يعني در بيني بطرف بالا با تنفس نمودن بيني خود را درست مي نمايد آيا اين عمل جائز است يا نه؟

= يفعل هكذا، رواه البخارى (مشكوٰة باب المساجد ص٧١). ظفير

(١) يستحب للرجال ان يحتشى ان رابه الشيطان ويجب انكان لا ينقطع الاّ به قدر مايصلى (الدرالمختار على هامش رد المحتار نواقض الوضو ج١ ص١٣٩ ، ط. س. ج١ ص١٥٥). ظفير

(٢) ولايفسدها الخ مرور بين يديه اى حائط القبلة فى بيت ومسجد صغير فانه كبقعه واحدة مطلقا ولو لمرأة او كلبًا (درالمختار) بيان الاطلاق واشار به الى الرد على الظاهرية بقولهم يقطع الصلاة مرور المرأة والكلب والحمار وعلى احمد فى الكلب الاسود، والى ان ماروى فى ذالك منسوخ كما حققه فى الحلية (رد المحتار باب ما يفسد الصلوٰة ج١ ص٥٩٣ ، ط. س. ج١ ص٦٣٤). ظفير

(٣) وعن ابن عباس قال اقبلت راكبا على اتان وانا يومئذ قد ناهزت الاحتلام الخ (مشكوٰة باب السترة ص٧٤) در حديث ديگر صراحت است: قال رسول الله ﷺ لو يعلم المار بين يدى المصلى ماذا عليه لكان ان يقف اربعين خيرا له ان يمر بين يديه (متفق عليه) در يک روايت است: فليقاتله فانما هو شيطان رواه البخارى (مطالعه كنيد: مشكوٰة باب السترة ص٧٤). ظفير

(٤) قال النبى ﷺ وجعلت اى الارض مسجدا (مشكوٰة باب فضائل سيد المرسلين ص٥١٢). ظفير

جواب: درنماز همچو اواز اخراج نمودن بکار نیست اما باز هم اگر بخاطر تصحیح اداء حروف از مخارج چنان ضرورت اخراج آواز احساس شود نماز صحیح ایست [۱]. فقط

بنا بر نسیان خلاف ترتیبات حکم قرائت چیست؟ **سوال:** (۱۵۲۸) امام در رکعت اول سورت رحمن را قرائت نمود ودر رکعت دوم (لِلّٰہِ مَا فِی السَّمٰوَاتِ) را قرائت کرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: بنا بر فراموشي همچو کردن بلا کراهیت نماز صحیح است. [۲] فقط

بر سقف مسجد نماز مکروه است: **سوال:** (۱۵۲۹) یک مسجد سابقه وکهنه که یک اطاق داشت اکنون درقبالش یک برآمد جدید ساخته شده وبالای سقف بر آمد جدید نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: بر سقف مسجد نماز خواندن را فقهاء مکروه نگاشته اند ودرآن برخي کهنه وجدید هر دو یکسان اند [۳]. فقط

در فرائض با تکرار آیت ها آیا نقصان وارد میشود یانه؟ **سوال:** (۱۵۳۰) اگر کسي در نماز فرض بخاطر طاري شدن خوف خدا در قلب ویا بطور دعا یک آیت دو مرتبه یا سه مرتبه قرائت نماید آیا نماز خواهد شد یا نه؟

جواب: تکرار نمودن یک آیت در بعض احوال ثابت است بناءا در نماز کدام خلل نمي آید اما تکرار آیت که ثابت است در نوافل است لکن در فرائض ونماز جماعت چنین نباید کرد با آنهم نماز درست میشود [۴]. فقط .

با إشاره نمودن در نماز نقصان نمی آید: **سوال:** (۱۵۳۱) زید وعمرو در نماز ظهر اقتداء

---

(۱) والتنحنح بحرفین بلا عذر اما به بأن نشأ من طبعه فلا او بلا غرض صحیح فلو لتحسین صحته الخ فلا فساد علی الصحیح (درمختار) لانه یفعله لاصلاح القراءة فیکون القرآءة معنی (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۷۸ ، ط. س. ج۱ ص۶۱۸). ظفیر

(۲) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا (درالمختار) انما یکره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا کما فی شرح المنیة (ردالمحتار فصل فی القراءة ج۱ ص ۵۱۰ - ۵۱۱ ، ط. س. ج۱ ص۵٤٦). ظفیر

(۳) ثم رأیت القهستانی نقل عن المفیدة کراهة الصعود علی سطح المسجد اهـ ویلزمه کراهة الصلٰوة ایضاً فوقه (ردالمحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص٦۱٤، ط. س. ج۱ ص٦٥٦). ظفیر

(٤) واذا کرّر آیة واحدة مرارا فان فان کان فی التطوع الذی یصلی وحده فذالک غیر مکروه وان کان فی الصلٰوة المفروضة فهو مکروه فی حالة الاختیار واما فی حالة العذر والنسیان فلا باس هکذا فی المحیط (عالمگیری کشوری، فصل فیما یکره فی الصلٰوة ج۱ ص۱۰٦ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۱۰۷). ظفیر

به بکر نمودند زید چونکه نابینا است او رکعت سوم را رکعت چهارم پنداشته نشست پس عمرو براي زید نا بینا اشاره کرد آیا در نماز زید وعمرو کدام نقصان نیامده است؟

جواب: هیچ نقصان نیامده است [۱]. فقط

خیمۀ مسجد که بخاطر محفل رقص داده شده باشد در آن نماز خواندن درست است:

سوال: (۱۵۳۲) یک نفر خیمۀ مسجد را براي محفل رقاصي داده اکنون در ما تحت خیمۀ مذکور بنماز خواندن چگونه است در حالیکه براي نماز گذاران بسبب آفتاب تکلیف میباشد؟

جواب: در ما تحت خیمۀ مذکوره نماز اداء نمودن جائز است ودر حین حرارت آفتاب وغیره آن را در مسجد استعمال نمودن بکار است وخیمه فوق الذکر را درآینده بخاطر همچو محافل رقاصي وغیره باید داده نشود.

بخاطر شخص آمدنی، طولانی نمودن قرائت ناپسندیده است: **سوال:** (۱۵۳۳) امام را در داخل نماز ازآمدن نمازگذاران آگاه شد، آیا بخاطر رعایت آنها قرائت یا رکوع یا سجده را تطویل بخشد ویا هیچ لحاظ ایشان را نکند؟

جواب: در درالمختار مذکور است: که براي امام بخاطر شمولیت نماز گذاران آمدني دراز نمودن قرائت رکوع یا سجده مکروه تحریمي است یعني اگر آنکس را میشناسد واگر همراه آنکس تعارف ندارد باز مکروه تنزیهي است [۲].

اشاره مفسد صلاة نیست: **سوال:** (۱۵۳٤) اگر کدام نابینا یا شخص بینا در نماز جماعت بر خلاف امام همانطور نشسته باقي ماند در حالیکه امام قیام نموده بس در همچو حالت مقتدي دیگر آنکس را آگاهي دهد یا نه؟ واگر او را مطلع نماید پس چگونه او را خبر دهد سبحان الله گوید یا چیزي دیگر ویا به اشاره دست وپا او را طوري مطلع سازد که نمازش فاسد نشود اگر مقتدي همراه امام سلام گردانید در جالیکه برایش یک رکعت باقي مانده بود وبگفتار مقتدي دیگر قیام ورزید بناءا درصورت هاي فوق الذکر نماز درست میشود یا خیر؟

---

(۱) لاباس بتکلیم المصلی واجابته برأسه او أرى درهما وقیل آجیّد؟ فأوما بنعم او لا، او قیل کم صلیتم فأشار بیده انهم صلوا رکعتین (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۶۰۳ ، ط. س. ج۱ ص۶٤٤). ظفیر

(۲) وکره تحریما اطالة رکوع او قراءة لادراک الجائی ای ان عرفه والا فلا باس به ولو اراد التقرب الی الله تعالی لم یکره اتفاقا لکنه نادر وتسمیة مسئلة الریاء فینبغی التحرز عنها (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب فی اطالة الرکوع للجائی ج۱ ص ٤٦۲ ، ط. س. ج۱ ص۵۰۹). ظفیر

جواب: در باقي ماندن جلوس مقتدي واو را آگاهي دادن وغيره از تحقيق شامي عدم فساد نماز ظاهر ميشود وحكم سائر صورت ها را كه شما تحرير نموده ايد يک حكم است يعني نماز فاسد نميشود در در المختار مذكور است: لاباس بتكلم المصلى واجابته برأسه كما لوطلب منه شيء أو ارى درهمًا وقيل أجيد فأومأ بنعم اولا او قيل كم صليتم فاشار بيده أنهم صلوا ركعتين. اما لو قيل له تقدم فتقدم او دخل احد الصف توسع له فوراً فسدت. ذكره الحلبى وغيره خلافًا لما مر عن البحر وردالمحتار قوله: أما لو قيل هو ما وعد به فيما تقدم قبيل قوله وفتحه على امامه وقدمنا هناک ضعفه عن الشرنبلالية(۳) . فقط

شکستاندن نیت بوجه وسوسه مناسب نیست: سوال: (۱۵۳۵) زيد در نماز شک نمود كه لباس من ناپاک است وفورا نماز را ترک نمود واز سر نو لباس را تبديل نمود چونكه او مريض بود بناء مجددا تيمم نموده واغاز به نماز خواندن كرد سپس ازان در خلال نماز برايش در مورد نادرست بودن تيمم وبخاطر قطرهٔ بول ويا عدم طهارت شبه ووسوسه پيدا شد حالانكه مزاج او شكي است واكثر اوقات او را وسوسه وشبه عارض ميشود لكن با عارض شدن شک بار ثاني براي خود داري از خنديدن مردم او بغير از قرائت وتكبير وبغير ازگفتن تسبيح والتحيات ودرود نماز خود را تكميل وبه انجام رساند وقيام وقعود وغيره نيت قيام صلاة وقعود الصلاة را نكرد وبجاي دو ركعت سنت همچنان همانطور بغير از نيت وقرائت وغيره تنها قيام وقعود وغيره را اداء نمود وبعد ازآن او بر اين عمل خود نهايت ندامت وپشيماني ورزيد وتوبه نمود واين نماز را اعاده كرد آيا اين شخص گنهكار شده است يانه؟

جواب: با طاري شده همچو وسوسه ها وشكوک در نماز خلل نمي آيد وبراي زيد بكار بود كه نماز را تكميل مي نمود واين فعل بسبب جهل ونا واقفيت او واقع شده است كه قرائت وغيره را ترک نمود ونماز را فاسد كرده است بهر حال وقتيكه آن نماز را اعاده نمود پس نماز او درست شده است وچونكه او بنا بر غلطي نماز را فاسد كرده است قرائت وغيره را ترک نمود ودوباره نماز را اعاده كرده درآن مورد هر گناه كه واقع شده بود معاف گرديد ودرآينده از تكرار همچو عمل اجتناب ورزد. فقط

علاج وسوسه: سوال: (۱۵۳۶) در مزاج كسي بكثرت وسوسها وشكوک پيدا ميشود بناء بخاطر دفع نمودن آن چه تدبير بكار است؟

جواب: بخاطر دفع نمودن وساوس وشکوک واوهام همان صورت است که او را وسوسه شیطاني پندارد وبه آن طرف التفات وتوجه نکند وبر آن عمل ننماید ونماز خود را تکمیل کند ودر احادیث براي علاج آن همین صورت وطریقه وارد شده است.[۱]. فقط

اگر دو نفر در یکجا علیحده علیحده نماز میخوانند جائز است: سوال: (۱۵۳۷) اگر دو نفر در یک مکان علیحده وجداگانه نماز فرض را اداء نمایند آیا این جائز است یا نه؟

با رو برو آمدن زن نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵۳۸) اگر در وقت اداء نماز در روبروي نماز خوان زن بیاید آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: (۱) در این صورت نماز هر واحد ایشان صحیح است [۲].

جواب: (۲) با امدن زن ها در پیشروي نماز گذار در نماز هیچ خلل نمي اید ونماز فاسد نمیشود [۳]. فقط

در قرائت بند شدن واعاده نمودن آن نماز را فاسد نمی نماید: سوال: (۱۵۳۹) مشهور است که اگر امام در قرائت حصر شود وسه بار آن را اعاده نمود اما باز هم صحیح خوانده نتوانست بناءا نماز فاسد میشود آیا این صحیح است یا غلط؟

جواب: این مسأله فوق الذکر غلط مشهور است اما نماز فاسد نمیشود [۴]. فقط

فتح دادن درست است: سوال: (۱۵۴۰) یک قاري نماز تراویح را داد ودر شب بیست وهفتم ۲۷ قرآن مجید را ختم نمود وبعضي از مردم أهل قریه که نماز گذار بودند وبعد از اختتام قرآن مجید ایشان آن سیپاره ها را که آنها نشنیده بودند اکنون آنها را سمع نمودند بناء اگر درآن صورت امام غلط بخواند آیا براي سامع رهنمائي نمودن غلطي، جائز است یا نه ودر آن وقت اگر برایش فتح داده شد واو فتحه را گرفت آیا نماز جائز است یانه؟

---

(۱) عن القاسم بن محمد ان رجلا ساله فقال انی اهم فی صلاتی فیکثر ذالک علّی فقال له امض فی صلاتک فانه لن یذهب ذالک عنک حتی تنصرف وانت تقول ما اتممت صلاتي رواه مالک (مشکوٰة باب الوسوسه فصل ثالث ص ۱۹). ظفیر

(۲) ویؤیده ما فی الظهیریة لو دخل جماعة المسجد بعد ما صلّی فیه اهله یصلون وحدانا وهو ظاهر الروایة (رد المحتار باب الامامة مطلب فی تکرار الجماعة فی المسجد ج۱ ص۵۱۷ ، ط. س. ج۱ ص۵۵۳). ظفیر

(۳) ولا یفسدها نظره الی مکتوب الخ ومرور مار فی الصحراء وفی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح او مرور بین یدیه الخ مطلقا ولوامرأة او کلبًا (درالمختار) واشار به ای الرد علی الظاهریة (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص۶۳٤). ظفیر

(٤) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی أیة اخری لا یلزم من وصلها مایفسد الصلوٰة اوالی سورة اخری اویرکع اذا قرأ قدر الفرض کما جزم به الزیلعی (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲). ظفیر

جواب: براي سامع رهنمائي غلطي وفتح دادن واو را فتح گرفتن درست است ودر نماز هي] يکي آنها کدام خلل نيامده است، در در المختار مذکور است: بخلاف فتحه علی امامه فانه لا يفسد مطلقا لفاتح ر واخذ بکل حال الخ. فقط

پاها را بيجا نمودن مفسد صلاة نيست: **سوال**: (۱۵۴۱) نماز گذار در آغاز نماز در جائيکه قيام نموده باشد در حالت نماز يک دفعه يا چند دفعه عمدا يا سهوا اگر پاي راستش از جاي خود بيجا شود آيا در اين صورت در نماز کراهيت يا فساد مي آيد يانه؟

جواب: با بيجا شدن پاي راست يا چپ از مکان خود نماز فاسد نميشود ونه مکروه ميگردد البته قصدا بلا ضرورت پاها را پيش وپس نمودن مکروه تنزيهي است يعني خلاف اولی ميباشد (۱). فقط

در نماز جنبانيدن سر يکسو وسوی ديگر فرود وپائين شدن ممنوع است: **سوال**: (۱۵۴۲) اگر امام در نماز سر خود را مي جنباند وهمچنان در سورت هاي کوچک احيانا بالای جانب چپ فشار انداخته نماز را اداء مي نمايد واعضاي خود را حرکت ميدهد بلکه در قرائت آوازهاي گوناگون مانند ها وهو را ميکشد بناء در مورد همچو آوازها ونماز چه حکم است؟

جواب: تعامل همچو تحرکات درنماز بکار نيست زيرا مبناي نماز بر خشوع خضوع وعاجزي است (۲). فقط

در پيزار پاک نماز جائز است: **سوال**: (۱۵۴۳) يک شخص نمازگذار است او در علم خود پيزار ولباس خود را بهتر ميداند ودر مورد آن شناسائي دارد که پاک است وهمه روزه آن را در استعمال خود مي گيرد بناء درآن پيزار نماز خواهد شد يا نه وبر يک پاي چپلي او نجاست اصابت نموده بود واو را کامل تصفيه وپاک نمود حتی که هيچ نوع نجاست بر او باقي نماند آيا همراهش نماز خواهد شد يانه؟

جواب: پيزار اگر پاک باشد يعني نجاست بر آن اصابت نکرده باشد وي نجاست بر آن اصابت کرده بود اما پاک شده بود بس در هر دو صورت درآن نماز درست است لکن چونکه در زمانه

---

(۱) وان من لوازمه (ای الخشوع) ظهور الذل وغض الطرف وخفض الصوت وسکون الاطراف (ردالمحتار باب ما يفسدالصلٰوة ومايکره فيها مطلب في الخشوع ج۱ ص۶۰۰ ، ط. س. ج۱ ص۶٤۱). ظفير

(۲) وانّ من لوازمه (ای، الخشوع) ظهور الذل وغض الطرف وخفض الصوت وسکون الاطراف (رد المحتار باب ما يفسد الصلٰوة وما يکره فيها مطلب الخشوع ج۱ ص ۶۰۰ ، ط. س. ج۱ ص۶٤۱). ظفير

موجوده در مساجد فرش وغیره میباشد وباپیزار بمسجد رفتن احتمال ملوث شدن فرش است، ودیگر آنکه با همچو کردن سوء أدب معلوم میشود فلهذا با پیزار در مسجد نماز نباید خواند کما في الشامي: ولعل ذلک محمل ما في عمدة المفتی من أن دخول المسجد متنعلا من سوء الادب [1] الخ.

غیر نمازگذار را دادن درست نیست: سوال: (۱۵۴۴) اگر وضوء امام شکست واو بعد از تعین نمودن خلیفه مجددا به وضوء کردن پرداخت پس اگر از نائب امام فراموشي صورت گیرد ونخستین امام مُحْدِثْ او را رهنمائي وفتحه بدهد ایا این جائز است یا نه حالاتکه او بي وضوء است ونیز خارج از جماعت میباشد؟

جواب: در این صورت فتحه دادن درست نیست واگر امام در این صورت فتحه را گرفت نمازش فاسد میشود: وکذا الاخذ (در المختار) ای اخذ المصلی غیر الامام بفتح من فتح علیه مفسد ایضًا کما فی البحر عن الخلاصة او اخذ الامام بفتح مَن لیس صلاته کما فیه عن القنیة [2] در المختار. فقط

بلا عمامه نماز مکروه نیست: سوال: (۱۵۴۵) آیا نماز بکلاه بدون عمامه مکروه است یا نه ودر فتاوی سعیدیه آن را مکروه نوشته است ومولانا رشید احمد گنگوهي آن را جائز بلا کراهیت تحریر فرموده است.

جواب: أقول وبالله التوفیق در شرح منیة کبیري مذکور است: والمستحب أن یصلي الرجل في ثلاثة اثواب: ازار، وقمیص، وعمامة، ولو صلي في ثوب واحد متوشحا به جمیع بدن. کما یفعله القصار في المقصرة جاز من غیر کراهیة مع تیسر وجود الطاهر الزاید ولکن فیه درک الإستحباب [3] از این روایت معلوم شد که بلا عمامة نماز مکروه نیست البته موجودیت عمامه مستحب است ودرصورت عدم موجودیت عمامه آنهم که میسر باشد ترک استحباب است پس غرض حضرت مولانا گنگوهي قدس سره همان است که ترک عمامه اگر چه خلاف استحباب است لکن جائز بلا کراهیت میباشد وغیر مستحب را کراهیت لازم نیست، کما صرح به الشامي من أنه لا یلزم

---

(۱) ردالمحتارباب مایفسدالصلوٰة ومایکره فیهامطلب فی احکام المسجد ج۱ ص۶۱۵، ط. س. ج۱ ص۶۵۷. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب مایفسدالصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۱ – ۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲، ودر پیش مفتی علام نوشته است که لاحق حکما در نماز داخل است فلهذا او را فتح دادن درست است. ظفیر

(۳) غنیه المستملی ص ۳۳۷ . ظفیر

من ترک المستحب ثبوت الکراهية إذ لا بد لها من دليل خاص [۱]. پس صحیح همان است که حضرت مولانا گنگوهي قدس سره تحریر فرموده است. واما آنچه در فتاوی سعدیه آن را مکروه تنزیهي گفته است پس قول او بناء خواهد باشد برآن کسیکه ترک مستحب را خلاف اولی میگوید ومرجع ترک اولی ومکروه تنزیهي یکي است بناءا مراد صاحب فتاوی سعدیه مکروه تنزیهي شدن است لکن ازتحقیق شامي معلوم شد که آن را مکروه تنزیهي گفتن نیز بکار نیست البته با موجودیت عمامه ازدیاد ثواب یک سخن مسلم است قسمیکه در اداء نمودن سائر مستحبات افزایش ثواب است لکن درصورت ترک آنها کراهیت نیست مانند صلاۃ ضحی وغیره. فقط

اگر درحالت نماز از دهن چیزی خارج شود نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵٤٦) اگر در نماز بمقدار دانه نخود یا کم یا زیاد از مواد خوراکه بزبان در دهن نماز گذار آید وآن را بذریعه دست یا کنج قطیفه بکشد آیا درنماز نقصان وارد میشود یانه؟

جواب: در اخراج نمودن آن نقصان در نماز نمي آید. فقط

با استعمال صابون نماز درست است: سوال: (۱۵٤۷) (۱) اگر صابون ساخت انگلیس یا وطني (دیس) را استعمال نموده نماز خواند آیا درست است یا نه؟

در پیزار ولباس جدید نماز خواندن درست است: سوال: (۱۵٤۸) (۲) پیزار جدید وهمچنان لباس جدید که ازخامتا یا از ململ ساخته شده باشد وبغیر از شستن آن را پوشیده نماز خواندن درآن درست است یا نه؟

جواب: (۱) استعمال صابون ساخت انگلیس یا وطني وبعد ازآن نماز اداء نمودن درست است [۲]. فقط

جواب : (۲) در لباس وپیزار جدید نماز خواندن درست است [۳]. فقط

---

(۱) ردالمحتار بحث مستحبات وضوء ج۱ ص۱۱۵ . ظفیر

(۲) صابون پاک است ومحض بنا برشک بر آن حکم نا پاک شده نمیتواند زیرا قاعده است: اليقين لا يزول بالشک. ظفیر

(۳) وصلاته فيهما افضل (درالمختار) ای فی النعل والخف الطاهرين افضل مخالفة لليهود وفی الحديث صلوا فی نعالکم ولا تشبهوا باليهود رواه الطبرانی کما فی ابی الصغير رامزا لصحته واخذ منه جمع من الحنابلة انه سنة ولوکان يمشی بها فی الشوارع لان النبی ﷺ وصحبه کانوا يمشون فی طرق المدينة ثم يصلون بها قلت لکن اذا خشی تلويث فرش المسجد بها ينبغی عدمه وان کانت طاهرة الخ ولعل المراد ما فی عمدة المفتی من ان دخول المسجد متنعلا من سوء الادب (رد المحتار باب مايفسد الصلاة ومايکره فيها ج۱ ص۶۱۵). ظفیر

قیام نمودن امام در جای بلند ودر داخل محراب مکروه است: سوال: (۱۵۴۹) محراب مسجد که درآن تنها امام قیام مي ورزد ونماز را اداء مي نماید ازسطخ زمین یک وجب وچهار انگشت ارتفاع دارد آیا نماز مقتدیان درآن صورت درست است یا نه؟ اگر نماز آنها درست باشد پس بکدام اندازه ارتفاع نماز درست نمیشود ودر مورد محراب اصل مسئله چگونه است؟

جواب: براي امام تنها در جاي مرتفع ایستاد شدن وهمچنان تنها در محراب قیام نمودن مکروه است ونماز مقتدیان صحیح است ودر مورد ارتفاع مکان در در المختار تفصیل ذیل مذکور است: وقدر الارتفاع بذراع ولا بأس بما دونه وقیل ما یقع به الامتیاز وهو الاوجه ذکره الکمال وغیره وفي الشامي هو ظاهر الروایة والاولی العمل بظاهر الروایة الخ. [1]

در قمیص که نصف آستین دارد نماز مکروه است: سوال: (۱۵۵۰) در کرته که نصف آستین داشته باشد نماز چگونه است؟

جواب: نماز درست میشود لکن اگر بازو برهنه باشد درآن وقت مکروه میباشد. [2] فقط

دست ها را داخل آستین قباء وجبه نکرده نماز خواندن مکروه است: سوال: (۱۵۵۱) در ملک خراسان مردمان در موسم سرما پوستین کلان مي پوشند که آستین دراز دارد ودست درآستین نمي کنند نماز خواندن با این هیئت چه حکم دارد وبا این هیئت سدل خواهد شد؟

جواب: در کتب فقه به تصریح مذکور است که نماز خواندن به هیئت مذکوره مکروه خواهد شد چه اسم سدل بر آن هم صادق آید درکبیري شرح منیه گفته است: ولو صلی في قباء الخ ینبغي أن یدخل یده في کمیه الخ احترازا عن السدل ص۳۳۲. [3] وفي الشامي والصحیح الذیر قال قاضي خان والجمهور انه یکره لا انه إذا لم یدخل یدیه في کمیه صدق علیه اسم السدل الخ ج۱ ص۴۳. فقط

بر چار پائی نماز جائز است: سوال: (۱۵۵۲) اگر کسي درحالت صحت نماز فرض یا نفل را

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسدالصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص ۶۰۵، ط. س. ج۱ ص۶۴۶، در محراب ایستادن مکروه است الخ وقیام الامام في المحراب لا سجوده وقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقًا (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب ایضًا ج۱ ص۶۰۴ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۵). ظفیر

(۲) ولو صلی رافعا کمیه الی المرفقین کره (عالمگیری مصری، الباب السابع فیمایفسدالصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۱۰۰، ط. ماجدیه ج۱ ص۱۰۲). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۸ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۰. ظفیر

بر چارپائي اداء مي نمايد آيا جائز است يا نه؟

جواب: نمازش صحيح است [۱]. فقط

تلی پیزار اگر ناپاک باشد درآن نماز درست نیست: سوال: (۱۵۵۳) اگر تلي بوت با سطح زمين تماس گيرد پاک باقي نمي ماند لكن حصهٔ ما فوق بوت اگر تلي پاي بر آن تماس گرفته باشد آن حصهٔ پاک است آيا درآن كفش ها نماز جائز است يا نه؟

جواب: وقتيكه حصهٔ ما تحت بوت باسطح زمين تماس گيرد آن بوت پاک باقي نمي ماند بناء بالاي آن بوت مسح نمودن جائز نيست ودرآن بوت ها نماز خواندن صحيح نيست [۲]. فقط

وجه عدم جواز نماز در پیزار ناپاک وجائز بودن نماز بر زمین پاک که بر آن فرش پاک باشد: سوال: (۱۵۵٤) اگر بر زمين ناپاک يا فرش ناپاک قطيفه وغيره را انداخته نماز خواندن جائز باشد آيا در صورت همچو بودن بوت نماز جائزاست يا نه؟ زيرا در بوت نيز حصهٔ ما فوق آن پاک وحصهٔ ما تحت نجس ميباشد بناء درما بين صورتين چه فرق است؟

جواب: بر فرش ناپاک اگر لباس پاک را انداخت ونماز را اداء نمود نمازش صحيح است زيرا آن هر دو لباس ها جدا جدا ميباشد بخلاف پيزار زيرا وقتيكه حصهٔ ما تحت او ناپاک است در آن نماز صحيح نيست بخاطر آنكه بوجه دوختن آن متصل شده وبا هم يكي شده است [۳]. فقط

در صحن مسجد با جماعت نماز درست است: سوال: (۱۵۵۵) درصحن مسجد نماز فرض را با جماعت بسبب شدت گرمي بغير ازكراهت اداء خواهد شد يا نه؟ زيد ميگويد كه رسول اكرم هيچ وقت برصحن مسجد نماز رانداده اند بناء اين قول زيد تابه كدام حدي درست است؟

جواب: اين قول زيد غلط است ودر هر دو حصهٔ مسجد مسقف باشد يا غير مسقف (داراى چت

---

(۱) وان صح بشرط كونه على جبهته الخ وبشرط طهارة المكان وان يجد حجم الارض (درالمختار) تفسيره ان الساجد لو بالغ لا يتسفل راسه ابلغ من ذالک فصح على طنفسة وحصير وحنطة وشعير وسرير وعجلة ان كانت على الارض الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوٰة فصل تاليف الصلوٰة ج۱ ص٤٦٨ ، ط. س. ج۱ ص۵۰۰). ظفير

(۲) والشرط الخ شرعا ما يتوقف عليه الشي ولا يدخل فيه هى ستة طهارة بدنه الخ من حدث بنوعيه الخ وخبث مانع الخ وثوبه الخ اى موضع قدميه اواحدهما ان رفع الاخرىٰ الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص۳۷۳ – ۳۷٤ ، ط. س. ج۱ ص٤۰۲) ويفسدها الخ صلاته على مصلى مضرب نجس البطانة .(ايضاً باب مايفسد الصلوٰة ج۱ ص۵۸۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۲٦). ظفير

(۳) ويفسدها الخ صلاته على مصلى مضرب نجس البطانة بخلاف غير مضرب ومبسوط على نجس ان لم يظهر لون او ريح (درالمختار) قوله مصلى مضرب اى مخيط الخ ومفهومه ان الاصح فى غير المضرب الجواز اتفاقًا (ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۲٦). ظفير

باشد یا بي چت) درآن نماز جماعت جائز وصحیح است واین هر دو اسماء دلیل برآن است که در یکه حصۀ غیر مسقف درتابستان ودر حصۀ دیگري که مسقف است درآن در زمستان نماز اداء میشود [1]. فقط

رياح را مسدود نموده نماز اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۵٦) زید به امامت دادن نماز ظهر آغاز نمود وبعد از اداء نمودن یک رکعت هواي شکمش درصدد خارج شدن شد لکن وي خروج هوا را جلو گیري کرده نماز را به انجام رساند بناءا آیا این نماز درست شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست شده البته مکروه است واگر بوجه این هوا قلبش زیادتر مشغول وپراگنده میشد در آن صورت مکروه تحریمي میباشد ور نه مکروه تنزیهي است [2]. فقط

در لباسهای مستعمل قوم نصاری نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۵۵۷) در لباس هاي مستعمل قوم نصاری نماز خواندن چگونه است؟

جواب: در مورد لباس هاي مستعمل قوم نصاری وغیره فقهاء کرام نوشته اند که درآن نماز اداء نمودن جائز است وتنها در لنگ وازار مستعمل آنها جائز نیست زیرا ظن غالب بر آن است که نجس باشد کذا في الشامي [3] واحوط آنست که هر لباس شسته شود وبویژه شستن لنگ وازار زیادتر ضروري است. فقط

در لباس ابریشمی نماز چگونه است؟ سوال: (۱۵۵۸) اگر لباس ابریشمي را بپوشد ویا بر زمین فرش نماید وبر آن نماز اداء کند آیا نماز درست میشود یانه؟ وهمچنان اعاده نماز واجب است یا خیر ودر آن مورد توضیحات یکي از اهل علم است که نماز درست میشود لکن آن شخص گنهکار است چنانچه یک مرد انگشتر طلائي یا انگشتر نقره زائد ازمقدار شرعیه یا دیگر

---

(۱) المسجد الصیفی بجنب الشتوی واملأ المسجد یقوم الامام فی جانب الحائط لیستوی القوم من جانبه (ردالمحتار باب الامامة مطلب فی کراهة قیام الامام فی غیرالمحراب ج۱ص۵۳۱،ط.س. ج۱ص۵٦۸). ظفیر

(۲) ویباح قطعها لنحو قتل حیة الخ ویستحب لمدافعة الاخبثین (درالمختار) کذا فی مواهب الرحمٰن ونور الایضاح لکنه مخالف لماقدمناه الخزائن وشرح المنیة من انه ان ذالک یشغله ای یشغل قلبه عن الصلاة وخشوعها فاتمها یأثم لادائها مع الکراهة التحریمیة ومقتضی هٰذا ان القطع واجب لا مستحب الخ (رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة وما یکره فیها ج۱ ص٦۱۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۵٤). ظفیر

(۳) ثیاب الفسقة واهل الذمة طاهرة (در المختار) قال فی الفتح وقال بعض المشائخ تکره الصلٰوة فی ثیاب الفسقة لانهم لایتقون الخمور قال المصنف یعنی صاحب الهدایة الاصح انه لایکره لانه لا یکره من ثیاب اهل الذمة الا السراتیل مع استحلالهم الخمر فهذا اولی اهـ (رد المحتار قبیل کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۲٤ ، ط. س. ج۱ ص۳۵۰). ظفیر

زیورات را در بدن داشته باشد ونماز را اداء نماید نمازش درست است اما گناه استعمال ناجائز آن ایشاء بدوش او میباشد وهمچنان اگر یک لباس یا ازار وغیره از شتالنگ پائین باشد آیا نماز همچو شخص درست خواهد شد یا نه؟ ودیگر آنکه صاحب لباس ابریشمي یا داراي ازار طولانی مانند اهل عرب وغیره ایشان قباء وجبه وغیره را آنقدر دراز مي پوشند که با سطح زمین تماس میگیرد ویا امامت شخص زیورات پوش یا شخص ریش تراش درست است یا نه؟ بعد علم ودانستبن مقتدیان برآن امور آیا براي مقتدیان اعاده نماز خویش ضروري است یا نه؟ وبالخصوص در همچو صورت اعاده نمازهاي جمعه وعیدها را چگونه باید کرد حالانکه مردم بعد از سلام اکثرا منتشر وپراگنده میشوند؟

جواب: پوشیدن لباس ابریشمي حرام است فلهذا هر نمازیکه در لباس هاي ابریشمي اداء شده باشد مکروه وواجب الاعاده میباشد [۱] واگر آن را بر زمین فرش نماید وبر آن نماز اداء کند آن را فقهاء کرام جائز نوشته اند کما في رد المحتار: بخلاف الصلاة علی السجادة منه أی من الحریر لان الحرام هو اللبس دون الانتفاع الخ. سپس در این مورد از حموي روایت کراهیت را نیز نقل نموده است با آنهم که آن را مرجوح است بهر حال إحتیاط در آنست که بر فرش ابریشمي نماز نخواند لکن اگر خوانده شود اعاده واجب نیست واگر لباس کسي خلاف شرع باشد یا ریش را تراشیده باشد در این صورت امامت وي مکروه است بخاطر آنکه امام فاسق میباشد ودر در المختار مذکور است: صلی خلف فاسق أو مبتدع نال فضل الجماعة الخ أفاد ان الصلاة خلفهما أولی من الانفراد الخ شامي [۲]. ودر صورت ترک نمودن واجب در نمازهاي عیدین وجمعه حکم بر عدم سجده سهوه کردن [۳] تقضاي آن سخن را مي کند که در صورت مذکوره اعاده آن لازم نیست. فقط

در ازار که از شتالنگ پائین باشد نماز اداء نمودن چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۵۹) در نمازکه شتالنگ ازار را پائین داشتن چگونه است؟

جواب: در نماز ازار را از شتالنگ پائین آویزان نمودن مکروه است واز حصول ثواب محروم

---

(۱) لان الصلوة في الحرير مكروهة للرجال (شرح حموي على الاشباه والنظائر ص ۱۹۷). ظفير

(۲) رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۵ ، ط. س. ج۱ ص ۵۶۲. ظفير

(۳) والسهو في صلوة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عندالمتاخرين عدمه في الاولين (الدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵ ، ط. س. ج۲ ص۹۲). ظفير

خواهد شد وعلاوه از نماز در دیگر اوقات نیز باید ازار از شتالنگ بالاتر باشد ودر حدیث شریف در مورد همچو انسان که از شتالنگ ازارش پائین تر باشد وعید شدید آمده است [۱]. فقط

در محراب نماز جائز است یا خیر؟ سوال: (۱۵۶۰) در محراب نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: جائز است [۲]. فقط

بر مصلی دارای نقش ونگار نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱۵۶۱) اگر بریک جاي نماز نقش یک روضه یا مسجد یاخانه کعبه یا مدینه منوره باشد ودرهر حالت درپیش نظر باشد برآن مصلی یا جاي نماز خمس الاوقات نماز اداء نمودن چگونه است؟

جواب: نماز اداء میشود [۳] لکن نقش ونگار را در پیش نظر داشتن نا پسند است. [۴]،فقط

در لباس کثیف نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱۵۶۲) امام با داشتن لباس هاي زیاد وي لباس کثیف را استعمال مي نماید آیا بدنبال وي نماز خواندن کدام نقصان ببار ندارد؟

جواب: نماز صحیح است اما لباس نظیف بکار است [۵]. فقط

در ورکشاپ با وجود ممانعت نماز اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۶۳) ما مردم در ورکشاپ ریل (قطار یا راه آهن) ملازمان میباشیم مایان مخفیانه نماز ظهر را اداء مي نمائیم لکن

---

(۱) عن ابی هریره ﷺ قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ماسفل من الکعبین من الازار فی النار، رواه البخاری (مشکوٰة کتاب اللباس). ظفیر الدین غفر له

(۲) یعني براي مقتدي منفرد جائز است لکن براي امام مکروه میباشد: وکره الخ قیام الامام فی المحراب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ص۶۰۴ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۴). ظفیر

(۳) او لغیر ذي روح لا یکره لانها لا تعبد (درمختار) لقول ابن عباس للسائل فان کنت لابد فاعلا فاصنع الشجر وما لا نفس له رواه الشیخان (ردالمحتار باب ما یفسد الصلاة ومایکره فیها ج۱ ص۶۰۷ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۹). ظفیر

(۴) ولا باس بنقش خلا محرابه فانه یکره لانه یلهی المصلی (درالمختار) فیخل بخشوعه من النظر الی موضع سجوده ونحوه ویکون منتهی بصره الی موضع سجوده الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب حکام المسجد ج۱ ص۶۱۶ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۸). ظفیر الدین غفر له

(۵) الشرط لغة العلامة الخ وشرعاً مایتوقف علیه الشی الخ هی الخ وثوبه (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص۳۷۳ ، ط. س. ج۱ ص۴۰۲) لکن فقهاء کرام در حین وسعت در همچو لباس ها نماز خواندن را مکروه تنزیهي نوشته: کره کفه الخ وصلاته فی ثیاب بذلة یلبسها فی بیته ومهنته ای خدمته ان له غیرها والاّ ، لا،(ایضاً باب مایفسد الصلوٰة ج۱ ص۵۹۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۰). ظفیر

حکم مامور مؤظف آنست هر کسیکه نماز میخواند او باید نیم ساعت رخصتي بگیرد ودر خارج نماز را اداء کند ودر داخل ورکشاپ نماز خوان مستحق جزاء میباشد بناء در همچو صورت حکم وراه بیرون رفت چیست؟

جواب: وقتیکه حاکم از خواندن نماز در داخل ورکشاپ ممانعت نموده است وچنین فرموده است: هر کسیکه نماز میخواند او باید نیم ساعت رخصتي مطالبه کند وخارج ورکشاپ نماز را اداء نماید بناءا او باید با أخذ رخصتي خارج ورکشاپ نماز را اداء کند زیرا وقتیکه ورکشاپ ملکیت او است فلهذا بعد از ممانعت در داخل آن نماز خواندن چنان است مثیلکه در زمین غصب شده نماز اداء نمودن است وآن مکروه میباشد [1] لهذا نماز خود را چرا مکروه مي نماید باید که خارج ورکشاپ برود ونماز را اداء کند با آنهم که درآن خوف جزاء نیز متصور است. فقط

بسبب کثرت نماز خوانان قیام نمودن در در مسجد درست است یانه؟ سوال: (۱۵٦٤) در ماه رمضان المبارک بسبب ازدحام نماز گذاران وکمبود فرش مسجد اگر امام در درِ مسجد ایستاد شود وامامت بدهد آیا جائز خواهد باشد یانه؟

جواب: در درِ مسجد قیام نمودن امام در شامي مکروه نوشته است وبر آن این قول امام اعظم را نقل نموده است بنا برآن براي امام بکار است که اگر بسبب ازدحام مقتدیان ضرورت احساس شود که در درب مسجد ایستاد شود پس در آن صورت پاهاي خود را خارج از دروازه بگذارد وسجده را در داخل اداء نماید اگر همچو طریقه انجام شد بهتر است ور نه بنا بر اشد ضرورت در درب مسجد قیام نمودن ونماز را اداء کردن نیز درست است ونماز درست میشود لکن باز هم از آن خود داري نمودن بهتر است [2].

اگر بر قطیفه عکس پرنده یا چیزی دیگر را فراموش نماید ونماز را اداء کند ایا نماز خواهد شد یانه؟ سوال: (۱۵٦۵) در جاي نماز که عکس پرنده باشد وبر آن قطیفه یا چیزي دیگري را اندازد ونماز بخواند آیا این جائز است یا نه؟

---

(۱) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة وللغیر (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۵٤). ظفیر

(۲) وقیام الامام فی المحراب لاسجوده فیه وقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقا(در المختار) وفی حاشیة البحر للرملی الذی یظهر من کلامهم انها کراهة تنزیهة (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦۰٤ ، ط. س. ج۱ ص٦٤۵). ظفیر

جواب: در این صورت نماز بلا کراهیت جائز است [۱]. فقط

در پیزار نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱۵٦٦) در مورد نماز خواندن در پیزار در الدر المختار نوشته است که اگر پیزار پاک باشد پس در آن نماز جائز بلکه افضل است وعلامه شامي بر آن این حدیث رانقل نموده است: صلوا في نعالکم والا تشبهوا بالیهود [۲]. لکن درآخر او از عمدة المفتي نقل نموده است: إن دخول المسجد متنعلا من سوء الادب [۳]. یعني داخل مسجد با پیزار رفتن در عصر موجوده ناپسند است واین ظاهر است بخاطر آنکه مردم احتیاط نمیکنند وممکن است که پیزارش بنجاست ملوث باشد واکثرا همانطور میشود کما هو مشاهد البته اگر پیزار یقینا پاک باشد مانند پیزار جدید پس دراین صورت با همچو پیزار نماز اداء نمودن هیچ حرج ندارد بلکه افضل وبهتر است کما صرح به الفقهاء وورد في الحدیث. فقط

بعد از نماز دعا ودر آن علاوة نمودن (دَارَک): سوال: (۱۵٦۷) امام بعد ازنماز چنین دعا مي کند: اللهم انت السلام ومنک السلام الخ وادخلنا دَارَک السلام الخ بناء گفتن لفظ دارک درست است یانه؟

جواب: گفتن لفظ دارک ثابت نیست بناء گفتن آن بکار نیست تنها وادخلنا دار السلام گفتن بکار است. فقط

بعد ازختم نماز جماعت چگونه دعا خواسته شود؟ سوال: (۱۵٦۸) بعد از اختتام نماز جماعت آیا امام ومقتدیان با هم شریک دعا بخواهند یا علیحده علیحده واگر مشترکا دعا بخواهند پس تنها بعد از یکبار دعا خواستن بروي خویش دست ها را بمالند یا بعد از سه دفعه؟

جواب: وقتیکه امام از نماز فارغ شود با مقتدیان با هم مشترک دعا بخواهند سپس ازان سنت ونوافل را اداء نمایند وبدنبال آن بوظائف محوله خویش بروند وبار دوم وسوم بطریقه مذکوره دعا خواستن ثابت نیست ومقتدیان را مقید نمودن تا به دعاي دوم وسوم جواز ندارد. فقط

---

(۱) واختلف فیما اذا کان التمثال خلفه والاظهر الکراهة ولایکره لو کان تحت قدمیه او محل جلوسه لانها مهانته الخ او علی خاتمه بنقش غیر مستبین قال فی البحر ومفاده کراهة المستبین لا المستتر بکیس او سرة او ثوب آخر (در المختار) بان کان فوق الثوب الذی فیه صورة ثوب ساتر له فلا تکره الصلاة فیه لاستتارها بالثوب (ردالمحتار باب مایکره فی الصلٰوة ج۱ ص ٦۰٦ – ٦۰۷ ، ط. س. ج۱ ص٦٤۸). ظفیر الدین غفر له

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها مطلب احکام المسجد ج۱ ص٦۱۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۵۷. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها مطلب احکام المسجد ج۱ ص٦۱۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۵۷. ظفیر

بعد از آشامیدن چای بغیر از کنگال نمودن دهن نماز خواندن چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۶۹) اگر یک نفر چاي آشامید وسپس ازآن آنقدر مکث نمود که اثر چای از بین رفت در این صورت بغیر از کنگال کردن دهن نماز خوانده میتواند یانه؟ ویا ضرورت برای مضمضه احساس میشود؟

جواب : کنگال نمودن دهن با آنهم بهتر است واگر دهن را کنگال نکرد بازهم نماز درست خواهد شد. [۱] فقط

در وقت کشته شدن امام مقتدیان نیت را شکستانده میتوانند یا نه؟ **سوال:** (۱۵۷۰) اگر در وقت نماز جماعت دشمن بیاید وامام را قتل میکند آیا مقتدیان نیت را بشکنانند ودشمن را بگیرند ویا چه بکنند؟

جواب: فقهاي احناف نوشته که بخاطر احیاء نفسی (نجات دادن حیات نفس) شکستاندن نماز واجب است درشامي ودرالمختار مذکور است: ویجب القطع لانجاء غریق او حریق [۲] الخ بناءا در صورت مسئوله شکستاندن نماز ونجات دادن برای امام واجب است.

ازار یا لنگ که از شتالنگ پائین تر باشد نماز درآن مکروه است: **سوال:** (۱۵۷۱) جامه که از شتالنگ پائین تر باشد درآن نماز مکروه است یا نه؟

جواب: مکروه است [۳]. فقط

تنها در لنگ نماز درست است: **سوال:** (۱۵۷۲) یک شخص حاجي توانگر است ودر موسم گرمي خمس الاوقات نماز را در یک لنگ که از زانو دو انگشت پائین تر است وبا یک چادر دیگر نماز را اداء میکند ودر بعض اوقات تنها درآن لنگ نماز را اداء مي نماید آیا این نماز او درست میشود یا نه؟

جواب: تنها با بستن لنگ نیز نماز درست میشود [٤] اما بهتر آنست که در صورت استطاعت

---

(۱) قال اتی رسول الله ﷺ بخبز ولحم وهو في المسجد فأكل وأكلنا معه ثم قام فصلی وصلينا معه ولم نزد على ان مسحنا ايدينا بالحصبآء رواه ابن ماجة (مشكوٰة كتاب الاطعمه ص٣٦٦) بالحصباء ای بالحجارات الصغار استعجالا للصلوٰة او بیانا للجواز (مرقاة ج٤ ص ٣٧٩). ظفير الدين غفر له

(۲) الدرالمختار على هامش رد المحتار باب ادراک الفريضة ج١ ص٦٦٦، ويجب (قطع الصلوٰة) لاغاثة ملهوف وغريق وحريق (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسدالصلوٰة الخ ج١ ص٦١٣ ، ط. س. ج١ ص٦٥٤)..ظفير

(۳) قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ماسفل من الكعبين من الازار فی النار رواه البخاری (مشكوٰة كتاب اللباس ص ٣٧٣) لان الصلوٰة فی الحرير مكروهة للرجال (الاشباه والنظائر ص١٩٧). ظفير

=

لنگ وچادر یا کرته وازار وکلاه یا عمامه وکلاه با هر دو نماز را اداء نماید این بهتر است [۱]. فقط

با ازار بند ابریشمی نماز درست است یانه؟ سوال: (۱۵۷۳) لباس ابریشمي براي مرد حرام است ونماز همراهش مکروه میباشد غاية الاوطار جلد اولی ص۱۹۰، لیکن در جلد چهارم فتاوی هندیه نوشته است اگر با ازار بند ابریشمي نماز خواند جائز است ومکروه نخواهد باشد لکن استعمال کنندۀ آن مرتکب گناه میباشد؟

جواب: این واضح است که جامه ابریشمي براي مرد پوشیدنش حرام است ودر صورت پوشیدنش نماز مکروه خواهد باشد ودر فتاوی هندیه جواز نماز را بغیر از کراهیت غالبا بخاطر آن مقصد نوشته است که بنزد بعض علماء استعمال ازار بند ابریشمي جائز است کذا في الدر المختار: وتکره التکة منه ای من الدیباج هو الصحیح وقیل لاباس به الخ وفی الشامی عن التتارخانیه ولاتکره تکة الحریر لانها لاتلبس وحدها، وفی شرح الجامع الصغیر لبعض المشائخ لاباس بتکة الحریر للرجال عند ابی حنیفة وذکر صدر الشهید انه یکره عندهما [۲]. بناء ازآن روایت وجه تطبیق نیز معلوم شد که صاحب غاية الاوطار شاید قول صاحبین را ا خذ نموده باشند ودر فتاوی هندیه قول امام صاحب را اختیار نموده باشد علاوه از آن در غاية الاوطار تکۀ ابریشمي را نوشته است ودر مورد ازار بند بحث ننموده است ودر مورد کراهیت کمر بند خلاف است کما مر. فقط

برکاغذ دولتی یا بکس نماز خواندن: سوال: (۱۵۷٤) اگر کسي از دفتر دولتي کاغذ یا بکس چوبي بغیر از اجازه مقامات بیاورد وسپس بر آن جاي نماز را فرش نموده نماز را اداء نماید آیا نمازش اداء خواهد شد یا نه؟

جواب: نماز بر آن صحیح است اما مکروه میباشد [۳] کما في الارض المغصوبة لکن اعاده اش

---

(٤) والرابع ستر عورته الخ وهی للرجل ما تحت سرته الی ماتحت رکبتیه (الدرالمختارعلی هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۳۷٤ ، ط. س. ج۱ ص٤٠٤). ظفیر

(۱) والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلثة اثواب ازار وقمیص وعمامة ولوصلی فی ثوب واحد متوشحا به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی المقصرة جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزائد ولکن ترک الاستحباب (غنیة المستملی ص۳۳۷). ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی اللبس ج۵ ص۳۱۰ ، ط. س. ج۱ ص ۳۵۳ – ۳۵٤ . ظفیر

(۳) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۵٤ ، ط. س. ج۱ ص ۳۷۹ – ۳۸۱). ظفیر

واجب نیست. فقط

اگر چارپائی در پیشروی نماز گذار باشد کدام حرج ببار نمی آورد: سوال: (۱۵۷۵) در داخل یک مکان یا دکان در محاذات نمازگذار چارپائي خالي موجود است واو رخ قبله خود چارپائي گذاشته شده را گردانیده ونماز میخواند آیا جائز است یانه؟

جواب: درست است. فقط

در صورت نقصان بنجاه پول شکستاندن نماز چگونه است؟ سوال: (۱۵۷٦) در صورت رسیدن نقصان پنجاه پول شکستاندن نماز بدون معصیت جائز است یانه؟

جواب: در در المختار مذکور است: در وقت رسیدن نقصان بمقدار یک درهم شکستاندن نماز درست است ودرهم نزدیک به پنجاه پول میباشد وشامي از بعض فقهاء کرام جواز شکستاندن نماز را از مقدار مذکوره نیز نقل نموده است. مشایخ عام بر آنند که در صورت نقصان رسیدن پنجاه پول نماز را قطع کرده میتواند [(۱)]. فقط

در صورت عدم گنجایش در داخل در دروازۀ ایستاد شدن چگونه است؟ سوال: (۱۵۷۷) بعد از تکمیل صفوف در داخل در دروازه ها سه یا چهار نماز گذار باهم یکجا شده در دروازه ها قیام مي نمایند بناء نماز خوان که در دروازه ها استاد میشوند آیا نماز آنها بلا کراهیت جائز است یا مکروه؟

جواب: درکتاب هاي فقه نوشته است که در دروازه نماز خواندن مکروه است لکن اگر بخاطر ازدحام مردم چنانچه در روز جمعه میباشد اگر چند چند نفر در دروازه هاي که وسیع وفراخ میباشد ایستاد شوند درآن وقت بنیا بر ضرورت کدام حرج در آن نیست ودر نماز نیز کدام خلل واقع نمیشود [(۲)]. فقط

در انگشتری طلا ، نماز مکروه است؟ سوال: (۱۵۷۸) براي مردان استعمال انگشتري طلائي

---

(۱) ویباح قطعها لنحو قتل حیّة وند دابة وفور قدر وضیاع ما قیمته درهم له اولغیره (در المختار) قال فی مجمع الروایات لان ما دونه حقیر فلا یقطع الصلاة لاجله لکن ذکر فی المحیط فی الکفالة ان الحبس بالدانق یجوز فقطع الصلاة اولٰی هٰذا فی مال الغیر اما فی ماله یقطع والاصح جوازه فیهما اهـ وتمامه فی الامداد والذی مشی علیه فی فتح القدیرالتقیید بالدرهم (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦۱۲، ط. س. ج۱ ص٦٥٤). ظفیر

(۲) وقیام الامام فی المحراب لا لسجوده فیه وقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقا الخ وانفراد الامام علی الدکان الخ وکره عکسه فی الاصح وهٰذا کله عندعدم العذر لجمعة وعید فلو قاموا علی الرفوف والامام علی الارض اوفی المحراب لضیق المکان لم یکره (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب مایکره فیها ج۱ ص٦۰٤ – ٦۰٥ ، ط. س. ج۱ ص ٦٤٥ – ٦٤٦. ظفیر

وهمراي آن اگر نماز خوانند چگونه است؟

جواب: براي مردان انگشتري طلائي حرام است كما في الحديث: نهى رسول الله عن خاتم الذهب، الحديث [۱] فلهذا وقتيكه انگشتري طلا براي مرد هر وقت حرام است بناء در نماز نيز حرام است ونماز با كراهيت اداء ميشود به اين معنى كه نماز درست ميشود اما مكروه است [۲].

اگر بعد اندكي قرائت از امام فراموش شود چه بايد كرد؟ سوال: (۱۵۷۹) اگر يک شخص مقدار قرائت نمود وآيت هاي در پيش از وي فراموش شد ومقتدي او را فتح داد اما امام فتح او را نگرفت حتى كه بار دوم وسوم نيز فتح را نگرفت بلكه نماز شكستاند واز سر نو مجددا نماز را تكميل نمود آيا اين فعل امام جائز است يا نه؟

آيا درآن صورت از سر نو نماز را شروع نمايد؟ سوال: (۱۵۸۰) هر كسي را كه همچو صورت عارض شود آيا اورا شكستاندن نماز واز سر نو تحريمه نمودن بكار است ويا در آيت ديگر يا سورت ديگر رفتن بكار است يعني در صورت عدم قرائت قدر ما يجوز به الصلاة؟

درصورت فوق الذكر ترجيح دادن به شكستاندن نماز غلط است: سوال: (۱۵۸۱) (۱) اگر يک نفر درصورت فوق الذكر نماز را فسخ مي نمود واز سر نو برتحريمه اصرار مي ورزد وبه آيت وسورت ديگر رفتن را ناجائز ميگويد ودر مورد فسخ نمودن نماز آن عبارت را حجت ميگيرد كه در مورد سنت فجر آمده است: اذا خاف فوت الجماعة يتركها، بناءا درمورد صورت فوق الذكر بخاطر فسخ نمودن نماز آن عبارت را استدلال نمودن صحيح است يانه؟

معنى يتركها چيست؟ سوال: (۱۵۸۲) (۲) درعبارت فوق الذكر لفظ (يتركها) بمعنى آنست كه اگر كسي درصورت شروع نمودن در سنيت خوف فوت شدن جماعت را داشته باشد درآن صورت جماعت را ترک كند ودرجماعت شركت ورزد ويا معنى ثاني آن همچنان نيز است كه اگر كسي بعد از قيام جماعت سنت را شروع نمود وبعد از شروع برايش خوف فوت شدن جماعت عارض شد درآن وقت سنت را ترک نمايد ودرجماعت شريک شود آيا لفظ (يتركها) هر دو صورت ها را شامل ميباشد يا يک صورت را وآن هم كدام صورت را واگر صورت ثاني

---

(۱) عن علي ﷺ قال نهى رسول الله ﷺ عن لبس القسي والمعصفر وعن تختم للذهب الخ رواه مسلم (مشكوٰة باب الخاتم ص ۳۷۸). ظفير الدين غفر له

(۲) لان الصلوٰة فى الحرير مكروهة للرجال (شرح حموى على الاشباه والنظائر ص۱۹۷). ظفير

را شاملٰ باشد پس مطلب حدیث: لا تبطلوا أعمالکم چیست؟

جواب: (۱ – ۲) براي امام دراین صورت فتح گرفتن بکار بود ویا برایش بکار بود که بطرف آیت دیگر انتقال مي نمود اگر بقدرما تجوز به الصلاة ویا بمقدار مستحب قرائت شده بوده درآن وقت رکوع نمودن بکار بود، وشکستاندن نماز رادر همچو حالت فقهاء کرام تحریر ننموده اند: ردالمحتار، تتمه یکره ان یفتح من ساعة کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الٰی آیة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلٰوة والٰی سورة اخرٰی او یرکع اذا قرأ قدر الفرض کما جزم به الزیلعی وغیره فی روایته قدر المستحب کما رجحه الکمال الخ وفی الدرالمختار بخلاف فاتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقًا لفاتحٍ وآخذ بکل حاجلٍ الخ وفی الشامی قوله بکل حال ای سواء قرء الامام ما تجوز به الصلٰوة ام لا انتقل الٰی آیة اخرٰی ام لا تکرر الفتح ام لا هو الاصح [1]، پس هر گاه فقهاء کرام آنقدر وسعت نموده اند بناء شکستاندن مناسب نبوده وبنابر حکم حدیث: لَا تُبْطِلُوْا اَعْمَالَکُمْ، درآن حالت شکستاندن نماز ممنوع بوده.

جواب: (۳) این سخن فوقا واضح گردید که در همچو حالت فتحه گرفتن را فقهاء کرام یا انتقال الی آیة أخری.

جواب: (٤) یا إلی سورة أخری جائز قرار داده اند بناء آنرا ناجائز گفتن ونماز را شکستاندن ودوباره اصرار نمودن به انعقاد تحریمه بوجه جهل خواهد باشد. وهر کسیکه عالم بمسائل شرعي وفقیه باشد همچو حکم را صادر کرده نمیتواند زیرا این احتیاط نیست بلکه محض وهم وخطائي میباشد وعبارت مذکور را درآن مورد دلیل آوردن وروایات صریح جواز را وحکم فقهاء کرام را ترک نمودن جهل علیحده میباشد واین استدلال نمودن غلط است، ومعنی (یترکها) آنست که شروع نکند نه آنکه بعد از شروع آن را بشکناند زیرا بعد از شروع نمودن قطع کردن آن را فقهاء کرام صراحة ممنوع نوشته اند: والشارع في النفل لا یقطع مطلقا ویتمه رکعتین وکذا سنة الظهر وسنة الجمعة اذا اقیمت او خطب الامام یتمها اربعًا علی القول الراجح لانها صلٰوة واحدة ولیس القطع للاکمال بل للابطال خلافا کما رجحه الکما ل (درالمختار) قوله خلافًا لما رحجه الکمال حیث قال وقیل یقطع علی رأس الرکعتین وهو الراجح الخ شامی [2]. فقط

---

(۱) رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲ – ۶۲۳ . ظفیر

(۲) رد المحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص ٦٦٨ ، ط. س. ج۲ ص ۵۳ . ظفیر

از پیش روی نماز خوان بکدام اندازه فاصله عبور نمودن بکار است؟ سوال: (۱۵۸۳) درروز جمعه اکثر مردم از پیش روي نماز خوانان عبور مي نمايند آيا درآن مورد کدام حد فاصله مقرر است که ازآن مرور نمودن جائز باشد؟

جواب: در مساجد بزرگ اگر از موضع سجود بالوضع بصر نماز گذارکدام شخص عبور کند درست است ودرمسجد صغيرکه از اندازه ده دست کم باشد درهيچ جاي مرور نمودن نيز ثابت نيست . کذا في الدر المختار [۱]. فقط

بعد ازنماز به آواز بلند کلمه خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۵۸٤) وعن عبدالله بن زبير قال کان رسول الله ﷺ اذا سلم من صلٰوته يقول بصوته الاعلٰی لا اله لا الله، وحده لا شريک له له الملک وله الحمدوهو علٰی کل شی قدير لاحول ولا قوة الا بالله ولا نعبد الا اياه له النعمة وله الفضل وله الثناء الحسن لا اله الا الله مخلصين له الدين ولو کره الکافرون، رواه مسلم مشکوٰة شريف باب الذکر بعد الصلٰوة. بناءا يک شخص بنا بر استدلال برحديث تحرير شده سه بار کلمه مبارکه رابه آواز بلند ميگويد درآن مورد چه حکم است؟

جواب: علماء کرام خواندن کلمه طيبه رابه آواز بلند وبکيفيت خاص منع فرموده اند زيرا که اين شعار اهل بدعت گرديده است واصلا خواندن همچو اذکار چونکه آهسته وخفيه بايد باشد قسميکه در آن مورد وارد شده است: انکم لا تدعون اصم ولا غائبا، وبآواز بلند خواندن آنحضرت ﷺ که بود بغرض تعليم بوده فلهذا مردم ديگر را در همچو موارد ازجهر مفرط ممانعت نمودن بکار است وبهتر آنست که کلمه طيبه تابه اخر کاملا خوانده شود واو از انقدر بلند نبايد باشد که از ان براي نماز گذاران وذاکرين متباقي تکليف وآذيت پيدا شود. [۲]

درلباس کل عکس باشد نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۵۸۵) درلباس که تصوير باشد در آن نمازدرست ميشود يانه؟

---

(۱) ولایفسدها نظره الی مکتوب الخ ومرور مار فی الصحراء وفی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح او مرور بین یدیه ای حائط القبلة فی بیت ومسجد صغیر فانه کبقعة واحدة مطلقًا الخ وان اثم المار لحدیث البزار ولو یعلم المار ماذا علیه من الوزر لوقف اربعین خریفا (درمختار) قوله مسجد صغیر وهو اقل من ستین ذراعًا وقیل من اربعین وهو المختار کما اشار فی الجواهر، قهستانی (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص٦٣٤). ظفیر

(۲) ویکره الاعطاء الخ ورفع صوت بذکر (درمختار) فتارة قال انه حرام وتارة قال انه جائز الخ لانه حیث خیف الریاء اوتاذی المسلمین اوالنیام الخ (ردالمحتار مطلب رفع الصوت بالذکر ج۱ ص٦١٨، ط. س. ج۱ ص٦٥٩). ظفیر

جواب: اگر درلباس تصویر حیوان جاندار باشد درآن نماز درست نمیشود واگر تصویر غیر جاندار باشد درآن نماز خواهد شد [۱].

شمله اگر بیسار دراز باشد آیا نماز مکروه تحریمی خواهد شد؟ **سوال:** (۱۵۸۶) عمامه بستن بکدام اندازه سنت است ودرعقب چقدر شمله آن را گذاشتن مسنون است اگر کسي شمله را تا به سرین دراز مي ماند آیا نماز مکروه تحریمي میشود در این مورد حکم شرعي چیست؟

جواب: در درالمختار مذکور است: که گذاشتن شمله دستار درطرف پشت وتا به وسط ظهر مستحب است بعضي گفته اند که یک وجب باید باشد واین قول نمودن که اگر از پاو بالا یک وجب زیاد شمله بگذارد نماز مکروه تحریمي میشود کاملا غلط است وبودن شمله تا به ظهر یا یک وجب آن همه از امور مستحبه میباشد وبرخلاف آن مکروه تحریمي نیست ودر نماز هیچ نوع کراهیت نمي آید ودر مورد شمله در درالمختار آنست که بودن شمله تا به موضع جلوس مستحب است از تحقیق معلوم شد که تا به آخري بخش کمر یعني تا به شروع سرین شمله گذاشتن نیز مکروه نیست خلاصه آنکه آن همه أقوال که ذکر شد درمورد استحباب است، باقي آنکه گناه درهیچ حال نیست خواه شمله دراز باشد یا کوتاه باشد وهمچنان در مورد طول عمامه هیچ حد شرعي بخصوص نیست زیرا عمامه مبارکه آنحضرت ﷺ احیانا دوازده دست مي بود واحیانا هفت دست مي بود وبراي دیگران درمورد طول عمامه ایشان کدام حکم خاص نفرموده بودند بناء هر قسمیکه عادت باشد وهر قدریکه عادت بسته نمودن را داشته باشد آنقدر ببندد وهیچ وهم باید نکند [۲]. فقط

درلباس ابریشمي نماز اداء شده درست است یانه؟ **سوال:** (۱۵۸۷) بغیر ازضرورت شرعي لباس ابریشمي را پوشیده نماز خواندن مکروه تحریمي است یا مکروه تنزیهي وبنا بر تقیدي اول اعاده نمودن نماز واجب میباشد یا خیر؟

جواب: ظاهرا نمازمکروه تحریمي است واعاده اش واجب میباشد: کما قالوا باعادة صلوة صلیت

---

(۱) وکره الخ لبس فیه تماثیل ذی روح (مختار) ویاتی ان غیر ذی الروح لایکره (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۶۰۵ ، ط. س. ج۱ ص ٦٤٤ – ٦٤٧) قوله ولبس ثوب فیه تصاویر لانه یشبه حامل الصنم فیکره وفی الخلاصة وتکره التصاویر علی الثوب صلّی فیه اولم یصل اهـ وهذه الکراهة تحریمیة (البحر الرآئق، باب مایفسد الصلاة وما یکره فیها ج۲ ص۷۲). ظفیر

(۲) وندب لبس السواد وارسال ذنب العمامة بین کتفیه الی وسط الظهر وقیل لموضع الجلوس وقیل شبر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مسائل شتٰی ج۵ ص۶٦٠ ، ط. س. ج۱ ص۷۵۵). ظفیر

في ثوب فيه عورة قال في ردالمحتار: ويؤيده ما صرحوا به من وجوب الاعادة بالصلوة في ثوب فيه صورة بمنزلة من يصلي وهو حامل صنم الخ [1] ص۳۰۷ جلد اول في بيان واجبات الصلوة. فقط

درلباس کثیف نماز مکروه است یانه؟ **سوال:** (۱۵۸۸) لباس کثیف وهمچنان لباسهاي موسم گرمائي سال گذشته در ثیاب بذله داخل است یا نه وآیا درآن نماز جائز باشد یا مکروه؟

جواب: لباس هاي فوق الذکر بسبب کثیف بودن آنها درثیاب بذله داخل نیستند وهمچنان لباس موسم گرمي سال گذشته درثیاب بذله داخل نمیباشند بناءا درآن لباس ها نماز مکروه نمیباشد [2]. فقط

بعد از نماز بطرف چپ توجه گردانیدن ودعاء کردن چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۸۹) زید درنماز عصر امام بود وبعد از گردانیدن سلام بطرف چپ روي آورده مناجات نمود آیا این جواز دارد یانه؟

جواب: بعد ازهر نمازیکه سنت نیست مانند نماز فجر وعصر درآن براي امام اختیار است که بطرف راست توجه آورده مي نشیند ویا بطرف چپ توجه آورده جلوس مي نماید وهر دو صورت از حدیث شریف ثابت است وفقهاء احناف نیز درهر دو صورت اختیار داده اند فلهذا بر کسیکه بطرف چپ توجه مي آورد طعن گفتن واعتراض نمودن جهالت است از مسائل دیني [3]. فقط

در نماز درتخیل آمدن رحمت عالم ﷺ ویا تصور نمودن آنجناب چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۹۰) اگردر نماز تخیل رسول اکرم ﷺ احساس شود آیا نماز درست خواهد شد یانه؟ واگر در نماز درخیال آورده شود چه حکم دارد؟

جواب: وقتیکه در نماز درنفس التحیات ودرود شریف ذکر انحضرت ﷺ است بناءا تخیل آوردن ضروري شد وباقي نماز خالص براي عبادت الله تعالی است وتخیل غیر الله علی سبیل

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلٰوة مطلب واجبات الصلاة ج۱ ص۴۲۶، ط. س. ج۱ ص۴۵۷، در شرح حموی است: لان الصلاة فی الحریر مکروهة للرجال. ظفیر

(۲) وصلاته فی ثیاب بذلة یلبسها فی بیته ومهنته ای خدمته ان له غیرها والاً لا (درالمختار) وفسّرها فی شرح الوقایة بما یلبسه فی بیته لا یذهب به الی الاکابر والظاهر ان الکراهة تنزیهیة (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص ۵۹۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۰). ظفیر

(۳) وخیّر فی المنیة بین تحویله یمینا وشمالا واماما وخلفا وذهابه لبیته واستقباله الناس بوجهه ولودون عشرة مالم یکن بحذائه مصلی ولو بعیدا علی المذهب (درمختار) لکن التخییر الذی فی المنیة هو انه ان کان فی صلاة تطوع بعدها فان شاء انحرف عن یمینه او یساره اوذهب الی حوائجه اواستقبل الناس بوجه الخ (ردالمحتار باب صفة الصلٰوة ج۱ ص۴۹۶ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۱). ظفیر

التعظيم والعبادة بكار نيست ونماز درهرحالت صحيح است زيرا برخيال وتصور باز برسي نيست [1]. فقط

درمحراب تنها نماز نماز خوان درست است یانه؟ **سوال:** (۱۵۹۱) (۱) در محراب مذكوره تنها نمازِ نماز گذار درست است یانه؟

در داخل محراب قیام نموده امامت داد ایا نماز درست شده است یانه؟ **سوال:** (۱۵۹۲) (۲) در محراب مذكوره اگر امام قيام ورزد وامامت بدهد آيا نماز درست خواهد شد يانه؟

داخل محراب نماز مقتدی درست خواهد شد یانه؟ **سوال:** (۱۵۹۳) (۳) در محراب مذكوره نماز مقتدي درست خواهد شد يانه؟

امام بکدام اندازه ارتفاع امامت کرده میتواند؟ **سوال:** (۱۵۹٤) (٤) امام بكدام اندازه بلندي قيام ورزيده امامت داده ميتواند؟

امام در، درچقدر بلندی ایستاده شده میتواند؟ **سوال:** (۱۵۹۵) (۵) بوجه تنگ بودن وعدم گنجايش درصحن يا بسبب جنگل وغيره وزمين ناهموار امام تا به كدام اندازه بلندي ايستاده شده ميتواند وامامت بدهد كه از كراهيت عاري باشد؟

قصدا درنماز ارتکاب مکروه چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۹٦) (٦) اگر عمدا در نماز ارتكاب فعل مكروه كرده شود آيا نماز درست ميشود يا نه؟ وآيا گنهكار ميشود يا نه؟

فتوی یک مولوی: **سوال:** (۱۵۹۷) (۷) مولوي اشرف علي صاحب سلمه تحرير فرموده است كه امام را آنقدر درجاي بلند ايستادن مكروه است كه براي ناظرين بلند معلوم شود؟

در چقدر بلندی سجده کرده شود؟ **سوال:** (۱٦۹۸) (۸) اگر با سطح مقتدي هموار امام ايستاد شود وسجده را درمكان مرتفع مي نمايد بناءا براي امام چقدر دربلندي اجازت است وتا به كدام اندازه مقتديان از امام بلند قيام نموده ميتوانند؟

مقتدی از امام بلند قیام نموده میتواند یا نه؟ **سوال:** (۱۵۹۹) (۹) مقتديان از امام در چقدر بلندي ايستاد شده ميتوانند؟

اگر امام یک وجب بلند قیام نموده باشد در آن مورد چه حکم است؟ **سوال:** (۱٦۰۰)

---

(۱) عن ابی هريرة ﷺ قال قال رسو الله ﷺ ان الله تجاوز عن امتی ما وسوسوت به صدرها ما لم تعمل به او تتكلم متفق عليه (مشكوٰة باب فی الوسوسه ص۱۸). ظفير

(۱۰) اگر چوکات دروازۂ مسجد ازیک وجب کم باشد وامام برآن قیام نموده امامت داده میتواند یانه؟

اگر تکبیرات وسلام رابا امام یکجا اجراء نکرد وقبلا آن را ختم نمود بناءا درآن مورد چه حکم است؟ **سوال:** (۱٦۰۱) (۱۱) تکبیر تحریمه یا تکبیرات متباقي یاهر دو سلام ختم نماز یا سلام سجده سهوه با امام شروع کرده شود ویابعد از امام لکن ختم شود قبل از امام بناء دراین صورت نماز مقتدي درست خواهد شد یانه؟

مقتدی که قبل از امام رکوع وسجده میکند آیا نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱٦۰۲) (۱۲) اگر مقتدي پیش از امام رکوع سجده یا قومه وغیره را مرتکب شود آیا نماز مقتدي درست خواهد شد یانه؟ وهمچنان سرمقتدي که قبل ازامام سجده میکند مانند خر خواهد شد یانه؟

وقت غلبۂ خواب دنبال امام نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱٦۰۳) (۱۳) اگر مقتدي در نماز بعقب امام ایستاد بود واو را غلبۂ خواب در رکوع سجده، قومه، قیام قعده وغیره مي جنبانید بناءا در این صورتها نماز مقتدي درست میشود یا نه؟

اگر مقتدی قبل از نماز سلام بگرداند در این مورد چه حکم است؟ **سوال:** (۱٦۰٤) (۱٤) اگر مقتدي پیش از ختم شدن نماز سلام بگرداند وفورا بعد از بیاد آمدن بغیر از حرف زدن نماز را با امام تکمیل کرد آیا نمازش درست خواهد شد یانه؟

درحین غلبۂ خواب نماز را اداءکند یا ترک؟ **سوال:** (۱٦۰۵) (۱۵) دروقت غلبۂ خواب یا نعاس حکم نماز چیست آیا اداء شود یا ترک گردد؟

أگر درنماز بدن خارش میکند چه باید کرد؟ **سوال:** (۱٦۰٦) (۱٦) درنماز خارش راچند مرتبه بدست رفع کرده میتواند ویا از بیني چند بار خلم خشک را اخراج کرده میتواند وسه بار خاریدن مفسد نمیباشد؟

اگر قومه با اطمینان نشود دراین مورد چه حکم است؟ **سوال:** (۱٦۰۷) (۱۷) اگر در نماز قومه وجلسه بطور احسن با اطمینان نشوند پس حکم آن نماز چیست؟

اگر خینه استعمال نموده باشد نمازش درست است یا نه؟ **سوال:** (۱٦۰۸) (۱۸) اگر یکمرد خینه را استعمال نموده باشد ونشسته نماز بخواند آیا جواز دارد یانه؟

با بسته نمودن مشت ها نماز خواندن: **سوال:** (۱٦۰۹) اگر دستها را خینه کرده باشد وهر

دو مشت ها را بند نموده نماز خواند آیا جواز دارد یا نه؟

جواب: (۱) درست است.

جواب: (۲) نماز خواهد شد اما این فعل امام مکروه است ودر نمازکراهیت پیدا خواهد شد.

جواب: (۳) درست میشود: (مثل مقصورة دمشق التی هی فی وسط المسجد خارج الحائط القبلی یکون الصف الاول بینهما مایلی الامام فی داخلها وما تصل به من طرفیها خارجا عنها من اوّل الجدار الی آخره فلا منقطع الصف بیناتها کما لا ینقطع بالمنبر الذی هو دخلها شامی ج۱ص ۵۹۵ جمیل الرحمٰن).

جواب: (٤) در الدرالمختار مذکور است: وانفرد الامام علی الدکان للنهی وقدر الارتفاع بذراع ولا باس بما دونه وقیل مایقع به الامتیاز وهو الاوجه ذکره الکمال (درمختار) علاّمه شامی په دی باندی لیکلی دی قوله: وقیل هو ظاهر الروایة قال فی البحر والحاصل ان التصحیح قد اختلفت والاولی العمل بظاهر الروایة واطلاق الحدیث وکذا رجحه فی الحلیة [1]. واما حدیث نهي عبارت است از قوله: قوله للنهی وهو ما اخرجه الحاکم انه ﷺ نهی لن یقوم الامام فوق ویبقی الناس خلفه الخ شامی. [2] پس واضع ومعلوم شد که دریک روایت به قدر یک دست بلندي ایستادن امام مکروه است وظاهر الروایة آنست که در آنقدر ارتفاع که بر آن امتیازي باشد واز بعید آن را ناظرین بلندي پندارد مکروه میباشد چنانچه حضرت مولانا اشرف علی صاحب (رح) تحریر فرموده است دربحر فرموده است که برآن عمل اولی است بخاطر اینکة این ظاهر الروایة است ومقتضی حدیث نیز همین است پس درپیش درالدر المختار مذکور است: وهٰذا کله عند عدم العذر کجمعة وعید فلو قاموا علی الرفوف والامام علی الارض او فی المحراب لضیق المکان لم یکره [3] از این عبارت هویدا شد که اگر معذور باشند دراین صورت در مکان بلند قیام نمودن درست است اگر چه قیام وي ممتاز باشد ویا به اندازهٔ ذراع باشد اماعذر عبارت از ازدحام وهجوم مردم وضیق مکان است بتاء آفتاب وسایه در معاذیر داخل نیست از تقدیر عبارات فوق الذکر اجوبهٔ سوالات شما فراهم گردید حل شد.

---

(۱) رد المحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦٠٤ – ٦٠٥، ط. س. ج۱ ص٦٤٦. ظفیر

(۲) رد المحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦٠٤ – ٦٠٥، ط. س. ج۱ ص٦٤٦. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦٠٥، ط. س. ج۱ ص٦٤٦. ظفیر

جواب: (۵) آنقدر در مکان مرتفع قیام نه ورزد که امتیاز حاصل شود ومقدار آن یک ذراع میباشد در صورت عروض معاذیر اگر امام هر قدر در مکان بلند قیام ورزد کراهیت مرفوع است.

جواب: (٦) نماز درست میشود اما با معیت نقصان وقصدا همچو عمل کردن سبب گناه است.

جواب (۷) معلوم شد که این ظاهر الروایت است.

جواب: (۸) در این مورد کدام قید نیست تا به ارتفاع که مفهوم سجده باقي باشد اجازت است: السجدة هي فريضة تتادى بوضع الجبهة على الارض اوما يتصل بها بشرط الانخفاص الزائد على نهاية الركوع مع الخروج عن حد القيام لانه لا يعد ساجدا لغة وعرفا لمادونه ويعدّ به الخ ذكر الزاهدى لو سجد المريض على دكان دون صدره يجوز كالصحيح الخ كبيرى ص۲۷۸وص۲۸۱ جميل الرحمٰن).

جواب: (۹) اگر بعضي مقتديان با امام باشند وبرخي متباقي مقتديان در هر قدر بلندي که قيام نماند جائز است مانند سقف وغيره واگر امام تنها در مکان سافل وپائين ايستاد باشد وسائر مقتديان بر مکان بلند باشند در اين صورت حد آن همان است که براي امام ميباشد يعني بقدري ذراع يا بقدر ما يقع به الامتياز باشد واگر مقتديان درمکان مرتفع باشند نماز ايشان مکروه ميباشد: وانفراد الامام على الدكان الا قوله: يكره كما لوكان معه بعض القوم.

جواب: (۱۰) بوجه آنقدر بلندي نماز مکروه نخواهد شد لکن در، در قيام نمودن براي امام مکروه است قسميکه فوقا معلوم گرديد.

جواب: (۱۱) در مورد تکبير در الدرالمختار مذکور است: فلو قال (الله) مع الامام و (أكبر) قبله لم يصح، ترجمه: يعني پس اگر لفظ جلاله را با امام گفت ولفظ أكبر راقبل از امام گفت دراين صورت نماز نميشود او درمورد سلام در الدرالمختار مذکور است: وتنقض قدوة بالاول قبل عليكم، پس معلوم شد که در صورت سلام نماز درست خواهد شد.

جواب: (۱۲ – ۱۳) اگر قبل از امام برکوع وسجده رفت پس اگر امام نيز درآن شامل شد آن رکوع وسجده درست شده است ورنه درست نشده است وآن حديث عبارت است از: اما يخشى الذي يرفع رأسه في الامام أن يحول رأسه رأس حمارٍ [1]. متفق عليه ترجمه: آيا خوف نميکند آنکس که از امام سر خود را پيش بلند مي نمايد از اين که سرش مانند سر خر شود.

---

(۱) مشکوٰة. ظفير

درحاشیه آمده است: ولعل المراد تحویله في الأخرة لا في الدنیا، واز ابن حجر نیز منقول است که اگر در دنیا نیز با کسي همچو معامله شود مستبعد نیست کما نقل عن البعض.

جواب: (۱٤) در سائر صورت های مذکوره نماز درست میشود.

جواب: (۱۵) إلاّ السلام ساهیاً للتحلیل اي للخروج من الصلوة قبل اتمامها علی ظن اکمالها فلا یفید الدر المختار، نماز درست خواهد شد.

جواب: (۱٦) نماز را هر قسمیکه باشد ترک نکند بلکه خواب وتکاسل را دفع نماید ونماز را اداء کند نه قضاء.

جواب: (۱۷) خارش هر چند مرتبه که باشد خاریدن آن درست است نماز را نمیشکناند: ویفسدها کل عمل کثیر ما لا یشک بسببه الناظرین بعید في فاعله انه لیس فیها، الدرالمختار، بیان فساد الصلوة. وبانظر داشت آن تصحیح درالمختار خارش اگر بدفعات صورت گیرد از تعریف عمل کثیر خارج است واز بیني کثافت را خارج نمودن سخن ناپسند است اگر چه نماز را فاسد نمیکند اما مکروه است ودرجاي که نماز فاسد مي نوسید درآنجا اعاده لازم است.

جواب: (۱۸) نماز مکروه میشود وهمچو نماز واجب الاعاده میباشد یعني واجب است که آن نماز را اعاده کند بسبب ترک نمودن واجب في الدر المختار وکذا في الرفع فیهما قال الشامي یجب التعدیل أیضا في القومة من الرکوع والجلسة بین الجلستین. شامي ج۱ ص٤۸۲. جمیل الرحمن. فقط

جواب: (۱۹) جائز نیست [۱].

جواب: (۲۰) براي آنکه ازآن ترک سنن واجب میشود بناء مکروه است [۲].

در مقبره نماز جائز است یانه؟ **سوال:** (۱٦۱۰) در مقبره نماز خواندن جواز دارد یانه؟

جواب: اگر در مقبره یک مکان صاف ونظیف براي نماز باشد ودر آن نجاست وقبر نباشد ودرسمت قبله پیشروي نماز گذار هیچ قبري موجود نباشد درآن وقت نماز بلا کراهیت تحریمه جائز است واگر در پیش روي قبر باشد یا درخود آن مکان که نماز خوانده میشود درآن قبر باشد در آن صورت نماز مکروه تحریمي است. در شامي است: ولاباس بالصلٰوة فیها اذا کان

---

(۱) جونکه قیام که فرض است بلا عذر ترک شده است. ظفیر

(۲) جونکه در هر رکن نماز مشت را باز داشتن مسنون است. جمیل الرحمن

فيها موضع اعد للصلٰوة وليس فيه قبر ولا نجاسة، كما فى الخانية ولا قبلة الٰى قبر [۱] الخ واز لفظ لا بأس آنقدر ضرور معلوم میشود که درمقبره نماز خواندن ناپسند است.

ریاح را بند کرده نماز اداء نمود آیا نماز درست شده است یانه؟ سوال: (۱۶۱۱) هر آنکسیکه بسبب قبض باد او زود، زود خارج میشود اگر آنکس باد را بند کند ونماز را اداء نماید آیا نمازش درست خواهد شد یانه؟

جواب: نمازش صحیح است [۲]. فقط

اگر در پیش روی نمازگذار نوع درخت مسمی به درخت پیپل باشد نماز مکروه نمیشود؟

سوال (۱۶۱۲) اگر در محاذات نماز گذار درخت پیپل باشد آیا نماز خواهد شد یا نه؟

جواب: نماز صحیح است در آن کراهیت نیست.

با انحصار نمودن شاش در نماز جماعت شرکت وزیدن مکروه است: سوال: (۱۶۱۳) یک شخص را قضاي حاجت بولي عارض شد اما وي قضا حاجت را متوقف نمود وبا جماعت نماز را اداء کرد وبا توتف مثاني بول را انحصار نمود سپس ازآن معذرت خودرا رفع کرد بناءا درهمچو حالت حکم نماز چیست؟

جواب: در این حالت نماز مکروه تحریمي است لکن این حکم وقتی است که فشار بول وتغوط طوري باشد که خاطر وقلب انسان درآن مشغول باش، كما في الشامي: قوله صلٰوته مع مدافعته الاخبثين البول والغايط. قال فى الخزائن سواء كان بعد شروعه او قبله فان شغله قطعه ان لم يـخف فوت الوقت الخ [۳].

اگر در جیب پول باشد همچنان نماز میشود: سوال: (۱۶۱۴) اگر پول وروپیه در جیب واسکت باشد ودر حین عقد نیت زیر دست باشد آیا نماز درست میشود؟

جواب: نماز در این حالت بلا کراهیت صحیح است. [۴]

---

(۱) ردالمحتار كتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۵۳ ، ط. س. ج۱ ص ۳۸۰. ظفير

(۲) يجب رد عذره او تقليله بقدر قدرته الخ وبرده لا يبقى ذاعذر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار احكام المعذور ج۱ ص۲۸۳ ، ط. س. ج۱ ص۳۰۷). ظفير

(۳) ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ ص۶۰۰ ، ط. س. ج۱ ص۶۷۲. ظفير

(٤) ولايكره لوكانت تحت قدميه او فى يده عبارة الشمنى بدنه لانها مستورة بثيابه الخ ومفاده كراهة المستبين لا المستتر بكيس او صرة او ثوب اخر (درمختار) بان صلى ومعه صرة او كيس فيه دنانير اودراهم فيها صور صغار فلا تكره لاستتارها (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ويكره فيها ج۱ ص۶۰۶ – ۶۰۷ ، ط. س. ج۱ ص۶۷۸). ظفير

با **ابريشم وطلا نماز درست ميشود يانه؟** **سوال:** (۱۶۱۵) اگر كدام مرد بلا عذر طلا يا ابريشم را پوشيده نماز اداء مي نمايد آيا نمازش ميشود يا نه؟ بعضي احباب بر آن نظر اند كه استعمال نمودن طلا وابريشم براي مردان حرام است لكن با آنهم اگر آن را استعمال نموده نماز اداء كند نماز درست ميشود آيا اين عمل درست است يانه؟

جواب: استعمال نمودن طلا وابريشم براي مردان بلا شک حرام است وهر نمازي كه در حين پوشيدن آن ادا شده باشد صحيح است اما ظاهر است كه در هر وقت استعمال طلا وابريشم براي مردان حرام است فلهذا در نماز نيز حرام است لكن چونكه طلا وابريشم هر دو ذاتا نجس نيستند بناءا نماز درست شده است.[1] فقط

نمازهاي كه عاري ازتعديل الاركان باشد حكم آن چيست؟ **سوال:** (۱۶۱۶) عمر يک نفر بيست ساله است ودر اين مدت هيچ يک نماز را درست انجام نداده است وتنها دو دفعه محض پائين ميشود ونماز را به انجام مي رساند آيا اين نمازها درست شده است يا نه؟ ودر صورت اعاده نمودن تنها فرض اداء كند يا سنت نيز اعاده نمايد؟

جواب: هر نمازي كه بلا تعديل الاركان اداء شود اگر چه آنها درست شده اند لكن اعاده نمودن آنها بهتر است، وتر وفرائض را اعاده نمايد وسنت را اعاده نكند. فقط

قيام نمودن امام در محراب: **سوال:** (۱۶۱۷) براى امام قيام نمودن درمحراب مسجد چگونه است، وفقهاء كرام كه آن را مكروه ميگويند دليل آنها چيست؟ آيا دروازه هاي مسجد نيز حكم محراب را دارد وآن را محراب متعين نمودن بخاطر چيست؟ وفقهاء دركدام كتاب فقه تصريح نمودن اند بر آنكه (در) حكم محراب را دارد؟ اگر چنان تصريح كسي از فقهاء نقل كرده آن در اينجا هم بايد نقل كرده شود ودر دو عبارت علامه شامي تعارض معلوم ميشود در الدر المختار مذكور است: وقيام الامام فى المحراب اى يكره لا سجوده فيه وقدماه خارجه الخ، درشامي مذكور است: والاصح ما روى عن ابى حنيفة رحمه الله انه قال اكره للامام ان يقوم بين ساريتين او زاوية او ناحية المسجد او الى سارية لانه بخلاف عمل الامة اهـ وفيه ايضا: ومقتضاه ان الامام لوترک المحراب وقام فى غيره يكره ولوكان قيامه وسط الصف لانه خلاف عن الامة، بناءا درآن هردو عبارت ظاهر تخالف معلوم ميشود فلهذا جواب آن شبه را تحرير فرمائيد؟

---

(۱) لان الصلوٰة فى الحرير مكروهة للرجال (شرح حموى على الاشباه والنظائر ج۱ ص۱۹۷). ظفير

جواب: دلیل کراهیت قیام نمودن در دروازه همان است که در مورد قیام در محراب بیان شده است بناء اگر قدمهایش خارج از در باشد درآن وقت کراهیت مرتفع میباشد همچنان درمیان هردو عبارات علامه شامي هیچ تعارض وجود ندارد زیرا اولین دلیل را چنین گفته است: ولو کان قیامه في وسط الصف، وسط صف جدا است ووسط مسجد نیز جدا است فلهذا مکروه ترک نمودن وسط مسجد است یعني بلا ضرورت اگر چه درمابین صف مقتدیان باشد واما دروازه چونکه محاذي محراب است لهذا آن وسط میباشد ودر مسجد اکثرا دوبخش میباشد یکي مسقف چت والا که اورا شتوي حصه زمستاني میگویند وغیر مسقف که آن را صیفي حصهٔ تابستاني گفته میشود یعني فرش بس وقتیکه نماز گذار درمسجد صیفي قیام نماید محراب ایشان دروازهٔ وسطي مسجد میباشد. فقط

دربیش روی نماز گذار اگر نماز میخواند آیا او ازپیش روی وی یکسو شده میتواند؟

سوال: (۱٦۱۸) دو نفر نماز خوانان پیش وپس ایستاده اند اول فارغ شد اکنون او بطرف راست یا چپ میخواهد برود آیا این رفتن او جائز است یانه؟

جواب: آن کسي که در پیش ایستاده بود وفارغ شد فورا بطرف راست یا چپ رفته میتواند این جائز است.

مسائل مسجد

مسدود نمودن دروازه مسجد چطور است؟ **سوال:** (۱٦۱۹) زید امام یک مسجد است او بعد از اداي نماز عشاء ساعت نه ۹ بجه دروازه مسجد را مسدود مینماید وپس ازآن هر نمازگذاري که بعد مسدود شدن دروازه مي آید زید برایش دروازه را باز نمیکند آیا در آن مورد حدیث است که بعد از مسدود شدن دروازه دوباره باز نشود؟

جواب: در در المختار مذکور است که مسدود نمودن دروازه مسجد مکروه است [۱] اما اگر خوف مفقود شدن ویا سرقت شدن اسباب مسجد احساس میشود در این صورت علاوه از اوقات نمازها مسدود نمودن دروازه درست است، ودر شامي است که این موضوع مفوض است براي

(۱) وکره غلق باب المسجد الاّ لخوف علٰی متاعه به یفتی (درمختار) قال فی البحر وانما کره لانه یشبه منع من الصلٰوة قال الله ﷻ: ومن اظلم ممن منع مساجدالله ان یذکرفیها اسمه الخ والتدبیر فی الغلق لاهل المحلة (رد المحتار قبیل باب الوتر والنوافل مطلب فی احکام المسجد ص٦۱٤ ، ط. س. ج۱ص٦٥٦). ظفیر

اهل قریه وهر وقتیکه آنها مناسب میدانند آنها دروازه مسجد را بند کرده میتوانند استثناء از خمس الاوقات که در آن نماز جماعت خوانده میشود ودر صورت متذکره که امام براي نماز گذاران دروازه را باز نمي نماید خلاف حکم شریعت است وبعد از مسدود نمودن دروازه ثانیا آن را باز نکردن اگر چه بخاطر ضرورت نماز گذاران باشد در جاي ثابت نیست.

درهمچو مسجد نماز درست است یا خیر؟ **سوال:** (۱٦۲۰) بعد از ملاحظه نمودن سوال ونقشه منسلکه مسجد تحریر فرمائید که درآن مسجد نماز صحیح است یانه؟

جواب: از ملاحظه نمودن نقشه معلوم شد که هیچ قبري در جانب قبله واقع نیست که در قبال نماز گذار قرار داشته باشد فلهذا درمسجد ذکر شده بلا کراهیت نماز درست است کذا في المنیة والشامي وغیره.[۱] فقط

در منزل دوم مسجد نماز چگونه است؟ **سوال:** (۱٦۲۱) نخست یک مسجد یک منزله بود سپس آن مسجد دو منزله دوچته طوري اعمار شده که یکي آن بنیاد سابقه شده ودر هر سه اطرافش آبادي افزایش نموده وبر سائر مسجد منزل دوم اعمارشد وصحن بالکل باقي نمایند واز راي بعضي علماء معلوم شده که در مسجد مسقف نماز خواندن مکروه است اگر در منزل سفلی نماز اداء شود شک نیست که در موسم گرما سخت تکلیف میباشد بناءا در همچو حالت درموسم گرما در منزل بالا نماز خواندن درست است یا نه؟

جواب: در شرح منیه مذکور است: وکل مایکره فی المسجد یکره فوقه ایضًا الخ، ودرشامي مذکور است: قوله الوطی فوقه ای الجماع خزائن اما الوطی فوقه بالقدم فغیر مکروه الا فی الکعبة بغیر عُذر لقولهم بکراهیة الصلٰوة فوقها ثم رایت القهستانی نقل عن المفید کراهة الصعود الی سطح المسجد اه ویلزمه کراهة الصلٰوة ایضًا فوقه فلیتامل.[۲] زبدۀ کلام آنست که از بعضي عبارات جواز نماز بربالا منزل مسجد معلوم میشوَد واز بعضي عبارات کراهیت معلوم میشود ودر صورت مسئول عنه نماز خواندن درمنزل فوقاني مکروه نیست بخاطر آنکه اولا در مورد کراهیت نمازبرمسقف مسجداختلاف است سپس منزل فوقاني رامصداق آن گفتن قابل تأمل است ودیگر

---

(۱) ولاباس بالصلٰوة اذا کان فیها موضع اعد للصلٰوة ولیس فیه قبر ولا نجاسة الخ ولا قبلة الی قبر (رد المحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳٥۳، ط. س. ج۱ ص۳۸۰). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص٦۱٤، ط. س. ج۱ ص٦٥٦. ظفیر

آنکه عذر ذکر شده موجود است [1]. فقط

اگر در جوارش دو مسجد باشند درکدام مسجد نماز اداء نماید؟ سوال: (۱٦۲۲) یک نفر درآن مسجد نماز میخواند که عنقریب (نزدیک) خانه اش است وهمچنان یک مسجد دیگر از خانهٔ وي در فاصله اندک قرار دارد بناء درکدام مسجد نماز اداء کند؟

جواب: در مسجد نزدیک نماز اداء نمودن بکار است زیرا مسجد قریب بر او حق دارد وهمچنان درآن ثواب مزید نیز است. (افضل المساجد مکة ثم المدینة ثم القدس ثم قبا ثم الأقدم ثم الأعظم ثم الأقرب الخ الدرالمختار علی هامش رد المحتار ج۱ ص ٦۱۷. ظفیر).

الباب الثامن في الوتر والنوافل

فصل اول

مسائل وتر

هر مقتدي که رکوع نکرد آیا نمازش درست نشده است؟ سوال: (۱٦۲۳) اگر امام رکعت سوم وتر را اداء نمود وبرکوع رفت ودعاي قنوت را نخواند ودرآخر سجدهٔ سهو کرد بناءا آن مقتدي که بسبب تاریکي یا بعلت ضعف نظر برکوع نرفت بلکه بسجده رفت آیا نماز این مقتدي درست شده است یا نه؟

جواب: نماز آن مقتدي درست نشده است کسي که رکوع را ترک نموده است [2] واگر بعد از اختتام ختم نماز امام وي رکوع میکرد وسپس سجدهٔ سهوه را اداء مي نمود در این صورت نمازش درست خواهد شد. فقط

دعای قنوت را فراموش کرد وقتیکه بیادش آمد آن را خوانده سجدهٔ سهوه نمود دراین مورد چه حکم است: سوال: (۱٦۲٤) بکر قنوت وتر را فراموش کرد وبرکوع رفت

---

(۱) حضرت مفتي علام در مورد نماز در منزل بالاي مسجد فیصله عدم کراهیت را نموده است که کاملا مطابق فقه است ومنزل دوم را سقف گفتن از نگاه اصطلاح هر گز درست نیست زیرا در اصطلاح سقف آن حصه را گفته میشود که بالای آن سقف دیگر نباشد ومانع بارش وآفتاب گردد ومنزل دوم تنها براي نماز ساخته شده باشد وبغرض سقف نباشد بناءا به هیچ نوع در حکم سقف نیست آن عده مردم که تا اکنون در منزل دوم وسوم نماز را مکروه نوشته اند بنزد بنده عاجز درست نیست، البته بهتر آنست که جماعت در منزل اول شود ودر صورت ضرورت در منزل دوم وسوم اراده کردن بکار است والله اعلم. ظفیر

(۲) ومن فرائضها التی لا تصح بدونها التحریمة الخ ومنها الرکوع بحیث لومّد یدیه نال رکبتیه (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص٤۱۱ وص٤۱٦ ، ط. س. ج۱ ص٤٤۲). ظفیر

هنگامیکه در رکوع بیادش آمد پس از بالا شدن از رکوع دعاي قنوت را خوانده سجدهٔ سهوه نمود ونماز را بپایان رساند آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: براي بکر بعد از بالا شدن از رکوع خواندن دعاي قنوت بکار نبود لکن اکنون وقتیکه سجدهٔ سهوه نمود بناءا نمازش درست شده است [1]. فقط

وتر را به نیت سنت ادا نمودن چه حکم است؟ **سوال:** (۱۶۲۵) بعد از اداء تراویح وقتیکه مردم براي وتر ایستاد میشدند ودرآن اثنا یک نفر بفراموشي نیت سنت را نموده وتر را اداء کرد لکن در وقت خواندن دعاي قنوت بیادش آمد که وتر واجب است آیا در این صورت وتر درست شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست شده است [2]

فرض را باجماعت اداء نکرده آیا وتر را باجماعت اداء نموده میتواند؟ **سوال:** (۱۶۲) در ماه رمضان زید نماز عشاء را با جماعت اداء نکرد آیا نامبرده وتر را با جماعت اداء نماید ویا تنها؟

جواب: در جماعت وتر شرکت ورزیده میتواند: کذا صرح به فی الطحطاوي وعلامه شامي بلا شک عدم جواز را نقل فرموده است لکن در عبارت طحطاوي تصریح جواز است وقانون همچنان تقاضاي جواز مي نماید بخاطر آنکه بزرگان ومشایخ واستادان مایان نیز قائل بشرکت نمودن در جماعت وتر میباشند زیرا در این مورد هیچ وجه عدم جواز نیست. [3] فقط

لفظ (مُلحقٌ) را بکسر وفتح حاء هر دو خوانده میتواند: **سوال:** (۱۶۲۷) در دعاي قنوت که لفظ (مُلْحِقٌ) مذکور است آیا حاء فتح دارد یا کسره؟

جواب: لفظ حاء ملحق را که دردعاي قنوت آمده است آن را مفتوح ومکسور هردو خوانده شده است وهردو جواز دارد با آنهم که کسره زیادتر مشهور میباشد در شامي مذکور است: قوله:

---

(۱) ولو نسیه ای القنوت ثم تذکره فی الرکوع لا یقنت فیه لفوات محله ولا یعود الی القیام فی الاصح لانه فیه رفض الفرض للواجب فان عاد الیه وقنت ولم یعد الرکوع لم تفسدصلٰوته لکون رکوعه بعد قراءة تامة وسجد للسهو قنت اولا لزواله عن محله (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۷، ط. س. ج۲ ص۹). ظفیر

(۲) ولا عبرة بنیة متاخرة عنها علی المذهب وجوزه الکرخی ای الرکوع وکفی مطلق نیة الصلٰوة وان لم یقل لله لنفل وسنة راتبة الخ (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة مطلب فی النیة ج۱ ص ۳۸۷ – ۳۸۸ ، ط. س. ج۱ ص۴۱۷). ظفیر

(۳) بقی الخ قضیة التعلیل فی المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان یصلی الوتر بجماعة في هذه الصورة لانه لیس بتبع التراویح ولا للعشاء عند الإمام (طحطاوي علی الدرالمختار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج۱ ص۲۹۷). ظفیر

وملحق بمعنی لاحق، مبتداء وخبر وهو بکسر الحاء هذا هو المـــشهور ونص غیر واحد علی انه الاصح ویقال بفتحها ذکره ابن قتیبه وغیره. ونص الجوهری علی انه صواب کذا فی الحلیة قلته بل فی القاموس الفتح احسن [1] الخ. فقط

در مورد سلسلۂ رفع الیدین در وتر یک غلط مشهور: سوال: (۱٦۲۸) نماز وتر ازکدام وقت واجب شده است، وجه رفع الیدین در رکعت ثالث چیست؟ بعضي میگویند که در شب معراج وقتیکه نبي اکرم ﷺ براي رکعت سوم قیام نمودند ایشان والدین گرامي خود را در تعذیب مشاهده نمودند ودر آن اثنا آنجناب رفع الیدین کردند آیا این درست است یا خیر؟

جواب: این واقعه هیچ اصل ندارد [2]. فقط

امام دعای قنوت را ختم کرد ورکوع نمود ومقتدي دعای قنوت راهنوز ختم نکرده است بناءا چه باید کرد؟ سوال: (۱٦۲۹) درنماز جماعت وتر امام دعاي قنوت راختم نمود وبرکوع رفت ومقتدي تا اکنون قنوت را ختم نکرده بود آیا مقتدي بغرض متابعت امام بغیر ختم دعاي وقنوت برکوع برود؟

جواب: اگر اندک باقي مانده باشد که با تکمیل نمودن آن با امام شرکت ورزیده میتواند پس ان را تکمیل نماید وبرکوع برود ور نه آن را ترک کند. [3] فقط

اگر در جماعت عشاء شریک نشد آیا وتر را باجماعت کرده میتواند؟ سوال: (۱٦۳۰) یک نفر نماز فرض عشاء را تنها اداء نمود، سائر تراویح را یا اکثرآن را با امام اداء کرد ویا قطعا تراویح را ترک نمود بناءا درهر سه صورت در جماعت وتر شرکت ورزیده میتواند یا نه؟ در اشتهار مدرسه دیوبند سنۂ (٤۲) است کسي که نماز جماعت عشاء را نخوانده باشد او با امام درجماعت وتر شرکت ورزیده میتواند وعلامه شامي در ردالمحتار میفرماید: إذا لم یصلي الفرض

---

(۱) رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲٤ ، ط. س. ج۲ ص۷. ظفیر

(۲) این صراحت بدسترس قرار ندارد که نماز وتر را آنحضرت ﷺ از کدام سال شروع نموده بود البته از حدیث آنقدر معلوم میشود که از آغاز آن را برابر یکسان اداء مي نمودند وبر آن تأکید میفرمودند که: الوتر حق فمن لم یوتر فلیس منا، ابو داود، ودر دعاي قنوت دست ها را بلند میکنند بخاطر آنکه از نبي اکرم ﷺ همچنان ثابت است وجه آن غالبا شاید آن باشد که قیام بر قرائت ختم میشود اکنون چونکه در حالت قیام نیز دعا خوانده میشود براي آن با رفع الیدین کردن اشاره است که قرائت یک چیز علیحده است ودعا نیز یک چیز جداگانه میباشد وسوال کننده حواله معراج را وانمود کرده است که هیچ اصل برایش نیست والله اعلم. ظفیر

(۳) المقتدی یتابع الامام فی القنوت فلو رکع الامام فی الوتر قبل ان یفرغ المقتدی من القنوت فانه یتابع الامام الخ (عالمکیری مصری فی صلاۃ الوتر ج۱ ص۱۰٤). ظفیر

معه لا يتبعه في الوتر، بناءا در هر دو تحريرات چگونه تطبيق خواهد شد؟

جواب: در هر سه صورت ها در نماز جماعت وتر شرکت نموده میتواند، ودر صورت عدم خواندن سائر تراويح يا بعضي تراويح با امام شرکت نمودن او در جماعت وتر از آن عبارت در در المختار هويدا ميباشد که درآن ذکرشده است: ولو لم يصلها اى التراويح بالامام أو صلاها مع غيره له ان يصلي الوتر معه الخ (۱). ودر صورت عدم خواندن فرض عشاء با جماعت تعليل جواز شرکت او در جماعت وتر از علامه طحطاوي معلوم ميشود: حيث قال في شرح قول صاحب الدرالمختار بقى لو تركها الكل هل يصلون الوتر بجماعة فليراجع (قوله فليراجع) قضية التعليل فى المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان يصلى الوتر بجماعة فى هٰذه الصورة لانه ليس تبع للتراويح ولا لعشاء عند الا مام انتهى. (۲) حلبي، طحطاوى. پس معلوم ميشود که کدام فرع را علامه شامي از قهستاني نقل نموده است: ثم نقل لكنه إذا لم يصلي الفرض معه لا يتبعه في الوتر (۳) اين ضعيف وصحيح نيست زيرا وتر نماز مستقل است نه تابع نماز عشاء است ونه تابع تراويح ميباشد ودر جواب راي علامه شامي که "فليراجع" گفته است نيز همان است که درآن صورت نيز عدم جواز جماعت وتر بکار است، ورأي علامه طحطاوي واضع مطابق قواعد آنست که درآن صورت نيز جماعت وتر جائز است واز عبارت آخرين شامي "لا كراهية" همچنان معلوم ميشود که مراد قهستاني از "لا يتبعه في الوتر" کراهيت است ودر اصل جواز اختلاف نيست، وظاهرا تعليل منقول عن العلامة الطحطاوي آنست که کراهيت همچنان نيست بخاطر آنکه وتر و عشاء هر يکي نمازهاي مستقل ميباشند. فقط

در مورد وتر مطلب يک عبارت: سوال: (۱٦۳۱) درالدر المختار باب الوتر والنوافل مذکور است: ويسن الدعاء المشهور ويصلي على النبي ﷺ وبه يفتى، فلهذا درمذهب حنفي چه بايد بگويد؟

جواب: مراد ازدعاي مشهور دعاي قنوت است: اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُکَ الخ ودعاي: اَللّٰهُمَّ اهْدِنِىْ فِيْمَنْ هَدَيْتَ الخ است ودرآخر دعاي ثاني: وصلى الله على النبى نيز است بناءا براي احناف نيز

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص٦٦۳ ، ط. س. ج۲ ص٤۸. ظفير

(۲) الطحطاوى على الدرالمختار مبحث فى التراويح ج۱ ص۲۹۷ . ظفير

(۳) رد المحتار مبحث فى التراويح ج۱ ص٦٦۳ ، ط. س. ج۲ ص٤۸. ظفير

آن هردو ادعیه را خواندن وجمع نمودن بهتر است اگر تنها: اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِیْنُکَ الخ را بخواند هم درست است [۱]. فقط

نیت وتر: سوال: (۱٦۳۲) حکم نیت وتر چیست زیرا در الدر المختار مذکور است: لذا ینوی الوتر لا الوتر الواجب کما فی العیدین للاختلاف، وشامي نیز آن را ترجیح داده است بعضی میگویند که اگر نیت واجب را نکند نماز جائز نیست؟

جواب: علامه شامي در این موقع چنین نگاشته اند: ای انه لا یلزمه تعیین الوجوب لا منعه من ذالک [۲] پس معلوم شد که نیت وجوب ممنوع نیست؟ واما حنفي در این مورد اعتقاد وجوب دارد لهذا بر وجوب نیت نمودن هیچ حرج نیست واگر مطلق نیت وتر را بکند بازهم درنماز هیچ خلل واقع اما عبارت در المختار محمول است بر توسیع یعني نیت مطلق وتر نیز درست است.

قنوت را ترک نموده برکوع رفتن: سوال: (۱٦۳۳) اگر از یک نفر در نماز وتر دعا فراموش شود وبرکوع برود سپس ازآن خودش ویا بیاد دهاني کسي از رکوع بالا شده ودعای قنوت را بخواند وثانیا رکوع کند ونماز خود را تکمیل نماید بناء در این صورت نماز او فاسد خواهد شد ویا با سجدهٔ سهوه نمودن نمازش کامل خواهد شد؟

جواب: نمازش صحیح است کذا في الدر المختار: فان عاد إلیه وقنت ولم یعد الرکوع.

در وتر قبل از رکوع رفع الیدین ودر حدیث ذکر دعاي قنوت: سوال: (۱٦۳٤) در منطقهٔ مایان یک چند نفر مذبذب غیر مقلدین اند که وتر را سه رکعت میخوانند لکن دعاي قنوت را بعد میخوانند ویکي در ایشان داراي علم اندک میباشد واو میگوید که اگر از حدیث آن را ثابت کند که رسول اکرم ﷺ قبل از رکوع تابه محاذات گوش ها رفع الیدین مي نمودند وبعد ازآن دعا قرائت مي نمودند پس ما براي قبول نمودن آن آماده میباشیم؟ بناءا از حدیث ثابت نیست بخاطر ثبوت آن سخن یک حدیث را شما تحریر فرمائید؟

---

(۱) قوله یسن الدعاء المشهور قدمنا فی بحث الواجبات التصریح بذلک عن النهر وذکر فی البحر عن الکرخی ان القنوت لیس فیه دعاء مؤقت لانه روی عن الصحابة ادعیة مختلفة ولان المؤقت من الدُعاء یذهب برقة القلب وذکر الإسبیجابي انه ظاهر الروایة وقال بعضهم المراد لیس فیه دعاء مؤقت ما سوی اللّٰهُمَّ انا نستعینک وقال بعضهم الافضل التوقیت ورجحه فی شرح المنیة تبرکا بالماثور آهـ (ردالمحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۳). ظفیر

(۲) رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۶ ، ط. س. ج۲ ص۶. ظفیر

جواب: اخرج ابو نعیم فی الحلیة عن عطاء بن مسلم حدثنا العلاء بن المسیب عن حبیب بن ابی ثابت عن ابن عباس قال اوتر النبی ﷺ بثلث قنت فیها قبل الرکوع، وعن ابن عمر ان النبی ﷺ کان اذا فرغ من القراءة کبر، وفی الذخیرة رفع یدیه حذاء اذنیه وهو مروی عن ابن مسعود وابن عمر وابن عباس وابی عبیدة واسحٰق وقد تقدم. کبیری شرح منیه [1]، از این عبارت فوق الذکر صراحة سه رکعت بودن وتر وخواندن قنوت قبل از رکوع واز حضرت عبد الله بن مسعود وعبد الله بن عمر وعبد الله بن عباس وغیره از اصحاب کبار رضی الله عنهم در وقت تکبیر خواندن دعای قنوت رفع الیدین ثابت شد وظاهر است که این عده صحابهٔ کرام فوق الذکر قنوت را قبل الرکوع وتکبیر را مع رفع الیدین با مشاهده نمودن از سول الله ﷺ آنها کرده اند فلهذا این حجت کافي است واگر مردم لامذهبان آن را قبول ندارند پس برای آنها بگو کدام مذهب که از عبد الله بن مسعود وعبد الله بن عمر وعبد الله بن عباس وغیره صحابهٔ کرام رضی الله عنهم بود بعینه همان مذهب ما نیز میباشد، بنا بر هر دلیلي که آنها رفع الیدین في تکبیر القنوت مي نمودند آن دلیل براي مایان نیز حجت است. فقط

وقتیکه وترا ختم نمود سبحان الملک القدوس را چه وقت بگوید: سوال: (۱۶۳۵) بعد از سلام گردانیدن وتر که سبحان الملک القدوس سه بار خواندن در حدیث وارد شده است آیا آن را بعد از سجده کردن بگوید یا در قعده وآیا این عند الاحناف جائز است یانه؟

جواب: آن کلمات را وقتي بخواند که سلام بگرداند وبنشیند وعند الاحناف جائز وهمچنان مستحب است. [2]

وقتیکه وتر را ختم نمود پس سبحان الملک القدوس را چه وقت بگوید؟ سوال: (۱۶۳۶) در رمضان المبارک در رکعت ثالث وتر شامل گردید بناءا آن رکعت که باقی است آیا درآن دعای قنوت خوانده میشود یانه؟

جواب: دعای قنوت باید خوانده شود. [3] فقط

---

(۱) غنیة المستملی باب الوتر ص۳۹۶ . ظفیر

(۲) عن ابی بن کعب قال کان رسول الله ﷺ اذا سلم فی الوتر قال سبحان الملک القدوس رواه ابوداؤد والنسائی وزاد ثلث مرات یطیل وفی روایة للنسائی عن عبدالرحمٰن بن ابزی عن ابیه قال کان یقول اذا سلم سبحان الملک القدوس ثلثا ویرفع صوته بالثالثة (مشکوٰة باب الوتر فصل ثانی ص ۱۱۲). ظفیر

(۳) ولها واجبات لا تفسد بترکها وتعاد وجوبا في العمد والسهو الخ وهي علی ما ذکره اربعة عشر: قراءة فاتحة الکتاب الخ اوقراءة قنوت =

سورة اخلاص بعوض دعای قنوت کافی خواهد شد یانه؟ سوال: (۱۶۳۷) در وتر سه مرتبه خواندن سورة اخلاص بجای دعا قنوت کافي خواهد شد یا خیر؟

جواب: در شامي آورده است: ومن لا یحسن القنوت یقول ربنا آتنا فی الدنیا حسنة الآیة. وقال ابو اللیث یقول اللّهم اغفر لی یکررهـا ثلاثا وقیل یقول یا ربّ ثلاثا ذکره فی الذخیرة الخ پس معلوم شد که قرائت سورة اخلاص بجای دعای قنوت منقول نیست [۱].

امام نماز وتر علاوه از امام نماز فرض شخص دیگر شده میتواند یانه؟ سوال: (۱۶۳۸) آیا امام وتر بغیر از امام نماز فرائض شخص دیگر شده میتواند یانه؟

امام نماز وتر علاوه ازامام نماز فرائض شخص دیگر شده میتواند.

بعد از دو رکعت وتر قعده بکند یانه؟ سوال: (۱۶۳۹) بعد از دو رکعت اداء نمودن وتر برای التحیات نشستن جائز است یانه؟

نشستن بکار است قسمیکه ازکتاب های فقه واحادیث ثابت است در الدر المختار مذکور است: وهو ثلث رکعات کالمغرب، قوله: کالمغرب افاد ان القعدة الاولی واجبة الخ شامی باب الوتر والنوافل [۲] واضح گردید که بعد از دو رکعت نشستن واجب است. فقط

دعای قنوت تنها در وتر منحصر است: سوال: (۱۶۴۰) علاوه از نماز وتر ونماز فجر درکدام یکی فرض دیگر نیز خواندن قنوت درست است یا نه؟ وهمچنان بعد از قنوت خواندن درود شریف چگونه است؟

جواب: بنزد احناف بغیر از نماز وتر در هیچ نماز دیگر خواندن دعای قنوت درست نیست واما در نماز فجر که آنحضرت ﷺ چند روز مسلسل دعای قنوت را خوانده است الآن منسوخ شده

= الوتر وهو مطلق الدعاء (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلاة ج۱ ص۴۲۴ ، ط. س. ج۱ ص۴۵۶) از این عبارت معلوم شدکه خواندن دعای قنوت ضروری است لکن مسبوق آن را چه وقت بگوید؟ در این مورد فقهاء مینویسند: واما المسبوق فیقنت مع امامه فقط ویصیر مدرکا بادراک رکوع الثالثة (درمختار) فیقنط مع امامه فقط لانه اخر صلاته وما یقضیه اولها حکما فی حق القرآءة وما اشبهها وهو القنوت واذا وقع قنوته فی موضعه بیقین لا یکرر ولان تکراره غیر مشروع، شرح المنیة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱) یعني اگر وی رکعت سوم را کاملا دریافت نموده باشد پس با امام قنوت بخواند وبعد ازآن ضرورت برای خواندن نیست، البته اگر در رکعت ثالث وقتی شریک شد که امام از خواندن دعای قنوت فارغ شده بود پس آن را بعدا بتعقیب بخواند. ظفیر

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۴ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۳ . ظفیر

است [۱]، البته اگر کدام حادثه عارض شود در آن صورت در نماز فجر خواندن دعای قنوت نیز درست است، وعلاوه از نماز فجر در نمازهای متباقی مختلف فیه است [۲] وهمچنان بعد از خواندن دعای قنوت خواندن درود شریف درست است. فقط

قعده وتر از آنحضرت ﷺ ثابت است: سوال: (۱٦٤۱) آیا قعده اول از نبي اکرم ﷺ واز صحابه کرام (رض) ثابت است؟

جواب: قعده اولی از آنحضرت ﷺ واز صحابه کرام (رض) ثابت است چنانچه در روایت نسائی شریف مذکور است: عن سعد بن هشام ان عائشة رضي الله عنها عنها حدثته ان رسول الله ﷺ کان لایسلم فی رکعتی الوتر، [۳] وهمچنان درصحیح مسلم شریف مذکور است: ویصلي تسع رکعات لا یجلس فیها إلا في الثانیة. [٤]

برای اداء نمودن وتر نیت یک رکعت است یا سه رکعات؟ سوال: (۱٦٤۲) بخاطر اداء کردن وتر نیت یک رکعت باید یا ازسه رکعات؟

جواب: درشریعت سه است ومذهب امام ابو حنیفة (رح) آنست که تنها یک رکعت کردن جائز نیست زیرا آنحضرت ﷺ از آن ممانعت فرموده اند [٥]. والله اعلم

در رکعت سوم شخصی شامل شدنی که قنوت را با امام خواند ودر رکوع آنکسی که شامل شدنی است وقنوت را نخوانده ایشان چه باید کرد؟ سوال: (۱٦٤۳) زید درآخرین رکعت وتر شامل شد وبا امام دعاي قنوت را خواند وبعد از اینکه دو رکعت متباقي را اداء مي نماید آیا درآن دعاي قنوت را بگوید یا نه؟ وصورت دیگر آنست که با امام در رکوع آخرین شامل شد وقنوت را نخواند آیا او در دو رکعت هاي متباقي دعاي قنوت را بگوید یانه؟

---

(۱) ویاتی الماموم بقنوت الوتر الخ لا الفجر لانه منسوخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲٦ ، ط. س. ج۲ ص۸). ظفیر

(۲) ولا یقنت لغیره الاّ لنازلة فیقنت الامام فی الجهریة وقیل فی الکل (درمختار) قوله لا یقنت لغیره ای غیرالوتر الخ قوله فیقنت الامام فی الجهریة الخ لکن فی الاشباه عن الغایة قنت فی صلاة الفجر الخ قال الحافظ ابوجعفر الطحاوی انما لا یقنت عندنا فی صلٰوة الفجر من غیر بلیة الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۳) نسائی شریف. ظفیر

(٤) مسلم ج۱ ص۲۲٦. ظفیر

(٥) وهو ای الوتر ثلاث رکعات کالمغرب حتی لو نسی القعود لایعود ولو عاد ینبغی الفساد (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲۲ ، ط. س. ج۲ ص٥). ظفیر

جواب: درصورت اول ثانیا دعاي قنوت را نگوید: واما المسبوق قنت مع امامه [1]. واما در صورت دوم در رکعت آخري دعاي قنوت را بخواند.

در نیت وتر گفتن واجب اللیل چگونه است؟ سوال: (۱٦٤٤) در نیت وتر ذکر واجب اللیل چگونه است؟

جواب: درنیت وتر چنین گفتن بکار است که: نیت کردم نماز وتر را اداء کنم، واگرلفظ واجب اللیل نیز ذکر نمود درآن کدام حرج نیست. [2]

ترک نمودن نصف سورت چگونه است؟ سوال: (۱٦٤٥) در رکعت اول وتر (إِذَا زُلْزِلَتِ) را قرائت نمود ودر رکعت ثاني نصف سورت والعادیات را قرائت کرد ودر رکعت سوم القارعة راخواند آیا دروتر نقصان وارد شده یانه؟

جواب: همچو کردن ناپسند است وسورت کامل را در هر یک رکعت خواندن بهتر وافضل است، لکن نماز وتر در آن صورت نیز صحیح است. [3] فقط

در وتربه فراموشی قبل از دعا رکوع نمودن: سوال: (۱٦٤٦) (۱) امام در نماز وتر رفع الید ین وخواندن دعاي قنوت را فراموش کرد وبرکوع رفت وقتیکه فورا برایش یاد شد واپس قیام نمود بعد از آن رفع الیدین کرد ودعاي قنوت راخوانده سجده سهوه نموده ازنماز فارغ شد آیا نماز درست شده است یانه؟

یاد دهانی مقتدی برای امام چگونه است؟ سوال: (۱٦٤٧) (۲) اگر مقتدی براي امام واپس آمدن را برایش بیاد نمود وامام قبول کرد واپس شد ورفع الیدین کرد ودعاي قنوت را خوانده سجدۀ سهوه نمودن ونماز رابه انجام رساند آیا درنماز مقتدي فساد واقع نشده است؟

اگر امام بعد از اداء نمودن یک سجده، سجدۀ دیگر فراموش شود: سوال: (۱٦٤٨) (۳) امام بعد از اداء نمودن یک رکعت یک سجده را کرده وبراي خواندن التحیات نشست بناءا مقتدي بکدام طریقه سجده ثاني رابراي امام یاد دهاني کند اگرمقتدي الله اکبر یاسبحان الله بگوید

(۱) الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الوتر ج۱ ص٦٢٨ . ظفیر

(۲) وکفی مطلق نیة الصلاة وان لم یقل لـ لله لنفل وسنة راتبة وتراویح الخ ولابد من التعیین عند النیّه الخ لفرض الخ وواجب انه وتر (درمختار) اشار الی انه لاینوی فیه انه واجب للاختلاف فیه زیلعی ای لا یلزمه تعیین الوجوب ولیس المراد منعه من ان ینوی وجوبه لانه الکان حنفیا ینبغی ان ینویه لیطابق اعتقاده الخ (ردالمحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص۳۸۹ ، ط. س. ج۱ ص٤١٧). ظفیر

(۳) مع انهم صرحوا بان الافضل فی کل رکعة الفاتحة وسورة تامة (ردالمحتار فصل فی القراءة ج۱ ص٥٠٥ ، ط. س. ج۱ ٥٤١). ظفیر

ممکن است امام قیام نماید؟

جواب: (۱) نماز صحیح شده است: فان عاد وقنت ولم یعد الرکوع لم تفسد صلاته وسجد للسهو [1] الخ، الدر المختار.

جواب: (۲) هیچ فسادي نیامده است. [2]

جواب: (۳) مطلب یاد دهاني آنست که با گفتن سبحان الله وغیره براي آگاهي داده میشود که در نماز کدام زیادت ونقصان واقع شده است سپس ازآن امام بر آن تفکر مي نماید وبراي خود بیاد مي آورد که کدام عمل ترک شده است نه آنکه بعینه آن عمل براي او رهنمائي شود که از پیش وي فوت گردیده است فلهذا بخاطر تنبیه گفتن سبحان الله کافي است ودرآن اثنا اگر برایش بیاد شد فبها ور نه بعد از اداي نماز با آوردن علم برآن عمل ترک شده نماز اعاده گردد. فقط

وقتیکه دعای قنوت را یاد داشته باشد آیا دعای دیگر را خوانده میتواند یانه؟ سوال: (۱۶۴۹) اگر دعاي قنوت را یاد داشته باشد آیا دعای دیگر را مثلا رَبَّنَا آتِنَا الخ را خوانده میتواند یانه؟

جواب: وقتیکه دعای قنوت بیادش باشد ربنا آتنا وغیره أدعیه را خوانده نمیتواند بلکه تنها دعای قنوت خواندن بکار است.

دعای قنوت از حدیث ثابت است یانه؟ سوال: (۱۶۵۰) آیا یک نفر میگوید که دعای قنوت از حدیث ثابت نیست ورسول اکرم ﷺ دروتر دعای قنوت را نخوانده است، آیا این درست است یا نه؟

جواب: آن سخن این نفر غلط است ودعای قنوت مروجه از حدیث ثابت است ودر وتر خواندن دعای قنوت در احادیث مبارکه وارد است. [3]

چه وجه است که قبل ازدعای قنوت رفع الیدین میشود؟ سوال: (۱۶۵۱) وقتیکه درنماز وتر دعاي قنوت را میگویند بناءا با گفتن تکبیر وجه بلند نمودن دست ها چیست؟

---

(۱) الدرالمختار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۷ ، ط. س. ج۲ ص۹. ظفیر

(۲) بخلاف فتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقًا لفاتح وأخذ بکل حال (الدرالمختار باب مایفسد الصلوٰة الخ ج۱ ص۵۸۲). ظفیر

(۳) وقنت فیه ویسن الدعاء المشهور ویصلی علی النبی ﷺ به یفتی (درمختار) ومنه ما اخرجه الاربعة وحسنه الترمذی انه علیه الصلوٰة والسلام کان یقول فی أخر وتره اللّهم إنّی اعوذ برضاک الخ (رد المحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۳ ، ط. س. ج۲ ص۶). ظفیر

جواب: دررکعت سوم وتر با گفتن تکبیر وجه رفع الیدین آنست که در مصنف أبي بکر ابن ابي شیبة همانطور وارد است؟ باب تکبیر القنوت ورفع الیدین، حدثنا عبد السلام بن حرب عن لیث عن عبدالرحمٰن ابن الاسود عن ابیه ان عبد الرحمٰن بن مسعود رضی الله عنه کان اذا فرغ من القراء کبر ثم قنت فاذا فرغ من القنوت کبر ثم رکع ومثله عن البراء حدثنا عبدالرحمٰن بن محمد المحاربی عن لیث عن الاسود عن ابیه عبدالله انه کان یرفع یدیه اذا قنت فی الوتر. مصنف ابی بکر بن شیبه.

در وقت اداء وتر را لفظ واجب گفتن چگونه است؟ **سوال:** (۱۶۵۲) دروقت اداء نمودن نماز وتر، وتر واجب گفتن بکار است یانه؟ حالانکه برخي از مولوي صاحبان ازآن ممانعت مي نمایند ومیگویند که واجب گفتن بکار نیست؟

جواب: وتر واجب گفتن بکار است زیرا وتر بنزد امام اعظم صاحب واجب است فلهذا در وقت اداء نمودن وتر درگفتن واجب کدام حرج نیست واگر گفته نشود بازهم وتر واجب اداء خواهد شد. (۱)

دردعای قنوت (ملحق) را بکسرهٔ حاء خواندن: **سوال:** (۱۶۵۳) دردعای قنوت لفظ (ملحق) را بکسره خواندن بهتر است یا بفتحه؟

جواب: ملحق را بکسرهٔ حاء خواندن اکثر وبهتر است وبفتحه حاء خواندن آن نیز درست است. (۲)

ثبوت رفع الیدین قبل از دعای قنوت؟ **سوال:** (۱۶۵۴) رفع یدین قبل قنوت در رکعت ثالثه وتر از کجا آمد وسببش چیست؟

جواب: از حدیث: لا ترفعوا الایدی الا في سبع مواطن (۳) الخ، رفع یدین بوقت خواندن دعای

---

(۱) وکفی مطلق النیة لنفل وسنة راتبة وتراویح الخ ولابد من التعین عند النیة الخ لفرض الخ واجب انه وتر (در مختار) اشار الی انه لا ینوی فیه انه واجب للاختلاف فیه، زیلعی، ای لا یلزمه تعیین الواجب ولیس المراد منعه من ان ینوی وجوبه لانه ان کان حنفیا ینبغی ان ینویه لیطابق اعتقاده وان کان غیره لا تضره تلک، ذکره فی البحر فی باب الوتر (ردالمحتار . باب شروط الصلٰوة بحث النیة ج۱ ص ۳۸۸ – ۳۸۹ ، ط. س. ج۱ ص۴۱۷). ظفیر

(۲) وصح الملحق بالکسر بمعنی الحق، فملحق بمعنی لاحق (درالمختار) ای انه من الحق المزید بمعنی لحق المجرد فی الشرنبلالیة ان المطرزی صح ان المراد ملحق الفساق بالکفار والاول اولی الخ (ردالمحتار باب الوتر الخ ج۱ ص۶۲۴ ، ط. س. ج۲ ص۷). ظفیر

(۳) ولا یسن مؤکدا رفع یدیه الا فی سبع مواطن کما ورد بناء علی ان الصفا والمروة واحد نظرا للسعی. ثلاثة فی الصلاة تکبیر افتتاح وقنوت وعید (در المختار) والوارد هوقوله ﷺ لا ترفع الایدی الاّ فی سبع مواطن تکبیرة الا فتتاح وتکبیرة القنوت الخ (رد المحتار باب صفة الصلٰوة ج۱ ص۴۷۳ ، ط. س. ج۱ ۵۰۷). ظفیر

قنوت ثابت است وتحقیق آن در کتب فقه وحدیث مذکور است. [۱] فقط

حکم آن کسی که بعد ازوتر سبحان الملک القدوس را وهمچنان آن کسی که در وقت رفتن به نماز عید قربان جهرا تکبیر نگوید: سوال: (۱۶۵۵) یک نفر بعد از وتر سه دفعه سبحان الملک القدوس را جهرا نمیگوید، همچنان در حین رفتن به نماز عید اضحٰی در راه جهرا تکبیر نمیگویند، آیا آنکس متبع سنت است یانه؟

جواب: بعد از اداء نمودن وتر به آواز بلند سه مرتبه خواندن سبحان الملک القدوس، مستحب است ودر بعضي روايات دردفعه سوم بلند نمودن آواز آمده است بناءا از آن روايت خواندن سبحان الملک القدوس در مرتبۂ سوم جهرا ثابت میشود، بهر حال همچو عمل کردن مستحب وبهتر است وبر تارک آن طعن ونکوهش نمودن بکار نیست زیرا اگر کسی عمل مستحب را نمیکند بر او هیچ طعن نیست البته تقاضای اتباع سنت آنست قسمیکه رسول اکرم ﷺ عمل کرده اند همانطور باید کرد یعني خواه هرسه باریکبار است. در آخر: سبحان الملک القدوس، را بعد از وتر جهرا بگوید وهمچنان در عید اضحی در طریق عیدگاه به آواز بلند تکبیر گفتن مشروع ومسنون است وترک نمودن آن نیز خلاف سنت است. [۲] فقط

اگر دعای قنوت را یاد نداشته باشد چه بخواند؟ سوال: (۱۶۵۶) آن کسي که دعاي قنوت را یاد ندارد آیا او را بجاي دعاي قنوت خواندن سورۂ اخلاص جائز است یا نه؟ وآیا نماز درست خواهد شد یا خیر؟

جواب: در شامي مذکور است: کسي که دعاي قنوت را یاد نداشته باشد او این دعارا بخواند: اللّٰهم رَبَّنَا آتنَا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً، الاية. وفقيه أبو الليث ميفرمايد كه: اللهم اغفر لي، را سه مرتبه بگوید وبعضي علماء گفته اند که سه بار یا رب بگوید كذا في الذخيرة. شامي [۳]. وچونکه این محل دعاء است فلهذا سورت اخلاص قائم مقام دعاي قنوت نخواهد شد اما نمازش درست میشود.

---

(۱) ایضا. ظفیر

(۲) وقالا الجهر به سنة كالاضحى الخ ويكبر جهرا اتفاقًا فى الطريق قيل وفى المصلى وعليه عمل الناس اليوم لا فى البيت (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتارباب العيدين ج۱ ص۷۷۸ وص۷۸٤ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۰). ظفير

(۳) ومن لا يحسن القنوت يقول ربنا أتنا فى الدنيا حسنة الآية وقال ابو الليث يقول اللهم اغفرلى يكررها ثلثا وقيل يقول ياربّ ثلاثا ذكره فى الذخيرة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٢٤، ط.س. ج۲ ص۷). ظفير

تهجد گذار با فرائض وتر را اداء نموده میتواند یا نه؟ **سوال:** (۱٦٥٧) هر نمازخوان که تهجد گذار است آنان ذر وقت اداء نمودن تهجد وتر را نیز میخوانند اگر قبلا در وقت عشاء وتر را اداء کنند آیا درآن کدام حرج است یا نه؟ اکثر مردم میگویند که بعد از وتر تا به فجر هیچ نماز درست نمیشود؟

جواب: در امن صورت کدام حرج نیست که آن عده مردم که تهجد گذاراند وبعد از نماز عشاء نماز وتر را نیز اداء کنند بلکه این احوط است سپس ازآن اگر قیام ورزید تهجد را اداء کند واین سخن غلط است که بعد از وتر نوافل را نباید کرد. (۱)

برای دعای قنوت تکبیر ورفع یدین: **سوال:** (۱٦٥٨) رفع الیدین مع التکبیر عند القنوت سنت است یانه؟

جواب: در شرح منیة علامه حلبي در وقت قنوت در مورد تکبیر ورفع الیدین احادیث وآثار نقل فرموده است که ازآنها سنت آن ثابت میگردد من شاء التفصیل فلیراجع إلیه (۲). فقط

بغیر از دعا برکوع رفت وبعد از یاد دهانی دعا را خواند ودوباره رکوع نمود این چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱٦٥٩) امام در رکعت سوم وتر سهوا دعاي قنوت را ترک نمود وبرکوع رفت وبا گفتن الله اکبر مقتدي امام قیام نمود ودعاي قنوت را خوانده ودوباره رکوع کرد ودر اخر نماز سجده سهوه کرد آیا وتر درست شده است یانه؟

جواب: در این صورت با کردن سجده سهوه نماز درست شده است در الدر المختار مذکور است: فان عاد الیه وقنت ولم یعد الرکوع لم تفسد صلوته الخ وسجد للسهو(۳) الخ. فقط

جواز سه رکعات وتر با یک سلام ودر رمضان مع الجماعت: **سوال:** (۱٦٦٠) زید میگوید

---

(۱) وتاخیر الوتر الی أخر اللیل لو اثق بالانتباة والاّ فقبل النوم فان افاق وصلی نوافل والحال انه صلی الوتر اول اللیل فانه الافضل (درمختار) ای اذا اوتر قبل النوم ثم استیقظ یصلی ماکتب له ولا کراهة فیه بل هو مندوب ولا یعید الوتر الخ (ردالمحتار، کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳٤۲ ، ط. س. ج۱ ص۳۹۹). ظفیرالدین غفرله

(۲) ثم اذا اراد القنوت کبّر ورفع یدیه عندنا الخ قال احمد اذا قنت قبل الرکوع کبر قال ابن قدامه فی المغنی وقد روی ابن عمر انه کان اذا فرغ من القراءة کبّر وفي الذخیرة رفع یدیه حذاء اذنیه وهو مروی عن ابن مسعود وابن عُمر وابن عبّاس وابی عبیدة والحق وقد تقدم (غنیة المستملی ص ۳۹۷) در واجبات نماز مذکور است: وقراءة قنوت الوتر الخ وکذا تکبیر قنوته (درمختار) ای الوتر الخ وجزم الزیلعی بوجوب السجود بترکه وینبغی ترجیح عدم الوجوب لانه الاصل ولادلیل علیه (ردالمحتارباب صفة الصلٰوة واجبات الصلٰوة ج۱ ص٤۳۷، ط.س. ج۱ ص٤٧۱). ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲٧. ظفیر

که بعد ازنماز عشاء سه رکعت وتر را با یک سلام اداء نمودن هیچ چیزي نیست، وبا جماعت اداء کردن آن در شرع شریف هیچ اصل ندارد وبر منکر وتارک وتر عند الله هیچ مؤاخذه نیست؟

جواب: قول زید غلط ونا درست است زیرا اداء نمودن سه رکعت وتر با یک سلام با احادیث صحیح ثابت است وبا جماعت اداء نمودن در رمضان المبارک مستحب وافضل است در شامي مذکور است: رجح الکمال الجماعة بانه ﷺ کان اوتوا بهم ثم بین العذر فی تاخره مثل ماصنع فی التراویح فالوتر کالتراویح فکما أن الجماعة فیها سنة فکذالک الوتر (۱) الخ، بناء بینگرید درآن عبارت چقدر بوضاحت سنت بودن جماعت وتر را بابت فرموده است، فویل للمنکر. فقط

هر شخصیکه نماز عشاء را با جماعت اداء نکند آیا او امام نماز وتر شده میتواند؟

سوال: (۱۶۶۱) هر کسي که نماز فرض عشاء را با جماعت اداء نکرده باشد او با امام در وتر شریک شده میتواند یا نه؟ روایات فقهي در مورد آن مسأله متعارض است در بعض عدم جواز مصرح است: وان وجدهم فی الوتر وهو لم یصل العشاء فصلی الوتر معهم لایجوز وتره فی قولهم قاضی خان ص۱۱۳، لکنه اذا لم یصل الفرض معه لا یتبعه فی الوتر کما فی المنیه جامع الرموز ص۹۷ ، لکن فی التتارخانیة من التتمة انه سئل علی بن احمد عمن صلی الفرض والتراویح وحده او التراویح وحده او التراویح فقط هل یصلی الوتر مع الامام فقال لا ثم رایت القهستانی ذکر تصحیح ما ذکره المصنف رح، ثم قال لکنه اذا لم یصل الفرض معه لایتبعه فی الوتر، ردالمحتار، اوپه بعضو روایاتوکی جواز لیکل سوی دی. واذا لم یصل الفرض مع الامام قیل لا یتبعه فی التراویح ولا فی الوتر وکذا اذا لم یصل معه التراویح لا یتبعه فی الوتر والصحیح انه یجوز ان یتبعه فی ذالک کله. صغیری شرح منیة المصلی ص ۲۱۰. اکنون در یافت ومعلوم نمودن آن مطلب بکار است که عند الاحناف کدام روایت راجح است وعلت ترجیح آن چیست واگر در آن روایات تطبیق ممکن باشد پسی بنا بر کدام طریقه؟ وبراي حصول ثراب جماعت ترجیح روایت جواز معلوم میشود وجماعت وتر تابع جماعت تراویح میباشد یا تابع جماعت عشاء، بناءا بر شق اول ترک جماعت عشاء ظاهرا عدم اداء نمودن وتر با امام کدام وجه وجیه ندارد واما بنا بر شق ثاني خصوصیت رمضان لغو گردید، ودر غیر رمضان نیز اداء نمودن وتر با جماعت بکار است.

---

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوفل قبیل باب ادراک الفریضة ج۱ ص٦٦٤ . ظفیر

جواب: صحیح وراجح روایت صغیري معلوم میشود واز تحقیق طحطاوي نیز همان ظاهر میشود، قوله لبقی الخ قضیة التعلیل فی المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان یصلی الوتر بجماعة فی هٰذه الصورة لانه لیس یتبع للتراویح ولا للعشاء عند الامام رحمه الله طحطاوی [1]، وشاید که روایت جواز مبني بر مذهب صاحبین باشد که ایشان وتر را تابع نماز عشاه میفرمایند بخلاف قول امام اعظم (رح) که بنزد حضرت امام وتر تابع نماز عشاء نیست بناءا بر قول امام صاب جواز ظاهر است. فقط

در وتر برای مسبوق با امام خواندن دعا کافی است: **سوال:** (۱۶۶۲) در رمضان المبارک وقتیکه وتر با جماعت ادا میشود اگر کدام شخص در رکعت سوم وتر شامل شود آیا این شخص دعاي قنوت را با امام بگوید یا درآن رکعت که از وي باقي مانده است درآن دعاي قنوت را بخواند وکدام وقتیکه امام براي دعاي قنوت رفع الیدین میکند آیا او درآن وقت دعاي قنوت را بخواند ویا چیزي دیگر را بگوید؟

جواب: مسبوق تنها با امام دعاي قنوت را بخواند وبعد ازآن درآخر رکعت قضا شده دعاي قنوت را نگوید: واما المسبوق فیقنت مع امامه، درمختار . ([2]) فقط

وتر واجب است دلائل مخالف وموافق: **سوال:** (۱۶۶۳) وتر واجب است یا سنت؟

جواب: (از جاي دیگر) وتر واجب نیست بلکه سنت میباشد چنانچه در ترمذي ونسائي شریف مذکور است: عن علی بن ابی طالب قال لیس الوتر بحتم کهیئة المکتوبة ولکن سنة سننها رسول الله ﷺ رواه الترمذی والنسائی وحسنه الحاکم. ودر سبل السلام شرح بلوغ المرام است: ذهب الجمهور الی انه لیس بواجب. ودرابن ماجه مذکور است: ان الوتر لیس بحتم ولا کصلٰوتکم المکتوبة، در تفسیر خازن مذکور است: عن عائشه رضی الله عنها ان النبی ﷺ قال ثلاث هن علی فریضة وهن سنة لکم الوتر والسواک وقیام اللیل. غرض آنست که از آن احادیث صحیح همان ثابت میشود که وتر واجب نیست وهمین مذهب امام أبو یوسف وامام محمد رحمهما الله است که ایشان از جمله شاگردان بزرگ امام ابو حنیفة به شمار میروند وهمچنان مذهب اکثر سلف (رح) نیز همین است وبر خلاف آنها مذهب امام ابوحنیفة قوي شده نمیتواند زیرا جائیکه حدي

(۱) طحطاوی علی الدرالمختار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج۱ ص۲۹۷ . ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل قبیل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص ۶۲۸. ظفیر

صحيح باشد وبر خلاف آن بر يک مذهب عمل نمودن سراسر تخطي ومحض تعصب است واما جواب دهنده كه بر حديث عقبة بن عامر استدلال وجوب نموده است قطعا غلط است زيرا در ان حديث ذكر وجوب نميباشد وتنها از حديث مذكور فضيلت ثابت ميشود نه وجوب اگر از حديث فضيلت وجوب ثابت شود پس در مورد سنت فجر آنحضرت ﷺ فرموده اند: ركعتا الفجر خير من الدنيا وما فيها، رواه مسلم. فلهذا آن را نيز واجب گفتن بكار است حالانكه هيچكس بر آن حكم واجب ننموده است بناءا واضح گرديد كه همچو احاديث تنها براي فضائل است نه براي وجوب وثابت نمودن وجوب با همچو احاديث دلالت مي نمايد بر قلت وضعف فهم انسان ودر أبوداود مذكور است: ان رجلاً من بنی كنانة سمع رجلاً بالشام يدعى ابا محمد يقول ان الوتر واجب قال المخدمی خرجت الى عبادة بن الصامت فاخبرته فقال عبادة كذب أبو محمد سمعت رسول الله ﷺ يقول خمس صلٰوت كتبهن الله على العباد، مختصراً. واين معنى ازحديث دوم مجيب كه: الوتر واجب على كل مسلم، چنان نيست كه وتر واجب است زيرا واجب بمعنى ثابت ميباشد وحديث دوم براي تائيد آن در باب الغسل المسنون موجود است كه ميفرمايد: غسل يوم الجمعة واجب على كل محتلم. وهر جائيكه واجب بمعنى واجب باشد پس حديث غسل را نيز بمعنى خود حمل نمودن بكار است حالانكه هيچ يک از شارحين حديث معنى آن حديث را بوجوب نكرده است بلكه هر واحد ايشان معنى واجب نيست وبنزد سائر علماء مسنون ميباشد حتى كه نزد احناف نيز سنت است وهمچنان معنى حديث الوتر واجب بمعنى ثابت گرديد نه واجب وقتيكه معنى واجب درست نشد پس از آن استدلال نمودن نيز غلط گرديد وخود بخود مسنون شدن وتر ثابت قسميكه درسبل السلام است: والايجاب قد يطلق على المسنون تاكيداً كما ذكر فی حديث غُسل الجُمعة، وبراي طالب حق آنقدر كافي است ورنه دلائل زياد است اگر تحرير شود حيثيت يک كتاب مستقل را خواهد گرفت ومفتي صاحب كه كدام حديث تنها در مورد ممانعت يک وتر بيش نموده است آن حديث بالكل ضعيف است ونه در صحاح ستة موجود است واحاديث ستة كه آنها صحيح وبنزد همه مسلم است مقابله آنها را كرده نميتواند زيرا وقتيكه حديث صحيح موجود باشد در آن وقت آن حديث قابل استدلال ميباشد چنانچه در نسائي شريف مذكور است: عن ابن عمر ان النبی ﷺ قال الوتر ركعة من آخر الليل، ودرأبو داود شريف مذكور است: عن ابن ايوب الانصاری قال قال رسول الله ﷺ الوتر حق على كل مسلم

فمن احب ان یوتر فلیفعل ومن احب ان یوتر بثلاث فلیفعل ومن احب ان یوتر بواحدة فلیفعل، از این حدیث فوق الذکر استنباط تردید مذهب آن عده مردم وانمود شد که آنها جزما حکم سه رکعات وتر را میدهند میگویند وقتیکه رسول الله ﷺ اجازه هرنوع عام فرموده اند بناء تحدید درآنجا ازکجا استخراج گردید وقطعا شریعت مطهره عام را محدود نمودن چگونه ناداني است وقتیکه رسول اکرم ﷺ که ما متبعین آنجناب هستیم ایشان اجازه یک وتر وسه وتر واداء نمودن پنج وتر رخصت مرحمت فرموده است بناء سخنان دیگران چگونه تسلیم کرده شود بلکه این رخصت را محدود نمودن محض تعصب وپابندي مذهبي است زیرا قسمیکه رسول مقبول ﷺ رخصت فرموده اند همانطور چرا فتوی داده نشود خواه کسي یک رکعت میکند خواه سه ویا پنج، ودر ابن ماجه مذکور است: سأل ابن عمر رجلاً کیف اوتر قال اوتر بواحدة قال انی اخشي ان یقول الناس البتیراء فقال سنة الله ورسوله یرید هذه سنة الله ورسوله، بنگرید در این حدیث بیان واضح وروشن است که آن اشخص سائل بر یک وتر کردن بر ابن عمر اعتراض نمود لیکن حضرت ابن عمر سخن آنکس را نپذیرفت بلکه چنان گفت که سخن تو صحیح نیست یک وتر کردن سنت آنحضرت ﷺ است پس ما چگونه گفته میتوانیم که از سه بیش وکم جائز نیست ودرفتح الباري شرح بخاري است: وصح عن جماعة من الصحابة انهم اوتر بواحدة من غیر تقدم نفل قبلها وفی کتاب محمد بن نصیر وغیره باسناد صحیح عن السائب بن یزید ان عثمان قرأ القرآن لیلة فی رکعة لم یصل غیرها وفی المغازی ان سعداً اوتر برکعة وفی المناقب عن معاویة انه اوتربرکعة وان ابن عباس استصوبه، ازسائر این احادیث وأقوال نیز ثابت میشود که در آن هر نوع رخصت است ودیگر أدله بسیار زیاد است لیکن سبب عدم گنجایش دراینجا گنجانیده نمیشود وهمانقدر کافي پندارید وفرمانبردار رسول مقبول ﷺ شوید بخاطر آنکه فرمانبرداري انجناب ﷺ نجات است ومفتي صاحب که بخاطر ثبوت التحیات در میانه که کدام حدیث را پیش نموده است ازآن هرگز ثبوت التحیات ممکن نیست زیرا درآن تنها آنقدر ذکر است که مانند نماز مغرب است ودرآن هیچ ذکر از التحیات نیست ومماثلت تامه مراد نیست چنانچه یک نفر بگوید زید مانند اسد است اکنون ازآن جمله این سخن ثابت نمیشود که زید واقعا اسد (شیر) باشد بلکه تنها مراد آن است که شجاعت زید مانند اسد است وهمانطور درآن حدیث نیز آن سخن ذکر است که وتر مانند نماز مغرب است یعني در شمار رکعت مانند

نماز مغرب میباشد اگر آن را مماثلت تامه مي پندارید درآن صورت وتر نیز همچو نماز مغرب فرض عین باید پنداشته شود حالانکه وتر را هیچ کس قائل بفرض عین نیست بس ازآن تحقیق معلوم شد که در اینجا مماثلت تامه مراد نیست ودیگر آنکه درآن ذکر است که نماز مغرب وتر روز است واین وتر شب میباشد وازآن نیز ثابت شد که مماثلت تنها دروتر بودن است ومماثلت کلي مراد نیست، اکنون مایان بفضل خداوند ﷻ احادیث صحیح را از صحاح سته وغیره پیش مي نمائیم که درآن ألفاظ صریح است که در میان التحیات خواندن بکار نیست: عن ابی هریرة مرفوعًا وموقوفًا لا توتروا بثلاث تشبهوا بصلٰوة المغرب وقد صححه الحاکم، ونیز حدیث دوم از عائشة رض: انه کان رسول الله ﷺ یوتر بثلاث لا یقعد الا فی آخرهن، وروی النسائی من حدیث ابی بن کعب نحوه: ولفظه یوتر بسبح اسم ربک الاعلی وقل یا أیها الکافرون وقل هو الله احد ولا یسلم الا فی آخرهن، بناء ألفاظ صریح این احادیث است که آنحضرت ﷺ در میان براي التحیات نشست نمي نمودند وحدیث که دران احتمال باشد چگونه مقابله همچو حدیث راخواهد کرد اصلا درحقیقت دو صورت اداء نمودن وتر است یکي آنکه ذکر شد که بغیر از التحیات درآخر سلام گردانیدن وصورت دوم آنست که دو رکعت بخواند وسلام بگرداند ویک رکعت علیحده اداء کند واین صورت بسیار بهتر است واین را اکثر مردم پسند نموده اند ومفتي صاحب که در بابت قنوت کدام تحریر را فرموده اند که بعد از رکوع قنوت خواندن مکروه است وپانزده روز متواتر آنحضرت ﷺ بر یک قوم لعنت فرموده بودند ودران ذکر لفظ قبل وبعد نیست؟ معلوم نیست که جناب مولوي صاحب در وقت صادر نمودن فتوی صم وبکم بوده فتوی را تحریر نموده است زیرا در حدیث صریح لفظ بعد ذکر شده است واما جناب مفتي نفي هر دو لفظ قبل وبعد را تحریر فرموده است. وحدیث متفق علیه تحریر است: عن ابی هریرة ان رسول الله ﷺ اذا اراد ان یدعو علٰی احد او یدعو لاحد قنت بعد الرکوع، الحدیث، در ابن ماجه مذکور است: عن محمد قال سالت انس بن مالک عن القنوت فقال قنت رسول الله بعد الرکوع، عون المعبود، وقد روی محمد بن نصر عن انس ان رسول الله ﷺ کان یقنت بعد الرکعة وابوبکر وعمر حتی کان عثمان قنت قبل الرکعة قال المنذري وفی روایة قال هٰذا یقول فی وتر القنوت، از این احادیث ثابت میشود که خواندن قنوت بعد از رکوع بکار است وآن را مکروه نوشتن ضدیت بلا دلیل است. واگر کسي قبل از رکوع قنوت بخواند ما گفته میتوانیم اکه

این ناجائز است زیرا هر دو طرف احادیث موجود است وبخاطر آنکه بر احادیث طرفین عمل شده باشد احیانا قبل از رکوع خوانده شود واحیانا بعد از رکوع زیرا بر یک حدیث عمل نمودن وحدیث دیگر را ترک کردن وبر آن عمل نکردن یک امر ناپسند است شایان ومناسب همان است، که برهردو عمل نماید بخاطر آنکه میان جانبین تعارض باقي نماند.

جواب: (ازمولوي مشیت الله صاحب دیوبندي) قبل از همه آن سخن قابل ذکر معلوم میشود که در این جواب فوق الذکر بعد از غور وتنقیح سه جزء استخراج میگردد:

(۱) آنکه وتر سنت است وبروجوب وتر هیچ دلیل نیست وهرکسي که بحدیث عقبة بن عامر استدلال نموده است استدلال او بالکل غلط است زیرا د رآن ذکر وجوب نمیباشد وبر: الوتر واجب علی کلِ مسلم نیز استدلال نمودن بروجوب وتر باطل است زیرا درآنجا وجوب بمعنی ثابت است نه وجوب بمعنی مصطلح وواجب بر این معني بکثرت متداول السنة است: کما في باب الغسل المسنون: غسل یوم الجمعة واجب. درا ینجا بنزد جمهور واجب بمعنی ثابت است زیرا بر وجوب غسل یوم الجمعة هیچ کس قول نکرده است.

(۲) تحدید نمودن وتر در سه رکعت باطل است وبودن وتر یک رکعت نیز از نبي اکرم ﷺ ثابت است چنانچه در نسائي شریف مذکور است: عن ابن عمر رضی الله عنهما ان النبی ﷺ قال الوتر رکعة من آخر اللیل. او په ابوداؤد کی دی: عن ابی ایوب الانصاری قال قال رسول الله ﷺ الوتر حق علی کل مسلم فمن احب ان یوتر بخمس فلیفعل ومن احب ان یوتر بثلاث فلیفعل ومن احب ان یوتر بواحدة فلیفعل. از این روایات تردید مذهب آنعده مردم وانمود میشود که ایشان جزما وتر را سه رکعت مي پندارند وبراي آنها استدلال آوردن بکار ست که تحدید وتر را در سه رکعات از کدام جاي مي نمایند ودیگر آنکه بر روایت عائشه (رض) أنه کان النبی ﷺ یوتر بثلاث لایقعد الا فی آخرهن، قبول آنکه وترسه رکعت است ازآن نفي قاعدۀ اولی میشود سپس ازآن ثبوت التحیات در میان چگونه ممکن خواهد باشد؟

(۳) خواندن قنوت بعد أز رکوع نیز از رسولِ الله ﷺ ثابت است بعد الرکوع وقبل الرکوع وبنابر هردو طریقه خواندن قنوت بغیر ازکراهیت جائز شدن بکار است وبعد از آن بعد از رکوع خواندن قنوت چگونه مکروه شده میتواند؟

این سه امور است که مجیب صاحب (غیر مقلد) التزام آن را نموده است وتسلیت ودلپُري کم

فهمي خود رابراي خويشتن داده است ونوشته است كه بر خلاف سائر آن روايات قوي شدن مذهب امام أبو حنيفة ممكن نيست زيرا جائيكه حديث صحيح باشد وبر خلاف آن عمل نمودن كاملا تخطي ومحض تعصب است.

ان شاء الله براي تو معلوم خواهد شد كه مذهب امام ابو حنيفة (رح) با مرويات صحيحه چقدر زياد قريب تر است واين كمال فراست امام أبو حنيفة (رح) وتفقه في الدين اوست كه ايشان روايات صحيح را چه كه روايات ضعيفه را نيز از دست نگذاشته است. امام صاحب موصوف بعد از تفكر وتعامل نظر كردن بقرائن از اين روايات چنان محل پاكيزه وعمده را استخراج مي نمايد كه بسبب آن برسائر روايات اگر چه متعارض باشند آنها سهل العمل ميباشد وغير متعصب تخمين واهميت آن را درک نموده ميتواند ودر فكر وانديشه متعصب ومعاند آن سخن خطور وعروض كرده نميتواند ليكن:

گر نبيند بروز شپرهٔ چشم
چشمهٔ آفتاب راچه گناه

وبخاطر ذكر نمودن آن سخن مقصود ما بر كسي طعن وتشنيع گفتن نيست ونه اين طرز العمل ما است ونه ما چنان بيباک هستيم كه در پردهٔ تعصب وانمود واشكار شويم وتوهين هر امام را كه بخواهيم او را توهين كنيم البته از نزد فتوى فوق الذكر خواسته شده انست فلهذا هر چيزيكه نزد ما حق است آن را بالترتيب نمبر وار بر سه حصه تقسيم نموده پاسخ ميدهيم، والله الموفق للصواب.

(۱) در مورد وتر اگرچه از امام أبو حنيفة رح يک روايت آنست كه وتر سنت است لكن مانند صاحب نهايه محققين مذهب أصح وراجح روايت وجوب را قرار گردانيده اند اكنون نظر آنست كه تنها امام موصوف وتر را واجب قرار داده است ويا متباقي حضرات نيز قائل بوجوب وتر اند وخوش فهمي جناب مجيب صاحب است كه او چنان پنداشت كه امام ابو حنيفة رح در أين مسئله منفرد است كاش كه از عبارت آتي شيخ بدر الدين عيني وقف مي بودند: وحكى ابن حزم ان مالكًا قال من تركه أُدِّب وكانت جرحة فى الشهادة الخ وفى المصنف عن مجاهد بسند صحيح

هو واجب ولم یکتب الخ وحکی ابن بطال وجوبه عن اهل القرآن عن ابن مسعود وحذیفة وابراهیم النخعی وعن یوسف بن خالد السمتی شیخ الشافعی وجوبه وحکاه ابن ابی شیبة ایضاً عن سعید بن المسیب وابی عبیدة بن عبد الله ابن مسعود والضحاک [۱] إنتهی. بناءا واضح گردید که قابل بر وجوب وتر تنها امام أبوحنیفه نیست بلکه درسلف نیز یک جماعت همچو امام ابو حنیفة وتر را واجب میگویند حتی که رجحان خطر امام مالک رح همچنان معلوم میشود زیرا این قسم ألفاظ زوردار در مورد ترک واجب گفته میشود. واز قول حافظ علیم الدین السخاوی معلوم میشود که قائل فرضیت وتر شده است: کما فی حاشیة بحر الرائق: واختار الشیخ علیم الدین السخاوی انه فرض وعمل فیه جزءاً وساق الاحادیث الدالة علی فرضیته ثم قال فلا یر تاب ذو فهم بعد هٰذا انها الحقت بالصلوٰت الخمس فی المحافظة. [۲] إنتهٰی، وتعجب آور نیست که رجحان امام بخاري نیز بطرف وجوب است کما أشار إلیه الحافظ في فتح الباري: افراده بالترجم عن ابواب التهجد والتطوع یقتضي أنه ملحق بها ثم قال الحافظ: ولو لا أنه أورد الحدیث الذي فیه إیقاعه علی الدابة إلا المکتوبة لکان إشارة إلی أنه یقول بوجوبه انتهی.

حافظ میگوید که امام بخاري براي صلوة وتر وصلوة اللیل جدا جدا تراجم انعقاد کرده است واین تقضاي آن را میکند که امام بخاري وتر را با صلاة اللیل لاحق نمي نماید لکن نظر به آنکه امام بخاري در ابواب وتر آن حدیث را آورده است که در آن ذکر اداء نمودن صلاة وتر رسول اکرم است بر مرکب ایشان فلهذا فرمود که بیشک وشبه چنان گفته شده است که امام بخاري قائل بوجوب وتر شده است اگر امام بخاري این قسم حدیث نمي آورد که از آن اداء نمودن وتر رسول اکرم ﷺ بر مرکب ایشان ثابت است پس من میگفتم که امام بخاري یقینا قائل بوجوب وتر شده است. حافظ آنقدر سخن را نیز قبول دارد که آوردن امام بخاري براي صلوة وتر وصلوة اللیل تراجم علیحده وجداگانه مقتضي آنست که امام بخاري نمیخواهد که هر دو در یک مرتبه قرار بدهد لکن وي قائل وجوب صلاة وتر شده است بناء بر آوردن آن روایت که امام بخاري آورده است که مثبت صلاة وتر آنحضرت ﷺ است بر دابه است اکنون این نسبت بطرف ایشان شده نمیتواند. من میگویم با وجود آنکه امام بخاري آن قسم حدیث را نیز آورده

(۱) عمدة القاری ابواب الوتر ج۲ص ۴۱۲ . ظفیر

(۲) حاشیه بحر الرایق ج۲ ص۴۰ . ظفیر

است که ا اداء نمودن وتر رسول الله ﷺ بر دابه ثابت میشود. اما با آنهم این منافي آن مقصد امام بخاري نیست که آن را اشاره در آوردن تراجم علیحده وجداگانه ذکر نموده است زیرا شما اضاف تر آنقدر خواهد گفتي وقتیکه امام بخاري قائل بوجوب وتر شد پس ایشان این حدیث آوردن بکار نبود که در آن ذکر اداء نمودن وتر درحالت سواري بر مرکب شده است زیرا چنان ممکن نیست که وتر واجب باشد وبر دابه در حالت سواري بر مرکب اداء شده باشد، سپس ازآن من از شما مي پرسم که دلیل آن را بیاورید که مسلک امام بخاري همان است که واجب خواه در حالت سفر باشد آن را بر دابه اداء نمودن جائز نیست وامام بخاري شان اجتهاد را دارد تعجب اور نیست که با قائل شدن وجوب وتر بر دابه اداء کردن آن را جائز بدارد وسخن بهتر آنست که گفته شود که امام بخاري با آوردن آن حدیث که در آن ذکر صلاة وتر رسول اکرم است بر دابه که آن را در حالت سواري بر مرکب اداء نموده اند درآن اشاره مي نماید بر آنکه اداء نمودن وتر بر مرکب منافي وجوب نیست زیرا این واقعه بطور حال لا عموم لها است، وقتیکه از روایات معتبره ثابت است که عادت مبارکه رسول اکرم ﷺ طوري که وتر را بعد از پائین شدن از دابه بر سطح زمین اداء مي نمودند کما في الطحاوي که لا محال شاید که وتر در حالت بسیار خطیر وبنا بر عذر شدید بر دابه اداء شده باشد ودر حالت عذر واجب را بجا بگذار حتی که فرض نیز بردابه اداء نمودن متفق علیه است فلهذا درآن روایت اذاء نمودن وتر منافي وجوب وتر نیست. والله اعلم

در قائلین سنت بودن وتر یک جماعت آنست که وتر در حق نبي اکرم ﷺ بطور خصوصیت آن را واجب مي پندارند وسپس اداء نمودن وتر را که آنحضرت ﷺ بردابه اداء کرده آنها آن را مضر نپنداشتند الغرض بعد ازنظر اندازي بر شان وعادت امام بخاري نیز معلوم میشود که امام بخاري (رح) نیز مانند امام ابو حنیفة (رح) قائل پر وجوب وتر شده است.

ودر مورد امام أبو جنیفة (رح) بعضي معاندین ومتعصبین میگویند که برای امام صاحب ذخیره روایات احادیث صحیحه نرسیده بود ودر مورد امام بخاري چه خواهد گفت زیرا ایشان امیر المؤمنین في الحدیث است که ایشان همچنان قائل پر وجوب وتر شده است.

اکنون بعد آنقدر فهرست شماوي براي مجیب مجتهد ما حق باقي نماند که او عبارت سبل السلام: ذهب الجمهور إلی أنه لیس بواجب، درپیش روي ما آن را تقدیم نموده وچنین ادعاء کند

که امام ابو حنیفة رح درآن مسئله منفرد است. اگر صاحب سبل السلام واقعا اتفاق راي داشته باشد با مجیب صاحب ما پس آن عبارت ایشان بلا شک درمقام تحقیق قابل نظر انداز نمودن خواهد باشد، واگر چنان نباشد بلکه مراد صاحب سبل السلام ازنفي وجوب نفي فرضیت باشد ومجیب صاحب ما بنابر الفاظ ظاهري در مغالطه واقع شده باشد بازهم در مقابل احناف آن عبارت هرگز قابل پیش کردن نیست واحناف چه وقت ادعاي فرضیت را نموده اند؟ ودلائل وجوب وتر متعدد است درعمدة القاري شیخ بدر الدین عیني سائر آنها را بالاستیعاب بیان فرموده است وبخاطر تسلي واطمینان خاطر شما در اینجا دو، چهار آن را طور مختصر نیز ذکر مي نمایم: عن عبد الله بن عمر عن النبی ﷺ قال اجعلوا آخر صلٰوتکم باللّیل وترًا. رواه (١) مسلم. وعنه ان النبی ﷺ قال بادروا الصبح بالوتر، رواه مسلم، (٢) وعن ابی سعید الخدری ان النبی ﷺ قال اوتروا قبل ان تصبحوا. رواه الستة الا البخاری. (٣)

این سه روایت است که درآن تعلیم وتر بصیغۂ أمر ذکر شده است اگر چه بنابر مذهب محققین امر برای وجوب نمیباشد لکن دراینجا امر براي وجوب حتما باید قبول نمود وبر آن موضوع از جمله قرائن متعدده از همه قرینه بزرگ وبهتر آنست که وتر در اصل نمازي است که در وقت نزول سورة مزمل فرض کرده شده بود واز روایت طبقات ابن سعد: إن شاء أیدکم الحدیث، والله اعلم. قسما معلوم میشود که این نماز از سابق شفعا شفعا فرض بود وایتار بعد ازآن فرض کرده شده است: وذکره الخطابي في معالمه. غرض آنکه شک نیست دراین که این نماز دریک وقت یقینا فرض بود اکنون نظر آنست که بعد ازآن وجوب ولزوم این نماز منسوخ شده است یا تطویل قرائة پس با: فَاقْرَئُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرآنِ، تطویل قرائة منسوخ شده است وجوب ولزوم آن همانطور باقي مانده ومنسوخ نشده است وبر نسخ وجوب ولزوم هیچ دلیل صریح موجود نیست بلي احتمال نسخ فرضیت است لهذا با رعایت نمودن سائر وجوهات بازهم احناف ادعاي فرضیت را نمیکنند بلکه مدعیان وجوب ولزوم میباشند حتیٰ که از این تقریر من نیز آن سخن معلوم شد که سلسله وجوب وتر از آوان نزول سورة مزمل گرفته وتا به اکنون جریان دارد

---

(١) مشکٰوة باب الوتر ص ١١١ . ظفیر

(٢). ایضاً . ظفیر

(٣) ایضاً . ظفیر

ومنسوخ نشده است، وچگونه كسي ادعاي نسخ را خواهد كرد حالانكه هيچ حجت بر وجوب نسخ موجود نيست اگر شما درآن مورد حجت داشته باشد پس بسم الله كنيد آن دليل را براي ما پيش كنيد بشرطيكه رعايت انصاف در آن باشد واگر با تقديم سائر آن روايات تسكين قلب شما نشده باشد واين نظر معنوي كه امر براي وجوب است درفهم مجيب مجتهد ما نيايد پس دلايل ديگر را سمع نمائيد: در أبو داود مذكور است: عن عبدالله بن بريدة عن ابيه قال سمعت رسول الله ﷺ يقول الوتر حق فمن لم يوتر فليس منا، الوتر حق فمن لم يوتر فليس منا [1] قال العينى وهٰذا حديث صحيح وفيه ابو المنيب وثقه ابن معين وقال ابن ابى حاتم هوصالح الحديث وقال يحول [2]. از اين حديث معلوم شد كه رسول اكرم ﷺ وتر را مانند سنت نپنداشته اند بلكه در حق تارك آن وعيد شديد را فرموده اند: اوما دون الفرض او ما فوق السنن، رتبه آن را براي آن منظور مقرر نموده اند: وليس هذا إلا الوجوب، وامام أبو حنيفة رح اين را واجب ميگويد؟ ودرما بين واجب وفرض نزد امام ابو حنيفة رح فرق واضح است: كما ذكر في البحر وذكر حكاية في البدائع هي أن يوسف بن خالد السمتي كان من أعيان فقهاء البصرة فسأل أباحنيفة عنة فقال إنه واجب فقال له: كفرت يا أبا حنيفة رح ظنا أنه فريضة فقال أبو حنيفة (رح) عنه فقال انه واجب فقال له كفرت يا اباحنيفه ظنًا منه انه يقول انه فريضة فقال ابوحنيفه أيهولنى إكفارك اياى وانا أعرف الفرق بين الفرض والواجب كفــرق مـابين السماء والارض ثم بين له الفرق بينهما فاعتذر اليه وجلس عنده للتعلم [3] اهـ.

ومتباقي بحديث عمرو بن سعد وعقبه ابن عامر كه ايشان روايت نموده است كه إن الله زادكم صلاة وهي خير لكم من حمر النعم، الحديث. بناء بر حديث فوق الذكر نيز استدلال بر وجوب نموده است وطريق استدلال آنست كه در اين روايات نسبت مشروعيت وتر بطرف الله شده است وديگر آنكه زيادت از جنس مزيد عليه بكار است وظاهر است كه واجب از جنس فرائض است فلهٰذا با روايات مذكوره بطرف وجوب اشاره پنداشته شده است چنانچه تعين وتحديد اوقات نيز درآن روايت دلالت مي نمايد بر آنكه وتر واجب است وبا رسيدن تا به اينجا شايد

(١) مشكوٰة باب الوتر فصل ثانى ص١١٣ . ظفير

(٢) عمدة القارى ابواب الوتر ج٣ ص ٤١٢ . ظفير

(٣) البحر الرائق باب الوتر والنوافل ج٢ ص ٣٨. ظفير

درذهن کسي بار بار چنان خطور کند وچنان فکر برایش پیدا شود که اگر از این روایات وجوب ثابت میشود پس شایان است که سنت فجر را نیز واجب گفته شود زیرا در ارتباط سنت فجر نیز به همان الفاظ همین قسم روایات مروي است حالانکه قائل بوجوب آن هیچ کس نیست وبیشک اگر در مرتبۀ شبه یک سخن جاندار باشد پس آن سخن اینست لکن با وجود آن همه براي وسعت نظر امام ابو حنیفه بنگرید وقتیکه امام موصوف مشاهده نمود که مورد وتر وسنت فجر نسبت به سائر سنن ونوافل اگر چه ألفاظ تشدید وزوردار استعمال شده است لکن با وجود آنهم در تعامل او اهتمام وتر از سنت فجر زیاد تر شده است ودرصحابۀ کرام رض از هیچ کس در سفر وحضر احیانا نیز ترک وتر ثابت نیست ودیگر آنکه از رسول اکرم ﷺ با وجود مواظبت ثبوت ترک واجب مشکل است. ودر کدام درجۀ که آنجناب ﷺ در مورد تارک وتر وعید شدید فرموده اند آنقدر تشدید در تارک سنت فجر نه فرموده اند، بنابر این امام الائمة در میان هر دو چنان فرق را فرمود که وتر را واجب وسنت فجو ر مؤکد قرار دادند.

ودلایل وجوب وتر دیگر نیز بسیار است لکن الان با إکتفاء نمودن به آنقدر دلایل در خدمت مجیب صاحب با اظهار ادب عرض مي نمایم که جناب: بیشک ما قبول داریم که با حدیث: الوتر واجب علی کل مسلم استدلال بر وجوب ممکن نیست بخاطر آنکه بنابر قول شما واجب در اینجا بمعنی ثابت است ووجوب مصطلح مراد نیست واین اصطلاح امر مستحدث است در حدیث چگونه میشود با آنهم این همه صحیح لکن جناب این را بفرمائید که حدیث: لیس الوتر بحتم کهیئة المکتوبة ولکن سنة سننها رسول الله ﷺ، رواه الترمذي. بنفي وجوب وسنت وتر چگونه استدلال قائم خواهد شد ودر اینجا شما چگونه معلوم نمودید که مراد از سنت مخصوص اصطلاح مراد است که مغایر واجب وما تحت آن درمرتبه است ورد اینجا چرا نمیگوئید که مراد از سنت طریقه مرضیۀ است که شامل واجب وسنت میباشد چنانچه سیاق وسباق روایت نیز تائید آن را مي نماید ودرآن نفي واجب است که مانند فرض میباشد ونفي واجب مطلق نیست بناء باید براي ما وانمود شود که ازکدام لفظ آن نفي وجوب میشود؟ وما آن سخن را نیز قبول داریم که در حدیث نفي فرضیت وتر شده است لکن آن سخن که مراد از سنت خاص سنت اصطلاح است که شامل واجب نسیت واز حدیث نفي وجوب میشود این چگونه وبنابر کدام قانون شما آن را معلوم نمودید؟ معلوم میشود که براي مجیب مجتهد ما از قاعدۀ مقررۀ خویش در حدیث ألفاظ

اصطلاحي را مراد گفتن باطل است این اصطلاح امر مستحدث است وتا به اینجا رسیدن حتما تغافل شده است فلهذا مصداق این کلمات گردید: حفظت شیئًا وغابت عنک أشیاء، واگر مجیب صاحب ما چنین میفرماید که در حدیث بودن ألفاظ اصطلاحي ضروری نیست لکن در اینجا از سیاق وسباق روایت چنان معلوم میشود که مراد از سنیت سنت اصطلاحي است عام نیست که شامل واجب باشد بناء جناب عالي نخست این از سیاق وسباق استنباط نمیشود بلکه بر عکس چینن معلوم میشود که نفي وجوب اصطلاحي مقصود نیست واگر همچنان واقعیت باشد قسمیکه شما فرمودید پس من نیز میگویم که در حدیث: الوتر واجب، مراد وجوب اصطلاحي است ودر اینجا مراد از واجب مسنون نیست قبول دارم که الایجاب قد یطلق علی المسنون تاکیدا، لکن ضروري نیست که در اینجا نیز مراد از واجب مسنون باشد دلیل آن را پیش نمائید ور نه من میگویم که اگر سیاق وسباق شما همانطور است پس در اینجا همچنان پندارید که حدیث: من لم یوتر فلیس منا، رواه أحمد. مقتضي آنست که در حدیث: الوتر واجب. مراد از واجب مسنون نیست بلکه مراد همان است که بر آن امام أبو حنیفه (رح) قائل شده است زیرا عرفا وجوب بمعنی لزوم مستعمل میشود ودیگر آنکه وعید شدید که در روایت امام محمد مذکور است تنها محمول بر ترک واجب ممکن است که باشد.

غرض آنکه این حدیث وتر به هیچ وجه پیش کردن لائق ومناسب نیست، باقي ماند روایت ابن ماجه وخازن پس براي ما تعجب آور است که شما در استدلال خویش روایات ضعیفه را چرا پیش نمودید زیرا روایت خازن ساقط الاسناد است وروایت ابن ماجه بطور صحیح چنین است: إن الوتر لیس بحتم کصلواتکم المکتوبة [1] وهیچگونه این روایت معارض احناف شده نمیتواند زیرا احناف چنین وجوب را انکار مي نماید که مانند فرضیت باشد ونیز آن روایت ابو داود که عبارت است از: ان رجلاً من بنی کنانة سمع رجلاً بالشام یدعی ابا محمد المخدجی یقول ان الوتر واجب قال المخدجی فرحت الی عبادة بن الصامت فاخبرته فقال عبادة کذب ابو محمد سمعت رسول الله ﷺ یقول خمس صلوة کتبهن الله علی العباد. انتهی مختصراً. [2] در این حدیث

---

(۱) این حدیث در ترمذي با همین ألفاظ از حضرت علي (رض) مروي است مطالعه فرمائید ترمذي باب ما جاءأن الوتر لیس بحتم: ج۱ ص۶۰ لکن در ابن ماجه با الفاظ ذکر است که آن را أولا مجیب نقل نموده است مطالعه کنید ابن ماجه باب ماجاء في الوتر ص۸۳. ظفیر

(۲) ابوداؤد باب من لم یوتر ج۱ ص۲۰۱ . ظفیر

عبادة (رض) نفي فرضیت را کرده ونفي وجوب اصطلاحي را ننموده است در عصر صحابه کرام رض اطلاق واجب بر فرض کرده میشد، وهمین وجه ودلیل است که یوسف بن خالد سمتي امام أبو حنیفة رح را محض بواجب گفتن کافر گفت اما وقتیکه امام أبو حنیفة حقیقت واجب را برایش منکشف فرمود ودرمیان واجب وفرض برایش فرق را بیان وتوضیح نمود واو را رهنمائي نمود فورا ایشان معذرت خواسته وبغرض تعلیم برایش نشست، درست همانطور عبادة رض نیز با واجب گفتن ابو محمد چنان پنداشت که أبو محمد قائل بفرضیت وتر شده است فلهذا با استماع نمودن آن فرمود که ابو محمد دروغ گفته است من از رسول اکرم ﷺ شنیده ام که جمله پنج نماز فرض است که الله پاک آنها را بر بنده گان خود فرض نموده است (ششم هیچ یک فرض نیست) این بود اصل حقیقت ومجیب صاحب مابا خوش فهمي خود چنان فهمیده که عبادة رض نفي وجوب اصطلاحي را میفرماید وجزء ثاني را نظر نکرده است که ازآن نفي واجب بمعنی فرض مقصود است ونفي مطلق واجب مقصود نیست.

از این روایت وهمچنان از روایت که از حضرت ابن عمر پرسیده شد که آین وتر واجب است؟ ایشان فرمودند که: أوتر النبي ﷺ والمسلمون [1]. آنجناب واضح نه فرمود که واجب است یا واجب نیست از این معلوم میشود که در دل صحابه کرام این سخن راسخ بوده که وتر اگر چه فرض نیست لکن سنت همچنان نیست زیرا که به سنت درآن تاکید مزید مي آید وهمان دلیل است که ابن عمر در جواب أوتر النبي ﷺ والمسلمون فرمودند وچنان نفرمودند که مسنون است واز مسنون گفتن خود داري نمود وامام أبو حنیفة بر منشأ آن فهمیده وقائل بر وجوب شده نه وتر را مسنون قرار داد ونه آن را فرض گردانید وذلک فضلا لله یؤتیه من یشاء والله ذو الففل العظیم [2].

(۲) در این جزء احناف رادر مسائل است: (۱) وتر سه رکعت است یک رکعت وتر هرگز شده نمیتواند.

(۳) واین سه رکعت وتر مشتمل بدو قعده ویک سلام میباشد وبا یک سلام ویک قعده نمیباشد این دو مسائل است که مجیب مجتهد با الزام داشتن براحناف انکار مي نماید حالانکه اقرب إلي

---

(۱) مشکاة باب الوتر ص۱۱۳، الفاظ يي دادي: اوتر رسول الله صلی الله علیه وسلّم واوتر المسلمون. ظفیر

(۲) مشکوٰة باب الوتر ص ۱۱۳ ، الفاظ يي داسي دی: اوتر رسول الله ﷺ واوتر المسلمون. ظفیر

الروايات بلا شک مذهب احناف است ودرآن شک نيست که بعضي روايات قسما است که برآن روايات بنابر بادي النظر يک رکعت بودن وتر نيز ثابت است جنانچه در يک روايت ابن عمر است أن النبي ﷺ قال: الوتر رکعة من آخر الليل رواه النسائي [۱]. وهمچنان روايت أبو أيوب أنصاري است: الوتر حق على كل مسلم فمن احب ان يوتر بخمس فليفعل ومن احب ان يوتر بثلاث فليفعل ومن احب ان يوتر بواحدة فليفعل [۲]، وروايت ابن ماجه: سئل ابن عمر رجل فقال كيف اوتر بواحدة قال انى اخشٰى ان يقول الناس البتيراء فقال سنة الله ورسوله يريد هذه سنة الله ورسوله [۳]، اين سه روايات است که مجيب صاحب بر يک بودن وتر استدلال کرده است وادعا نموده است که وتر يک رکعت نيز شده ميتواندْ حالانکه در آن روايات روايت أبو أيوب أنصاري موقوف است کما صرح به الحافظ في التلخيص وصحح أبو حاتم والزيلعي والدارقطني في العلل والبيهقي وغير واحد وهو الصواب، غرض آنکه رفع اين حديث معلول است وموقوف بودن آن صواب ميباشد، باقي ماند روايت ابن ماجه ونسائي که مطلب ايشان هرگز چنان نيست که يک رکعت بغير از تقديم شفعه وتر باشد بلکه مطلب انست که اگر کسي صلاة الليل وتهجد اداء مي نمايد پس در حق او وتر رکعت آخري است زيرا با انضمام نمودن يک رکعت شفعه آخرين او وتر ميگردد وچنان نشد که وتر تنها يک رکعت شد چنانچه تائيد آن مقصد از روايت ديگر ابن عمر (رض) ميشود که در بخاري مذکور است: قال النبى ﷺ فإذا اخشي احدكم الصبح صلى ركعة واحدة توتر له ما قد صلى. انتهى مختصراً، [٤] ومذهب خود حضرت عبد الله ابن عمر همچنان نبود که تنها يک رکعت وتر باشد بلکه بنزد ايشان سه رکعت مفصولا جائز بود که مشتمل بر دو قعده ودو سلام بود قسميکه طحاوي از ابن عمر نقل نموده است که ايشان سه رکعت وتر اداء مي نمودند اين بود حال روايات متذکره وباقي روايات صحيحه ديگر بکثرت موجود است که از آن تنها سه رکعت بودن وتر ثابت ميشود: وفى الطحاوى روايات كثيرة تدل على ان اجماع المسلمين على ان الوتر ثلث، واز ترويح زمانه حضرت عمر رض نيز همين ثابت ميشود وبخاطر اطمينان شما روايات را ميخواهم ذکر نمايم که

---

(۱) مشکوٰة عن مسلم باب الوتر ص۱۱۱ . ظفير
(۲) مشکوٰة باب الوتر فصل ثانى ص۱۱۲ . ظفير
(۳) ابن ماجه باب ما جاء فى الوتر بركعة ص۸۳ . ظفير
(٤) مشکوٰة باب الوتر فصل اول ص۱۱۱ . ظفير

از آن روایات بالتصریح سه رکعت بودن وتر معلوم میگردد، درصحیح بخاري مذکور است: عن ابی سلمة عن عبد الرحمٰن انه سئل عائشه کیف کانت صلوٰة رسول الله ﷺ فی رمضان فقالت ما کان رسول الله ﷺ فی رمضان وغیره علی احدی عشرة رکعة یصلی اربعاً فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم یصلی اربعاً فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم یصلی ثلاثًا قالت عائشه یارسول الله اتنام قبل ان توتر فقال یا عائشه ان عینیّ تنامان ولا ینام قلبی، (۱) ودرصحیح مسلم مذکور است: عن ابن عباس رضی الله عنهما انه رقد عند رسول الله ﷺ فاستیقظ وتسوک وتوضا وهو یقول: ان فی خلق السمٰوٰت والارض واختلاف اللیل وانهار لآیات لاولی الالباب، فقرأ هٰولاءِ الآیات حتی ختم السورة ثم قام فصلّی رکعتین فاطال فیها القیام والرکوع والسجود ثم انصرف فنام حتی نفخ ثم فعل ذٰلک ثلٰث مرّات ست رکعات کل ذٰلک یستاک ویتوضأ ویقرء هٰولاء الآیات ثمّ اَوتَر بِثلاثٍ، (۲) وعلاوه ازابو داود درسائر کتاب هاي سنن مذکور است: عن سعید بن جبیر عن ابن عباس ان رسول الله ﷺ کان یوتر بسبح اسم ربک الاعلٰی وقل یایها الکٰفرون وقل هوالله احد. اسناده حسن (۳)، وعلاوه از ترمذي در متباقي سائر کتاب هاي سنن مذکور است: وعن ابی بن کعب قال کان رسول الله ﷺ یوتر بسبح اسم ربک الاعلٰی وقل یٰایها الکٰفرون وقل هوالله احد. اسناده صحیح (٤) ، وعن عبدالرحمٰن بن اَبزٰی انه صلی مع النبی صلی الله ﷺ الوتر فقرأ فی الاولی بسبح ربک الاعلٰی وفی الثانیة قل یٰایها الکٰفرون وفی الثالثة قل هو الله احد فلما فرغ قال سبحان الملک القدوس ثلٰثا یمد صوته بالثالثة رواه الطحاوی واحمد والنسائی واسناده (٥) حسن کما صرح به الحافظ فی التلخیص. علاوه از روایات فوق الذکر دیگر روایات بکثرت موجود است که آنها را بنابر خوف تطویل ترک مي نمایم واگر ضرورت احساس شد إنشاء الله آنها را درخدمت شما ذکر خواهیم نمود. پس از آن من از شما میپرسم که برخلاف آن روایات صحیح روایت ابن ماجه وروایت أبو ایوب انصاري (رض) که در اصل فتوی ایشان معلوم میشود روایت مرفوع نیست وآن را معمول بها ساختن وجزما چنان گفتن که وتر یک رکعت نیز است. آیا این

---

(۱) بخاری باب قیام النبی ﷺ باللیل ج۱ ص۱۵٤ . ظفیر

(۲) مشکوٰة باب صلوٰة اللیل ص۱۰٦ . ظفیر

(۳) عمدة القاری. ابواب الوتر ج۳ ص ٤۰٥ . ظفیر

(٤) عمده القاری ابواب الوتر . ج۳ ص ٤۰٥ . ظفیر

(٥) نسائی شریف کیف الوتر بثلث ج۱ ص۲٤۸ ونصب الرایه ج۲ ص ۱۱۹ . ظفیر

تعجب آور نیست؟ که روایت صحیحه ترک گردد وبنا بر یک روایت موقوفه که درحقیقت آن روایت فتوی أبو أیوب انصاري است آیا کدام شخص جري وناعاقبت اندیش همچو گفته میتواند که یک رکعت نیز وتر است بناء هیچ مجتهد هیچگاه همچو قول کرده نمیتواند، الحاصل: در سه رکعت بودن وتر وعدم یک رکعت بودن وتر هیچ شک نیست اگر گنجایش باشد شاید در آن مورد باشد که این سه رکعت وتر بدو قعده ودو سلام میباشد ویا تنها به یک سلام وي قعده است احناف علاوه ازآن هر دو صورت ها یک صورت سوم را اختیار مي نمایند وایشان حکم مي نمایند به اداء نمودن وتر به دو (۲) قعده ویک سلام وآن را محض بنا بر تعصب نمیکنند بکله نزد احناف درآن مورد دلایل موجود است. در صحیح مسلم ص۲۵٦ مذکور است: ولفظه مختصرا: ویصلي تسع رکعات لا یجلس فیها إلا في الثانیة فیذکر الله ویحمده ویدعوه ثم ینهض ولا یسلم ثم یقوم التاسعة ثُمّ یقعد فیذکر الله ویحمده ویدعوه ثم یسلم تسلیما یسمعنا، الحدیث.

شیخ بدر الدین میفرماید: اگر چه از آن روایت چنان ایهام میشود که نه (۹) رکعت به دو (۲) قعده ویک سلام شده است ودر اولین هفت رکعت آنجناب ﷺ قعده نکرده اند لکن در حقیقت سخن چنین نیست. حضرت عائشة صدیقه (رض) در مورد قعده صلاة اللیل ذکر نفرموده است بلکه با فرمودن قعده اولی وانجام شدن سه رکعت به دو قعده وبیک سلام ثبوت مي دهد وبه آنقدر فرمودن شیخ بدر الدین ساکت شد وثبوت آن رانداد که في الواقع همین مطلب حضرت عائشه است که نبي اکرم ﷺ دررکعت سوم که باعتبار مجموعه رکعات هشتم بشمار میرود قعده نمودند وتا هنوز نگردانیده بودند که قیام نمودند ورکعت سوم را همرایش پیوست وبعد از قعده آخرین سلام گردانیدند ودلیل آن در نسائي است وهمان روایت را نسائي متنا وسندا آورده است: حدثنا سعید عن قتادة عن زرارة بن اوفی عن سعدبن هشام ان عائشة رضي الله عنها حدثته ان رسول الله ﷺ کان لایسلم فی رکعتی الوتر [۱]، پس معلوم شد که مطمح نظر حضرت عائشه (رض) آنست که رسول الله ﷺ دروقت اداء نمودن وتر دوقعده مي فرمودند وبعد از تکمیل نمودن رکعت سوم سلام مي گردانید واین حدیث صحیح الاسناد وبرای احناف حجت است لکن حافظ محمد الدین أبو البرکات ابن تیمیه (رح) در منتقی بعد از نقل نمودن همین روایت نوشته است که امام احمد (رح) تضعیف آن روایت را فرموده است حالانکه از تحقیق

(۱) نسائي باب کیف الوتر بثلث ج۱ ص۲٤۸. ظفیر

معلوم شده که آن روایت بنا بر دواسناد مروي است امام موصوف که بکدام سند درمسند أحمد آورده است بلا شک آن سند ضعیف میباشد وامام أحمد تضعیف حدیث را نکرده است بلکه تضعیف سند آن را نموده است زیرا درتخریج زیلعي درموقع جهر بالتسمیه از خود حضرت امام احمد (رح) جواز وصل رکعت هاي وتر مروي است پس لامحالة امام احمد (رح) تضعیف طریق مسند احمد راکرده است بخاطر آنکه درآن یزید بن یعفر است وهو ضعیف.

غرض آنکه در روایت نسائي شریف هیچ کلام نیست بلکه آن روایت صحیح الاسناد است در مستدرک حاکم یک روایت است که ألفاظش آنست: عن عائشة (رض) أن النبی ﷺ یوتر بثلاث لایقعد إلا في آخرهن [۱]. حافظ وتقلیدا مجیب صاحب ما با این روایت نفي قعدهٔ اولی را کرده است حالانکه حافظ جمال الدین زیلعي در تخریج تصریح بر آن نموده است که در مستدرک حاکم آن روایت براین ألفاظ وارد است: یوتر بثلاث لا یسلم إلا في اخرهن [۲]. وزیلعي درنقل خود ثقه است ودرنسخهٔ مستدرک حاکم این ألفاظ حتما شاید باشد وروایت مسند أحمد ضعیف سهو لکن ألفاظ آن همچنان نیست: یوتر بثلاث لا یفصل بینهن. ودرنسائي مذکور است: عن أبي بن کعب نحوه ولفظه یوتر (بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْاَعْلٰی) و (قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ) و (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) ولا یسلم إلا في آخرهن [۳] از مطالعه ونظر اندازي نمودن آن روایات معلوم میشود که مطلب روایت حضرت عائشة (رض) ان النبي ﷺ یوتر بثلاث لا یقعد إلا في آخرهن [٤] آنست که نبي اکرم ﷺ وتر را سه رکعت اداء مي نمودند وچنان قعده مي کردند که درآخرآن سلام گردانیده میشد. اکنون شما در نظر انصاف بگوئید که از آن روایت نفي قعده اولی چگونه استخراج شد وعلاوه از آن روایت یک روایت دیگر است کما في الطحاوي ص۱۷۲: عن أبي هریرة (رض) عن رسول الله ﷺ لا توتروا بثلاث واوتروا بخمس او بسبع او بتسع ولا تشبهوا بصلوة المغرب. حافظ از این روایت بر نفي قعده اولی استدلال مي نماید که حاصل آن اینست که سه رکعت وتر راچنان اداء نمودن که مشابهت آن با نماز مغرب باشد مثلا از اداء نمودن وتر با دو قعده ویک سلام ممانعت شده است وبا یک قعده ویک سلام آن

(۱) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص٤٠٤. ظفیر

(۲) ایضاً. ظفیر

(۳) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص٤٠٤. ظفیر

(٤) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص ٤٠٥. ظفیر

مشابهت باقي نميماند وبخاطر آن منظور از حديث نفي قعدهٔ اولی وثبوت قعدهٔ اولی چرا اينگونه استدلال اوهن من بيت العنكبوت صورت گرفت وبراي جمله دومي حديث چرا نظر نكرد كه ازآن بالتصريح معلوم ميشود كه تنها سه ركعت تهجد مكنيد كه با نماز شام مشابهث شود بلک پنج يا هفت يا نو (۹) ركعت ادا كنيد وباوتر شفعه را قبل ازآن يكجا نمائيد بخاطر آنكه با نماز مغرب مشابهت باقي نماند. درترمذي شريف مذكور است: عن ثابت البنانی قال قال انس يا ابا محمد خذ عنی فانی اخذت هٰذا عن رسول الله ﷺ واخذ رسول الله ﷺ عن ربه، ولن تأخذ عن أحد أوثق مني، قال ثم صلى بی العشاء ثم صلى ست ركعات يسلم بين الركعتين ثم أوتر بثلاث يسلم فی آخرهن. رواه الترمذی سنداً وترک متنه وهٰذا المتن بعينه بهٰذا اللفظ فی كنز العمال ص ۱۹۶ جلد رابع فی الافعال لا فی الاقوال، واحال على الروياني وابن عساكر وقال رجاله ثقات. اين روايت همچنان حجت براي احناف است واز آن صرحة معلوم ميشود كه وتر سه ركعت است وآن را بدو قعده ويک سلام اداء بايد نمود وروايات مرجوحه ديگر نيز بسيار موجود است كه ازآن سه ركعت وتر بدو قعدهٔ ويک سلام اداء كردن فهميده ومعلوم ميشود واكنون دراينجا بر اين قدر دلايل اكتفاء مي نمايم وهمچنان در آثار نيز بكثرت چنان روايات است كه ازآن اداء نمودن وتر بدو قعده ويک سلام معلوم ميشود.

بناء بنزد احناف (رح) بنا بر روايات فوق الذكر طريقه ثانيه راجح است واما بودن وتر يک ركعت علاوه از سعد بن أبي وقاص رض ومعاويةبن أبي سفيان رض وذا النورين رض ديگر ازهيچ يک صحابي ثابت نيست بناء اگر حافظ آن را جماعت قرار ميدهد بس اين فرموده حافظ كه: وصح عن جماعة من الصحابة أنهم أوتروا بواحدة من غير تقدم نفل قبلها فرموده است درست ميباشد زيرا اطلاق جماعت بر سه شده ميتواند لكن اين براي احناف مضر نيست زيرا احناف كه قائل كدام سخن هستند درتائيد آن از جم غفير صحابه كرام رض آثار مروي است. در مصنف ابن ابي شيبه مذكور است: حدثنا حفص بن عمرو عن الحسن أنه قال أجمع المسلمون على ان الوتر ثلثة لا سلم إلا في آخرهن، وفيه عمرو بن عبيد وهو معتزلی [1]. درعيني مذكور است: ولمن قال يوتر بثلث لا يفصل بينهن عمر وعلي وابن مسعود وحذيفة وأبي بن كعب وابن عباس وانس وابومامة وعمربن عبدالعزيز والفقهاء السبعة واهل الكوفة، وقال الترمذی ذهب جماعة من

(۱) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص ٤٠٤ . ظفير

الصحابة وغيرهم اليه. آهـ، وقتيكه با تصريح امام ترمذي يک عدد [1] بزرگ صحابه كرام موافق احناف معلوم ميشوند پس اكنون بتصريح حافظ مجيب صاحب ما را خوشنود شدن بكار نيست حافظ كسي را جماعت تلقي مي نمايد كه ازآن ده (۱۰) چند تعداد صحابه كرام رض بطرف احناف موافق اند وتعجب آور آنست كه أجله صحابه كرام رض موافق احناف اند: قيل للحسن ان عمر كان يسلم في الركعتين من الوتر فقال كان عمر أفقه منه وكان ينهض في الثانية بالتكبر [2]. وبعد از نگهداشت آن اشياء آنكس را تنها متعصب گفته ميشود كه خلاف روايات مذهب حنفيه باشد وغير متعصب فهيم ودانشور هيچگاه چنان گفته نميتواند بلكه هر قدريكه تحقيق وتفتيش كرده شود در نتيجه مذهب امام ابو حنيفة أقرب إلى الروايات معلوم ميشود.

(۳) آن جزء مجمل نگهداشته شده است بناء تشريح طلب است زيرا معلوم نيست كه مراد ازقنوت چه چيز گرفته است اگر قنوت نازله باشد پس احناف نيز ميگويند كه بعد از ركوع خوانده شود واگر قنوت وتر مراد باشد درآن وقت چنان گفتن صحيح نيست كه از نبي اكرم ﷺ در وتر بعد از ركوع خواندن قنوت ثابت است زيرا ازكدام روايات كه خواندن قنوت بعد از ركوع ثابت ميشود محمل صحيح آن روايات اينست كه آن حكم قنوت نازله است. در بحر الرائق: ج۱ ص۰ ٤ مذكور است: وقنت فی ثالثـــة قبل الركوع ابداً لما اخرجـه النسائی عن ابیّ بن كعب انه عليه السّلام كان يقنت قبل الركوع وما في حديث انس انه عليه السّلام قنت بعد الركوع فالمراد منه ان ذلک كان منه شهراً فقط بدليل ما فی الصحيح عن عاصم الاحول سالتُ انساً عن القنوت فی الصلٰوة قال نعم قلت اَكان قبل الركوع او بعده قال قبله قلت فانّ فلاناً اخبرنی عنک اَنّک قلتَ بعده قال كذب انماقنت رسول الله ﷺ بعد الركوع شهراً، پس معلوم شد كه در وتر قبل الركوع خواندن قنوت بكار است باقي ماند قنوت نازله پس دراين مورد اقوال قبل الركوع وبعد الركوع هر دو طرح موجود است درالدر المختار مذكور است: وهو صريح فی ان القنوت النازلة عندنا مختص بصلٰوة الفجر دون غيرها من الصلٰوة الجهرية والسرية وهل القنوت هنا قبل الركوع او بعده لم اره، والذی يظهر لی انه يقنت بعد الركوع لا قبل بدليل ان ما استدل به الشافعی علی قنوت الفجر فيه التصريح بالقنوت بعد الركوع، حمله علمآئنا علی قنوت النازلة

---

(۱) مراد يک جماعت بزرگ است. ظفير

(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۲ ص ٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱ . ظفير

ثم رأيت الشرنبلالى فى مراقى الفلاح صرح بانه بعده واستظهر الحموى انه قبله، والاظهر ماقلناه. والله اعلم، (۱) از این عبارت معلوم میشود که باوجود آنکه درمورد قنوت نازله دو قول است قبل الركوع وبعد الركوع. علماء ومشايخ احناف حكم جواز هر دو طريقه را میدهند لکن راجح آنست که قنوت نازله بعد الركوع خوانده شود. فقط محمد مشيت الله ديوبندي.

فصل ثاني

مسائل قنوت نازله

آيا قنوت نازله در نماز فجر درست است؟ **سوال:** (١٦٦٤) بنزد احناف در وقت نماز فجر در كدام وقت با بلند نمون دستها دعاي قنوت يا (اللهم انصر من نصر دين محمد ﷺ) يا خواندن دعاي ديگر جائز است يا نه؟ اگر كدام حنفي كه عالم فقه نباشد ويا عالم فقه باشد اما او امام شافعي رح ويا احمد يا امام مالک رحمهم الله را بنظر حقارت نگاه مي نمايد آيا او حنفي واقعي شده ميتواند يا نه؟

جواب: بنزد احناف در وقت نزول حادثه تنها در نماز فجر بعد از ركوع درركعت دوم بغير ازرفع اليدين خواندن دعاي قنوت جائز است ودر نماز هاي متباقي جائز نيست واما بغير از نزول حادثه در هيچ نماز وهيچ وقت جائز نيست. در شامي مذكوراست: قال الحافظ أبو جعفر الطحاوي إنما لا يقنت عندنا في صلوة الفجر من غير بلية فإن وقعت فتنة أو بلية فلا بأس به فعله رسول الله ﷺ (۲). وبتعقيب در شامي مذكور است: إن قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية والسرية (۳). وهمچنان در آن نوشته است: وانه يقنت بعد الركوع لا قبله (٤). وأئمهٔ اربعه هر يكي ايشان در مذهب خويش حق اند واختلاف ايشان از قبيل (اختلاف أمتي رحمة) ميباشد، فلهذا براي هيچ يک مقلد جائز نيست كه كسي ديگري را بنظر حقارت نگاه كند البته براي مقلد بكار است كه مذهب امام خود را صواب محتمل خطاء پندارد

---

(۱) نصب الرايه باب صلوٰة الوتر ج۲ ص ۱۱۸ . ظفير

(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۲ ص ٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱ . ظفير

(۳) ايضاً. ظفير

(٤) ايضاً. ظفير

ومذهب مخالف را خطاء ومحتمل صواب بداند در الدر المختار مذکور است: فيها لو سُئلنا عن مذهبنا ومذهب مخالفنا قلنا وجوبا مذهبنا صواب يحتمل الخطاء ومذهب مخالفنا خطاء يحتمل الصواب. (۱) فقط

قنوت نازلة: سوال: (۱۶۶۵) (۱) قنوت در نماز فجر در موقعۀ نوازل خوانده میشود، حواله مطلوب است؟

در قنوت نازله دست ها را ارسال بکند یا ببندند؟ سوال: (۱۶۶۶) (۲) در قنوت مذکور امام ومقتدي دست ها ارسال بکنند یا ببندند چنانچه در وتر بندند وآمین بجهر گویند یا خفیه؟

جواب: (۱) قنوت در نوازل در صلاۃ فجر نزد احناف ثابت ومعمول به است قال في الشامي: وهو صريح في ان قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر الخ. (۲)

جواب: (۲) امام وجماعت بظاهر درین موقع ارسال کنند چرا که این قنوت بعد الرکوع است کما صرح به في الشامي: والذي يظهر لنا أن المقتدي تابع امامه إلا إذا جهر فيؤمن وأنه يقنت بعد الركوع لا قبله الخ (۳). وظاهر است که قومه محل ارسال است نه محل قبض یدین وقیاس بر وتر نخواهد شد که درآن قنوت قبل الرکوع است که آن محل قرائت ومحل قبض یدین است وآمین خواه بجهر بگویند یا باخفاء والثاني أولى لانه ادعاء والإخفاء بالدعاء أولى. فقط

بنزد احناف قنوت نازله بعد از رکوع وتنها در نماز فجر میباشد: سوال: (۱۶۶۷) خواندن قنوت نازله قبل الرکوع بکار است یا بعد الرکوع ودرکدام نمازها وهمچنان دست ها درآن ارسال بدارد یا ببندد ویا بلند نماید وبنزد احناف قنوت وتر قبل الرکوع خوانده میشود آیا حکم قنوت نازله ازآن جدا است وبنا بر کدام دلیل؟ وبنزد احناف که قاعده است هر ذکر طویل مسنون درآن بستن دست ها است آیا این قاعده مأخذي دارد وکدام بستن دست که بعد ازتکبیر تحریمه ثابت است بعد از وقت رفتن رکوع ختم میشود اکنون بعد از رکوع قیام نمودن کار جدید است ودر آن ارسال واعتماد از آنحضرت ﷺ یا از آثار صحابه کرام ثابت است یا نه؟ واین عمل کرد امام أبو یوسف (رح)که ایشان قنوت را بعد از رفع الیدین میخواند وصاحب فتح

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار مقدمه ج۱ ص۴۵ . ظفير

(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت والنازلة ص ۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

(۳) ايضاً ، ط. س. ج۲ ص۱۱ . ظفير

القدید که یک روایت را به سند ابو هریرة رض بیان فرموده است کان النبي ﷺ إذا رفع رأسه من الرکوع من صلوة الصبح فی الرکعة الثانیة یرفع یدیه فیدعوا بهذا الدعاء: اللهم اهدینا فیمن هدیت الخ. آیا بوجه این حدیث براي فعل ابو یوسف (رح) تقویت است یا نه؟ وهمچنان قول مفتی به احناف کدام است؟

قنوت نازله بعد از رکوع است واحناف آن را تنها در نماز فجر اختیار نموده اند با انهم که بعضي فقهاءکرام آن را در سائر نمازهاي جهري جائز پنداشته اند [۱] وازکتاب هاي فقه وحدیث واضح وروشن است که قنوت فجر که آن را احناف در نوازل غیر منسوخ پذیرفته اند آن بعد از رکوع مي باشد ودرآن وقت ارسال اولی معلوم میشود [۲] زیرا جواب رفع را صاحب فتح القدیر چنان داده است که استدلال امام أبو یوسف بر آنکه در هر رفع دعا شدن کلي نیست بلکه مخصوص بران دعا است که خارج عن الصلوة باشد (وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا) بناءا درآن مورد نیاز برای بحث مزید نیست وهر یک قول یک وجه داشته میباشد ونقل نمودن روایات بنا بر عدم فرصت نمیتوانم آن را نمایم [۳]. فقط

در وقت قنوت نازله ارسال داشتن دست ها وآمین گفتن مقتدیان بطور آهسته: سوال:

(۱۶۶۸) دعاي قنوت مطبوعه دار العلوم دیوبند که درعصر موجوده براي خوانش شائع گردیده است درترکیب آن دو سخن قابل پرسش است اول آنکه دروقت خواندن دعا دست ها را ارسال نماید آیا اینکه دست ها را بلند کند قسمیکه براي دعا کردن بلند میشود دوم آنکه مقتدیان آمین را بالجهر گویند یا خفیه؟

جواب: درنماز فجرکه بعد ازرکوع درعصرموجوده دعاي قنوت خوانده میشود درآن موردمعمول

---

(۱) قال الحافظ ابو جعفر الطحاوی انما لا یقنت عندنا فی صلٰوة الفجر من غیر بلیة فان وقعت فتنة او بلیة فلا باس به فعله رسول الله ﷺ واما القنوت فی الصلٰوات کلها للنوازل فلم یقل به الاّ الشافعی الخ وهو صریح ان القنوت النازلة عندنا مختص بصلاة الفجر دون غیرها من الصلٰوة الجهریة والسریة وفی شرح النقایة معزیًا الی الغایة وان نزل بالمسلمین نازلة قنت الامام فی صلاة الجهر (ردالمحتار باب الوتر والنوافل، مطلب فی قنوت النازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط.س. ج۲ ص۱۱) وهو قول الثوری واحمد وقال جمهور اهل الحدیث القنوت عند النوازل مشروع فی الصلٰوة کلها آهـ (البحر الرائق باب الوتر والنوافل ج۲ص۴٤). ظفیر

(۲) وهل القنوت هنا قبل الرکوع ام بعده لم اره والذی یظهر لی ان المقتدی یتابع امامه الاّ اذا جهر فیؤمن وانه یقنت بعد الرکوع لا قبله بدلیل ان ما استدل به الشافعی علی قنوت الفجر وفیه التصریح بالقنوت بعد الرکوع حمله علمائنا علی القنوت للنازلة ثم رأیت الشرنبلالی فی مراقی الفلاح صرّح بانه بعده واستظهر الحموی انه قبله والاظهر ماقلناه والله اعلم (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۳) مثلا هذا. ظفیر

ما آنست که دست ها ارسال وآویزان باشند زیرا در این موقع بستن دست ها نیامده است وبلند نمودن آن نیز موافق قواعد احناف نیست فلهذا احوط وبهتر این معلوم میشود که دست ها را آویزان داشته باشند ومقتدیان آمین را بطور خفیه بگویند. (۱) فقط

قنوت نازله در مغرب وعشاء درست است یا نه؟ سوال: (۱۶۶۹) شنیده ایم که در دیوبند کدام فتوی چاپ شده است که در آن در رکعت آخري نماز عشاء خواندن دعا را نوشته شده است؟

جواب: از آنجا که کدام دعاي قنوت طبع شده است درآن بعد از نماز فجر خواندن دعاي قنوت نوشته نموده است وبعضي علماء جواز خواندن آن را درنماز مغرب وعشاء نیز شوشته اند (۲). فقط

دعا در نماز فرض برای دفع شدن وباء: سوال: (۱۴۷۰) در ایام بروز مرض وبا در جماعت فرائض یا خصوصا بعد ازآخرین رکعت نماز جماعت مغرب وفجر امام چند ادعیه را بعد از رکوع بخاطر دفع شدن وباء میگوید وسائر مقتدیان به آواز بلند آمین میگوید آیا همچو عمل کردن در جماعت فرض شرعا جائز است یانه؟

جواب: در شامي مذکور است که در وقت نزول کدام حادثه در نماز فجر بعد از قیام نمودن از رکوع امام خواندن دعاي قنوت درست است وعلاوه از نماز فجر دیگر در سائر نمازها نزد مذهب احناف جائز نیست. واین مذهب امام شافعي (رح) است واین نیز در شامي مذکور است: ولا شک أن الطاعون من أشد النوازل (۳) فلهذا در وقت طاعون نیز درنماز فجر بعد از رکوع خواندن دعاي قنوت درست است. (٤)

قنوت نازله برای جنگ طرابلس: سوال: (۱۶۷۱) آیا کدام ارشاد علماي دین درمورد مسئله طرابلس است که اکنون درمیان مسلمانان ومسیحیان قائم شده است اگربخاطر نصرت مسلمانان

---

(۱) ان المقتدی یتابع امامه الاّ اذاجهر فیؤمن (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۲) ولا یقنت لغیره الاّ لنازلة فیقنت الامام فی الجهریة وقیل فی الکل (الدرالدختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الوتر مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

(٤) ولا یقنت لغیره الاّ لنازلة فیقنت الامامَ فی الجهریة وقیل فی الکل (درمختار) قال فی الصحاح النازلة الشدیدة من شدائد الدهر ولاشک ان الطاعون من اشد النوازل الخ وهو صریح فی ان قنوت النازلة عندنا تختص بصلاة الفجر دون غیرها من الصلوات الجهریة اوالسریة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). محمد ظفیر الدین غفرله

وهزيمت عيسويان درهندوستان يا برما دعاي قنوت خوانده شود آيا در مذهب حنفي مكروه است يا نه؟ اگر بنا بر ناواقفيت مقتديان امام قنوت راقدري جهرا وبا رفع اليدين بخواند ومقتديان حنفي المذهب خفيه آمين گويند آيا اين در مذهب حنفي مكروه است يا نه؟ آيا درجنگ نازله وغيره كه كدام دعاي قنوت خوانده ميشود آيا براي آن اين سخن شرط است كه خاص سلطان يا خليفه آن را بگويد؟ يا در جاي خوانده شود كه درآنجا جنگ قائم شده باشد ودر جاي هاي دور وبعيد متباقي امامان نخوانند وبعد از ملاحظه نمودن حاشيۀ شامي بحر الرائق كبيري وفتح القدير جواب سوال فوق الذكر تحرير فرموده شود. فقط

جواب: قنوت نازله عتد الاحناف جائز است مكروه نيست، ودر شامي مذكور است: كه اگر امام جهرا قنوت ميخواند مقتديان آمين بگويند ازآن معلوم شد كه مقتدي پيروي امام را بايد بكند باقي آنكه اگر امام حنفي باشد پس حنفي موافق قواعد احناف خفيه بگويد لكن اگر امام بنا بر نا واقفيت مقتديان جهرا بگويد ومقتديان امين نمايند در اين كراهيت نيست درحين نازله خواندن قنوت سلطان يا خليفه شرط نيست. هذا كله في الدر المختار والشامي. (1) دستخط مع مهر.

در موقع جنگ ايتاليا خواندن قنوت نازله: سوال: (۱۶۷۴) فعلا كه كدام جنگ در ميان عيسويان ايتاليا ومسلمانان جرياني دارد در اين موقع عند الاحناف بعد از ركوع ركعت آخري خواندن قنوت نازله در نمازهاي پنجگانه چه حكم دارد؟

جواب: در اين مورد كلام فقهاي كرام رح مختلف ميباشد: ولا يقنت لغيره إلا النازلة فيقنن الامام في الجهرية وقيل في الكل. در شامي مذكور است: : واما القنوت فى الصلٰوة كلها للنوازل فلم يقل به الا الشافعى، وفيه تحت قوله فى الكل الخ قد علمت ان هذٰا لم يقل به الا الشافعى وعزا فى البحر الى جمهور اهل الحديث فكان ينبغى عزوه اليهم لئلا يوهم انه قول فى المذهب وفيه ايضا اذا وقعت نازلة قنت الامام فى الصلٰوة الجهرية لكن فى الاشباه عن الغاية قنت فى صلٰوة الفجر ويؤيده ما فى شرح (2) المنية الخ شامى ج۱ ص ۶۲۸. پس معلوم شد كه عند الاحناف تنها درنماز فجر دروقت نازله قنوت بخواند لا غير. فقط والله اعلم كتبه عزيز الرحمن.

---

(۱) مطالعه فرمائيد: ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

(۲) وقد صرح به الشامى حيث قال وهو صريح فى ان قنوت النازلة عندنا مختص بصلاة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية والسرية الخ قنوت نازله بعد ازركوع بخواند نه قبل از ركوع: قال فى الشامى وانه يقنت بعد الركوع لاقبل بدليل ان ما استدل به الشافعى على قنوت الفجر وفيه التصريح بالقنوت بعد الركوع حمله علماءنا على القنوت للنازلة الخ (شامى باب الوتر ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفير

بنزد کدام اما قنوت نازله درنماز فجر است؟ سوال: (۱۶۷۳) در عصر موجوده خواندن دعاي قنوت در نماز فجر مذهب کدام امام است؟

جواب: در وقت وقوع حوادث خواندن دعاي قنوت را در نماز فجر احناف نیز جائز نوشته اند فقط.[۱] (لما رواه الامام ابوحنیفة عن ابن مسعود رضی الله عنه ان رسول الله ﷺ لم یقنت فی الفجر قط الاّ شهرًا واحدًا لم یرَ قبل ذالک ولا بعده وانما قنت شهرًا یدعو علٰی قوم من العرب ثمّ ترکه (البحر الرائق. باب الوتر ج۲ ص۴۴، ظفیر).

در نماز جمعه قنوت نازله درست است یا نه؟ سوال: (۱۶۷۴) خواندن قنوت نازله در نماز جمعه جواز دارد یانه؟

موافق بعضي روایات که در سائر نمازهاي جهري خواندن قنوت نازله را جائز نوشته اند بنا بر این در نماز جمعه همچنان درست است.[۲]

قنوت نازله جائز است یانه واگر جائز است پس چرا؟ سوال: (۱۶۷۵)-در عصر حاضر که کدام دعاي نازله خوانده میشود آیا دعا در نماز فجر عند الاحناف جائز است یا نه؟ اگر جائز باشد پس جواب آیت (لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ) چیست؟ وآیا در میان دعاي نازله وقنوت که آن را نبي اکرم ﷺ احیانا بخاطر بد دعائي یک قوم یا قبیله میخواند درآن کدام فرق است یانه؟

جواب: در وقت نازلی خواندن دعاي قنوت وغیره در نماز فجر باتفاق احناف جائز است در الدر المختار مذکور است: ولا یقنت لغیره إلا لنازلة[۳] الخ. وفي الشامي: وهو صریح في أن قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر[۴] الخ وفیه عن شرح المنیة فتکون شرعیة أي شرعیة القنوت في النوازل مستمرة وهو محمل من قنت من الصحابة بعد وفاته ﷺ وهو مذهبنا وعلیه الجمهور[۵]. پس وقتیکه معلوم شد که مذهب جمهور نیز همان است وصحابه کرام رض نیز همان نازله را بعد از وفات آنحضرت ﷺ خوانده اند فلهذا اکنون گنجایش هیچ شبه نیست وضرورت براي

---

(۱) ولا یقنت لغیره الاّ لنازلة فیقنت الامام فی الجهریة وقیل فی الکل (درمختار) وهو صریح عندنا ان قنوت النازلة عندنامختص بصلاة الفجر دون غیرها من الصلٰوة الجهریة والسرّیة (الدرالمختار) باب الوتر ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۲) فیقنت الامام فی الجهریة (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتروالنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

(۴) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

(۵) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

جواب احساس نمیشود. ودر مورد شان نزول آیت کریمه (لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ) اختلاف کثیر است ودر قنوت نازله نزول آن متعین نیست کما صرح به في المعالم اگر ضرورت براي جواب باشد. و قول خود امام طحاوي در شامي چنین منقول است: قال الحافظ ابو جعفر الطحاوي إنما لا يقنت عندنا في صلوة الفجر من غير بلية فإن وقعت فتنة او بلية فلا بأس به فعله رسول الله ﷺ الخ.[1] فقط

قنوت نازله در سائر نمازهای جهری است یا تنها در نماز فجر؟ **سوال:** (۱۶۷۶) باعتبار مذهب صحیح وقول أرجح احناف خواندن قنوت نازله تنها در نماز فجر بکار است ویا در سائر نمازهاي جهري خواندن آن ضروري است اگر یک امام تنها در نماز فجر قنوت خواند ودر متباقي نمازهاي جهري نمیخواند آیا بالاي آن امام جبرا در نمازهاي متباقي جهري بخوانند یا نه؟ قنوت نازله علاوه از نماز فجر در نمازهاي دیگر منسوخ است یا نه؟ وآن حضرت ﷺ قنوت نازله را تا بکدام وقت خوانده است آیا تکمیل کار یا قبل ازآن آن را ترک مي نمودند.

جواب: عند الاحناف راجح آنست که قنوت نازله منحصر در نماز فجر است، اگر چه در سائر نمازهاي جهري از بعض کتاب ها نیز اجازه آن معلوم میشود بهر حال اگر یک امام تنها در نماز فجر قنوت نازله بخواند ودر سائر نمازهاي جهر متباقي نخواند پس بالای امام مذکور جبرا خواندن دعاي نازله ضروري نیست که اورا مجبور نمایند که در سائر نمازهاي جهري آن را بخواند زیرا این مسئله عند الاحناف مختلف فيه است فلهذا أحوط ومعمول أكابر تنها در نماز فجر است کما في الشامي بعد نقل کلام الامام الطحاوي وهو صريح في أن قنوت النازلة عندنا مختصة بصلوة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية أوالسرية[2] الخ. ودرآن مورد کدام تحدید منقول نیست که آن حضرت ﷺ ویا بعد از صحابه کرام رض که دروقت حوادث قنوت خوانده شده است تابه کدام وقت دوام داشت وچقدر وقت را در برگرفته است وظاهر آنست که شاید تا به رفع حادثه خوانده شده باشد که آن وجه مشروعیت نیز میباشد وهمچنان فقهاء کرام نیز تحدید آن رانموده اند وچنان فرموده اند: ولا يقنت لغيره إلا النازلة الخ[3]. الدر المختار،

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر
(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر
(۳) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

وظاهرا از لفظ إلا النازلة معلوم میشود تا وقتیکه نازله موجود باشد تابه آن وقت دعاي مذكوره مشروع است وهمچنان در حديث أنس رض مذكوراست: ان النبي ﷺ قنت شهرا ثم تركه رواه أبو داود والنسائي. وبعد از یک ماه ترک فرمودند آنجناب ﷺ یا بنا برآن مقصد باشد که مطلوب حاصل شد ودعا قبول گردید وآثار بد رعائي شروع شده بود، ویا براي ایشان ﷺ شاید حکم شده باشد که اکنون آن را ترک کن والآن ضرورت بتقي نماند بهر حال اکنون مشروعیت آن تا به بقاء نازله عند الفقهاء مسلم است. فقط

جواز قنوت نازله وثبوت آن: **سوال:** (۱۶۷۷) قنوت نازله که از یک سال بدینسو خوانده میشود بعضي مسلمانان بر آن چنین اعتراض مي نمایند که خواندن آن جائز نیست. وحدیث حضرت انس رض را موقوف میگویند: وعن أنس رض ان النبی ﷺ قنت شهرا ثم تركه رواه أبو داود. وبا لفظ ثم ترک گذاشتن آن را فرض میگویند وهمچنان میگویند که درمذهب ما بر کسي لعنت وملامت کردن یا بد دعائي کردن نیز جائز نیست، بناءا ثبوت آن را درحدیث وقول امام اعظم (رح) تقاضا مي نماید که بعد از (ثم تركه) آن حضرت ﷺ براي ارشاد نمودن فرموده باشد؟

جواب: درالدرالمختار مذکور است: ولا يقنت لغيره الا لنازلة فيقنت إمام فى الجهرية وقيل فى الكل الخ ودر ردالمحتار معروف به شامی است: (قوله فى الجهرية) يوافقه ما فى البحر والشرنبلالية عن شرح النقايه عن الغاية وان نزل بالمسلمين نازلة قنت الامام فى صلاة الجهرية وهو قول الثورى واحمد آهـ وكذا ما فى شرح الشيخ اسمٰعيل عن البناية اذا وقعت نازلة قنت الامام فى صلٰوة الجهرية لكن فى الاشباه عن الغاية شرعية القنوت فى النوازل مستمرة وهو محمل قنوت من قنت من الصحابة رضي الله عنهم بعد وفاته عليه الصلٰوة والسلام وهو مذهبنا وعليه الجمهور قال الحافظ ابو جعفر الطحاوى انما لا يقنت عندنا فى صلٰوة الفجر من غير بلية فان وقعت فتنة او بلية فلا بأس به فعله رسول الله ﷺ الخ الى ان قال وهوصريح فى ان النازلة عندنا مختص بصلٰوة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية والسرية [1] الخ، ازعبارت فوق الذكر واضح گردید که عند الاحناف بلکه عند الجمهور قنوت نازله بعد از رحلت آن حضرت ﷺ نیز مشروع است بناءا هرکسي که ازآن انکار مي ورزد درحقیقت آن کس مخالف سائر امامان أهل حق است

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

وهمچنان از همه کتاب های دیني ناواقف میباشد زیرا ظاهر است که اگر قنوت نازله منسوخ شده باشد پس صحابه کرام رض آن را بعد از وفات آن حضرت ﷺ چرا معمول میگردانیدند؟ وکفی بهم قدوة، وبحدیث حضرت أنس رض که روایت نموده است: أن النبی ﷺ قنت شهرا ثم ترکه، منسوخ گردانیدن قنوت نازله را صحیح نیست زیرا معنی (ثم ترکه) آنست که نبي اکرم ﷺ آن را بعد از یک ماه ترک نمودند بخاطر آنکه ضرورت باقي نماند وکدام مقصد که بود بر آورده وحاصل شد. ولعنت برکفار ازآیات واحادیث هموار ثابت است: قال الله تعالی: (لَعْنَةُ اللهِ عَلَی الْکَافِرِیْنَ) [1]. (إِنَّ الَّذِیْنَ یَکْتُمُوْنَ مَا اَنْزَلْنَا مِنَ الْبَیِّنَاتِ وَالْهُدٰی مِنْ بَعْدِ مَابَیَّنّٰهُ لِلنَّاسِ فِی الْکِتَابِ اُولٰئِکَ یَلْعَنُهُمُ اللهُ وَیَلْعَنُهُمُ اللّٰعِنُوْنَ) [2] وهمچنان بنا بر کثرت از آیات واحادیث دیگر لعنت برکفار ثابت است فلهذا علاوه از جهال ومعاندین هیچ کس ازآن انکار نمیکند، الغرض براي احناف (رح) با نظرداشت اقوال أئمه خویش وتفاصیل وتشریح کتاب هاي فقه بر آن عمل نمودن بکار است، ودرآن مورد براي اقوال منکرین أئمه یعني فرقهٔ غیر مقلدین گوش نهادن واستماع نمودن بکار نیست.

<u>قنوت نازله درسائر نمازها ودعا با رفع الیدین</u>: سوال: (۱۶۷۸) یک مولوي صاحب أهل حدیث در سائر نمازهاي فرض پنج گانه دررکعت آخري بعد از رکوع با رفع الیدین امام دعا میخواند ومقتدیان همچنان با رفع الیدین به همان طریق براي دعا آمین میگویند آیا باهمچو طریقه گفتن جائز است یانه؟

جواب: همچنان نیز ثابت است بناء در آن هیچ حرج نیست واحناف نیز اجازه ان را فرموده اند [3] با آنهم که اکثر روایات در مورد نماز فجر وارد است. [4] فقط



(۱) سورة البقرة رکوع ۱۱. ظفیر

(۲) سورة البقرة رکوع ۱۹. ظفیر

(۳) ولا یقنت لغیره الا لنازلة فیقنت الامام فی الجهریة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر الدین غفر له

(٤) وهو صریح فی ان القنوت النازلة عندنا مختص بصلاة الفجر دون غیرها من الصلوات الجهریة اوالسریة (رد المحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

فصل ثالث

سنن مؤکده وغیر مؤکده

مسائل سنن مؤکده

در وقت جماعت فجر سنت را کجا اداء نماید؟ سوال: (۱۶۷۹) سنت فجر را آنقدر در فاصله دور اداء نماید که آواز امام در وقت قرائت بسماعش نرسد حالانکه مساجد اکثرا کوچک میباشد بناء اداء کننده سنت فجر تابه کدام اندازه احتیاط عدم سماع را بکند ودرآن مورد چه حکم میباشد؟

جواب: دراین مورد قید رسیدن آواز ونرسیدن آن نیست وتنها علیحده بودن مکان بکار است. [۱] فقط

درداخل صفوف نماز فجر اجازه سنت فجر نیست: سوال: (۱۶۸۰) بعد از قائم شدن جماعت فجر اداء نمودن سنت در صف اول ودوم چه حکم دارد اگر جائز نباشد پس علت عدم جوازآن را تحریر فرمائید؟

جواب: علت عدم جواز آن صورة مخالفت جماعت ومخالفت حدیث شریف: إذا أقمت الصلوة فلا صلوة إلا المكتوب [۲] است، در الدر المختار مذکور است [۳] الخ ودر شامي مذکور است: فإن كان عند باب المسجد مكان صلاها فيه وإلا صلاها في الشتوي أو الصيفي إن كان للمسجد موضعان. [٤] فقط

درمیان فرائض وسنن سخنان دنیاوی وآن: سوال: (۱۶۸۱) زید درمیان فرائض وسنن عشاء

---

(۱) واذا خاف فوت رکعتي الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها لکون الجماعة اکمل والاّ بان رجا ادراک رکعة الخ لا یترکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا والاّ ترکها لان ترک المکروه مقدم علی فعل السنة (در مختار) عندباب المسجد ای خارج المسجد کما صرح القهستانی وقال فی العنایة لانه لو صلاها فی المسجد کان متنفلا فیه عند اشتغال الامام بالفریضة وهو مکروه فان لم یکن علی باب المسجد موضع للصلاة یصلیها فی المسجد خلف ساریة من سواری المسجد واشدها کراهة ان یصلیها مخالطا للصف مخالفا للجماعة والذی یلی ذالک خلف الصف من غیر حائل اھ (ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص۶۷۰ – ۶۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۵۷). ظفیر

(۱) مشکوٰة المصابیح باب الجماعة وفضلها فصل اول ص ٦٦ عن ابی هریرة ﷺ . ظفیر

(۲) مشکوٰة المصابیح باب الجماعة وفضلها فصل اول ص ٦٦ عن ابی هریرة ﷺ . ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب ادراک الفریضه ج۱ ص۶۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۵۷. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص۶۷۱، ط. س. ج۲ ص۵۷، ظفیر

وفجر حرف دنیاوي میزند آیا سنن را اعاده نماید یا خیر؟

جواب: در این ثواب کاهش مي یابد وضرورت براي اعاده سنن نیست وفیه اختلاف [۱].

در حصۂ داخل مسجد در حالت جماعت دلیل گنجایش سنت در حصۂ بیرونی: سوال:

(۱۶۸۲) وقتیکه در حصۂ اندروني مسجد جماعت قائم باشد بناء در حصۂ خارجي مسجد بکدام دلیل سنت اداء نمودن درست است؟ وهرگاه قرابت شنیده میشود پس برآیت کریمه فاستمعوا چگونه عمل خواهد شد؟

جواب: ازآثار صحابه کرام رض ثابت است که ایشان در وقت نماز فرض فجر آواز را آنها مي شنیدند وایشان در یک کنج قرار میگرفتند وسنت فجر را اداء مي نمودند بنا بر این امام اعظم رح چنان حکم را دادند که دریکطرف سنت فجر اداء شود وسپس ازآن درجماعت شریک گردد تا که هردو فضائل برایش حاصل شود [۲]. فقط

اگر کسی نیت چهاز رکعت را شکستاند پس برآنکس چند رکعت واجب میباشد: سوال:

(۱۶۸۳) نیت چهار رکعت سنت مؤکد ظهر ومانند آن زا اند آیا براو اکنون دو رکعت واجب است یا چهار؟

جواب: چهار رکعت [۳] فقط.

سنت ظهر بخاطر اداء فرض بردو رکعت ختم کرده شد بناءا بعد از فرض چهار رکعت اداء نماید: سوال: (۱۶۸٤) زید سنت ظهر را اداء مي نمود وتا هنوز دریک رکعت مصروف بود که جماعت ایستاده شد واو دو رکعت راتکمیل نموده سلام گردانیدآیا اوبعد ازفرض دو رکعت اداء کند یا چهار رکعت؟

---

(۱) ولوتکلم بین السنة والفرض لا یسقطها ولکن ینقص ثوابها وقیل یسقط (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۶ ، ط. س. ج۲ ص۱۹). ظفیر

(۲) وانما خالفناه فی سنة الفجر لشدة تاکدها علی مامر علی انها لاتقتضی والحدیث المذکور قد اوفقه ابن عینیه وحماد بن زید وحماد بن سلمه عن ابی هریرة ﷺ ولماروی الطحاوی وغیره عن ابن مسعود ﷺ انه دخل المسجد وقد اقیمت الصلٰوة فصلی رکعتی الفجر فی المسجد الی اسطوانة وذالک بمحضر حذیفة وابی موسٰی وقد مر تمامه فی اوقات المکروهۃ فکانت سنة الفجر مستثناة بادلة اخری عرضت حدیث ابی هریرة ﷺ ورجحت علیه (غنیة المستملی ص ۳۷۹ — ۳۸۰). ظفیر

(۳) وسن مؤکدا اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة واربع بعدها بتسلیمة فلو بتسلیمتین لم تنب عن السنة ولذا لو نذرها لا یخرج عنه بتسلیمتین (الدرالمختار باب الوتر والنوافل ص۶۳۰، ط. س. ج۲ ص۱۳) ولایصلی علی النبی ﷺ فی القعدة الاولی فی الاربع قبل الظهر والجمعة الخ (درمختار) فی البحر فی باب صفة الصلاة ان ما ذکر مسلم فیما قبل الظهر لما صرحوا به من انه لا تبطل شفعة الشفیع بالانتقال الی الشفع الثانی منها ولو افسدها قضی اربعا (ردالمحتار باب ایضاً ج۱ ص۶۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۶). ظفیر

جواب: براي اوبعد از اداء فرض چهار رکعت سنت ظهر اداء نمودن بکار است [1] فقط.

شخصیکه دروقت نماز جماعت ظهر آمد پس سنت راچه وقت اداء کند؟ سوال: (۱۶۸۵) اگر کدام شخص براي اداء نماز ظهر وقتي آمد که جماعت قائم بود اکنون او سنت را نکرده در جماعت شرکت نمود بناءا چهار رکعت سنت را چه وقت اداء کند وچگونه نیت نماید نیت قضاء یا اداء ؟

جواب: بعد از اداء فرض چهار رکعت سنت را اداء کند قبل از دو رکعت سنت باشد یا بعد ازآن ودر نیت از سنت ظهر نام ببرد. [2] فقط

اگر سنت فجر ترک شود چه وقت باید اداء گردد؟ سوال: (۱۶۸٦) اگر سنت فجر بخاطر شمولیت فرض ترک شود پس آن را چه وقت اداء کند؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: ولا يقضيها إلا بطريق التبعية [3] الخ. یعني سنت فجر قضائي ندارد لکن وقتیکه با فرض باشد پس در آن صورت قبل الزوال قضاء آن را بیاورد واگر سنت تنها فوت شد دراین صورت قضائي ندارد امام أبوحنيفة (رح) وامام ابویوسف (رح) ایشان درهیچ وقت قائلین بر قضاء آن نیستند نه قبل از طلوع افتاب ونه بعد ازطلوع افتاب وامام محمد (رح) میفرمایند که بعد از طلوع آفتاب وقبل الزوال اداء نمودن آن بهتر است. [4] فقط

اگر سنت قبلی جمعه ترک شود: سوال: (۱۶۸۷) سنتیکه قبل از نماز جمعه اداء میشود اگر ترک گردد سپس آن را اداء کند یا نه؟

جواب: سنتیکه قبل ازنماز جمعه اداء میشود اگر در وقتش ادا نشود بعد ازنماز جمعه آن را اداء کند، کما قال في الدر المختار بخلاف سنة الظهر وكذا الجمهة الخ ثم يأتي بها على أنه سنة في

---

(۱) بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة فانه ان خاف فوت ركعة يتركها ويقتدى ثم ياتى بها على انها سنة فى وقته اى الظهر قبل شفعه عند محمد وبه يفتى (درمختار) اقول وعليه المتون لكن رجح فى الفتح تقديم الركعتين قال فى الامداد وفى فتاوى العتابى انه المختار وفى مبسوط شيخ الاسلام انه الاصح لحديث عائشه ﵂ انه عليه الصلٰوة والسلام كان اذا فاتته الاربع قبل الظهر يصلين بعد الركعتين وهو قول ابى حنيفة وكذا فى جامع قاضى خان اهـ والحديث قال الترمذى حسن غريب اهـ فتح (ردالمحتار باب ادرك الفريضة ج۱ ص۶۷۳ ، ط. س. ج۲ ص۵۸). ظفير الدين

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب السنن والنوافل ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵٦. ظفير

(۳) واذا فاتته ركعتا الفجر لا يقضيها قبل طلوع الشمس لانه يبقى نفلا مطلقا وهو مكروه بعد الصبح ولو بعد ارتفاعها عندابى حنيفة وابى يوسف وقال محمد احبّ الىّ ان يقضيها الى وقت الزوال (هداية باب ادراك الفريضة ج۱ ص۱۳٦). ظفير

(٤) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۸. ظفير

وقته الخ. [1] والله اعلم.

سنت فجر را درکدام وقت اداء نمودن بکار است: **سوال:** (۱۶۸۸) سنت فجر را تا به کدام وقت اداء کردن بکار است وحکم قضاء آن چیست؟

جواب: اگر جماعت نماز فجر قائم باشد پس اگر امید شریک شدن یک رکعت را داشته باشد دراین صورت دریک گوشه سنت فجر را اداء کند وسپس درجماعت شرک ورزد [2] واگر سنت فجرا اداء نکرده بود سپس آن را قبل از طلوع آفتاب اداء نکند واگر اداء مي نمود آن را بعد از طلوع آفتاب اداء نماید [3]. فقط

نوافل بعد از نمازهای ظهر مغرب وعشاء: **سوال:** (۱۶۸۹) بعد از نمازهاي ظهر مغرب وعشاء نفل کردن ازسنت ثابت است یانه؟

جواب: از سنت ثابت است [4]. فقط

سنت فجر را بعد از فرض وقبل از طلوع آفتاب اداء نمودن جائز است یا نه؟ **سوال:** (۱۶۹۰) سنت فجر را قبل از طلوع آفتاب وبعد از جماعت اداء کردن چگونه است؟ اگر ناجائز باشد پس سنت قبلي ظهر نیز اداء نمودن بکار نیست؟

جواب: بعد از نماز فجر وقبل از طلوع افتاب سنت اداء نمودن جائز نیست. زیرا ازان درحدیث شریف ممانعت آمده است دربخاري ومسلم در روایت ابي سعید الخدري آمده است قال رسول الله ﷺ: لا صلوة بعد الصبح حتی ترتفع الشمس ولا صلوة بعد العصرحتی تغیب الشمس [5] بناءا

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۸. ظفیر

(۲) واذاخاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها لکون الجماعة اکمل والاّ بان رجا ادراک رکعة لا یدرکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص ۶۷۰ - ۶۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۵۶). ظفیر

(۳) ولا یقضیها الا بطریق التبعیة لقضاء فرضها قبل الزوال لابعده فی الاصح (درمختار) واما اذا فاتت وحدها فلا تقضی قبل طلوع الشمس بالاجماع لکراهة النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فکذالک عندهما وقال محمد احب الیّ ان یقضیها الی الزوال (ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۷). ظفیر

(٤) عن ام حبیبة قالت قال رسول الله ﷺ من صلی فی یوم ولیلة ثنتی عشرة رکعة بنی له بیتا فی الجنة اربعًا قبل الظهر ورکعتین بعد المغرب ورکعتین بعد العشاء ورکعتین قبل صلوٰة الفجر رواه الترمذی (مشکوٰة باب السنن وفضائلها ج۱ ص۱۰۳) ویستحب اربع قبل العصر وقبل العشاء وبعدها بتسلیمة وان شاء رکعتین وکذا بعد الظهر لحدیث الترمذی من حفظ اربع رکعات قبل الظهر اواربع بعدها حرمه الله علی النار وست بعد المغرب لیکتب من الاوّابین بتسلیمة اوثنتین (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی السنن ج۱ ص۶۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۳). ظفیر

(٥) مشکوٰ ة المصابیح باب اوقات النهی ص ۹٤ . ظفیر

از این حدیث ممانعت اداء نمودن سنن ونوافل بعد از صبح وبعد العصر معلوم شد وبعد ازظهر درآن مورد ممانعت نیامده است لهذا اگر چهار رکعت سنت اولین ظهر ترک شود آن رابعد ازفرض اداء نماید. وفقهاء احناف مینویسند: ولا يقضيها إلا بطريق التبعية لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده بخلاف سنة الظهر. ودر درالمختار وشامي مذكور است: وأما إذا فاتت وحدها فلا تقضي في طلوع الشمس بالإجماع لكراهية النفل بعد الصبح وأما بعد طلوع الشمس فكذلك عندهما وقال محمد (رح) أحب إلى أن يقضيها إلى الزوال [۱] الخ فقط.

به امید دریافت نمودن یک کعت در وقت جماعت فجر اداء نمودن سنت درست است یا نه؟ سوال: (۱۶۹۱) درشرح وقاية نوشته شده است: اگر امید دریافت نمودن یک رکعت نماز جماعت فرض با امام باشد سنت راترکی نکند آیا این صحیح است یا نه؟ بعضي میگویند وقتیکه امام قرائت را شروع نمود اداء نمودن سنت دراین اثنا حرام است تا جائیکه آواز امام میرسد آیا این صحیح است یانه؟

جواب: این صحیح است که اگر یک رکعت فرض فجر رابلکه عند المحققین اگر تشهد را نیز دریافت میتوانست سنت را دریک گوشه اداء نماید وبعد ازآن درجماعت شامل شود كذا في الدر المختار والشامي [۲]. وآن عده مردمي میگویند که بعد از شروع شدن جماعت نماز فجر مطلقا سنت اداء نمودن حرام است آنان احناف نیستند وایشان درمورد مذهب حنفي خبر ومعلومات ندارند ومذهب احناف همان است که سنت را اداء کند ودر جماعت شرکت نماید لکن حتی المقدور سنت را از مقر قیام جماعتا در فاصله اداء کند والتفصيل في كتب الفقه.

در نیت سنت رسول گفتن چگونه است؟ سوال: (۱۶۹۲) در نیت سنت گفتن سنت رسول الله چگونه است؟

جواب: وكفى مطلق نيت الصلاة وإن يقل لله لنفل وسنة راتبة الخ الدر المختار. یعني درسنن ونوافل مطلق نیت نماز نیز کافي است وتعین نمون آنکه سنت فجر یا سنت ظهر است این احوط است واگر در نیت سنت رسول الله ﷺ تذکر نماید باز هم درآن کدام حرج نیست والله اعلم

---

(۱) ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص۶۷۲ ظفير

(۲) وإذا خاف فوت ركعتى الفجر لاشتغاله بسنتها تركها لكون الجماعة اكمل والاّ بان رجا ادراك ركعة فى ظاهر الرواية وقيل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالى تبعا للبحر لكن ضعفه فى النهر، لايتركها بل يصليها عند باب المسجد ان وجد مكانا والاّ تركها (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص۶۷۰ وص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۶) وتنها بتوقع تشهد رکعت را ترک نکند. ظفير

بالصواب [۱]. فقط

ترک نمودن سنت مؤکد درست نیست: **سوال**: (۱۶۹۳) در مورد سنن مؤکد بعضي علماء میگویند که اگر فرصت برایش باشد آن را اداء کند ور نه آن را ترک کند درآن کدام حرج نیست آیا این صحیح أست یا نه؟

جواب: ترک نمودن سنت مؤکد بکار نیست حتی المقدور اداء نمودن آن بکار است [۲] البته اگر مضیقه وقت باشد که تنها بمقدار اداء نمودن فرض وقت باقي باشد در این صورت سنت راترک نماید. فقط

اداء نمودن سنت در خانه: **سوال**: (۱۶۹۴) (۱) اداء نمودن سنت در خانه فضیلت دارد این حکم در مورد سنت قبلیه وبعدیه است یا چطور؟

سنت بعد از مغرب: **سوال**: (۱۶۹۵) (۲) بعد از غرب که کدام ترغیب شش رکعت داده شده است اگر دورکعت آنها را اداء کند ممکن است یا نه؟

بعد از فرائض فورا سنت اداء کردن بکار است ویا تاخیر نیز کرده میتواند؟ **سوال**: (۱۶۹۶) (۳) بعد از فرائض که کدام نوافل است آنها را بعد از فرض فورا اداء کند ویا تا وقتیکه وقت باقي باشد آن را اداء نموده میتواند؟

جواب: (۱) این حکم براي هر دو سنن است لکن اگر بعد از فرض در حالت رفتن بطرف خانه یا بعد از رفتن بخانه احتمال واقع شدن کدام حرج باشد وهمچنان احتمال مبتلا شدن درامور دنیاوي باشد درآن صورت سنت را در مسجد اداء کند زیرا همچنان نیز ثابت است. [۳]

جواب: (۲) در مواد آن شش رکعت که کدام فضیلت آمده است علاوه از دو رکعت سنت مؤکد مغرب نیز داخل است واگر بعد از سنت مغرب تنها دورکعت نفل اداء کند درآن نیز ثواب است [۴]. فقط

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۸۸ ، ط. س. ج۲ ص۵۱۷. ظفیر

(۲) ولهٰذا كانت السنة المؤكدة قريبة من الواجب فی لحوق الاسم كما فی البحر ويستوجب تاركها التضليل واللوم كمافی التحرير ای علی سبيل الاصرار بلاعذر (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی السنن والنوافل ج۱ ص۶۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۲). ظفير

(۳) والافضل فی النفل غير التراويح المنزل الاّ لخوف شغل منها والاصح افضلية ماكان اخشع واخلص (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۸ ، ط. س. ج۲ ص۲۲). ظفير

(٤) ويستحب الخ وست بعد المغرب ليكتب من الاوّابين بتسليمة اوثلاث والاول ادوم واشق وهل تحسب المؤكدة من المستحب ويؤدي الكل بتسليمة واحدة اختار الكمال نعم (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۳). ظفير

جواب: (۳) تا وقتیکه گنجایش وقت نماز باشد تا به آن وقت براي نوافل مذکوره نیز وقت میباشد [۱] فقط (اما متصلا اداء نمودن آن اولی است. ظفیر)

حیثیت چهار رکعت سنت ظهر بعد از اداء نمودن فرض: **سوال:** (۱۶۹۷) نماز فرض ظهر را اداء نمود اکنون چهار رکعت سنت قبلیه نفل گردید یا بر حال خود سنت مؤکد باقي است؟

جواب: تا وقتیکه وقت باقي است تا به آن وقت چهار رکعت سنت قبلیه را اداء کردن سنت مؤکد است اگر قبل از فرض چهار رکعت سنت را اداء نکرد درآن اثنا بعد از فرض اداء نمودن آن بکار است [۲]. فقط

اگر بفراموشی در نیت سنت نام فرض را تذکر نماید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۶۹۸) اگر دروقت ظهر یا فجر در نیت سنت مؤکدة بفراموشي نیت فرض را کرد این سنت را چگونه ادا کند آیا نیت را بشکناند ودوباره نیت سنت را بکند ویا قلبا نیت نماید وفرض را بعد ازآن اداء کند یا چه باید کرد؟

جواب: نیت را بشکناند واز سر نو نیت سنت رابکند وثانیا تکبیر را به نیت بگوید. [۳]

سنت را در خانه اداء کردن بهتر أست: **سوال:** (۱۶۹۹) من سنت فجر را در خانه اداء مینمایم ومطابق روایت درالمختار وغیرها آن را ترجیح میدهم واز جواب مولانا اشرف علي معلوم میشود که سائر سنن مؤکده را در مسجد اداء کردن افضل است تا که تشبه با أهل بدعت نیاید چونکه در این مناطق تارکین سنن نیست، آیا در اینجا همچنان تشبه با أهل بدعت میشود یا نه؟

جواب: در احادیثی که در مورد اداء نمودن سنن ونوافل در خانه که کدام فضیلت آمده است مشهور ومعروف است وفقهاء کرام نیز علاوة از تراویح متباقي سنن ونوافل را در خانه اداء نمودن

---

(۱) لکن بهتر آنست که آن را متصل اداء کند زیرا فقهاء مي نویسند: ویکره تاخیر السنة الا بقدر اللهم انت السلام الخ قال الحلبی لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال قال الحلبی ان ارید بالکراهة التنزیهیة ارتفع الخلاف وفی حفظي حمله علی القلیلة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلٰوة ج۱ ص۴۹۴ ، ط. س. ج۲ ص۵۳۰). ظفیر

(۲) بخلاف سنة الظهر وکذا الجمعة ان خاف فوت رکعة یترکها ویقتدی ثم یاتی بها علی انها سنة فی وقته ای الظهر (درمختار) علی انها سنة ای اتفاقا وما فی الخانیة وغیرها من انها نفل عنده سنة عندهما فهو من تصرف المصنفین لان المذکور فی المسئلة الاختلاف فی تقدیمها اوتاخرها والاتفاق علی قضائها وهو اتفاق علی وقوعها سنة کما حققه فی الفتح وتبعه فی البحر والنهر وشرح المنیة (ردالمحتار، باب ادراک الفریضة ج۱ ص ۶۷۲ – ۶۷۳ ، ط. س. ج۲ ص۵۸). ظفیر

(۳) رجل افتتح المکتوبة فظن انها تطوع فصلی علی نیة التطوع حتی فرغ فالصلٰوة هی المکتوبة ولوکان الامر بالعکس فالجواب بالعکس الخ والنیة بدون التکبیر لیس بمخرج (عالمکیری کشوری الفصل الرابع فی النیة ج۱ ص ۶۴ – ۶۵ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۶۶). ظفیر

بهتر فرموده اند [۱] وبزرگان واکابر احناف مانند حضرت محدث وفقیه گنگوهي رح تعامل ایشان همچنان مشاهده شده أست ودرما حول واطراف شما وقتیکه چنان فرقه اهل بدعت وجود ندارد که آنها تارکین سنت باشند پس در فضیلت آن هیچ اشکالي باقی نمیماند. فقط

تسبیحات بعد از فرض وقبل از سنت مؤکده: **سوال:** (۱۷۰۰) یک نفر بعد از نماز فرض وقبل از سنت مؤکده تسبیحات وآیت الکرسي را میگوید وسپس ازآن سنت مؤکده را اداء مي نماید ومن شنیده ام که انحضرت ﷺ بعد از نمازهاي فرض دعا سلام را میخواندند وفورا سنت مؤکدش را اداء میفرمودند زیرا ملائکه فرض وسنت هر دو را بدرگاه إلهي میبرند وآن را پیش مي نمایند؟

جواب: خواندن آیت الکرسي وتسبیحات قبل از اداء نمودن سنن نیز جائز است ومعمول به اکابر وبزرگان میباشد واز احادیث هر دو امور ثابت است. [۲] فقط

بعد از نماز فرض ظهر معمول چهار رکعت چگونه است؟ **سوال:** (۱۷۰۱) یک نفر قبل از نماز فرض ظهر چها رکعت سنت ظهر را اداء میکند وبعد ازآن فرض را اداء مي نماید وبعد از اداء جماعت فرض ظهو دورکعت سنت را اداء نمیکند بلکه بجاي دورکعت چهار رکعت سنت را پیهم یکجا اداء مي نماید وعلی الدوام همچو تعامل دارد آیا درآن کدام حرج است یا نه؟

جواب: قال ابن الهمام وصرح جماعة من المشائخ انه یستحب اربع بعد الظهر لحدیث رووه وهو انه ﷺ قال من صلی اربعاً قبل الظهر واربعًا بعده حرمه الله علی النار. رواه ابوداؤد والترمذی والنسایي، ثم اختلف اهل هذا العصر فی انها یعتبر غیر رکعتی الراتبة اوبهما وعلی التقدیر الثانی قیل تؤدی بهما بتسلیمة واحدة اولا فقال جماعة لا لانه ان نوی عند التحریمة السنة لم یصدق فی الشفع الثانی او المستحب لم یصدق فی السنة ووقع عندی انه اذا صلی اربعًا بعد الظهر بتسلیمة اوثنتین لم یصدق فی السنة ووقع عندی انه اذا صلی اربعًا بعد الظهر بتسلیمة او ثنتین وقع عن

---

(۱) والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل الاّ لخوف شغل منها والاصح افضلیة ماکان اخشع واخلص (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۸ ، ط. س. ج۲ ص۲۲). ظفیر

(۲) وعن المغیرة بن شعبة ان النبی ﷺ کان یقول فی دبر کل صلوٰة مکتوبة لا اله الا الله وحده لا شریک له الخ متفق علیه (مشکوٰة باب الذکر بعد الصلوٰة ص۸۸) وعن علی قال سمعت رسول الله ﷺ علی اعواد هذا المنبر یقول من قرء أیة الکرسی فی دبر کل صلوٰة لم یمنعه من دخول الجنه الا الموت الخ قال اسناده ضعیف (ایضاً ص۸۹) قال الحلوانی لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص۴۹۴ ، ط. س. ج۱ ص۴۳۰). ظفیر

السنة والمندوب سواء احسسه الراتبة او لا. فتح القدير ص٣٨٦ مصرى. پس واضح گردید که اگر کسي بر استحباب عمل مي نماید وبعد از فرض ظهر تنها چهار رکعت را اداء میکند ودو رکعت سنت را علیحده نمیکند فلهذا بنا بر تحقیق ابن همام رح در این هیچ حرج نیست درآن چهار رکعت دو رکعت خود بخود سنت محسوب خواهد شد خواه نیت آن را کرده باشد یا نه البته مختار آنست که چهار رکعت را بعد از فرض ظهر به دو سلام اداء کند بخاطر آنکه در آن مورد کسي را اختلاف باقی نماند وبر آن حدیث نیز عمل شود که در آن آمده است: عن عائشة (رض) كان النبي ﷺ يصلي قبل الظهر أربعا ويعدها ركعتين، [1] الحديث. رواه مسلم وأبوداود، از روایت فوق چنان معلوم میشود که عادت مستمره نبي اکرم ﷺ قسما بود که دو رکعت سنت را بعد از نماز فرض ظهر اداء مي نمودند وبراي آنکه در آن کمال اتباع سرور کائنات حضرت محمد ﷺ است که دو رکعت سنت را علیحده بعد از فرض با اهتمام اداء نکند وبر چهار رکعت تداوم نمودن ودو رکعت سنت را علیحده نکردن مانع عمل بر حدیث حضرت عائشة رض است ودر اینده رعایت ان را درنظر داشتن بکار است. فقط

بعد از فرض تا به کدام حد تاخیر درسنت درست است: سوال: (۱۷۰۲) بعد ازتأخیر نمودن در سنت تا به کدام مقدار مستحب است وازکدام حد اضافه تر مکروه است بناء درآن مورد قول مفتی به احناف (رح) را با دلائل ذکر فرمائید؟

جواب: در درالمختار مذکور است: ويكره تأخير السنة الا بقدر اللهم أنت السلام [2] الخ، لكن مطلبش اینست که این أمر تقریبي است بناءا اگر ازآن دعاي بیشتر وغیره شود نیز درآن حرج نیست وصحیح آنست که در آن فصل بالاوراد کدام قباحت ندارد کما هو معمول مشايخنا قال الحلواني: لا بأس بالفصل بالاوراد واختاره الكمال [3]. فقط

بعد از فرائض سنت را درخانه اداء کند یا در مسجد؟ سوال: (۱۷۰۳) بعد از فرائض سنن را هرکسي درخانه خویش اداء کند یا درمسجد؟

جواب: فى الشامي: لاتفاق كلمة المشايخ على ان الافضل فى السنن حتى سنة المغرب المنزل

(۱) مطالعه کنید: مشكوٰة باب السنن ص۱۰٤. ظفير

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص٤٩٤ ، ط. س. ج۱ ص٥٣٠. ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص٤٩٤ ، ط. س. ج۱ ص٥٣٠. ظفير

ای فلا یکره الفصل بمسافة الطریق، شامی اوپه بل ځای کی مذکور دی: والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل الا لخوف شغل عنها والاصح افضلیة ماکان اخشع واخلص [۱]، از آن عبارت آخري واضح گردید که کدام أخشع واخلص باشد همان بهتر است اگر در اداء نمودن آن در مسجد خشوع زیاد باشد واخلاص بیشتر باشد ودرصورت رفتن به خانه درآن خوف تأخیر وغیره احساس شود درآن وقت در مسجد اداء نمودن سنن بهتر است. فقط

بعد از سنن ونوافل دعا انفرادا است واجتماعا ثابت نیست: سوال: (۱۷۰٤) بعد از سنن ونوافل نیز دعا خواستن بکار است یا نه؟ ویا بمجرد سلام گردانیدن رفتن بکار است اگر یک عالم بعد از سنن ونوافل دعا نخواست وبلا دعا رفت قابل نیکوهش است یا نه؟ وهرکسي که خودش دعا نمیکند ودعا کنندگان را تقبیح میکند وآنها را بد ورد میگوید واز دعا ایشان را منع مي نماید آیا او تمایل ملامتي است یانه؟

جواب: بعد ازدعا نمودن فرائض متفرق وپراگنده شدن بکار است وبعد از اداء نمودن سنن ونوافل برای مقتدیان پایبندي واهتمام دعای اجتماعي کردن بکار نیست وبعد از فرائض اگر کسي بطور مثال خانه میرود ودر آنجا سنت را اداء میکند او چرا پایبند کرده شود الغرض هر کسي که همچو تعامل دارد لائق نیکوهش وملامتي نیست واین طریقه که هر کسي که بعد ازاداء نمودن سنن ونوافل فارغ شود او دعا بخواهد وبرود ویا بعد از فرائض فورا بخانه برود ودر آنجا سنت را اداء کند ودرآن هیچ نوع مضایقه نمودن بکار نیست. فقط

قرائت در سنن ذي الشفعین: سوال: (۱۷۰۵) در سنن مؤکده ذي شفعین درهر شفعه آن قرائت واجب است یا فقط در شفعه أولین؟

جواب: در هر چهار رکعت قرائت واجب است [۲]. فقط

اگر امام از محراب علیحده شود وسنت را اداء می نماید وجه آن چیست؟ سوال: (۱۷۰٦) امام اگر از مصلی جماعت علیحده شود سنت ونفل را اداء مي نماید بناء اصل علت آن چیست؟ واگر بر آن جاي نماز سنت ونفل را اداء کند چگونه خواهد بود؟

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٣٨ ، ط. س. ج۲ ص۲۲. ظفیر

(۲) وتفرض القراءة عملا فی رکعتی الفرض الخ وکل النفل للمنفرد ولان کل شفع صلاة الخ وکل الوتر احتیاطا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر وللنوافل ج۱ ص٦٤٤ ، ط. س. ج۲ ص۲۸). ظفیر

جواب: اکنون اصل علت رفع اشتباه است واین بهتر است که در صورت اشتباه در مکان علیحده سنتؒ ونفل را اداء کند [۱] لکن اگر بر نفس مصلی نماز نفل سنت را اداء کند نیز درست است. لان بالسلام یحصل الفصل وکدام علت اصلي که درحدیث مذکور است که خلط فرائض بالنوافل واحتمال گمان زیادت فریضه است، الآن باقي نیست.

اگر سنت قبلیۂ جمعه را اداء کرده نتوانست چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۷۰۷) اگر چهار رکعت سنت قبلیۂ جمعه ترک شود. آیا بعد ازفرض جمعه آن را اداء کند یا نه؟

جواب: بعد از اداء نماز جمعه آن سنت قبلیه را اداء کند [۲].

در میان سنت وفرض سخن دنیاوی گفتن موجب کاهش ثواب میشود: **سوال:** (۱۷۰۸) هل الکلام الدنیوي بین السنة التي قبل الظهر والتي قبل الفجر وبین فرضیهما مفسد للسنة ام موجب لانحطاط ثواب السنة؟ وأیضا الاکل والشرب؟

جواب: موجب لنقص الثواب لامفسد لها قال في الدر المختار ولو تکلم بین السنة والفرض لا یسقطها ولکن ینقص ثوابها [۳]. فقط

وقتیکه سنت فجر ترک شود آن را چه وقت اداء کند؟ **سوال:** (۱۷۰۹) کسي که سنت فجر را اداء نکرد ودر قرض شرکت ورزید اکنون سنت را چه وقت ادا کند؟

جواب: اکنون اعادۂ سنت را بعد از فرض نکند بلکه بعد از طلوع آفتاب آن را اداء کند واین نفل خواهد شد [٤]. فقط

---

(۱) ویکره للامام التنفل فی مکانه لا للمؤتم وقیل یستحب کسر الصفوف وفی الخانیة یستحب للامام التحول لیمین القبلة یعنی یسار المصلی لتنفل او ورد وخیّره فی المنیة بین تحویله یمینا وشمالا واماماً وخلفا وذهابه لبیته الخ (درمختار) قوله ویکره الخ بل یتحول الخ وکذا یکره مکثه قاعدا فی مکانه مستقبل القبلة فی صلاة لا تطوع بعدها والکراهة تنزیهیة کمادلت علیه عبارة الخانیة الخ وقال لان المقصود من الانحراف وهو زوا ل الاشتباه ای اشتباه انه فی الصلٰوة (ردالمحتارقبیل فصل فی القراءة ج۱ ص ٤۹۵ وص٤۹٦ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۱). ظفیر

(۲) ولا یقضیها الا بطرّیق التبعیة لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده بخلاف سنة الظهر وکذا الجمعة فانه ان خاف فوت رکعة یترکها ویقتدی ثم یاتی بها علی انها سنة فی وقته قبل شفعه عندمحمد وبه یفتی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص٦۷۲ باب ادارک الفریضة ، ط. س. ج۲ ص۵۷). ظفیر

(۳) الدرالمختار باب الوتر والنوافل ج۱ ص ٦۹۵ ، ط. س. ج۲ ص۱۹. ظفیر

(٤) واذا خاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها والاً لا، ولا یقضیها الاً بطریق التبعیة بقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده (درمختار) اما اذا فاتت احدها فلا تقضی قبل طلوع الشمس بالاجماع لکراهة النفل بعد الصبح امابعد طلوع الشمس فکذلک عندهما وقال محمد احب الیّ ان یقضیها الی الزول الخ وقالا یقضی وان قضا فلا باس الخ وقال الخلاف فی انه لوقضیٰ کان نفلا مبتداً اوسنّة کذا فی العنایة یعنی مثلا عندهما سنة عنده کما ذکره فی الکافی اسمٰعیل (ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص٦۷۰ وص٦۷۲ ، ط. س. ج۲ =

تداوم بر سورة کافرون وسورة إخلاص در سنت فجر ومغرب وحکم آن: سوال: (۱۷۱۰) آیا جناب نبي اکرم ﷺ دراولین رکعت فجر ومغرب (قل یا أیها الکافرون) ودر رکعت دومین ایشان (قل هو الله أحد) را علی الدوام تلاوت مي نمودند واگر کسي بر آن تداوم نماید آیا نمازش مکروه خواهد شد یانه؟

جواب: تداوم همچنان نشده است زیرا در حدیث چنین آمده است که احیانا نبي اکرم ﷺ در سنن سورۂ کافرون و (قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ) را قرائت مي نمودند واحیانا (قُوْلُوْا آمَنَّا بِاللهِ) الآیة و (قُلْ یَا اَهْلَ الْکِتَابِ تَعَالَوْا) الایة را قرائت فرموده اند کما ورد في الحصن الحصین، واگر کسي آن دو سورت ها را در سنت فجر مستحب پنداشته تلاوت مي نماید درآن کراهیت نیست لکن بهتر آنست که احیانا یک سورة دیگر یا (قُوْلُوْا اٰمَنَّا بِاللهِ) الایة وغیره را قرائت کند. [1] فقط

اگر سنت فجر بعد از فرض اداء شود آیا در آن حرج است؟ سوال: (۱۷۱۱) اگر سنت فجر را اداء نمود بخاطر آنکه جماعت ترک نگردد بناءا قبل از طلوع آفتاب اداء نمودن آن سنت چگونه است؟ حالانکه بعضي مردم اداء نمودن آن را بعد از طلوع آفتاب بهتر میگویند؟

جواب: بعد از اداء نمودن فرض وقبل از طلوع آفتاب اداء کردن سنت مکروه است اگر میخواهد قضاء آن را بیاورد بعد از طلوع آفتاب آن را اداء کند ور نه نیازي براي آن نیز احساس نمیشود زیرا بطور استقلال قضاء سنت نیامده است البته اگر فرض همچنان باهم قضاء شده بود در آن صورت قبل الزوال قضاء سنت را نیز بجا آورد شامي در تحت قول در المختار: ولا یقضیها إلا بطریق التبعیة، مي نویسد: اي لا یقضي سنة الفجر إلا إذا فاتت مع الفجر فیقضیها تبعاً لقضائه لو قبل الزوال واما اذا فاتت احدهما فلا تقضي قبل طلوع الشمس بالاجماع الکراهة النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فکذلک عندهما وقال محمد (رح) احب إليّ ان یقضیها الی الزوال کما في الدر المختار الخ. [2] فقط

= ص۵٦). ظفیر الدین غفر له

(۱) وکره عندنا وعند مالک تعیین سورة ای غیر الفاتحة لصلاة من الصلوات الخ وقید الطحاوی والاسبیجابی الکراهة فیما اعتقد ان الصلٰوة لاتجوز بغیرها واما اذا لم یعتقد ذالک ولازمها بسهولتها علیه او تبرکا بقراءة النبی ﷺ ایاها کقراءة سبح اسم وقل یٰایها الکافرون والاخلاص فی الوتر وقراءة الکافرون والاخلاص فی سنة الفجر والغرب الخ فلایکره بل یکون حسنا فترکه مطلقا غیر مستحسن الخ (شرح نقایه فصل فی القراءة ج۱ ص۸۳). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص٦۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۷. ظفیر

نفل را قیاما اداء نمودن أفضل است یا به نشستن؟ سوال: (۱۷۱۲) (۱) نوافل که بعد از نمازهاي پنجگانه اداء میشود آیا آنها را بالالتزام در حالت قعود اداء نمودن بکار است یا در حالت قیام اداء کردن افضل است؟

آیا بعد ازرسیدن بمسجد نخست بنشیند سپس سنت را اداء کند؟ سوال: (۱۷۱۳) (۲) دراینجا علی العموم مردم معتقد اند وقتیکه براي نماز بمسجد بروند بعد از تکمیل وضوء ساعت اندک بنشیند سپس ازآن قیام نماید ونیت نماز را بکند واین طریقه وتعامل را مانند فرض وواجب مي پندارند بناءا آیا این طرز العمل از احادیث ثابت است یا خیر؟

جواب: (۱) اگر بنا بر معذرت نفل را نشسته اداء مي نماید جائز است وبا شخصیکه ایستاده نفل را اداء مي نماید درفضیلت یکسان میباشد: کما في جامع الرموز نقلا عن النهایة إن أجر صلوة القاعد بعذر یساوي صلوة القائم بالاجماع [1] الخ اگر چه قول بعضي آنست که در صورت ذکر شده تنها در ازالۂ مآثم صاحب عذر وسالم یکسان اتد لکن قول اول زیادتر مشهور است واگر بغیر از عذر نوافل را استثناء از شفعه بعد الوتر نشسته اداء می نماید در آن صورت مع الجواز درثواب حتما مناصفه میباشد: قال في الهدایة: ویصلي النافله قاعداً مع القدرة علی القیام لقوله ﷺ صلوة القاعد علی نصف من صلوة القائم [2]. واین جواز درچنان صورت است که درآن التنرام اداء نمودن بقعود نباشد تا که درنظر ناظرین گمان سُنیت یا وجوب اداءکردن نماز بشستن خطور نکند چنانچه در بعضي مناطق بعد از نماز ظهر ومغرب درمیان مردم دو کعت نماز اداء کردن بجلوس مروج شده است وعوام آن منطقه این نشستن را شرعا لازم مي پندارند بناء در همچو مکانها نشستن مذکور بلا شک مکروه است: کما في الخیریة: جلد۲ صفحه۳۲۳: کل مباح یؤدي الی زعم الجهال سنیة امرٍ ووجوبه فهو مکروه آه نقلاً عن القنیة، فلهذا در این مورد اصرار نمودن زید درآن قاعده داخل میباشد وکوشش نمودن بکار است که عادت فوق ترک شود، واما نفل بعد الوتر ازآن قاعده مستثنا است زیرا که اداء کردن آن بنشستن بحدیث ثابت است. فقط

جواب: (۲) مسنون همان است که بمسجد رفتن وبغیر ازنشستن دورکعت تحیة المسجد را اداء

(۱) جامع الرموز. ظفیر

(۲) هدایه باب النوافل ج۱ ص۱۳۳ . ظفیر

کند واگر نخست نشست شاید که این ترک اولی باشد وفقهاءکرام (رح) حدیث صحیحین را بر ترک اولی حمل نموده اند. بعد از نشستن اداء نمودن آن را ضروري پنداشتن بر دو وجه خلاف مشروع است یکي آنکه خلاف حدیث صحیحین است: إذا دخل احدکم المسجد فلا یجلس حتّٰی یصلّي رکعتین ودوم آنکه طبق قاعده مذکوره این طرز وطریقه نیز مکروه میباشد کما في الخیریة: جلد۲ ص۳۳۳: کل مباح یؤدي الی زعم الجهال سنیة امرٍ او وجوبه فهو مکروه آه نقلاً عن القنیة.

در حالت نشستن نفل اداء نمودن باعث ثواب است یانه؟ **سوال:** (۱۷۱۳) در حالت قعود نفل اداء کردن موجب ثواب است یا نه؟ وهمچنان بعد الوتر حکم نفل چیست؟

جواب: اگر نفل را نشسته اداء مینماید در آن صورت طبق احادیث نصف ثواب برایش حاصل میشود [1].

صلاة الاوابین: **سوال:** (۱۷۱٤) صلاة الاوابین را بیست رکعت اداء نمودن بکار است یا شش رکعت صحیح کدام است؟

جواب: درمورد صلاة الاوابین هر دو روایت صحیح است زیرا شش رکعت نیز آمده است وبیست رکعت همچنان آمده است وهر یکي آن را که اداء کرد بهتر وخوبتر است اما مذهب اکثر علماء آنست که شش رکعت است [2]. فقط

بعد از وتر نفل را نشسته اداء کند یا ایستاده؟ **سوال:** (۱۷۱۵) بعد از وتر نوافل را نشسته اداء نمودن بهتر است یا به ایستادن؟ وآیا به اداء نمودن نوافل در حالت نشستن همانقدر ثواب حاصل میگردد چنانچه به ایستادن حاصل میشود؟

جواب: در اداء نمودن نوافل در حالت نشستن عموما ومطلقا ثواب نصف حاصل میشود وآن حضرت ﷺ از آن حکم مستثنی است زیرا براي آنجناب ﷺ در آن صورت ثواب کامل حاصل

---

(۱) ویتنفل مع قدرته علی القیام قاعداً ابتداء وبناء (الی قوله) وفیه اجر غیر النبی ﷺ النصف الا بعذر (در مختار) ففی صحیح مسلم عن عبدالله بن عمرو قلت حدثت رسول الله انک قلت صلاة الرجل قاعداً علی نصف الصلٰوة وانت تصلی قاعدا قال اجل ولکنی لست کاحد منکم (الی قوله) حدیث البخاری من صلی قائما فهو افضل ومن صلی قاعدا فله نصف اجر القائم الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٥٢). ظفیر الدین غفر له

(۲) وان تطوع بعد المغرب بست رکعات کتب من الاوّابین الخ (غنیة المستملی ص۳۲۹) وبعد مغرب دو رکعت سنت وبعد ازآن شش رکعت دیگر مستحب است آن راصلٰوة الاوابین گوئید وبروایتی بعد مغرب بیست رکعت آمده (ما لابد منه ص ٦٧) عن عائشة رضي الله عنها قالت قال رسول الله ﷺ من صلی بعدالمغرب عشرین رکعة بنی الله له بیتا فی الجنة رواه الترمذی (مشکوٰة باب السنن ص۱۰٤). ظفیر

میگردید، بناء بعد از وتر بنشستن اداء نمودن نوافل موافق قاعده اداء کننده مستحق نیم ثواب میباشد البته بعضي علماء میفرمایند که بعض از وتر دو کعت نفل را نشسته اداء کردن مستحب است، چنانچه قاضي ثناء الله صاحب نیز ان را اختیار نموده است (۱) بخاطر آنکه ازآنحضرت ﷺ همچنان ثابت است، حضرت مولانا گنگوهي (رح) در مورد نوافل بعد الوتر نیز اگر نشسته اداء شود ثواب آن را نصف فرموده است وهمین سخن راجح معلوم میشود (۲).

نوافل قبل الوتر وبعد الوتر: سوال: (۱۷۱۶) دروقت عشاء کدام نوافل بعد الوتر وقبل الوتر است درآن ترجیح براي کدام است؟

جواب: در وقت نماز عشاء بعد از ادا نمودن فرض دورکعت سنت مؤکده است وبعد ازآن چهار رکعت یا دو رکعت نفل ومستحب است وسپس ازآن وتر را اداء کند وبعد از وتر نفل نیست یعني قسمیکه مروج است بعد از وتر دو کعت را نشسشه اداء میکنند درآن مورد حکم نیست. فقط

بعد از اقامت سنت فجر را تا به کدام وقت اداء کرده میتواند؟ سوال: (۱۷۱۷) بعد از جماعت فجر سنت را تا به چه وقت اداء کرده میتواند؟ اگر سنت را اداء نکرد وبا جماعت شریک شد بناء سنت را چه وقت اداء نمودن بکار است وهمچنان بعد از اقامت سنت را درکجا اداء کند؟

جواب: بعد ازآنکه تکبیر نماز فجر خوانده شد نیز اداء نمودن سنت بکار است لکن آن مکان سنت را اداء نکند در جائیکه فرض خوانده میشود بلکه اگر جماعت در داخل قائم باشد در خارج بالاي فرش بلکه از فرش جدا اگر گنجایش باشد درآنجا سنت را اداء کند ودر فرض شامل شود اگر امید دریافتن یک رکعت فرض باشد بازهم سنت را اداء کند وبعضي فرموده اند

---

(۱) ویتنفل مع قدرته على القيام قاعدا لامضطجعا الا بعذر ابتداءاً وكذا بناءاً بعد الشروع بلا كراهة فى الاصح كعكسه، بحر، وفيه اجر غير النبى ﷺ على النصف الا بعذر(درمختار) اما النبى ﷺ فمن خصائصه ان نافلته قاعدا مع القدرة على القيام كنافلته قائما فى صحيح مسلم عن عبدالله بن عمروقلت حدثت يارسول الله انک قلت صلوٰة الرجل قاعدا على نصف الصلاة وانت تصلى قاعداً قال اجل ولكنى لست كاحد منكم بحر، ملخصا (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۵۲ ، ط. س. ج۲ ص۳۶). ظفير

(۲) ویتنفل مع قدرته على القيام قاعدا لامضطجعا الا بعذر ابتداءاً وكذا بناءاً بعد الشروع بلا كراهة فى الاصح كعكسه، بحر، وفيه اجر غير النبى ﷺ على النصف الا بعذر(درمختار) اما النبى ﷺ فمن خصائصه ان نافلته قاعدا مع القدرة على القيام كنافلته قائما فى صحيح مسلم عن عبدالله بن عمروقلت حدثت يارسول الله انک قلت صلوٰة الرجل قاعدا على نصف الصلاة وانت تصلى قاعداً قال اجل ولكنى لست كاحد منكم بحر، ملخصا (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۵۲ ، ط. س. ج۲ ص۳۶). ظفير

(۱) اگر التحیات را دریافت نموده میتواند نیز سنت را اداء کند بهر حال چونکه در مورد سنت فجر تاکید زیاد شده است بناءا آن را ترک نباید کرد لکن درآن مکان آن را اداء نکند در جائیکه جماعت فرض قائم واداء میگردد (۲) ودرآن مورد آثار صحالجه کرام رض نیز موجود است وتحقیق این موضوع در شرح منیه است واگر سنت را اداء نکرد وبا امام شریک شد سپس بعد از فرض وقبل از طلوع آفتاب سنت را اداء نکند واگر بعداز طلوع آفتاب آن را اداء مي نماید برایش اختیار است زیرا اکنون آن نفل است اگر میخواهد آن را اداء کند ورنه اداء نکند (۳). فقط

مسائل سنن غیر مؤکده

بعد الوتر نوافل درست است: سوال: (۱۷۱۸) بعضي مردم میگویند که بعد الوتر هیچ سجده نیست وآن عده مردم که بعد از وتر آن را میکنند جائز نیست این سخن تا بکدام حد درست است؟

جواب: بعد الوتر ادا نمودن نفل جائز است چنانچه بعضي صحابه کرام (رض) بعد از عشاء وتر را اداء میکردند درآواخر شب تهجد اداء نمودند فلهذا معلوم شد که بعد الوتر نوافل ممنوع نیست علاوه از آن جناب نبي اکرم ﷺ بعد الوتر دو رکعت نفل اداء نموده اند البته بعد الوتر یا بعد از نمازهاي دیگر بغیر از کدام وجه علیحده سجده کردن ممنوع است چنانچه در الدر المختار مذکور است: لکنّها تکره بعد الصلوة الخ (٤) فقط.

جماعت در تهجد رمضان: سوال: (۱۷۱۹) (۱) نماز تهجد را درماه مبارک رمضان با جماعت اداء نمودن ودرآن قرآن شریف را شنیدن بکار است یانه؟

جماعت سائر نوافل: **سوال:** (۱۷۲۰) (۲) علاوه از تراویح وتهجد سائر نوافل را باجماعت اداء

---

(۱) واذا خاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها (الی قوله) والاّ بان رجا ادراک رکعة فی ظاهر المذهب وقیل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالی تبعا للبحر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص۶۷۰ ، ط. س. ج۲ ص۵٦). ظفیر

(۲) لا یترکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا والاّ ترکها لان ترک المکروه مقدم علی فعل السنة (در مختار) قوله باب المسجد ای خارج المسجد(الی قوله) فاذا لم یکن علی باب المسجدموضع للصلاة یصلیها فی المسجد خلف سارية من سواری المسجد واشدها کراهة ان یصلیها مخالطا للصف مخالفا للجماعة (ردالمحتار ج ۱ص ٦٧١ ، ط. س. ج۲ ص٥٦). ظفیر

(۳) واما لو فاتت وحدها فلا تقضی قبل طلوع الشمس (الی قوله) قوله احب الی دلیل علی انه لو لم یفعل لا لوم علیه الخ وقال الخلاف فی انه لو قضی کان نفلا مبتداءً اوسنة (ایضًا ج۱ ص٦٧٢ ، ط. س. ج۲ ص٥٦). ظفیر

(٤) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة مطلب في سجدة الشکر ج۱ ص٧٣١، ط. س. ج۲ ص١٢٠. ظفیر

نمودن ودرآن قرآن کریم را قرائت کردن وسمع نمودن جائز است یانه؟

بعد از رمضان جماعت تهجد ونوافل: سوال: (۱۷۲۱) (۳) علاوه از رمضان المبارک نوافل وتهجد را با جماعت اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: (۱۹) اقول وبالله التوفيق: نماز تهجدی را بتداعي (مردم را دعوت کردن) بجماعت اداء نمودن مکروه است ونبي اکرم ﷺ که درسه شب جماعت آن را اداء نموده بودند آن نماز تراویح بود واز تحقیق علامة شامي نیز همین ظاهر میشود وحضرت مولانا حجة الواصلین قدوة العارفین عمدة الفقهاء والمحدثین مولانا رشید احمد گنگوهي (رح) در رساله تراویح خویش نیز همان تحقیق را فرموده.است وهمچنان بعد از نقل نمودن حدیث مذکور میفرمایند: ازآن معلوم میشود که هردو نمازها تراویح وتهجد جدا جدا میباشند وجناب رسول الله ﷺ علی الدوام تهجد را اداء مي نمودند وهیچگاه ابتداعي جماعت آن را نفرموده اند الخ ودر جاي دیگر در رساله مذکور میفرمایند: واز فعل جناب رسول الله ﷺ صراحة ثابت نشده است وقتیکه ایشان سه روز تراویح اداء فرموده بودند درآواخر تهجد نموده بودند یا نه؟ والله اعلم. (لکن از فعل بعضي صحاب کرام نشاني آن معلوم میشود الخ سپس ازآن تحریر میفرمایند: لهذا اگر رسول اکرم ﷺ تمامي شب درتراویح سپري نموده باشند بناءا وهم تهجد در آن تداخل شده است الخ. غرض آنکه حضرت مولانا قدس سره عین تحقیق را فرموده است که کدام نمازهاي را که آن حضرت ﷺ سه روز در رمضان بجماعت اداء فرموده بودند آن نماز تراویح بود ونماز تهجد را علیحده اداء نموده بودند ویا تداخل شده است ودیگر آنکه نماز تهجد بجماعت نیست همین سخن از اکثر احادیث ثابت میگردد فقهاء وعلماء احناف همان تحقیق را فرموده اند ودر الدر المختار مذکور است: ولا یصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اي یکره ذلک لوعلی سبیل التداعي بأن یقتدي اربعة بواحد الخ، الدر المختار. واز آن روایت که در رمضان المبارک اداء نمودن تطوع بجماعت مفهوم میشود مراد ازآن نماز تراویح است قسمیکه علامه شامي در آن موقع تحریر فرموده است: ویؤیده ایضا ما في البدائع من قوله أن الجماعة في التطوع لیست بسنة إلا في قیام رمضان آه شامي [۱] وهمچنان میفرمایند: والنفل بالجماعة غیر مستحب [۲] لانه

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل بعدمبحث التروایح ج۱ ص۶۶۳، ط. س. ج۲ ص۴۸. ظفیر

(۲) ایضا. ظفیر الدین

لم تفعله الصحابة في غير رمضان الخ شامي وظاهر است که کدام جماعت را که صحابه کرام در رمضان شریف اداء کرده بودند آن جماعت تراویح بود چنانچه از فعل حضرت عمر (رض) وسائر صحابه کرام ظاهر است واطلاق قیام رمضان نیز بر آن کرده شده است.

حکم نوافل بتداعی در رمضان المبارک: **سوال**: (۱۷۲۲) (۱) در ماه رمضان المبارک بتداعي کدام جماعت نفل بلا کراهیت جائز است؟

تفصیل تداعی وکراهیت: **سوال**: (۱۷۲۳) (۲) در عبارات کتاب هاي فقه مراد از تداعي چیست واز مکروه چه مراد است تحریمي یا تنزیهي؟

علاوه از ماه رمضان آیا در ماه های دیگر جماعت وتر درست است؟ **سوال**: (۱۷۲٤) (۳) فتح القدیر کتاب الصلاة در تحت این قول هدایة: ولا یصلي الوتر بجماعة في غیر شهر رمضان علیه اجماع المسلمین است: لانه نفل من وجه والجماعة في النفل فی غیر رمضان مکروهة، فلهذا علاوه از ماه رمضان اگر وتر بجماعت اداء شود آیا کراهیت تحریمي باشد یا تنزیهي وهمچنان درآن فرق میان تداعي وغیر تداعي باشد یانه؟

در رمضان تهجد بجماعت: **سوال**: (۱۷۲۵) (٤) علی هذا حکم جماعت تهجد در رمضان چیست؟

در رمضان در تهجد اگر دو یا چهار نفر دوچار شوند؟ **سوال**: (۱۷۲٦) (٥) اگر یک شخص در رمضان بتهجد آغاز نماید ودر ادا تنها دو یا چهار مسلمان بیایند وبدنبال او اقتداء نمایند چه حکم دارد؟

جواب: (۱ – ۲) قال في الدر المختار: ولا یصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اي یکره ذلک علی سبیل التداعي أن یقتدي أربعة بواحد الخ [1] در ماه مبارک رمضان بتداعي جماعت وتر وتراویح جائز مشروع ومسنون است ومتباقی نوافل علاوه از تراویح در رمضان المبارک بتداعي نیز مکروه است ومعنی تداعي را صاحب در المختتار بیان فرموده است که: بأن یقتدي أربعة بواحد.

جواب: (۳) اگر احیانا اتفاقا باشد کراهیت تنزیهي است واگر بر آن مواظبت شود در آن صورت کراهیت تحریمي میباشد خواه بتداعي باشد یا بلا تداعي باشد، ثم إن کان ذلک احیانا

---

(۱) ایضاً ج۱ ص ٦٦٣ ، ط. س. ج۲ ص٤٨. ظفیر

كما فعل عمر رض كان مباحاً غير مكروه اي تحريمي وإن كان على سبيل المواظبة كان بدعة مكروهة لاَنّهُ خلاف المتوارث. شامي [1] از توضيح فوق معلوم شد كه در آن تداعي وغير تداعي يكسان ميباشد ولفظ بدعت دلالت مي نمايد بر كراهيت تحريمي كما لايخفى.

جواب: (٤) بغير از تداعي جائز است واما با تداعي مكروه تحريمي ميباشد [2].

جواب: (٥) اقتداء يک يا دو بلا كراهيت جايز است واما در سه خلاف است وازآن زياد مكروه است: (قوله اربعة بواحد) اما اقتداء واحد بواحد او اثنين بواحد فلا يكره وثلاثة بواحد فيه خلاف بحر عن الكافي وهل يحصل بهذا الاقتداء فضيلة الجماعة ظاهر ما قدمناه من اَن الجماعة في التطوع ليست بسنة يفيد عدمه، تأمل، بقي لو اقتدى به واحد او اثنان ثم جاءت جماعة اقتدوا به قال الرضي ينبغي ان تكون الكراهة على المتاخرين شامي [3] بناء واضح گرديد كه اگر بنابر شهرت در جماعت افزايش آمد تداعي خود بخود ثابت گرديد وبر امام لازم شد كه آن را منع نمايد. فقط

نوافل در شب قدر شب برات ومعراج: **سوال:** (۱۷۲۷) در شب قدر شب معراج وشب برات ومانند همچو شبها در مساجد جمع شدن نوافل نمودن ووظائف قرائت كردن چگونه است؟

جواب: احيان نمودن همچو شبها مستحب است وعند الله شب هاي مذكور بسيار مبارک ومملوء الفيض است ودرآن شب ها هرقدريكه عبادت شود باعث اجر مزيد است، لكن نوافل را باجماعت اداء نمودن بكار نيست زيرا كه بدعت ومكروه است [4] بلكه هرواحد جدا وعليحده

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل بعد مبحث التراويح ج۱ ص۶۶۳ ، ط. س. ج۲ ص۴۸. ظفير

(۲) دليل همان است كه در مسئله اولى نقل كرده شد لكن شيخ الاسلام حضرت مدني رح تهجد را در رمضان المبارک بجماعت اداء مي نمود ودر استدلال كه كدام وقت عبارت فتح الباري وغيره را نقل مي نمود در آنجا اين عبارت شامي را نيز نقل مي فرمود: والنفل بالجماعة غير مستحب لانه لم تفعله في غير رمضان أيضا، ونيز ميفرمودند كه تهجد همچنان در نوافل رمضان داخل است ومفتي علام بوجه لفظ بدعت مكروه تحريمي نوشت قسميكه در مسئله اولى ايشان بحث نموده اند لكن علامه شامي كه كدام عبارت بدائع وغيره را نقل نموده است از آن تنها آنقدر معلوم ميشود كه مخالف طريقه مسنون واستحباب است چنانچه سر انجام خود ايشان مي نگارد: وهو كالصريح في أنها كراهية تنزيهية، لكن اگر تهجد در نوافل رمضان محسوب شود ويقينا اين نوافل است ودر رمضان آن را بجماعت اداء كرد درآن كراهيت همچنان نيست والله اعلم. ظفير

(۳) ردالمحتار باب ايضاً ج۱ ص۶٦٤ ، ط. س. ج۲ ص۴۹. ظفير

(٤) واعلم ان النفل بالجماعة على سبيل التداعى مكروه على ماتقدم الخ فعلم ان كلا من صلاة الرغائب ليلة اول جمعة من رجب وصلوٰة البراءة ليلة النصف من شعبان وصلوٰة القدر ليلة السابع والعشرين من رمضان بالجماعة بدعة مكروهة الخ (غنية المستملى باب النوافل ج۱ ص٤۱۱). ظفير

قرآن را تلاوت نماید نوافل وغیره را اداء کند ودرآن شب ها نیاز براي اجتماع خاص احساس نمیشود. فقط

هشت رکعت نفل شبانه بیک سلام وطریقه آن: **سوال**: (۱۷۲۸) من درکتاب بنام رکن دین مطالعه نمودم که از طرف شب هشت رکعت نفل را بیک سلام اداء کرده میتواند لکن در مورد قعده چیزي نوشته است آیا بعد ازدو رکعت قعده نمودن ودرآن درود شریف ودعا خواندن بکار است یانه؟

جواب: قعده بعد ازهردو رکعت کردن بکار است واما درود شریف ودعا نمودن درقعده آخیر بکار است [1]. فقط

نفل رابلزوم نمودن لازم نمیشود: **سوال**: (۱۷۲۹) اگر یک نفر مرتکب گناه شود وسپس از آن بر ذمه خویش واجب گرداند آن راکه بعد از نماز کدام نوافل که اداء میشود من آن را حتما وضروری اداء خواهم نمود براي آنکه نفس اراده گناه را نکند بناء آیا نفل مذکرر بر ذمه او واجب است یا نه؟

جواب: واجب نیست وبر ذمه او واجب آنست که توبه واستغفار کند. فقط

نوافل بجبر نقصان فرائض: **سوال**: (۱۷۳۰) یک نفر نوافل را بر این نیت اداء مي نماید که بدان جبر نقصان فرائض شود آیا این نیت صحیح است یانه؟

جواب: این مضمون در حدیث مبارک است که نوافل جبیرهٔ نقصان فرائض میشود فلهذا نیت این شخص صحیح است. [2] فقط

مراد از سکینه چیست؟ **سوال**: (۱۷۳۱) در حدیث شریف آمده است که یک صحابي رض در نماز تهجد سورت کهف را قرائت نمود واسپ او در پهلویش متصل بسته شده بود که درآن اثنا روشني از سوي آسمان بفرود آمدن آغاز نمود، الحدیث. که براي نبي اکرم ﷺ در آن مورد ذکر فرموده شد آنجناب فرمودند که این سکینه است. وشرح سکینه بنزد محققین چگونه است ودرعصر موجوده بکثرت اداء نمودن نوافل نزول سکینه ممکن است یانه؟

---

(۱) وتکره الزیادة علی اربع فی نفل النهار وعلی ثمان لیلا بتسلیمة لانه لم یرد والافضل فیها الرباع بتسلیمة وقالا فی اللیل المثنی افضل قیل وبه یفتی الخ لان کل شفع صلٰوة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۲ ، ط. س. ج۲ ص۱۵). ظفیر

(۲) ویاتی بالسنة مطلقا الخ لکونها مکملات واما فی حقه علیه الصلاة والسلام فلزیادة الدرجات (باب ادراک الفریضة ج۱ص، ط. س. ج۲ ص۶۰). ظفیر

جواب: قال في اللمعات في شرح الحديث المذكور قوله السكينة هي الطمانينة وهي يجئ بمعنى الرحمة وبمعنى التاني والوقار وقيل هي ما يحصل به السكون وصفاء القلب وذهاب الظلمة النفسانية ونزول الرحمانية والحضور والذوق (۱). ترجمه: مراد از سکینه طمانیت رحمت وآنچیزي است که بذریعۀ آن سکون وصفاي قلب حاصل میشود وظلمت نفساني دور گردد ودیگر آنکه باعث نزول رحمت باشد اگر بحضور قلب نمازها اداء شود درزمانه موجوده نیز آن چیز حاصل خواهد شد که آن را سکینه گفته میشود.

نیت زیادتر از هشت رکعت مکروه تحریمی است یاتنزیهی ونماز نفل درعیدگاه وداخل وخارج مسجد: **سوال:** (۱۷۳۲) نیت نمودن هشت یا پیشتر از هشت رکعت نفل مکروه تحریمي است یا تنزیهي وبالای فرش عیدگاه نماز دیگر چرا مکروه است ودر فضیلت داخل وخارج مسجد یکسان است ویا کم وزیاد میباشد؟

جواب: در کتاب هاي فقه در مورد نوافل چنین نوشته است که در نوافل روز نیت زیاد از چهار رکعت درصورت وحدت نیت مکروه است پس معلوم شد که از طرف شب هشت رکعت نفل را بیک نیت اداء نمودن بلا کراهیت درست است البته ازآن زیادتر مکروه میباشد ومراد از مکروه مذکور مکروه تنزیهي است زیرا در شامي گفته است که بعضي مشایخ آن را مکروه نمیگویند بناءا واضح گردید که مسئله مذکوره مختلف فیه است واین نشاني کراهیت تنزیهي است. (۲) وبر فرش عیدگاه سائر نمازها بلا کراهیت جائز است وفضیلت مسجد داخل وخارج هر دو یکسان است (۳). فقط

سنن ونوافل درمنزل افضل است وبوجه عذر در مسجد نیز افضل میباشد: **سوال:** (۱۷۳۳) بعد ازاداء فرائض سنت را درمنزل خویش اداء نمودن بکار است یا در مسجد براي آنکه منزل بعضي نمازگذاران بنجاه گز وبعض صد (۱۰۰) گز وبعض ازآن نیز دورتر میباشد

---

(۱) مطالعه فرمائید: حاشیه مشکوٰة باب فضائل القرآن ص ۱۸٤ . ظفیر

(۲) وتكره الزيادة على اربع فى نفل النهار وعلى ثمان ليلا بتسليمة لانه لم يرد والافضل فيهما الرباع بتسليمة (درمختار) نعم وقع الاختلاف بين المشائخ المتأخرين فى الزيادة على الثمانية ليلا فقال بعضهم لايكره واليه ذهب شمس الائمة السرخسى الخ (ردالمحتارباب الوتر والنوافل مطلب فى لفظة ثمان ج۱ ص ٦۳۴ – ٦۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۵). ظفير

(۳) اما المتخذة لصلاة جنازة اوعيد فهو مسجد فى حق جواز الاقتداء وان انفصل الصفوف رفقا للناس (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة الخ مطلب فى احكام المسجدج۱ ص٦۱۵، ط. س. ج۱ ص٦۵۷) از این معلوم شد که همچو نمازها بدرجه اولی مجاز است. ظفیر

وظاهر است که در برما وگجرات هندوستان وقتیکه آنها نماز فرض را در مسجد اداء کنند وبطرف منزل میروند درراه با دوست مسلمان یا مشرک یا مشوکه ملاقات مي نماید وحتما بعضي مذاکرات دنیاوي فیما بین ایشان صورت میگیرد غرض آنکه قبل از مواصلت نمودن بمنزل نقیصه هاي گوناگون را در راه مرتکب میشوند بناء در همچو صورت براي اداء نمودن سنت بمنزل رفتن افضل است ویا در مسجد اداء نمودن آن افضل میباشد؟

جواب: قال في الدر المختار: والافضل في النفل غير التراويح المنزل إلا لخوف شغل عنها الخ. ونیز در شامي است: وحيث كان هذا افضل يراعي ما لم يلزم منه خوف شغل عنها لو ذهب لبيته او كان في بيته ما يشغل باله ويقلل خشوعه فيصليها حينئذ في المسجد لأن اعتبار الخشوع ارجح الخ (۱) از عبارات فوق الذکر معلوم شد که براي اداء نمودن سنن ونوافل منزل افضل است لکن اگر در راه احساس خوف پریشاني قلب نماز خوان باشد وهمچنان احساس عدم حصول خشوع شود ویا بسبب گفتگوي غیر ضروري احساس درکاهش ثواب شود بناء در همچو صورت اداء نمودن در مسجد افضل است زیرا که زیادتر درآن مورد رعایت خشوع وخضوع باید مد نظر گرفته شود ودر جائیکه خشوع وخضوع بر آورده میشود همان جاي افضل تر است فقط.

صلاة الاوابين وركعات تهجد ونماز تراويح: سوال: (۱۷۳٤) صلاة الاوابين چند رکعت است وهمچنان تهجد چند رکعت میباشد وآیا جماعت نماز تراویح در منزل افضل است یا در مسجد ودر یک مسجد جماعت دوم تراویح افضل است یا درمنزل؟

جواب: صلاة الاوابين علاوه از دورکعت سنت مؤکده مغرب (۲) شش رکعت است ونماز تهجد هشت رکعت است وزیاد تابه دوازده واندازه کم آن دورکعت میباشد (۳) وجماعت نماز تراویح در مسجد افضل است (٤) وجماعت دوم تراویح در مسجد اداء کردن بکار نیست.

---

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۸ ، ط. س. ج۲ ص۲۲. ظفير

(۲) وستّ بعد المغرب ليكتب من الاوابين بتسليمة او ثنتين اوثلاث والاول ادوم واشق (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى السنن والنوافل ج۱ ص۶۳۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۳). ظفير

(۳) وصلاة الليل واقلها على مافى الجوهرة ثمان (درمختار) قيد بقوله على مافى الجوهرة لانه فى الحاوى القدسى قال يصلى ما سهل عليه ولوركعتين والسنة فيها ثمان ركعات باربع تسليمات (ردالمحتار مطلب فى صلاة الليل ج۱ ص ٦٤٠ – ٦٤١ ، ط. س. ج۲ ص۲٤). ظفير

(٤) والجماعة فيهاسنة على الكفاية الخ فالمسجدفيها افضل قاله الحلبى (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار مبحث فى التراويح ج۱ ص٦٦١، ط.س. ج۲ ص٤٥) وظاهر كلامهم هنا ان المسنون كفاية اقامتها بالجماعة فى المسجد حتى لو اقاموها جماعة فى بيوتهم ولم تقم فى المسجد اثم الكل (ردالمحتار ايضاً). ظفير

با جماعت نفل جائز است یانه؟ **سوال:** (۱۷۳۵) نفل با جماعت جائز است یانه ومن در یک کتاب عبارت ذیل رامطالعه نموده ام از مخدوم جهانیان در جامع العلوم است که ایشان بعد از چهار رکعت نماز با امامت نمودند سلطان فیروزشاه وعلماء درآن بودند علمای آن گفتند: نماز نفل با جماعت نزد امام أبو حنيفة مکروه است، مي آورد که ایشان روي مبارک بر بادشاه آوردند وفرمودند که درکتاب کافي است: يجوز للمؤمنين أن يعمل في العبادات على مذهب غيره وفي المعاملات لا يجوز والتطوع بالجماعة يجوز عند الشافعي (رح) علمای آن بقول ایشان اعتراف نمودند بینوا تؤجروا.

جواب: نفل با جماعت اداء نمودن بکار نیست وتفسیر تداعي آنست که چهار مقتدیان در جماعت باشند در آن صورت بالاتفاق مکروه است واگر مقتدیان سه نفر باشند درآن خلاف است واگر یک یا دو مقتدیان باشند درآن کراهیت نیست. کذا في الشامي [1] حاصل آنکه کدام جماعت نفل که بعد از عید میشود ترک نمودن آن ضروري است واکنون چونکه ترک گردیده بناءا هر گز آن را معاد وجاري کردن بکار نیست ور نه مرتکب جاري نمودن گناه بدعت خواهد باشد، کما في الحديث. وکدام عبارت جامع العلوم را که شما بحواله مخدوم جهانیان نقل نمودید آن حجت نیست وبر آن استدلال کردن بکار نیست. فقط

جماعت نفل بعد از تراویح: **سوال:** (۱۷۳۶) آیا بعد از اداء نمودن تراویح سه نفر بخاطر حصول ثواب نفل را باجماعت اداء کرده میتوانند ویا آنکه بعد از تراویح مطلقا جماعت نفل درست نیست خواه اداء کنندگان در عدد کم باشند یا زیاد؟

جواب: جماعت نفل علاوه از تراویح سنت ومستحب نیست بلکه در بعضی صورت ها مکروه ودربعضی مباح است براي آن اجازت فضیلت جماعت است اما باجماعت نکردن اولی است لهذا مطلقا جماعت نفل ننمودن بکار است در الدرالمختار مذکور است: ولا يصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان أي يکره ذالک وعلى سبيل التداعي بأن يقتدي اربعة بواحد کما في الدرر، ويؤيده أيضا ما في البدائع من قوله أن الجماعة في التطوع ليست بسنة إلا في قيام

---

(۱) ولايصلی الوتر ولاالتطوع بجماعة خارج رمضان ای يکره ذالک لوعلی سبيل التداعی بان يقتدی اربعة بواحد (درمختار) قوله اربعة بواحد اما اقتداء واحد اواثنين بواحد فلايکره وثلاثة بواحد فيه خلاف الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص ۶۶۳ – ۶۶۴ ، ط. س. ج۲ ص۴۸). ظفير

رمضان (۱) الخ از این عبارت واضح گردید که علاوه از تراویح متباقي هیچ نوافل را با جماعت ادا نمودن بکار نیست.

سوال: (۱۷۳۷) در نماز نفل حساب کردن بر انگشت ها جائز است یانه؟

جواب: اگر همانطور حساب بیادش نمیشود پس به اشارۂ انگشتان حساب نمودن درست است. (۲) فقط

جائیکه فرض را اداء کند ازان مکان جدا نفل اداء نمودن بکار است: **سوال:** (۱۷۳۸) از احادیث بعد از اداء فرائض تبدیلي مکان در مسجد بخاطر اداء سنت ونفل بابت میشود یا نه؟ وقبادله مکان بعد از اداء فرض براي سنت ونفل که این مسنون میباشد آیا این تبادله منحصر بمسجد است ویا براي نمازگذار که در منزل نماز را اداء مي نماید براي او نیز مسنون میباشد؟

جواب: قال في الدرالمختار: وفي الجوهرة: ویکره للامام التنفل في مکانه لا للمؤتم وقیل یستحب کسر الصفوف وفي الخانیة یستحب للامام التحول لیمین القبلة یعنی یسار المصلي الخ وفي رد المحتار: قوله لا للمؤتم ومثله المنفرد لما في المنیة او شرحها اما المقتدي والمنفرد فانهما إن لبثا او قام إلى التطوع في مکانهما الذی صلیا فیه المکتوبة جاز والاحسن ان یتطوعا في مکان آخر الخ قوله وقیل یستحب کسر الصفوف لیزول الاشتباه عن الداخل المعاین لکل في الصلوة البعید عن الامام وذکره في البدائع والذخیرة عن محمد ونص في المحیط علی أنه السنة کما في الحلیة الخ شامي (۳) از عبارات واضح وهویدا است که عند الاحناف رح نیز کسر الصفوف وپیش وپس ویکسو وسوي دیگر شدن سنت ونوافل را اداء نمودن مستحب است از عبارت شامي که در مورد منفرد است معلوم میشود که براي آنکس که نفل را در منزل اداء مي نماید افضل آن ست که مکان را تبدیل نماید ونفل را اداء کند. فقط

بعد ازعشاء وبعد ازدو رکعت سنت نفل کردن: **سوال:** (۱۷۳۹) بعد ازاداء نمودن فرض عشاء وبعد از دورکعت سنت که دو رکعت نفل را اداء مي نمـاید آیا از رسول الله ﷺ این دو

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۶۳ ، ط. س. ج۲ ص۴۸. ظفیر

(۲) وکره تنزیهاعدُّ الای والسور فی الید فی الصلٰوة مطلقًا ولو نفلا (درمختار) قوله ولو نفلا: بیان الاطلاق وهٰذا باتفاق اصحابنا فی ظاهر الروایة ومن الصاحبین فی غیر ظاهر الروایة عنهما انه لاباس به وقیل الخلاف فی الفرائض ولا کراهة فی النوافل اتفاقا وقیل في النوافل ولا خلاف في الکراهة في الفرائض، نهر (ردالمحتار باب مایکره فی الصلاة ج۱ ص۶۰۸ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۰). ظفیر

(۳) ردالمحتار، باب صفة الصلاة قبیل فصل القراءة ج۱ ص۴۹۵ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۰. ظفیر

ركعت ثابت است يانه؟

جواب: بعد از دوركعت سنت مؤكد عشاء دو يا چهار ركعت نفل اداء كردن قبل الوتر مستحب است چنانچه درحديث حضرت عائشه رض است قالت: ما صلى رسول الله ﷺ العشاءُ قط فدخل عليَّ الا أربع ركعات أو ست ركعات رواه أبو داود [1].

در قعده اولى سنن قبل ازعشاء وقبل العصر درود ودعا هردو را بخواند ياتنها التحيات را؟ **سوال:** (١٧٤٠) قبل از نماز فرض عشاء وعصر در ميان چهار ركعت سنن در قعده وسطاني تنها بعد از خواندن تشهد ايستادن بكار است ويا آنكه درود شريف را نيز بخواند؟

(٢) اگر نيت چهار ركعت نفل كرده شد پس در همچو حالت در قعده وسطاني تنها بعد از خواندن تشهد متباقي ركعات را كامل نمايد ويا آنكه درود ودعا را نيز بخواند؟

جواب: (١ – ٢) در الدر المختار مذكور است: كه علاوه از سنن ظهر وجمعه در قعدهٔ اولى سنن ونوافل چهار ركعت متباقى درود شريف ودر ركعت سوم تعوذ وثناء را بگويد: وفي البواقي من ذوات الاربع يصلي على النبي ﷺ ويستفتح ويتعوذ الخ. [2]

نفل را بعد ازوتر چگونه اداء كند؟ **سوال:** (١٧٤١) نفل را بعد الوتر نشسته اداء كند يا ايستاده واز نبي اكرم ﷺ چگونه ثابت است؟

جواب: بهر دو طريقه درست است اما ايستاده اداء نمودن دوچند ثواب دارد نسبت به نشسته ونبي اكرم ﷺ اين نفل مذكور را نشسته اداء نموده اند لكن آنجناب ﷺ را درحالت نشسته نيز ثواب در همچو اداء نمودن حاصل ميشود واين مسئله از أحاديث ثابت است [3].

در يوم جمعه نفل چاشت چگونه است؟ **سوال:** (١٧٤٢) نماز نفل خصوصا در روز جمعه در وقت چاشت اداء كردن از قول امام أبو يوسف ثابت ميشود در الدر المختار نوشته است: كره تحريما الخ استواء إلا نفل يوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد كذا في الاشباه ونقل الحاوي عن الحلبي ان عليه الفتوى. درفتاوى قاضي خان مذكور است: وعن أبي يوسف (رح) قال يجوز التطوع عند انتصاف يوم الجمعة ، چونكه علامه شامي در رد المحتار زياد چيزي اختلاف

---

(١) مشكوة باب السنن ص١٠٤ فصل ثاني . ظفير

(٢) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٣٣ ، ط. س. ج٢ ص١٦. ظفير

(٣) ويتنفل مع قدرته على القيام قاعدا لا مضطجعا الا بعذر ابتداءاً وكذا بناءاً بعد الشروع بلا كراهة فى الاصح كعكسه وفيه اجر غير النبى ﷺ على النصف الاّ بعذر (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٥٣ ، ط. س. ج٢ ص٣٦). ظفير

نموده است فلهذا بعضي از آن ممانعت مي فرما يند بناءا شرعا حکم چیست؟

جواب: ممانعت آن احوط است قسمیکه در شامي ذکر شده است [۱].

نماز عشق: سوال: (۱۷۴۳) اگر کسي نماز عشق را طوري اداء کند که در قیام بیست دفعه ذکر لفظ الله را قلبا قسمي بکند چنانچه در خارج مي نماید وبعد ازآن دررکوع ده (۱۰) دفعه وده (۱۰) دفعه درقومه وده (۱۰) دفعه در سجده سپس ده (۱۰) دفعه درجلسه بگوید وبعد از اختتام نماز درود: اللهم صلي وسلم وبارک علی من اسمه سیدنا محمد عدد ما في علم الله صلاة دائمة بدوام ملک الله، را بکثرت بگوید وبعد ازآن دعا بخواهد: اللهم اجعلني مَحْبُوسَ محبتک ومسجون عشقک ومفتون شوقک ومجنون لقائک واعطِني داء محبتک یا أهل المشتاقین وارزقني داء محبّتک یا ارحم الراحمین، در قلب ذکرآن قسمیکه خارج صلاة میشود آیا در نماز همچنان جائز است یانه؟ واداء نمودن همچو نماز درشریعت وطریقت جائز است ویا درآن مورد حکم دیگر است فلهذا اگر در آن مورد اندک تحقیق شود بهتر خواهد بود، ودیگر آنکه در نماز تصور شیخ کردن جواز دارد یا نه؟ دراین منطقه بعضي علماء همچو تصور کننده گان را کافر میگویند بناء درآن آغشته ومبتلی باشد آیا اوکافر است یا نه؟

جواب: در مورد نماز عشق که شما تحریر فرمودید بنابر قاعدۀ شریعت کدام اصل برایش معلوم نمیشود ودر طریقت نیز آن عبادت قابل اعتبار است که در شریعت ثبوت داشته پاشد وشرعا جائز بود وازنگاه شریعت بناء بر طریقۀ مذکوره نماز وجود ندارد لکن درآن مورد کدام سخن کفر ومعصیت همچنان نیست البته آنقدر است که خلاف طریقۀ مسنون است وچونکه درآن علاوه از ذکر قلبي دیگر چیزي از اوراد درآن نماز نیست فلهذا براي کفر هیچ وجه نست البته اگر تصور شیخ را عمدا در نماز طوري مي کند که بالقصد صورت شیخ درپیش نظر باشد درآن صورت ناجائز میباشد اگر چه با آنهم کفر نیست لکن همچو کردن بکار نیست زیرا مشایخ کرام که اجازه تصور شیخ را میدهند مطلب ازآن اینست که با شیخ خود طوري محبت شود که بغیر از اراده تصور شیخ در قلب شود وتعلق وروابط قلبي حاصل گردد وچنان نباید کرد که بالقصد صورت شیخ را پیش نظر نماید بلکه مثال تصور شیخ که کدام جائز است طوري بکار است

---

(۱) لکن شراح الهدایة انتصروا لقول الامام واجابوا عن الحدیث المذکور باحادیث النهی عن الصلوة وقت الاستواء فانها محرمة (ردالمحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳۴۵، ط. س. ج۱ ص۳۷۳). ظفیر

قسمیکه براي عاشق محبت کننده بغیر از اراده تصور محبوب خویش میشود ودرآن هیچ اختیار نمیباشد واین یک مرتبه خاص است یعني فنا في الشیخ، بناءا ضروري است که در نماز ازتصور ذکر شده اجتناب شود وازآن خود داري نماید وباقي آنکه بر حالت عدم اختیاري هیچ حکم شده نمیتواند زیرا او معذور ومجبور است در مورد نماز عشق که شما نگاشته نمودید اگر تصور شیخ بالاختیار ودرآن بطرف غیر الله توجه نباشد پس تنها ذکر قلبي بطریقۀ مذکوره علاوه از قرائت وتسبیح وغیره ضروریات نماز فرائض وسنن وآداب باشد درآن تنها آنقدر تأمل است که در قیام بعد از خواندن فاتحه وسورة براي ذکر قلبي مزید قیام وایستادن است وتأخیر نمودن در ذهاب إلى الرکوع خلاف قواعد شرعیه است. زیرا درآن مورد حکم آنست که بعد از قرائت فاتحه وسورت فورا رکوع کند وهمچنان بعد از فارغ شدن از تسبیح رکوع فورا قومه کند وهمانطور وبهمان منوال حکم در سائر نماز است. پس تأخیري که در هر جاي بخاطر ذکر قلبي میشود خلاف نماز شرعي است بناء بنظر بندهٔ عاجز احوط آنست که ازآن طریقۀ نماز که فوقا ذکر شد خود داري کند وطبق قواعد شرعیه نمازرا اداء کند وخارج الصلاة بسیار وقت زیاد برایش میسر است که درآن موافق میلان قلبي خود هر چند که میخواهد مطابق خواهش خود ذکر باید کرد واگر کدام بزرگ براي یک مرید بطور علاج این فعل را کرده باشد پس ضروري نیست که آن را تداوم بخشد وهمیشه آن را انجام نماید. فقط والسلام مع الاکرام والله تعالى اعلم بالصواب.

نفل کننده بوجه آواز بلند وتلاوت جهیر شخص دیگر نماز را ترک نگوید: سوال:

(۱۷۴۴) یک نفر در مسجد نفل میخواند وشخصي به آواز بلند در طلب دعا پرداخت وقرائت آیات قرآن مجید را آغاز نمود بناءا آیا نفل کننده نماز را ترک کند وایت هاي قرآن را استماع کند ویا نفل را به انجام رساند وهر کسي که رعایت نفل را نکرد براي او چه حکم است؟

جواب: شخص نفل کننده نماز خود را ترک نکند وآنکس که به آواز بلند طلب دعا مي نماید وجهراً دعا را شروع کرد او در حقیقت عمل بي مورد وغیر سودمند را مرتکب شده است بناءا براي او بکار است که آهسته وبطورخفیه دعا بخواهد وقرآن مجید را نیز آهسته تلاوت نماید ونفل کننده بخاطر استماع قرآن ترک نمودن بکار نیست زیرا او در آن اثناء گنهکار نمیشود وگنهکار کسي میباشد که در همچو موارد به آواز بلند تلاوت مي نماید [1]. فقط

(۱) الاّ انه یجب على القارى احترامه بان لا یقرأ فى الاسواق ومواضع الاشتغال فاذا قرأ فیها کان هو المضیع لحرمة فیکون الاثم علیه دون =

طول قرائت در نوافل: **سوال:** (۱۷۴۵) نوافل را بطول قرائت اداء نمودن بهتر است ویا تلاوت قرآن مجید أفضل است؟

جواب: اداء نمودن نوافل بتطویل قرائت بهتر است [۱]. فقط

نماز نفل بشروع شدن واجب میشود اگر شروع آن صحیح باشد: **سوال:** (۱۷۴۶) اگر کسي نفل را شروع نمود سپس وقتیکه یک رکعت را اداء نمود درآن اثنا برایش معلوم شد که لباس وي نجس است او نماز را بعد از شروع شکستاند آیا اعاده نمودن این نماز واجب است یا نه؟

جواب: در این مورد مسئله آنست که نفل بشروع نمودن واجب میشود فلهذا وقتیکه کسي بعد از شروع نمودن نماز نفل بکدام وجه نفل را ترک نمود سپس اعاده نمودن نفل مذکور بر ذمه او واجب است هکذا في کتب الفقه لکن در الدرالمختار مذکور است: که اگر شروعش صحیح نبود اعاده اش واجب نمیگردد، عبارته: ولزم نفل شرع فیه الخ شروعا صحیحا [۲] الخ چونکه در صورت مذکور شروع صحیح نشده است زیرا لباس نماز گذار از آغاز پلید میباشد بناءا اعاده این نماز واجب نخواهد باشد. فقط

قبل ازنماز عشاء چهار رکعت سنت: **سوال:** (۱۷۴۷) قبل العشاء حکم چهار رکعت سنت چیست؟

جواب: قبل از نماز عشاء چهار رکعت سنت اداء نمودن مستحب وافضل است، سنت مؤکد نمیباشد [۳] زیرا سنن مؤکده در شبانه روز دوازده رکعت است چهار رکعت قبل از نماز ظهر ودو رکعت بعد از نماز ظهر ودو رکعت بعد از نماز مغرب ودو رکعت بعد از نماز عشاء ودو رکعت

= اهل الاشتغال دفعًا للحرج فی الزامهم ترک اسبابهم المحتاج الیها وکذا لو قرأ عند من یشتغل بالتدریس اوبتکرار الفقه لانه اذا أبیح ترک الاستماع لضرورة المعاش الدنیوی فَلَأنْ یباح لضرورة الامر الدینی اولی فیکون الاثم علی القاری هٰذا اذًا سبق الدرس علی القراءة (غنیة المسملی فصل فی احکام زلة القاری فوائد ص۴۶۵). ظفیر

(۱) وکثرة الرکوع والسجود احب من طول القیام کما فی المجتبی ورجحه فی البحر لکن نظر فیه فی النهر من ثلاثة اوجه ونقل عن المعراج ان هٰذا قول محمد وان مذهب الامام افضلیة القیام وصححه فی البدایع قلت وهٰکذا رأیته بنسختی المجتبی معزیا لمحمد فقط فتنبه (درمختار) واقوی دلیل ایضا علی افضلیة طول القیام انه ﷺ کان یقوم اللیل الاّ قلیلا وکان لا یزید علی احدی عشرة رکعة الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۴). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۴۵ . ظفیر

(۳) ویستحب اربع قبل العشاء وبعدها بتسلیمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۲). ظفیر

قبل از فرض نماز فجر که سائر آنها دوازده رکعت سنت مؤکده است [۱] وقبل العصر چهار رکعت یا دو رکعت وهمچنان قبل از نماز عشاء چهار رکعت یا دورکعت آنها مستحب اند لقوله: بین کل آذانین الصلوة، الحدیث [۲]. فقط

تحية المسجد را در وقت دخول مسجد اداء کند ویا بعد از نشستن: سوال: (۱۷۴۸) زید وقتیکه بمسجد آید نخست جلوس مي نماید سپس قیام مي ورزد تحیة الوضوء ونوافل وغیره را اداء مي کند خالد میگوید که اکثر اوقات رسول اکرم ﷺ بمسجد تشریف فرما میشدند واکثر صحابه کرام رض کدام وقت که بمسجد داخل میشدند ایشان دورکعت تحیة الوضوء را ادا مي نمودند سپس قعود مي نمودند بناءا درآن مورد براي قول کدام کس ترجیح است؟

جواب: اولی ومستحب آن ست که اگر در وقت دخول مسجد وضوء داشته باشد وگنجایش وقت نیز باشد در این صورت اول دو رکعت تحیة المسجد را اداء کند سپس بنشیند [۳] وکدام رواج که روي کار وساخته شده است که در وقت دخول مسجد اول جلوس می نماید پس از آن تحیة المسجد وغیره را اداء مي کند هیچ اصل ندارد. فقط

صلاة الاوابين وتحقيق آن: سوال: (۱۷۴۹) در مشارق الانوار درمورد صلاة الاوابین نوشته است که: أواب در لغت وقتي را گویند که در آن وقت پاهاي بچه شتر از حرارت بسوزش درآید وآن وقت یازده ونیم (۱۱:۳۰) بجه روز باشد، در حقیقت وقت صلاة الاوابین بعد المغرب است یا آن وقت فوق الذکر ویا هر دو اوقات است وبتقدیر ثاني اولویت براي کدام است؟

جواب: معنی أوابین بسوي الله پاک جل وعلا رجوع کنندگان پس بنابر این اعتبار سائر نمازها را اوابین گفته میشود لکن در احادیث اطلاق أوابین بر نوافل دو اوقات آمده است یکي بر صلاة الضحی چنانچه در سؤال درج است ودوم بر نوافل بعد المغرب قسمیکه درکبیر شرح منیه منقول است: وإن تطوع بعد المغوب بست رکعات فهو افضل لحدیث ابن عمر رض انه قال من صلی

---

(۱) وسن مؤكدا اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة واربع بعدها بتسليمة الخ وركعتان قبل الصبح وبعد الظهر المغرب والعشاء (ايضاً، ط. س. ج۲ ص۱۲). ظفير

(۲) مشكوٰة المصابيح باب فضل الاذان فصل اول ص٦٥ . ظفير

(۳) ويسن تحية رب المسجد وهى ركعتان واداء الفرض وغيره وكذادخوله بنية فرض اواقتداء ينوب عنها بلانية وتكفيه لكل يوم مرة ولاتسقط بالجلوس عندنا (درمختار) والحاصل ان المطلوب من داخل المسجد ان يصلى فيه ليكون ذالک تحية لربه الخ والاّ لزم فعلها بعد الجلوس وهوخلاف الاولى الخ اما حديث الصحيحين اذا دخل احدكم المسجد فلا يجلس حتى يصلى ركعتين فهو بيان للاولى (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى تحية المسجد ج۱ ص ٦٣٥ – ٦٣٦ ، ط. س. ج۲ ص۱۸). ظفير

بعد المغرب ست ركعات كتب من الاوابين وتلا: إنه كان للاوابين غفورا، [۱] الاية پس بنا برحديث دوم اطلاق صلاة الاوابين اكثرا برنوافل بعد المغرب ميشود قال في الدر المختار: وست بعد المغرب ليكتب من الاوابين [۲] الخ واز آن انكار نيست كه صلوة ضحى نيز صلوة اوٰابين است بلكه صلوة الضحى را همچنان صلوة أوابين گفته ميتوانيم. فقط والله تعالى اعلم.

قبل از عشاء چهار ركعت سنن وثبوت آن: سوال: (۱۷۵۰) زيد ادعا دارد كه قبل از نماز عشاء ثبوت چهار ركعات به هيچ كدام حديث صحيح استوار نيست آيا اين از حديث ثابت است يا نه؟

جواب: درالدر المختار مذكور است: ويستحب أربع في العصر وقبل العشاء وبعدها بتسليمة وان شاء ركعتين [۳] الخ از اين عبارت معلوم شد كه قبل العصر وقبل العشا در اداء نمودن دو يا چهار ركعت اختيار است واين سنت مؤكد نميباشد بلكه مستحب است اگر پسندش باشد آن را اداء كند واگر نباشد آن را اداء نكنند لكن در اداء نمودن آن ثواب است واز حديث: بين كل اذانين صلوة [٤] استحباب نوافل قبل العشاء نيز ثابت است. البته قبل المغرب عند الاحناف هيچ نفل نيست كه تائيد آن از حديث بريدة الاسلمي رض ميشود.

بعد از شركت نمودن در دعاى مروجه خلاف سنت است: سوال: (۱۷۵۱) در اينجا طريقه موجود است كه إمام فرض مغرب را اداء كند وبعد از اداء نمودن سنت ومزيد دو كعت نفل سه بار دعا مي نمايد اكنون براي زيد صلاة اوابين در پيش باقي مانده آيا او با سنت متصل در ادا نمودن نفل مشغول شود ويا با امام در دعا شركت نمايد بناء اگر نفل كردن افضل باشد دركجا آن را اداء كند حالانكه امام در دعا كردن مصروف است ودعا ميكند؟

جواب: هر كسي كه اراده اداء نمودن نوافل أوابين را دارد او بايد براي دعاي رسمي امام انتظار نكند زيرا اين طريقه دعا بذات خود خلاف سنت است واما نوافل در هر جائيكه برايش موقع ميسر شد درآنجا آن را اداءكند. فقط

نوافل در ميان فرائض وسنت مؤكده: سوال: (۱۷٥٤) در ميان سنت مؤكده وفرائض نوافل

---

(۱) غنية المستملى شرح منية المصلى فصل فى النوافل ص۳٦۹ . ظفير

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۳۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۲. ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۲. ظفير

(٤) مطالعه فرمائيد: مشكوٰة المصابيح عن البخارى ومسلم باب فضل الاذان ص ٦٥ . ظفير

را اداء کرده میتواند یا نه؟ اگر بجماعت وقت باشد پس در نوافل مصروف شدن چگونه است؟

جواب: بعد از ادا نمودن سنت مؤکده بجماعت وقت باشد در نوافل مشغول شدن کدام حرج ندارد اما استثناء از سنت فجر که بعد ازآن تا به طلوع وارتفاع آفتاب نوافل درست نیست در الدر المختار مذکور است: وکذا الحکم من کراهة نفل الخ بعد طلوع فجر سوی سننه (۱) فلهذا در اوقات متباقي بطور مثال در وقت نماز ظهر بعد از اداء نمودن سنت مؤکد اگر گنجایش وقت باشد درنوافل مشغول گردد در آن کدام حرج نیست زیرا آن وقت کراهیت نیست.

قبل العصر چهار رکعت مستحب: **سوال**: (۱۷۵۳) چهار رکعت مستحب عصر را ما علی الدوام مانند چهار رکعت سنت مؤکد اداء مي نمودیم یک بزرگ صاحب میفرماید که خصوصا در چهار رکعت مستحب ونوافل عصر بعد از تشهد وسطاني حتما درود شریف ودعا را بخوانید وبعد ازآن قیام نمائید ومتباقي دو رکعت را اداء کنید؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: که قبل الظهر وقبل الجمعة علاوه از چهار رکعت سنن در میان سنن ونوافل متباقي بعد از تشهد درود شریف را بگوید ودر شفعه ثاني ثناء واعوذ بالله نیز بگوید. شامي آن را راجح واقوی فرموده است وقول دیگر را در الدر المختار چنین نوشته است: که در قعده وسطاني درود شریف وغیره را نگوید لکن آن را شامي ضعیف خوانده است لکن صاحب قنیة تصحیح آن را فرموده است بنا برآن بلا شک قبل العصر در چهار رکعت سنن بعد از تشهد وسطاني درود شریف ودرشفعه ثاني ثناء وغیره خواندن بکار ایست وباقي اگر کسي آن را نگوید در آن کدام حرج نیست زیرا این نیز یک قول است: ویل لا یاتي في الکل وصححه في المنیة در المختار (۲). فقط

اگر فرائض قضاء شده بذمه باشد آیا برایش سنت ونوافل درست است: **سوال**: (۱۷٥٤) اگر بدوش کسي نمازهاي قضاء شده دو یاسه ساله باشد آیا براي اونوافل وسنت جائز است یا نه؟

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوٰة ص ۳٤۹ ، ط. س. ج۱ ص۳۷٥. ظفیر

(۲) ولا یصلی علی النبی ﷺ فی القعدة الاولی فی الاربع قبل الظهر والجمعة وبعدها ولو صلی ناسیا فعلیه السهو وقیل لا، ولایستفتح اذا قام الی الثالثة منها لانها لتاکدها اشبهت الفریضة وفی البواقی من ذوات الاربع یصلی علی النبی ﷺ ویستفتح ویتعوذ ولونذرا لان کل شفع صلاة وقیل لایاتی فی الکل وصححه القنیة (در مختار) قوله لان کل شفع صلاة قدمنا بیان ذالک فی اول بحث الواجبات والمراد من بعض الاوجه قوله قیل لا الخ قال فی البحر ولایخفی مافیه والظاهر الاول زاد فی المنح ومن ثم اولنا علیه وحکینا مافی القنیة بقیل (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۱٦). ظفیر

اگر سنن ونوافل را اداء کند آیا برایش باعث ثواب است یا نه؟

جواب: براي او اداء نمودن سنن ونوافل درست وباعث ثواب است زیرا هیچ یک عمل نیک یک عمل کننده ضائع نمیشود [۱]. فقط

در سنن قرائت جهری بهتر است یا سري؟ **سوال**: (۱۷۵۵) نوافل وسنن را طور خفیه اداء نمودن افضل است یا جهرا بخاطر آنکه از خیالات نجات یابد؟

جواب: در نوافل وسنن روز سرا قرائت نمودن بکار است نه جهرا ونه طوري قرائت کند که فهمیده نشود البته در نوافل شب برایش اختیار است خواه جهرا قرائت مي نماید یا سرا، درالدر المختار مذکور است: کمتنفل بالنهار انه یسرّ ویخیر المنفرد في الجهر ان ادّی کمتنفل باللیل منفردا الخ الدر المختار [۲]. فقط

بعد از ظهر مغرب وعشاء نوافل را به پابندی اداء نمودن ضروری است یا احیانا آن را ترک کند: **سوال**: (۱۷۵۶) در اوقات ظهر مغرب وعشاء بعد از اداء نمودن دو رکعت سنن دو رکعت را اداء میکند این نفل را علی الدوام کردن واحیانا ترک نمودن افضل است ویا بعضي اوقات ترک نمودن آن مناسب است؟

جواب: در اداء نمودن نوافل اختیار است خواه آن را احیانا ترک مي نماید ویا علی الدوام با پنداشتن نفل آن را اداء مي کند زیرا درآن چنان اندیشه وتشویش نیست که آن را کسي فرض پندارد اما با آنهم بهتر است که احیانا آن را ترک کند. [۳]



(۱) وسنّ مؤکدا اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة واربع بعدها بتسلیمة الخ شرعت البعدیة لجبر النقصان والقبلیة لقطع طمع الشیطان ویستحب اربع قبل العصر وقبل العشاء الخ (درمختار) قوله سنّ مؤکدا ای استنانا مؤکدا الخ ولهٰذا کانت السنة المؤکدة قریبة من الواجب فی لحوق الاثم کما فی البحر ویستوجب تارکها التضلیل واللوم کما فی التحریر (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ص۶۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۲). ظفیر

(۲) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب صفة الصلٰوة فصل فی القراءة ج۱ ص۴۹۸ ، ط. س. ج۲ ص۴۵۳. ظفیر

(۳) ویستحب اربع قبل العصر وقبل العشآء وبعدها بتسلیمة وان شاء رکعتین وکذا بعد الظهر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۰، ط.س. ج۲ ۱۳) وبه یظهر ان کون ترک المستحب راجعا الی خلاف الاولی ولایلزم عنه ان یکون مکروها (ردالمحتار، باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۶۱۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۵). ظفیر

فصل رابع

مسائل تراويح

ركعات تراويح: سوال: (١٧٥٧) بحواله اخبار البريد مؤرخه ٢٥ جون سنۀ ١٩١٨ ع مطابق ١٥ رمضان المبارک ازکانپور بیان تراويح بعد از اداء نمودن فرض وسنت عشاء بيست ٢٠ رکعت تراويح ادا كردن مسنون است وآن عده مردم که تراويح را با وتر هشت ٨ یا یازده ١١ رکعت میگویند غلط است اگر هشت ٨ رکعت تراويح غلط باشد پس معنی این عبارت ابن الهمام چیست که در فتح القدير مي نويسد: فحصل من هذا كله ان قيام رمضان سنة احدى عشر ركعة بالوتر في جماعة فعله ﷺ ثم تركه لعذر وكونها عشرين سنة الخلفاء الراشدين تأسف است که اگر شما فتوی جواز را نمیدادید پس غلط آن را نیز نمیگفتید زیرا که یک سخن را بغير از تحقيق غلط قرار دادن بعيد از انسانيت است اکنون از آنجناب التماس مي نمايم که اگر واقعا هشت ٨ رکعت ثابت نباشد آن را بالدليل تحرير فرمائيد وعلاوه ازآن براي مايان دليل ثبوت بیست ٢٠ رکعات تراويح از حديث صحيح نشان وبيان فرمائيد براي آنکه از ثواب آن ما نیز محروم باقي نمانیم وبعضي ميگويند که بیست ٢٠ رکعت تراويح از حضرت عمر رض به ثابت است فلهذا ثبوت آن ادعا را از روايت صحيح پیش نمائيد؟

جواب: سائر وجمهور احناف بیست رکعت تراويح را سنت مؤکد میگویند که همان قول محقق وراجح است فلهذا در این مورد قول علامه ابن الهمام در مقابل جمهور احناف رح قابل قبول نیست [1] وآنچه که بحوالۀ البريد شما كدام سخن را نقل فرموديد که بعض مردم تراويح را یازده

---

(١) وهي عشرون ركعة الخ بعشر تسليمات (درمختار) وهو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا وعن مالک ست وثلاثون وذكر في الفتح ان مقتضى الدليل كون المسنون منها ثمانية والباقي مستحبا، وتمامه في البحر وذكرت جوابه فيما علقته عليه (ردالمحتار مبحث التراويح ص٦٦٠ ، ط. س. ج٢ ص٤٥) وذكر في الاختيار ان ابايوسف سأل ابا حنيفة عنها وما فعله عمر فقال التراويح سنة مؤكدة ولم يتخرجه عمر من تلقاء نفسه ولم يكن فيه مبتدعا ولم يامر به الا عن اصل لديه وعهد من رسول الله ﷺ (البحر الرائق باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٦) ما حصل آنست که حضرت عمر رض باجماع صحابه کرام بیست رکعت تراويح را ترويج نموده اند در آن مورد بدقت تفکر بکار است که آنجناب ﷺ بغير از كدام اصل دست داشته چگونه همچو حکم کرده میتوانست؟ با آنهم که در مصنف ابن ابي شيبه طبراني وبيهقي این حديث موجود است که راوي آن حضرت عبد الله بن عباس (رض) است: رسول الله يصلي في رمضان عشرين ركعة سوى الوتر وبوجه یک راوي که او یقینا بعد از عهد صحابه کرام است آن را ضعيف گردانیدن وانکار نمودن از بیست كعت تراويح به هيچ طرح درست نیست وآن حديث عائشة که با رمضان وغير رمضان هر دو متعلق است بر آن استدلال هيچ وجه درست نيست زيرا تراويح تنها =

یا هشت رکعت بالوتر اداء مي نمایند الخ مطلب آن اینست که آن عده مردمیکه هشت رکعت تراویح اداء مي کنند وبراي مردم نیز همچو حکم مي نمایند واز هشت زیادتر را بدعت مي پندارند وازآن ممانعت مي ورزند سائر آن غلط است بناء در این مورد مطلوب تغلیط امام ابن الهمام (رح) نیست بلکه مقصود تغلیط غیر مقلدین لامذهب هستند که آنها بیست رکعت تراویح را بدعت عمري میگویند والعیاذ بالله قال: اتبعوا سنتی وسنة الخلفاء الراشدین المهدیین فکیف تکون سنة الخلفاء بدعة. فقط

با وجود تراو در مسجد جامع در مسجد همجوارش نیز تراویح درست است: سوال:

(۱۷۵۸) وقتیکه در مسجد جامع شهر از زمان طویل المدت بجماعت تراویح اداء میشود فلهذا در مسجد نزدیک مسجد جامع قائم نمودن جماعت تراویح چگونه است؟ آیا مسجد دوم در حکم مسجد ضرار داخل باشد یا نه؟

جواب: قائم نمودن جماعت تراویح در مسجد دوم که قریب مسجد جامع قرار دارد موافق طریقهٔ مسنون است وقائم نمودن جماعت تراویح در هر مسجد سخن پسندیده است وذریعهٔ حصول ثواب میباشد بناء صادر نمودن حکم مسجد ضرار براي مسجد دوم ناشي از جهالت ونا واقفیت مفتي میباشد نه ازحکم شریعت [1]. فقط

براي مردم قریه گفتن که درمسجد خود تراویح اداء کنید این چگونه است؟ سوال:

(۱۷۵۹) جواب استفتاء مواصلت نمود ودرآن مزید طوالت شده است ومقدمه دعوا در محکمه دائر است واز جانب دیگر مردم این نوع شهادت داده اند که من او را گفته ام که در جماعت تراویح در مسجد جامع شرکت نه ورزد بلکه این مسجد قریه است در آن جماعت تراویح قطعا نمیشود قرآن پاک را بشنود، اگر آن الفاظ را من نگفته ام لکن وقتیکه شهادت حلفي شده است

= دو یا سه شب شده است، دیگر آنکه بحدیث روایت بیست اجماع صحابه است واین سخن مسلّم است که بدعت هشت رکعت تراویح را تنها صد ساله میشود که غیر مقلدین آن را نافذ نموده اند وقبل از آن مدت هشت رکعت تراویح با جماعت اداء نمودن هیچگاه ثابت نیست ودر حدیث عائشة چهار رکعت بیک سلام ذکر شده است حالانکه غیر مقلدین دو رکعت را بیک سلام أداء مي نماید ودرآن مورد بخاطر روشن شدن موضوع شما رسالهٔ رکعات تراویح مد حضرت الاستاد شیخ الحدیث مولانا حبیب الرحمن اعظمي مد ظله را مطالعه فرمائید که از مفتاح العلوم منو ضلع اعظم گره شائع شده است ودر مورد رکعات تراویح از آن کتاب تا به اکنون کدام کتاب جامع وبهتر بنظرم نیامده است. ظفیر

(۱) وهل المراد انها سنة کفایة لاهل کل مسجد من البلدة اومسجد واحد منها اومن المحلة ظاهر کلام الشارح الاول واستظهر الثانی ویظهر لی الثالث الخ (ردالمحتارباب الوتر والنوافل مبحث صلٰوة التراویح ج۱ ص۶٦۰ ، ط. س. ج۲ ص۴۵). ظفیر

پس با تسلیم نمودن آن نیز برایم نیازي براي یک سوال است که براي یک نفر با استحقاق مردم محله همچو گفتن آیا آن مسجد در حکم ضرار است؟

جواب: درالدرالمختار مذکور است: ومسجد حیة افضل من الجامع [۱] الخ. زبدۂ کلام آنست که مسجد محله در حق مردم محله از مسجد جامع افضل است وشامي نوشته است: لان له حقا علیه فیؤدیه [۲]. یعني بر مردم محله مسجد محله حق دارد وآن را اداء نمودن بکار است بناء اگر اهل یک قریه براي باشندگان قریه دیگر همچو گفته باشند که در جماعت وتراویح مسجد جامع شرکت نکنید ودر مسجد قریه خود شما جماعت تراویح قائم میشود در جماعت آنها شرکت کن وقرآن را سمع کن این سخن بي مورد وناپسند نیست بلکه همچو گفتار پسندیده است ودر مورد همچو گفته وکردن حکم شریعت است که آباد واعمار نمودن مسجد بکار است ودرآن پنج وقت جماعت وقائم نمودن جماعت تراویح بکار است وبراي باشندگان متباقي قریه نیز در آن مورد ترغیب دادن بکار است فلهذا صادر نمودن حکم ضرار در مورد مسجد بطریق ذکر شده کاملا غلط است واصدار نمودن همچو فتوی دلالت بر جهالت وعدم علم همچو مفتي مي نماید وهمچو کلمه را در مورد مسجد هیچ جاهل نیز گفته نمیتواند الله پاک براي ما هدایت فرماید وبراي مسلمانان توفیق خیر صلاح واتفاق عطاء فرمایند آمین: إِنْ اُرِیْدُ إِلاَّ الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِیْقِیْ إِلاَّ بِاللّٰهِ. فقط

رکعات تراویح وابن الهمام: سوال: (۱۷۶۰) جناب شما در فتوی خویش تحریر فرموده اید که این قول علامه ابن الهمام در مقابل جمهور احناف قابل قبول نیست بسیار خوب ما مي برسیم که جمهور احناف آن قول ابن الهمام رح را بکدام دلیل تردید مي نمایند وبر حدیث: اتبعوا سنتي وسنة الخلفاء الراشدین، ما نیز صاد میگیریم لکن سوال آنست که ازکدام روایت یا حدیث صحیح نیز ثابت است یا همانطور مجادله لساني است وثبوت هشت کعت را از رسول اکرم ﷺ طوري ما میدهیم که براي شما گنجایش انکار ازآن نخواهد باشد اما بشرطیکه بنظر انصاف آن را بنگرید اکنون بگیرید سر دست بنده عاجز یک حدیث را نقل مي نماید حدیث اول در بخاري

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب في احکام المسجد ج۱ ص۶۱۷، ط.س. ج۲ ص۴۵۹. ظفیر الدین غفر له

(۲) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة الخ مطلب في احکام المسجد ج۱ ص۶۶۷. ظفیر

شريف است: قيام النبي ﷺ بالليل في رمضان وغيره: عن ابي سلمة بن عبد الرحمن أنه سأل عائشة (رض) كيف كانت صلوة رسول الله ﷺ في رمضان فقالت: ما كان رسول الله ﷺ يزيد في رمضان ولا في غيره على احدى عشرة ركعة يصلي اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلى اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلي ثلثا قالت عائشة فقلت يا رسول الله ﷺ اتنام قبل ان توتر فقال: ياعآئشة (رض) ان عيني تنامان ولا ينام قلبي. (بخاري كتاب التهجد پاره پنجم). بلي قبلا شما تحرير نموديد كه چگونه تغليط غير مقلد شده است واكنون شما تحرير نموديد كه در مقابل جمهور احناف قول علامه ابن الهمام رح قابل قبول نيست وسپس ازآن مينگاريد كه اين تغليط غير مقلد است نه از ابن الهمام رح ومولانا به ارشاد خداوندي نيز عمل مي نمايد بناءا وقتيكه نطق مي نمائيد به انصاف بايد بگوئيد؟

جواب: قال في شرح المنية: تنبيه: علم من هذه المسئلة ان التراويح عندنا عشرون ركعة بعشر تسليمات وهو مذهب الجمهور وعند مالک (رح) ست وثلاثون ركعة احتجاجا بعمل اهل المدينة وللجمهور مارواه البيهقي ياسناد صححح عن السائب بن يزيد قال كانوا يقومون على عهد عمر رض بعشرين ركعة وعلى عهد عثمان رض وعلي رض مثله [1] الخ از اين حديث طرز العمل خلفاء راشدين معلوم شد وهمچنان مذهب احناف (رح) نيز واضح گرديد، وجواب حديث بخاري آنست كه در آن بيان نماز تهجد است نه تراويح چنانچه در حديث لفظ في غيره برآن دلالت مي نمايد زيرا در غير از رمضان تراويح وجود ندارد بناء ازآن چنان نماز مراد كرده خواهد شد كه در رمضان وغير رمضان هر دو باشد وآن نماز تهجد است وفي الدر المختار: التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين الخ وهي عشرون ركعة قال في ردالمحتار قوله وهي عشرون ركعة هو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا [2] الخ وقبيله: وكيف لا وقد ثبت عنه ﷺ عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين عضوا عليها بالنواجذ كما رواه أبو داود [3]. فقط

بعد از تراويح اواز بلند درود وسلام ثبوت ندارد: **سوال:** (۱۷۶۱) در بعضي مناطق بعد از اداء نمودن چهار كعت مي نشيند ودر حين قيام نمودن آهسته تسبيح ميگويد وبعد از درود بر

(۱) غنية المستملى ص ۳۸۸. ط.س. ج۲ ص۴۵. ظفير

(۲) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ص۶۶۰. ظفير

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص۴۲. ظفير

خواجه عالم به آواز بلند نعره خود را میکشد: صلوات بر محمد ﷺ آیا براي این عمل در کدام کتاب اصل یافته میشود یا نه؟

جواب: براي عمل فوق الذکر به هیئت کذائیه در شریعت هیچ اصل وجود ندارد وفقهاء مي نویسند که درهر ترویحهٔ تراویح یعني بعد از چهار رکعت اختیار دارد اگر تسبیح میگوید یا قرآن را تلاوت مي نماید یا نوافل اداء مي نماید ویا هیچ نمیکند ودرشامي مذکور است که قهستاني نوشته است بعد از هر ترویحه سبحان ذي الملک والملکوت [1] الخ را سه بار بگوید بنده احقر میگوید که درمورد تکرار کلمه: سبحان الله والحمد لله ولا إله الا الله والله اکبر در احادیث صحیح بسیار فضائل آمده است بناءا تکرار آن افضل است وهمین معمول است ومختار حضرت محدث وفقیه گنگوهي صاحب رح بود. فقط

بیس رکعت تراویح: سوال: (۱۷۶۲) دررمضان المبارک چند رکعات تراویح اداء نمودن بکار است؟

جواب: بیست رکعات اداء نمودن بکار است [2]. فقط

اگر نیت معاوضه را داشته باشد اما بزبان نگوید در این صورت داد وستد نیز ناجائز است: سوال: (۱۷۶۳) در قیام رمضان بغرض ختم قرآن مجید براي قاري به نیت دادن وگرفتن شنیدن قرآن کریم وشنواندن آن وبعد ازآن داد وستد چگونه است؟ ودر حالیکه نیت هر دو گرفتن واعطاء نمودن باشد وبغیر ازآن کسي نمیشنواند اگر در یک مسجد قرآن مجید شنوانده نشود وتنها بر اداء نمودن تراویح اکتفاء شود آیا مردم قریه از قیام رمضان محروم خواهد باشند یا نه؟

جواب: تلاوت نمودن قرآن مجید بالا اجرت درست نیست وخالي از ثواب میباشد واز نگاه (المعروف کالمشروط) هر کسي که نیت داد وگرفتن را دارد آن نیز در حکم اجرت داخل ونا جائز است [3] ودر همچو حالت تنها تراویح اداء نمودن وعدم سمع کردن قرآن مجید بالا اجرت افضل وبهتر است وتنها با اداء کردن تراویح نیز ثواب وفضیلت قیام رمضان حاصل خواهد شد.

---

(۱) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۱، ط.س. ج۲ ص۴۶. ظفیر

(۲) وهی عشرون رکعة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مبحث التراویح باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفیر

(۳) وان القرآءة بشيء من الدنیا لا تجوز والآخذ والمعطي آثمان لأن ذلک یشبه الإستیجار علی القراءة ونفس الاستیجار علیها لا یجوز (الدر المختار باب قضآء الفوائت مطلب في بطلان الوصیة ج۱ ص۶۸۷، ط.س. ج۲ ص۷۳). ظفیر

چند ساله بچه امامت تراویح را ادا میتواند؟ **سوال:** (۱۷٦٤) چند ساله بچه قرآن مجید را در تراویح شنونده میتواند آیا پسر شانزده ساله در تراویح قرآن مجید شنونده میتواند یا نه؟ در حالیکه پسر مذکور سبیلت وریش هیچ ندارد وهمچو پسر که پانزده ساله باشد او در صف اول بزرگان ایستاده وازقاري دیگر قرن را شنیده میتواند یا نه؟ واگظ پس سیزده یا چهارده ساله باشد آیا او همچنان در صف اول ایستاده وشنیده میتواند یا نه؟

جواب: اگر نشاني هاي متباقي بلوغ مانند احتلام وغیره در پسر موجود نباشد پس شرعا با تکمیل پانزده سالگي حکم بلوغ داده میشود [۱] وهر پسر که سال شانزدهم او شروع شده باشد بدنبال او تراویح وفرائض وسائر نمازها درست است اگر چه ریش نداشته باشد وپسر داراي همچو عمر در صف اول نیز ایستاده شده میتواند واما پسر سیزده ویا چهارده ساله امام شده نمیتواند [۲] لکن در تراویح بخاطر آموختن در صف اول ایستاد شده میتواند.

ختم القرآن در تراویح سنت است. **سوال:** (۱۷٦٥) براي قاري تراویح شنواندن قرآن واجب است یا مستحب ودرصورت وجوب اگر یک نفر در وقت تلاوت قوت وتوانمندي خود داري از ریاء رادر خویش ندارد آیا برایش شنواندن جائز است یا نه ودر صورت عدم جواز نه شنواندن قرآن مجید کدام حق ومؤاخذه بدوش او باقي مي ماند یا نه اگر باقي باشد در آن صورت راه بیرون رفت چیست؟

جواب: شنیدن قرآن مجید وشنواندن هر دو سنت ومستحب است وبوجه ریا وعجب ترک نمودن آن بکار نیست في المقدور کوشش نمودن حصول اخلاص بکار است وبخاطر رضاي الله ولوجه الله بدون معاوضه شنوانده شود زیرا این عمل داراي اجر وثواب عظیم است ودر آن فضیلت نیز میباشد [۳] وباقي آنکه اگر بنابر معاذیر کدام قاري در تراویح قرآن کریم را قرائت ننمود وهمانطور قرآن را تلاوت میکرد از مؤاخذه بري میباشد، قال الله تعالي: لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا

---

(۱) بلوغ الغلام بالاحتلام والاحبال والانزال الخ فإن لم یوجد فیهما شيء فحتى یتم لکل منهما خمس عشرة سنة به یفتی لمقصر اعمار اهل زماننا (الدر المختار کتاب الحجر فصل بلوغ الغلام ج۵ ص۱۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۵۳). ظفیر

(۲) لا یصح اقتداء رجل بإمرأة وخنثى وصبی مطلقا ولو في جنازة ونفل على الاصح (درمختار) قال في الهداية وفي التراويح والسنن المطلقة الخ والمختار انه لا يجوز في الصلوات كلها. (ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۳۹، ط.س. ج۲ ص۵۷٦). ظفیر

(۳) والختم مرة سنة ومرتين فضيلة وثلاثا افضل ولايترك الختم لكسل القوم (درمختار) اى قراءة الختم في صلاة التراويح سنة (ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص٦٦۲، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفیر

الاّ وُسعها. فقط

در ترويحه مناجات درست است يا نه؟ سوال: (۱۷٦٦) مولانا كرامت علي جونپوري در تراويح بعد از هر ترويحه يک مناجات را تحرير نموده است آيا اين بكدام دليل معتبر ثابت است يا نه؟ اگر آن را ترک نمايد ومتباقي مناجات را بگويد آيا گفته ميتواند يا نه؟

جواب: در هر ترويحه گفتن تسبيح تهليل درود شريف واستغفار وغيره درست است ونيازي براي كدام مناجات مخصوص احساس نميباشد سبحان ذي الملک والملكوت الخ را در شامي وغيره نقل نموده است ودر آن نيز كدام حرج نيست واما تكرار نمودن كلمه سبحان الله والحمد لله الخ زيادتر پسنديده است.[1]. فقط

درتراويح با استماع قرآن مجيد ثواب قرآن برآورده ميشود يا نه؟ سوال: (۱۷٦۷) زيد ميگويد كه در تراويح دو چيز است اول قرائت كه فرض است دوم سنت مؤكده وقتيكه در تراويح قرآن قرائت شد پس در هر دو چيزها تنها ثواب يک چيز حاصل شد يعني اگر ثواب سنت مؤكده را حاصل كرد پس از ثواب قرائت محروم باقي ماند بناءا بعد از نماز تراويح در همان وقت بالاى كسي قرآن را تلاوت نمايد وخودش آن را سمع كند كه هر دو ثواب بزايش حاصل شود وزيد بر اين قسم مسائل تاكيد عمل كردن را مي نمايد آيا اين صحيح است يا نه؟ .

جواب: اين قول او غلط است زيرا بقرائت قرآن مجيد در تراويح براي قرائت كننده وسمع كننده هر دو ثواب داده وحاصل ميشود وهر كسي كه همچو مسائل را بيان مي نمايد وبر آن پا فشاري ميكند آنكس را لايق نيسست كه امام نصب گردد. فقط

آيا قاري شيعه بشريک شدن در جماعت فتحه داده ميتواند؟ سوال: (۱۷٦۸) اگر امام در تراويح مرتكب غلطيها ميشد وسامع همچنان فراموشي مي نمود ودرآن اثنا قاري شيعه موجود است اگر او نيت نمايد ودر جماعت شريكت ورزد وفتحه براي امام بدهد آيا بنزد احناف جائز است يا نه؟

جواب: اگر شيعه مذكور قسما باشد كه نه تبرا كننده باشد ونه از صحبت صديق اكبر منكر باشد

---

(۱) ويجلس ندبا بين كل اربعة بقدرها وكذا بين الخامسة والوتر ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة فرادى (درمختار) قال القهستاني فيقال ثلاث مراة سبحان ذي الملک والملكوت، سبحان ذي العزة والعظمة والقدرة والكبرياء والجبروت سبحان الملک الحي الذي لا يموت سبوح قدوس رب الملائكة والروح لا إله إلا الله نستغفر الله نسئلک الجنة ونعوذ بک من النار (ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص٦٦۱، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفير

ونه قائل برقذف عائشۂ صديقه رض باشد پس در اين صورت فتحه دادن او جائز است وبرهمنائي او نماز فتح گيرنده ونماز مقتديان او صحيح است [۱]. واگر قاري شيعه غالي باشد وسخنان متذكره در او موجود باشد يعني تبرائي باشد واز صحبت خليفه اول منكر باشد وقائل به إفك حضرت عائشه صديقه رض باشد پس چونكه همچو رافضي مرتد وكافر است فلهذا بفتح دادن او وأخذ نمودن امام فتح او را نماز امام وسائر مقتديان باطل ميشود [۲]. فقط

آيا تراويح بعد از سورت والضحي در هر سورت گفتن الله اكبر سنت است؟ سوال:

(۱۷۶۹) چون ختم كلام الله شريف در تراويح كرده شود بعض حفاظ بعد سورت والضحى تا آخر قرآن بر اختتام هر سورت الله اكبر مي خوانند كه علاوه از تكبير ركوع مي باشد وگمان مي كنند كه سنت است؟

جواب: فقهاء رحمهم الله اين قسم اذكار وادعيه را برخارج ازصلاة يا برصلاة نافله كه منفردا اداء كرده شود محمول فرموده اند پس قول مانعين درين باره صواب است وقول مجوزين خطاء قال في الدر المختار: بل يستمع وينصت الخ وإن قرء الامام آية ترغيب وترهيب وكذا الامام لا يشتغل بغير القرآن وما ورد حمل على النفل منفردا الخ الدر المختار، قوله حمل على النفل منفردا افاد ان كلا من الامام والمقتدي في الفرض والنفل سواء اما الامام في الفرائض فلما ذكرنا من انه لم يفعله فيها وكذا الائمة من بعده إلى يومنا هذا فكان من المحدثات ولانه تثقيل على القوم فيكره واما في التطوع فان كان في التراويح فكذلك الخ شامي ج۹ ص۳۶۶. [۳] فقط

درداخل منزل درتراويح اقتداءا زنان محرم وغير محرم درست است يانه؟ سوال:

(۱۷۷۰) شخصي فرض عشاء را بجماعت در مسجد در ماه رمضان اداء نموده تراويح ووتر را در خانه خود مي خواند ودر تراويح ختم قرآن ميخواند بعضي زنان محرمات اند وبعضي زنان غير محرمات درآن خانه آمده زيرابه اقتداءآن حافظ تراويح ووتر اداء مي نمايند اين اقتداء جائز است

---

(۱) ولفتحه على غير امامه الخ بخلاف فتحه على امامه فانه لايفسد مطلقا لفاتح واخذ بكل حال إلا إذا سمعه الموتم من غير مصلى ففتح به تفسدصلاة الكل (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة ومايكره فيها ص۵۸۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) بخاطر آنكه همچو شيعه كافر است لهذا فتح او فتح خارج است كه مفسد صلاة است صراحت كفر است كه مفسد صلاة ميباشد: ويفسدها الخ فتح على غير امامه أيضا، ودر مورد همچو أهل تشيع صراحت كفر است: وبهذا ظهر أن الرافضى ان كان ممن يعتقد الألوهية في على اوان جبريل غلط في الوحي او كان ينكر صحبة الصديق او يقذف السيدة الصديقة فهوكافر الخ (ردالمحتار فصل في المحرمات ص۳۹۸ ج۲، ط.س. ج۳ ص۴۶). ظفير

(۳) ردالمحتار فصل في القراءة ص۵۰۸ – ۵۰۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفير

یا نه؟

جواب: بوجود زنان محرم کراهیت مرتفع مي شود: کما یظهر من عبارة الدر المختار [۱] وفي رد المحتار: وافاد أن المراد بالحرم ماکان من الرحم [۲] الخ. فقط

آیا تراویح چنان اداء نمودن درست است که در رکعت اول یک سورت قرائت نماید ودر رکعت دوم تنها سورت اخلاص را بخواند؟ **سوال:** (۱۷۷۱) اداء نمودن تراویح بر این قسم جائز است یا نه مثلا دررکعت اول سورت تکاثر را تلاوت کند ودر رکعت دوم سورت اخلاص را تلاوت نماید یا در رکعت اول سورت والعصر را ودر رکعت دوم سورت اخلاص را قرائت نماید؟

جواب: نماز تراویح طبق نقشه مسئوله نیز درست میشود لکن آن را لازم پنداشتن بکار نیست وبر آن اصرار نمودن نیر بکار نیست اگر بالترتیب در هر رکعت قرائت شود بهتر وپسندیده است [۳].

آنکس که درمنزل تراویح بجماعت اداء میکند وبمسجد نمیرود دراین مورد حکم چیست؟ سوال (۱۷۷۲) نماز تراویح را در خانة بجماعت اداء نمودن وبمسجد نرفتن چگونه است؟

جواب: در این صورت حکم آنست که در مسجد تراویح را اداء کند: وظاهر کلامهم هنا ان المسنون کفایة اقامتها بالجماعة في المسجد حتی لو اقامها جماعة في بیوتهم ولم تقم في المسجد آثم الکل کذا في الشامی ص۵۲۱. [٤] لکن اگر کسي بالجماعت چنان اداء مي کند که جماعت مسجد مسدود نمیشود این درست است اما این مردم از فضیلت مسجد محروم میباشد در الدر المختار مذکور است: وان صلّی احد في البیت بالجماعت لم ینالوا فضل جماعة المسجد. فقط

تراویح که فوت شده باشد آن را چه وقت ادا کند؟ **سوال:** (۱۷۷۳) یک نفربمسجد وقتي

---

(۱) کما تکره إمامة رجل لهن في بیت لیس معهن رجل غیره ولا محرم منه کاخته او زوجته او أمته أما إذا کان معهن واحد ممن ذکر او امهن في المسجد لایکره (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۹، ط.س. ج۱ ص۵٦٦). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۹، ط.س. ط.س. ج۱ ص۵٦٦. ظفیر

(۳) ثم بعضهم اختاروا قل هو الله احد في کل رکعة وبعضهم اختاروا قراءة سورة الفیل إلی اخر القر ان وهذا أحسن القولین لأنه لایشتبه علیه عدد الرکعات ولا یشتغل قلبه بحفظها کذا في التجنیس (عالمکیري کشوري فصل في التراویح ج۱ ص۱۱۷ ط. ماجدیة ج۱ ص۱۱۸). ظفیر

(٤) رد المحتار مبحث في التراویح ج۱ ص٦٦۰ ، ط.س. ج۲ ص٤۵. ظفیر

داخل شد که فرض عشاء اداء شده بود وبعد از ادا شدن دو یا چهار رکعت تراویح درتراویح شامل شد پس اکنون تراویح متباقی را چگونه تکمیل نماید آیا امام وقتیکه بعد ازهر چهار رکعت جلوس مي نماید درآن وقت که موقع برایش میسر شود آن را ادا کند ویا امام هر گاه بیست رکعت را تکمیل نمود درآن حالت وتر را بجماعت اداء نماید ویا بعد از تکمیل نمودن تراویح متباقي؟

جواب: اگر در ما بین برایش موقع دریافت باشد ودرمیان ترویحه امام موقع میسر گردید دراین وقت آن را اداء کند ور نه وتر را با امام بجماعت ادا کند وبعد ازآن متباقی تراویح را تکمیل نماید [1]. فقط

امامت نا بالغ در تراویح درست نیست: سوال: (۱۷۷٤) نا بالغ اگر در تراویح امام شود آیا اقتداء به او درحق بالغان ونابالغان جائز است یانه؟

جواب: در مورد اداء نمودن تراویح بدنبال نابالغ خلاف است لکن أصح آنست که جائز نیست. [2] فی المنیة وذکر فی بعض الفتاوی: انه لا یجوز لان یؤم البالغین في التراویح، وهو المختار [3]. فقط

امامت نابالغ در تراویح درست نیست: سوال: (۱۷۷٥) عمر در سن سیزده سالگي بعد از حفظ قرآن مجید با صحت الفاظ براي مقتدیان امامت تراویح را داد اما امامت فرض ووتر را استاذش کرد اکنون زید میگوید که بوجه نابالغ بودن عمر تراویح مقتدبان ناقص است بناءا آیا در این صورت تراویح صحیح است یا آنکه بقول زید ناقص است؟

جواب: صحیح آنست که بدنبال بسر سیزده ساله نه فرائض ونه واجبات صحیح است ونه نوافل ونه تراویح درست است فلهذا قول زید صحیح است که تراویح مقتدیان درست نشده است [4]. فقط

---

(۱) وإذا فاتته ترویحة او ترویحتان فلو اشتغل بها یفوته الوتر بالجماعة یشتغل بالوتر ثم یصلي ما فاته من التراویح وبه کان یفتی الشیخ الإمام الأستاد ظهیر الدین کذا في الخلاصة. (عالمگیري کشوري باب التراویح ج۱ ص۱۱۹ ط. ماجدیة ج۱ ص۱۲۰). ظفیر

(۲) ولا یصح اقتداء رجل بامرأة ولا خنثی ولا صبی مطلقا ولو في جنازة ونفل علی الأصح (درمختار) قوله ونفل علی الأصح قال في الهدایة في التراویح والسنن المطلقة جوزه مشائخ بلخ ولم یجوزه مشائخنا ومنهم من حقق الخلاف في النفل المطلق بین ابي یوسف ومحمد والمختار أنه لا یجوز في الصلوات کلها اهـ (ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص ۵۳۹ – ۵٤۰ ، ط.س. ج۱ ص۵۷٦). ظفیر

(۳) غنیة المستملي بحث تراویح ص۳۹۰. ظفیر

(٤) والمختار أنه لایجوز في الصلوات کلها اهـ (رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص٥٤۱، ط.س. ج۱ ص٥۸۸) ظفیر

بعد از وتر وتراويح دعا ثابت است يانه؟ **سوال:** (۱۷۷۶) بعد از نماز تراويح دعا خواستن جائز است يا نه ودر رمضان المبارک بعد از وتر دعا ثابت است يا نه؟

جواب: بعد از اختتام تراويح دعا خواستن درست ومستحب است وبر آن معمول سلف وخلف ميباشد سپس ازآن بعد از وتر دعا ضروري نيست بلكه يكبار كافي است يعني بعد از اختتام تراويح كافي است. فقط

تهجد وتراويح از آنحضرت ﷺ ثابت است: **سوال:** (۱۷۷۷) تهجد وتراويح اداء كردن از رسول اكرم ﷺ ثابت است يا نه؟ اگر ثابت است چند ركعت است؟

جواب: در مورد تهجد آمده است كه جناب رسول اكرم ﷺ در رمضان المبارک ودر غير رمضان المبارک با وتر بيشتر از يازده ركعت تهجد زياد نميكردند يعني اكثرا عادت مبارک ايشان همچنان بود [1] واما تراويح را آنجناب ﷺ سه شب اداء فرموده اند وبعد از جناب رسالت مآب ﷺ صحابه كرام رض بر آن تداوم فرموده اند لهذا تراويح با جماعت سنت شده است [2] والتفصل فى المطولات. فقط

در ترويحهٔ تراويح رواج وعظ درست است يانه؟ **سوال:** (۱۷۷۸) بطور عموم در مساجد بعد از هر چهار ركعت نماز تراويح تسبيح گفته ميشود لكن در يک مسجد بر خلاف آن رد اين وقفه اندک وعظ گفته ميشود آيا اين هر دو عمل جائز است؟

جواب: بعد از هر چهار ركعت نماز تراويح مشروع ومستحب آنست كه تسبيح، تهليل ودرود شريف وغيره بگويد واگر در بعضي اوقات كدام وعظ ضروري شود اگر احساس ضرورت باشد در آن كدام قباحت نيست لكن التزام آن را كردن كه در هر ترويحه حتما وعظ كرده شود اين ناپسند است كما قال في الدر المحتار: ويخيرون بين تسبيح وقرآئة وسكوت وصلوة فرادى [3]

---

(۱) عن ابي سلمة بن عبدالرحمن أنه أخبره انه سأل عائشة أم المؤمنين كيف كانت صلوة رسول الله ﷺ في رمضان قالت ماكان رسول الله ﷺ يزيد في رمضان ولاغيره على إحدى عشرة ركعة يصلي اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلي اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلي ثلاثا الخ (نسائي شريف باب كيف الوتر بثلاث ج۱ ص۱۹۹). ظفير

(۲) عن ابي ذر قال صمنا مع رسول الله ﷺ فلو يقم بنا شيئا من الشهر حتى بقى سبع فقام بنا حتى ذهب ثلث الليل فلما كانت السادسة لم يقم بنا فلما كانت الخامسة قام بنا حتى ذهب شطر الليل الخ رواه ابوداؤد وغيره (مشكوة باب قيام اليل الخ رواه ابوداؤد وغيره (مشكوة باب قيام الليل) التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين للرجال والنساء إجماعا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص۴۳). ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ص۱ ص۶۶۱، ط.س. ج۲ ص۴۶. ظفير

الخ در مختار. فقط

در مورد تراويح يک چند سوالات: سوال: (۱۷۷۰) دررمضان المبارک بغير ازسامع خواندن قرآن مجيد جائز است يانه؟ در پاني پت ضلع كرنال رواج است كه دو نفر قاري قرآن را قرائت مي نمايند درده ركعت يک قاري ودرده ركعت قاري ديگر آيا اين عمل جواز دارد يانه؟ اگر در تراويح قارى بغلطي بركعت سوم قيام ورزد چهار ركعات پنداشته ميشود يا دو؟ اگر دو پنداشته شود چنانچه در اشتهار است سپس در دو ركعت آخري كه قرآن مجيد را تلاوت نموده است آيا ضرورت براي اعاده آن است يا نه؟ واگر قاري قرآن را شروع نمود وبنا بر كدام عذر در وسط يک دو روز آن را نخواند مثلا ده پاره را قرائت نمود وبعد از آن قاري ديگر تا به پارهٔ پانزده هم قرآن را قرائت نمود پس اكنون كه قاري سابق واول كه شروع مي نمايد از بارهٔ يازده هم شروع كند ويا از پارهٔ شانزده هم شروع كند؟

جواب: اگر قرآن مجيد را خوبتر بياد داشته باشد پس بغير از سامع نيز قرائت نمودن درست است اگر از قاري فراموش شد يا شک برايش طاري شد در اين صورت بعد از سلام نظر كند اگر غلطي شده باشد آن را اعاده كند لكن بهتر آن است كه سامع داشته باشد بخاطر آنكه مطمئن الفؤاد باشد. ودر پاني پت كه كدام رواج است در اينجا نيز در بعضي مساجد همانطور تعامل است واين هم جائز است [1] ودر صورت اداء نمودن چهار ركعت كه قرآن مجيد در دو ركعت آخرى آن تلاوت شده است نيازي براي اعاده آن نيست [2] واما وقتيكه قاري اول ده پاره را قرائت نمود وبعد از آن تا به پارهٔ پانزده هم خواند وهنگاه كه حافظ نخستين آمد او اختيار دارد كه از شانزده هم تلاوت مي نمايد ويا از يازده هم قرائت را شروع ميكند لكن بخاطر تكميل قرآن مجيد خويش بهتر آنست كه از يازده هم شروع نمايد. فقط

حكم تاريک تراويح: سوال: (۱۷۸۰) آن عده مردمي كه تراويح را اداء نميكنند در مورد آنان چه حكم است؟

---

(۱) والأفضل أن يصلي التراويح بامام واحد فإن صلوها بإمامين فالمستحب أن يكون إنصراف كل واحد على كمال الترويحة فإن إنصرف على تسليمة لا يستحب ذلک في الصحيح (عالمكيري كشوري فصل في التراويح ج۱ ص۱۱۵، ط. ماجدية ج۱ ص۱۱٦). ظفير

(۲) وعن ابي بكر الأسكاف أنه سئل عن الرجل قام إلى الثالثة في التراويح ولم يقعد في الثانية فإن تذكر في القيام ينبغي أن يعود ويقعد ويسلم وإن تذكر بعد ما سجد للثالثة فان أضاف إليها ركعة اخرى كانت هذه الأربعة عن تسليمة واحدة (ايضاً ص۱۱۷) وإذا فسد الشفع وقد قرأ فيه لايعتد بما قرأ فيه ويعيد القراءة ليحصل له الختم في الصلوة الجائزة (ايضا ج۱ ص۱۱٦). ظفير

جواب: تراویح بنزد احناف رح سنت مؤکد است وجماعت نیز در تراویح سنت میباشد تارک او مسیٔ وگنهکار است. [۱] فقط

شبینه جائز است یانه؟ **سوال:** (۱۷۸۱) بتعداد چند قراء در یک شب قرآن مجید را ختم مي نماید که آن را شبینه گویند آیا این درست است یانه؟

جواب: قرآن مجید را آنقدر بسرعت تلاوت نمودن که حروف آن در فهم نیاید واز مخارج اداء نشود نا جائز است فلهذا اگر در شبینهٔ مذکور همچو تلاوت بسرعت میشود آن نیز نا جائز است کما في الدر المختار: ویجتنب المنکرات هذرمة القرائة [۲] الخ. فقط

قرائت نمودن سورت الاخلاص در هر رکعت تراویح درست است یانه؟ **سوال:** (۱۷۸۲) بعضي مردم در تراویح چنان طریقه را وضع نموده است که درهر رکعت با سورت فاتحه سورت اخلاص را تلاوت مي نماید آیا این از کراهیت خالي است یا نه؟

جواب: شامي مینویسد: واختار بعضهم سورة الاخلاص في کل رکعة الخ [۳] از این معلوم شد که در آن همچنان حرج نیست. فقط

بخاطر در مضیقه آغشته نمودن قاري شود وشغب کردن در وقت تراویح ناجائز است:

سوال: (۱۷۸۳) بعضي قراء عادت دارند وقتیکه یک پسر مجددا در محراب پیش میشود وقرآن را میشنواند او درآن وقت میرود وبخاطر ترساندن وفراموش نمودن قاري بشدت پاهاي خود را برزمین می بد وحلقوم را تازه مي نماید وسرفه میکند بناءا درمورد همچو قراء حکم چیست؟

جواب: این عملگرد قراء جائز نیست در حدیث شریف است که رسول الله ﷺ از اغلوطات منع فرموده اند یعني آن اموریکه مسلمانان را در مغالطه مي اندازد ازاین امور خود داري کردن لازم است. [۴] فقط

---

(۱) ونفس التراويح سنة على الأعيان عندنا الخ والجماعة فيها سنة على الكفاية الخ وإن تخلف واحد من الناس وصلاها في بيته فقد ترك الفضيلة (عالمكيري كشوري ج۱ ص۱۱۵) قوله والجماعة فيها سنة على الكفاية الخ أفاد أن اصل التراويح سنة عين فلو تركها واحد كره (ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۵. ظفير

(۳) ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص۶۶۲، ط.س. ج۲ ص۴۷. ظفير

(٤) عن معاوية رضى الله عنه أن النبى صلى الله عليه وسلم نهى عن الأغلوطات رواه ابوداؤد (مشكوة كتاب العلم ص۳۵). ظفير

قرآن مجيد را آنقدر بسرعت خواندن مناسب نيست كه درفهم نيايد: سوال: (۱۷۸٤) برخي از قراء درتراويح قرآن كريم را آنقدر بسرعت ميخواند كه علاوه از تَعْلَمُوْنَ تَعْلَمُوْنَ چيزي ديگر در فهم نمي آيد وبعضي مقتديان نيز همچو تلاوت را بخاطر آنكه تراويح بسرعت اختتام يابد آن را مى پسندند بناءا ايشان چه حكم دارد؟

جواب: در الدرالمختار مذكور است: ويجتنب المنكرات هذلفة القراءة وترک تعوذ وتسمية وطمانية [1] الخ يعني در ختم قرآن كريم خود داري كند از منكرات واز تلاوت سريع وترک تعوذ بسم الله وطمانية اجتناب ورزد، از تحقيق فوق معلوم شد كه چنين قرائت امر منكر است كه بعوض حصول ثواب باعث معصيت ميگردد. فقط

بوجه فراموشي خاموش شدن وتفكر نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۷۸۵) (۱) بعضي قراء در جريان قرائت فراموشي مي نمايد پس احيانا در حالت قيام خاموش شود ودر فكر نمودن آغاز نمايد واحيانا درقعده قبل التشهد يا بعد ازتشهد تفكر مي كند بناءا اين چه حكم دارد؟

در وقت فراموشي از يكجا وجاي ديگر خواندن جواز دارد يانه؟ سوال: (۱۷۸٦) (۲) بعضي قاريان كه در جريان تلاوت برايش فراموشي طاري شود او خاموش نميشود بلكه احيانا از يک سورت واحيانا از سورت ديگر از يكجا وجاي ديگر در تلاوت مي پردازد اگر درآن اثنا بيادش آمد او درست تلاوت را شروع مي نمايد واگر بيادش نيامد پس تابه وقتي بعد از پريشاني ركوع مي نمايد ونماز خود ر به انجام ميرساند لكن اگر بيادش آيد ويا نيايد در هر دو صورت آنان سجده سهوه مي كنند آيا سهوه كردن بكار است يا نه؟

جواب: (۱ – ۲) در اين هر دو صورت سجدۀ سهوه كردن بكار است والعامل أنه اختلف في التفكر الموجب السهو فقيل ما لزم منه تاخير الواجب او الركن عن محله بان قطع الاشتغال بالركن او الواجب قدر اداء ركن وهو الاصح وقيل مجرد التفكر الشاغل للقلب وان لم يقطع الموالات [2] الخ. فقط

فتح دادن غلط درتراويح براى مشوش نمودن: سوال: (۱۷۸۷) بعضي قراء سابقه قاري جديد را در تراويح براي اين مقصد غلط فتح ميدهد كه پريشان شود اين چه حكم دارد؟

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص٦٦٣، ط.س. ج۲ ص٤٧. ظفير

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٦ تحت قوله واعلم أنه إذا شغله الخ. ظفير

جواب: این هم ازآن اغلوطات است که در حدیث از آن ممانعت آمده است [۱] . فقط

نیت را بسته نموده فتحه داد سپس نیت را شکست این چگونه است؟ سوال: (۱۷۸۸) بعضي قراء تلاوت یک قاري را بیرون از نماز نشسته میشنود وقتیکه برایش فراموشي عارض شود او عجالة در داخل صف یا عنقریب صف نیت میکند و سپس براي قاري فتح میدهد وبالفعل نیت را میشکناند ومي نشیند وبعضي خدا ناترس در همچو صورت چنان عمل میکند که بغیر از وضوء ویا با وجود قدرت استعمال آب تیمم مي نماید ونیت نموده او را فتح میدهد بناءا در این هر دو صورت حکم فتح دهنده و فتح گیرنده چیست؟

جواب: اگر بعد از نیت نمودن فتح بدهد در نماز قاري کدام خلل واقع نمیشود لکن او در شکستاندن نیت گنهکار میشود وقضا بر او لازم میباشد وهر کسي که بغیر از وضوء فتح داد ویا در موجودیت آب تیمم نمود وبرایش فتح داد وقاري فتح را گرفت پس نماز قاري ونماز سائر مقتدیان همچنان فاسد شده است [۲]. فقط

بهیئت خوابیده در وقت تراویح گفتگو نمودن: سوال: (۱۷۸۹) بعضي مقتدیان چنان عمل میکنند وقتیکه قاري در تراویح دو سه پاره یا بیشتر را قرائت مي نماید پس ایشان دوراز صف یا خارج از نماز خاموش نشسته میباشند ویا در شغل خوابیده میباشد یا بطور خفیه گفتگو مي نمایند لکن در حالت خاموشي همچنان شنیدن قرآن مجید هرگز مقصود آنان نمیباشد آیا براي آنها ثواب شنیدن است ویا چطور؟ ودر شریعت این فعل چه حکم دارد؟

جواب: واضح وروشن است که گفتگو کردن در همچو اوقات گناه است ومبطل ثواب میباشد وخاموش نشستن ودر حالت اضطجاع بودن اگر چه بنیت استماع نباشد لکن آواز قاري بگوش او میرسید در این وقت ثواب شیندن برایش حاصل خواهد شد. [۳] فقط

یک قاري در دو مساجد تراویح میدهد: سوال: (۱۷۹۰) بعض قاریان صاحبان چنین عمل مي نمایندهکه در یک مسجد تراویح را میدهد سپس در همان وقت دو مسجد دیگر نیز تراویح میدهد در این مورد حکم چیست؟

---

(۱) عن معاویة قال أن النبي صلی الله علیه وسلم نهی عن الأغلوطات رواه ابوداؤد (مشکوة کتاب العلم ص۳۵). ظفیر

(۲) وإن فتح علی إمامه تفسد (عالمکیري کشوري باب سابع مایفسد الصلوة ج۱ ص۹۰). ظفیر

(۳) یجب الإستماع للقراءة مطلقا (درمختار) ای في الصلوة وخارجها (رد المحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۰۹، ط.س. ج۱ ص۵۴۶). ظفیر

جواب: آن را مکروه نوشته است اگر چه تراویح درست خواهد شد [۱] در عالمگیري آن را ناجائز نگاشته است وفتوی نیز بر همان است. فقط

در ختم قرآن از (الم) تابه (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) خواندن مستحب است: سوال: (۱۷۹۱) مولانا عبد الحي رح صاحب در تراویح تا به (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) ختم نمودن را جائز نوشته است یعني وقتیکه قرآن راختم کند بس درکعت أخری (الم) را تابه (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) نیز بخواند وتلاوت کن ودر فتاوی عالمگیري ترتیب ختم را بهمین منوال نیز نوشته است بناء در این مورد سخن صحیح چگونه است؟ واز یک آیت بطرف آیت دیگر منتقل شدن چه حکم دارد وبعضي مردم تابه (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) قرائت نمودن را مکروه قرار داده اند؟

جواب: مولانا عبد الحي (رح) صاحب که در این مورد چیزي نوشته است همان صحیح است وفقهاء احناف نیز در ختم قرآن مجید تنها آن را مستحب تحریر فرموده اند که بر آیات اولین سورهٔ بقره ختم شود بخاطر آنکه از حدیث ثابت است وعلاوه از آن او مواضع متفرقه تلاوت آیات را مکروه نوشته است: کما سیجئ عن شرح المنیة: لان النبي ﷺ قال یضر الناس الحال المرتحل اي الخاتم المفتح انتهی [۲] شرح منیة کبیري. فقط

آیا تراویح فوت شده را بعد الوتر اداء نموده میتواند؟ سوال: (۱۷۹۲) زید میگوید بر ذمه کسي که تراویح باقي باشد او با امام وتر را اداء کرده میتواند وبعد از وتر تراویح متباقي را تکمیل نماید عمرو میگوید که نخست تراویح را تکمیل نماید سپس وتر را اداء کند تا وقتیکه تراویح تکمیل نشود با امام در وتر شرکت نکند درالدر المختار وغیره وقت تراویح را بعد العشاء متعین وبیان نموده است خواه قبل الوتر باشد یا بعد الوتر باشد وشارح هدایه تصدیق همین قول را کرده است ودر شامي همچنان تصدیق همین قول است بناءا تحقیق مسئله چگونه است؟

جواب: درالدر المختار مذکور است: فلو فاته بعضها وقام الامام الی الوتر اوتر معه ثم صلی [۳] ما

---

(۱) در عالمگیري جواب سوال مذکور را عدم جواز نوشته است که الفاظش عبارت است از: إمام یصلي التراویح في مسجدین في کل مسجد علی الکمال لایجوز کذا في محیط السرخسي الفتوی علی ذلک کذا في المضمرات (عالمگیري مصري ج۱ ص۱۵۹، ط.س. ج۱ ص۱۱۶، باب التراویح). ظفیر

(۲) مطالعه فرمائید: رد المحتار باب صفة الصلوة فصل في القراءة تحت قوله وأن یقرأ منکوسا إلا إذا ختم الخ ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۷. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار مبحث التراویح باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص۴۴. ظفیر

فاته یعني اگر برخي از تراویح فوت شده بود وامام براي اداء وتر قیام نمود پس وتر را با امام اداء کند وبعد از آن تراویح متباقي را تکمیل نماید ودرالدر المختار مذکور است: ووقتها بعد صلوة العشاء الى الفجر قبل الوتر وبعده في الاصح [۱]. زبدهٔ تحقیق مذکور آنست که وقت تراویح بعد از نماز عشاء تا به فجر مقرر است قبل الوتر باشد یا بعد الوتر بنا بر مذهب اصح فلهذا وقتیکه اصح بودنش معلوم شد پس اکنون هیچ گنجایش تردد باقي نماند. فقط

در تراویح مقدار قرائت مسنون: سوال: (۱۷۹۳) در شب اول رمضان قاری براي شنواندن قرآن مجید آماده شد در این اثنا یک مقتدي انکار نمود که ما قرآن را سمع نمیکنیم امام وسائر مقتدیان او را پاسخ دادند که اگر تو سمع نمیکني مایان سمع مي نمائیم پس در این وقت شخص اول گفت که بسورت هاي کوتاه امامت را بده حالانکه شخص اعتراض کننده تندرست وقوي هیکل است فلهذا در همچو صورت شرعا ارشاد چیست؟

جواب: در این مورد فقهاء نوشته اند که در عصر موجوده بهتر آنست که آنقدر تلاوت در تراویح شود تا که بر مقتدیان ثقیل وسنگین نگردد بناءا قول شخص مذکور را برهمان حمل خواهم کرد که طبق حال مقتدیان سورت هاي مناسب را در تراویح قرائت نماید وچنان نیست که انکار از سمع نمودن قرآن مجید است وبلکه مطلب آنست که در تراویح قرآن را کاملا ختم مکن بلکه تراویح بسورت ها اداء کن ودر آن کدام قباحت نیست در الدر المختار مذکور است: وفي فضائل رمضان للزاهدي افتى ابو الفضل الكرماني والوبري أنه اذا قرء في التراويح الفاتحة وآية او آيتين لا يكره ومن لم يكن عالما باهل زمانه فهو جاهل الخ. [۲]

ده (۱۰) ده رکعت بامامتی دو مسجد ادا کردن چگونه است؟ سوال: (۱۷۹٤) در یک مسجد خطیب وامام مقرر است واو تراویح را بیک طریقه میدهد که امامت فرض عشاء را شخص دیگر اداء میکند ودرده (۱۰) رکعت تراویح قاري صاحب پاو بالا یک پاره قرآن را قرائت.مي نماید وتراویح متباقي را یکي از مقتدیان بسورت ها امامت میدهد وبعد ازآن قاري مذکور بمسجد دیگر میرود وبهمان مقدار پاو بالا یک پاره را در ده (۱۰) رکعت را امامتي قرائت مي نماید بناءا این صورت جواز دارد یانه؟

(۱) ایضا ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص٤٤. ظفیر

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۲، ط.س. ج۲ ص٤۷. ظفیر

جواب: قال في العالمگيري: امام يصلي التراويح فی مسجدين في كل مسجد على الكمال لايجوز كذا في محيط السرخسي [1] از این روایت معلوم شد که ده ده رکعت تراویح را در دو مسجد امامت دادن درست است لکن در ختم نمودن قرآن مجید چیزی معاوضه أخذ نمودن درست نیست کما ورد: اقرءوا القرآن ولا تأكلوا به. فقط

زنان بدنبال مرد پس پرده اقتداء کرده میتوانند: سوال: (۱۷۹۵) اگر کسي امامت نماز فرض یا تراویح را میدهد وزنان اداء مي نمایند آیا نماز زنان جائز است یانه؟ وهمچنان در نماز امام کدام خلل وارد نمیشود؟

جواب: نماز مستورات مذکوره درست است [2].

درچهار رکعت تراویح قعده اولی را نکرد: سوال: (۱۷۹۶) اگر امام درتراویح براي رکعت سوم قیام نمود وهر چهار رکعات را تکمیل کرد لکن در دورکعت قعده نکرده بود پس در همچو صورت با اداء نمودن سجده سهوه دورکعت خواهد شد یا چهار رکعات؟

جواب: در بیان تراویح درالدر المختار وشامی تصریح بر آنست که در همچو صورت دورکعت تراویح درست میشود: فلو فعلها بتسليمة فإن قعده لكل شفعة صحت بكراهة وإلا نابت عن شفع واحد به يفتى قوله به يفتى لم أر من صرح بهذا اللفظ هنا وإنما صرح به في النهر عن الزاهدي فيما لو صلى اربعا بتسليمة وقعدة واحدة الخ شامي ص٤٧٤. [3] فقط

بسم الله را درتراویح جهرا خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۷۹۷) درمناطق بشاور وغیره درختم تراویح در شروع یک سورت (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ) را قرائت نمیکند واستدلال میکند که از آنحضرت ﷺ وصحابه کرام رض جهرا ثابت نیست وجزء بودن تسمیة مستلزم جهر نیست حالانکه علماء هندوستان یکبار تسمیة را جهرا میگویند ودرفتاوی مولانا عبد الحی (رح) همچنان یکبار جهرا خواند تسمیة را مسنون نوشته است دلیل این جهر ووجه آن چیست؟

جواب: جهرا خواندن (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ) یکبار بخاطر آنست که تسمیة جزء سائر قرآن است واگر دریکجا نیز جهرا خوانده نشود پس شنیدن قرآن مجید سمع کننده گان کامل نخواهد

---

(۱) عالمگیري کشوري فصل في التراويح ج۱ص۱۱۵، ط. ماجدية ج۱ ص۱۱۶. ظفير

(۲) كما تكره امامة الرجل لهن في بيت ليس معهن رجل وغيره لامحرم منه الخ اما إذا كان معهن واحد ممن ذكر أو أمهن في المسجد لايكره. (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۹، ط.س. ج۱ ص۵۶۶). ظفير

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص۶۶۰ — ۶۶۱، ط.س. ج۲ ص۴۵. ظفير

شد واین بناءا جهر معلوم میشود ورنه ظاهر است که جزء قران بودن مستلزم جهر نیست لکن چونکه ختم همه قرآن در تراویح مسنون است فلهذا جهر بالتسمیه باواز بلند خواندن بسم الله را سنت گفته شده است. (۱) فقط

در ترویحه سرا گفتن تسبیحات مناسب است: **سوال:** (۱۷۹۸) در هر چهار رکعات تراویح که کدام تسبیح قرائت میشود سبحان ذي الملک والملکوت الخ آیا امام آن را جهرا بگوید یا سرا ویا در حکم امام ومقتدیان فرق است؟

جواب: تسبیحات مذکوره سرا بهتر أست که گفته شود وبویژه در آن جهر مفرط بکار نیست امام ومقتدیان هر دو تسبیحات را سرا یگویند کما في الحدیث: یا أیها الناس اربعوا علی أنفسکم فانکم لا تدعون أصم ولا غائبا الحدیث (۲). فقط

برای قاري بتراویح پول دادن چگونه است؟ **سوال:** (۱۷۹۹) یک مولوي زیاد متدین متقي قاري قرآن است او هر سال در رمضان المبارک بمسجد یک قریه میرود ودر تراویح قرآن را میشنواند وبعد از ختم شریف مقتدیان وغیره موافق توان وقدرت خویش بغیر از جبر واکراه وبدون گفتار قاري حسبة الله براي قاري صاحب پول نقد اعطاء مي کنند وقاري صاحب نیز آن را بخرسندي مي پذیرد ومیگوید که مقصود من منفعت وکمائي مال ودنیا نیست ومقصود من تنها ثواب واداء نمودن سنت مؤکد ویاد داشت قرآن مجید است وجود عدم پول براي من یکسان است واز عبارت تفسیر عزیزي جواز صورت أجرت علی العبادات معلوم میشود که در آن با سوال درج است در این صورت شرعا حکم چیست؟

جواب: فقهاء کرام قاعده را وضع نموده اند که المعروف کالمشروط کذا في الشامي وغیره پس اگر براي قاري موصوف معلوم باشد که براي او بشنواندن قرآن پول داده میشود ودر آن داد وستد معروف باشد در این صورت براي قاري مذکور بعد از اختتام قرآن مجید أخذ نبودن چیزي درست نیست ودر آن سامع وقاري هر دو از ثواب محروم میباشند (۳) وتحریر شاه عبد العزیز

---

(۱) وهی (ای البسملة) آیة واحدة من القرآن کله (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥٨، ط.س. ج۱ ص٤٩٠). ظفیر

(۲) مشکوة المصابیح باب ثواب التسبیح الخ فصل اول ص۲۰۱. ظفي

(۳) وإن القراءة بشيئ من الدنیا لاتجوز وإن الآخذ والمعطي اثمان لأن ذلک یشبه الاستیجار علی القراءة ونفس الأستیجار علیها لایجوز فکذا ما أشبه الخ ولا ضرر في جواز الإستیجار علی التلاوة (رد المحتار باب قضاء الفوائت مطلب بطلان الوصیة ج۱ ص٦٨٧، ط.س. ج۲ =

(رح) بر ان حالت محمول است که در آن عبادت چیزي گرفتن واعطاء نمودن معروف نباشد بخاطر آنکه در کلام فقهاء ودر میان ارشاد شاه عبد العزیز تعارض نیاید. فقط

آیا در تراویح در شروع هر سورت جهرا خواندن بسْم الله بکار است: سوال: (۱۸۰۰) یک مولوي صاحب قاري قرآن وحافظ قرآن است او در ما بین تراویح بعد از فاتحه بر آغاز هر سورت جهرا بِسْمِ اللهِ میخواند ومیگوید که درآن نه کدام قباحت است ونه کراهیت ودر ثبوت بالجهر او میفرماید که در تراویح قسمیکه تکمیل قرآن قرآئةً مقصود وسنت مؤکده است همچنان تکمیل قرآن مجید سماعا نیز در حق مقتدیان مقصود است لهذا تا وقتیکه در تراویح جهرا بِسْمِ اللهِ با هر سورت خوانده نشود این اختلاف در حق مقتدیان رفع نخواهد شد واین اختلاف تنها از مجتهدین کرام بلکه از امامان قرائت نیز است بناء آیا در شروع هر سورت بعد از فاتحه خواندن بِسْمِ اللهِ جهرا در تراویح چگونه است وبراي قاري حنفي در مورد تسمیه اتباع مجتهدین خویش نمودن بکار است که سرا بخواند ویا اتباع امامان قرائت بالجهر بکار است؟

جواب: درالدر المختار مذکور است: کما تعوذ سمی الخ سرا الخ قوله سرا الخ قال في الکفایة عن المجتبی والثالث أنه لایجهر بها في الصلوة عندنا خلافا للشافعي وفي خارج الصلوة إختلاف الروایات والمشائخ في التعوذ والتسمیة قیل یخفي التعوذ دون التسمیة والصحیح أنه لیتخیر فیهما ولکن یتبع امامه من القراء وهم یجهرون بهما إلا حمزة فانه یخفیها اهـ شامي [1] ج۱ ص۳۲۹. از این معلوم شد که در داخل نماز بنزد احناف بالاتفاق سرا خواندن بکار است ودرآن مورد احناف هیچ کس اختلاف ندارد واما اطلاق صلاة شامل است براي نماز فرض نفل وتراویح وغیره را وهمچنان از آن عبارت واضح شد که اتباع یکي از امامان قرائت خارج از صلاة است نه درداخل صلوة وبرآن ما استاذان وعلماء احناف خود را دریافت نموده ایم. فقط

درختم قرآن خواندن آیت های دیگر چگونه است؟ سوال: (۱۸۰۱) در رمضان در ختم قرآن مجید قاري صاحب در نوزده رکعت قرآن پاک را ختم نمود ودر رکعت بیستم بعد از قرائت (الم) تا به (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) در همان کعت آیت هاي ذیل را میخواند: إِنَّ رَحْمَةَ اللهِ قَرِیْبٌ مِنَ الْمُحْسِنِیْنَ، دَعْوَاهُمْ فِیْهَا سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَتَحِیَّتُهُمْ فِیْهَا سَلَامٌ الخ تا به (عَمَّا یَصِفُوْنَ) قرائت

= ص۷۳). ظفیر

(۱) رد المحتار باب صفة الصلاة ج۱ ص۴۵۷، ط.س. ج۱ ص۷۹۰. ظفیر

نماید ورکوع کند آیا این جائز است یا بدعت میباشد؟

جواب: در بعضي روايات آمده است که بعد از ختم القرآن از (آلم) شروع شود وتا به (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) تلاوت گردد وفقهاء کرام نیز اجازت آن را فرموده اند واين مستحب است [۱] وعلاوه از آن متباقي آيت ها را در آن وقت تلاوت نمودن منقول نیست بناءا ترک کردن آن مناسب است. فقط

جماعت تراويح زنان: سوال: (۱۸۰۲) (۱) یک چند زنهاي حافظان قرآن میخواهند که درتراويح با جماعت خويش قرآن را ختم نمایند اين فعل آنها چگونه است؟

سوال: (۱۸۰۳) (۲) چند زنها نماز عيد را بجماعت اداء نموده میتوانند يا نه؟ آيا زن امام زنها شده میتواند یا خیر؟

جواب: جماعت زنها طوريکه زن امام آنها باشد مکروه است خواه جماعت تراويح باشد ويا جماعت تراويح نباشد در سائر آنها امام شدن زن براي زنان مکروه است [۲].

امامت پسر یک ماه کم پانزده ساله در تراويح درست است يا نه؟ سوال: (۱۸۰٤) پسري که عمرش بتاريخ اول رمضان چهارده (۱٤) سال ويازده (۱۱) ماه میشود براي او امامت تراويح جائز است يا نه وهمچنان در وتر امامت او جواز دارد ياخير؟

جواب: مسأله از این قرار است که اگر در پسر ديگر علامه ونشاني بلوغ مانند احتلام وانزال دریافت نشود پس او درصورت تکمیل عمر پانزده سالگي او شرعا بالغ پنداشته میشود وهر پسري عمرش بتاريخ اول رمضان چهارده سال ويازده ماه است امامتش در وتر وتراويح درست نیست زيرا صحيح مذهب احناف همان است که امامت نابالغ در فرائض نوافل وواجبات درست نیست [۳] کذا في الدر المختار والشامي البته اگر كدام علامت بلوغ دراو دریافت میشود پس امامتش میشود بس امامتش درست است. ظفير

---

(۱) ويكره الفصل بسورة قصيرة وأن يقرأ منكوسا إلا إذا ختم فيقرأ من البقرة (درمختار) قال في شرح المنية وفي الولوالجيه من يختم القرآن في الصلوة إذا فرغ من المعوذتين في الركعة الأولى يركع ثم يقرأ في الثانية بالفاتحة وشيء من سورة البقرة لأن النبى صلى الله عليه وسلم قال خير الناس الحال المرتحل اى الخاتم المفتتح اهـ (رد المحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤٦). ظفير

(۲) ويكره تحريم جماعة النساء ولو في التراويح (درمختار) أفاد أن الكراهة في كل ما تشرع فيه جماعة الرجال فرضا او نفلا (رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۸، ط.س. ج۱ ص۵٦۵). ظفير

(۳) ولايصح اقتداء رجل بامرأة وخنثى وصبي مطلقا ولو في جنازة ونفل على الأصح (درمختار) والمختار أنه لايجوز في الصلوات كلها (رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۳۹، ط.س. ج۱ ص۵۷٦). ظفير

باآواز بلند در ترویحه گفتن صلوات چگونه است؟ سوال: (۱۸۰۵) در وقت نماز تراویح بعد از هر چهار رکعت یک چند دقیقه نشسته صلوات گفته میشود آیا عند الاحناف این جائز است یا نه؟

جواب: در نماز تراویح بعد از هر چهار رکعت ساعت اندک نشستن تسبیح تهلیل درود شریف وغیره خواندن مستحب است [۱] هر یکي جدا گانه تسبیح تهلیل وغیره را بگوید ومشترکانه بیک آواز خواندن ضروري نیست بلکه ناپسند است. فقط

تراویح را بنیت دو، دو رکعت اداء نمودن بکار است: سوال: (۱۸۰۶) تراویح را بنیت دو دو رکعات اداء کند یا به نیت چهار چهار رکعت؟

جواب: تراویح را بر دو دو رکعت اداء نمودن وسلام گردانیدن بهتر است کما في الدر المختار [۲]. فقط

در تراویح سجده تلاوت برکوع کردن اداء خواهد شد یانه؟ سوال: (۱۸۰۷) اگر درتراویح بختم نمودن رکوع سجده تلاوت شود آیا سجدهٔ تلاوت اداء خواهد شد یانه؟ وآنکس که خارج از نماز سجده تلاوت را اداء کند سجدهٔ او اداء خواهد شد یانه؟

جواب: اگر در رکوع نیت سجده را کرد پس سجدهٔ تلاوت او اداء میشود واما در سجده بغیر از نیت نیز [۳] اداء میشود وسجده تلاوتیکه در نماز واجب شده است آن را خارج الصلاة اداء نمودن جائز نیست [٤]. فقط (در تراویح اداء نمودن سجدهٔ تلاوت در رکوع بکار نیست. ظفیر)

جهرا خواندن بِسْمِ اللهِ چگونه است؟ سوال: (۱۸۰۸) آیا کدام روایت از ابن مسعود رض است که بِسْمِ اللهِ با هر سورت نازل شده است واحتیاطا در تراویح با هر سورت جهرا خوانده شود وعلاوه از بِسْمِ اللهِ اگر جهرا خوانده شد آیا گنهکار خواهد شد؟

---

(۱) ویجلس ندبا بین کل اربعة بقدرها وكذا بین الخامسة والوتر ویخیرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وصلاة فرادى (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص٦٦١ ، ط.س. ج۲ ص٧٦). ظفير

(۲) وهى عشرون ركعة بعشر تسليمات فلو فعلها بتسليمة فان قعد بكل شفع صحب بكراهة والا نابت عن شفع واحد به يفتى (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص٦٦٠، ط.س. ج۲ ص٤٥). ظفير

(۳) وتؤدى بركوع صلاة إذا كان الركوع على الفور من قراءة آية او ايتين وكذا الثلاث على الظاهر كما في البحر أن لو نواه اى كون الركوع لسجود التلاوة على الراجح تؤدى بسجود كذلك اى على الفور وان لم ينو الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص٧٣٣ ، ط.س. ج۲ ص١١١). ظفير

(٤) ولو تلاها في الصلاة سجدها فيها لا خارجها كمامر (ايضاً ج۱ ص٧٢٢، ط.س. ج۲ ص١١٠). ظفير

جواب: در اکثر روایات چنین آمده است که رسول الله ﷺ قرائت را از اَلْحَمْدُ لِلّٰہ شروع مي نمودند، از این روایت معلوم شد که بِسْمِ اللّٰہِ را جهرا نمیفرمودند وهمین مذهب امام أبو حنیفة (رح) است بناءا با همه سورت ها جهرا خواندن آن بکار نیست وتنها درسائر قرآن مجید یکبار با یک سورت جهرا آن را قرائت نماید [1] والتفصیل في کتب الفقه. فقط

اگرنماز تراویح بنیت چهار رکعات اداء شود پس حکم قعدهٔ اولی ودرود شریف وغیره چیست؟ **سوال:** (۱۸۰۹) اگر در نماز تراویح نیت چهار رکعات کرده شود بناءا در قعدهٔ اولی بعد از تشهد درود شریف وهمچنان دررکعت سوم قبل از فاتحه ثنا خواندن بکار است یانه؟

جواب: خواندن بکار است کما في الدر المختار: وفي البواقي من ذوات الاربع یصلي علی النبي ﷺ ویستفتح ویتعوذ الخ. [2] تراویح اگر چه سنت مؤکد است لکن چهار رکعات را بیک سلام اداء نمودن سنت مؤکد نیست بخلاف چهار رکعات سنت ظهر که آن را بیک سلام اداء نمودن سنت مؤکد است ودر تراویح طریقه بهتر آنست که بدو رکعت سلام گردانیده شود در الدر المختار مذکور است: التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین الخ وهي عشرون رکعة بعشر تسلیمات الخ [3]. فقط

با امامت شخص ساله تراویح بلا کراهیت درست است: **سوال:** (۱۸۱۰) یک قاري ریش وسبیلت ندارد وکوسج است واو سي (۳۰) سال عمر دارد آیا بدنبال او نماز تراویح وغیره اداء نمودن جائز است یا نه؟

جواب: بدنبال او در اداء نمودن نماز هیچ کراهیت نیست بلکه نماز بلا کراهیت بدنبالش صحیح است. فقط

در مورد تراویح حدیث هشت رکعت راجح است یا ازبیست رکعت؟ **سوال:** (۱۸۱۱) در مورد رکعات تراویح حال هر دو احادیث مقابلة چگونه است آیا حدیث روایت هشت رکعت است که آن را امام محمد بن نصر المروزي در کتاب قیام اللیل آورده است وروایت بیست رکعت را در مصنف ابن أبي شیبة عام مشهور است؟

---

(۱) وکما تعوذ سمي الخ سرا (درمختار) قال في الکفایة عن المجتبی والثالث أنه لایجهر بها في الصلوة عندنا الخ (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۵۷ ، ط.س. ج۱ ص۴۹۰). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۶. ظفیر

(۳) ایضا مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰ ، ط.س. ج۲ ص۴۳. ظفیر

جواب: حدیث روایت بیست رکعت را أمة مرحومه معمول به گردانیده است لهذا همین أولی بالعمل است وتراویح بیست رکعت سنت است [1]. فقط (درامامان اربعه هیچ یکی قائل بکمتر ازبیست رکعت تراویح نیست بلکه بیست رکعت یا زیادتر ازآن است وعاملین هشت رکعت در هندوستان وپاکستان تنها غیر مقلدین (لا مذهبان) اند وآنهم بعد از یکصد سال بدینسو تنها معمول آنها است ور نه در سائر امت تعامل بر بیست رکعت جریان دارد واکنون نیز بر آن عمل جاري است. ظفیر)

درد کانها اداء نمودن تراویح چگونه است؟ سوال: (۱۸۱۲) اگر نمازگذاران یک شهر محض بخاطر اندیشه نقصان کاروبار وکاهش خرید وفروخت تراویح را جداگانه بجماعت اداء مي نمایند این فعل آنان چگونه است؟

جواب: نماز تراویح وختم تراویح را در مساجد کردن وشنیدن سنت است وبغیر أز عذر بمسجد نرفتن ودر دکانها تراویح را اداء نمودن ترک سنت است [2]. فقط

شخصیکه از او تراویح فوت شده بود او نخست وتر را بجماعت اداء کند بعد ازآن تراویح را اداء نماید: سوال: (۱۸۱۳) شخصیکه از او بعض تراویح فوت شده بود ودر بعض آن اقتداء بامام کرد چون امام براي خواندن وتر برخاست شخص مذکر را بنا بر مذهب حنفي چه حکم است آیا اولا وتر را بدین امام بر خواند وبعد ازآن تراویح فائته را با نخستین تراویح متروکه بخواند وبعد ازآن وتر را تنها اداء نماید از این دو صورت اولی أفضل کدام است؟

جواب: اصل سوال این است که بصورت مذکوره شخص مذکور اولا وتر بجمادت گذارد وبعد ازآن تراویح باقیمانده را اداء نماید: لکي تحصل له فضیله جماعة الوتر في رمضان کما رجحه الکمال وعلیه عملنا وعمل مشائخنا وقال في رد المحتار في شرح قول الجماعة بأنه صلی الله علیه وسلم کان اوتر بهم ثم بین العذر في تأخره مثل ما صنع في التراویح فالوتر کالتراویح فکما أن

---

(۱) التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین الخ هی عشرون رکعة بعشر تسلیمات الخ (درمختار) وهی عشرون رکعة هو قول الجمهور وعلیه عمل الناس شرقا وغربا (رد المحتار مبحث التراویح ج۱ ص۲۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۳) براي معلومات این مسأله رساله رکعات تراویح ملاحظه شود که مصنف آن شیخ الحدیث حضرت الاستاذ مولانا حبیب الرحمن صاحب اعظمي شائع کرده مفتاح العلوم متوناته بهنجن ضلع اعظم گره. ظفیر

(۲) والجماعة فیها سنة علی الکفایة في الأصح فلو ترکها أهل مسجد أثموا، لا لو ترک بعضهم وکل ما شرع بجماعة فالمسجد فیه افضل (الدرالمختار) وإن صلی أحد في البیت بالجماعة لم ینالوا فضل جماعة المسجد (ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفیر

الجماعة فيها سنة فكذلک الوتر. بحر وفي شرح المنية والصحيح أن الجماعة فيها افضل [1] الخ. فقط

آیا بعد از او وبعد از ختم القرآن دعا مکروه است؟ **سوال:** (١٨١٤) (١) در فتاوی هندکه مذکور است که در تراويح ودر حين ختم قرآن دعا مکروه است؟

سوال: (١٨١٥) (٢) بجماعت در حين ختم قرآن دعا مکروه است زيرا اين چنين دعا خواستن از رسول الله ﷺ منقول نيست آيا اين هردو مسائل صحيح است يانه؟

جواب: صحيح آنست که بعد از ختم قرآن وعلى الدوام بعد از نماز تراويح دعا مسنون ومستحب است ودر حديث شريف است که اين وقت قبوليت دعا است فلهذا دعا خواستن بعد از تراويح وبعد از ختم شريف معمول اکابر ومشايخ ما است [2]. فقط

دعا در هر ترويحه مسنون است يا مستحب؟ **سوال:** (١٨١٦) بعد از هررکعت چهارم تراويح دعا خواستن جائز است يا مسنون؟

جواب: بعد از هر چهار رکعات دعا خواستن تسبيح تهليل ودرود شريف خواندن جائز است ومستحب است هر چيزيکه درآن ميخواند بهتر است وضرورت براي تخصيص کدام أمر خاص نيست [3] لکن خواندن تسبيح را مانند: سبحان ذي الملک والملکوت الخ يا سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر زياد پسنديده ايست ومعمول اکابر نيز بر آن ميباشد. [4] فقط

اين گفتار غلط است که بنا برعذر شرعی روزه نگرفت او تراويح نيزنخواند: **سوال:** (١٨١٧) زيد ميگويد آنکس که بوجه عذر شرعي روزه نميگيرد او بايد نماز تراويح را اداء کند زيرا ثواب برايش حتما داده ميشود بالمقابل بکر ميگويد: آن شخصي که معذور يا غير معذور

---

(١) رد المحتار مبحث التراويح قبيل باب إدراک الفريضة ج١ ص٦٦٤ – ٦٦٥، ط.س. ج٢ ص٤٨. ظفير

(٢) عن معاذ بن جبل (رضى الله عنه) قال أخذ بيدي رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال إني لأحبک فقلت أنا أحبک يا رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا تدع أن تقول في دبر کل صلوة رب أعني على ذکرک الخ (مشکوة ص٨٨) وعن ابي أمامة قال قيل يا رسول الله أى الدعاء أسمع قال جوف الليل الآخر ودبر الصلوات المکتوبات. رواه الترمذي ايضا ص٨٩. ظفير

(٣) ويستحب الجلوس بين الترويحتين قدر ترويحة الخ ثم هم مخيرون في حالة الجلوس إن شاءوا سبحوا وإن شاءوا قعدوا ساکتين. عالمکيري کشوري ج١ ص١١٤، ط. ماجدية ج١ ص١١٦). ظفير

(٤) ويجلس ندبا بين کل اربعة بقدرها وکذا بين الخامسة والوتر ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسکوت وصلوة فرادى (درمختار) قوله بين تسبيح قال القهستاني فيقال ثلاث مرات سبحان ذي الملک والملکوت الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج١ ص٦٦١، ط.س. ج٢ ص٤٦). ظفير

باشد وروزه را نگرفت او تراويح را نيز نخواند بلكه هر كسي كه روزه نميگيرد براي او تراويح خواندن بر عكس عذاب است بناءا درآن دو نظر كدام يكي صحيح است؟

جواب: سخن زيد صحيح است بكر غلط ميگويد (۱). فقط

نبی اکرم ﷺ چند رکعت تراویح را اداء نموده اند؟ **سوال:** (۱۸۱۸) آن حضرت ﷺ در أخير چند ركعت تراويح را اداء نموده اند؟

جواب: بر بيست (۲۰) ركعت تراويح اجماع است وأز احاديث ثابت ميباشد فلهذا بيست ركعت تراويح اداء كردن بكار است (۲). فقط (آنحضرت ﷺ نيز بيست ركعت تراويح را اداء فرموده اند در مصنف ابن ابي شيبة طبراني وبيهقي حديث موجود است: كان رسول الله ﷺ يصلي في رمضان عشرين ركعة سوى الوتر وراوي حديث عبد الله بن عباس رض است. ظفير)

آيا در ترويحه شنواندن نصائح درست است: **سوال:** (۱۸۱۹) آيا در ترويحۀ تراويح بجاي تسبيح شنواندن نصائح لقمان حكيم ويا بيان نمودن آداب استاذ وتذكره دوزخ وبهشت وغيره درست است؟

جواب: آنهم درست است لكن بهتر آنست كه آن وقت را در تسبيح وغيره بگذراند (۳). فقط

در تراويح در شب قرآن بعد از قرائت (الم) تا به (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) آيات ديگر را قرائت نمودن ثابت نيست: **سوال:** (۱۸۲۰) اكثر قراء در شب ختم قرآن در نماز تزاويح بعد از (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) آيات مختلف را مانند (اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ) و (اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِيْنَ) وغيره را قرائت مي نمايد آيا اين شرعا ثبوت دارد يانه؟

جواب: فقهاء كرام تنها اينقدر نوشته اند: الاّ إذا ختم فقرء من البقرة الخ (درمختار) وفي الشامي قال في شرح المنير وفي الولوالجية من يختم القرآن في الصلوة إذا فرغ من المعوذتين في الركعة الاولى يركعه ثم يقرأ في الثانية بالفاتحة وشيء من سورة البقرة لان النبي ﷺ قال خير الناس

---

(۱) براي اداء تراويح روزه شرط نيست: التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين للرجال والنساء اجماعا (الدرالمختار على هامش ردالمحتارباب الوتر والنوافل مبحث في التراويح ج۱ ص٦٥٩، ط.س. ج۲ ص٤٣). ظفير

(۲) وهى عشرون ركعة حكمته مساواة المكمل بعشر تسليمات هو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا (ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص٦٦٠، ط.س. ج۲ ص٤٥). ظفير

(۳) ويجلس ندبا بين كل اربعة بقدرها وكذا بين الخامسة والوتر ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة فرادى (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراايح ج۱ ص٦٦١، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفير

الحال المرتحل اي الخاتم المفتتح [1] الخ بناءا علاوه از این ثبوت ندارد لهذا بر آن اصرار نمودن بدعت ومکروه است. فقط

آیا برای تراویح امام مقرر نمودن درست نیست؟ **سوال:** (۱۸۲۱) قسمیکه بخاطر نمازهاي پنج وقته امام مقرر میشود همچنان در ماه مبارک رمضان براي تراویح امام مقرر نمودن جواز دارد یانه؟

جواب: چونکه مسئله آنست که (الامور بمقاصدها) واین هم است که المعروف کالمشروط پس اگر کدام قاري بخاطر ختم نمودن قرآن مجید امام تراویح نصب گردد ظاهر است که مقصود از آن امامت نیست بلکه مقصود ختم قرآن کریم است فلهذا براي قاري اگر کدام اجرت داده میشود آن بوجه ختم قرآن شریف است وبخاطر امامت محضه نیست پس حسب قاعده: لا یجوز اخذ الاجرة علی قرائة القرآن، در تراویح درمقابل ختم قرآن أخذ نمودن أجرت جواز نخواهد داشت قال في رد المحتار: وقال العینی في شرح الهدایة ویمنع القاري للدنیا والاخذ والمعطي اثمان، فالحاصل ان ما شاع في زماننا من قرائة الاجزاء بالاجرة لا یجوز الخ [2] شامي ص۳۵. جلد خامسی فقط. (بلا اجرت براي تراویح امام مقرر نمودن درست وبهتر است البته بالاجرت جائز نیست. ظفیر)

اگر احناف بدنبال غیر مقلد تراویح را اداء کنند متباقی رکعات راچه وقت نمایند آیا قبل الوتر یا بعد الوتر؟ **سوال:** (۱۸۲۲) اگر امام غیر مقلّد باشد وتراویح را بجاي بیست رکعت هشت رکعت اداء کند بناءا براي احناف تراویح متباقي را چگونه تکمیل نمودن بکار است آیا وتر را با امام اداء کنند پس از آن تراویح را تکمیل نمایند ویا وتر را ترک کنند واول تراویح را پوره نمایند؟

جواب: تراویح متباقي رابعد الوتر اداء کنند وبه این طریقه نیز درست است که وتر را با امام اداء نکند ونخست تراویح را اداء کنند وبعد ازآن وتر را بخوانند [3]. فقط

در تراویح زیاد تر از یک ختم قرآن چگونه است؟ **سوال** : (۱۸۲۳) در تراویح که حافظان

---

(۱) رد المحتار فصل في القراءة قبیل باب الإمامة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤۷. ظفیر

(۲) ردالمحتارکتاب الإجارة مطلب في الإجارة في الطاعة ج٥ ص٤٧، ط.س. ج۲ ص٥٦. ظفیر

(۳) والأصح أن وقتها بعد العشاء إلی آخر اللیل قبل الوتر وبعده لأنها نوافل سنت بعد العشاء (هدایه باب النوافل فصل في قیام رمضان ج۱ ص۱۳٤). ظفیر

قرآن دو سه ختم قرآن مجید را میکنند این چگونه است زیرا سنت مؤکد تنها یک ختم است وختم هاي متباقي چه حکم دارد ودیگر آنکه یک حافظ در مساجد متعدد ختم میکند حکم آن چیست وزیا براي اهالي آن مساجد دیگر ثواب ختم داده خواهد شد یانه؟

جواب: در الدرالمختار مذکور است: والختم مرة سنة ومرتين فضيلة وثلاثا أفضل [1] الخ ودر مسجد دیگر ختم کردن نیز درست است وبراي أهالي مسجد دوم نیز ثواب ختم مسنون داده خواهد شد. فقط

اگر دررکعت دوم بفراموش برخاست سپس برایش یاد شد اکنون چه بایدکرد؟ سوال: (۱۸۲٤) اگر دررکعت دوم تراویح بجاي نشستن برخاست وقیام نمود وبعد ازآن بیادش آمد الان چه کند؟

جواب: اگر از قبل سجده بیادش شد باید جلوس ورزد وسجده سهوه نماید: واما النفل فيعود وما لم يقيده بالسجدة [2]. فقط

سجدهٔ تلاوت با سجدهٔ صلاتیه اداء میشود یا نه؟ سوال: (۱۸۲۵) اگر امام در تراویح سجده تلاوت را با سجده نماز کند یعني سه بار سجده بکند آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در نماز وقتیکه آیت سجدهٔ تلاوت را نمود در همان وقت سجدهٔ تلاوت را اداء کردن بکار است واگر آن را مؤخر نمود وبا سجدهٔ نماز آن را اداء کرد بازهم سجدهٔ سهوه بر ذمهٔ او لازم است وبعد از اداء نمودن سجدهٔ سهوه ضرورت براي اعاده نمودن نماز نیست: ولذا كان المختار وجوب سجود السهو لوتذكرها بعد محلها الخ شامي [3] باب سجود التلاوة الخ. فقط (قصدا تأخير نمودن در اداء سجدهٔ تلاوت درست نیست وبعد ازآیت سجده فورا ویا بعد از سه آیت اداء نمودن سجدهٔ تلاوت ضروري است ور نه گنهکار خواهد شد، فعلى الفور لصيرورتها جزءا منها ويأثم بتاخيرها (در المختار) فوجب ادائها مضيقا كما في البدائع ثم تفسير الفور عدم طول المدة بين التلاوة والسجدة بقرائة اكثر من آيتين او ثلاث، حلية، ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۲. ظفیر

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث في التراويح ج۱ ص٦٦٢، ط.س. ج۲ ص٤٦. ظفیر
(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٦، ط.س. ج۲ ص۸۳. ظفیر
(۳) ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۲، ط.س. ج۲ ص۱۱۰. ظفیر

آیا تطویل تراویح بکار نیست؟ **سوال:** (۱۸۲٦) یک نفر بر جمات تراویح چنین اعتراض میکند که مردم درطول روز مانده وخسته میباشند بناءا براي امام آنقدر تطویل رکعات بکار نیست پس امام در آن مورد چه باید کرد؟

جواب: براي امام قرائت نمودن مختصر بکار است البته یکبار ختم کردن قرآن مجید در تراویح مسنون است ورنه یک یک پاره را تلاوت کند وازآن کم نباشد [1]. فقط

بعد از چهار رکعات تراویح چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۸۲۷) در تراویح که بعد از چهار رکعات کدام نشست میکنند درآن نشست تسبیح گفتن بکار است ویا خاموش نشسته باشد در هر نشست بعد از تسبیحات دعا خواستن نیز ضروري است یانه؟ در بعضی مناطق مروج است که در هر جلسه بعد از تسبیح دعا حتما میخواهند وآنکس که دعا نمیکند بر او ملامتي مي نمایند آن چه حکم دارد؟

جواب: تسبیحات که مأثور است آن را بگوید وخاموش نباشد ودعا خواستن در هر ترویحه ضروري نیست [2] وهر گاه ضروري پنداشته شود وبر دعا نکننده نکوهش وملامتي شود در این وقت ترک آن لازم است، کما صرح به الفقهاء. [3] فقط

دررکعت اول تراویح در حال نشستن بود اما وقتیکه برایش اشاره داده شد قیام نمود، حکم آن چیست؟ **سوال:** (۱۸۲۸) (۱) امام دررکعت اول تراویح بجاي قیام قصد نشستن را مي نمود که از عقب برایش اشاره داده شد وبلا وقفه مستقیما ایستاده شد وقتیکه دورکعت را تکمیل نمود سپس سلام گردانید وسجده سهوه را نکرد آیا این نماز درست شده است یا نه؟ اگر نشده باشد وبعد از معلوم شدن آن نماز را با جماعت اداء کند یا علیحیده؟

آیا سجده سهوه را اداء کند؟ **سوال:** (۱۸۲۹) (۲) آیا در همچو صورت سجده سهوه لازم

---

(۱) والختم مرة سنة ومرتين فضيلة وثلاثا أفضل ولايترک الختم لكسل القوم لكن في الإختيار الأفضل زماننا قدر ما لا ثقل عليهم وأقره المصنف وغيره (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص٦٦٢، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفير

(۲) يجلس ندبا بين كل اربعة وكذا بين الخامسة والوتر، ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة فرادى، (درمختار) قوله بين تسبيح قال القهستاني فيقال ثلاث مرات: سبحان ذي الملک والملكوت سبحان ذي العزة والعظمة والقدرة والكبرياء والجبروت، سبحان الملک الحى الذي لا يموت سبوح قدوس رب الملائكة والروح، لا إله الا الله نستغفر الله نسألک الجنة ونعوذ بک من النار كما في منهج العباد اهـ (رد المحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص٦٦١ ، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفير

(۳) قال الطيبي من أصر على أمر مندوب وجعله عزما ولم يعمل بالرخصة فقد أصاب منه الشيطان من الإضلال (مرقاة المفاتيح ج۲ ص١٤). ظفير الدين غفر له

است؟

وقتیکه اندک نشست نمود سپس برخاست آیا سجده سهره واجب است؟ سوال: (۱۸۲۹) (۳) امام بقصد نشست الله اکبر ومقتدي وقتیکه اورا در صدد نشست مشاهده نمود به آواز بلند الله اکبر گفت پس امام فورا بدوم رکعت قیام نمود ودرآن وقفه از زبان خود کدام الفاظ التحیات را نیز بیرون نکرد آیا به این وقفه سجدۀ سهوه لازم است؟

دررکعت اول بکدام مقدار نشست سجدۀ سهوه لازم میشود؟ سوال: (۱۸۳۱) (٤) اگر سهوا دررکعت اول وسوم نشست نمود وبعد ازآن ایستاده شد بناءا بکدام مقدار وقفه نمودن سجدۀ سهوه لازم میشود؟

بجلسه استراحت سجدۀ سهوه لازم نمیشود: سوال: (۱۸۳۲) (٥) در صورت جلسه استراحت سجده سهوه لازم میشود یا نه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده است وضرورتي به اعاده اش نیست وسجدۀ سهوه همچنان لازم نشد زیرا بعد از یک رکعت اگر اندک قدري بنشیند سپس ایستاده شود آن را نیز فقهاء جائز نوشته اند وامام موصوف تاهنوزکاملا نشست نکرده بود که بلا وقفه قیام نمود بناءا در این صورت نه سجده سهوه لازم است ونه ضرورتي به اعادۀ نماز احساس میشود درشامي مذکور است: هذا إذا كانت القعدة طويلة اما الجلسة الخفيفة التى استحبها الشافعي فتركها غير واجب عندنا بل هو الافضل [1] الخ.

جواب: (۱) نمازش درست شده است.

جواب: (۲) لازم نمیشود [2].

جواب: (۳) به آنقد ر وقفه سجده سهوه لازم نمیشود [3].

جواب: (٤) در صورت نشست طولاني سجده سهوه لازم میگردد مانند بمقدار خواندن التحیات مثلا ویا بر آن نزدیک باشد باقي با جلسۀ خفیفه سجده سهوه لازم نمیشود [4].

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة قبيل مطلب مهم في تحقيق متابعة الإمام ج۱ ص٤۳۸، ط.س. ج۱ ص٤٦۹. ظفير

(۲) ايضا. ط.س. ج۱ ص٤٦۹. ظفير

(۳) ايضا. ط.س. ج۱ ص٤٦۹. ظفير

(٤) وكذا القعدة الأخيرة في آخر الركعة الأولى والثالثة فيجب تركها ويلزم من فعلها ايضا تأخير القيام إلى الثانية او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التى إستحبها الشافعي رحمه الله فتركها غير واجب عندنا بل هو الأفضل كما سيأتى (رد المحتار باب =

جواب: (٥) بر این سجده سهوه لازم نمیشود. فقط

در تراویح بعد از آیت ها گفتن برخی از کلمات: سوال: (۱۸۳۳) در تراویح قاری در ختم بعضي سورت ها برخي از الفاظ عربي غير قرآني را قرائت مي نمود مثلا درآخر سورت مرسلات بعد ازآیت (فَبِاَیِّ حَدِیْثٍ بَعْدَهٗ مُؤْمِنُوْنَ) میگفت: آمَنَّا بِاللهِ، آیا در همچو گفتار نماز فاسد میشود یانه؟

جواب: علماء احناف (رح) ازهمچو ادعیه در نماز منع میفرمایند لکن اگر درنوافل این ادعیه رامیخواند فاسد نخواهد شد وتراویح همچنان فاسد نمیشود [1]. فقط

یک نفر درتراویح درآغاز هرسورت الله را جهرا قرائت نماید دراین مورد حکم چیست؟

سوال: (۱۸۳٤) زید در نماز ترایح در شروع هر سورت بسم الله را جهرا میخواند در این مورد حکم شرعي چیست؟

جواب: عند الاحناف جهرا خواندن بسم الله در نماز نیست بلکه سرا خواندن مسنون است خواه تراویح باشد آن نماز یا غیر تراویح باشد البته خارج ازنماز جهرا وسرا اتباع امام خود را بکند درقراء کرام در شامي مذکور است: والثالث أنه لا يجهر بها في الصلوة عندنا خلافا للشافعي (رح) وفي خارج الصلوة اختلاف الروايات والمشايخ في التعوذ والتسمية قيل يخفي التعوذ دون التسمية والصحيح أنه يتخير فيهما ولكن يتبع امامه من القراء وهم يجهرون بهما الا حمزة فانه يخفيهما الخ شامي. باقي آنکه اگر کدام کس در نوافل اتباع امام خود را در قراء کرام مي کند وجهرا میخواند بر او طعن وبد گفتن بکار نیست. فقط

در هر ترویحه دست بالا کردن ودعا خواستن درست است یا نه؟ سوال: (۱۸۳٥) (۱) درترویحه سائر تراویح بعد ازتسبیح وتهلیل امام ومقتدیان دست ها را بلند نموده دعاء میخواهند آیا جواز دارد یا نه؟ وآنکه بعد از تراویح دعا خواستن بکار است؟

بعد از ترویحه از دعا خواستن کرده شود یانه؟ سوال: (۱۸۳٦) (۲) هر قاري که هموار عادة در هر ترویحه دست ها را بلند نموده دعا میکند آیا او را بالجهر ممانعت نمودن جائز است

= صفة الصلوة قبيل مطلب في تحقيق متابعة الإمام ج۱ ص٤۳۸، ط.س. ج۱ ص٤٦۹). ظفير

(۱) والمؤتم لا يقرأ مطلقا الخ بل يستمع إذا جهر وينصت إذا أسر الخ وإن قرأ الإمام آية ترغب وترهب وكذا الإمام لا يشتغل بغير قرآن وما ورد حمل على النفل منفردا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في القراءة ج۱ ص٥۰۹، ط.س. ج۱ ص٥٤٤). ظفير الدين غفر الله له

یا نه؟

آیا دعا خواستن ممنوع است: سوال: (١٨٣٧) (٣) اگر كدام قاري در ترويحه بدان منظور دعاء ميكند كه اين دعاء ثبوت ندارد حالانكه براي او فرمايش مقتديان است كه حتما دعا بخواهد ودر آن كدام قباحت نيست قاري اگر مخالفت مقتديان را مرتكب ميشود آن مخالفت سبب عدم جماعت تراويح وباعث اندوه عوام ميگردد فلهذا در همچو صورت براي قاري چه كردن بكار است؟

جواب: (١) در هر ترويحه تراويح گفتن تسبيح تهليل وغيره أدعيه مأثوره منقول است.[1] واما دست بلند نمودن ودعا خواستن تنها درآخر بيست ركعت تراويح معمول است بناءِ هم چنان كردن بكار است كما ورد ما رآه المؤمنون حسنا فهو عند الله حسن.

جواب: (٢) ظاهر آنست كه او از تشدد منع كرده شود.

جواب: (٣) براي قاري موصوف در آن صورت پذيرفتن گفتار مقتديان ضروري نيست ونه براي مقتديان همچو حكم صادر كردن بكار است براي امام خويش زيرا امام متبوع پيروي كرده شده است تابع نيست كه پيروي كسي را بكند كما ورد في الحديث: انما جُعل الامام ليؤتم به[2] الحديث. فقط

تراويح سنت رسول الله ﷺ است يا سنت خلفاء راشدين؟ سوال: (١٨٣٨) آيا نماز تراويح سنت نبي اكرم ﷺ است ويا ايجاد حضرت عمر رض است؟

جواب: نماز تراويح سنت رسول الله ﷺ وهمچنان سنت خلفاء راشدين است.[3]

اگر درتراويح سجدهٔ سهوه لازم شود آيا اداء بشود؟ سوال: (١٨٣٩) (١) اگر در تراويح چنين سهوه شود كه موجب سجدهٔ سهوه ميگردد آيا سجدهٔ سهوه اداء شود يا نه؟

اين گفتن غلط است كه در تراويح سجده سهو نيست : سوال : (١٨٤٠) (٢) اكثر مردم

---

(١) ويجلس بين كل اربعة وكذا بين الخامسة والوتر، ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة فرادى (درمختار) قوله بين تسبيح قال الله القهستاني فيقال ثلاث مرات سبحان ذي الملك والملكوت الخ (رد المحتار مبحث التراويح ج١ ص٦٦١، ط.س. ج٢ ص٤٦). ظفير

(٢) مشكوة باب ما على المأموم من المتابعة فصل اول ص١٠١. ظفير

(٣) التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين (درمختار) أى أكثرهم لأن المواظبة وقعت في إثناء خلافة عمر رضى الله عنه ووافقه على ذلك عامة الصحابة ومن بعدهم إلى يومنا هذا بلا نكير وكيف لا وقد ثبت عنه صلى الله عليه وسلم عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين عضوا عليها بالنواجذ كما رواه ابوداؤد بحر (رد المحتار مبحث التراويح ج١ ص٦٥٩، ط.س. ج٢ ص٤٣). ظفير

میگویند که در تراویح سجده سهو نیست ایا این صحیح است یانه؟

جواب: (۱) بترک واجب قسمیکه در سائر نمازها سجدهٔ سهوه لازم میشود همچنان در تراویح نیز لازم میگردد.[۱]

جواب: (۲) این سخن درست نیست. فقط

آیا نماز تراویح بیک سلام جائز است؟ **سوال:** (۱۸٤۰) در رمضان المبارک نماز تراویح را بیک سلام اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: تراویح را اگر بیک سلام طوري اداء کند که بعد از هر شفعه نشست نکرده باشد در این صورت سائر رکعت ها قائم مقام یک شفعه میباشد واگر بر هر شفعه نشست نموده باشد با آنهم که تراویح بهمین طریق ادا میشود لکن این فعل خالي ازکراهیت نیست بناءا طریقهٔ مسنون آنست که بیست کعت را به ده سلام ادا کند درالدر المختار مذکور است: وهي عشرون رکعة بعشر تسلیمات فان فعلها بتسلیمة فان قعد لکل شفع صحت بکراهة وإلا نابت عن شفع واحد به یفتی، الدر المختار مع الشامي، جلد اول ص٤٧٤. وفي البحر: لا یخفی ما فیه لمخالفة المتوارث مع تصریحهم بکراهة الزیادة علی ثمان في مطلق التطوع لیلاً فلان یکره هنا اولی الخ. بحر الرائق جلد اول ص۷۲. فقط

بدون عذر شرعی ترک نمودن تراویح چگونه است؟ **سوال:** (۱۸٤۲) بغیر عذر قصدا تراویح را ترک نمودن وچنین گفتن که جناب نبي اکرم ﷺ بذات خود آن را ترک نموده فلهذا مایان نیز آن را ترک مي نمائیم آیا این سخن جواز دارد یانه؟

جواب: تراویح سنت مؤکد است بغیر از عذر شرعي تارک آن عاصي وگنهکار است از خلفاء راشدین وسائر صحابه کرام رض واز سلف صالحین مواظبت آن ثابت است نبي اکرم ﷺ بذات خود فرموده اند که من درآن فکر واندیشه هستم که بالاخره تراویح فرض نشود وهمین یک سخن است که بوجه آن جناب نبي اکرم ﷺ بر تراویح تداوم ننمودند ودر حقیقت عدم تداوم آنحضرت ﷺ برتراویح یک دلیل واضح است وروشن بر اهتمام تراویح است، وچنین استدلال نمودن یک نفرکه نبي اکرم ﷺ آن را ترک نموده اند فلهذا من نیز آن را ترک مي نمایم قطعا

---

(۱) والسهو في صلوة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفیر

قابل قبول نیست واین عذر او مبني [۱] بر عدم واقفیت است بر احکام. فقط

نیت دورکعت تراویح نمود لکن دررکعت دوم برای قعده نشست ننمود بناءا درآن مورد حکم چیست؟ **سوال:** (۱۸۴۳) یک نفر نیت دورکعت تراویح را بست وسهوا دررکعت دوم قعده را ترک کرد بلکه در رکعت سوم نشست وقعده نمود وسجده سهوه اداء کرد بناءا یک رکعت ضایع گردید ویا هر سه رکعات؟

جواب: اگر سجدهٔ سهوه را کرد پس دو رکعت او درست شده است واگر سجدهٔ سهوه را اداء نکرده پس بوجه نقصان واجب الاعاده است [۲]. فقط

تراویح دادن حق یک امام مستقل است ویا حق دیگر قاری مقرر شده؟ **سوال:** (۱۸۴۴) بکر که حافظ قرآن است در یک مسجد امام مقرر شد وزید نیز حافظ قرآن است واز زمانهٔ متمادي درآن مسجد امامت تراویح بدهد اکنون بکر میگوید که الان من امام مقرر شده ام بناء حق اولویت امامت تراویح تنها از من است وزید میگوید که امامت تراویح حق قدیمي من است بناء در حقیقت حق از کیست؟

جواب: درصورت مسئوله وقتیکه بکر امام مقرر گردیده است فلهذا حق امامت تراویح نیز براي او حاصل است [۳]. فقط

بعد از نماز فرض آنکسانی که آمدنی هستند در جماعت وتر شریک شده میتوانند؟

سوال: (۱۸۴۵) دو سه مرد بعد ادائي نماز فرض که امام بجماعت تراویح مشغول است درآن مسجد حاضر شدند آن اشخاصي نماز فرض بجماعت اداء نمایند یا علیحده علیحده خوانده شامل جماعت شوند وباز نماز وتر را با جماعت خوانند یا تنها؟

جواب: تکرار جماعت در مسجد محله مکروه است پس آن کسان که بعد [۴] جماعت فرائض

---

(۱) التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین للرجال والنساء اجماعا (درمختار) ووافقه علی ذلک عامة الصحابة ومن بعدهم إلی یومنا هذا بلا نکیر، وکیف لا وقد ثبت عنه صلی الله علیه وسلم علیکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدین المهدیین عضوا علیها بالنواجذ کما رواه ابوداؤد (ردالمحتار مبحث صلوة التراویح ج۱ ص۶۵۹). ظفیر

(۲) وذکر الإمام الصفار في نسخته من الأصل أنه إن لم یقعد حتی قام إلی الثالثة علی قیاس قول محمد یعود ویقعد وعندهما لایعود ویلزمه سجود السهو کذافي الخلاصة (عالمکیري مصري باب النوافل ج۱ ص۱۰۶). ظفیر

(۳) واعلم أن صاحب البیت ومثله إمام المسجد الراتب اولی بالإمامة من غیره مطلقا (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۲، ط.س. ج۱ ص۵۵۹). ظفیر

(٤) وروی عن أنس أن أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم کانوا إذا فاتتهم الجماعة في المسجد صلوا في المسجد فرادی (ردالمحتار =

آمدند نماز فرض علیحده خوانده شامل جماعت تراویح شوند ووتر را بجماعت اداء نمایند [۱] الغرض شریک شدن ایشان را بجماعت وتر جائز است کما صرح به في الطحطاوي [۲]. فقط

آنکس که ازسن پانزده سالگی تجاوز نمود وعلامت بلوغ دراوظاهر نشد حکم امامت اوچگونه است؟ **سوال:** (۱۸٤٦) سن زید باعتبار ماه قمري پانزده سال وچهارده ماه است وظاهرا در او هیچ علامت بلوغ آشکار نیست آیا بدنبال زید نماز تراویح وغیره درست است یا نه؟

جواب: در شریعت وقتیکه علامت بلوغ ظاهر نشود در آن صورت بحساب ما قمري در پانزده سالگي کامل حکم بلوغ داده میشود، الدر المختار [۳] لهذا بدنبال زید اداء نمودن نمازهاي فرائض وتراویح درست است. فقط

تراویح قبل الوتر أفضل است وبعد الوتر جائز میباشد: **سوال:** (۱۸٤۷) تراویح را قبل الوتر اداء نمودن بکار است ویا بعد الوتر یک شخص وتر را نخست اداء کند وبعد ازآن تراویح را بدهد؟

جواب: در متعلق تراویح طریقهٔ مشروع آنست که بعد از نماز عشاء وقبل الوتر تراویح را اداء نمایند سپس ازآن وتر را بخواند لکن اگر تراویح را بعد الوتر اداء میکند آن هم درست است در الدرالمختار مذکور است: وقتها بعد صلوة العشاء إلى الفجر قبل الوتر وبعده في الاصح [٤]. فقط

شانزده کعت تراویح را اداء نمود ومتباقی چهار رکعت را دروقت تهجد اداء کرد حکم آن چیست؟ **سوال:** (۱۸٤۸) اگر قاري صاحب شانزده رکعت تراویح را اداء نمود وچهار رکعت متباقي را در این وقت اداء ننمود که آن را شخص دیگر امامت خواهد داد بناءا اگر قاري چهار رکعت را در وقت تهجد بجماعت اداء نماید ایا جواز دارد یا نه؟ که خودش نیت تراویح را

= باب الأذان مطلب في كراهة تكرار الجماعة في المسجد ج۱ ص۳٦۷، ط. س. ج۱ ص۳۹٦). ظفير

(۱) وكان رجل قد صلى الفرض وحده فله أن يصليها مع ذلک الإمام لأن جماعتهم مشروعة فله الدخول فيها معهم (رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص٦٦۳، ط.س. ج۲ ص٤۸). ظفير

(۲) قوله فليراجع الخ قضية التعليل في المسئلة السابقة بقولهم لأنها تبع أن يصلي الوتر بجماعة في هذه الصورة لأنه ليس بتابع للتراويح ولا العشاء عند الإمام رحمه الله تعالى إنتهى، حلبى (الطحطاوى على الدرالمختار مبحث التراويح ج۱ص....). ظفير

(۳) والسن الذي يحكم ببلوغ الغلام والجارية إذا انتهيا إليه خمس عشرة سنة عندابي يوسف ومحمد وهورواية عن ابي حنيفة وعليه الفتوى.(عالمگيري مصري كتاب الحجر باب الثانى فصل ثاني ج٥ ص٦٤). ظفير

(٤) الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص٦٥۹، ط.س. ج۲ ص٤٤. ظفير

داشته باشد وباقي مقتديان نيت تهجدرا ويا مقتديان نيز اين چهار ركعت را بنيت تراويح اداء كنند آيا اين فعل جائز است يا نه؟ بالخصوص در وقتيكه مردم بتداعي اجتماع مي نمايند؟

جواب: اگر چهار ركعت تراويح را بگذارد ودر آخري حصۀ شب آن را بجماعت اداء كند درست است (۱) وعلاوه از تراويح سائر جماعت سائر نوافل كه بتداعي باشد يعني جماعت سه چهار نفر يا زياد درست نيست بلكه مكروه است وهمچنان جماعت تهجد نيز مكروه است. (۲) فقط

حكم شبينه: **سوال:** (۱۸۰۹) اگر شبينه يعني ختم قرآن مجيد در نوافل بجماعت اداء شود جائز است يانه؟

جواب: اگر شبينه يعني ختم قرآن مجيد در نوافل بجماعت باشد مكروه است ومراد از مكروه مكروه تحريمي است كه قريب بحرام ميباشد بناء آن را ناجائز گفتن صحيح است وتفسير تداعي عبارت است از آنكه مقتديان چهار باشنند ودر سه اختلاف است (۳). فقط

نبی اکرم ﷺ که کدام نماز را در رمضان المبارک اداء نموده بودند آن تراويح بود:

سوال: (۱۸۵۰) رسول الله ﷺ كه سه شب در رمضان المبارک نماز نفل را بجماعت كبرى اداء فرموده بودند آيا اين نماز تهجد بود يا غير تهجد اگر غير تهجد باشد پس بر اداء نمودن نماز تهجد كه بوجه امتثال اين حكم إلهي: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّکَ) و (يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱) قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا) كه كدام مداومت براي نبي اكرم ﷺ حاصل بود نبي اكرم ﷺ بعد از نماز ذكر شده آن نماز را اداء نموده بود يانه؟ مفصل ومدلل آن را تحرير فرمائيد؟

جواب: محققين فرموده اند كه آن نماز تراويح بود وچونكه در نوافل تداخل ميشود ويک نماز قائم مقام ديگر ميگردد فلهذا اگر در يک شب سائر شب را درتراويح اداء كردن سپري نمايد بس تهجد نيز در آن اداء ميشود، كما في السنن: وتحية المسجد والضوء، وتحقيق آن را

---

(۱) ووقتها (اي صلوة التراويح) بعد صلوة العشاء إلى الفجر في الوتر وبعده في الأصح (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص۴٤). ظفير

(۲) ولايصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اى يكره ذلک لو على سبيل التداعي بأن يقتدي اربعة بواحد الخ (ايضا باب الوتر والنوافل بعد مبحث التراويح ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۸). ظفير

(۳) ولا يصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اي يكره ذلک لو على سبيل التداعي بأن تقتدي اربعة بواحد (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۸). ظفير

حضرت مولانا رشید احمد قدس سره محدث وفقیه گنگوهي در سالهٔ (الرأي النجیح في عدد التراویح) مفصلا بیان فرموده است واجوبهٔ سائر شبهات را درآن مدلل تحریر نموده است آن رساله را مطالعه فرمائید انشاء الله از روي انصاف هیچ شبه درآن باقي نخواهد ماند وحاصل تحقیق جناب مولانا صاحب آنست که نبي اکرم ﷺ وقتیکه سه شب نماز نفل را بجماعت اداء فرموده بودند آن نماز تراویح بود نه نماز تهجد ودر آن رساله جوابات سائر شبهات را از احادیث وآثار ارائه فرموده است [1]. فقط

بخاطر وظایف ترک نمودن جماعت تراویح درست نیست: سوال: (۱۸۵۱) یک نفر در میان وتر وسنت عشاء عادي یک وظیفه است وچونکه وتر در رمضان المبارک بجماعت اداء میشود بناء خواندن وظیفه چه وقت بکار است اکبر وظیفه را سپري میکند ودرآن مصروف شود دوازده رکعت تراویح از او فوت میشود ودر هشت رکعت شرکت کرده خواهر توانست پس آن شخص هشت رکعت تراویح را اداء کند ودرجماعت وتر شامل شود یا چطور ویا آنکه جماعت وتر را ترک کند ویا وظیفه را در رمضان المبارک ترک گوید؟

جواب: بوجه وظیفه جماعت تراویح وجماعت وتر را ترک نمودن بکار نیست وتراویح را ا داء بیست رکعت اداء نمودن بکار است [2] واگر میخواهد وظیفه را به انجام برساند بس آن را بعد الوتر یا درکدام وقت دیگر اداء کند غرض آنکه بخاطر وظیفه کدام واجب وسنت را ترک نگوید بلکه وظیفه را بگذارد یا در وقت دیگر آن را بخواند.

درود بعد از چهار رکعات تراویح: سوال: (۱۸۵۲) آن عده مردمیکه بعد از چهار رکعت تراویح میگویند درود بر خواجه عالم این گفتار صحیح است یا نه؟

جواب: آن عده مردمیکه بعد از چهار رکعت تراویح این الفاظ را میگویند درود بر خواجه عالم در همچو گفتن هیچ کدام حرج نیست لکن این الفاظ درود نیست وثواب مزید درگفتن درود شریف میباشد بهتر آنست که بجاي این الفاظ (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ) بگوید ویا دیگر کدام درود شریف را بگوید وسبحان الله والحمد لله ولا إله الا الله والله اکبر را بگوید [3]. فقط

---

(۱) همچنان بخاطر مزید معلومات تراویح رسالهٔ رکعات تراویح را نیز مطالعه نمائید. شائع کرده مدرسهٔ مفتاح العلوم اعظم گره. ظفیر

(۲) والجماعة فیها سنة علی الکفایة الخ وهی عشرون رکعة الخ بعشر تسلیمات (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفیر

(۳) یجلس ندبا بین کل اربعة بقدرها وکذا بین الخامسة والوتر ویخیرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وصلوة فرادی (الدر المختار علی =

تراویح را اداء می نماید اما ازطرف روز، روزه گرفته نمیتواند: سوال: (۱۸۵۳) درشب که تراویح را اداء کند اما از طرف روز روزه را نگیرد حکم چیست؟

جواب: اگر کدام عذر باشد مثلا مرض باشد یا سفر داشته باشد گرفتن روزه مباح ودرست است وبغیر از عذر شکستاندن روزه رمضان المبارک گناه کبیره است که عوض وجبیرهٔ آن روزه بسائر عمر آن انسان نیز شده نمیتواند کما ورد في الحدیث: من افطر یوماً من رمضان من غیر رخصه ولا مرض لم یقض عنه صوم الدهر کله وإن صامه رواه أحمد والترمذی وغیرهما [1] الخ.

قرآن را کاملاً در تراویح قرائت نمودن بهتر است: سوال: (۱۸۵٤) در تراویح قرآن مجید را کاملا قرائت نمودن افضل است ویا بسورت فیل اداء نمودن آن أولی است؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: والختم مرة سنة الخ ولا یترک الختم لکسل القوم الدرالمختار [2] حاصل عبارت فوق آنست که در تراویح یکبار ختم قرآن مسنون است وبوجه تکاسل قوم ختم قرآن ترک نباید کرد زیرا برآن عمل شده است ومعمول به نیز میباشد وتفصیل مزید در شروح است. فقط

سجدهٔ تلاوت در تراویح: سوال: (۱۸۵۵) اگر در تراویح شده درختم شدن رکوع آید ویادر آخر سورت باشد پس چگونه اداء کردن آن بکار است؟

جواب: درجائیکه درآخر سورت آیت سجده بیاید طریقه اداء نمودن آن بدو بخش است یکي آنکه فورا سجده تلاوت را اداء کند وقیام نماید وبعد از تلاوت نمودن چند آیت رکوع کند، دوم آنکه در رکوع نیت اداء نمودن سجده تلاوت را بکند پس سجده اداء میشود اما فورا سجده باید کرد. فقط (صورت دوم شایان ومناسب نیست زیرا تنها نیت امام کافي نیست وسجدهٔ تلاوت مقتدي ترک میشود وبعد از سلام آن را اداء کند: ولو نواها في رکوعه ولم ینوها المؤتم لم تجزه یسجد إذا سلم الامام ویعید القعدة، در المختار، وفورا اداء نمودن سجدهٔ مستقل بکار است وقتیکه در ختم سورت سجده باشد وبعد از قیام از سجده دو سه آیات سورت دیگر را قرائت نماید سپس برکوع برود ورکوع را اداء کند وإن کانت السجدة آخر السورة یقرء من

= هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج۱ ص٦٦١، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفیر

(۱) مشکوة شریف ص۱۷۷. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص٦٦۲، ط.س. ج۲ ص٤٦. ظفیر

سورة أخرى ثم يركع، ردالمحتار، اگر در ختم رکوع سجده باشد فلهذا بعد ازسجده یک حصه رکوع دیگر را قرائت کند سپس براي نماز برکوع برود ورکوع کند والله اعلم. ظفیر)

تنها بخاطر فتح دادن در تراویح شرکت نمودن: **سوال:** (۱۸۵٦) هر شخصي که در نماز تراویح بر آن نیت شرکت ورزد که امام غلطي مي نماید ومن برایش رهنمائي وفتح خواهم داد وسپس نماز را خواهم شکست پس بنا بر این نیت آیا او مقتدي محسوب میگردد یانه؟ اگر امام را فتح داد وسپس نماز خود را شکست آیا نماز امام درست شده است یا نه؟ وشبینه چه حکم دارد؟

جواب: این شخص مقتدي گردیده وتکمیل نماز بدوش او لازم شده است وامام فتح او را خواهد گرفت زیرا براي او معلوم نیست که آن شخص بعد از فتح دادن نماز را میشکناند ونماز امام درست است واما برآن نیت شرکت نمودن او ناپسند است وتکمیل آن نماز بعهده اش لازمي است [1] اما شبینه اگر درآن قرائت قرآن مجید بطریق درست وصحیح باشد بسیار پسندیده است لکن قسمیکه در عصر موجوده میشود اکثرا سبب گناهان میگردد بناءا ترک نمودن آن بکار است. فقط

یک نفر در دو جای تراویح داده میتواند یا نه؟ **سوال:** (۱۸۵۷) اگر امام در دو جاي نماز تراویح را میدهد آیا درست میشود یا نه؟

سوال: (۲) در شب ۲۷ رمضان المبارک بعد از ختم قرآن شریف غزل الوداع در مسجد خوانده میشود آیا این عمل جائز است یا نه؟

جواب: در دو مکان تراویح درست میشود [2]. فقط (اگر در هر دو جاي امامت تراویح را کاملا اداء کند سپس مطابق قول مفتی به تراویح أهالي مسجد ثاني درست نمیباشد در عالمگیري صراحة آمده است: حواله را در حاشیه مطالعه فرمائید. ظفیر)

---

(۱) ومن شرع في نافلة ثم أفسدها قضاها (إلى قوله) ولنا أن المؤدى وقع قربة فيلزم الإتمام ضرورة صيانة عن البطلان (هدايه باب النوافل ج۱ ص۱۳۱). ظفير

(۲) ولو أم في التراويح مرتين في مسجد واحد كره (إلى قوله) وإن صلى في المسجدين إختلف المشايخ فيه حكى عن ابي بكر الأسكاف أنه لايجوز يعني لايجوز تراويح أهل المسجد الثاني واختاره ابو الليث وقال ابو نصر يجوز لأهل المسجد جميعا الخ غنية الستملي ص۳۸۹، امام يصلى التراويح في مسجدين على الكمال لايجوز كذا في محيط السرخسي والفتوى على ذلک كذا في المضمرات. عالمكيري كشوري ط. ماجدية ج۱ ص۱۱٦. ظفير

جواب: (۲) سرائیدن وگفتن غزل درست نیست [1]. فقط

تراویح هشت رکعت است یا بیست رکعت؟ **سوال:** (۱۸۵۸) تراویح را هشت رکعت اداء نمودن بکار است یا بیست رکعت؟ مشرح ومدلل تحریر فرمائید ودر مورد فاتحه خلف الامام وآمین بالجهر حکم چیست؟ واضح تحریر فرمائید وسه رکعات وتر آیا طوري است که در رکعت دوم قعده شود؟

جواب: در فتح القدیر مذکور است: نعم يثبت العشرون من زمن عمر (رضی الله عنه) في المؤطا عن يزيد بن رومان قال كان الناس يقومون في زمن عمر بن الخطاب بثلاث وعشرين ركعة وروى البيهقي في المعرفة عن السائب بن يزيد قال كنا نقوم في زمن عمر بن الخطاب ﷺ بعشرين ركعة والوتر قال النووي في الخلاصة إسناده صحيح وفي المؤطا باحدى عشرة ركعة وجمع بينهما بأنه وقع اولا ثم إستقر الأمر على العشرين فانه متوارث فتحصل من هذا كله أن قيام رمضان سنة إحدى عشر ركعة بالوتر في فعله ﷺ تركه لعذر الخ فيكون سنة وكونها عشرين سنة الخلفاء الراشدين وقوله ﷺ عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين ندب إلى سنتهم (إلى أن قال) فتكون العشرون مستحبا الخ [2] از تحقیق فوق ثابت شد که سنت خلفاء راشدین نیز بیست رکعت تراویح است وآن حضرت ﷺ نیز درآن مورد حکم متابعت خلفاء راشدین را فرموده اند پس این گفتار غیر مقلدین که بیست رکعت تراویح بدعت عمري است آن جهالت از حدیث است ودر شامي مذکور است: قوله وهي عشرون ركعة وهو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا، غرض آنکه در این مورد هیج تامل نیست. کما مر عن فتح القدیر فلهذا براي احناف همین دلیل کافي است. بناءا اگر بالفرض آن سخن ثابت شود که در زمانه آن حضرت ﷺ بیست رکعت تراویح از حدیث صحیح ثابت نیست، پس از زمانه حضرت عمر رض بالاتفاق بطریق صحیح ثابت است وسنت خلفاء راشدین بذات خود واجب الاتباع میباشد پس براي ثبوت بیست رکعت تراویح از آن زیاد تر چه چیز شده میتواند. ودرا ین مورد رساله (الرأی النجیح) و (الحق الصریح) و (ایضاح الأدلة) را از مولوي اصغر حسین صاحب مطالبه کنید ودر رساله ها اولین تحقیق کامل تراویح وحق الامر رانیز ظاهر وآشکار نموده است ودر رساله ایضاح الادلة

(۱) من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد، متفق عليه (مشكوة ص۳۷). ظفير

(۲) فتح القدير بحث تراويح ج۱ ص۴۰۷. ظفير

مصنفه حضرت مولانا محمود الحسن صاحب مسائل اختلافي مانند رفع اليدين فاتحه خلف الامام وآمينُ بالجهر وغيره را بسيار بتفصيل وتشريح ذكر شده است واز احاديث صحيحه مسائل امام صاحب ثابت نموده است كه غير مقلدين از ارائه نمودن جوابات آن عاجز ميباشند وكتاب هاي فوق الذكر حتما مطالبه كنيد وآن را مطالعه فرمائيد وبراي بنده عاجز اولا فرصت نقل نمودن آن دلايل ميسر نيست وچيزي نوشتن نيز تحصيل حاصل ميباشد وبغير از مطالعه نمودن كتاب هاى مذكوره از فريب دادن غير مقلدين اشخاص مقلدين نجات نخواهد يافت ودرسه ركعات وتر ثبوت قعده وسطانى طوري بديهي است كه از آن انكار ورزيدن فعل أهل حق واهل دين نيست واين جرئت را يگانه وتنها غير مقلدين مي نمايند. صلاة الليل مثنى مثنى فاذا خشع الصبح صلى واحدة فاوتر لا صلي، حديث صحيح است: واز اين واضح ثابت شد كه بعد ازدو ركعات تشهد خوان لازم است در فتح القدير مذكور است: : واخرج الحاكم قيل للحسن أن إبن عمر رضي الله عنه كان يسلم في الركعتين من الوتر فقال عمر كان أفقه منه نهض بينهن في الثانية. در اين حديث بعد از در ركعت نهوض مصرح است ونهوض بعد از قعود ونشست ميباشد وهمچنان درفتح القدير [1] مذكور است: قال الطحاوي حدثنا ابوبكر حدثنا ابوداؤد حدثنا ابو خالد قال سألت أبا العالية عن الوتر فقال علمنا اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أن الوتر مثل صلوة المغرب هذا وتر الليل وهذا وتر النهار. [2] از اين حديث نيز معلوم شد كه وتر مانند نماز شام است.

در تراويح سه بار خواندن (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) چگونه است؟ سوال: (۱۸۵۹) (۱) درتراويح سه بار خواندن (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) جائز است يا مكروه؟

بعد از ترويحه نوافل ومناجات جائز است يا نه؟ سوال: (۱۸۶۰) (۲) در تراويح بعد از ترويحه مناجات ونوافل جائز است يا نه؟

جواب: (۱) در ترويحه سه بار (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) خواندن مكروه نيست [3] البته لازم پنداشتن آن مكروه خواهد شد پس التزام آن نباشد.

---

(۱) فتح القدير بحث تراويح ج۱ ص۴۰۷. ظفير

(۲) فتح القدير بحث تراويح باب الوتر ج۱ ص۳۷۲ -- ۳۷۳ . ظفير

(۳) ولا يكره تكرار السورة في ركعة او ركعين في التطوع لأن باب النفل واسع (إلى قوله) فدل على جواز التكرار في التطوع (غنية المستملي ص۳۴۳) وقراءة قل هو الله أحد ثلاث مرات عند ختم القرآن لم يستحسنها بعض المشائخ وقال الفقبه ابو الليث هذا شيء إستحسنه أهل القرآن وائمة الأمصار فلا باس به إلا ان يكون الختم في المكتوبة فلانريد على مرة (غنية المستملي ص۴۹۴). ظفير

جواب: (۲) درتراویح بعد هر ترویحه دعاء ومناجات وذکر وتسبیح وتهلیل ودرود شریف ونوافل همه جائز است.[۱] فقط

گناه ترک تراویح: **سوال:** (۱۸۶۱) قضاء نمودن تراویح گناه دارد یا نه؟

جواب: در قضاء نمودن تراویح گناه ترک سنت خواهد باشد.[۲] فقط والله اعلم

فیصلۂ اختلاف رکعات تراویح: **سوال:** (۱۸۶۲) فریق اول میگوید که نماز رسول الله ﷺ در رمضان وغیر رمضان یازده رکعت بود قسمیکه از حدیث حضرت عائشه صدیقه (رض) ثابت است بناءا تراویح وغیره همه درآن داخل اند. فریق دوم میگویند که تراویح نماز علیحده ومستقل است، وتر وتهجد نیست فلهذا تراویح را بیست (۲۰) رکعت اداء نمودن بکار است بناءا در میان قولین سخن حق کدام است؟

جواب: یازده (۱۱) رکعت که در حدیث حضرت عائشه رض آمده است آن نماز وتر وتهجد بود چنانچه لفظ غیر رمضان قرینه واضح موجود است زیرا در غیر رمضان تراویح نمیباشد بناءا تراویح بیست (۲۰) رکعت است وبر آن اجماع صحابه کرام منقعد گردیده است: قال في الدر المختار قوله عشرون رکعة هو قول الجمهور وعمل الناس شرقا وغربا،[۳] در مؤطاء امام مالک رحمه الله این حدیث موجود است: حدثنا مالک عن یزید بن رومان أنه قال کان الناس یقومون في زمان عمر بن الخطاب رضي الله عنه في رمضان بثلث وعشرین رکعة قوله بثلث وعشرین رکعة قال البیهقي والثلث هو الوتر ولا ینافیه الروایة السابقة فانه وقع اولا ثم إستقر الأمر علی العشرین فروی البیهقي باسناد صحیح أنهم یقومون في عهد عمر بعشرین رکعة وفي عهد عثمان وعلی مثله[۴]. فقط

حدیث تراویح: **سوال:** (۱۸۶۳) ابن خزیمه وابن حبان که کدام حدیث درصحیحین ایشان بروایت جابر ابن عبد الله نقل نموده است: قال صلی بنا رسول الله ﷺ فی شهر رمضان ثمان رکعات واوتر، الحدیث. وغیر مقلدین این حدیث را حجت براي خود مي پندارند فلهذا اسناد حدیث مذکور را مع جرح وقدح تفصیلا تحریر فرمائید؟

---

(۱) ثم هم مخیرون في حالة الجلوس إن شاءوا اسبحوا وإن شاءوا قعدوا ساکتین الخ (عالمکیري کشوري ج۱ ص ۱۱۴، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۱۵). ظفیر

(۲) وهی سنة للرجال والنساء جمیعا ونفس التراویح سنة علی الأعیان (عالمکیري کشوري ج۱ ص۱۱۴، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۱۶). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ط.س. ج۲ ص۴۵. ظفیر

(۴) غنیة المستملی ص۳۸۸. ظفیر

جواب: صحیح ابن خزیمه وابن حبان در اینجا موجود سردست نیست که درآن سند آنها دیده ومطالعه شود وتوجیه آن روایت علماء محققین ذکر فرموده اند که آن را بخدمت شما نقل مي نمایم، در فتح القدیر مذکور است: قدمنا في باب النوافل عن ابي شلمة ابن عبدالرحمن سألت عائشة کیف کانت صلوة رسول الله صلی الله علیه وسلم في رمضان فقالت ماکان یزید في رمضان ولا في غیره علی إحدی عشرة رکعة الحدیث إلی أن قال نعم ثبتت العشرون من زمن عمر رضي الله عنه في المؤطا عن یزید بن رومان قال کان الناس یقومون في زمن عمر بن الخطاب بثلاث وعشرین رکعة وروی البیهقي في المعرفة عن السائب بن یزید قال کنا نقوم في زمان عمر بن الخطاب بعشرین رکعة والوتر قال النووي في الخلاصة اسناده صحیح [1] الخ بناء واضح ومعلوم شد که بیست رکعت تراویح سنت خلفاء راشدین است وآن حضرت ﷺ فرموده اند: علیکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدین، لهذا ضروري است که سنت خلفاء راشدین معمول بها گردانیده شود. فقط

اگر یک قاري دریک هفته مسجد قرآن ختم میکند در تراویح ودر هفته دیگر در مسجد دیگر ختم میکند بناءا در این مورد حکم چیست؟ **سوال:** (۱۸۶٤) بعضي قراء کرام درشش یا هفت روز قرآن مجید را در تراویح در یک مسجد کاملا ختم مي کند وبعد ازآن در مسجد دوم ختم قرآن مجید را در تراویح مي شنواند آیا این طرز العمل درست است یا نه؟ وتراویح اهالي مسجد ثاني درست میشود یانه؟ قراء کرام وبعضي علماء آن را جائز میدانند وبعضي میگویند که برای قاري یک بار ختم کردن مسنون است وختم دوم او برایش نفل است وبرای مقتدي آن ختم سنت است فلهذا آیا نماز سنت گذاران بدنبال نفل گذار چگونه خواهد شد؟ تحقیق این مسائل را بفرمائید؟

جواب: در یک مسجد در شش یا هفت روز ختم قرآن مجید کردن وسپس از آن براي قاري بختم دیگر در مسجد ثاني پراختند درست است وتراویح اهالي مسجد ثاني صحیح است زیرا نماز تراویح در سائر رمضان المبارک سنت مؤکده است بناءا اگر قاری در مسجد ثاني نماز تراویح را بدهد آن سنت مؤکده شد، وتراویح مقتدیان همچنان سنت مؤکد شد فلهذا نماز هردو متحد ویکي شد علاوه از آن بدنبال نفل کننده نماز سنت نیز درست میشود وآن شبهه که ختم

---

(۱) فتح القدیر باب التراویح ص۴۰۷. ظفیر

قرآن مجید یک بار سنت مؤکد است دوم وسوم بار ختم قرآن نفل است آن شبهه بي مورد میباشد زیرا نماز امام سنت مؤکده است وبعلت عدم مسنون بودن ختم آن نماز سنیت خارج نمیشود ودرنماز مقتدیان هیچ نوع نقصان وارد نشد لکن أفضل وبهتر در عصر موجوده آنست که امام قاري از ختم بیشتر در تراویح نگوید بخاطر آنکه بالاي مقتدیان ثقیل ودشوار نشود کما في الدر المختار: لكن الإختيار الافضل في زماننا قدر ما لا يثقل عليهم وفى الشامي من استحب الختم في ليلة السابع والعشرين رجاء أن ينالوا ليلة القدر [١] الخ. فقط

درجریان تراویح اگر بعضی آیت ها سهواً ترک شود واما آن را درشب دو یا سوم تلاوت نماید آیا آن جواز دارد یانه؟ **سوال**: (١٨٦٥) در تراویح اگر امام سهوا برخي از آیات را بگذارد ودر روز دوم وسوم آیت هاي متروکه را بطور متفرقي یکي بعد دیگري قرائت نماید جواز دارد یا نه؟ وآیا در همچو ختم الشریف ثواب ختم کامل بلا کراهیت باشد یا مع الکراهیة یک عالم میگوید که براي سامع وقاري اگر ثواب ختم کامل است لکن گناه نیز همراهش خواهد باشد زیرا آیت هاي سورت مائده با سورت توبه قرائت شد بناء آیا این گفتار آنان صحیح است یا غلط؟

بدنبال نا بالغ تراویح کننده گنهکار است یا نه؟ **سوال**: (١٨٦٦) امامت قاري نا بالغ درست است یانه؟ واگر کسي بر آن پا فشاري وجبر مي نماید گنهکار خواهد باشد یا نه؟

جواب: (١) ثواب ختم کامل برایش داده میشود واما وقتیکه بفراموشي چنین شده است بناءا در آن هیچ گناه وکراهیت نیست. [٢]

جواب: (٢) موافق مذهب صحیح بدنبال نابالغ تراویح وغیره نمازها صحیح نیست ونمازش نمیشود وهر کسي که چنین عمل مي کند نماز تراویح او نمیشود هکذا في الدر المختار والشامي وغیرهما. [٣] فقط

برای قاری کرایه رفت وآمد تادیه نمودن وطعام خورانیدن درمعاوضه داخل است یانه؟

---

(١) رد المحتار ج١ ص٦٦٢ ، ط.س. ج٢ ص٤٧. ظفير

(٢) واذا غلط في القراءة في التراويح فترک سورة او اية وقرا مابعدها فالمستحب ان يقرأ المتروكة ثم المقروءة ليكون على الترتيب كذا في فتاوى قاضي خان (عالمكيري مصري ج١ ص١١٠، ط. ماجدية ج١ ص١١٨). ظفير

(٣) ولايجوز للرجال أن يقتدوا بامرأة اوصبى ﷺ وفي التراويح والسنن المطلقة جوزه مشائخ بلخ ولم يجوزه مشائخنا إلخ والمختار أنه لايجوز في الصلوات كلها لأن نفل الصبي دون نفل البالغ الخ (هدايه باب الإمامة ج١ ص١١١). ظفير

سوال: (١٨٦٧) یک قاری در آخر ماه شعبان خواسته شد وسائر مردم برایش چنده نمودند وپول کرایه واقعي رفت وآمد اورا دادند ودر تمام ماه رمضان برایش طعام خورد ونوش عمده دادند آیا این صورت شنواندن قرآن کریم بلا عوض محسوب میشود ویا این صورت نا جائز است واو راچیزي زائد درعوض آن داده نمیشود اگر چنان نشود پس قاري مذکور قرآن را نمیشنواند.

جواب: قاري را از خارج خواستن واو را مصارف رفت وآمد تادیه نمودن وقرآن مجیّد او را بغیر از معاوضه شنیدن جائز وفعل ثواب است وهرگاه قاري صاحب از خارج آمده ومهمان دعوت شده است بناءا براي او خوراک عمده وعالی مهیا نمودن وبر قاري خودانیدن جائز وثواب است.

بدنبال پسر چهارده ساله تراویح درست است یانه؟ **سوال:** (١٨٦٨) امامت پسر چهارده ساله در تراویح چگونه است؟

جواب: بدنبال پسر داراي سن چهارده ساله فرائض تراویح هیچ درست نیست صحیح همانست تا وقتیکه بسر کاملا پانزده ساله نشده باشد او را در تراویح وغیره امام مگردانید. در هدایه وشامي وغیره به همین منوال نوشته شده است اگر در سن چهارده سالگي نشانی بلوغ ظاهر شده بود وبگوید که من بالغ شده ام دراین صورت بدنبال او اقتداء درست است. فقط

در تراویح امام وسامع را برابر ایستاده نمودن چگونه است؟ وبرای سامع أجرت دادن جائز است یانه؟ **سوال:** (١٨٦٩) در تراویح اگر امام وسامع هموار برابر ایستاده شوند اگر براي امام عذر سماعت باشد یا نباشد این چگونه است؟ وسامع را به اجرت مقرر نمودن چگونه است؟

جواب؟ اگر ضرورت باشد مثلا از فاصله دور رهنمائي سامع در فهم امام نمي آید بناءا سامع را عنقریب امام ایستاد نمودن درست است وبلا ضرورت ناپسند است وسامع راء به أجرت مقرر نمودن نیز ناپسند است بلکه ناجائز است زیرا بر قرائت نمودن وشنواندن قرآن مجید أجرت أخذ نمودن حرام است.

در مورد حدیث تراویح پرسشي: **سوال:** (١٨٧٠) عن السائب بن یزید أن عمر بن الخطاب جمع الناس في رمضان علی أبي بن کعب وعلی تمیم الداري علی إحدی وعشرین رکعة قال إبن

عبدالبر هو محمول على أن الواحدة الوتر. حديث فوق را شما بحواله عيني جلد دوم ص۳۵۷ تحرير فرموده ايد بناءا لطف نمائيد آن را نيز بنگاريد كه در كدام عيني است آيا در عيني شرح هدايه يا در عيني شرع بخاري ودر صفحهٔ كدام طبع ونبر۳۵۷ است و در بيان كدام مسئله است؟

جواب: عن السائب بن يزيد أن عمر ابن الخطاب (رضى الله عنه) جمع الناس في رمضان على أبى ابن كعب وعلى تميم الداري على إحدى وعشرين ركعة الخ قال إبن عبدالبر هو محمول على أن الواحدة للوتر. عيني شرح هدايه جلد خامس كتاب صلوة التراويح ص۱۹۱ مطبوعه يوسفى چنين نقل ميفرمايند: قال عبد البر في شرح المؤطا روى غير مالک في هذا الحديث احد وعشرون وهو الصحيح (فقط محمد ابراهيم مدرس مدرسه هذا).

تراويح سنت است يا واجب ويا نفل: سوال: (۱۸۷۱) : نماز تراويح سنت مؤكده است يا واجب ويا نفل است؟

جواب: قال في الدرالمختار التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين الخ وفي الشامى وكيف لا وقد ثبت عنه ﷺ عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين عضوا عليها بالنواجذ كما رواه ابوداؤد [۱] بناء معلوم شد كه تراويح سنت مؤكده است.

كسى كه بيست (۲۰) ركعت تراويح را تسليم كند وبعد از آن احيانا سيزده ۱۳ يا چهل ويک ۴۱ ركعت اداء ميكند آيا گنهكار ميباشد يا نه؟ سوال: (۱۸۷۳) اگر كسى با دشتن اعتقاد مسنون بودن بيست ركعت تراويح او احيانا يازده ۱۱ سيزده ۱۳ وچهل ويک ۴۱ ركعت اداء مي نمايد آيا در اين فعل خود او گنهكار خواهد باشد يا نه؟ وآيا عدد فوق الذكر در احاديث وارد است؟

جواب: تراويح بيست ۲۰ ركعت سنّت مؤكد است ومخالفت كنندهٔ آن عند الاحناف تارک سنت است [۲] وخلاف سنت عمل كردن قبيح است [۳] واعداد مذكوره در حديث وارد است

---

(۱) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث صلوة التراويح ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص۴۳. ظفير

(۲) وهى عشرون ركعة بعشر تسليمات (درمختار) رهو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث صلوة التراويح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفير

(۳) ترک السنة لا يوجب فسادا ولا سهوا بل إساءة لو عامدا، (درمختار) فتاركها يستوجب إساءة أى التضليل واللوم (رد المحتار مطلب سنن الصلوة ج۱ ص۴۴۲، ط.س. ج۱ ص۴۷۴). ظفير

لکن عند الاحنا ف برسائر احادیث با بصیرت کامل وبعد ازغور ودقت النظر همان بیست (۲۰) رکعت راجح است وبتحریک عمر الفاروق (رض) بر همین عدد اجماع صحابه کرام رض منعقد گردیده است. والله اعلم

تمامی تراویح را به یک سلا ادا نمودن: **سوال**: (۱۸۷۳) چه میفرمایند علماء دین درمورد این مسئله که زید میگوید: بیست رکعت به یک تکبیر ویک سلام اداء نمودن جائز است وبکر میگوید که خلاف سنت ومکروه است هر دو دلایل نزد شان موجود دارند؟

جواب: أقول وبالله التوفیق، در مورد مسئله تراویح قول بکر درست وحق است [1] چنانچه درالدر المختار مذکور است: فعلها بتسلیمة فإن قعد لکل شفع صحت بکراهة وفي الشامي أی صحت عن الکل وتکره إن تعمد وهذا هو الصحیح الخ شامي ج۱ ص۶۶۰.

آیات متروکه را در کدام وقت معاد وتکرار نماید؟ **سوال**: (۱۸۷٤) در مملکت ما بطور عموم قراء کرام بي علم میباشند ایشان در تراویح قرآن مجید را تلاوت مي نمایند در وسط اگر سهوا دو یا سه آیت ترک شود یا ضمه وفتحه وکسره ترک گردد آن را در رکعت دیگر یا درآن رکعت دوگانه آیت های متروکه دوباره میخوانند لکن اگر درکدام رکعت دوگانه که آیات ترک شده بود آن را اعاده نمیکنند، اکنون معلوم نمودن این سخن بکار است که بترک شدن آیات بوجه تبدیلی معنی فساد نماز لازم مي آید بناءا آیا اعاده این نماز لازمي است یانه؟ ویا بوجه عدم ایجاد تغیر سخن را اعاده لازم نمیشود؟

جواب: اگر غلطی قرائت درچنان دو گانه د(و رکعات) درموقع شده باشد که موجب فساد نماز بود پس اعادهٔ دوگانه یعني دو رکعات واجب است واگر چنان غلط باشد که شکننده نماز نباشد پس ضرورت برای اعاده آن نیست نماز درست میشود بناءا درمیان ترک شدن آیات یا غلطي کردن ضمه، فتح وکسره نیز همین حکم دارد مثلا درمیان بترک شدن چند آیات تغیری درمعنی نیامد پس آن دورکعت صحیح شد بخاطر ختم قرآن مجید در دوگانه دیگر آیات متروکه اعاده شود وهمانقدر کافي است. فقط (وإذا غلط في القراءة في التراویح فترک سورة او آیة وقرء ما بعدها فالمستحب له أن یقرأ المتروکة ثم المقروءة لیکون علی الترتیب کذا في قاضي خان وإذا

---

(۱) از سوال ظاهر میشود که زید قائل به اداء نمودن بیست رکعت به یک سلام وجائز بودن آن بغیر از کراهیت است لکن چنین گفتار درست نیست بلکه صحیح آنست که جائز مع الکراهیة است. جمیل الرحمن

فسد الشفع وقد قرأ فيه لا يعتد بما قرأ فيه ويعيد القراءة ليحصل له الختم في الصلوة الجائزة الخ فتاوى عالمكيري ج۱ ص۱۱۰ مصري)

به أجرت شنواندن تراویح: سوال: (۱۸۷۵) مردمان زید را براي خواندن قرآن مجید در نماز تراویح دعوت نمودند وبعد ختم کردن زید سامعین چنده کرده قدري معین فیما بینهم از سکۂ انگریزي به او دادند ونیز این دادن درعرف مروج است الا آنکه هنگام دادن گفتند که این قابل شما نیست ونیت طرفین لله بود آیا زید را این روپیه گرفتن درست است یانه؟ وسامعین را دادن روا باشد یا نه؟

شبینه: سوال: (۱۸۷٦) در شریعت حکم ختم نمودن قرآن به یک شب که در عرف به ختم شبینه شهرت دارد چیست؟

جواب: (۱) اصل اینست که بر تلاوت قرآن شریف وختم قرآن حمید اجرت ومعاوضه گرفتن حرام است وثواب تالي وسامعین را باطل مي کند کما في الشامي کتاب الاجارة: قال تاج الشريعة في شرح الهدايه أن القرآن بالأجرة لايستحق الثواب لا للميت ولا للقاري (إلى أن قال) والآخذ والمعطي آثمان الخ فاذا لم يكن للقاري ثواب لعدم النية الصحيحة فأين يصل الثواب إلى المستأجر الخ[1] پس اگر در صورت مسؤله حسب عرف ورواج که بمنزلۂ شرط صریحي است اگر زید قاری را خیال وإراده أخذ مال از سامعین بود دلدادۂ سامعین هم بدادن مقداري از مال بود درین صورت موافق تصریح فقهاء ثواب قاري وسامعین باطل شد وسنت ختم قرآن شریف اداء نه شده است واگر نیت قاري وسامعین گرفتن ودادن روپیه نه برد بعد از ختم محض لوجه الله وابتغاء مرضات الله روپیه بقاري دادند واو قبول کرد جائز خواهد شد: فالعبرة لنية القاري والسامعين، قال عليه الصلوة والسلام: إنما الأعمال بالنيات وإنما لإمرئ ما نوى. الحديث (رواه البخاري وغيره).

جواب: (۲) در الدر المختار ودر ردالمحتار گفته شده است: ويجتنب المنكرات هذرمة القراءة درمختار قوله: هذرمة بفتح الهاء وسكون الذال وفتح الراء سرعة الكلام والقراءة. قاموس شامي ج۱ ص٦۳، از این عبارت معلوم شد که اگر در شبینه سرعت قرائت بعد هذرمه باشد مکروه است که هذرمۂ قرائت را از منکرات شمرده اند. فقط

---

(۱) ردالمحتار کتاب الاجارة ج۵ ص٤۷، ط.س. ج۵ ص۵٦٦. ظفیر

تنها گذار تراویح را به آواز بلند خواند یا آهسته؟ سوال: (۱۸۷۷) (۱) مرد تراویح را بجماعت اداء کند یا علیحده؟ اگر علیحده وتنها اداء کند آیا به آواز بلند اداء کند یا آهسته؟

زنان جماعت وتر را تر کرده میتوانند یانه؟ سوال: (۱۸۷۸) (۲) زنان جماعت وتررا اداء کند یا نه؟

بعد از سنت تراویح را شروع کند: سوال: (۱۸۷۹) (۳) در رمضان المبارک اگر تراویح شروع شود پس دو رکعت سنت که بعد از فرض است آن را اداء کند ودر تراویح شرکت ورزد ویا سنت را بعد ازآن اداء نماید؟

دریک مسجد جماعت دوم تراویح: سوال: (۱۸۸۰) (٤) نماز جماعت وتر وتراویح اداء شده است اکنون جماعت دوم را اداء کنند یا نه؟

جواب: (۱) والجماعة فيها سنة على الكفاية (درمختار باب التراويح) ويخير المنفرد في الجهر إن أدى (إلى قوله) كمتنفل بالليل منفردا ص٥٥٦ (درمختار ملخصاً) في فصل القراءة، مراد آن را بجماعت اداء کند واگر کدام شخص از جماعت باقي ماند ومنفردا نماز میخواند او اختیار دارد که به آواز بلند میخواند ویا آهسته میخواند هر دو درست است مگر با آواز بلند بهتر أست.

جواب: (۲) زنان جماعت وتر را نکنند: (ویکره تحریما جماعة النساء ولو في التراويح الخ (درمختار على الشامي ج١ ص٧٢٨). فقط

جواب: (۳) فرض وسنت را اداء کند سپس در تراویح شامل شود. فقط (وقتها بعد صلوة العشاء قال الشامي ج١ ص٦٥٩). فقط

جواب: (٤) ثانیا در آن مسجد اداء نکند [1] (لو ترك الجماعة في الفرض لم يصلو التراويح جماعة (درمختار). جمیل الرحمن

آیابه یک سلام بیست رکعت تراویح درست است؟ سوال: (۱۸۸۱) بیست رکعت تراویح به

---

(۱) دلیل این عبارت است از آنکه در یک مسجد تراویح را بجماعت متعدد اداء نمودن همان نوعیت را اعاده خواهیم نمود که بخاطر خود داري از آن حضرت عمر فاروق رض نماز گذاران علیحده را در اقتداء امام واحد جمع آوری نموده بودند: عن عبد الرحمن بن عبدالقادر قال خرجت مع عمر بن الخطاب ليلة في رمضان إلى المسجد فإذا الناس اوزاع متفرقون يصلي الرجل لنفسه ويصلي الرجل بصلوته الرهط قال عمر إني أرى لو جمعت هؤلاء على قارئ واحد لكان أمثل ثم عزم بجمعهم على ابي بن كعب ﷺ، کبیري للحلبي ص٣٨٣. ازاین عبارت معلوم میشود که در یک مسجد جماعت متعدد مطابق إرشاد عمر فاروق رض خلاف طریقه أمثل است: وقال عليه الصلوة والسلام عليكم بسنتي وسنة خلفاء الراشدين المهديين تسمكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ. (مشكوة بحواله ترمذي). جمیل الرحمن

یک سلام اداء نمودن جواز دارد یانه؟

جواب: اداء نمودن بیست رکعت تراویح به یک سلام مکروه تحریمي است: (فلو فعلها بتسلیمة فان قعد لکل شفع صحت بکراهة وإلا نابت عن شفع واحد. (شامي ج۱ ص٦٦). جمیل الرحمن

فصل خامس

مسائل تهجد

کسی که نمازها را قضاء نموده باشد قضاء را اداء نماید ویا تهجد را، کدام افضل است؟

سوال: (۱۸۸۲) کسي که نمازهاي زیادي را قضاء نموده باشد براي او در وقت تهجد ویا در متباقي اوقات مناسب اداء نمودن تهجد ویا نوافل افضل است یا اداء کردن نمازهاي قضاء عمري؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: وقضاء الفرض والواجب والسنة فرض وواجب وسنة [1] یعني قضاء فرائض فرض وقضا واجب واجب وقضاء سنن سنت است، حاصل آنکه در اداء نمودن نمازهاي قضائي عمري تکاسل وتنبلي وتأخیر ناپسند است هر قدریکه ممکن باشد وهر وقت که فرصت میسر شد پس قضاء نماز فرائض ووتر اداء کرده شود که این طریقه أفضل است [2] لکن در مورد تهجد فضائل زیاد آمده است چنانچه در صحیح مسلم مذکور است: أفضل الصلوة بعد الفریضة صلوة اللیل [3]. یعني بعد ازنماز فرائض، نماز تهجد أفضل است پس اقتضاء فضیلت فوق الذکر آنست که هر گز ترک نشود واین فضیلت بغیر ازنوافل در این وقت به اداء نمودن نمازهاي قضائي حاصل نمیشود. قال في رد المحتار: أن التهجد لایحصل إلا بالتطوع فلو نام بعد صلوة العشاء ثم قام فصلی فوائت لایسمی تهجدا [4] (ص٥٠٥) یعني تهجد آن را گویند که بعد از نماز عشاء درحصۀ آخر شب قیام نماسد ونوافل را اداء کند فلهذا اگر کدام شخص در این وقت بجاي نفل نماز قضاء شده روزه را اداءکند نام او تهجد نه میباشد یعني ثواب که در نماز

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص٦٦. ظفیر

(۲) وجمیع اوقات العمر وقت للقضاء إلا الثلاثة المنهیة (درمختار) وهی الطلوع والإستواء والغروب (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص٦٦). ظفیر

(۳) در مشکوة از مسند امام أحمد این روایت به الفاظ آتي منقول است: أفضل الصلوة بعد المفروضة صلوة في جوف اللیل. رواه أحمد، مشکوة باب التحریض في قیام اللیل ص۱۱۰. با ألفاظ ذکر شده مطالعه فرمائید رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۶۰. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص٦٤١، ط.س. ج۲ ص۲٤. ظفیر

تهجد نهفته است بدان حاصل نمیگردد بناءا اگر در همچو صورت زیاد تر ممکن نمیباشد پس باید که اقلا دورکعت نفل را اداء نماید واین کمترین درجه صلوة تهجد است قال في ردالمحتار: وأقل التهجد رکعتان وأوسطه اربعة واکثره ثمان [1] ص٥٠٥. فقط

در تهجد ادعیهٔ مختلفه چه وقت خوانده شود؟ **سوال:** (١٨٨٣) در احادیث ادعیه مختلفه در تهجد وارد است آیا ادعیه وارده بعد از ثناء است ویا قبل از تکبیر تحریمه؟

جواب: قرائت نمودن أدعیه مذکوره قبل از تکبیر تحریمه بکار است [2]. فقط

تهجد را بعد ازنماز عشاء وقبل الوتر اداء نمودن چگونه است؟ **سوال:** (١٨٨٤) هر شخصي که در حصهٔ آخر شب قادر بتهجد خواندن نباشد آیا او بعد از نماز عشاء وقبل الوتر نوافل اداء کند ویا بعد از وتر آن را اداء نماید؟

جواب: الفاظ حدیث طبراني اینست: وما کان بعد صلوة العشاء فهو من اللیل [3]، واین روایت شامل نوافل قبل الوتر وبعد الوتر هر دو را است لکن بهتر قبل الوتر است. فقط

قرائت ورکعات تهجد: **سوال:** (١٨٨٥) زید نماز تهجد بتطویل قرائت طوري اداء مي نماید که احیانا یک پاره واحیانا دوپاره واحیانا سه پاره قرآن مجید دریک رکعت میخواند ودر متباقي سه ٣ رکعات سورت هاي مختصر را تلاوت نموده آن را ختم مي نماید بناء آن طریقه چگونه است؟

جواب: نماز تهجد هشت رکعت افضل است وبهتر آنست که درسائر رکعات قریب ویکسان قرائت شود وآن هم جائز است که در صورت مسئوله ذکر شده است [4]. فقط

در هر رکعت تهجد سورت اخلاص ضروري نیست: **سوال:** (١٨٨٥) در نماز تهجد درهر

---

(١) ایضا ، ط.س. ج٢ ص٢٤. ظفیر

(٢) عن ابن عباس قال کان النبی ﷺ إذا قام من اللیل بتهجد قال اللهم لک الحمد انت قیم السموات الخ متفق علیه وعن عائشة رضي الله عنها قالت کان البی صلی الله علیه وسلم إذا قام من اللیل إفتتح صلوته فقال اللهم رب جبریل الخ (مشکوة باب ما یقول إذا قام من اللیل ص١٠٨). ظفیر الدیهن غفر

(٣) رد المحتار باب الوتر و النوافل مطلب في صلوة اللیل ج١ ص٦٤٠، ط.س. ج٢ ص٢٤. وبعد از نقل این حدیث علامه شامي مي نوسید: وهذا یفید أن هذه السنة تحصل بالتنفل بعد صلوة العشاء قبل النوم. ایضا. ظفیر

(٤) وأقلها علی ما في الجوهرة ثمان ولو جعله أثلاثا فالأوسط أفضل ولو انصافا فالأخیر افضل (الدرالمختار) قید بقوله علي ما في الجوهرة لأنه في الحاوي القدسي قال یصلي ما سهل علیه ولو رکعتین وسنة فیها ثمان رکعات بأربع تسلیمات (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج١ ص٦٤١، ط.س. ج٢ ص٢٥) ومن التعلیل أن المنفرد یسوي بین الرکعتین في الجمیع إتفاقا شرح المنیة (ردالمحتار فصل في القراءة ج١ ص٥٠٥، ط.س. ج١ ص٥٤٢). ظفیر

رکعت آن خواندن سورت اخلاص هر مرتبه فرض است یانه؟

جواب: جایز است لکن ضروري نیست. فقط

قرائت جهری در تهجد: **سوال:** (۱۸۸۷) در نوافل تهجد قرآن مجید باواز بلند تلاوت شود یانه؟

جواب: جائز ومستحب است [۱]. فقط

در تهجد خواندن سورت دراز وکوتاه: **سوال:** (۱۸۸۸) در نوافل تهجد که سورت اخلاص خوانده میشود دررکعت اول دوازده مرتبه (۱۲) ودر رکعت دوم نوازده (۱۹) مرتبه وهمچنان سلسله وار کاهش مي یابد بناءا درهر رکعت قرائت کننده سورت مزمل اعلی باشد ویا قرائت کننده سورت اخلاص بنا بر ترتیب ذکر شده؟

جواب: تکرار نمودن سورت در فرائض مکروه نگاشته شده است ودر نوافل درست است لهذا خواندن سورت اخلاص مکررا در تهجد درست است [۲] لکن اگر سورت هاي بزرگ را مانند سورت یٰس وسورت مزمل وغیره را قرائت کند أولى خواهد بود. ودرآن ثواب مزید نیز میباشند. [۳] فقط.

وقت تهجد: **سوال:** (۱۸۸۹) تا به کدام حد وقت تهجد میباشد؟

جواب: وقت تهجد تا به قبل از صبح صادق میباشد [۴]. فقط

چند رکعت تهجد افضل است؟ **سوال:** (۱۸۹۰) دراحادیث ازآن حضرت ﷺ نماز تهجد ده (۱۰) رکعت ثابت است وبا وتر احیانا سیزده (۱۳) رکعت واحیانا یازده (۱۱) واحیانا هفت رکعت (مشکوة شریف) هر شخصي که نماز تهجد را اداء مي نماید او بغرض اتباع همچنان باید

---

(۱) ویخیر المنفرد في الجهر الخ کمتنفل باللیل منفردا فلوأم جهر (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۴۹۸، ط.س. ج۱ ص۵۳۳). ظفیر

(۲) لا بأس أن یقرأ سورة ویعیدها في الثانیة الخ ولایکره في النفل شيئ من ذلک (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶). ظفیر

(۳) وعن عبدالله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله علیه وسلم من قام بعشر ایات لم یکتب من الغافلین ومن قام بمائة آیة کتب من القانتین ومن قام بألف آیة کتب من المقنطرین. رواه ابوداؤد (مشکوة باب صلوة اللیل ص۱۰۷). ظفیر

(۴) وصلوة اللیل الخ لو جعله اثلاثا فالأوسط افضل ولو أنصافا فالأخیر افضل (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص۶۴۰، ط.س. ج۲ ص۲۴) عن عائشة رضي الله عنها قالت کان النبي صلى الله علیه وسلم یصلي فیما بین أن یفرغ من صلوة العشاء إلى الفجر إحدى عشرة رکعة الخ (مشکوة باب صلوة اللیل ص ۱۰۵ فصل اول). ظفیر

کرد ویا آن را متعین ومقرر نماید؟ چونکه اکثرا جناب نبي اکرم ﷺ هشت رکعت تهجد وسه رکعت وتر اداء فرموده اند فلهذا فقهاء احناف بز هشت رکعت مواظبت نمودن را مستحب فرموده اند واگر گنجایش نباشد پس دو یا چهار رکعت نیزکافي است، والتفصیل فی الشامي [۱]. فقط

نماز تهجد در تاریکی: سوال: (۱۸۹۱) اداء نمودن نماز تهجد در تاریکي دوست است یا نه؟
جواب: درست است. [۲] فقط

بعد از عشاء فورا تهجد میشود یا نه؟ سوال: (۱۸۹۲) اگر یک شخص بنا بر مجبوریت فکر نماید که دروقت تهجد بیدار نخواهم شد وبعد از نماز عشاء نماز تهجد را اداء کند آیا اداء خواهد شد یانه؟

جواب: از یک حدیث چنین معلوم میشود که اگر بعد ازنماز عشاء نوافل اداء شود آن نوافل در تهجد محسوب میگردد وثواب نماز تهجد حاصل خواهد شد چنانچه در شامي حدیث طبراني را نقل نموده است: وروی الطبراني مرفوعا لا بد من صلوة بلیل ولو حلب شاة وما کان بعد صلوة العشاء فهو من اللیل وهذا یفید ان هذه السنة تحصل بالتنفل بعد صلوة العشاء قبل النوم [۳] الخ. فقط

رکعات تهجد چقدر دراز باشد؟ سوال: (۱۸۹۳) (۱) در حدیث مبارک آمده است: ثم صلی رکعتین وهما دون اللتین قبلها، الحدیث، نخستین دو رکعت چقدر از دو رکعت بعدي تطویل داشت؟ مثلا یک نفر میخواهد که دو تهجد دوباره قرائت نماید بناءا در هردو رکعت چقدر تلاوت باید کرد؟

تورم قدمهای آن حضرت ﷺ : سوال: (۱۸۹٤) (۲) درحدیث شریف آمده است که آن حضرت ﷺ قیام نمودند حتی تورمت قدماه الحدیث، وقتیکه شمار تهجد هشت رکعت بود پس اندازهٔ قرائت ایشان ﷺ چقدر بود که حتی قدمهاي مبارک آنجناب ﷺ تورم مي نمودند؟

---

(۱) وصلوة اللیل اقلها علی ما في الجوهرة ثمان (درمختار) قید بقوله علی مافي الجوهرة لأنه في الحاوي القدسي قال یصلي ما سهل علیه ولو رکعتین والسنة فیها ثمان رکعات باربع تسلیمات (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص٦٤١، ط.س. ج۲ ص۲٥). ظفیر الدین غفر الله له

(۲) براي نماز روشني ضروري نیست جناب نبي اکرم ﷺ در تاریکي نیز نماز اداء مي فرمودند. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلاة اللیل ج۱ ص٦٤٠، ط.س. ج۲ ص۲٤. ظفیر

مقدار قرائت فی التهجد درصحابه (رض): **سوال**: (۱۸۹۵) (۳) مقدار قرائت في التهجد از آثار صحابۀ کرام (رض) چقدر ثابت است؟

ادعیۀ بعد ازتکبیر تحریمه: **سوال**: (۱۸۹۶) (٤) یک چند أدعیه در أحادیث منقول است که بعد از تکبیر تحریمه آن حضرت ﷺ آن را قرائت نموده اند مثلا: انی وجهت وجهي الخ ایا آن را بنزد احناف قبل از تکبیر تحریمه بگوید ویا بعد ازآن؟

درموقع تهجد قبلا دورکعت خفیف ازتهجد بود یا ازتحیة الوضوء بوده؟ **سوال**: (۱۸۹۷) (۵) نخستین دورکعت خفیفتین که در مورد تهجد آنجناب ﷺ نوشته شده است آیا آن دو رکعت تهجد است یا نه؟

این دعاء درکدام جای خوانده شود؟ **سوال**: (۱۸۹۸) (٦) دعاي اللهم اجعل في قبري نورا الخ منقول است این دعا را قبل ازتهجد بگوید ویا بعد از تهجد ویا بعد ازسنت فجر بگوید؟

این دعا را ایستاده بگوید یا نشسته؟ **سوال**: (۱۸۸۹) (۷) عن ابن عباس قال کان النبي ﷺ إذا قام من اللیل یتهجد اللهم لک الحمد الخ این دعا را ایستاده قرائت مي نمودند یا نشسته میخواندند؟

بنا بر نیت موافقت با آن حضرت ﷺ نماز تهجد احیانا زیاد واحیانا اداء شود یانه؟

سوال: (۱۹۰۰) (۸) هر شخصي که میخواهد تهجد را مطابق عمل آن حضرت محمد ﷺ اداء نماید پس او حیانا دورکعت واحیانا هشت رکعت واحیانا شش واحیانا چهار کعت اداء کند یا آنکه روزانه هموار هشت رکعت اداء نماید؟

وقت تهجد: **سوال**: (۱۹۰۱) (۹) وقت متوسط تهجد کدام است؟

جواب: (۱ — ۲) احیانا نبي اکرم ﷺ رکعات تهجد را زیاد تطویل مي نمودند وچند چند پاره را دریک رکعت قرائت [1] میفرمودند وهمان وجه ودلیل تورم قدمهاي مبارک ایشان ﷺ بود

---

(۱) عن حذیفة أنه رای النبی ﷺ یصلي من اللیل وکان یقول الله اکبر ثلثا ذو الملک والملکوت والجبروت والکبریاء والعظمة ثم إستفتح فقرء البقرة ثم رکع فکان رکوعه نحو من قیامه فکان یقول في رکوعه سبحان ربي العظیم ثم رفع رأسه من الرکوع فکان قیامه نحوا من رکوعه یقول لربي الحمد، فکان سجوده نحوا من قیامه فکان یقول في سجوده سبحان ربي الأعلی ثم رفع رأسه وکان یقعد في ما بین السجدتین نحو من سجوده وکان یقول رب اغفر لي رب اغفر لی فصلی اربع رکعات قرأ فیهن البقرة و آل عمران والنساء والمائدة، او الأنعام شک شعبة رواه ابوداؤد (مشکوة باب صلوة اللیل فصل ثاني ص۱۰٦) از این حدیث اندازتا معلوم میشود که در تهجد قرائت آنقدر تطویل داشت که از سورۀ بقرة تا به سورة مائدة قرائت مي نمودند والله اعلم. ظفیر

اکنون اگر کسي میخواهد دوپاره را درهشت رکعات قرائت نماید او اختیار دارد که درهر رکعت خواه یک ربع تلاوت مي نماید ویا در نخستین رکعات قدر زیاد تلاوت مي نماید ودر رکعات متباقي کم قرآئت مي نماید سائر آن جائز وسنت است.

جواب: (۳) هیچ نوع تحدید در این مورد منقول نیست [۱].

جواب: (٤) قبل از تکبیر تحریمه [۲].

جواب: (٥) آن هم احتمال است [۳].

جواب: (٦) هر وقتیکه بخواند بهتر است.

جواب: (۷) هر وقتیکه قیام ورزید در آن وقت آن را بخواند.

جواب: (۸) اکثرا عادت نبي اکرم ﷺ اداء نمودن هشت رکعت بود وباقي مطابق چانس وفرصت کم وبیش نمیز اداء مي نمودند.

جواب: (۹) آخري حصهٔ شب راجح وبهتر است. فقط

رکعات نماز تهجد: **سؤال:** (۱۹۰۲) (۱) حدود ابتدائي وانتهائي نماز تهجد چقدر است؟

نقصان ترک تهجد چیست؟ **سؤال:** (۱۹۰۳) (۲) اگر نماز تهجد بنا بر کسالت دو روز ترک شود آیا درآن کدام نقصان مالي یا جسمي است یا نه؟

---

(۱) وصلوة اللیل أقلها علی ما في الجوهرة: ثمان ولو جعله اثلاثا فالأوسط افضل ولو أنصافا فالأخیر افضل، (درمختار) لو جعله اثلاثا الخ ای لو اراد أن يقوم ثلثه وينام ثلثيه فالثلث الأوسط افضل من طرفيه لأن الغفلة فيه اتم والعبادة فيه أثقل، وإن أراد ان يقوم نصفه وينام نصفه فقيام نصفه الأخير أفضل الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب صلوة الليل ج۱ ص٦٤١-٦٤٢، ط.س. ج۲ ص۲٤) به قرآن شریف کي دي: يا ايها المزمل قم الليل إلا قليلا نصفه اوانقص منه قليلا او زد عليه ورتل القرآن ترتيلا. بیا دسورت په پای کي دي: إن ربک يعلم انک تقوم أدنى من ثلثي الليل ونصفه وثلثه (مزمل۱-۲) در قرآن مجید است: يا ايها المزمل قم الليل إلا قليلا نصفه او انقص منه قليلا أو زد عليه ورتل القرآن ترتيلاً، وبتعقیب در آخر سورت است: إن ربک يعلم أنک تقوم ادنى من ثلثي الليل ونصفه وثلثه، سورة المزمل الاية۱ — ۲، از این آیت ها معلوم شد که در نماز تهجد قیام آن حضرت ﷺ تطویل داشت وقتیکه نصف شب یا دو ثلث یا یک ثلث یک انسان در نماز مسلسل قیام نماید وروزانه این معمول او باشد بس بر: حتی تورمت قدماه، چه اشکال باقي خواهد ماند، وهر گاه قیام تطویل داشت ناگزیر سخن واضح است که قرائت نیز طویل خواهد بود وهمین سخن نیز بوده چنانچه قرآن اعلان نمود: علم ان سيكون منكم مرضى وآخرون يضربون في الارض يبتغون من فضل الله وآخرون يقاتلون في سبيل الله فاقرأوا ما تيسر منه، سزرة المزمل الاية ۲، یعني آنقدر قرائت شود که سهل وآسان باشد، والله اعلم. ظفیر

(۲) وعن ابي يوسف أنه يضم إليه قوله إني وجهت إلى اخره الخ وما رواه محمول على التهجد الخ والأولى أن يأتي بالتوجه قبل التكبير (هدايه باب صفة الصلوة ج۱ ص۹٦). ظفیر

(۳) عن زيد بن خالد الجهني أنه قال لأرمقن صلوة رسول الله ﷺ فصل ركعتين خفيفتين ثم ركعتين طويلتين الخ (مشكوة باب صلوة الليل ص۱۰٦). ظفیر

نماز تهجد چگونه اداء گردد؟ **سوال:** (١٩٠٤) (٣) طرز اداء نمودن نماز تهجد چگونه است يعني براي نماز تهجد كدام دعاي خاص است؟ وكدام سورت هاي مخصوص متعين ومقرر است؟ ويا حسب ميل خود از قرآن مجيد كدام سورت را در آن قرائت نموده متوانيم يانه؟

نماز اشراق وغيره: **سوال:** (١٩٠٥) (٤) در مورد نيت وترتيب نمازهاي اشراق ونماز چاشت ما را مطلع فرمائيد؟

جواب: (١) حد اقل نماز تهجد چهار ركعت وحد اكثر دوازده (١٢) ركعت در تهجد مسنون است ودر شامي نوشته شده است كه اگر تنها دو ركعت را اداء نمود براي او ثواب تهجد حاصل خواهد شد [1]. فقط

جواب: (٢) وقتيكه تهجد را شروع نمود سپس آن را ترک كرد براي او كدام نقصان مالي نيست وشرعا گنهكار نيز نميگردد لكن بلا عذر چنين عصل نمودن مذموم است وباعث نقصان ديني وروحاني است ونقصان جسماني آنست كه چستي وچالاكي زائل ميشود وبر عكس تكاسل افزايش مي يابد. [2]

جواب: (٣) بخاطر اداء تهجد شرعا خصوصيت كدام سورت نيست برخي از بزرگان كه كدام سورت ها را رهنمائي نموده ويا نوشته اند آنها هرگز لازمي وضروري نيست اگر بياد باشد درآن مضايقه نيست.

جواب: (٤) دراداء صلاة اوابين اشراق ونماز چاشت تنها نيت نمودن نماز نفل كافي است وتذكر از كدام نماز خاص يا نام گرفتن وقت ضروري نيست [3] وبراي مردم عوام ونا واقف نيت هاى طويل ودراز آموختن وايشان را پريشان نمودن جهالت است زيرا هر سورتي را كه ميل دارند آن را قرائت نمايند. كتبه أصغر حسين عفي عنه. الجواب صحيح. مهر

تهجد هشت ركعت است يا دوازده ١٢؟ **سوال:** (١٩٠٦) يک نفر از يک مولوى پرسيد كه

---

(١) قال الشامي أقول فيبقى القول بأن أقل التهجد ركعتان الخ ايضا في رسائل الأركان لبحر العلوم مولانا عبدالعلي رح ص١٣٥، ردالمحتار ط.س. ج٢ ص٢٥ تحت حديث المسلم عن ابن عبدالله قال زعم البعض أن هذا نوع آخر لصلوته عليه السلام أن صلوة الليل اثنا عشر ركعة والوتر الخ، ط.س. ج٢ ص٢٥. ظفير

(٢) وايضا في الشامي ذكر في الحلبة ايضا ما حاصله أنه يكره ترک تهجد إعتاده بلاعذر لقوله ﷺ لابن عمر يا عبد الله يا عبدالله لا تكن مثل فلان كان يقوم الليل ثم تركه. متفق عليه. شامي ج١ ص٧١٦ – ٧١٧ ، ط.س. ج٢ ص٢٥. ظفير

(٣) وفي الكبيري المصلي إذا كان متنفلا سواء كان ذلک النفل سنة مؤكدة او غيرها يكفيه نية مطلق الصلوة ولا يشترط تعين ذلک النفل الخ كبيري ص٢٣٥. جميل الرحمن

جناب نماز تهجد چند رکعت أست وترتیب آن چگونه است؟ مولوي صاحب پاسخ داد که نماز تهجد هشت رکعت است، سوال کننده برایش گفت که نماز تهجد را در بعضي کتاب ها دوازده ۱۲ رکعت نوشته اند وعلماء کرام نیز قائلین دوازده ۱۲ رکعت میباشند جناب مولوي صاحب برایش گفت که این مردم جهال اند وسائر آن کتابها غلط میباشند وتو از اسلام خارج هستی بناءا آیا نماز تهجد دوازده ۱۲ رکعت از حدیث ثابت است یا نه؟ وآیا براي مجوزین دوازده ۱۲ رکعت جهال گفتن درست است یا نه؟ وآیا براي پرسان کننده خارج از اسلام گفتن جائز است یا نه؟ وبتقدیر عدم جواز مصداق الحمل گفتن کلمه خارج از اسلام کافر کدام شخص میگردد وآن کلمه واپس بالاي کدام شخص عائد میشود؟ وبعقب آن مولوي نماز جواز دارد یا نه؟ وهمچنان نماز وتر یک رکعت ثابت است یا نه؟ واز حدیث حضرت عائشه (رض) أن النبي ﷺ لم یکن یوتر ما نقص من سبع ولا بأکثر من ثلث عشرة، رواه أبو داود. که بعضي مردم وتر رایک رکعت وتهجد را دوازده ۱۲ ثابت مي نمایند آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: در مورد تهجد روایات مختلف است حد أقل دورکعت وحد اکثر تا به دوازده رکعت وارد شده است لکن بطور اکثري نماز تهجد آن حضرت ﷺ هشت رکعت بود وبنا بر همین منظور فقهاء احناف رح فرموده اند که در تهجد سنت هشت رکعت است در الدر المختار مذکور است: وأقلها على ما في الجوهرة ثمان الخ قال في رد المحتار في الحاوي القدسي قال یصلي ما یسهل علیه ولو رکعتین والسنة فیها ثمان رکعات بأربع تسلیمات وهذا بناء على أن اقل تهجده ﷺ کان رکعتین وأن منتهاه کان ثمان رکعات اخذا مما في المبسوط السرخسي [1] الخ. وحضرت قاضي ثناء الله رح در ما لابد منه میفرمایند: ونماز تهجد از چهار رکعت کمتر نیامده واز دوازده ۱۲ رکعت زیاده هم به ثبوت نه پیوسته [2] الخ. بناء از تتبع أحادیث معلوم میشود که حد اکثر تا به دوازده ۱۲ رکعت تهجد ثابت است واکثرا هشت رکعت میباشد پس انکار ورزیدن از دوازده ۱۲ رکعت خود بخود نماینگر جهل قائل است وهمچنان بالاي سائل تکفیر وغیره نمودن جهالت دیگر است واشد معصیت است که خوف کفر میباشد، در حدیث شیخین آمده است: أیما رجل قال لاخیه کافر فقد باء بها أحدهما رواه الشیخین عن ابن عمر (رض)

---

(۱) رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص۶۴۰ – ۶۴۱، ط.س. ج۲ ص۲۵. ظفیر

(۲) ما لابد منه مطبوعه کتب خانه رحیمیه فصل نوافل ص۶۸. ظفیر

مرفوعا [۱]. اگر چه در مورد تکفير قائل احتياط بايد شود براي احتمال تأويل لكن درفاسق بودن او هيچ كلام نيست وبعقب فاسق نماز مكروه است: إلا أن يتوب، جزء آنكه توبه نمايد، واما وتر كمتر از سه ركعت نيست وهمين سخن راجح وصحيح است وهمين مذهب احناف ميباشد ودر آن روايات كه يک ركعت وارد است آن روايات مؤول تأويل كرده شده است كما هو المعروف عند العلماء، در روايت ترمذي أبو داوٗد ونسائي مذكور است: سألنا عائشة (رض) بأي شيء كان يوتر رسول الله ﷺ قالت: كان يقرأ فى الارلى (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْاَعْلٰی) وفي الثانية (قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُوْنَ) وفي الثالثة (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) والمعوذتين [۲] ودر بعضي روايات معوذتين مذكور نيست ودلايل عدم جواز ايتار بواحدة در شرح منيه وغيره مبسوط است: نهى عن البتيراء بطريق متعدد ثابت است ودر اينجا گنجايش تفصيل مزيد نيست. فقط

وقت صلاة تهجد: سوال: (۱۹۰۷) وقت نماز تهجد بعد از نصف شب است يا قبل ازآن؟ چنانچه از آيت: أو انقص منه قليلا (۳) او زد عليه) الخ معلوم ميشود ويا درهردو اوقات جائز است وبنا بر تقدير جواز اولويت براي كدام است؟

جواب: بعد از نماز عشاء كه نوافل اداء ميشود آنها صلاة الليل اند ودر تهجد داخل ميباشند: كما في الشامي وماكان بعد صلوة العشاء فهو من الليل وهو يفيد أن هذه السنة تحصل بالتنفل بعد العشاء قبل النوم الخ قلت قد صرح بذلک في الحلية [۳] الخ. واما وقت أفضل تر براى تهجد حصۂ آخري شب است قسميكه در احاديث وارد است. فقط والله اعلم

قضاء تهجد: سوال: (۱۹۰۸) اگر نماز تهجد قضاء گردد آيا قضاء آوردن آن قبل از دوازده (۱۲) بجه روز درست است يانه؟

جواب: نماز تهجد قضاء ندارد لكن پيش از چاشت اداء نمودن آن بهتر است وپسنديده است [۴]. فقط

اگر نماز تهجد بجماعت اداء شود حكم آن چيست؟ سوال: (۱۹۰۹) اگرنماز تهجد بعد از

---

(۱) مشكوة باب حفظ اللسان والغيبة والشتم فصل اول ص۴۱۱. ظفير

(۲) مشكوة باب الوتر ص۱۱۲. ظفير

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة الليل ج۱ ص۶۴۰، ط.س. ج۲ ص۲۴. ظفير

(۴) وعن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من نام عن حزبه او عن شيء منه فقرأه فيما بين صلوة الفجر وصلوة الظهر كتب له كأنما قرء من الليل. رواه مسلم (مشكوة باب القصد في العمل ص۱۱۰). ظفير

اداء فرض عشاء درمیان وتر وسنت اداء گردد خواه دوازده (۱۲) رکعت یا هشت رکعت یا ده (۱۰) یا شش یا چهار زیرا اکثر مردم شائقین نماز تهجد میباشند بناء اگر این نماز را بجماعت اداء نماید ویا در حصۀ اخر شب آن را بجماعت اداء کند آیا درآن کدام حرج یا گناه نیست؟ واز منابع قابل اعتبار شنیده شده است که جناب مولانا گنگوهي (رح) دراین جاي نگاشته است که اگر این نماز را بجماعت اداء نماید درآن کدام قباحت نیست بلکه از مستحبات محسوب میشود؟

جواب: ازاحادیث مبارکه قسما معلوم میشود که اگر بعد ازنماز عشاء وقبل از خوابیدن نوافل نماز تهجد ادا گردد بر آن ثواب نماز تهجد حاصل وبر آورده میگردد: وهذا یفید ان هذه السنة تحصل بالتنفل بعد صلوة العشاء قبل النوم [1]. ونماز تهجد را بجماعت اداء نمودن مکروه است اگر بتداعي (بدعوت) باشد درالدر المختار مذکور است: أي یکره ذلک لو علی سبیل التداعي بان یقتدي اربعة بواحد [2] الخ. وحضرت مولانا گنگوهي (رح) صاحب جواز جماعت تهجد را صحیح نمیگویند وحضرت مولانا ازآن ممانعت میفرمودند وشیخ الاسلام حضرت مدني (رح) آن را جایز میگفت لکن تنها در رمضان المبارک نه درسائر حصۀ هاي تمام سال ودررمضان ایشان (رح) برآن تعامل داشتند. ظفیر

فصل سادس

مسائل صلوة التسبیح

در صلاة التراویح اوقات تسبیح: سوال: (۱۹۱۰) درصلاة التسبیح دررکعت اول ودوم چه وقت تسبیح بگوید بنزد شوافع (رح) درجلسه استراحت است وبنزد احناف (رح) چه وقت بگوید وقول راجح کدام است؟

جواب: راجح ومعمول به آنست که بنشیند وتسبیح بگوید سپس قیام نماید وبعد از سورت وفاتحه پانزده (۱۵) مرتبه بگوید [3].

جماعت صلاة التراویح مکروه است: سوال: (۱۹۱۱) جماعت صلاة التسبیح درست است یا

(۱) رد المحتار مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص۶٤۰، ط.س. ج۲ ص۲٤. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب في کراهیة الإقتداء في النفل ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۲۸. ظفیر

(۳) فبعد إنشاء خمسة عشر مرة ثم بعد القراءة وفي رکوعه والرفع منه الخ وقال إنها المختار من الروایتین و الروایة الثانیة أن یقتصر في القیام علی خمسة عشر مرة بعد القراءة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة التسبیح ج۱ ص۶٤۳، ط.س. ج۲ ص۲۷). ظفیر

نه؟

جواب: جماعت نوافل خواه صلاة التسبیح باشد ویا متباقی نوافل باشد اگر بتداعي انجام گردد مکروه است [(۱)]. فقط

ثواب صلاة التسبیح: سوال: (۱۹۱۲) (۱) ثواب صلاة التسبیح چنانچه رسول اکرم ﷺ براي کاکاي بزرگوار خویش حضرت عباس (رض) فرموده بودند همانطور براي سائر امتیان نیز ثواب حاصل خواهد شد یانه؟

در صلاة التسبیح سهوه: سوال: (۱۹۱۳) (۲) اگر در صلاة التسبیح سهوه شود پس سبحان الله والحمد لله را در سجده سهوه ویا آنکه سبحان ربي الاعلى را بگوید ودر قیام (۲۵) مرتبه سبحان الله الخ بگوید یا (۱۵) مرتبه؟ اگر در قیام (۲۵) مرتبه بگوید بناءا بعد از سجدهٔ دوم نباید گفت آیا این درست است یا نه؟

جواب: (۱ – ۲) در حدیث شریف آمده است: انما الاعمال بالنیات الخ ولکل امرأ ما نوى، الحدیث [(۲)]. پس مدار ثواب بنیت بناءا است اگر شخصي لوجه الله بنیت خالص (صلوة التسبیح) را اداء نماید پس اکنون نیز همانطور ثواب برایش داده میشود قسمیکه نبي اکرم ﷺ براي کاکاي بزرگوار خود تعلیم فرموده بودند واین خصوصیت براي جناب حضرت عباس (رض) نبود چنانچه سائر تعالیم ادعیه ودیگر اعمال آن حضرت ﷺ وبشارت ثواب از جانب آنجناب ﷺ عام بود ودر سجده سبحان رب الاعلى را بگوید ودر قیام پانزده (۱۵) مرتبه سبحان الله [(۳)] الخ را بگوید خلاصه آنکه صلاة التسبیح فرض یا واجب نیست اما اگر میخواهد آن را اداء نماید پس بهمان طریقه آن را اداء کند که از اسلاف منقول است واز اجانب خویش در آن ایجاد نمودن درست نیست. فقط

درآخري جمعهٔ رمضان صلاة التسبیح را بجماعت اداء نمودن ثبوت ندارد: سوال: (۱۹۱۴) در آخري جمعهٔ رمضان المبارک بعض مردم صلاة التسبیح را بجماعت اداء مي نمایند

---

(۱) ولا یصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان أی یکره ذلک لو على سبیل التداعي أن یقتدي اربعة بواحد (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۲۸). ظفیر

(۲) مشکوة قبیل کتاب الإیمان. ظفیر

(۳) الروایة الثانیة أن یقتصر في القیام على خمسة عشرة مرة بعد القراءة (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب صلوة التسبیح ج۱ ص۶۴۳، ط.س. ج۲ ص۲۷). ظفیر

بناءا درآن مورد شرعا حکم چیست؟ وامام چنین میگوید که مردم جاهل صلاة التسبیح را اداء کرده نمیتوانند فلهذا آیا براي ایشان امام ثواب حاصل خواهد شد: اعتبارا بصلوة الکسوف والخسوف والاستسقاء؟

جواب: این عملکرد ایشان کدام اصل شرعي ندارد اداء نمودن آن نمازها کفاره نمازهاي فوت شده نمیتواند باشد واین فکر کاملا غلط ونظریهٔ امام نیز نا درست وغلط میباشد وارتکاب بدعت بر بناء این فکر درست نیست. فقط

تسبیح معروفه درکدم کدام اوقات خوانده شود؟ **سوال:** (۱۹۱۵) در اداء صلاة التسبیح طریقه آنست که تسبیح معروفه قبل از قرائت پانزده (۱۵) مرتبه وده (۱۰) مرتبه بعد از قرائت خوانده شود در شامي منقول است ودر حدیث شریف بعد از سجده ثاني ده (۱۰) مرتبه وارد است بناءا تعامل احناف (رح) بر کدام طریقه است اگر بعد ازسجده آن را بخواند پس او بعد از گفتن تکبیر آن را بخواند سپس ایستاده شود یا چطور؟

جواب: شامي هردو صورت را تحریر فرموده است وهردو منقول میباشد لکن بهتر آن صورت معلوم میشود که موافق حدیث مشهور است که بعد از قرائت پانزده (۱۵) مرتبه وبعد از قیام نمودن از سجده دوم ده (۱۰) مرتبه تسبیح مذکور را بگوید سپس ازآن ایستاد شود.[1] فقط

در قومهٔ صلاة التسبیح دست ها را ارسال بدارد: **سوال:** (۱۹۱٦) در قومه صلاة التسبیح دست ها رابسته بدارد ویا آویزان باشد؟

جواب: ارسال دست ها معمول به است. فقط

چهار رکعت صلاة التسبیح به یک سلام اداء شود یا بدو؟ **سوال:** (۱۹۱۷) چهار رکعت صلاة التسبیح را به یک سلام اداء نمودن اولی است یا بدو سلام واگر تسبیحات را بجاي ده (۱۰) مرتبه بفراموشي پانزده (۱۵) دفعه بگوید آیا سجده سهوه لازم خواهد شد یانه؟

جواب: درصلاة التسبیح اگر نیت دورکعت رامي نماید یا چهار رکعت را هردو طریقه جائز است اگر نیت چهار رکعت راکرده باشد پس در قعده وسطاني درود شریف را بگوید واگر تسبیحات

---

(۱) عن ابن عباس (رضی الله عنه) أن النبي ﷺ قال للعباس بن عبدالمطلب یاعباس یاعماه الا اعطیک الخ إذا أنت فعلت ذلک غفر الله لک ذنبک الخ، أن تصلي اربع رکعات تقرأ في کل رکعة فاتحة الکتاب وسورة فإذا فرغت من القرآءة في أول رکعة وأنت قائم قلت سبحان الله والحمد لله الخ خمس عشرة مرة ثم ترکع فتقولها وانت راکع عشر ثم ترفع راسک من الرکوع فتقولها الخ. (مشکوة ص۱۱۷. باب صلوة التسبیح). ظفیر

را بجاي ده (۱۰) مرتبه پانزده (۱۵) مرتبه بخواند سجده سهوه لازم نمي گردد. فقط

اگر تسبیحات را در یک جای فراموش نمود آیا آن را در جای دیگر اداء نموده میتواند یا نه؟ **سوال:** (۱۹۱۸) اگر در صلاة التسبیح از وي تسبیحات یکجاي فراموش شد وبا گفتن تکبیر برکن دیگر رفت ودرآن رکن، دوچند تسبیحات خواند بناءا درآن صورت سجدۀ سهوه لازم میشود یانه؟

جواب: در اینَ کدام حرج نیست وسجدۀ سهوه همچنان لازم نمیشود. فقط

الباب التاسع في ادراک الفریضة

درجماعت شریک شدن

بوقت اقامت نماز فرض آن حکم است که منفرد نیت نماز فرض را بشکناند لکن نیت نوافل وسنن را نشکناند؟ **سوال:** (۱۹۱۹) یک مؤلف در رساله خود مسمی به رکن الدین بحواله عالمگیري نگاشته است: اگر کسی نماز فرض مغرب ویا فجررا علیحده یاتنها اداء مي نماید وقبل ازسجده رکعت دوم جماعت قائم شد پس نماز رابشکناند ودر جماعت شرکت ورزد اکنون سوال آنست که جماعت سنت است واز ابطال اعمال در قرآن نهي آمده است ودر مورد سنت فجر نوشته است تا وقتیکه التجاء تدارک قعده آخیر باشد سنت را ترک نکند وهمچنان در مورد چهار رکعات سنت نوشته است که اگر در رکعت سوم جماعت ایستاد شد او بعد از تکمیل رکعت چهارم درجماعت شریک شود بناء اعتراض درآنجا است که فضیلت سنت بر فرائض بنا بر کدام قاعده حاصل است که فرض شکستانده شود وسنت شکستانده نشود؟

جواب: چونکه این ابطال عمل بخاطر اکمال است بناء جائز است وممنوع نمیباشد بلکه بهتر وکار ثواب است ([1]) ودرمورد سنت فجر مساله آنست که اگر امید تدارک قعده آخیر باشد سنت را اداء نماید سپس در جماعت شریک شود براي آنکه از ثواب آن نیز برخودار ([2]) شود

---

(۱) والقطع وإن كان ابطالا للعمل وهو منهى لقوله تعالى: ولا تبطلوا أعمالكم، والإبطال بقصد الإكمال لايكون ابطالا. (شرح وقايه باب إدراک الفريضة ج۱ ص۲۰۹). ظفير

(۲) وإذا خاف فوت ركعتى الفجر لإشتغاله بسنتها ترک لكون الجماعة اكمل وإلا بأن رجا إدراک ركعة في ظاهر المذهب وقيل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالي تبعا للبحر لكن ضعفه في النهر لا يتركها بل يصلي عند باب المسجد إن وجد مكانا الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص۶۷۰، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

وسنت نیز اداء گردد غرض آنکه مسائل مذکوره صحیح است فقط. ([1])

بعد از گفتن تکبیر برای امام تابه دیر تر مکث نمودن وسپس تحریمه بستن چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۲۰) یک نفر نیت سنت ظهر را بست تنها یک رکعت را اداء نموده بود که تکمیل گفته شد وامام تا وقتیکه آن شخص چهار رکعت را تکمیل ننمود بطرف جای نماز نرفت ونگامیکه آنکس چهار رکعت را کاملا اداء نمود امام بجاي نماز وصل شد وبتکبیر سابق نماز را اداء کرد آیا این نماز درست شده است یانه؟

جواب: در این صورت فوق الذکر نماز درست شده است وضرورت براي اعاده نمودن تکبیر نیست کما في الدر المختار: صلى السنة بعدالاقامة اوحضر الامام بعدها لايعيدها ([2]) بزایزیه فقط.

بکدام وجوهات نماز شکستانده میشود؟ **سوال:** (۱۹۲۱) نماز گذار بنا برکدام معاذیر علاوه از ارتکاب معاصی نمازرا شکستانده میتواند؟

جواب: در الدر المختار درباب ادراک الفریضة تفصیل آن را فرموده است ([3]) آن مطالعه فرمائید واگر کدام صورت خاص عارض شده باشد درآبی مورد سوال آن را مطرح کنید که درصورت فلان نماز شکستاندن درست است یانه؟ در الدر الدرمختار این مسأله نیز مسطور است که بخاطر نجات دادن غریق وحریق شکستاندن نماز واجب است ودرصورت ضیاع ونقصان یک درهم شکستاندن نماز جائز است نه واجب ودرشامي قاعده کلیه را چنین تحریر فرموده است: ان القطع يكون حراماً ومباحــاً ومستحـباً وواجباً فالحرام لغير عذر والمباح اذا خاف فـوت مال ([4])

(۱) درسوال: فوق الذکرک در مورد عدم شکستاندن سنت اشکال است برای آن چنین پاسخ ارانه شده است که اگر فرض را اداء مي نمود آن را بشکناند وپس همان قرض را بجماعت با امام اداء نماید فلهذا در انجا ابطال براي اکمال است بخلاف سنن اگر آن را ترک نمود پسر آن را اعاده نکند بلکه فرض را اداء نماید واین ابطال براي اکمال نیست فلهذا در صورت عدم شکستاندن سنت نیز اداء خواهد شد وفضیلت فرض را همچنان حاصل خواهد نمود والشارع في النفل لا يقطع مطلقا ويتمه ركعتين وكذا سنة الظهر وسنة الجمعة إذا أقيمت او خطب الإمام يتمها اربعا على القول الراجح لأنها صلوة واحدة وليس القطع للإكمال بل للإبطال خلافا لما رجحه الكمال (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۲٦۸، ط.س. ج۲ ص۵۳). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الأذان ج۱ ص۳۷۱، ط.س. ج۲ ص٤۰۰. ظفير

(۳) يقطعها لعذر احراز الجماعة كما لو ندت دابة او فار قدرها او خاف ضياع درهم من ماله او كان في النفل فجيئ بجنازة وخاف فوتها قطعه لامكان قضائه ويجب القطع لنحو انجاء غريق او حريق ولو دعاه ابويه في الفرض لا يجيبه إلا أن يستغيث به وفي النفل إن علم أنه في الصلاة فدعاه لا يجيبه إلا إجابة قائما لأن القعود مشروط للتحلل وهذا قطع لا تحلل ويكتفي بتسليمة واحدة هو الأصح. (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص٦٦٦، ط.س. ج۲ ص۵۱). ظفير

(٤) ردالمحتار باب إدراک الفريضه ج۱ ص٦٦۷، ط.س. ج۲ ص۵۲. ظفير

واستحب للاكمال والواجب لاحياء نفس الخ.

جماعت را ترک نمودن وبمسجد دیگر رفتن برای آنکه جماعت کامل را دریافت نماید این چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۲۲) یک نفر بمسجد تشریف فرماشد که جماعت استاده بود وآنکس بخاطر آن منظور که جماعت کامل را د ریافت نماید به مسجد دیگر رفت ویک نفر درقعده آخر امد ورفت آیا این چنین رفتن جواز دارد یانه؟

جواب: درهمان مسجد براي ایشان در جماعت شرکت ور زیدن بهتر است (۱) فقط.

سنت فجر اگر قبل ازفرض اداء نشود پس ان را چه وقت اداء نماید؟ **سوال:** (۱۹۲۳) کسی در جماعت نماز فجر شامل شد وسنت را اداء نکرد آیا اوبعد ازفرض سنت را اداء نماید ویا بعد ازطلوع آفتاب آن را اداء کند؟

جواب: آنکس سنت فوت شده را بعد ازفرض وقبل از طلوع افتاب اداء، نکند زیرا که مکروه است واگر میل وخواهش دارد پس آن را بعد ازطلوع آفتاب وقبل از زوال اداء فرماید این طریقه افضل وبهتر است کما في الشامي : واما اذا فاتت وحدها فلا تقضى فى طلوع الشمس بالاجماع لكراهة النفل بعدالصبح وامابعد الطلوع الشمس فكذلك عندهما وقال محمد (رح احب ان يقضيها الى الزوال (۲) الخ شامي: ج ۱ ص ۴۸۲.

یک رکعت را اداء نموده بود که جماعت ظهر شروع شد بناء رکعت دو راتکمیل نماید ودر جماعت شریک شود: **سوال:** (۱۹۲۴) یک نفر در وقت نماز ظهر قبل از جماعت چهار رکعت را اداء مي نمايد یک رکعت یا دو رکعت را اداء نموده بود که جماعت فرض شروع شد درآن وقت سنت گذار چه باید بکند؟ نماز خودرا تکمیل نماید ویا آنکه اگر رکعت را اداء نموده باشد همراهش یک رکعت دیگر را ضمیمه کند وسلام بگر داند؟ ویا آنکه دو رکعت را اداء نموده بود بناء چهار رکعت را کامل کند ویا آنکه در هرحالت آن را تکمیل نماید ویا آن را ترک کنند وبجماعت شامل شود؟

---

(۱) وكذا لو فاتت أحدهم تكبيرة الأفتتاح او ركعة او ركعتان ويمكنه إدراكها في غيره لا يذهب إليه لانه صار محرزا فضيلة الجماعة في مسجده فلايترک حقه (غنية المستملي فصل في احكام المسجد ص٥٦٥) وكره تحريما للنهى خروج من لم يصل من مسجد أذن فيه إلا لمن ينتظم به أمر جماعة أخرى ولمن صلى الظهر والعشاء وحده مرة فلا يكره خروجه كل تركه عند الشروع في الإقامة فيكره لمخالفة الجماعة بلا عذر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج١ ص٦٦٨ – ٦٦٩، ط.س. ج٢ ص٥٤). ظفير

(۲) رد المحتار باب إدراک الفريضة ج١ ص٦٧٢، ط.س. ج٢ ص٥٧. ظفير

جواب: اگر یک رکعت سنت را اداء نموده باشد ورکعت دوم را نیز اداء نموده سلام بگرداند ودر جماعت شریک شود ومحققین احناف (رح) آن را راجح گفته اند وقول دیگر درآن مورد که مفتی به نیز همان است آنست که در هرحالت چهار رکعت سنت را تکمیل نماید لکن محقق ابن الهمام (رح) قول اول را راجح قرار داده است کذا في الشامي (۱). فقط

اما مسجد دیگر جماعت یک مسجد ترک نموده رفته میتواند یانه؟ **سوال:** (۱۹۲۵) یک نفر وقتي بمسجد آمد که جماعت شروع بود واو وضوء کرده رفت ودرجماعت شرکت نکرد وچونکه آنکس نماز گذار.پابند مسجد دیگر است یعنی آنکس امام مقتدي ومؤذن میباشد بناء درآن صورت حکم چیست؟

جواب: براي اوهما نطور عمل نمودن بکار بود ودرحق او از آن مسجد رفتن ودر آن جماعت شرکت ورزیدن مکروه نیست (۲).

سنت را اغاز نمود که فورا جماعت شروع شد پس چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۹۲۶) یک نفر در ابناء قیام جماعت آمد او نیست سنت رانمود که فورا اقامت گفته شد او دردو رکعت الحمد وسورت والتحیات وغیره راهیچ نخواند وغالباً سبحان الله وغیره راشاید گفته باشد بهرحال درآخر سجده سهوه وغیره را اداء نمود وسلام گردانید وقبل از اختتام فاتحه امام درجماعت شریک شد فلهذا آیا آنقدر عجله سریع جائز است یانه؟

جواب: درهمچو مورد ضروری آنست که دو رکعت اداء شود وسلام بگرداند سپس درجماعت شریک گردد واگر بخاطر دریافت نمودن جماعت عجله واختصار شود آن نیز مناسب است لکن با آنهم آنقدر سرعت درست نیست که درنتیجه قرائت مفروضه وغیره متروک شود (۳).

---

(۱) والشارع في نفل لا يقطع مطلق ويتمه ركعتين وكذا سنة الظهر وسنة الجمعة إذا أقيمت او خطب الإمام يتمها اربعا على القول الراجح لأنها صلوة واحدة وليس القطع للإكمال بل للإبطال خلافا لما رجحه الكمال (درمختار) حيث قال وقيل يقطع على رأس الركعتين وهو الراجح لأنه يتمكن من قضائها بعض الفرض ولا إبطال في التسليمة على الركعتين فلا يفوت فرض الإستماع والأداء على الوجه الأكمل بلا سبب الخ (رد المحتار باب إدارک الفريضة ج۱ ص۶۶۸، ط.س. ج۲ ص۵۳). ظفير

(۲) وكره تحريما للنهى خروج من لم يصل من مسجد اذن فيه إلا لمن ينتظم به أمر جماعة أخرى او كان الخروج لمسجد فيه ولم يصلوا فيه (درمختار) قوله إلا لمن ينتظم به أمر جماعة اخرى بان كان إماما او مؤذنا تتفرق الناس بغيبته الخ وظاهر الإطلاق أن له الخروج ولو عند الشروع في الإقامة (ردالمحتار باب إدارک الفريضة مطلب في كراهية الخروج من المسجد بعد الأذان ج۱ ص۶۶۸، ط.س. ج۲ ص۵۴). ظفير الدين غفر له

(۳) والشارع في نفل لا يقطع مطلقا ويتمه ركعتين (درمختار) قوله مطلقا أى سواء قيد الأولى بسجدة اولا (ردالمحتار باب إدراک الفريضة =

اگر کسی بنیت نوافل در جماعت عشاء شریک شد آیا آنکس سنت ووتر را دوباره نیز اداء نماید؟ **سوال:** (۱۹۲۸) اگر کسی نماز عشاء را اداء نمود سپس مشاهده نمود که جماعت استاده شده ودر جماعت نیز شامل گردید اکنون او سنت ووتر را اداء نماید یانه؟

جواب: وتر وسنت را اداء نکند آن را قبلا اداء نموده است واین در حکم نوافل است. ظفیر

اگر بفکر آنکه ریل (قطار) مواصلت نموده نیت را بشکناند حکم چیست ودر آن مورد برای امام اختصار نمودن بگوید یانه؟ **سوال:** (۱۹۲۸) یک نفر در روز جمعه به ایستگاه نجیب آباد آمد براي امام گفت که مایان در ریل یکنیم بجه بعداز ظهرسفرداریم بناء شما خطبه را مختصر بخوانید و در قرائت نیز کاهش نمائید وقتیکه نماز شروع شدویک رکعت بوجه احسن اداء گردید ودر رکعت دوم امام قرائت را آغاز نموده بودکه شخص مذکور رامظان آمدن ریل عارض شد واونیت را شکستاند وخارج رفته به ایستگاه وصل شد وآنعده اشخاص که رفقاء همسفر اوبود ایشان بسکون واطمنان نماز خودرا کامل نمودند ودر ریل سوار شدند بناء از امام تقاضای کاهش نمودن قرائت واختصار خطبه وشکستاندن نیت چگونه است؟

جواب: در همچنان حالت که براي یکي از مقتدیان عدم اطمینان واشد ضرورت باشد براي امام بیسار مناسب وپسندیده آنست که درقرائت وخطبه تخفیف آورد در حد یث شریف آمده است که براي امام در نماز تخفیف نمودن بکار است زیرا برخي از مقتدیان صاحب عذر وحاجتمند میباشند الحدیث (۱) باقي آنکه درمورد شکستاندن نماز بعد از شروع کردن حکم آنست که اگر نقصان چهار آنه یک چهارم \ ۲۵ نقره میشود یادیگ بجوش آید یا مرکب او گریخت وفرار نماید درآن وقت شکستاندن نماز درست است وهمچنان اگر ان قسم چیزي نقصان دیگر وضرورت عارض شود بازهم شکستاندن نماز درست است کذا فی الدر المختار (۲).

جواب اعتراض بر سنت فجر دروقت جماعت: **سوال:** (۱۹۲۹) یک نفر اعتراض مي نماید که احناف با آنهم که جماعت شروع میباشد ولي آنها سنت فجر را اداء مي نمایند؟

= ج۱ ص۶۶۸) من فرائضها التي لاتصح بدونها التحريمة الخ ومنها القيام الخ ومنها القراءة الخ ومنها الركوع الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۱۱، ط.س. ج۲ ص۴۴۲). ظفیر

(۱) قال رسول الله ﷺ فايكم ما صلى بالناس فليتجوز فإن فيهم الضعيف والكبير وذا الحاجة متفق عليه. (مشكوة باب ما على الإمام) ظفير

(۲) ويقطعها لعذر إحراز الجماعة الخ او خاف ضياع درهم من ماله (درمختار) ان القطع يكون حراما ومباحا ومستحبا وواجبا، فالحرام لغير عذر والمباح إذا خاف فوت مال (ردالمحتار باب إدراك الفريضة ج۱ ص۶۶۶ – ۶۶۷، ط.س. ج۲ ص۵۱) ظفير

جواب: موافق مذهب امام صاحب بخاطر آنكه عمل برحديث وقرآن مجيد هردو شود ودر بعضى احاديث چونكه زياد ترتاكيد سنت فجر آمده است وتعامل صحابه كرام نيز همانطور باقي مانده است كه ايشان بعد از شروع فرض سنت فجر را ادا نموده اند وبعد از اداء سنت درجماعت شركت ورزيده اند چنانچه آثار مذگوره دركتاب ها منقول است وامام برآن عمل فرموده است بناء اعتراض وطعن بي مورد فضول وغلط (۱) است. فقط

چهار ركعت سنت ظهر كه فوت گرديده آن را بعد از فرض فورا اداء نمايد ويا آنكه بعد از اداء دو ركعت سنت؟ **سوال:** (۱۹۳۰) هر كسى كه با امام درجماعت فرض ظهر شريک شد وسنت از اوفوت شد بناء قضاء سنت فوت شده را متصل بعداز فرض بجا آورد ويا آنكه بعد از دوركعت سنت دراين مورد اگر فقهاء اختلاف داشته باشند پس اولى وراجح واقوى درآن كدام است؟

جواب: هركسى كه با امام درجماعت ظهر شامل شداونخست چهار ركعت سنت را اداء نمايد سپس دوركعت سنت را ادا كند لكن فتح القدير عكس آن را ترجيح داده است بناءا ورا اختيار است هر قسميكه ميخواهد اداء كند درست است ودو ركعت را مقدم اداء نمودن راجح است.

ثم ياتى بها في وقته قبل شفعه عند محمد وبه يفتى الدر المختار اقول: وعليه المتون لكن رجح في الفتح تقديم الركعتين كذا فى الشامي (۲).

بعد از شروع نمودن سنت فجر اگر اقامت شود چه بايد كرد؟ **سوال:** (۱۹۳۱) يک نفر سنت فجر را

شروع نمود كه ناگهان مؤذن بتكبير گفتن پرداخت وجماعت فرض قائم شد آيا براي آن شخص شكستاندن نيت وبجماعت شامل شدن بكار است ويا انكه سنت را كامل نمايد سپس شامل شود؟

---

(۱) عن عائشة رضي الله عنها قالت لم يكن النبي ﷺ على شيئ من النوافل أشد منه عاهدا على ركعتى الفجر رواه الشيخان وعنها عن النبى صلى الله عليه وسلم قال ركعتى الفجر خير من الدنيا وما فيها. رواه مسلم، (آثار السنن باب التطوع للصلوات الخمس) عن ابي هريرة ﷺ قال قال رسول الله ﷺ لا تدعوا ركعتى الفجر ولو طردتكم الخيل. رواه احمد وابوداؤد وإسناده صحيح (ايضا باب في تاكيد ركعتى الفجر) إنما خالفناه في سنة الفجر لشدة تاكيدها الخ لما روى الطحاوي وغيره عن ابن مسعود ﷺ أنه دخل المسجد وقد قيمت الصلاة فصلى ركعتى الفجر في المسجد. ظفير

(۲) ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۳، ط.س. ج۲ ص۵۸. إلى أسطوانة وذلک بمحضر حذيفة وابي موسى الخ غنية المستملي ص۳۷۹. ظفير

جواب: بعد از اداء نمودن سنت درجماعت شریک شود (۱).

انکسی که بغیر از اداء سنت در جماعت شریک شود اوسنت را در آن وقت اداء نکند:

سوال: (۱۹۳۲) شخصی سنت فجر را اداء ننموده وبجماعت شامل شد اکنون آن شخص بعد از جماعت فورا سنت را اداء نماید ویا بعد از طلوع آفتاب وبلند شدن آن اگر میخواهد آن را اداء نماید قال في الشامي: واما اذا فاتت وحدها فلا تقضي قبل طلوع الشمس بالاجماع لکراهة النفل بعدالصبح وامابعد طلوع الشمس فکذالک عند وقال محمد (رح) آحب الی ان یقضیها الی الزوال (۲) فقط.

دروقت جماعت سنت فجررا خارج از مسجد اداء نماید: **سوال:** (۱۹۳۳) دریک مسجد گنجایش شش صف وجود دارد بناء سنت فجر را در وقت جماعت کجا اداء نماید؟

جواب: بهتر آنست که سنت فجر را دراین اثنا بیرون از مسجد علیحده درگوشه اداء کند اگر چنین موقع نباشد دراین صورت اگر جماعت در حصه داخلی استاده باشد او سنت رادرحصه بیروني اداء نماید واگر جماعت درحصه بیروني استاده باشد اوسنت رادرداخل اداء کند زیرا درحین مجبوریت وضرورت همچو عمل نمودن نیز درست است که درصفوف متأخره سنت را اداء نماید بهر حال ترک نمودن سنت بکار نیست تا وقتیکه برخي از حصه جماعت را دریافت کرده میتواند (۳) فقط.

سنت فجر دروقت جماعت: **سوال:** (۱۹۳۴) درحین اداء سنت فجر وقتیکه تکبیر شد وامـام

---

(۱) والشارع في نفل لا يقطع وكذا سنة الظهر الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ج۱ ص۶۶۸، باب إدارک الفريضة، ط.س. ج۲ ص۵۳. ظفير

(۲) رد المحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۲، ط.س. ج۲ ص۵۷. ظفير

(۳) وإذا خاف فوت ركعتى الفجر لإشتغاله بسنتها تركها لكون الجماعة أكمل وإلا بأن رجا إدراک ركعة لا يتركها بل يصليها عند باب المسجد إن وجد مكانا وإلا تركها، لأن ترک المكروه مقدم على فعل السنة (درمختار) قوله وإلا تركها قال في الفتح وعلى هذا أى على كراهة صلوتها في المسجد ينبغى أن لا يصلي فيه إذا لم يكن عند بابه مكان لأن ترک المكروه مقدم على فعل السنة غير أن الكراهة تتفاوت فإن كان الإمام في الصيفي فصلوته إياها في الشتوي أخف من صلوتها في الصيفى وعكسه، واشد ما يكون كراهة أن يصليها مخالفا للصف كما يفعله كثيرا من الجهلة آهـ والحاصل أن السنة في سنة الفجر أن يأتى بها في بيته وإلا فان كان عند باب المسجد مكان صلاها فيه وإلا صلاها في الشتوي او الصيفي إن كان للمسجد موضعان و إلا فخلف الصفوف عند سارية لكن فيما إذا كان للمسجد موضعان والإمام في أحدهما ذكر في المحيط أنه قيل لا يكره لعدم مخالفة القوم وقيل يكره لأنهما كمكان واحد قال فإذا إختلف المشائخ فيه فالأفضل أن لا يفعل قال في النهر وفيه أفاد أنها تنزيهية اهـ لكن في الحلية قلت وعدم الكراهة أوجه للأثار التى ذكرناها اهـ ثم هذا كله إذا كان الإمام في الصلوة أما قبل الشروع فيأتي في أي موضع شاء (ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۱، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

قرائت را شروع نماید درشرح وقاية نوشته شده است که اگر امید دریافت نمودن رکعت باشدبا امام پس سنت را اداء کند این سخن صحیح است یانه؟ وبعضي مولوي صاحبان چنین نیز میگویند: وقتیکه امام قرائت را اغاز نمود سنت ادا کردن دران اثنا حرام است تا جائیکه او از امام میرسد وبراین مسالی مایان را نیز مطلع سازیدکه هر شخص بغیر از عذر وآن هم برایش معلوم است که یک رکعت رابا امام دریافت خواهم نمود سپس اودرجماعت شریک شد آیا آنکس گنهگار است یانه؟

جواب: قسمیکه درشرح وقایه نوشته است همچنان درکتاب هاي متباقي فقه نیز نوشته است بلکه درالدر المختار وشامی چنین تحقیق نیز نموده است که اگر با امام التحیات را نیز دریافت کرده میتواند باز هم سنت فجرا را اداء کند سپس بجماعت شامل شود اما ضروري آنست که با جماعت هموار ویا درکدام درجه که جماعت میشود درآنجا براي اداء سنت استاده نشود بخاطر آنکه مکروه است ودرحدیث از آن ممانعت آمده است وفقهاء احناف (رح) تصریح فرموده است که نزد دروازه مسجد ویاعلیحده برنده وغیره یا حجره باشد درآنجا سنت را اداء نماید وسپس از آن درجماعت شامل شود ودرپهلوي امام وجماع سنت را اداء نکندورسیدن آواز قرائت امام مانع اداء نموددط سنت نمیباشد وملی اورسیدن وفرس یدن آواز رافقهاء کرام براداء نمودن سنت وعدم اداء نمودن موقوف نگردانیده اند. (۱) وچونکه تأکید ئشت فجر رازیا د ترآمده است فلهذا باموجودیت مکان علیحده ترک نمودن سنت فجر قبیح وناپسند است زیرا وقتیکه درشریعت ثابت است که دروقت اداء جماعت علیحده سنت را اداء نمودن ممنوع نیست پس بغیر ازکدام وجه ودلیل ترک نمودن سنت فاپسند خواهد باشد فقط.

شخصی که دروقت جماعت رسید چه با ید بکند؟ **سوال:** (۱۹۳۵) جماعت قائم است که بتعقیب مقتدي داخل شد اگر امام درسجده آخري یادرالتحیات باشد آیا براي اودرجماعت شامل شدن ضروري است یا اختیاري واگر وقت نماز فجر شپاشد پس درهمچو صورت چه باید کرد؟

جواب: اگر وقت جماعت فجر باشد یا وقت نماز هاي دیگر باشد درجماعت شامل (۲) شود.

---

(۱) إذا خافت فوت رکعتی الفجر لإشتغاله بسنتها ترکها لکون الحماعة أکمل وإلا بأن رجا إدراک رکعة في ظاهر الروایة وقیل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالي تبعا للبحر لکن ضعفه في النهر لا یترکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا وإلا ترکها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص۶۷۰ – ۶۷۱، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفیر

(۲) ولا یکون مصلیا جماعة اتفاقا من أدرک رکعة من ذوات الأربع الخ لکنه ادرک فضلها ولو بادراک التشهد اتفاقا (الدر المختار علی

سنت بوقت جماعت فجر: سوال: (۱۹۳۶) امام نماز فجر را به آواز بلند اداء مي نماید اگر کسي در حجره مسجدیا درصحن حجره اطاق سنت فجررا ادا کند لکن آواز قرائت امام بگوش اوکاملا مي آید وآنکس بهتر مي فهمد که من سنت را اداء کنم درجماعت شریک خواهم شد دراین حالت سنت اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: سنت فجر را درهمچو حالت درحجره اداء کردن بکار است ودرآن کدام حرج نیست که آواز قرائت امام بسمع او میرسد البته این ناجائز است که درهمان درجه سنت را اداء مي نماید که درآن امام شروع فرض را اداء میکند ودلیل قال في الشامي: والحاصل ان السنة في ستة الفجر ان یأتی بها في بیته والا فان کان عند باب المسجد مکان صلاها فیه والا صلاها في الشتوي والصیفي ان کان للمسجد موضعان والا فخاف الصفوف عند ساریة وایضا قال: وینبغي ان لا یصلي فیه اذا لم یکن عند بابه مکان الخ: جلد ۱ ص ٦۷۱.

اگر جماعت ایستاده باشد پس سنت فجر را چه وقت اداء کند؟ سوال: (۱۹۳۷) اگر جماعت فجر قائم باشد پس سنت فجر را اداء نماید ویا آنکه درجماعت شریک شود اگر درجماعت شریک شد پس سنت را بعد ازنماز اداء نماید ویا بعد از طلوع آفتاب؟

جواب: اگر مکان علیحده درمسجد باشد اوباید بعد ازشروع شدن جماعت سنت فجررا اداء کند زیرا که تاکید این سنت زیاد آمده است لیکن بشرطیکه توقع شرکت نمودن درجماعت باشد واگر سنت فجر را وبعد از اداء فرض آن را پیوست اداء نکند بلکه بعداز آفتاب برآمد اداء نماید واگر ازوقت خود گذشت درآن صورت سنت مؤکده مؤکد باقي نمیماند اما با آنهم بعداز طلوع آفتاب اداء نمودن آن بهتر است (۱) هکذا في کتب الفقه فقط.

کتبه رشید احمد عفي عنه سنه ۱۶\ ۱۲\ ۱۳۲۹هـ



= هامش ردالمحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص۶۷۳، ط. س. ج۲ ص۵۹). ظفیر

(۱) أما إذا فاتت وحدها فلا تقضی قبل طلوع الشمس بالإجماع لکراهة النفل بعد الصبح وأما بعد طلوع الشمس فکذلک عندهما وقال محمد احب إلی أن یقضیها إلی الزوال کما في الدر وقیل هذا قریب من الإتفاق لأن قوله احب إلی دلیل علی أنه لو لم یفعل لا لوم علیه وقالا لا یقضي وإن قضی فلا بأس به (إلی أن قال) في انه لو قضی کان نفلاً الخ ج۱ ص۶۷۲، ط.س. ج۲ ص۵۷. ظفیر

الباب العاشر في قضاء الفوائت

اداء نمودن نمازهاي قضائي

بوجه ضیق الوقت یا فراموشی نماز وقتی را پیش از قضائی اداء کرده میتواند: سوال: (۱۹۳۸) اگر از یک نفر نماز ظهر قضاء شد واو درعصر بمسجد دروقتي رسید که اقامت میشد ویا آنکه بالکل ضیق الوقت است ویا وقت عصر کافي است لکن از اوفراموش شد اما وقتیکه نماز عصر را اداء نمود برایش یادشد که من نماز ظهر راقضاء نموده ام بناء آیا در آن حالت بعداز نماز عصر قضاء ظهر را خوانده میتواندیانه؟ وهمچنان وقتیکه جماعت فجر استاده باشد سنت فجر را اداء نمودن بکار است ویا آنکه درجماعت شریک شود اگر درجماعت شریک شد بس قضاء آن سنن را تابه کدام وقت بجاي آورده میتواند.

جواب: اگر ازوي فراموش شد یاوقت انقدر تنگ بود که اگر قضاء ظهر رابجا مي اور دوقت عصر فوت میشود پس در همچو حالت نماز عصر صحیح است که اداء شود وبدنبال آن قضاء ظهررا بجا آورد ([1]) واگر اقامت شروع شد ودر صورت اداء نمودن نماز ظهر جماعت عصر برایش دریافت نخواهد شد. درآن صورت نخست قضاء ظهر رابجا آورد وبعد از آن نماز عصررا اداء کند اگر چه جماعت از اوفوت میشود واگر نماز فجر آماده باشد یاجماعت قائم باشد دراین صورت اگر امید دریافت یک رکعت وبقول برخي فقهاء کرام اگر امید تدارک تشهد باشد دراین صورت نخست سنت فجر را اداء کند سپس درجماعت شرکت ورزد ([2]) واگر سنت را کلا ترک نمود ودرجماعت شریک شد دراین صورت قضاء سنت نیست اگر میل دارد آن را بخواند پس اوباید که بعد از ار تفاع آفتاب آن را اداء نماید که آن نفل خواهد شد ([3]) فقط.

سبب نماز فائته : سوال : (۱۹۳۹) درنماز فائته سبب بطرف جمیع وقت منسوب میشود براي

(۱) الإستثناء من اللزوم فلا يلزم الترتيب إذا أضاق الوقت المستحب حقيقة إذ ليس من الحكمة تفويت الوقتية لتدارک الفائتة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوآئت ج۱ ص۶۸۰ – ۶۸۱، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

(۲) وإذا خاف فوت ركعتى الفجر لإشتغاله بسننها تركها لكون الجماعة أكمل وإلا بأن رجا إدراک ركعة في ظاهر المذهب وقيل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالي تبعا للبحر (ايضا باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۵، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

(۳) ولا يقضيها إلا بطريق التبعية لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده (درمختار) واما لو إذا فاتت وحدها فلا تقضى قبل طلوع الشمس بالإجماع لكراهة النفل بعد الصبح وامابعد طلوع الشمس فكذلک عندنا الخ (رد المحتار ايضا، ط.س. ج۲ ص۵۷). ظفير

آنکه وا جب علی صفات الکمال ثابت شودبعلت غباوت من مطلب آن درفهم بنده نیامد که سبب چه چیز است؟ وبسوي جمیع وقت معنی مضاف شدن آن چگونه است ودر اداء وجوب علی صفت الکمال نشدن ودرفائته وجوب علی صفت الکمال شدن وجه ودلیل آن چیست؟

جواب: در وقت با اداء نمودن آن بوجه تعذر جمیع وقت را سبب گفته نمیتوانیم بلکه جزء مقدم بالا تصال را سبب گفته میشود وقتیکه وقت گذشت ونماز فوت شد پس اکنون جمیع وقت راسبب گفتن کدام حرج ودشواري ندارد وسبب ظاهري نماز وقت است زیرا هرگاه وقت داخل شود درآن اثنا حکم نماز داده میشود وهمین معنی سببیت است مثلا هرگاه وقت ظهر داخل میشود دراین وقت صَلُّوْا صَلٰوةَ الظُّهْرَ متوجه میشود وقس علیه.

قضای نماز روزه: سوال: (۱۹۴۰) نماز روزه را قضاء نموده بود وهوید انیست که چقدر مدت را قضاء نموده است بناء طریقه ادا ان چگونه است؟

جواب: شمار واندازه آن را معلوم نماید وهرقدر یکه نماز وروزه را اندازه نمود قضایي آن را بجاي آورد.

قضائی نمازه های قضاء شده: سوال: (۱۹۴۱) بذمه زید تقریبا قضائي دوازده سیزده سال روزه ونماز باقي مانده است که او دانسته آن را اداء ننموده است اکنون میخواهد که نمازها وروزه فوت شده را اداء نماید بناء آن رابکدام طریقه اداء نماید؟

جواب: قضائي نماز روزه را بجا آورد وتخمینا بعد ازبلوغ نمازها وروزه ها هرچند سالها راکه قضاء نموده باشد آن را اداء نماید فقط.

قضاء نماز قصر قصر میباشد: سوال: (۱۹۴۲) قضاء نماز قصر قصر اداء کردن بکار است یا کامل؟

جواب: قضائي نماز قصر قصر اد اء کردن بکار است (۱).

آیا اداء نمودن نماز قضا درمسجد درست نیست؟ سوال: (۱۹۴۳) عالمي میفر ماید که بمسجد صلاة قضاء گذاردن حرام است ودلیلش این که قضاء صلاة معصیت است واظهار معصیت حرام وبمسجد اظهار میشود بخانه گذاردن یابد این سخن چگونه است؟

---

(۱) والقضاء یحکي أی یشابه الأداء سفرا وحضرا لأنه بعد ما تقرر لا یتغیر (درمختار) قوله سفرا وحضرا ای لو فاتته صلوة السفر وقضا في الحضر یقضیها مقصودة کما لو أداها (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۵، ط.س. ج۲ ص۱۳۵). ظفیر

جواب: در درمختار قضائي نماز هاي فوت شده را درمسجد مکروه تحريمي نوشته است ودليلش همان است که نماز را بعد الوقت اداء کردن معصيت است فلهذا آن را ابراز نبايد کرد وعلامه شامي دراين مورد چنين نوشته است که غرض هسّين است که اظهار آن رانکند بلکه طوري اداء کندکه کسي را اگاهي نشود که اونوافل ميخواند يا فرا ئض دراين صورت درمسجد قضائي آوردن نيز درست است غرض آنکه قضايي را طوري بيا آورد که حتى المقد ور براي کسي اظهار نشود وعبارت شامي اينست: وظاهره ان الممنوع هوالقضاء مع الاطلاع عليه سواء كان في المسجد اوغيره (۱) فقط.

طريقه مروجه عمري ثابت نيست بی اساس است: سوال: (۱۹٤٤) دريک کتاب لسان اردو نوشته شده است که بخاطر کفاره قضاء عمري نماز طوري اداء نمودن بکار است که درهريک رکعت يک بار آيت الکرسي وسورت کوثر را يازده دفعه بعد از سورت فاتحه بخواند يا اين جائز است يا مکروه وبنا برهمين طريقه براي سائر نماز ها نيز سورت ها را درمقامات مختلف براي هر رکعت مشخص قرائت نمودن آن را تحرير فرموده است؟

جواب: اين مسأله مسوله هيچ اصل اندارد وبرآن طريقه نفل نمودن قضائي عمري حاصل نميشود نخست آنکه قضائي عمري اصل ندارد بلکه فقهاء کرام آن مکروه نوشته اند وثانيا آنکه بدان هيئت وکيفيت نماک خواندن براي قضائي عمري ثابت نيست واين طريقه قضاء مخالف قواعد شرعيه است قاعده آنست که هر چند نماز هاي که بذمه کسي فوت شده باقي باشد پس او را بايستي که بيقين وظن غالب عضائي آن را بجا آرد ومحض بنا برتوهم قضاء عمري ثابت نيست بلکه مکروه است در شامي براين قول درالمختار که ومانقل ان الامام قضى صلوة عمر الخ نگاشته: است انه لم يصح ذلک عن الامام الخ فالوجه كراهة القضاء لتوهم الفساد (۲) الخ: ص ٤٦٩.

حيله اسقاط: سوال: (۱۹٤٥) اسقاط يعني حيله جوئي که قبل ازنماز جنازه ويا بعد ازنماز جنازه تأديه ميشود بر وارثان ميت واجب است يانه؟ واين حيله از اين قرار است که يک سير پاکستاني ودوازده ونيم کيلو گندم وپول نقد حد اقل صد (۱۰۰) روپيه وقرآن مجيد شامل

(۱) رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۹۰، ط.س. ج۲ ص۷۷. ظفير

(۲) رد المحتار باب الوتر والنوافل قبيل مطلب في الصلوة على الدابة ج۱ ص۶۵۳، ط.س. ج۲ ص۳۸. ظفير

ميباشد وغرض حلية جويان آن ميباشد كه اين اشياء كفاره سائر نماز هاي قضاء شده روزه حج وغيره ميت ميگردد وسائر نماز گذاران جنازه را ميدهند وحيله كنند گان مي نشيند وقرآن مجيد رابه دردست اخذ مي نمايد ويک دعاي بزرگ وطولاني راقراة مي نمايد ودرنتيجه ميگويد كه مايان قبول نموديم؟

جواب: حيله مذكوره اسقاط بروارثان واجب نيست وهمچنان وصيت را فقهاء كرام نيز جائز نگردانيده اند قال في الدر المختار: ونص عليه في تبيين المحارم فقال لايجب على الولي فعل الدور وان اوصى به الميت لانها وصية بالتبرع والواجب على الميت آن يوصي بما يفي بما عليه ان لم يضق الثلث عنه فان آوصى باقل وآمربا الدور وترک بقية الثلاث للورثة او تبرع به لغيرهم فقد آثم بترک ماوجب عليهم (۱) فقط.

صاحب ترتيب نخست نماز هاى فوت شده را اداء نمايد اگر چه جماعت از وى فوت ميشود؟ سوال: (۱۰۴٦) اگر صاحب ترتيب وقتي بمسجد آمد كه جماعت قائم وشروع باشد دراين اثنا او چه بايد بكند آيا در جماعت شامل شود ويا قبل از آن نمازهاي قضاء شده را بجا آورد سپس درجماعت شامل گردد؟

جواب: صاحب ترتيب نخست نمازهاي فوت شده خودرا اداء كند اگر چه جماعت ازوي فوت ميشود فقط.

كسى كه نمازها راقضاء نموده است اونمازها رابكدام ترتيب اداء نمايد؟ سوال: (۱۹٤۷) بعهده يک نفرچند نمازهاي قضاء شده است اكنون براي او فرصت اداء نمودن نماز فجر حاصل نشد بلكه نماز فجر ازوي قضاء شد الان اونماز فجر را اداء نمايد ويا آنكه قضائيهاي قبلي رابجا آورد؟

جواب: اگر نمازهاي قضاء شده قبلي شش عدد باشد يا زياده از آن دراين صورت ترتيب ساقط مي شود ونماز فوت شده فجررا او قبل ا زنماز هاي قضاء شده قبلي اداء كرده ميتواند (۲) فقط.

كسى كه نمازهاى زيادرا قضاء نموده باشد انها را چگونه اداء كند؟ سوال: (۱۹٤۸) اگر

---

(۱) ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة عن الميت، ج۱ ص٦٨٦، ط.س. ج۲ ص۷۳. ظفير

(۲) الترتيب بين الفرائض الخمسة والوتر اداءاً وقضاءاً لازم الخ فلم يجز فجر من تذكر انه لم يوتر الخ الا اذا اضاق الوقت الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٧٩، ط.س. ج۲ ص٦٥). ظفير

یک نفر بیشمار نمازها را فوت نموده باشدکه احصائیه آن برایش معلوم نیست اکنون اگر اومیخواهد که نماز هاي فوت شده را اداء نما يد درحاليكه اگر او تحري نمايد يعني بفكر خود يک تعداد را معين نمايد آيا او آن را بالترتيب اداء نمايد ويا آنكه نيازي براي ترتيب نميباشد اگر دريک وقت پنج نماز فوت شده يک روز را اد اء نمود آيا جائز خواهد باشد يانه؟

جواب: بعداز تحري نمودن نماز هاي هرچند سال ماه كه فوت شده است ودرتحري آيد درقضاء آوردن آنها شروع نمايد ودرحين قضاء آوردن درقلب نيت وتفكر نمايد ويا بلسان نيز بگويد كه قبل از همه قضای ظهر یاعصر وغيره رابجامي آورم وهمانطور درمتباقي اوقات نيت كند زيرا بعد ازقضاء آوردن نخستين نماز كه بدنبال او است او نخست فوت شده متعين ميگردد وكدام صورت كه در سوال نوشته شده است كه سائر نمازهاي فوت شده يک روز را ميخواهد كه دريک وقت اداء نمايد آن درست است فقط.

كسى كه نماز هاى يكسال را قضاء نمايد بر او ترتيب لازم نيست: **سوال:** (۱۹٤۹) بذمه يک نفر بطور مثال نماز هاي قضا شده يک سال باقي مانده است بناء درقضا آوردن آنها بر او ترتيب ضروري است يانه؟ يعني بالترتيب آنها را اداء نمايد يا هر قسميكه بخواهد اداء نموده ميتواند وهر وقتيكه قضائي تمام سال بجا مي آورد آيا صاحب ترتيب ميباشد يانه؟ ويا آنكه تا يک چند روز نماز قضائي بجا آورد سپس آن را ترک نمود وبعد از آن مابقى را اداء نمايد يا از سرنو اداء كند وآيا با ترک نمودن دروسط آنها كدام نقصان وارد نميشود؟

جواب: درقضاء آوردن آن نماز ها بر او ترتيب لازم نيست هر قسميكه ميل داشته باشد آن را بجا آورد (۱) وهر وقتيكه سائر نماز هاي فوت شده را اداء كند سپس صاحب ترتيب ميشود بلكه وقتيكه در جريان اداء نمودن نماز هاي قضائي از شش عدد نماز كمتر باقي بماند مثلا پنج نماز بدوش او بماند درهمان وقت براو ترتيب واجب ميشود وهرقدريكه نماز هاى قضاء رابجا آورد آنها صحيح است واگر درميان قضاء آوردن را ترک نمود سپس از آن باز شروع نمود درآن صورت هرچند نماز هاي قضائي كه بعد از قضائي قبلي باقي مانده باشد تنها قضائي آنها (۲)

---

(۱) ويلزم الترتيب الخ إلا إذا أضاق الوقت الخ او فاتت ستة اعتقادية (درمختار) يعني لايلزم الترتيب بين الفائتة والوقتية ولا بين الفوائت إذا كانت الفوائت ستا الخ (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶). ظ

(۲) ولايعود لزوم الترتيب بعد سقوطه بكثرتها الفوائت بعود الفوائت إلى القلة بسبب القضاء لبعضها على المعتمد لأن الساقط لايعود وكذا لا يعود الترتيب بعد سقوطه بباقي المسقطات السابقة (درمختار) قوله سبب القضاء كما إذا ترک رجل صلوة شهر مثلا ثم قضاها إلا صلوة ثم =

را آوردن لازم است فقط.

مدت چند نماز را قصری نمود پس معلوم شدکه مسافر نبود بناء چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۹۵۰) یک نفر بگمان آنکه من مسافر میباشم دو یاسه ماه مسافرانه نماز اداء نمود سپس از آن برایش معلوم شد که.اواصلا مسافر نبود آیا اکنون بر اوقضائي آوردن آن نماز ها ضروري است؟ اگر باشد بکدام طریقه؟

جواب: قضاء آوردن این نماز ها ضروري است وطریقه قضائي آوردن معروف است مثلا نماز هاي هرچند روزها را که قصر نموده است آن راحساب نماید وقضائي سائرآن نماز ها رامع الوتر بجا آورد وسنت قضائي ندارد (۱) فقط.

اگر دروقت گنجایش سائر قضاء مرتب نباشد چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۹۵۱) اگر در وقت فجر انقدر گنجایش نباشد که صاحب ترتیب پنج نماز هاي قضائي را علی الترتیب اداء نماید پس او تنها دونماز را برنماز وقتي مقدم کرده میتواند یا انکه تمام آن را بگذارد؟

جواب: هرقدریکه گنجایش باشد قضائي آن را بیاورد سپس از آن اگر تنها وقت نماز وقتیه باقي ماند درآن صورت وقتیه را اداء نماید زیرا که بضیق الوقت نیز ترتیب ساقط میشود وچنانچه درکتاب هاي فقه این مسأله تفصیلا مذکور است (۲) فقط.

درقضاء مطلب ترتیب چیست؟ **سوال:** (۱۹۵۲) این سخن که متداول السُه است که بدوش صاحب ترتیب میان نماز هاي فوائت ووقتیه ترتیب فرض است مطلب از چیست؟

جواب: مطلب آن از این قرار است که اگر نماز هاي فوت شده راقبل از نماز وقتیه اداء نکند وپیش ازقضاء آوردن فوائت نماز وقتیه را اداء نماید این نمازوقتیه فاسد خواهد شد بفساد موقوفي

= صلی الوقتية ذاكرا لها فانها صحيحة آهـ بحر، قيد بقضاء البعض لأنه لو قضا الكل عاد الترتيب عند الكل قوله المعتمد هو أصح الروايتين وصححه ايضا في الكافي والمحيط والمعراج وغيره وعليه الفتوى وقيل يعود الترتيب واختاره في الهداية ورده في الكافي والتبيين واطال فيه في البحر (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸٤، ط.س. ج۲ ص۷۰). ظفير

(۱) وقتیکه نماز نشد سائر آنها در قضاء محسوب میشود وآن مساله فیصله شده است که قضاء لفرض الخ فرض الدر المختار ظفير.

(۲) فلا يلزم الترتيب إذا ضاق الوقت المستحب حقيقة إذ ليس من الحكمة تفويت الوقتية لتدارك الفائتة ولولم يسع كل الفوائت فالأصح جواز الوقتية (درمختار) صورته عليه العشاء والوتر مثلا لم يصل الفجر حتى بقى من الوقت ما يسع الوتر وفرض الصبح فقط ولم يسع الصلوات الثلاث فظاهر كلامهم ترجيح أنه لا تجوز صلوة الصبح ما لم يصل الوتر وصرح في المجتبى بأن الأصح جواز الوقتية عن البحر لكن قال الرحمتي الذي رأيته في المجتبى الأصح أنه لاتجوز الوقتية اهـ قلت: راجعت المجتبى فرأيت فية مثل ما عزاه إليه في البحر وكذا قال القهستاني جازت وقتية على الأصح (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶). ظفير

كما هو مفصل في كتب [۱] الفقه. فقط

طريقه درست اداء نمودن قضاء چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۵۳) هرشخصي كه نماز هاي قضائي عمري بالتريب اداء مي نمايد براي اودرميان قضاء مغرب ووتر چهار ركعت را بسه (۳) قعده دركدام حالت اداء نمودن بكار است ودرسه ركعت چرا اداء نمودن بكار نيست دربرهان الفتاوى مذكور است يصليها اربعا بثلاث قعدات لكراهة تنفل بثلاث ركعات في القنية ركن الدين انحراف يصلى المغرب والوتر آربعًا بثلاث قعدات مطلب اين عبارت چيست؟

جواب: مذهب صحيح آنست بر ذمه هر كسي كه نماز هاي قضائي باشد نماز مغرب را حسب قاعده مطابق قاعده ادا كند وهمچنان وتررا موافق قاعده سه ركعات اداء نمايد واين صورت فوق الذكر را كه از برهان الفتاوى منقول است موافق قاعده نميباشد ومتباقي مطلب عبارت فوق الذكر آنيست كه سه قعده راطوري ادا كند كه بعد از دوركعت قعده نمايد سپس از آن بعداز ركعت سوم نيز قعده كند بخاطر آنكه قعده اخير ترک نشود وبعد از آن بوجه شبه يک ركعت چهارم نفل را همارهش ضميضه كند وقعده نمايد كه بهمين طورسه قعده خواهد شد [۲] لكن صحيح آنست كه ضروري براي آن نيست وقتيكه واقعا بذمه اونماز فوت شده مغرب ووتر فوت شده باشد او را بايستي كه سه ركعت رابد وقعده اداء نمايد.

تنهاتوبه كردن نمازهاى قضاء شده معاف نميشود بلكه اداء نمودن ضرورى است: سوال:

---

(۱) ولو فاتته صلوة رتبها في القضاء كما وجبت في الأصل الخ من صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصل الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت وإذا فسدت الفريضة لا يبطل أصل الصلوة عند ابي حنيفة وابي يوسف الخ ثم العصر يفسد فسادا موقوفا حتى لو صلى ست صلوات ولم يعد الظهر إنقلب الكل جائزا الخ (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷ – ۱۳۹). ظفير

(۲) سائل كه مطلب كدام عبارت را پرسيده است آن جواب وحل صورت ذات شبهه وتوهم است مثلا كسي را در مورد قضاء يا فساد نماز وتر مغرب معلومات نيست بلكه محض شبهه است بناء در همچو حالت بكار آن بود كه آنرا ثانيا اعاده نكند ولاتعاد عند توهم الفساد للنهى ونه ضروري براي قضاء آوردن او است لكن اگر كسي بنابر شبهه همچون قضاء را بجا مي آورد كه اگر قضاء شده باشد بايد اداء گردد ورنه نفل خواهد شد پس دراين صورت طرز اداء نمودن وتر ومغرب شكل آن چنين خواهد باشد كه چهار ركعت را بسه قعده الراء نمايد زيرا نفل سه ركعت نميباشد وقعده دوم را اداء نمود براي آنكه قعيده اخير شود براي مغرب ووتر وركعت چهارم همراهش ضميمه كرد وقعده سوم را اداء كرد كه اگر درنوافل محسوب شود صحيح خواهد بود لاتعاد توهم الفساد للنهي وما نقل ان الامام قضى صلاة عمره فان صح نقول كان يصلي المغرب والوتر اربعا بثلاث قعدات الدر المختار على هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل قبيل مطلب في الصلاة الدابة: ج ۱ ص ۶۵۳. ظفير،

لاتعاد عند توهم الفساد للنهى وما نقل ان الإمام قضى صلوة عمره فان صح تقول كان يصلي المغرب والوتر اربعا بثلاث (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل قبيل مطلب في الصلوة على الدابة ج۱ ص۶۵۳، ط.س. ج۲ ص۳۷). ظفير

(۱۹۵٤) اکنون پنجاه سال عمر دارم ودونیم سال شده که حج فرضي را اداء نموده ام وقبل از اداي حج مبن پابندي واهتمام نماز را نداشتم والان از ان وقت بدینسو توبه کردم ونماز را اداء مي نمایم آیا بتوبه کردنم نماز هاي سابقه بنده معاف میشود یانه؟

جواب: بهر تعداد نماز هاي که قضاء شده است اعاده آن فرض است وطریقه اش آنست که نماز هاي یک یک روز را بالتریب اعاده نماید وچنین نیت کند که فجر سابقه را اداء مي نمایم که قبلا وقت آن را دریافت نموده بودم ومن آن را اداء نکرده ام وبهمین منوال نیت ظهر عصر مغرب الخ وغیره را باید کرد وحساب نماید که از آوان بلوغ تا به وقت توبه کردن چقدر سالها دربي نمازي سپري نموده است وبعد از احصائیه دقیق قضائي آنها را بجا آورد ودلیل برآن این قول الله پاک است: قال الله تعالی في کتابه مرة بعد اخری: اَقِیْمُوْا الصَّلَاةَ وَاٰتُوْا الزَّكَاةَ (۱) درانجا اقیموا صیغه امر است وامر تقاضاي وجوب را مي نماید فلهذا نماز فرض شد وهر چیزي که به امر فرض شود ازگردن خلاصي ورفع مسؤلیت تنها بدو طریقه است: تسلیم عین واجب یا از طرف خویش مثل واجب را حواله نمودن از ذمه خود اصل واجب را ساقط نمودن کماقالوا في حکم الواجب بالامر انه نوعان اداء وهو تسلیم عین الواجب بسببه الی مستحقه وقف اوهو اسقاط الواجب بمثله من عنده (۲) حسامي بناء بتوبه کردن واداء نمودن حج معاصي معاف میشود اما فرائض معاف نمیگردد چنانچه یک نفر حج را اداء کرد یا توبه کشید پس قرض قرض دار همانطور برذمه او واجب است قسمیکه قبلا بود بهمان طریقه کدام قرض که از حقوق الله بذمه کسي باقي مانده باشد آن نیز با اداء کزدد اداء میگردد بلکه تا آنکه علماء کرام مي نویسند که بتوبه کردن حتی اگر او بعد از آن در قضاء آوردن آنها تاخیر نمود مجددا گنهکار میباشد قال في الشامیة قال الترمذي: هو مخصوص بالمعاصی المتعلقة بحق الله تعالی لا العیاد ولایسقط الحق نفسه بل من علیه صلوٰة یسقط عن اثم تاخیرها لانفسها فلو اخرها بعده تجدد اثم اخر آه ثم قال بعد اسطر نقلاً عن البحر فلیس معنی المتکفر کما یتوهمه کثیر من الناس ان الدین یسقط عنه وکذا قضاء الصلوة والصوم والزکاة اذلم یقل احد بذلک اه: ج ۱ ص ۲۷٦ فقط.

بخاطر اداء نمودن فوائت کثیره ترک کردن تراویح نا درست است : **سوال:** (۱۹۵۵) در

(۱) سورة البقرة: ۱۳. ظفیر

(۲) حسامي ص۳٤. ظفیر

عصر موجوده چنین مردم بتعداد کثیر پیدا میشود که بر ذمه آنها بسیار زیاد نماز هاي فرضي واجب الاداء است که هیچ شکل اداء نمودن آنها متصور نمیشود آیا در رمضان المبارک بعوض تراویح آن نماز هاي فوت شده را اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: این صورت جواز ندارد تراویح را علیحده بهمین منوال واهتمام بجماعت اداء نمودن بکار است زیرا جناب رسول اکرم ﷺ بسیار زیاد تعریف آن را فرموده اند وخود ایشان نیز بر آن باعمل نمودن اسوه حسنه را جاري فرموده اند پس آن طریقه وفعل نبوی ﷺ وهمچنان طریقه صحابه کرام بهمان منوال وبهمان کیفیت وهمان نیت جاري نگهداشتن بکار است ودر شریعت غراء روشن همچنین تغیرات را درفکر وتصور آوردن بکار نیست زیرا این بسیار سخن قبیح وباسنت مصادم وعمل احداث في الدین است که درمورد آن وعید من احدث في امرنا هذا ما لیس منه فهو رد [1] کافي است اعاذنا الله تعالى من مثل هذه الوساوس الشیطانیة والهواجس النفسنانیة وبدوش هر کسي که نمازهاي قضاء باقي مانده انست او خودش مسئول وذمه وار اداء نمودن است واگر انکس خوف خدا را داشته باشد وتابع شریعت غراء باشد اوباید خودش وقتا فوقتا آن را اداء نماید باقي آنکه بخاطر رعایت فوائت مذکوره مانند همچو تراویح که سنت مؤکده است وهمچنان شعار رمضان المبارک را متغیر نمودن جواز ندارد ونباید براي آن منظور مبدل گردد و گویا که یک کار مشروع را میکنم که بطور مستقل در بسیاري احادیث بسیار اهتمام بیان آن فرموده شده است ومناقب آن نیز توضیح وبیان فرموده شده است که آن متروک ومبدل شود وهمچنین تفکر واندیشه نیز از یک انسان مسلمان مستبعد معلوم میشود [2] فقط.

در زمان اداء نمودن فوائت کثیره اگر یک نماز فوت شد در آن مورد حکم چیست؟ سوال (۱۹۵٦) وقتیکه سلسله اداء نمودن نماز هاي قضاء عمري شروع شد واتفاقا یک نماز بعد از نماز قضاء عمري قضاء شد بناء آن را درکدام سلسله اداء نماید آیا قبلا نماز وقتي را یا قضاء را اداء کند؟

حکم قرائت در نماز قضاء عمري چیست ؟ سوال : (۱۹۵۷) سائر رکعات قضاء عمری را پر

(۱) مشکوة باب الإعتصام بالسنة ص۲۷. ظفیر

(۲) التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین للرجال والنساء جمیعا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث صلوة التراویح ج۱ ص٦٥۹، ط. س. ج۲ ص٤۳). ظفیر

اداء کند یا آنکه دو رکعت پرو دو رکعت خالي اداء نماید؟

جو اب: (۱) در این مسأله ترتیب ضروري نیست اگر در زمان نماز وقتي گنجایش باشد پس هر دو نماز هاي قضاء راقبل از وقتي وبعد از آن نیز اداء کرده میتواند ودر هردو نماز قضاء شده یعني قضائي حال وقضائي عمري هر قسمیکه میخواهد قبل باشد یا بعد (۱) از آن اداء نماید.

جواب: (۲) دراین صورت دو رکعت را پر ودو رکعت را خالي اداء نمودن بکار است البته وقتیکه زیاد نماز هاي قضاء تکمیل وپوره شد ودرآینده محض شبه باقي بماند که نماز قضاء بدوش من است یا نه پس دراین صورت هر چهار رکعت را پراداء کند (۲) وبا نماز عشاء قضاء آوردن وتر نیز لازمی است فقط.

اداء نمودن فوائت ضروری است لکن ضرورت بترک نمودن نوافل نیست: سوال: (۱۹۵۸) اگر یک نفر نماز هاي ده سال را قضاء نموده باشد واکنون او توبه نموده است وپنج وقت نماز اداء مي نماید وعلاوه از فرائض وسنن نماز تهجد ووتر رانیز اداء میکند آیا بهمان طور وتر وتهجد را اداء نماید یا آن را بگذارد وآن وقت را در نماز هاي فوت شده ده سال صرف نماید؟

جواب: کدام چیزي را که او مي نماید این را نیز بکند ودر وقت فارغ قضاء فوائت را بجا آورد مثلا روزانه هموار قضائي چند نماز ها را بجا آورد واگر وقت نباشد پس درآن صورت قضاء آوردن نماز هاي فوت شده برسنن وتهجد مقدم است واین وقت را نیز بخاطر اداء ان صرف نماید (۳) لکن با انهم وتر را ترک نکند فقط.

اداء نمودن فوائت بعد از نماز های عصر وفجر درست است یانه؟ سوال: (۱۹۵۹) قضاء آوردن نماز هاي فوت شده را بعد از نماز عصر وفجر جائز است یانه؟ اگر جائز باشد در این صورت مطلب حدیث آتي چیست؟ لاصلوة بعد الفجر حتی تطلــع الشمس ولا صلوة بعد العصر

---

(۱) فلا یلزم الترتیب إذا أضاق الوقت الخ او نسیت الفائتة الخ او فاتت ست إعقادیة الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب قضاءالفوآئت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶٦). ظفیر

(۲) بخاطر آنکه درسائر رکعات نوافل قرآت است وتفرض القراءة عملا في رکعتی الفرض مطلقا الخ وکل النفل (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٤٤، ط.س. ج۲ ص۲۸) ظفیر

(۳) أی کل صلوة فاتت عن الوقت بعد وجوبها فیه یلزمه قضاءها سواء ترک عمداً او سهوا، او بسبب نوم وسواء کانت الفوائت کثیرة او قلیلة (عالمکیري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۳، ط.س. ج۱ ص۱۲۱). ظفیر

حتی تغیب الشمس؟

جواب: قضاء آوردن نماز هاي فوت شده را بعد از نماز هاي عصر وفجر جائز است وكدام نهي كه درحديث لا صلوة بعد الفجر حق تطلع الشمس ولاصلوة بعدالعصر حتى تغيب الشمس است محمول است بر نوافل (۱) في الحديث من نام عن الصلوة او نسيها فليصلها اذا ذكرها فان ذلك وقتها فان الله تعالى قال: اَقِيْمُوْا الصَّلَاةَ لِذِكْرِىْ اوكما قال ﷺ فقط.

صاحب ترتيب قبل از نماز جمعه قضاء را بجا آورد: **سوال**: (۱۹۶۰) روز جمعه يک نفر نماز فجر را قضاء نموده بود او وقتيكه بخاطر اداء نماز جمعه بمسجد جامع آمد دراين اثنا خطبه قرائت ميشد خواه آنكس صاحب ترتيب باشد يا صاحب ترتيب نباشد سپس نماز فجر را چه وقت اداء نمايد؟

جواب: براي صاحب ترتيب ضروري است كه نخست قضائي نماز فجر را اداء نمايد زيرا بغير از اداء نمودن نماز فجر نماز جمعه او صحيح نميباشد وهر كسي كه صاحب ترتيب نباشد او را خطبه سمع نمودن ضروري است واو رابكار است كه بعد از فراغت نماز جمعه نماز فجر را اداء نمايد درالدر المختار مذكور است: فلا قضاء فائتة لم يسقط الترتيب بينهما وبين الوقتية فانها لا تكره قوله لا تكره بل يجب فعلها شامي لضرورة صحة المجعة والا لا قوله والا لا اي وان سقط الترتيب لا تكره شامي (۲) فقط.

كدام طريقه مروجه قضاء عمري كه دربرخي از كتاب ها منقول است ثابت نيست:

سوال: (۱۹۶۱) ازكتاب انيس الارواح: ص ۲٤ مجلس ۱۳ فرموده است: كه حضرت علي كرم الله وجهه از نبي اكرم ﷺ روايت نموده است هر شخصي كه آنقدر نماز ها را قضاء نموده باشد كه بيادش نباشد پس درشب دوشنبه اوپنجاه ركعت نماز را اداء كندودرهر ركعت يک دفعه سورت فاتحه ويک بارسورت اخلاص را قرائت نمايد سپس اين نماز را خداي پاک ﷻ كفاره نماز هاي گذشته ميگرداند آيا اين سخن صحيح است يانه؟

جواب: پاسخ مسأله مسئوله فوق الذكر آنست كه از فقه واحاديث چنين ثابت است كه هر قدري

---

(۱) ويكره أن يتنفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس وبعد العصر حتى تغرب لما روى أنه عليه السلام نهى عن ذلک ولا باس بان يصلي في هذين الوقتين الفوائت ويسجد للتلاوة ويصلي على الجنازة لأن الكراهة كانت لحق الفرض ليصر الوقت كالمشغول به لا لمعنى الوقت فلم تظهر في حق الفرائض وفيما وجب بعينه الخ (هدايه فصل في الأوقات التى تكره فيها الصلوة ج۱ ص۸۱ – ۸۲). ظفير

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۸، ط.س. ج۲ ص۱۵۸. ظفير

نمازها را قضاء نماید پس قضائي سائرُ آنها بجا آوردن بکار است واگر نماز هاي قضاء بیادش نباشد که چقدر است پس درمورد آن حکم آنست که اندازه آن رامعلوم نماید که چقدر نماز ها بر ذمه من است ودرنتیجه بهمان مقدار قضائي آن را بجا آورد (۱) وکدام روایت را که شما از کتاب انیس الارواح نقل نمودید سند واصل آن روایت معلوم نیست ونه اینکه این روایت درکدام کتاب حدیث موجود است وآن روایت اگر ثابت نیز شود پس او محمول است بر آن که هر چند نماز هاي که بیادش باشد قضائي آنها رابجا آورد وآن عده نماز هاي که بنا برلاعلمي باقي مانده باشد بخاطر برآوردن آن عمل ذکر شده را انجام نماید فقط.

دریک وقت چقدر نمازهای قضاء را که بخواهد اداء کرده میتواند: سوال: (۱۹۶۲) اگر یک نفر نماز هاي چهار ایام (روز) را قضاء نموده باشد آیا آنها را دریک وقت اداء نموده میتواند یانه؟

جواب: قضائي چهار ایام نماز هاي فوت شده را دریک روز اداء نموده میتواند فقط.

بخاطر اداء نمودن نماز های فوت شده سنن مؤکده راترک نگوید: سوال: (۱۹۶۳) یک نفر اکثر نماز ها راقضاء نموده است اکنون اگر میخواهد آن را اداء نماید پس درسنن نیت فرائض فوت شده را کرده میتواند یانه؟

جواب: نماز هاي فوت شده را علیحده بنیت قضاء اداء نماید ودرسنن مؤکده نیت اورا نکند (۲) البته نوافل راترک مي نماید وقضائي نماز هاي فوت شده رابجا مي آورد نماز هاي فوت شده پس درآن کدام حرج نیست (۳).

درنماز های فوت شده ترتیب وقتی نیست که اوصاحب ترتیب نباشد: سوال: (۱۹۶٤) اگر نماش هاي فوت شده را بالترتیب اداء نکند آیا جواز دارد یانه؟

جواب: براي غیر صاحب ترتیب جائز است که هر نوع غیر مرتب میخواهد آن را اداء کند (٤).

---

(۱) وقضاء الفرض الخ فرض (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶) ظفیر

(۲) وسن مؤکدا اربع قبل الظهر الخ (درمختار) مؤکدا ای إستنانا مؤکدا بمعنی أنه طلب طلبا مؤکدا زیادة علی بقیة النوافل ولهذا کانت السنة المؤکدة قریبة من الواجب في لحوق الإثم کما في البحر ویستوجب تارکها التضلیل واللوم. (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في السنن والنوافل. ج۱ ص۶۳۰، ط.س. ج۲ ص۱۲). ظ

(۳) أما المستحب والمندوب فینبغي ان لایکره ترکه اصلا (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب في بیان السنة والمستحب الخ ج۱ ص۶۱۱، ط.س. ج۲ ص۶۵۳). ظفیر

(٤) فلا یلزم الترتیب إذا ضاق الوقت او نسیت الفائتة او فاتت ستة إعقادیة الخ بخروج وقت السادسة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار =

نماز عشاء فوت شده اگر بیادش باشد نماز فجر نمیشود: سوال: (۵۱۹) یک نفر نماز عشاء را ترک نمود اکنون او نماز فجر را اداء نمود ونماز عشاء که بر ذمه اش بود آن را اداء نکرد در این صورت آیا نماز فجر او درست شده است یانه؟

جواب: اگر صاحب ترتیب همینطور عمل نماید پس نماز فجر او درست نخواهد شود بناء براي او بکار است که نخست نماز عشاء را بجا آورد سپس از آن نماز فجر (۱) را اداء کند فقط البته اگر ضیق الوقت باشد وگنجایش نباشد دراین صورت تنها نماز وقتي را اداء نماید وقضاء رابتعویق اداء کند کما في الدر المختار فلا یلزم الترتیب اذا ضاق الوقت المستحب ظفیر.

دروقت مغرب قضائی ظهر وعصر را چگونه بجا آورد؟ سوال: (۱۹۶۶) اگر تنها نماز عصریا نماز ظهر وعصر هردوفوت شده باشد پس دروقت مغرب این هرسه نماز ها رابکدام طریقه اداء کند حالانکه وقت نماز مغرب بیسار تنگ است وکم میباشد اگر نماز های فوت شده راپیش ومقدم مي نمایدد پس وقت مغرب ازدست میرود چگونه ترتیب جائز است ودیگر آنکه هرگاه جائز شدآن سخن که اگر درچهار یاپنج نماز هاي قضاء ترتیب نکند پس در آن وقتیکه نماز وقت را اداء مي نماید آن نفل محسوب میشود؟

جواب: وقت نماز مغرب بنزد امام ابوحنیفة تقریبا یکنیم ساعت رادر برمیگیرد بناء قضاء ظهر وعصر را اول اداء نکند سپس از آن نماز مغرب را نیز درعین وقت اداء نماید ومسأله چنین نیز است که اگر وقت نماز وقتي تنگ باشد که علاوه از نماز وقتي گنجایش نماز قضائي باقي نباشد درآن صورت ترتیب ساقط است پس درآن حالت نماز وقتیه رامقدم نماید وقضاء بتعویق اندازد (۲).

چند نماز های فوت شده را دریک وقت اداء نمودن درست است یانه؟ سوال: (۱۹۶۷) چند نماز هاي فوت شده را دریک وقت اداء نمودن جائز است یانه؟

سوال: (۲) درنماز هاي فوت شده وتر وعشاء را دریک وقت اداء نمودن ضروري است یا آنکه

= باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶). ظفیر

(۱) الترتیب بین الفروض الخمسة والوتر اداءً وقضاءا لازم الخ فلم یجز فجر من تذکر أنه لم یوتر لوجوبه عنده الخ (ایضا ج۱ ص۶۷۹، ط.س. ج۲ ص۶۵). ظفیر

(۲) الترتیب بین الفروض الخمسة والوتر اداءا وقضاءا لازم فلم یجز فجر من تذکر انه لم یوتر إلا إذا ضاق الوقت المستحب إذا نسیت الفائتة الخ او فاتت ست إعقادیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۷۹، ط.س. ج۲ ص۶۵). ظفیر

در یک وقت نماز عشاء ودریک وقیت نماز وتر اداء کند؟.

جواب: (۱) جائز است ([۱]) دریک وقت اداء نمودن چند نماز فوت شده درست است ظفیر.

جواب: (۲) علیحده علیحده نیز قضاء آورده میتواند ودریک وقت قضاء آوردن ضروري نیست. فقط

نمازهای فوت شده ده ۱۰ یا بیست ۲۰ سال را نه اداء نماید؟ سوال: (۱۹۶۸) یک نفر به پابندي پنج وقت نماز را اداء مي نمود وبعد از آن درنماز تکاسل شروع نمود که بعض اوقات نماز را اداء مي نمود وبعضي اوقات ترک مي نمود ودرنتیجه تخمینا سائر نماز هاي فوت شده اندازه ده ۱۰ سال یا به بیست ۲۰ سال رسید اکنون طرز اداء نمودن آن نماز ها چگونه خواهد شد؟

جواب: هرگاه آنکس تا به مدتي اهتمام ترک نماز را نموده بود احیانا نماز را اداء میکرد و احیانا اداء نمیکرد پس قضاء آوردن تمام نماز هاي آن زمانه را بجا آوردن بکار است وصورت اسهل وآسان آن اینست که با هر یکي نماز فرضي وقتیه همان نماز رابنیت قضاء اداء نماید اگر نمازهاي ده ۱۰ ساله را ترک نموده باشد پس تابمدت ده ۱۰ سال با هر یک نماز یک نماز راقضاء بجا آورد ([۲]).

براي نماز قضاء آذان وتکبیر است یانه؟ سوال: (۱۹۶۹) زید نماز هاي قضاء رادرمسجد بگفتن آذان وتکبیر آهسته بدان نیت اداء مي نماید مثلا چهار رکعت نماز فرض ظهر را اداء مي نمایم بناء دراین صورت حکم گفتن آذان وتکبیر چیست؟ وایا براي نماز وتر آذان گفتن بکار است یانه؟

جواب: آن عده نماز هاي را که درمسجد تنها قضاء مي آورد براي آنها آذان واقامت مشروع نیست ([۳]) وبنیت مذکوره قضاء آورده میشود وبراي نماز وتر نیز آذان واقامت مشروع نیست

---

(۱) لأنه علیه السلام أخرها یوم الخندق (درمختار) وذلک أن المشرکین شغلوا رسول الله صلی الله علیه وسلم عن اربع صلوات یوم الخندق حتی ذهب من اللیل ما شاء الله تعالی فأمر بلالا فاذن ثم أقام فصلی الظهر ثم أقام فصلی العصر ثم أقام فصلی المغرب ثم اقام فصلی العشاء (رد المختار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۷۶، ط.س. ج۲ ص۶۲). ظفیر

(۲) ولو فاتته صلوات رتبها في القضاء (إلی قوله) لأن النبی علیه السلام شغل عن اربع صلوات یوم الخندق قضاهن مرتبا (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷). ظفیر

(۳) ویؤذن ویقیم لفائتة رافعا صوته لو بجماعة (ای في غیر المسجد) اوصحراء لا بیته منفردا ولا فیما یقضي من الفوائت في مسجد لأن فیه تشویشا وتغلیطا ویکره قضاءها فیه لأن التاخیر معصیة فلا یظهرها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الأذان ج۱ ص۳۶۲ – ۳۶۳، =

(۱). فقط

یک نفر نماز های ایا متعدد را قضاء نمود اگر او بجای سنن قضاء فرض را بجامی آورد این چگونه است؟ سوال: (۱۹۷۰) (۱) یک نفر نماز سال هاي متعدد راقضاء نموده اکنون اگر وي بجاي سنن نماز هاي قضاء را بجا مي آورد حکم آن چیست آیا نماز قضاء افضل است یاسنن وقتیه؟

نماز هر وقتیکه قضاء باشد آن را بعینه در همان وقت اداء نمودن ضروري نیست: سوال (۱۹۷۱) (۲) نماز هروقت که قضاء شد آن را درهمان وقت اداء نماید مثلا ظهر را دروقت وعشاء را دروقت ظهر اداء نموده میتواند یانه؟

جواب: (۱) سنن مونکده وقتیه را ترک نمودن بکار است واین مطلب ظاهر است که اداء نمودن نماز هاي فوت شده مهم است لکن اگر هردو عمل ممکن باشد که فوائت را نیز اداء نماید وسنن مؤکده همچنان متروک نشود بهتر خواهد بود.

درقضاء اوردن نماز های فجر مغرب وعشاء قرائت بالجهر نموده میتواند یانه؟ سوال (۱۹۷۲) درنماز قضائي فجر مغرب وعشاء قرائت بالجهر نموده میتواند؟

جواب: اگر درهمان اوقات قضائي آنها را بجامي آورد پس جهرا قرائت نموده میتواند واگر از طرف روز قضائي آنها را بجا مي آورد در این صورت جهرا قرائت نموده نمیتواند (۲).

اگر نماز سال های متعدد قضاء شود وموقع اداء نمودن آنها نباشد پس چه باید کرد؟

سوال: (۱۹۷۳) اگر نماز دو ۲ یا سه ۳ سال را قضاء نمود واکنون برایش موقع اداء نمودن آنها میسر نمیشود بناء راه خلاصي وبیرون رفت ان بکدام شکل خواهد باشد؟

جواب: دراین صورت اسهل آنست که با هرنماز قضائي آن نماز را بیاورد ونماز هاي هر چند سال که فوت شده باشد تابه همان مقدارسال ها با هریک نماز همان نماز را بجا آورد که از وي

= ط.س. ج۱ ص۳۹۰). ظفیر

(۱) وهو سنة مؤكدة للفرائض في وقتها ولو قضاء لا لغيرها كعيد (درمختار) ای وتر وجنازة الخ (رد المحتار باب الأذان ج۱ ص۳۵٦، ط.س. ج۱ ص۳۸٤). ظفیر

(۲) ويجهر الإمام في الفجر واولى العشائين اداءا وقضاءا الخ ويخير المنفرد في الجهرات إن أدى الخ ويخافت المنفرد حتما إن قضى الجهرية في وقت المخافة كأن صلى العشاء بعد طلوع الشمس على الأصح (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص٤٧٩، ط.س. ج۱ ص۵۳۲ – ۵۳۳) واضح گردید که حکم مذکور برای منفرد تحریر شده است. ظفیر

قضاء شده است بغير از قضاء آوردن هيچ صورت راه بيرون رفت نيست. فقط

بعد از فجر وعصر نماز قضاء را اداء نموده میتواند یانه؟ **سوال:** (۱۹۷٤) بعد ازنماز فجر وعصر قضاء را بجا آورده ميتواند يانه؟

جواب: ميتواند ([1]).

درآخرین جمعه رمضان رواج قضاء عمری ثابت نیست: **سوال:** (۱۹۷۵) درآخرين جمعه رمضان المبارک قضاء عمري كرده ميشود آيا جواز دارد يانه؟

جواب: درآخرين جمعه رمضان المبارک قضاء عمري را بطريقه مخصوص اداء نمودن ثابت نيست درشامي مذكور است كه بطرف امام صاحب رح اين نماز را منسوب نمودن صحيح نيست واز فخر الاسلام وقاضي خان كراهيت ان را نقل نموده است فلهذا ترک نمودن ان نماز بكار است. ([2]) فقط

نماز قضاء را بجماعت اداء نمودن چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۷٦) نماز قضاء را بجماعت اداء نمودن چگونه است؟

جواب: مسنون است ([3]) فقط والله تعالى اعلم.

کفاره نماز قضائی چیست؟ **سوال:** (۱۹۷۷) اگر ازصاحب ترتيب نما زقضاء شود كفاره ان چيست؟

جواب: كفاره اش همان است كه اين نماز را اداء كند وبراي صاحب ترتيب ترتيب ضروري است كه قبل از نماز وقتيه آن را اداء نمايد ([4]) فقط.

قضاء نماز های فوت شده: **سوال:** (۱۹۷۸) يک نفر نماز هاي سه يا چهار سال را طوري قضاء نمود كه احيانا نماز عصر را فوت مي نمود واحيانا نماز ظهر را پس اكنون طريقه اداء نمودن آن چگونه خواهد باشد؟

---

(۱) وكره نفل بعد صلوة فجر وعصر ولا يكره قضاء فائتة ولو وترا الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلوة ج۱ ص۳٤۸، ط.س. ج۱ ص۳۸٤). ظفير

(۲) وما نقل أن الإمام قضى صلوة عمر الخ (درمختار) والجواب اولا أنه لم يصح نقل ذلک عن الإمام الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٥۳، ط.س. ج۱ ص۳۸٤). ظفير

(۳) جاء في حديث ليلة الحريس وأمر بلالا فاقام الصلوة فصلى بهم الصبح فلما قضى الصلوة قال من نسى الصلوة فليصليها إذا ذكرها. رواه مسلم (مشكوة ص٦۷). ظفير

(٤) من فاتته صلوة قضاها إذا ذكرها وقدمها على فرض الوقت الخ (هدايه ج۱ ص۱۳۷). ظفير

جواب: مطابق ظن غالب قضاء آن نماز ها را بجا آورد فقط.

حکم صاحب ترتیب: سوال: (۱۹۷۹) نماز مغرب قضاء شد ونماز عشاء را اداء نمود پس اکنون بعد از اداء نمودن نماز مغرب وتر وسنت را اداء کرد یا نماز مغرب را بتعقیب اداء کرد آیا نماز عشاء اوشد یا نه؟

جواب: اگر آنکس صاحب ترتیب باشد پس نماز عشاء اش درست نشده است وبعد از اداء نمودن نماز مغرب نماز فرض عشاء را دوباره اداء کند وبعد از آن وتر وسنت را اداء نماید (۱) فقط.

کفاره نماز های قضاء: سوال: (۱۹۸۰) اگر یک نفر نماز ها را قضاء نموده باشد سپس از آن وفات شد ودرحین مقدمات موت ورثه خود را توصیه نماید که در مقابل کفاره نماز هاي قضاء شده بنده یک نسخه قرآن مجید را براي یک طالب اعطاء فرمائید آیا این جواز دارد یانه؟ وآیا سجده تلاوت کفاره دارد یانه؟

جواب: اگر متولي غني باشد واو در مورد اداء نمودن کفاره نماز وغیره وصیت فرموده باشد پس از حصه سوم مال ازکفاره نماز وغیره اش اداء گردد وبا اعطاء نمودن یک جلد قرآن مجید کفاره نماز ها وغیره نمیشود واین گفتارش لغوه میباشد (۲) وعلامه شامي فرموده است ولا رواية في سجدة التلاوة اي والصحيح آنه لايجب الخ بناء واضح گردید که سجده تلاوت کفاره ندارد. فقط

مسأله اسقاط: سوال: (۱۹۸۱) حیله اسقاط که براي میت میشود آیا شرعا ثبوت دارد یانه؟

جواب: هیچ نیست (۳) فقط

قضاء الفوائت: سوال: (۱۹۸۲) یک نفر هموار پنج یاشش نماز را قضاء نمود اکنون اگر نماز وقتیه را اداء مي نماید آیا اداء اش درست خواهد شد یانه ؟

---

(۱) ومن صلى العصر وهو ذاكر انه لم يصل الظهر فهى فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت وهى مسئلة الترتيب (هدايه قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۹). ظفير

(۲) إذا مات الرجل وعليه صلوات فائتة فاوصى بأن يعطى كفارة صلوته يعطي لكل صلوة نصف صاع من بر وللوتر نصف صاع والصوم يوم نصف صاع من ثلث ماله (عالمكيري كشوري ج۱ ص۱۲۳، ط.س. ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(۳) والواجب على الميت أن يوصي بما يفي بما عليه إن لم يضق الثلث عنه فإن اوصى بأقل وأمر بالدور وترک بقية الثلث للورثة او تبرع به لغيرهم فقد اثم بترک ما وجب عليه (رد المحتار باب قضاء الفوائت مطلب في بطلان الوصية بالختمات والتهاليل ج۱ ص۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۳). ظفير

جواب: اگر شش نماز قضاء شده باشد پس این نماز وقتیه درست خواهد شد واگر از این کم باشد در این صورت تا وقتیکه نماز فوت شده را اداء ننماید نماز وقتیه درست نخواهد شد یعني مع فساد موقوف (۱) فقط.

صاحب ترتیب کدام شخص است؟ سوال: (۱۹۸۳) صاحب ترتیب کدام کسي را گفته میشود واو چه باید کرد؟

جواب: صاحب ترتیب کسي را میگویند که بدوش اوشش نماز فوت شده نباشد وآن عده نماز ها را که قضاء نموده باشد آنها را نیز اداء کرده باشد پس او صاحب ترتیب میباشد یعني برذمه اولازم است که اگر نماز را قضاء کند آن راقبل ازنماز وقتمیه اداء نماید (۲) فقط.

قضاء فورا اداء شود: سوال: (۱۹۸٤) یک نفر چنان خوابیده باقي ماند که روز بالایش بروز نمود سپس او ازخواب بیدار شد وفورا نماز قضاء را اداء نمود وهمچنان روز دیگر نیز بالایش تکرار شد لکن درین روز نماز فجررا مع الظهر اداء نمود بناء اگر بوجه خواب درنماز تأخیر شود یا قضاء آن را فورا اداء نمودن بکار است ویا بتأخیر اداء نماید؟

جواب: وقتیکه از خواب بیدار شد اگر آن وقت مکروهه نباشد پس فورا درهمان وقت قضاء آوردن آن بکار است ودر روز دوم که درقضاء تأخیر نمود فجر رامع الظهر اداء کرد این عملش ناپسند است (۳) فقط.

قضاء عمري: سوال: (۱۹۸۵) احتیاطا قضاء عمري اداء نمودن ثابت نیست وصحیح آنست که مکروه است پس وقتیکه اصل واساس آن ثابت نباشد بناء برآن تفریعات متباقي صحیح نخواهد باشد ودرهمچو موارد بحث نمودن از کمال ونقصان بي مورد وفضول (٤) است ثبت العرش ثم نقش.

اداء نمودن قضاء عمري: سوال: (۱۹۸٦) چه میفرمایند علماء دین دراین مسأله که طریقه اداء

---

(۱) فاتته صلوات رتبها في القضاء كما وجبت في الأصل (الى قوله) إلا أن نريد الفوائت على ستة صلوات لأن الفوائت قد كثرت فتسقط الترتيب فيما بين الفوائت الخ (باب قضاء الفوائت هدايه ص۱۳۷). ظفير

(۲) ولو فاتته صلوات رتبها في القضاء كما وجبت في الأصل (الي قوله) إلا أن يزيد الفوائت على ستة صلوات لأن الفوائت قد كثرت فتسقط الترتيب الخ (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷). ظفير

(۳) من فاتته صلوات قضى إذا ذكرها وقدمها على فرض الوقت (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷). ظفير

(٤) في العتابية عن ابن نصر رحمه الله فيمن يقضي صلوات عمره من غير أن فاته شيء يريد الإحتياط فإن لأجل النقصان والكراهة فحسن وإن لم يكن لذلک لايفعل. (عالمكيري كشوري) ج۱ ص۱۲۳، ط.س. ج۱ ص۱۲۵). ظفير

نمازهاي قضاء چگونه است؟ آيا قبل فرائض پنچگانه آنها را اداء نمايد ويا بعد از آنها؟ وآنقدر اهتمام وپابندي نمودن آن که اگر جماعت قائم باشد اما تاوقتيکه قضاء عمري را اداء نکند در جماعت شامل نميشود اين چگونه است؟

جواب: هرقدر نمازها که قضاء شده باشدان را هرقسميکه ميخواهد اداء نمايد زيرا که اوصاحب ترتيب نيست خواه قبل از نماز وقتيه آن را اداء مي نمايد ويا بعد از آن ويا آنکه دريک وقت با نماز هاي پنچگانه مع الوتر روزانه اداء مي نمايد وجماعت را نگذارد بلکه قبل از جماعت اداء نمايد ويا بعد از جماعت اداء کند فقط ولايعود لزوم الترتيب بعد سقوطه بكثرتها اي الفوائت بعودالفوائت الى القلة بسبب القضاء لبعضها على المعتمد لان الساقط لايعود وكذا لايعود الترتيب بعد سقوط بباقي المسقطات السابقة من النسيان والضيق آه. درالمختار (۱).

اگر بطور شک نماز های قضاء را اداء می نماید این چه خواهد باشد؟ سوال: (۱۹۸۷)

(۱) اگر نماز چاشت را يادروقت تهجد قضاء عمري اداء مي نمايد وآنکس بطور شک قضاء عمری را بجامي اورد حالانکه برذمه اش هيچ فرض يقينا نيست بناء اين نماز تهجد يا نماز چاشت ويا نفل محسوب خواهد شد؟ واگر نماز مغرب را قضاء نموده باشد پس باداء نمودن سه رکعت نفل نقصان نخواهد باشد؟

شخصی نماز قضاء فجررا اداء نمود حالانکه بذمه اش نماز قضاء نبود حکم آن چیست؟ سوال (۱۹۸۸) بعد ازنماز عشاء چهار رکعت نماز مسنون است که دو از آن مؤکد ودو غير مؤکد است بناء اگر شخصي دو رکعت مؤکدرا اداء نمود ودو رکعت قضاء فرض فجر ودرحقيقت بذمه اش قضاء فجر نيست ايا آن چهار رکعت سنت خواهد شد اگر همانطور باشد پس بفر مائيد که اداء نمودن آن بيک سلام ضروري نيست؟

جواب: (۱) کدام اختلاف نيست ودرنماز مغرب با احتمال مذکور کراهيت نخواهد باشد في عالمگيرية ۱ ص ۱۱٦: عن ابي نصر رح فيمن يقضيى صلوات عمر من غر ان فاته شي يريد الاحتياط فان كان لاجل النقصان والكراهية فحسن وان لم يكن لذلک لايفعل والصحيح آنه يجوز الا بعد صلوة العصرو الفجر وقد فعل ذلک كثير من السلف لشبهة الفساد كذا في المضمرات. جممل الرحمٰن.

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٨٤، ط.س. ج۲ ص۱۷۰. ظفير

جواب (۲) شرط یک سلام درآن نیست بلکه دو رکعت سنت مؤکده علیحده اداء نمودن بکار است وهمچنان دورکعت غیر مؤکده نیز عیلحده اداء نمودن بکار است ودرآن صورت که بذمه اش نماز قضاء نبود دور کعت نفل خواهد شد وچهار رکعت دیگر بعد العشاء خواهد شد فقط مستناد ممافي عالمگیري ج۱ ص ۱۰۵: وصلی رکعتین وهو یظن ان اللیل باق فاذا تبین ان الفجر قد طلع الی قوله: قال المتاخرون تجزیه عن رکعتي الفجر. جمیل الرحمٰن.

نماز های قضاء شده فجر ظهر وعصررا قبل از نماز مغرب اداء نماید ویا بعد از ان؟

سوال: (۱۹۸۹) (۱) اگر شخصي نماز فجر وظهر. را قضاء نمود پس قضاء ایشان را قبل از مغرب بجا اورد ویا بعد از مغرب وچگونه نیت نماید؟

قضاء عمری ثابت است یا نه وطریقة اش چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۹۰) (۲) ترکیب قضاء عمري چه نوع است آیا بحدیث ثابت است یانه؟

جواب: (۱) سائر نماز هاي فوق را قبل از مغرب اداء نماید واگر آنقدر گنجایش نباشد دراین صورت بعد از مغرب اداء نماید غرض اینکه قضاء سائر نماز ها را درهمان روز اداء نماید ودر هریک نماز نیت همان نماز را بکند لایجوز اداء الوقتیة قبل اداء الفوائت الخ ویسقط الترتیب بضیق الوقت الخ عالمگري: ج ۱ ص ۱۱٤. جمیل الرحمٰن.

جواب: (۲) نماز قضاء عمری قسمیکه مشهور است از حدیث ثابت نیست واقعا اگر بذمه کسي نماز هاي قضائیه باشد آن راحساب نماید سپس آن را تکمیل کند کل صلوة فاتت عن الوقت بعد وجوبها فیه یلزمه قضاوها الخ فتاوی عالمگیري: ج ۱ ص ۱۱۳ جمیل الرحمٰن.

ترک نمودن نماز واز آن ممانعت ورزیدن چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۹۱) ترک نمودن نماز واز آن منع کردن چگونه است؟ وبدان نکاح میشکند یانه؟

جواب: ترک نمودن نماز گناه کبیره است بناء کسي را حکم نمودن ترک نماز واز آن ممانعت نمودن نیز گناه کبیره است فلهذا براي تارک صلاة ومانع صلاة هر دوتوبه کردن بکار است وهمچنان قضاء آوردن نماز ضروري است واما نکاحش نمیشکند بلکه توبه باید کرد وبر این عمل خویش ندامت نماید وآغاز بنماز خواندن کند. فقط والله اعلم. ومن الکبائر السحر وکتمان الشهادة من غیر عذر والا فطار فی رمضان من غیر عذر وقطع الرحم وترک الصلوة. معتمد جوهرة نیرة: ج ۳ ص ۲۹۵. جمیل الرحمٰن.

کفاره نماز های قضاء شده چیست؟ سوال: (۱۹۹۲) (۱) اگر بدبخهتانه بغیر از عذر شرعی آنقدر نمازها قضاء شده باشد که احصائیه آنها ممکن نباشد پس کفاره آنها چیست؟

کفاره نماز ها تنها صدقه است یا چیزی دیگر؟ سوال: (۱۹۹۳) (۲) اگر کفاره آن صدقه نیز میشود پس مردم نیاز مند ومحتاجا چه باید بکنند؟

کفاره نماز های قضاء شده شیخ فاني ومریض چیست؟ سوال: (۱۹۹٤) (۳) کفاره نماز هاي قضاء شده مریض یاشیخ فاني چیست؟

جواب: حامداً ومصلیا ومسلما اما بعد: جواب استفسارات فوق الذکر حسب ذیل نگاشته میشود:

جواب: (۱) نماز هاي قضاء شده را بتاخیر اداء نمودن بکار است کسي که آن عده نماز ها را بنا بر معاذیر یا بوجه غفلت قضاء نموده باشد پس هر وقتیکه بیادش شد آن را اداء باید کرد ونماز قضاء که بیادش امدان را در اداء نمودن بر فرض وقتي مقدم باید کرد وبنزد احناف (رح) میان نماز وقتي ونماز قضاء ترتیب ضروري است رسول اکرم ﷺ در روز خندق چهار نماز ها را بالترتیب اداء فرموده بودند ودیگر آنکه درحدیث شریف ارشاد است: قسمیکه شما اینجانب لا را بر نمیاز مشاهده مي نمائید همانطور شما نیز نماز را اداء کنید فلهذا بالترتیب که آنجناب ﷺ نماز هاي قضاء شده را اداء فرموده اند بهمان منوال براي مایان نیز اداء نمودن بکار است ([1]). فقط

جواب: (۲) اگر نماز فوت شده در وقتي برایش یاد شد که اگر آن را اداء نماید دراین وقت آنقدر گنجایش نیست که درآن نماز وقتي اداء شود بلکه اندیشه فوت شدن نماز وقتي محسوس میشود پس درهمچو صورت نماز وقتي را مقدم اداء نماید وبعد از ان نماز قضاء را بتأخیر اداء کند حاصل آنست که اگر دروقت وسعت وگنجایش باشد در این صورت نماز قضاء را مقدم اداء نمودن بکار است واگر گنجایش نباشد دراین صورت نماز وقتي را مقدم اداء نمودن بکار است ([2]). فقط

---

(۱) من فاتته صلوة قضاها إذا ذكرها وقدمها على فرض الوقت والأصل فيه ان التركيب بين الفوائت وفرض الوقت مستحق ولو فاتته صلوات رتبها في القضاء كما وجبت في الأصل لأن النبى صلى الله عليه وسلم شغل عن اربع صلوات يوم الخندق فقضاهن مرتبا ثم قال صلوا كما رايتموني أصلي. (هدايه باب قضاء الفوائت ج١ ص١٣٧). ظفير

(۲) ولو خاف الوقت يقدم الوقتية ثم يقضيها لأن الترتيب يسقط بضيق الوقت وكذا بالنسيان وكثرة الفوائت كيلا يؤدي إلى تقوية الوقتية =

جواب: (۳) وقتیکه نمازهاي فوت شده زياد شد در اين صورت بالترتيب اداء نمودن آنها ساقط خواهد شد ودر عين نماز هاي فوت شده نيز لحاظ ترتيب باقي نميماند وحد ازدياد نماز ها آنست که شمار نماز هاي قضاء شده بتعداد شش برسد وهرگاه وقت نماز ششم گذشت دراين صورت گفته خواهد شد که اکنون نماز هاي فوت شده زياد شده است بناء دراين صورت رعايت ترتيب باقي نخواهد ماند [1].

جواب: (٤) بذمه يک شخص از مدت طولاني نماز هاي فوت شده است وبحد کثرت رسيده است شخص مذکور در اداء نمودن نماز هاي فوت شده پرداخت که بسبب شامت اعمال بعضي نماز هاي ديگر را قضاء نمود پس اکنون چونکه نماز هاي فوت شده قبلي وبعدي زياد است فلهذا دراين صورت نخست مقدم اداء نمودن نماز وقتيه جائز است بخاطر انکه بسبب کثرت نماز هاي فوت شده در نماز هاي قضائي ترتيب باقي نمانده [2].

جواب: (٥) اگر شخصي اغاز نماز باداء نماز هاي فوت شده نمود واکنون نماز هاي فوت شده از تعداد شش کم باقي مانده پس الان مسأله رعايت ترتيب دوباره برحال خواهد شد [3].

جواب: (٦) اگر نماز هاي فوت شده آنقدر زياد شد که احصائيه آنها دشوار ميباشد دراين صورت بکار است که خوب دقيق تدبر نمايد ويک تخمين درست را بسازد مثلاً در عمر پانزده ۱۵ يا هزده ۱۸ سالگي بالغ شد وتا به مدت چهار پنج سال نماز ها را قضاء نمود واحيانا نماز را اداء مي نمود وبعضي اوقات ترک مي نمود واين مدت بنا بر تخمين درست آنکس مثلا چهار سال دربر ميگرفت فلهذا براي آن شخص موافق زعمش اداء نمودن آنقدر نماز ها بکار است اگر دردنيا قرضدار کسي بود وتعداد مقدر مفروضه برايش ياد نباشد پس آن را همچنان بنابر تخمين اداء کند تا که بذمه اش چيزي باقي نماند وبهمين منوال تفکر وتدبر نمايد که چقدر نمازها فوت شده است سپس آن را اداء فرمايد وشايان آنست قدريکه ممکن باشد درآن افزايش نمايد زيرا سائر آنها منافعه ونفعت است.

= (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۲۷). ظفير

(۱) إلا أن يزيد الفوائت على ستة صلوات لأن الفوائت قد كثرت فتسقط الترتيب فيما بين الفوائت بنفسها كما يسقط بينهما وبين الوقتية وحد الكثرة أن تصير الفوائت ستا بخروج وقت الصلوة السادسة (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۸). ظفير

(۲) ولو إجتمعت الفوائت القديمة والحديثة قيل يجوز الوقتية مع تذكر الحديثة لكثرة الخ (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۸). ظفير

(۳) ولو قضى بعض الفوائت حتى قل ما بقى فالترتيب عند البعض وهو الأظهر. (ايضا ج۱ ص۱۳۸). ظفير

جواب: (۷) کفاره نمازهاي فوت شده اداء نمودن آن نماز ها است وبحق تعالی جل جلاله بعجز وندامت توبه کردن است نه اعطاء نمودن صدقه بلي اگر غضب الهي بسبب صدقه دفع میگردد پس امید است که کدام غصه حق تعالی که است بسبب ترک نمودن نماز آنها باقي نخواهد ماند وبرآوردن حاجت شخص نیاز مند باعث توجه رحمت الهي خواهد شد ومتباقي اصل اداء نمودن نماز است که باعطاء نمودن صدقه آن ساقط نخواهد شد.

جواب: (۸) در مورد مریض همچنان بالتفصیل بیان نمودن مسائل مناسب معلوم میشود که در کدام صورت کفاره است ودرکدام صورت تخفیف ودر کدام صورت معافي است مریض اگر ایستاده شده نمیتواند پس در حالت نشسته نماز ودرکوع وسجده را اداء نماید (۱).

جواب: (۹) اگر قدرت رکوع وسجده را نداشته باشد دراین صورت رکوع وسجده را باشاره اداء کند یعني نشسته نماز را اداء نماید وبخاطر اداء رکوع اندک گردن را پایان نماید وبخاطر اداء سجده گردن را زیاد تر پایان نماید (۲).

جواب: (۱۰) شخصي بخاطر سجده نمودن چیزي را مثلا صندوق میز وغیره را درپیش روي خود نگذارد بلکه هر قدریکه اشاره نموده میتواند همان کافي است. لَایُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلاَّ وُسْعَهَا (۳). فقط

جواب: (۱۱) اگر مریض قدرت نشستن نداشته باشد دراین صورت بپشت افتیده نماز را اداء نماید که روي وپاهایش هردو بطرف قبله باشد وبخاطر اداء رکوع وسجده بگردن اشاره کند ودر اشاره سجده گردن را اندک بیشتر فرود آورد (۴).

جواب: (۱۲) اگر چنان سخت مریض بود که نماز را باشاره اداء می نمود وقدرت رکوع وسجده را نداشت که ناگهان بقدرت خداوند متعال برایش درداخل نماز قدرت رکوع وسجده کردن عارض شد پس دراین صورت بنزد جمهور از سر نو نماز را اداء نماید (۵).

---

(۱) إذا عجز المریض عن القیام صلی قاعدا ویسجد لقوله علیه السلام لعمران بن حصین صل قائما فان لم تستطع فقاعدا فأن لم تستطع فعلی الجنب تؤمی ایماءاً الخ (هدایه باب صلوة المریض ج۱ ص۱۴۴). ظفیر

(۲) ان لم تستطع الرکوع والسجود أومي ایماء الخ یعنی قاعدا (ایضا). ظفیر

(۳) وجعل سجوده أخفض من رکوعه لأنه قائم مقامها فأخذ حکمها، ولا یرفع إلی وجهه سيء الخ (ایضا). ظفیر

(۴) وإن لم یستطع القعود استلقی علی ظهره وجعل رجلیه إلی القبلة واومی بالروع والسجود الخ (ایضا). ظفیر

(۵) وإن صلی بعض صلوته بایماء ثم قدر علی الرکوع والسجود إستأنف عندهم جمیعا (هدایه باب صلوة المریض ج۱ ص۱۴۵). ظفیر

جواب: (۱۳) یک مریض بیهوش شد حتی که مدت پنج وقت نماز ها را یاکم از آن دربیهوشي سپري نمود لکن وقتیکه بهوش آمد او را مي باید که قضائي آن نماز هاي فوت شده را بجا آورد واگر از پنج وقت نماز زیاد تررا د ربیهوشی قرار داشت دراین صورت قضاء بالایش نیست (۱).

جواب: (۱٤) از تفصیلات فوق الذکر این سخن بطور احسن معلوم میشود که در شریعت نماز چقدر مرتبه عالي دارد وهمچنان چقدر تاکید برآن شده است که در حالت مریضي نیز اداء نمودن آن ضروري است فلهذا براي مایان بکار نیست که بغیر از عذر شرعی نماز را ترک نمائیم وابراز تاسف است برحال آن عده مسلمانان که درحیق وظیفه محوله اش ودرتجارت زراعت ولهو لعب وقت خود را سپري می نمایند ومانند نماز که محبوب ترین چیزي است که برآن امتیاز مسلمان از غیر مسلمان میشود واز دیاد کننده شان فضیلت است ودردنیا وآخرت یک چیزي مفید وکار آمد اورا فوت وقضاء مي نماید بناء مسلمان نباید چنین شان داشته باشد که نماز را ترک نماید.

جواب: (۱۵) شیخ فاني آن کسي را گویند که توان وقدرت گرفتن روزه را بسبب ضعیفي نداشته باشد وحکم همچو انسان آنست که روزه را ترک نماید ودر عوض آن فدیه اداء نماید (۲). فقط

جواب: (۱٦) فدیه یک یوم روزه بریک مسکین یک روز طعام خورانیدن است وبتعداد هر چند روزه را که خورده باشد درعوض آن مسکین را در وقت طعام بخوراند ومقدار آن را شریعت نصف صاع گندم ویک صاع از جو مقرر فرموده است که آنقدر غله وحبوبات را براي فقیر تادیه (۳) نماید که یک صاع تقریبا موافق سیر انگلیسي (که هشتاد توله است) که خورد کم چارک گندم میشود باید داده شود.

جواب: (۱۷) شیخ فانی که قدرت گرفتن روزه را ندارد ونماز معاف نمیشود ایستاده نماز را اداء نماید اگر قدرت قیام را نداشته باشد دراین صورت نشسته نماز را اداء کند واگر طاقت

---

(۱) ومن أغمی علیه خمس صلوة او دونها قغی وان کان اکثر من ذلک لم یقض (ایظا). ظفیر

(۲) فالشیخ الفاني الذی لا یقدر علی الصیام یفطر ویطعم لکل یرم مسکینا کما یطعم في الکفارة والعجوز مثله (عالمکیري مصري کتاب الصوم باب خامس ج۱ ص۱۹٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۲۰۷). ظفیر

(۳) یطعم لکل یوم مسکینا کما یطعم في الکفارة کذا في الهدایة الخ نصف صاع من بر اوصاع من تمر اوصاعا من شعر (عالمکیري مصري کتاب الصوم باب خامس ج۱ ص۱۹٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۲۰۷). ظفیر

نشستن را نداشته باشد باشاره (۱) نماز را اداء نماید مطابق تفصیل فوق الذکر.

جواب: (۱۸) شخص وفات شد وبذمه اش قضاء روزه فوت شده رمضان باشد ودرحین مقدمات موت ورثه خود را وصیت نموده باشد دراین صورت برورثه او لازم است که احصائیه روزه او را معلوم نمایند ومطابق تفصیل فوق الذکر فدیه آن را اداء نمایند واگر وصیت نکرده بود دراین صورت بر ورثه اداء نمودن آن لازم نیست بلي اگر از جانب خود آن را اداء کند این احسان است واز ایزد متعال جَلَّ جَلَالُهُ امید است که آن را قبول فرماید وصیت نمودن بنزد امام صاحب ما بخاطر آن معتبر است که فدیه نیز عبادت است وعبادت را باختیار واراده خود اداء نمودن بکار است اما وقتیکه وصیت نمود دراین صورت اداء آن لازمي است (۲).

جواب: (۱۹) شخصي که درحالت مرض براي ورثه خویش وصیت نمود که بدوش بنده آنقدر نماز هاي قضاء شده باقي مانده است فدیه ایشان را مشایخ کرام تسلیم نموده است. ودر این مورد نماز را مشابه روزه قبولي فرموده اند یعني آنکه حکم یک روزه را دارد: وهر مقدار فدیه که براي یک روزه است پس همان مقدار فدیه براي یک نماز نیز است یعني فدیه یک نماز نصف صاع گندم ویک صاع جو است (۳).

جواب: (۲۰) ولي ووارث را از جانب میت روزه گرفتن درست نیست (٤).

جواب: (۲۱) درعصر موجوده اکثر مسلمانان طاقتور بسبب تکلیف در روزه گرفتن ایشان خویشتن را عاجز پنداشته خود سرانه درحکم شیخ فاني خود را داخل مي نماید که این سراسر وکاملا غلط است وبنا برتعیش از تکالیف شرعیه خود را یکسو نمودن واز آن خود داري نمودن با احکام شرعي سوء ادب وگستاخي است اگر همچو انسان در حبس پادشاه وقت درآید دراین

---

(۱) سئل عن الشيخ الفاني هل تجب عليه الفدية من الصلوة كما تجب عليه عن الصوم وهو حي فقال لا (عالمكيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(۲) وإذا مات الرجل وعليه صلوات فأوصى ان تعطي كفارة صلوته يعطى لكل صلوة نصف من بر وللوتر نصف صاع ولصوم يوم نصف صاع من ثلث ماله الخ فإن لم يوص لورثة وتبرع بعض الورثة يجوز (عالمگيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(۳) إذا مات الرجل وعليه صلوات فائتة فأوصى بأن تعطى كفارة صلوته يعطى لكل صلاة نصف صاع من بر وللوتر نصف صاع (عالمكيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(٤) ولو أمر الأب ابنه ان يقضي عنه صلوة وصيام ايام لايجوز عدنا كذا في التتارخانية (عالمكيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

صورت چرا شیخ فاني باقي نمي ماند ودر آن وقت او هر چیزي را مي نماید بناء از همچو جرات نمودن براي مسلمانان خود داري نمودن بکار است.

قضاء عشاء را قبل ازنماز فجر اداء نماید: **سوال:** (۱۹۹۵) (۱) دراین ایام من درحالت مسافرت بمقام ناگپور بسر میبرم وباشندگان آن منطقه اکثرا نماز عشاء را قضائي اداء مي نمایند وآن را بعد ازصبح صادق وقبل از نماز فجر اداء مي فرمایند خواه امام درجماعت ایستاد باشد لکن با آنهم ایشان اولا نماز عشاء را اداء مي نمایند سپس در اداء نمودن نماز فجر مي پردازند اگر شخصي چنین تصور نمود که نماز فجر از من فوت خواهد شد دراین صورت وتررا حتما اداء مي نماید وبعد از آن نماز فجر را اداء میکند ونماز فرض عشاء را بعد از طلوع آفتاب اداء مي نماید نماز ظهر را قضاء مي نماید وان را در آخرین وقت نماز عصر با نماز عصر یکجا اداء مي نماید در حالیکه جماعت ایستاده میباشد بناء دراین صورت مسأله چگونه است؟

اگر نماز عشاء قضاء شد پس آن را تابه چه وقت اداء نموده میتواند؟ **سوال:** (۱۹۹۶) (۲) اگر نماز عشاء قضاء شود پس تا بکدام وقت اداء نمودن آن بکار است؟

بعد از صبح صادق: **سوال:** (۱۹۹۷) (۳) بعد از شروع شدن صبح صادق سجده تلاوت درست میشود یانه؟ وعلاوه از نماز فجر تا به طلوع آفتاب دیگر کدام یک نماز را اداء نموده میتواند یانه؟

قضاء نماز ظهر راقبل از عصر اداء نمودن بکار است یانه؟ **سوال:** (۱۹۹۸) (٤) قضاء ظهر را قبل از نماز عصر اداء نمودن بکار است یانه؟ یعني هر دونمازها اندک قبل ازنماز مغرب اداء نموده میتواند یانه؟

در جماعت مغرب اداء نمودن قضاء درست است: **سوال:** (۱۹۹۹) (٥) نماز جماعت مغرب شروع است ودران اثنا یک نفر نماز هاي فوت شده خود را اداء مي نماید خواه نماز ظهر باشد یا از عصر آیا این صحیح است یا غلط؟

قضاء دوسال راچه وقت اداء کند؟ **سوال:** (۲۰۰۰) (٦) بذمه شخصي که نماز هاي فوت شده دو ساله باشد آن شخص آین نماز ها راچه وقت وبکدام ترتیب اداء نماید؟

جواب: (۱) براي صاحب ترتیب یعني بذمه شخصي که شش یا زیاد تر از شش نماز هاي قضاء نباشد حکم آنست هر نماز یکه از او فوت شود او باید که نماز فوت شده را از نماز دیگر پیش

تر اداء کند واگر در آن اثنا نماز جما عت ایستاده باشد پس درآن جماعت شرکت نه ورزد بلکه نماز فوت شده خویش را داءکند سپس از آن نماز وقتیه را اداء فرماید مثل اگر خواب شد ویابه کدام وجه دیگر نماز عشاء از او فوت شد وصبح صادق طلوع نمود ویا جماعت فجر قائم شد پس او نخست نماز عشاء رامع الوتر اداء نماید بعد از نماز فجر را اداء کند اگر چه نماز جماعت از وي فوت میشود (۱).

جواب: (۲) تحیة الوضوء وغیره نوافل را اداء نموده نمیتواند (۲) ونماز قضاء را بجا اورده میتواند کذا في الدر المختار (۳).

جواب: (۳) سجده تلاوت را اداء نموده میتواند ونماز جنازه ونماز فوت شده را نیز درآن وقت اداء نمودن درست است کذا في الدر المختار: لایکره فائتة اوسجدة تلاوة وصلاة الجنازة (۴) الخ. فقط

جواب: (٤) نماز فوت شده ظهر راقبل از نماز عصر اداء نمودن بکار است وبعد از آن اداء نمودن عصر وقتي بکار است (۵).

جواب: (٥) براي صاحب ترتیب بکار است که او نماز هاي فوت شده ظهر یا عصر خویش را قبل از نماز مغرب اداء نماید کمامر تفصیله کذا في الدر المختار.

جواب: (٦) بذمه شخصي که نماز هاي فوت شده دوسال است براي او در اداء نمودن نماز هاي فوت شده ترتیب لازم نیست درهر وقتیکه هر چند نماز ها را اداء نموده میتواند باید که اداء کند اختیار دارد که اگربا هریکي نماز فرض وقتیه همان فرض را قضائي اداء مي نماید مثلا قبل از نماز ظهر یابعد از آن یک نماز ظهر راقضائي اداء کند واگر از آن اضافه تر گنجایش باشد پس قضاء را نیز زیاد تر اداء نماید (٦).

---

(١) من فاتته صلوة قضاها إذا ذكرها و قدمها على فرض الوقت الخ ومن صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصلي الظهر فهى فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت (هدايه باب قضاء الفوائت ج١ ص١٣٧ – ١٣٩). ظفير

(٢) ويكره أن يتنفل بعد طلوع الفجر باكثر من ركعتى الفجر (هدايه كتاب الصلوة فصل فى الأوقات المكروهة ج١ ص٨٢). ظفير

(٣) ويكره أن يتنفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس الخ ولا بأس بأن يصلي في هذين الوقتين الفوائت ويسجد للتلاوة (ايضا) ج١ ص٨١). ظفير

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلوة ج١ص٣١٢، ط.س. ج١ ص٣٧٥. ظفير

(٥) ومن صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصل الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت (باب قضاء الفوائت ج١ ص١٣٩). ظفير

(٦) إلا أن يزيد الفوائت على ستة صلوات لأن الفوائت قد كثرت فتسقط الترتيب فيما بين الفوائت بنفسها كما يسقط بينهما وبين الوقتية (هدايه باب قضاء الفوائت ج١ ص١٣٨). ظفير

قضاء فجر راقبل از آذان ظهر اداء نماید یا بعد از آن؟ **سوال:** (۲۰۰۱) (۱) اگر نماز فجر قضاء شد ودر وقت ظهر موقع میسر شد براي اداء نمودن آن بتاء آیا بگفتن آذان اداء نمودن آن نماز بکار است یا بلا آذان؟

براي نماز قضاء آذان گفته شود یانه؟ وبراي هر نماز علیحده آذان باشد یایکی کافی است؟ **سوال:** (۲۰۰۲) (۲) اگر پنج وقت نماز قضاء شد پس براي کل اوقات ضرورت به آذان دادن است یا تنها براي یک وقت؟

جواب: (۱) اگر تنها از ان شخص نماز قضاء شد پس او نماز قضائي خود را بلا اذان واقامت اداء نماید (۱).

جواب: (۲) اگر قضاء رابجماعت اداء مي نمودند در آن صورت براي نماز اول آذان واقامت گفته شود وبخاطر نماز هاي متباقي اختیار دارد خواه آذان میگوید یا نمي گوید وهرچه اقامت براي سائر آن نماز ها گفته شود (۲) فقط.

نماز هاي قضاء شده پنجاه سال واداء نمودن آنها: **سوال:** (۲۰۰۳) زید اکثر نمازها را از آغاز جواني تا به چهل سالگي قضاء نموده بود واکنون او بعد از توبه نمودن نماز گذار شده است آیا تدارک وتلا في نماز هاي فوت شده بتوبه وتضرع ممکن است ویا آنکه بعد از هر نماز بطور قضاء عمري نماز اداء نمودن بکار است؟ واگر تلافي ما فات زندگي او نشود پس آیا بامعصیت وجود توبه این بار عظیم بگردن او باقي خواهد ماند؟ زیرا درحدیث این الفاظ آمده است که التائب من الذنب کمن لاذنب له.

جواب: بدوش زید قضاء آوردن سائر نماز هاي گذشته لازمي است وچنانچه نماز هاي آینده بذمه اش فرض است بهمین منوال اداء نمودن نمازهاي فوت شده نیز بر اولازم میباشد (۳) وهرطریقه اسهل واسان تر قضاء آوردن این نماز ها را که برایش معلوم میشود آن را اختیار نماید که با هریک نماز فرض همان نماز را قضائي اداء نماید یا آنکه دو یا چهار را دریک وقت قضائي

---

(۱) ویسن أن یؤذن ویقیم للفائتة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء لا بیته منفردا (درمختار) لو بجماعة ای في غیر المسجد بقرینة ما یذکره قریبا من انه لایؤذن فیه للفائتة (رد المحتار باب الأذان ج۱ ص۳۶۳، ط.س. ج۱ ص۳۹۰) ظفیر

(۲) ایضا. ظفیر

(۳) وقضاء الفرض والواجب والسنة فرض وواجب وسنة لف ونشر مرتب وجمیع اوقات العمر وقت للقضاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶) ظفیر

اداء کند واگر درحین حیات تلافي مافات کرده نتوانست دراین صورت در حالت آخري برایش وصیت نمودن اعطاء فدیه لازمي است بخاطر آنکه ورثه اش بعد از وفاتش فدیه نماز هاي متباقي او را اداء کنند.

ومطلب حدیث: التائب من الذنب کمن لاذنب له (١) انست که بتاخیر نمودن نماز ها وبترک نمودن نماز وقتي که کدام گناه بوده آن گناه بتوبه معاف خواهد شد وثانیا این سخن واضح وروشن باید شود چنانچه توبه حقوق العباد است که آن حقوق ناگزیر باید اداء شود وحق هر کسي که بذمه اش باشد آن را برایش تادیه نماید دراین صورت توبه پذیرفته وقبول خواهد شد همچنان حقوق الله نیز است مانند نماز روزه زکوة وغیره که آنها اداء نشده است توبه.انها آنست که آنها اداء گردد فلهذا بغیر از اداء نمودن آنها اوتائب نمیشود که در حکم حدیث: التائب من الذنب کمن لا ذنب له داخل شود والله ولي التوفیق. فقط

درحالت احتلام بعداز غسل نمودن نماز را اداء نماید وبعد از اختتام وقت قضاء را اداء کند؟

سوال: (٢٠٠٤) اگر کسي را دروقت صبح صادق احتلام عارض شود آیا نماز فجر را قضا اداء کند ویا بعداز طلوع آفتاب وبعقب فارغ شدن غسل آن را اداء نماید ویا چگونه نماز را اداء کند؟

جواب: غسل کند ونماز فجر را اداء فرماید واگر وقت باقي نمانده باشد دراین صورت فرض فجر را بعد از ارتفاع آفتاب مع سنت اداء نماید (٢) فقط.

بعد از بلوغ اداء نمودن نماز های فوت شده ضروری است: **سوال:** (٢٠٠٥) روزه ونماز قضاء عمري فرض است یانه؟ یک نفر پابندي سي سال روزه ونماز را ننموده است؟

جواب: بعد ازحد بلوغ هرچند نمازها وروزه که ا زوي فوت شده است قضائي آنها را بجا آورد (٣). فقط

---

(١) مشکوة باب التوبة والإستغفار ص٢٠٦. ظفیر

(٢) ولا تقضیها إلا بطریق التبعیة لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده في الأصح لورود الخبر بقضائها في الوقت المهمل (درمختار) قوله لورود الخبر وهو ما روی انه صلی الله علیه وسلم قضاها مع الفرض غداة لیلة الحریس بعد إرتفاع الشمس کما رواه مسلم (رد المحتار باب إدراک الفریضة ج١ ص٦٧٢، ط.س. ج٢ ص٥٧). ظفیر

(٣) وقضاء الفرض الخ فرض الخ و جمیع اوقات العمر وقت للقضاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٠، ط.س. ج٢ ص٦٦). ظفیر

اگر احصائیه تعداد نماز های قضاء بیادش نباشد پس بنا برتخمین آن را اداء نماید:

سوال: (۲۰۰۶) یک نفر بوجه مریضي نمازهاي سه یا چهار ٤ سال قضاء نموده لکن احصائیه آنها بیادش نبود وبعد از آنکه صحت یاب شد نماز هاي قضاء را بجا آورد لکن تعداد آنها نیز بیادش نبود فلهذا اکنون قضائي چقدر نماز ها را اداء نمودن بکار است؟

جواب: درهمچو موارد تخمین آنها را نموده وبعد از آن قضائي نماز ها را بجا آورد.

قضاء را اداء نموده نتوانست که بمرض موت مبتلا شد پس اکنون چه باید کرد؟ سوال: (۲۰۰۷) اگر نوبت وفرصت اداء نمودن نماز قضاء میسّر نشد وبمرض موت گرفتار شد وقدرت اداء فدیه را نیز نداشته باشد بناء طریقه بري شدن از موا خذه چیست؟

جواب: اداء نمودن نماز ها فوت شده یا اعطاء نمودن فدیه نیز ممکن است موجب سقوط عذاب شود ومتباقي مبني برمشیت الله پاک ﷻ است چنانچه فرموده است وَيَغْفِرُ مَادُوْنَ ذٰلِکَ لِمَنْ يَشَاءَ فقط.

بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب اداء نمودن قضاء درست است: سوال: (۲۰۰۸) اگر شخصي بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب وهمچنان بعد از نماز عصر وقبل از غروب آفتاب قضاء را اداء مي نماید آیا جواز دارد یانه؟

جواب: جواز دارد (۱). فقط

شخصی که عصر را قضاء نمود او در وقت مغرب نخست اداء نماید یا قضاء؟ سوال: (۲۰۰۹) اگر شخصي نماز عصر را قضاء نمود ووقت مغرب داخل شده باشد پس آیا در جماعت شامل شود ویا آنکه نخست قضاء عصر را بجا آورد؟ **جواب:** اگر این شخص صاحب ترتیب باشد در این صورت نخست قضاء عصر را بجا آورد اگر چه جماعت مغرب او وي فوت میگردد (۲) فقط.

قضاء جماعت درست نیست: سوال: (۲۰۱۰) یک امام قضاء عمري را بجماعت اداء نمود آیا درمذهب امام صاحب رحمة الله علیه اي ن جائز است یانه؟

---

(۱) وکره نفل الخ بعد صلوة فجر وصلوة عصر الخ ولا یکره قضاء فائتة ولو وترا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳٤۷ – ۳٤۸، ط.س. ج۱ ص۳۷٤). ظفیر

(۲) ومن فاتته صلوة قضاها إذا ذکرها وقدمها علی فرض الوقت الخ ومن صلی العصر وهو ذاکر أنه لم یصلي الظهر فهی فاسدة إلا إذا کان في آخر الوقت (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷ – ۱۳۹). ظفیر

جواب: شرعا چنين نمودن جائز نيست وامام صاحب رح آن را جائز نمي فرمايند [١].

نماز قضاء وروزه تنها بتوبه معاف نميشود: **سوال:** (٢٠١١) ايانماز هاي فوت شده وروزه بتوبه معاف ميشود يانه؟

جواب: تنها بتوبه معاف نميشود بلكه قضاء اوردن آنها لازم است [٢] فقط.

بعد از موت كفاره نماز

كفاره نمازها بعد از موت است يا درحيات نيز است؟ **سوال:** (٢٠١٢) يک نفر مريض است و درمدت مريضى از او نمازها قضاء شده است واميد صحت اوكمتر محسوس ميشود آيا كفاره نماز او درحياتش تاديه شود ويا بعد از وفاطمت وكفاره نماز چيست ودركفاره نماز اعطاء نمودن حبوبات بهتر است يا پول نقد ويا آنكه كتاب هاي ديني خريداري شود وبمدارس ديني واسلامي توزيع گردد؟

جواب: تاديه نمودن كفاره نماز بعد از وفات بكار است ودر حال حيات حكم اعطاء نمودن كفاره نيست وكفاره يک نماز بوزن انگليسي ربع كم دوسير گندم است ودرشب وروز شش نماز را درنظر گرفتن بكار است يعني مع الوتر [٣] بناء كفاره نماز نماز هاى شد وبرايش اختيار است خواه گندم ميدهد يا پول نقد را لكن پول نقد بهتر است زيرا درآن سائر حوائج مسكين رفعه ميگردد [٤] واگر كتاب هاي ديني را خريداري نمايد وميخواهد كه آن را بدهد آنهم درست

---

(١) بنام قضاء عمري اگر كعت هاي مخصوص بهيئت خاص اداء نمودن مراد باشد در شريعت اين هيچ اصل ثبوت ندارد اگر مراد اداء نمودن مطابق تعداد نماز هاي قضائي باشد دراين صورت تعين آن ضروري است وآن را على الاعلان نيز اداء نمودن بكار نيست فقهاء كرام دراين مورد صراحت مي نمايند: ويكره قضاءها فيه لأن التأخير معصية فلا يظهرها (درمختار) لأن التأخير معصية إنما يظهر ايضا في الجماعة لا المنفرد الخ كما قدمناه عن القهستاني على أنه إذا كان التفويت لأمر عام لا يكره ذلک للجماعة ايضا لأن هذا التاخير غير معصية هذا، ويظهر من التعليل أن المكروه قضاءها مع الإطلاع عليها ولو في غير المسجد (رد المحتار باب الأذان ج١ ص٣٦٣، ط.س. ج١ ص٣٩١). ظفير

(٢) قضاء الفرض الخ فرض (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٠، ط.س. ج٢ ص٦٦). ظ

(٣) ولومات وعليها صلوات فائتة واوصى بالكفارة يعطي لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وانما يعطى من ثلث ماله الخ ولو فدى عن صلوته في مرضه لايصح بخلاف الصوم (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٥ – ٦٨٦، ط.س. ج٢ ص٧٢). ظفير

(٤) قوله نصف صاع من بر اى اومن دقيقه او سويقه او صاع تمر او ذبيب او شعير او قيمته وهى افضل عندنا لإسراعها بسد حاجة الفقر (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٦، ط.س. ج٢ ص٧٢). ظفير

است لکن درآن صورت ضروري است که کتاب هاي مذکور بالاي طلاب توزیع نماید ودر ملکیت آنها درآورند ودرمدارس قسمیکه کتاب ها وقف میباشد بهمان طریقه جائز نیست ودرآن صورت کفاره اداء نخواهد شد.

اگر از طرف بی نماز ورثه اش فدیه اداء کند بری خواهد شد یانه؟ سوال: (۲۰۱۳) زید چهل ساله بود که وفات شد ویک وقت نماز را نیز اداء نکرده بود اکنون وربه اش کفاره را اداء نمایند آیا زید بری الذمه خواهد شد یانه؟ وهمچنان از او سوال ترک نمودن فرائض خواهد شد یانه؟ ودر صورت بری شدنش آیا این جواز امرا ومالداران را دلیر وجرئتمند نخواهد ساخت یانه؟

جواب: بدون وصیت میت وبغیر از مال متروکه بذمه ورثه اداء نمودن کفاره واجب نیست واگر تبرعا ایشان کفاره نماز هاي او را تأدیه مي نمایند صحیح وپسندیده است وشاید که الله پاک آن را سبب در گذري گناهان او فرمایند وهر شخصي که بسن چهل سالگي وفات نمود بذمه او تقریبا فدیه بیست پنج سال لازم است زیرا درسن پانزده سالگي بالغ محسوب میشود بهر حال درحال حاضر لا اعطاء نمودن فدیه ورثه پسندیده است درآن کدام حرج نیست با آنهم درآن مورد یقینی نیست که متوفی بری الذمه خواهد شد لکن امید برائت است واداء نمودن آن فدیه بترک نمودن نماز دلیر وجرأت مند کرده نمیتواند زیرا براي تارک نماز نخست یقین حاصل نیست که ورثه اش فدیه او را اداء مي نماید یانه ودیگر آنکه در صورت عدم وصیت نمودن همچنان درصورت عدم ترک نمودن مال بتبرع وارثان واز طرف خویشتن بتأدیه نمودن فدیه بری الذمه بودن میت متیقن نیست بهر حال ترک نمودن فرض گناه بزرگ است واز آن پرسش بعمل حتما شدني است خوه فدیه را اداء نموده یا نموده ومتباقي عفوه وبخشش باختیار الله پاک است [1] وَيَغْفِرُ مَادُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ. فقط

کفاره بی نمازی چه وقت ضروری میشود؟ سوال: (۲۰۱٤) زید در حال بي نمازي وسود خواري وفات شد وبعد از وفاتش بعضي علماء کفاره شش ماه او را تخمینا بر آورد نمودند برخي آن را درتصرف خود آورد وبرخي آن را بر مسکینان وفقیران توزیع فرمودند بناء بر آورد نمودن

---

(۱) ولومات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة ویعطی لکل صلوة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وإنما یعطی من ثلث ماله (درمختار) ای یعطي عنه ولیه الخ إن اوصي وإلا فلا یلزم الولی ذلک الخ أما إذا لم یوص فتطوع بها الوارث فقد قال محمد في الزیادات أنه یجزیه ان شاء الله تعالی فعلق الإجزاء بالمشیة لعدم النص (ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب في اسقاط الصلوة عن المیت ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفیر الدین

همچو کفاره جائز است یانه؟

جواب: اداء نمودن فدیه نماز وروزه بغیر از وصیت میت وبدون مال متروکه بر ورثه لازم نیست اگر ایشان فدیه را میدهند این تبرع است احتمال دارد که فدیه اداء گردد لکن درآن مورد حکم قطعي شده نمیتواند قال في الدر المختار: ولومات وعليه صلوات فائة واوصى بالكفارة يعطي لكل صلواة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وانما يعطى من ثلث ماله الخ والشامي زاد في الامداد: ولم يوص بشي واراد الولى التبرع الخ واشار بالتبرع الى ان ذلك ليس بواجب على الولى فقط.(۱)

اگر متوفی در مورد فدیه نماز های فوت شده وصیت نماید پس ان را ازثلث مال اداء باید کرد: سوال: (۲۰۱۵) زید وفات شد اما وصیت نمود که فدیه نماز هاي فوت شده بنده را اداء نمائید چنانچه دراکثر مناطق پنجاب مردم با جنازه غله وغیره را مي برند بناء آیا این درست است یانه؟

جواب: اگر زید یک مقدار مال را نیز ترک نموده باشد ووصیت نیز نموده باشد که فدیه نماز هاي بنده را اداء نمائید دراین صورت اداء نمودن فدیه بر ورثه زید لازم است وتابه ثلث حصه سوم مال وصیت نافذ العمل است در الدر المختار مذکور است: ولو مات وعليه صلوات فائتة واوصى بالكفارة يعطي لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وانما يعطى همن ثُلث ماله (۲) الخ.

وصیت در مورد روزه ونماز واداء نمودن آن: سوال: (۲۰۱۶) زوجه یک نفر بعد از سپري نمردن شش ماه مریضي وفات شد واز آن زن درآن مدت مریضي ده ۱۰ یا دواز ده ۱۲ روز نماز ها قضاء شده است وروزه یکماه رمضان المبارک نیز ودروقت مقدمات مرگ بشوهرش گفت که من آنقدر نماز ها وروزه یک ماه رمضان المبارک را قضاء نموده ام فلهذا عوض آن را اعطاء کن بناء دربدل نماز ها چه چیز تادیه شود آیا بمسکینان طعام خورانده شود یا پول نقد براي ایشان اعطاء گردد ودر عوض روزه همچنان چه چیز تادیه نمودن بکار است وآیا شوهرش از طرف او روزه گرفته میتواند؟

---

(۱) ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب إسقاط الصلوة عن الميت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۲. ظ

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط. س. ج۲ ص۷۲. ظفير

جواب: فدیه نمازها وروزه خواه نقد داده شود یا غله وغیره داده شود هردو درست است. وفدیه یک نماز بوزن انگلیسی که هشتاد ۸۰ توله میباشد خورد کم یک چارک گندم میشود یاقیمت آن داده شود وهمچنان فدیه یک روزه نیز بهمین منوال داده میشود پس احصائیه سائر نماز ها را مع الوتر بگیرد وحساب سي روزه را نیز بگیرد که یک شبانه روز شش نماز میشود پس فدیه نماز هاي سي ۳۰ روز ده ۱۰ خورد کم ده ونیم (چارک یاقیمت آن میشود وآن را بر مسکینان توزیع نماید وفدیه سي روز روزه یک من ودوازده ونیم چارک گندم یاقیمت آن شد وروزه گرفتن از طرف کسی معتبر نیست بلکه تنها فدیه دادن بکار است [1] فقط.

اگر در صورت وصیت ورثه کفاره نمازها راندهند دراین مورد چیست؟ سوال: (۲۰۱۷) زید وفات شد ورثه زید بعد از وفات او یک وصیت نامه تحریر شده زید را دریافت نمودند زید در وصیت نامه نوشته بود که نماز هاي قضاء شده چند سال وتقریبا قضاء روزه دوماه بر من واجب الاداء است که بعد از وفات بنده از مال متروکه وجائیداد من فدیه آنها اداء گردد بناء آیا بذمه ورثه زید شرعا وصیت مذکوره واجب الاداء است یانه؟ اگر واجب باشد پس فدیه یک نماز چقدر واجب است وهمچنان فدیه روزه یک روز چقدر میباشد؟ واگر ورثه زید با وجود جائیداد متروکه فدیه اورا اداء نکند آیا عند الله ایشان گنهکار خواهد باشند یانه؟ وهمچنان زید از مواخذه بری الذمه خواهد باشد یانه؟

اگر احصائیه نماز های فوت شده روشن نباشد دراین صورت بنا بر تخمین نمودن فدیه را اداء نماید: سوال: (۲۰۱۸) زید متوفی مذکور در مورد نماز هاي فوت شده خویش در وصیت نامه نگاشته است که نماز هاي فوت شده شش ساله بر ذمه من واجب است که درآن جمله نماز هاي قضاء شد ہ سه ۳ سال ونه ۹ ماه را بجا آورده ام واز ۱ ذیقعده ہ سنه ۱۳۳۴ روزانه متواتر قضائي یک روز راشروع نموده ام وعلاوه از آن تحریر دیگر کدام تحریري یافته نمیشود که تا بکدام اندازه قضاء را بجا آورده است ممکن است که متباقي سائر نماز ها را اداء نموده باشد واحتمال دیگر نیز است که علاوه از یک نماز قضائي نماز دیگر را بجانه آورده باشد دراین صورت شرعا از ترکه متوفی فدیه اداء شود یانه؟ اگر دراین صورت فدیه وغیره واجب

---

(۱) ولومات وعليه صلوات فائتة واوصى بالكفارة يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵، ط.س. ج۲ ص۷۲. ظفير

نباشد ویک مقدار رقم در فدیه اداء کرده شده باشد آیا ثواب آن خوا هد رسید؟ وبخاطر معصیات متباقي کفاره خواهد باشد یانه؟

علماوه ازگندم دیگر غله جات یاقیمت آن در فدیه اداء نمودن نیز درست است: سوال:

(۲۰۱۹) اگر در فدیه گندم نداد بلکه قیمت یا غله وحبوبات را براي مستحقین تادیه نمود آیا این فدیه اداء خواهد شد یانه؟ وعلاوه ازگندم از متباقي غله جات چه مقدار اداء کرده شود وزیاد تر مستحق فدیه چه نوع مردم اند اگر رقم ومبلغ فدیه بمدارس ا سلامي براي طالب ان گسیل شود پس متباقي اخراجات وپول فیس در فدیه محسوب خواهد شد یانه؟

جواب: (۱) بذمه هر کسي که روزه ونماز واجب الاداء باشد واو غني وثروتمند باشد دراین صورت براي او در حین مقدمات موت وصیت نودن واجب است ودر صورت وصیت نمودن و گذاشتن مال بذمه ورثه میت نافذ نمودن ان وصیت از حصه سوم وثلث مال میت واجب است درشامي مذکور است: یعطي عنه ولیه اي من له ولایة التصرف في ماله بوصایة اووائة فیلزم ذلک من الثلث ان اوصی والا فلا یلزم الوصي (۱) ذلک وفدیه یک نماز بمقدار صدقه فطر است یعني نصف ساع ازگندم یا یک صاع از جو ویاقیمت آن وبهمین مقدار از یک روزه نیز میباشد لکن در نماز حساب شش نماز شبانه روز را در نظر داشتن بکار است زیرا وتر واجب در حکم فرض است ودر صورت وصیت نمودن میت وگذاشتن مال اگر وصیت او را ازثلث مالی حصه سوم مال تکمیل ونافذ نکنند ایشان همه گنهکار میباشند ومیت همچنان از مواخذه اخروی بری الذمه نخواهد شد تا که الله پاک بفضل خود او را معاف ننماید (۲).

جواب: (۲) بنا بر احتمال قوي هر مقدار نماز ها وروزه که بذمه میت باشد بهمان مقدرا فدیه از ثلث مال متروکه اداء نموده شود ودر آن تحریر ذکر وصیت نیست که بر آن حکم وجوب فدیه کرده شود واز آن توضیحات اندازه نماز ها معلوم خواهد شد که او چقدر قضائي نماز ها را بجا آورده است وچقدر بذمه اش باقي مانده است یعني از تاریخ وفاتش حساب شده میتواند لکن احتیاط در آن است که ازکدام تاریخ که نماز هاي قضاء را شروع نموده است از همان تاریخ

---

(۱) ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب إسقاط الصلوة عن المیت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۲. ظ

(۲) ولومات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطی لکل صلوة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وإنما یعطی من ثلث ماله (درمختار) ای یعطی عنه ولیه ای من له ولایة التصرف في ماله بوصایة او وراثة فیلزمه ذلک من الثلث إن اوصی (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵، ط. س. ج۲ ص۷۲). ظفیر

حساب نماز ها گرفته شود تا به وقت وفاتش اولا فدیه روزه ونماز وصیت شده ادا شود واگر در فدیه زیادت وافزایش شود ثواب نیز بمیت میرسد وباعث کفاره گناهانش خواهد شد قال الله تعالی: ان انّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَات.

جواب: (۳) درفدیه طعام خوراندن غله وغیره آن چیز هاي که غیر منصوص علیه است مانند جواري وغیره از آنها آنقدر اداء نمودن بکار است که قیمت آن معادل نصف صاع گندم ومساوي قیمت یک صاع جو یکسان باشد وبوزن انگلیسي وزن صاع سه سیر وشش چیتاکي میباشد که نصف چیتاکي کم پاوکم دو سیر شد [۱] ومصرف اش همان است قسمیکه مصرف زکاة وصدقه فطر است [۲] وزیاد تر مستّحق اش آن عده مردم است که زیاد نیاز مند ومحتاج باشند مانند قرضدار وغیره وبمدارس براي طالبان ارسال شود آن هم مصرف پسندیده است لکن پول مصارف فیس در آن حساب نمیشود فقط.

رقم کفاره را در مسجد یا چاه مصرف نمودن درست نیست کفاره نماز در حال حیات نیست: **سوال:** (۲۰۲۰) یک دختر شدید مریض است ورثه دختر بدان فکر اند که کفاره نماز اش را در حال حیاتش داداه شود زیرا صحت مند شدن او ناممکن است ویا قیمت آن را درمکه بدهد ویا لباس وغیره را براي مساکین بسازند یا اگر کسي بحج میرود برایش بطور امانت بدهد که در آنجا آن را براي فقراء بدهد یا آن را دریک مسجد ویا چاه مسجد مصرف نماید؟

جواب: فدیه وکفاره نمازها وروزه مریض بعد از وفات داده میشود زیرا در حال حیات حتی المقدور حکم اداء نمودن نماز است اگر چه بالاشاره وغیره اداء شود حاصل آنکه کفاره نماز وروزه را بعد از وفات دادن بکار اس بشرطیکه میّت وصیت نماید بناء بعد از وفات هرچند نماز ها وروزه که بذمه اش باشد کفاره طوري اداء کند که در عوض هر نماز پاوکم دوسیر گندم بوزن انگلیسي یا قیمت آن را براي مسکینان بدهد وهمچنان کفاره یک روزه نیز بهمین مقدار اداء گردد بناء این قیمت را خواه بمساکین ویتیمان وبیوه گان توزیع مي نماید ویا بطالبان مدارس

---

(۱) یعطی لکل صلوة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم (درمختار) قوله نصف صاع من بر الخ ای او من دقیقه او سویقه او صاع تمر او زبیب او شعیر او قیمته وهی افضل عندنا لإسراعها بسد حاجة الفقیر (رد المحتار باب قضاء الفوائت المطلب في اسقاط الصلوة عن المیت ج۱ ص۶۸۵، ط. س. ج۲ ص۷۲). ظفیر

(۲) ای مصرف الزکوة والعشر (درمختار) وهو مصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذلک من الصدقات الواجبة کما في القهستاني (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۷۹، ط.س. ج۲ ص۳۳۹). ظفیر

[1] توزیع مي نماید ویا بپول مذکور ملبوسات خریداری مي نماید وبفقیران تقسیم مي کند فلهذا سائر مراجع فوق الذکر جائز است وآن هم درست است که براي یک شخصی که رونده حج باشد برایش داده شود که بمساکین مدینه منوره یا بمسکینان مکه مکرمه تقسیم نماید لکن بهتر آنست که براي مسکینان همشهریان خویش آن را اعطاء نماید درمسجد یا چاه مصرف نمودن آن درست نیست. فقط

حیثیت شرعی حیله اسقاط چیست؟ سوال: (۲۰۲۱) (۱) سه نوع حیله اسقاط را که درکتاب هاي معتبر فقه مرقوم نموده اند که سائر نماز فرائض واجبات وغیره قضاء شده راحساب نماید ودر فدیه آنها که کدام مقدار گندم مقرر شد سپس از آن یکمقدار گندم را بیاورد ویا قیمت گندم مقرره را مقرر نماید وبعد از آن یک چیزي ذي قیمت را وارث براي فقیر بدهد وبعد از آن فقیر براي وارث مسترد کند سپس از آن وارث بفقیر تادیه نماید وبهمین طرح تکرار نماید تا که قیمت فدیه گندم مقرره کامل شود دراین صورت اداء خواهد شد یانه؟

قرآن مجید درفدیه اعطاء نمودن چگونه است؟ سوال: (۲۰۲۲) (۲) وارث میت قیمت قرآن مجید را دراین فدیه معادل کدام مقرره تهیه نماید وبر یک ملا یا فقیر آن را بفروشد وقیمت آن را بالای او دین نماید واین دین را درعوض این فدیه مقرره میت براي مشتري ببخشد؟

قیمت قرآن: سوال: (۲۰۲۳) (۳) وارث میت قیمت قرآن مجید را در فدیه میت طبق گندم مقرره تهیه نماید وبراي یک ملایا فقیر قرآن مجید را یکبار در عوض فدیه میت برایش ببخشد بناءِآیا این صورت هاي سه گانه درست است یانه؟

جواب: (۱- ۲- ۳) در این مورد که فقهاء کرام کدام حیله را تدوین نموده اند آن را درصورت ناداری وافلاس محض بطریقه تبرع فقهاء کرام نگاشته بودند که اگر در حین ضرورت همچو کرده شود پس امید است فرائضي که بذمه میت است اداء شود لکن درآن حیله ها که دیگر کدام مفاسد نهفته است که ورثه با وجود داشتن استطاعت نمیخواهند که فدیه را کاملا اداء

---

(۱) ولومات وعليه صلوات فائتة واوصى يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله (درمختار) قوله عليه صلوات فائتة اى بأن كان يقدر على ادائها ولو بالإيماء فيلزمه الإيصاء وإلا فلا يلزمه وإن قلت (ردالمحتار) باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة عن الميت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفیر

نمایند بلکه حیله جویی مي نمایند وعلاوه از آن مفاسد باقي مفاسد شرعیه نیز در آن حیله ها نهفته وموجود است که بسبب آن از همچو حیله ها ممانعت کرده میشود [1] فقط.

بعد از ایصاء نمودن فدیه نماز ها از حصه سوم ترکه ضروری است: سوال: (٢٠٢٤) والده مرحومه بنده بوقت وفات برایم فرموده بود که فدیه نماز های مرا از زیورات من اداء نمائید آیا از آن فدیه خاص مراد است یاهر قدر یکه ممکن باشد اگر فدیه مراد باشد درآن تعین مقدار آن دشوار است زیرا کدام نماز هاي که اداء نشده است احصائیه وشمار آن هیچ بدسترس نیست یا این وصیت پنداشته شود ویک ثلث آن داده شود ومصرف آن چگونه است آیا در فروش مسجد وسایبان وغیره آن را مصرف نموده میتواند یانه؟

جواب: اگر متوفیه مرحومه چیزي مال گذاشته باشد پس مطابق وصیت او فدیه نماز هاي فوت شده را از ثلث ترکه اداء نمودن ضروري است واندازه فوائت وبتحقیق هر چند نماز هاي فوت شده تخمینا معلوم شود فدیه آن را بدهد ودر فدیه یک نماز خورد کم یک چاریک گندم ویا قیمت آن را بدهد ومرجع مصارف ان فقراء اند مانند زکاة وصدقات واجبه [2] ودر اعمار مسجد ودیگر ضروریات آن وغیره که تملیک فقیر نباشد اعطاء نمودن فدیه مذکور درست نیست [3] فقط.

فدیه روزه مرض الوفات نیست بلکه تنها از نماز ها است: سوال: (٢٠٢٥) یک زن وفات شد نماز وروزه سه سال را قضاء نموده بود که در مورد نماز هاي قضاء شده او قبلا شوهر خود را مطلع نموده بود که در بدل فدیۀ نماز وروزۀ من غله اعطاء کن مرحومه چیزي از زیورات وغیره نیز نداشت که آن را ترکه نموده باشد وهر چند زیورات که همراهش بود شوهرش درآن

---

(١) ولو لم يترک مالا يستقرض وارثه نصف صاع مثلا ويدفعه لفقير ثم يدفعه الفقير للوارث ثم ولم حتى يتم (درمختار) لم يترک مالا أى اصلا او كان ما اوصى به لا يفي، زاد في الامداد او لم يوص بشيئ واراد الولى التبرع الخ واشار بالتبرع أن ذلک ليس بواجب على الولى ونص عليه في تبيين المحارم فقال لايجب على الولى فعلى الدوران اوصى به الميت لأنها وصية بالتبرع والواجب على الميت ان يوصي بما يفي بما عليه إن لم يضيق الثلث عنه فإن اوصى بأقل و امر بالدور وترک بقية الثلث للورثة او تبرع به لغيرهم فقد اثم بترک ما وجب عليه الخ (رد المحتار باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة عن الميت ج١ ص٦٨٦ - ٦٨٧، ط.س. ج٢ ص٧٣). ظفير

(٢) ولو مات وعليه صلوات فائتة واوصى بالكفارة يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٥، ط.س. ج٢ ص٧٢). ظفير

(٣) لا يصرف إلى بناء نحو مسجد و لا إلى كفن ميت (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص٨٥، ط.س. ج٢ ص٣٤٤). ظفير

مورد ابراز نظر میکند که من آن را در مدت مریضي اش بخاطر تداوي او مصرف نموده ام فلهذا فديهٔ روزه ونماز هاي او را تأديه نكرد آيا والدين مرحومه مستحق اداء نمودن فديه هستند يا شوهرش ذمه وار است؟

جواب: در این صورت که از متوفیه کدام روزه در مدت مریضی فوت شده است واو درهمان مریضي وفات یافته است ودر میان از صحت باب نشده است بناء قضائي آن روزه ها بدوش او لازمي نشد وتاگزیر فدیه آن نیز ساقط گردید واما قضاء نماز ها بلا شک بر او لازم شده است.

و درصورت اداء شدن فدیه لازم شده است لکن متوفیه وقتیکه چیزي ترکه را نگذاشته است فلهذا اداء نمودن فدیه نماز ها بذمهٔ ورثه لازم نیست البته اگر والدین مرحومه وغیر هما تبرعا فدیه او را بدهد پس این پسندیده است وامید است که قبول شود [1] فقط.

بلا وصیت فدیه بذمهٔ هیچ یک از ورثه لازم نیست: سوال: (٢٠٢٦) خانمي که وفات شده است شوهر پسر ووالدین اش موجود است بناء در آن جمله کدام کس در تأدیه نمودن فدیه از مال وي افضل است بخاطر آنکه براي شوهرش جریان حال قضاء شدن روزه ونماز معلوم است؟

جواب: هر کسي که آن را اداء نماید پسندیده است وبلا وصیت متوفیه بذمهٔ هیچ کس واجب نیست [2] فقط.

الباب الحادی عشر فی سجود السهو

مسائل سجده سهوه

بتکرار قرائت سجده سهوه لازم نمیگردد: سوال: (٢٠٢٧) امام در رکعت اول نماز جمعه سورت الدهر راشروع نمود وقتیکه نصف سورت را قرائت نمود ودرآن اثنا از پیش رفتن حصر شد امام براي دفعه دوم وسوم از سر نو اعاده قرائت را کرد که درنتیجه تکمیل شد بناء در همچو صورت نماز جمعه بغیر از سجده سهوه درست است یانه؟

---

(١) ولو لم یترک مالا یستقرض وارثه نصف صاع مثلا ویدفعه لفقیر ثم یدفعه الفقیر للوارث ثم وثم حتی یتم (درمختار) قوله لو لم یترک مالا الخ ای اصلا او ما اوصی به لا یفي، زاد في الإمداد اولم یوص بشيئ و اراد ولی التبرع الخ واشار بالتبرع إلی أن ذلک لیس بواجب علی الولي، ونص علیه في تبیین المحارم لا یجب علی الولی فعل الدور الخ (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٦، ط. س. ج٢ ص٧٣). ظفیر الدین

(٢) ایضا. ظفیر غفر له

جواب: دراین صورت مسئله نماز درست شده است وسجده سهوه لازم نمیشود [۱] كذا في كتب الفقه.

درسنت ظهر اگر قعده اولی را فراموش نماید وسجده سهوه کرد آیا نماز خواهد شد:

سوال: (۲۰۲۸) اگر در چهار رکعت سنت ظهر قعده اولی را فراموش نمود ایا بادا نمودن سجده سهوه نماز درست خواهد شد یانه؟ واگر بر دو رکعت سنت مؤکده درود شریف را قرائت نمود آیا سجده سهوه اداء نمودن بکار است یانه؟

جواب: با اداء نمودن سجده سهوه نماز درست شده است [۲] وبقرائت نمودن درود شریف، در قعده وسطاني سجده سهوه لازم میشود [۳] فقط

بفراموشي یک سورت را شروع نمود سپس سورت دیگر را قرائت نمود از آن سجده سهوه لازم نمیشود: **سوال:** (۲۰۲۹) امام درآخرین دو رکعت تراویح در رکعت اول بعد از سورت فاتحه وبعد از قرائت نمودن (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) فورا در (تَبَّتْ يَدَا) تراویح نمود که یک مقتدي بطور رهنمائي وآموزش (قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) كامل سورت را قرائت فرمود ودر رکعت دوم نیز آن را تکمیل نمود اما سجده سهوه نکرد فلهذا ایا دران صورت نماز صحیح خواهد شد ویا انکه این نماز را ثانیا اعاده نماید وآیا سجده سهوه ضروري است یانه؟

جواب: در این صورت نماز درست است وسجده سهوه واجب نمیشود. كذا في الدر المختار [۴] فقط.

بتأخیر واجب سجده سهوه: **سوال:** (۲۰۳۰) در تأخیر واجب وسجده سهوه آن اختلاف است شرعا حکم چیست؟

---

(۱) ويكره أن يفتح من ساعته كما يكره للإمام أن يلجئه إليه بل ينتقل إلى آية اخرى لا يلزم من وصلها ما يفسد الصلوة او إلى سورة اخرى او يركع إذا قرأ قدر الفرض كما جزم به الزيلعي وغيره وفي رواية قدر المستحب كما رجحه الكمال الخ (ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة ج۱ ص۱۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) ولو ترك القعود الأول في النفل سهوا سجد ولم تفسد استحسانا لأنه كما شرع ركعتين شرع اربعا ايضا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۱، ط.س. ج۲ ص۸۸). ظفير

(۳) ولا يزيد في الفرض على التشهد والقعدة الأولى إجماعا ان زاد عامدا كره فتجب الإعادة او ساهيا وجب عليه سجود السهو (درمختار) قوله لا يزيد في الفرض اى وما الحق به كالوتر والسنن الرواتب (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۷۶، ط.س. ج۱ ص۵۱۰). ظفير

(۴) وفي القنية قرأ في الأول الكافرون وفي الثانية الم تر وتبت ثم ذكر يتم وقيل يقطع ويبدأ (درمختار) أفاد أن التنكيس او الفصل بالقصيرة إنما يكره إذا كان عن قصد فلو سهوا فلا كما في شرح المنية و إذا إنتفت الكراهة فإعراضه عن التي شرع فيها لا ينبغي (رد المحتارفصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۷). ظفير

جواب: اصلا سجده سهوه بترک واجب لازم میگردد لکن چونکه درتأخیر واجب نیز ترک واجب لازم میشود پس ناگزیر بتأخیر واجب نیز سجده سهوه لازم میگردد [(١)] فقط.

در رکعت های آخری بضم سورت سجده سهوه لاز نمیگردد: سوال: (٢٠٣١) در دو رکعت آخري فرائض اگر کسي ضم سورت نماید پس بنابر تأخیر سجده سهوه واجب خواهد شد یانه؟

جواب: درآخرین دورکعت بضم نمودن سورت سجده سهوه لازم نمیگردد [(٢)] درالدر المختار مذکور است: ولو زاد لاباس به الخ وفی الشامي فکان الضم خلاف الاولی [(٣)] فقط.

اگر در رکعت اول تنها یک سجده نموده ومتصل ایستاده شد بناء چه باید کرد؟ سوال: (٢٠٣٢) در رکعت اول اگر کسي یک سجده را اداء نموده ایستاده شد پس چه باید کرد؟ واپس رجوع نموده سجده ذیگر را اداء کند ویا آنکه در رکعت دوم سه سجدات را اداء نماید وآیا سجده سهوه را نیز اداء کند یانه؟

جواب: هر وقتیکه بیادش آمد که من یک سجده را اداء نمودم پس در همان وقت سجده دوم را نیز اداء کند ودرآخر سجده سهوه بکند [(٤)] فقط.

بنابر شبهه شکستاندن نماز: سوال: (٢٠٣٣) (١) زید بعد از قیام طویل سلام گشتاند واز سرنو نماز را شروع نمود آیا این فعل زید جائز است یانه؟ ومرتکب کدام نوع گناه نشده است؟

اگر درهر رکعت واجب ترک شود درآخر سجده سهوه لازم میشود: سوال: (٢٠٣٤) (٢) آیا این ضروري است که درنماز چهار رکعتي درهر رکعت در صورت پیدا شدن شبهۀ ترک واجب درآخرین رکعت ها سجده سهوه بکند و یا آنکه هر گاه شبهه عارض شود نماز را ترک

---

(١) و لا یجب السجود إلا بترک واجب او تاخیر رکن الخ وفي الحقیقة وجوبه بشيء واحد وهو ترک الواجب کذا في الکافي (عالمکیري مصري باب سجود السهو ج١ ص١١٨). ظفیر

(٢) وضم اقصر سورة الخ في الأولیین من الفرض وهل یکره في الأخریین المختار لا، (درمختار) أی لایکره تحریما بل تنزیها لأنه خلاف السنة قال في المنیة وشرحها بان ضم السورة أی الفاتحة ساهیا یجب علیه سجدة السهو في قول ابي یوسف لتاخیر الرکوع من محله وفي ظاهر الروایة لایجب الخ لأن القراءة فیهما مشروعة من غیر تقدیر والإقتصار علی الفاتحة مسنون لا واجب اهـ الخ فلا ینافي کونه خلاف الأولی کما أفاد في الحلیة (رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج١ ص٤٢٧، ط.س. ج١ ص٤٩٥). ظفیر

(٣) ایضا. ظفیر

(٤) ولا یجب السهو إلا بترک واجب و تأخیره او تأخیر رکن او تقدیمه اهـ (عالمکیري مصري باب سجود السهو ج١ ص١١٨، ط. ماجدیة ج١ ص١٢٦). ظفیر

نماید واز سرنو نماز اداء کند؟

جواب: (١) هیچ گناهي انجام شده است [١] فقط.

جواب: (٢) شک وشبهه اعتبار ندارد: لان اليقين لايزول بالشک لکن اگر بنابر ظن غالب وگمان راجح درچهار رکعت دریکي از آنها ترک یک واجب معلوم شود پس درآخر نماز سجده سهوه اداء نمودن لازمي است [٢] فقط.

در قعده آخير بدو دفعه خواندن التحيات سجده سهوه لازم نميشود: سوال: (٢٠٣٥) در قعده أخير بدو مرتبه قرائت نمودن تشهد سجده سهوه واجب میشود یانه؟

جواب: در این صورت سجده سهوه لازم نیست [٣] فقط.

بتكرار نمودن آيات سجده سهوه لازم نميگردد: سوال: (٢٠٣٦) (١) اگر شخصي در نماز مکررا قرائت نمود مثلا شخصي سورة النصر را شروع نمود وبر (اَفْوَاجًا) توقف نمود سپس از آن دوباره (اَفْوَا جًا) را از (فَسَبِّحْ) اختتام نمود آیا سجده سهوه لازم است یانه؟

بعد از قرائت بقدر واجب در قرائت غلطی مفسد صلاة است يانه؟ سوال: (٢٠٣٧) (٢) اگر درضم سورت بر آیت مثلا بر (اَفْوَاجًا) غلط حصر شود آیا سجده سهوه لازم میشود یانه؟

جواب: (١) دراین صورت سجده سهوه لازم نمیگردد [٤].

جواب: (٢) از این سجده سهوه لازم نمیشود لکن اگر غلطي مفسد صلاة باشد دراین صورت اعاده نماز لا زمي است واگر چنان غلطي باشد که در آن حکم فساد نماز نباشد سپس درآن صورت نه سجده سهوه لازم میشود ونه نماز فاسد میگردد فقط.

اگر مسبوق مع الامام سلام گشتاند نمازش فاسد نميشود، تنها سجدۀ سهوه كافي است:

سوال: (٢٠٣٨) مسبوق اگرسهوا مع الامام سلام بگرداند وبخاطر دعا دست خود را بلند نماید

---

(١) وإذا شک في صلاته من لم يكن ذلک ای الشک عادة له الخ كم صلی إستأنف بعمل مناف وبالسلام قاعدا اولی لأنه المحلل وان كثر شكه عمل بغالب ظنه (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب سجود السهو ج١ ص٧٠٥، ط.س. ج٢ ص٩٢). ظفير

(٢) يجب الخ بترک واجب مما هو في صفة الصلوة سهوا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج١ ص٦٩٣، ط.س. ج٢ ص٨٠). ظفير

(٣) ولو كرر التشهد في القعدة الأولى فعليه السهو الخ ولو كرره في القعدة الثانية فلا سهو عليه كذا في التبيين (عالمكيري مصري باب سجود السهو الباب الثاني عشر ج١ ص١١٩، ط. ماجدية ج١ ص١٢٧). ظفير

(٤) ويجب له تشهد وسلام الخ بترک واجب عما مرّ (درمختار) بترک واجب ای من واجبات الصلوة الأصلية لا كل واجب الخ (ردالمحتار باب سجود السهو ج١ ص٦٩٣، ط.س. ج٢ ص٧٨). ظفير

آیا نمازش فاسد خواهد شد یانه؟

جواب: در باب سجود السهو شامي مذكور است: قوله والمسبوق يسجد مع إمامه قيد بالسجود لأنه لا يتابعه في السلام بل يسجد معه ويتشهد اذا سلم الإمام قام الى القضاء فان كان عامدا فسدت وإلا لا ولا سجود عليه إن سلم سهوا قبل الإمام او معه وإن سلم بعده لزمه لكونه منفردا حينئذ، بحر. واراد بالمعية المقارنة وهو نادر الوقوع كما في شرح المنية [1] از این عبارت معلوم وروشن شد که معیت حقیقتا نادر الوقوع است. فلهذا سلام مسبوق حتما اندک بتاخیر از امام میباشد، بناء اگر این سهوا باشد پس سجدۂ سهوه بر مسبوق درآخر نماز لازم است ونمازش درست خواهد شد. فقط

وقتیکه این سخن را معلوم نباشد که سجدۂ سهوه واجب است یا نه بناء نمازگذار چه باید بکند؟ **سوال:** (۲۰۳۹) بعضي اوقات با سهوه شدن در نماز معلوم نمیباشد که سجده سهوه واجب شده یا نه؟ بناءا درهمچو صورت سجدۂ سهوه اداء نمودن بکار است یانه؟

جواب: وقتیکه چنین علما نباشد براین سجده سهوه لازم میشود یا نه؟ دراین صورت سجدۂ سهوه کردن احوط است [2]. فقط

سجده سهوه بأداء نمودن دو رکوع در یک رکعت: **سوال:** (۲۰۴۰) اگر در یک رکعت دورکوع اداء شود وسجدۂ سهوه را نیز نکند آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟ مثلا درنماز عید الضحی امام صاحب نیت نمودن دوازده تکبیر رافرموده است پس در رکعت دوم در میان دو رکوع بقیه سه تکبیرات را اداء نمود وسجده سهوه را ننمود وقتیکه براي امام گفته شد که نماز درست نشده است ودرآن اثنا امام اگر چه غلطي خود را تسليم نمود اما با آنهم نماز را اعاده نکرد بناءا آیا امام موصوف قابل امامت است که مردم او را امام بگرداند یا نه؟

جواب: در نمازهاي عيدين موافق مذهب امام صاحب (رح) درهر یک رکعت سه، سه تکبیرات زائد [3] است، دوازده تکبیرات نیست وبترک واجب وتأخیر واجب سجدۂ سهوه واجب میگردد، وبدو دفعه رکوع نمودن نیز سجده سهوه واجب میشود اگر سجده سهوه را اداء نکرد پس نمازش واجب الاعاده است لکن در نمازهای عیدین بسبب ازدحام کثیر بترک سجده سهوه نماز صحیح

---

(۱) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۵ — ۶۹۶، ط.س. ط.س. ج۲ ص۸۲. ظفير

(۲) ويصلي الإمام بهم ركعتين مثنيا قبل الزوائد وهي ثلاث تكبيرات في كل ركعة (الدر المختار) هذا مذهب ابن مسعود وكثير من الصحابة ورواية عن ابن عباس وبه اخذ ائمتنا الثلاثة (رد المحتار باب العيدين ج۱ ص۷۷۹، ط.س. ج۲ ص۱۷۲). ظفير

(۳) والسهو في صلوة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتقدمين عدمه في الأولیين لدفع الفتنة كما في جمعة البحر وأقره المصنف وبه جزم في الدر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفير

(۱) است فقط.

بعد از اداء نمودن نماز بجماعت ثانیا مقتدی اعاده نمودن بناء درآن هر دو کدام یکی درست شده است؟ **سوال:** (۲۰۴۱) مقتدی نماز را اعاده نمود ودرهمچو موارد آن نماز راکه بجماعت اداء نموده بود آن نماز درست شد یا آن نماز که بتنهائي ان را اداء نموده است؟

جواب: اگر علت ترک واجب وغیره نماز اعاده شود پس فرض قبلا اداء شده است ودراعاده نمودن آن تکمیل ان نماز است یعني آن نقصان که باقی مانده بود تکمیل گردیده است وجبران نقصان شد (۲) فقط.

بعد از التحیات به چقدر تاخیر در فاتحه وقعده'وسطانی سجده سهوه لازم میگردد:

سوال (۲۰۴۱) مقتدي نماز را اعاده نمود ودر همچو موارد آن نماز را که بجماعت اداء نموده بود آن نماز درست شد یا آن نمازي که بتنهائي آن را اداء نموده است؟

جواب: اگر بعلت ترک واجب وغیره نماز اعاده شود پس فرض قبلا اداه شده است ودر اعاده نمودن آن تکمیل آن نماز است یعني آن نقصان که باقي مانده بود تیکمیل گردیده است وجبران نقصان شده است (۳) فقط.

بعد از التحیات به چقدر تاخیر در فاتحه وقعده وسطانی سجده سهوه لازم میگردد:

سوال: (۲۰۴۲) بعد از فاتحه وهمچنان دررکعت سوم بچقدر مکث نمودن سجده سهوه لازم میشود؟

جواب: اگر سهوا بقدر اداء نمودن رکن توقف شود پس سجده سهوه لازم میگردد الدر المختار: وتاخیر قیام الی الثالثة بزیادة علی التشهد بقدر رکن الخ (٤) فقط.

سجدهٔ سهوه بوجه سجده سوم: **سوال:** (۲۰۴۳) (۱) دیروز درنماز جمعه یک صورت مجدد عارض شد یعني امام در رکعت دوم بعد از اداء نمودن سجده ثاني اراده اداء نمودن سجده

---

(۱) ویجب له تشهد وسلام الخ بترک واجب عما مرّ (درمختار) بترک واجب ای من واجبات الصلوة الأصلية لا کل واجب الخ (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفیر

(۲) والسهو في صلوة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتقدمين عدمه في الأولیين لدفع الفتنة كما في جمعة البحر وأقره المصنف وبه جزم في الدر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفير

(۳) ولها واجبات لاتفسد بتركها ويعاد وجوبا الخ والمختار أنه جابر للأول لأن الفرض لايتكرر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب في واجبات الصلوة ج۱ ص٤٢٤ – ٤٢٦، ط.س. ج۱ ص٤٥٦). ظفير

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٤، ط.س. ج۲ ص۸۱. ظفير

ثالث راکرد ومقتدیان سبحان الله گفته صراخ گشیدند لکن امام بسجده وصل شد وسائر مقتدیان بتعقیب او را اقتداء نمودند واکثر مقتدیان میگویند که امام بغیر ازگفتن تکبیر قیام نمود وبعد ازختم تشهد برای اداء سجده سهوه سلام گردانید وتا به آن وقت علاوه از دو یا سه مقتدیان متباقی همه مقتدیان در سجده بودند وبا شنیدن لفظ السلام فورا از سجده بلند شدن وبا امام در سلام شریک شدند وسجده سهوه را اداء کردند ونماز را به انجام رساند وعلاوه از آن دو یاسه مقتدیان متباقي همه بدون قعده وتشهد درسلام سهوه متابعت امام را نمودند وبعد از آن جنگ شد ورای اکثر برآن بود که نماز همه درست شده است فلهذا نماز اعاده نشد.

اگر درسجده سوم اقتداء ننماید: **سوال:** (۲۰۴۴) (۲) اگر مقتدي درسجده سوم اتباع نکند حکم آن چیست؟

برای مقتدی درسلام سهوه اقتداء نمودن بکار است: **سوال:** (۲۰۴۵) (۳) مقتد یان علاوه از اتباع نمودن درسلام سهوه دیگر چه کرده میتواند؟

جواب: (۱) دراین صورت نماز سائر آنها درست شده است زیرا آن عده مقتدیان که با امام درسلام سجده سهوه شریک شدند وبا امام بسجده رفتند وبعد از اداء نمودن سجده سهوه با امام یکجا قعده تشهد وغیره رامطابق قاعده قرائت نمود پس ایشان را چگونه خواهد گفت که آنها نه قعده را اداء نموده اند ونه تشهد را قرائت کردند [1].

جواب: (۲) نمازش صحیح است [2]

جواب: (۳) حکم مقتدي مدرک همان است واما مسبوق با امام درسلام سهوه شرکت نباید کرد ودرسجده شریک شود [3].

اگر امام با تلقین تسبیح رکعت پنجم را شروع نماید پس مقتدی اقتداء او را نباید کرد:

سوال: (۲۰۴۶) وقتیکه امام بجاي اداء نمودن چهار رکعت رکعت پنجم را آغاز نمود وبا

---

(۱) نعم تکون المتابعة فرضا بمعنی أن یأتي بالفرض مع إمامه او بعده کما لو رکع إمامه فرکع معه مقارنا او معاقبا او شارکه فیه الخ (رد المحتار مطلب مهم في تحقیق المتابعة ج۱ ص۴۳۹، ط.س. ج۱ ص۴۷۱). ظفیر

(۲) وانه لیس له أن یتابعه في البدعة والمنسوخ وما لا تعلق له بالصلوة فلا یتابعه لو زاد سجدة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب مهم في تحقیق متابعة الإمام ج۱ ص۴۳۹، ط.س. ج۱ ص۴۷۱). ظفیر

(۳) ولو سلم ساهیا إن بعد إمامه لزمه السهو وإلا لا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة مطلب في المسبوق ج۱ ص۵۶۰، ط.س. ج۲ ص۵۹۹). ظفیر

هوشدار واگاه نمودن متواتر مُقتدیان او همچنان نشست نکرد آیا دراین صورت اقتداء به امام درست مي شود یانه؟

جواب: در رکعت پنجم اقتداء نکند در الدر المختار مذکور است: که اگر امام بغیر از قعده اخیر براي رکعت پنجم قیام نمود پس مقتدیان جلوس اختیار نمایند وانتظار عود نمودن امام را بکند گر امام رجوع نمود پس مقتدیان با او باشند واگر امام رکعت پنجم را مقید بسجدهٔ نمود دراین صورت مقتدیان سلام بگردانند ونماز خود راباپایان بر سانند [1].

واگر امام قعده اخیر رانکرد وبغیر ازجلسه برکعت پنجم قیام نمود ودررکعت پنجم سجده کرددراین صورت مسأله معرڤ وروشن است که نماز فرض هیچ کس اداء نشد [2] فقط.

در نماز مغرب فاتحه را اهسته قرائت نمود وبعد از فتح دادن سورت را جهرا تلاوت نمود آیا سجده سهوه را اداء نماید یانه؟ **سوال:** (۲۰۴۷) امام بعد از نیت نمودن در نماز مغرب سُبْحَانَکَ اللّٰهُم وسورت فاتحه را خفیه قرائت نمود ودر این اثنا یک مقتدي بغرض یاد دهاني (اَلْحَمْدُ) را باواز بلند گفت پس از آن امام بعداز سورت فاتحه سورت را جهرا تلاوت نموده سجده سهوه را اداء کرد آیا با اداء نمودن سجده سهوه نماز درست شده است یانه؟ وهمچنان آیا درآن حالت سجده سهوه ضروري بود یانه؟

جواب: دراین صورت نماز صحیح شده است وسجده سهوه در این صورت واجب بود وبا اداء نمودن سجده سهوه نماز بلاکراهیت صحیح شده است [3] فقط.

بوجه متشابه بتکرار آیت سجده سهوه لازم نیست: **سوال:** (۲۰۴۸) در نماز جمعه سورة الجمعه را قرائت نمود وبرملک القدوس برایش متشابه عارض شد فلهذا بتکرار سورت پرداخت که درآن جریان یک مقتدي برایش فتحه داد لکن امام براي گرفتن فتح توجه خود را معطوف نکرد وبعد از درست قرائت نمودنش نماز را بانجام رساند وسجده سهوه را نکرد آیا نماز درست

(۱) وإن قعد في الرابعة مثلا قدر التشهد ثم قام عاد وسلم قام صح ثم الأصح أن القوم ينتظرونه فان عاد تبعوه وان سجد للخامسة سلموا لأن يتم فرضهم إذ لم يبق عليهم إلا السلام (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفير

(۲) وسها عن القعود الأخير عاد الخ ما لم يقيدها بسجدة الخ وان قيدها بسجدة عامدا او ناسيا او ساهيا او مخطئا تحول فرضه نفلا برفعه الجبهة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۸، ط. س. ج۲ ص۸۳). ظفير

(۳) والجهر فيما يخافت فيه للإمام وعكسه لكل مصل في الأصح تقديره ما تجوز به الصلوة في الفصلين وقيل قائله قاضيخان يجب السهو بهما اى بالجهر والمخافه مطلقا أى قل او كثر (درمختار) وقال في شرح المنية والصحيح ظاهر الرواية وهو التقدير بما تجوز به الصلوة من غير تفرقة لأن القليل من الجهر في موضع المخافة عفو ايضا (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۴، ط.س. ج۲ ص۸۱). ظفير

شده است یانه؟

جواب: دراین صورت سجده سهوه لازم نبوده ولماز صحیح شده است [۱] فقط.

در رکعت آخر بعد ازتشهد قیام نمود سپس نشست سجده سهوه را بکند: سوال: (۲۰۴۹) اگر در رکعت آخر بعد از تشهد قیام نمود وسپس نشست آیا دو باره تشهد را بخواند یا آنکه سلام بگرداند وتشهد سجده سهوه را بگوید ودیگر آنکه بعد از قیام کامل فورا نشست ودیگر آنکه بعد از برخی قرائت نمودن وسوم آنکه بعد از ختم نمودن سورت آیا حکم آن احوال ثلاثه یکي است یا آنکه مختلف است؟.

جواب: در احوال ثلا ثه جلوس نماید وتشهد رابخواند وبعد از اداء نمودن سجده سهوه او تشهد وغیره رابخواند وسلام بگرداند [۲] فقط.

از نابینا ئیکه بوجه غلطی امام یک رکعت باقی بماند: سوال: (۲۰۵۰) درنماز ظهر امام سهوا قعده وسطاني را ترک نمرده ایستاده شودراین جماعت یک نابینا نیز بود او مطابق یاداشت خود در خواندن تشهد پرداخمت وبسبب معذور بودنش متابعت امام را نکرد غرض انکه نابینا فرض وواجب را اداء می نمود ودرقعده اخیر با امام یکجا شد وبا امام سجده سهوه را نیز اداء نمود وقتیکه امام سلام گردانید پس نابینا مذکور بدان فکر که من بعقب باقی مانده بودم بناء ایستاده شد ویک رکعت را اداء نمود که رکعت پنجم او بود فلهذا آیا نماز اودرست شده است یا نه؟

جواب: اگر این نابینا درآخر سجده سهوه را اداء نمود دراین صورت نماز او درست شده است [۳] فقط.

اگر در تکبیرات زوائد عیدین کاهش نمود حکم آن چیست: سوال: (۲۰۵۱) زید امامت

---

(۱) بخلاف فتحه علی إمامه فإنه لا یفسد مطلقا لفاتح وآخذ بكل حال (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة ج۱ ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفیر

(۲) وان قعد في الرابعة مثلا قدر الشهد ثم قام عاد وسلم ولو سلم قائما صح (درمختار) قوله قام ای ولم یسجد قوله عاد وسلم ای عاد للجلوس لما مر ان مادون الركعة محل للرفض وفیه إشارة إلیٰ أنه لایعید التشهد وبه صرح في البحر قال في الإمداد والعود للتسلیم جالسا سنة الخ (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰، ط.س. ج۲ ص۸۷) ددي عبارت څخه معلومهه سوه چي په صورت مسئوله کي به تشهد نه راګرځوی. والله اعلم. ظفیر

(۳) وكذا اللاحق لكنه یسجد في اخر صلوته ولو سجد مع إمامه أعاده (درمختار) ولاحقا بركعة فسجد إمامه للسهو فإنه یقضي ركعة بلا قراءة لأنه لاحق ویتشهد ویسجد للسهو الخ (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۶، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفیر

نماز عید را میداد بنا او در رکعت اول بجای چهار تکبیر سه تکبیر را اداء نمود آیا این نماز درست شده است یانه؟

جواب: تکبیرات عیدین واجب است وعلا وه از تکبیرات افتتاح وتکبیر رکوع سه سه گفتن واجب است اگر در میان انها یکي را ترک نمود پس واجب ترک شده است وبترک واجب سجده سهوه واجب میشود اما چونکه در نماز هاي عیدین سجده سهوه نیست فلهذا نماز درست شده است [1] فقط والله تعالی اعلم.

قعده اخیری فرض را بفراموشی ترک نمود ورکعت پنجم را همراهش ضمیمه نموده نماز نفل شد: سوال: (۲۰۵۲) هر شخصي که در قعدع اخیر سهوه شد وآن رامقید بسجده نمود میگویند که (تحول فرضه نفلا) حلا نکه در مورد نوافل میفر ماید لان گل شفع من النفل صلوة علیحده بدلیل نقل مع حواله فلهذا با حواله وصفحه کتاب ومطبعه تحریر فرمائید.

جواب: نفس عبارت (فرضه نفلا [2]) بذات خود مصرح است وبخاطر آن ضروت برای حواله دیگر نیست وقاعده کل شفع من النفل صلوة علیحده نیز صحیح است ودراینجا باداء نمودن سجده سهوه انجبار آن گردید فقط.

حکم ترک نمودن سجده سهوه عمدا ونسیانا: سوال: (۲۰۵۳) ترک نمودن سجده سهوه عمدا ونسیانا فرق دارد یانه؟ اگر از وی فراموش شد پس نماز را اعاده نماید یانه؟

جواب: قضاء آوردن این نماز واجب است وترک نمودن سجده سهوه عمدا وسهوا یکسان است [3] فقط

اگر درنماز چهار رکعتی سهوا در رکعت سوم نشست نمود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۰۵٤) اگر شخصي چهار رکعت نماز را شروع نمود وسهوا در رکعت سوم جلوس ورزید آیا نمازش صحیح شده است یانه؟

جواب: درهمچو صورت سجده سهو واجب است ونمازش صحیح است [1].

---

(۱) والسهو في صلاة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتاخرين عدمه في الأولين لدفع الفتنة كما في جمعة البحر وأقره المصنف وبه جزم في الدر المختار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج١ ص٦٩٨، ط.س. ج٢ ص٨٥). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج١ ص٦٩٨، ط.س. ج٢ ص٨٥. ظفير

(۳) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو إن لم يسجد له وإن لم يعدها يكون فاسقا اثما (درمختار) قوله إن لم يسجد له أى للسهو. (الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب في واجبات الصلوة ج١ ص٤٢٥، ط.س. ج٢ ص٤٥٦). ظفير

اگر به فراموشی در رکوع تسبیح سجده را بگوید حکمش چیست: **سوال**: (۲۰۵۵) اگر در رکوع سهوا تسبیحات سجده را بگوید یا بالکهس آیا در نماز نقصان وارد نمیشود؟.

جواب: هیچ نقصان وارد نمیگردد [۲] فقط.

درسجده تسبیح رکوع: **سوال**: (۲۰۵٦) تسبیح رکوع را در سجده گفت وقتیکه بیادش آمد آیا تسبیح سجده را بگوید ویا انکه تسبیح رکوع کافي است؟

جواب: گفتن تسبیحات سجده بکار است بخاطر آنکه مطابق سنت شود.

ترک تعدیل وسجده سهوه: **سوال**: (۲۰۵۷) اگر قومه وجلسه بوجه تعجیل نماز گذار موافق واجب اداء نشود ایا سجده سهوه واجب خواهد شد یانه؟

جواب: سجده سهوه بر فعل واجب میشود که سهوا صادر شود وآن عده مردم که عمداً وعادةً قومه وجلسه را تکمیل نمي نمایند درآن سجده سهوه نیست بلکه اعاده همچو نماز ها واجب میباشد [۳] فقط.

برای سجده سهوه تنها یک طرف سلام بگر داند: **سوال**: (۲۰۵۸) نماز گذار منفرد وقتیکه تنها نماز اداء مي نماید او بسبب نسیان یک رکن در وقت سجده آیا هردو طرف سلام بگرداند ویا یک طرف ؟ بینوا توجروا.

تنها یک طرف سلام بگرداند واگر هردو طرف سلام گشتاند درآن نیز کدام حرج نیست وبا آنهم سجده سهوه را اداء باید کرد [٤] فقط.

مسبوق هردو طرف سلام گردانید وقتیکه بیادش داده شد فورا قیام نمود دراین مورد حکم: **سوال**: (۲۰۵۹) یک نفر در رکعت دوم شامل نماز شد وبا امام سه رکعات را اداء نموده وهر دو طرف سلام گردانید ودر میان مقتدیان شخصي برایش گفت که یک رکعت شما

---

(۱) ویلزمه السهو إذا زاد في صلاته فعلا من جنسها لیس منها وهذا یدل علی أن سجدة السهو واجبة وهو الصحیح لأنها تجب لجبر نقصان تمکن في العبادة (هدایه باب سجود السهو ج۱ ص۱٤۰). ظفیر

(۲) ویسبح فیه (أی في الرکوع) وأقله ثلاثا فلو ترکه او نقصه کره تنزیها (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٦۱، ط.س. ج۲ ص٤۹٤) ودر اینجا آن را ترک نیز ننموده است بکه الفاظ مبدل شد ودرآن کدام حرج نیست ظفیر.

(۳) ولها (ای للصلاة) واجبات لا تفسد بترکها وتعاد وجوبا في العمد والسهو إن لم یسجد له وان بعدها یکون فاسقا اثما (درمختار) قوله إن لم یسجد له ای للسهو هذا قید لقوله والسهو إذ لا سجود في السهو (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۲٥، ط.س. ج۲ ص٤٥٦). ظفیر

(٤) یجب له بعد سلام واحد عن یمینه فقط لأنه المعهود وبه یحمل التحلیل وهو الأصح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦۹۱، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفیر

باقي است وبگفتار اوبرایش یاد شد وقیام نمود ورکعت متباقي را اداء کرده سجده سهوه نمود وسلام گردانید در این صورت ایا نماز درست شده است یانه؟ مولا نا عبدالحي صاحب رح درفتاوی خویش مي نگارد که دراین صورت نماز نمیشود زیرا یاد دهنده خارج صلاة است.

جواب: درکتاب هاي فقه نوشته شده است اگر درهمچو صورت بگفتار اوفورا قیام نمود پس نمازش فاسد شده واگر اندک وقفه نمود وخود بخود بیادش آمده قیام نمود پس نمازش صحیح است و اگر سجده سهوه را اداء نمود پس نمازش بلاکراهیت درست شده است واما فتوی مرحوم مولانا عبد الحي صاحب رح غالبا مربوط بصورت نخستین خواهد باشد [۱] فقط.

بعد ازفاتحه تا بوقتی خاموش بود بناء حکم آن چیست؟ سوال: (۲۰۶۰) اگر امام یا منفرد بعد از قرائت نمودن سورت فاتحه بمقدار قرائت آیت طویل ویاسه آیات کوتاه قصدا خاموش ایستاده باشد وبعد از آن ضم سورت بکند آیا بر او سجده سهوه لازم خواهد شد یانه؟

جواب: سجده سهوه بر او واجب است کما قال في الدر المختار: وتفکره عمداً حتی شغله عن رکن [۲] وتحقیقه في الشامي فقط.

امام در رکعت سوم عشاء نشست مگر فورا ایستاده شد حکمش چیست؟ سوال: (۲۰۶۱) امام دروقت اداء نماز عشاء سهو ادر رکعت سوم نشست وبفتح دادن مقتدي فورا ایستاده شد وقتي دربر نگرفت ایا نماز درست شده است یانه؟

جواب: دراین صورت که امام زیاد جلوس ننمود بلکه فورا ایستاده شد پس سجده سهوه لازم نمیشود ونمازش صحیح است کذافي الشامي [۳] فقط.

سجده سهوه بفراموش نمودن قعده اولی درسنت قبل الظهر: سوال: (۲۰۶۲) شخصي نیت چهار رکعت سنت قبل از ظهر رانمود ودرآن اثنا قعده اولی را فراموش نموده مستقیما

---

(۱) وفي القنية قيل لمصل منفرد تقدم فتقدم بأمره الخ فسدت صلوته وينبغي ان يمكث ساعة ثم يتقدم برای نفسه (ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۳۳، ط.س. ج۱ ص۵۷۱) حتى لو إمتثل أمر غيره فقيل له تقدم فتقدم الخ فسدت بل يمكث ساعة ثم يقدم برايه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج۱ ص۵۸۱، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۸۰. ظفير وكذا القعدة في آخر الركعة الأولى والثالثة يجب تركها يلزم من فعلها ايضا تأخير القيام الى الثالثة او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التى إستحبها الشافعي فتركها غير واجب عندنا (ردالمحتار ج۱ ص۴۳۸، ط.س. ج۱ ص۴۷۱). ظفير

(۳) وكذا القعدة في آخر الركعة الأولى والثالثة يجب تركها يلزم من فعلها ايضا تأخير القيام الى الثالثة او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التى إستحبها الشافعي فتركها غير واجب عندنا (ردالمحتار ج۱ ص۴۳۸، ط.س. ج۱ ص۴۷۱). ظفير

ایستاده شد وبعد از آن قعده نمود وسر انجام سجده سهوه را اداء نکرد آیا این نماز صحیح شد یا خیر؟ وآیا اعاده بر او واجب است یانه؟

جواب: بخاطر عدم اداء نمودن سجده سهوه اعاده بر او واجب است [1].

اگر زانو اش را ایستاده ننموده باشد بنشیند: سوال: (۲۰۶۳) اگر مستقیما ایستاده نباشد ونه زانوهایش از زمین جدا شده باشد فلهذا دراین صورت برایش چه عمل بکار است آیا قعده بکند ویا آنکه ایستاده شود؟

جواب: قعده بکند وسجده سهوه واجب نیست [2] فقط.

زانو ها از زمین بلند شد امّا درست ایستاده نشده است بنشیند: سوال: (۲۰۶٤) اگر مستقیم ایستاده نشد در حالیکه زانوها از زمین جدا شده است ودرمیان حالت جلوس وقیام قرار دارد بناء آیا براي او رجوع نمودن بکار است ویا قیام نماید وآیا سجده سهوه بالایش واجب است یانه؟ وهمچنان آیا اعاده کند یانه؟

جواب: دراین حالت رجوع کردن وقعده نمودن بکار است واما سجده سهوه بالایش واجب نیست کما في الدر المختار: عاد الیه وتشهد ولاسهوه علیه في الاصح مایستقیم قائماً في ظاهر المذهب وهو الاصح [3] فتح وقول ثاني مقابلش آنست که اگر اقرب الی القعود باشد بنشستن نزدیک باشد پس بنشیند واگر اقرب الی القیام باشد به ایستادن نزدیک باشد پس ننشیند وسجده سهوه را اداء نماید فقط.

اگر درصلاة تسبیح بجای اَلْحَمْدُ لله رابگوید چه حکم دارد؟ سوال: (۲۰٦٥) (۱) درصلاة التسبیح قبل از اَلْحَمْدُلله سُبْحَانَ الله خوانده شد وبجای تسبیح اگر اَلْحَمْدُ لله قرائت شود موجب سجده سهوه است یانه؟

درصلاة التسبیح بعداز قرائت برکوع رفت: سوال: (۲۰٦٦) (۲) در صلاة التسبیح بعد از قرائت بفراموشی بطرف رکوع رفت ودررکوع بیادش آمد ودررکوع آن تسبیح راخواندآیاسجده

---

(۱) ولها واجبات لا تفسد بترکها وتعاد وجوبا في العمد والسهو الخ وهی قراءة فاتحة الکتاب الخ والقعود الأول ولو في نفل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة، ط.س. ج۱ ص٤٥٦). ظفیر

(۲) سها عن القعود الأول من الفرض ولو عملیا وأما النفل فیعود مالم یقیدها بالسجدة ثم تذکره عاد إلیه وتشهد ولاسهو علیه في الأصح ما لم یستقم قائما في ظاهر المذهب هو الأصح (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٨، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٧، ط.س. ج۲ ص۸۳. ظفیر

سهوه براو واجب است یانه؟

جواب: (۱ ۲) نمازش درست شده است وسجده سهوه براو واجب نیست فقط.

درمیان فاتحه وقرائت بکدام مقدار تاخیر سجده سهوه لازم میشود؟ **سوال:** (۲۰۴۷) در بهشتي زیور مرقوم است که اگر تاخیر تاخیر قد رسه بار سبحان الله گفتن درمیان فاتحه وسورت واقع شده سجده سهوه لازم میشود ودیگر فقهاه تاخیر قدر تسبیح مي فرمایند پس کدامین قول معتبر است؟

جواب: آنچه در بهشتي زیور است همان مختار محقیقین است: قال فی شرح المنية والصحيح ان قدر زيادة الحرف ونحوه غير معتبر فی جنس مايجب به سجود السهو وانما المعتبر قدرما يودى فيه ركن كما فی الجهر من يخافت وعكسه وكما فی التفكر حال الشک ونحوه الخ: ص ۳۲۱ فقط.

بعد از قعده آخیر مغرب امام ایستاده شد وبعد از آن نشست بناء چه باید کرد؟ **سوال:** (۲۰۶۸) دروقت مغرب هر سه رکعات را امام تکمیل نمود ودرقعده آخیر سهوا ایستاده شد ومقتدیان نشسته باقی ماندند وفتیکه عده از مقتدیان الله اکبر گفتند امام واپس جلوس نمود وبه بر یک طرف سلام گشتاند سجده سهوه را اداء کرد سپس بسبب بروز اختلاف نماز را ثانیا اداء نمود فلهذا آیا باداء نمودن سجده سهوه نماز درست شده است ویا اعاده نمودن آن واجب است؟

جواب: این نماز باداء نمودن سجده سهوه صحیح وکامل شده بود ونیازي به اعاده نمو دنش نبود. فقط [1]

سجده سهوه بسبب جهر نمودن درآخرین رکعات عشاء: **سوال:** (۲۰۶۹) اگر یک امام در آخرین رکعات نماز عشاء جهرا قرائت نماید ایا سجده سهوه براي او واجب است یانه؟ زیرا قاعده السر فیما یسر والجهر فیما یجهر تقاضاي سجده سهوه را مي نماید وچونکه في نفسه قرائت درآن واجب نیست فلهذا واجب شدن بکار نیست زیرا در صورت تسلیم نمودن واجب زیادت صفت لازم مي آید علی الذات.

---

(۱) ولو سها عن القعود الأخير كله اوبعضه عاد الخ ما لم يقيدها بسجدة لأن ما دون الركعة محل الرفض وسجد للسهو لتأخير القعود (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتارباب سجود السهو ج۱ ص۶۹۸، ط.س. ج۲ ص۸۵) ظ

سجده سهوه بسبب نمودن در ركعات آخري: سوال: (۲۰۷۰) (۲) وبسبب جهر نمودن درآخرين ركعات نماز ظهر سجده سهوه لازم ميشود يانه؟

جواب: (۱) دراين صورت سجده سهوه لازم خواهد شد زيرا اگر در ركعات آخري عشاء قرائت مي نمايد پس سرا خواندن لازم است قسميكه درشامي در تفسير ويسر في غيرها نوشته شده است: قوله ويسر فی غيرها وثالثة من المغرب والآخريان من العشاء [1] الخ فلهذا درآخرين دو ركعت نماز عشاء اگر چه قرائت واجب نيست لكن اگر قرائت مي نمايد پس اخفاء قرائت لازم است.

جواب: (۲) وسجده سهوه [2] بسبب جهر نمودن درآخرين دو ركعت ظهر نيز لازم ميشود فقط.

در ركعت دوم عيد امام تكبيرات زوائد را ترک نمود وبركوع رفت وقتيكه از ركوع بالاشد تكبيرات را گفت پس آن چيست: سوال: (۲۰۷۱) در ركعت دوم عيد الاضحى امام سهوًا تكبيرات رانگفت وركوع نمود برخي از مردم تكبير ركوع را نيز اداء نمودند وامام صاحب تسبيح ركوع را اداء ننمود والله اعلم بالصواب واز دحام جماعت نيز زياد بود حتى كه برسطح مسجد نيز مقتديان موجود بودند سپس امام قيام نمود وتكبيرات را جهراً قرائت نمود وثانيا ركوع وقيام كرد وبعد ازسجده كردن بدون اداء نمودن سجده سهوه سلام گردانيد فلهذا آيا در صورت متذكره نماز بغير ازكدام نقصان اداء شده است يا خير؟

جواب: اگر بغير ازگفتن تكبيرات زوائد بركوع ركعت دوم رفت پس براي او بكار نبود كه ثانيا از ركوع بطرف قيام بيايد وتكبيرات رابگويد بلكه درالدر المختار آن را مفسد صلاة گفته است با انهم كه شامي آن را صحيح گفته است فرموده كه نماز فاسد نشده است كذا نقله عن ابن الهمام فی العود الى القعود الاول بعد القيام [3] قال فی الدر المختار: ولا يعود الى القيام ليكبر فی ظاهر الرواية فلو عاد ينبغي الفساد وفی الشامي: وقد علمت آن العود رواية النوادر على انه يقال

---

(۱) ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۴۹۷، ط.س. ج۱ ص۵۳۲. ظفير

(۲) ولو جهر الإمام فيما يخافت او خافت فيما يجهر تلزمه سجدتا السهو لأن الجهر في موضعه والمخافة في موضعها من الواجبات الخ (هدايه باب سجود السهو ج۱ ص۱٤۱). ظفير

(۳) أى وإن إستقام قائما لايعود لإشتغاله بفرض القيام وسجد للسهو لترک الواجب فلو عاد إلى القعود بعد ذلک تفسد صلاته لرفض الفرض لما ليس بفرض وصححه الزيلعي وقيل لا تفسد لكنه يكون مسيئا ويسجد لتاخير الواجب وهو الأشبه كما حققه الكمال وهو الحق (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦۹۷، ط.س. ج۲ ص۸٤). ظفير

علیه ماقاله ابن الهمام في ترجيح القول لعدم الفساد فيما لو عاد الی القعود الاول [۱] بعدما استتم قائما الخ ودرمورد نماز عید وجمعه بسبب ازدحام زیاد علماء متأخرین فتواداده اند که اگر سهوه متحقق شود پس سجده سهوه نکند.

اگر مسبوق در رکعات متباقی خویش کدام واجب را ترک نماید آیا سجده سهوه بر او است یانه؟ **سوال:** (۲۰۷۲) اگر مسبوق با امام در رکعت چهارم ظهر یادرقعد ه آخیر شامل شود وبعد از سلام دانیدن امام قیام نماید ودر میان اداء نمودن نماز خویش یک واجب ترک شود ایا این مسبوق مذکور سجده سهوه بکند یانه؟

جواب: اداء نمودن سجده سهوه بکار است [۲].

درقعده اخیر بدو باره خواندن درود سجده سهوه نیست: **سوال:** (۲۰۷۳) اگر کسي کاملا درود ابراهیمي یا نصف آن را از اللّهم بارک تا به حمید مجید درقعده آخر تکرارا بخواند آیا بر او سجده سهوه واجب است یانه؟

جواب: واجب نمیشود [۳].

برخي از درود را ترک نمود وبعد از دعا آن را ثانیا خواند فلهذا بر او سجده نیست:

سوال (۲۰۷۴) اگر اللّهم بارک را تا به حمید مجید سهوا درقعده آخیر ترک نمود ودر وقت قرائت دعاي ماثوره بیادش آمد پس دراین اثنا بترک نمودن دعاي باقي مانده بطرف درود شریف انتقال نماید یانه؟

جواب: انتقال نمودن مناسب است وسجده سهوه بر او واجب نیست [۴].

درآخرین رکعات فرائض بضم سورت سجده سهوه لازم نمیگردد: **سوال:** (۲۰۷۵) در رکعات خالي نماز فرض اگر یک سورت سهوً ایا قصداً بعداز فاتحه تلاوت شود آیا سجده سهوه اداء نمودن لازم میشود یانه؟

---

(۱) رد المحتار باب العيدين ج۱ ص۷۸۲، ط.س. ج۲ ص۹۲. ظفير

(۲) ويبدأ بقضاء ما فاته عكس المسبوق (درمختار) قوله عكس المسبوق أى في الفروع الأربعة المذكورة فانه إذا قضى ما فاته يقرأ ويسجد للسهو إذا سها فيه (رد المحتار باب الإمامة مطلب في أحكام المدرك والمسبوق ج۱ ص۵۵۷، ط.س. ج۱ ص۵۹۵). ظفير

(۳) يجب الخ بترك الواجب الخ (درمختار) واحترز بالواجب عن السنة كالثناء والتعوذ ونحوها (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط. س. ج۲ ص۸۰). ظفير

(۴) وسننها رفع اليدين للتحريمة الخ والصلوة على النبي ﷺ في القعدة الأخيرة (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ج۱ ص۴۴۵، ط. س. ج۱ ص۴۷۴). ظفير

جواب: صورت مسؤله موجب سجده سهوه نیست [۱] فقط.

در رکعت اخری نماز چهار رکعتی قرائت: سوال: (۲۰۷٦) درنماز چهار رکعتي درآخرين دو رکعت بقرائت نمودن یک آیت قیام اداء میشود بناء این چه مصلحت است که نصف الحمد را تلاوت کرد وبدفعۂ دوم آن را تکمیل نمود فلهذا بذمه اش سجده سهوه لازم شده است وآنکس که هردو دفعه کل بخواند پس لازم نمیشود؟

جواب: درآخرین دو رکعت بترک قراة سورة فاتحه کاملا موافق آن قول سجده سهوه واجب میشود کسي که بر وجوب قرائت فاتحه در رکعات آخري قائل میباشدواما طبق ظاهر الراویت چونکه دراخرین دورکعت خواندن فاتحه واجب نیست [۲] فلهذا بترک تمام سورة فاتحه یا برخي ان در رکعات آخري بنزد ایشان سجده سهوه لازم نخواهد شد فقط.

درقرائت بسبب متشابه شدن بقرائت مکرر سجده سهوه واجب نمیشود: سوال: (۲۰۷۷) امام درنماز درحین قرائت فراموش نمود ویا بوجه متشابه بودن از جاي دیگر دو یاسه آیت را قرائت کرد وسپس بیادش آمد یا بوجه فراموشي ازسرنو ابتداء قرائت نماید آیانماز میشود یانه؟ وسجده سهوه براو واجب میشود یانه؟.

جواب: دراین صورت نماز صحیح است وسجده سهوه براو واجب نیست واگر بنا برغلطي سجده سهوه را اداء نمود بازهم نماز درست شده است [۳] فقط.

درنماز واجب وسنت درقعده اولی بعد ازتشهد بخواندن درود شریف سجده سهوه:

سوال: (۲۰۷۸) در نماز هاي واجب ومسنون در قعد ہ اولی که بعد از التحیات درود شریف وغیره خوانده شود آیا سجده سهوه واجب خواهد شد یانه؟ وهمچنان اگر درنماز واجب وسنت

---

(۱) واکتفی المفترض فیما بعد الأولیین بالفاتحة فإنها سنة علی الظاهر ولو زاد لابأس (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۷۸، ط.س. ج۲ ص۵۱۱). ظفیر

(۲) واکتفی المفترض فیما بعد الأولیین بالفاتحة فإنها سنة علی الظاهر فلو زاد لا بأس به وهو مخیر بین قراءة الفاتحة الخ وصح العیني وجوبها (درمختار) ای ظاهر الرؤایة ولو زاد لا بأس به الخ ای لو ضم إلي سورة لا باس به لأن القراءة في الأخریین مشروعة من غیر تقدیر والإقتصار علی الفاتحة مسنون لا واجب فکان الضم خلاف الأولی وذلک لا ینافي المشروعیة والإباحة بمعنی عدم الإثم في الفعل والترک کما قدمناه (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۷۸، ط.س. ج۲ ص۵۱۱). ظفیر

(۳) ولو سلم ساهیا إن بعد إمامه لزمه السهو وإلا لا الخ ولو ظن الإمام السهو فیسجد له فتابعه فبان ان لا سهو فالأشبه الفساد لإقتدائه في موضع الإنفراد (درمختار) وفي الفیض وقیل لا تفسد وبه یفتی في البحر عن الظهیریة قال الفقیه ابو اللیث في زماننا لا تفسد لأن الجهل في القراءة غالب (رد المحتار قبیل باب الإستخلاف ج۱ ص۵٦۰، ط.س. ج۱ ص۵۹۹). ظفیر

قعده اولی را فراموش کند وقیام نماید پس قبل از سجده نمودن رکعت سوم بیادش آمد آیا او بنشیند یانه؟

جواب: درنماز واجب مثلا مانند وتر همان حکم نماز فرض است فلهذا اگر درآن درقعد ه اولی بعد از تشهد درود شریف وغیره خوانده شود سجده سهوه لازم میگردد واما درمورد سنن مؤکده دوقول است لکن وجوب [1] سجده احوط است واما در ترک نمودن قعده اولی همان حکم است کدام حکم که در ترک نمودن قعده اولی فرض است که اگر به نشستن نزدیک باشد بنشیند واگر بقیام نزدیک باشد پس ایستاده شود ودر آخر سجده سهوه [2] را اداء کند فقط.

اگر درتعداد رکعات سهوه شد پس بگمان غالب عمل نماید: سوال: (۲۰۷) براي خا کسار درنماز در مورد تعداد رکعات ودرسجده سهوه عارض میشود فلهذا چه کردن بکار است؟

جواب: دراین صورت گمان غالب [3] را اعتبار نماید وبر آن بنا نماید فقط.

درنماز دو رکعتی بعد از قرائت تشهد که بر رکعت سوم قیام می ورزه وپس رجوع نموده می نشیند فلهذا سجده سهوه ضروری است: سوال: (۲۰۸۰) شخصي نیت دو رکعت سنت مؤکد یا فرض را بست وقتیکه التحیات را خواند درآن اثنا سهوا ایستاده شد یعني در رکعت سوم بعد از تلاوت نمودن اَلْحَمْدُ لِله بیادش آمد وفورا نشسته وسلام گردانید بناء ایا این نماز درست شده است ویا آنکه اعاده اش بکار است؟ ویا اداء نمودن سجده سهوه بکار بود؟ وهرکسي که میگوید که نه اعاده بکاراست ونه اداء نمودن سجده سهوه بکاراست آیا این صحیح

---

(۱) ولا یزید في الفرض علی التشهد في القعدة الاولی إجماعا فإن زاد عامدا کره فتجب الإعادة او ساهیا وجب علیه سجود السهو إذا قال اللهم صل علی محمد فقط علی المذهب المفتی به لا لخصوص الصلوة بل لتأخیر القیام (درمختار) قوله لا یزید في الفرض ای وما ألحق به کالوتر والسنن الرواتب وإن نظر صاحب البحر فیها (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۷۶، ط.س. ج۱ ص۵۱۰). ظفیر

(۲) سها عن القعود الأول من الفرض ولو عملیا أما النفل فیعود ما لم یقید بالسجدة لم تذکر عاد إلیه وتشهد ولا سهو علیه في الأصح مالم یستقم قائما به ظاهر المذهب وهو الأصح والا ای إن إستقام قائما لایعود لإشتغاله بفرض القیام وسجد للسهو لترک الواجب (درمختار) قوله عملیا کالوتر فلا یعود فیه إذا إستتم قائما قوله أما النفل فیعود الخ جزم به في المعراج والسراج وعلله ابن وهبان بأن کل شفع منه صلوة علی حدة ولاسیما علی قول محمد بأن القعدة الأولی منه فرض فکانت کالأخیرة وفیها یقعد وإن قام حکی في المحیط فیه خلافا وکذا في شرح التمرتاشي قیل یعود وقیل لا یعود في الخلاصة والأربع قبل الظهر کالتطوع وکذا الوتر عند محمد وتمامه في النهر لکن في التتارخانیة عن العتابیة قیل في التطوع یعود ما لم یقید بالسجدة والصحیح أنه لایعود اهـ واقره في الإمداد لکن خالفه فی المتن تأمل (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۷، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفیر

(۳) وإذا شک في صلاته من لم یکن ذلک ای الشک عادة له الخ کم صلی إستأنف الخ وإن کثر شکه عمل بغالب ظنه إن کان له ظن للحرج وإلا أخذ بالأقل لتیقنه وقعد في کل موضع توهمه موضع قعود (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵ – ۷۰۶، ط.س. ج۲ ص۹۲ – ۹۳). ظفیر

است یانه؟

جواب: دراین صورت اداء نمودن سجده سهوه بکار بود زیرا درآن تاخیر فرض وترک واجب شده است واگر سجده سهوه را اداء نکرد پس نمازش مع النقصان باقي ماند واعاده آن نماز واجب میباشد وهرشخصي که آن مسئله را رهنمائي نموده است که برای سجده سهوه ضرورت نبود ودر صورت عدم اداء نمود في سجده سهوه ضرورت براي اعاده نماز نیست پس رهنمائي آن شخص غلط ونادرست است در مورد این مساله معلومات وي ناقص میباشد فلهذا قول آن شخص را اعتبار دادن بکار نیست [1] فقط.

اگر مسبوق در رکعت باقیمانده سهوه شد سجده سهوه بر او لازم است: سوال: (۲۰۸۱) مسبوق اگر بعد ازختم جماعت در رکعت متباقي برایش سهوه عارض شود آیا سجده سهوه را اداء نماید یانه؟.

جواب: اداء نمودن سجده سهوه بکار است [2] فقط.

در رکوع بجای تسبیح بسم الله خواندن موجب سجده سهوه است یانه؟ سوال: (۲۰۸۲) اگر در رکوع بجاي تسبیح کسي بسم الله الرحمٰن الرحیم را بگوید آیا سجدۂ سهوه واجب خواهد شد یانه؟ ودرتشهد قرائت نمودن موجب سجده سهوه است یانه؟

جواب: در رکوع بجاي تسبیح بخواندن بسم الله الرحمٰن الرحیم سجده سهوه لازم نمودن تشهد سجده سهوه لازم نمیشود زیرا تسبیحات رکوع واجب نیست وتشهد واجب است فلهذا بترک نمود تشهد سجده سهو لازم میشود [3] فقط.

بتکرار نمودن سورت فاتحه سجده سهو لازم میشود یاخیر؟ سوال: (۲۰۸۳) بتکرار نمودن سورت فاتحه سجده سهوه لازم میشود یانه؟

---

(۱) ولو سها عن القعود الأخیر کله او بعضه یعاد الخ وإن قعد في الرابعة مثلا قدر التشهد ثم قام عاد الخ وسجد للسهو في الصورتین لنقصان فرضه بتأخیر السلام في الأولی وترکه في الثانیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۸، ط.س. ج۲ ص۸۵). ظفیر

(۲) والمسبوق من سبقه الإمام بها او ببعضها وهو منفرد حتی یثنی ویتعوذ الخ فیما یقضیه (درمختار) قوله حتی یثنی الخ تفریع علی قوله منفرد فیما یقضیه بعد فراغ إمامه حتی لو ترک القراءة فسدت الخ ویلزمه السجود إذا سها فیما یقضیه (رد المحتار باب الإمامة مطلب في المسبوق واللاحق ج۱ ص۵۵۷، ط. س. ج۱ ص۵۹۶). ظفیر

(۳) ویلزمه إذا ترک فعلا مسنونا کأنه اراد به فعلا واجبا الخ او ترک قراءة الفاتحة الخ او القنوت او التشهد او تکبیرات العیدین لأنها واجبات (هدایه باب سجود السهو ج۱ ص۱۴۰). ظفیر

جواب: در نخستین دو رکعت بتکرار نمودن سورت فاتحه سجده سهوه لازم میگردد: کما في الشامي قوله وکذا ترک تکریرها فلو قرئها في رکعة من الاولیین مرتین وجب سجود السهو لتاخیر الواجب وهو السورة کما في الذخیرة وغیرها [۱] الخ فقط.

درآخرین رکعات نماز های رباعی بضم سورت سجده سهوه لازم نمیشود: سوال: (۲۰۸۴) در چهار رکعت فرائض درآخرین آنها ضم سورت نمود آیا سجده سهوه لازم خواهد شد یانه اگر در این صورت تأخیر رکن نشده باشد پس در قعده اولی زیاد تر از اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ خواندن تأخیر رکن چگونه میشود که درنتیجه سجده سهوه لازم میگردد ومطلب از عدم قرائت مشروع چیست؟

جواب: بضم نمودن سورت درآخرین دورکعت سجده سهوه لازم نمیگردد زیرا در آخرین دو رکعت اکتفا بفاتحه واجب نیست که به از دیاد آن ترک واجب شود بلکه بضم نمودن سورت وعدم ضم نمودن سورت اختیار داده شده است با آنهم که عدم قرائت سورت اولی ومسنون است بخلاف قعد ہ اولی که درآن اکتفا به تشهد وعدم قرائت درود شریف واجب است در درالمختار مذکور است: واکتفی المفترض فیما بعد الاولیین بالفاتحة فانها سنة علی الظاهر ولو زاد لا باس به [۲] الخ فقط.

اگر مسبوق در نماز متباقی خویش قعده را ترک نماید سجده سهوه لازم خواهد شد:

سوال: (۲۰۸۵) مسبوق مع الامام دروقت مغرب یک رکعت را دریافت نمود ومسبوق بعد ازسلام گردانیدن امام دو رکعت را اداء کرد وقعده آخر را اداء نمود یعني قعده اولی را اداء نکرد آیا بر او سجده سهوه واجب است یانه وآیا بغیر از اداء نمودن سجده سهوه نماز خواهد شد یانه؟

جواب: دراین صورت بر مسبوق سجده سهوه واجب است ودر صورت اداء نمودن سجده سهوه اعاده [۳] نماز ضروري است فقط.

---

(۱) رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج۱ ص۴۲۹. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة الفصل ج۱ ص۴۷۷، ط.س. ج۱ ص۵۱۱، ای لو ضم إلیها سورة لا باس به لأن القراءة في الأخرین مشروعة من غیر تقدیر والإقتصار علی الفاتحة مسنون لا واجب فکان الضم خلاف الأولی وذلک لا ینافي المشروعیة والإباحة بمعنی عدم الإثم في الفعل والترک الخ رد المحتار باب ایضا ج۱ ص۴۷۷، ط.س. ج۱ ص۵۱۱). ظفیر

(۳) والمسبوق یسجد مع إمامه مطلقا سواء کان السهو قبل الإقتداء او بعده ثم یقضي ما فاته ولو سها فیه سجد ثانیا (درمختار) لو سها فیه =

درنماز فجر بعداز رکعت دوم بفراموشی ایستاده شد پس فورا بنشیند: سوال: (۲۰۸۶) اگر در نماز فرض فجر بعدازدو رکعت سهوا بغیر از اداء نمودن قعده قیام نماید ودر اثناء رکعت سوم بعد از قرائت نمودن الحمد وسورت بیادش آمد آیا درهمان وقت بنشیند یا آنکه رکعت را تکمیل نماید؟

جواب: دراین وقت باید بنشیند وسجده سهوه بکند پس نمازش صحیح خواهد شد [1] فقط.

اگر در رکعت اول ضم سورت رافراموشی نماید پس باید کرد؟ سوال: (۲۰۸۷) در رکعت اول نوافل یا سنن یا فرائض بعداز سورت فاتحة سهوا ضم سورت نکرد وبرکوع رفت پس اکنون بطرف قیام رجوع نماید ویا آنکه بسوي سجده برود؟

جواب: قومه را اداء نموده بسجده برود ودرآخر صلاة سجده سهوه را اداء کند [2] فقط.

بعد از یک طرف سلام گر دانیدن سجده سهوه را اداء کند وتشهد را کامل بخواند:

سوال: (۲۰۸۸) سجده سهوه رابعد ازیک طرف سلام گردانیدن اداء نمودن بکار است وبا آنکه هر دو طرف وبعد از خواندن نصف تشهد سلام بگرداند وسجده سهوه را اداءکند یا آنکه بعد ازخواندن تشهد کامل وبعد ازسجده سهوه وبعد ازقرائت نمودن التحیات کامل سلام بگرداند ویا چگونه باید کرد؟

جواب: بعد از قرائت نمودن التحیات کامل وبعد از یک طرف سلام دانیدن دو سجده سهوه را

= اي فيما يقضي بعد فراغ الإمام يسجد ثانيا لأنه منفرد والمنفرد يسجد لسهوه. (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۵، ط.س. ج۲ ص۸۵). ظفير

(۱) ولو سها عن القعود الأخير كله او بعضه عاد الخ ما لم يقيدها بسجدة لأن مادون الركعة محل الرفض وسجد للسهو لتاخير القعود (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب سجودالسهو ج۱ ص۶۹۸،ط.س. ج۲ ص۸۵.) ظفير

(۲) از صراحت علامه شامي معلوم ميشود كه: در صورت متذكره بهتر آنست كه واپس شود وسورت را قرائت نمايد پس از آن ركوع كند ودرآخر سجده سهوه را اداء كند اگر چه اين صورت نماز دُرست است كه بعد از ركوع بسجده برود ودر آخر سجده سهوه بكند چنانچه در جواب مذكور است بترک واجب سهوا كركوع قبل قراءة الواجب بوجوب تقديمها ثم إنما يتحقق الترک بالسجود فلو تذكر ولو بعد الرفع من الركوع عاد ثم أعاد الركوع (مختصرا من درمختار) قوله عاد أى إلى القيام ليقرأ (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۸۰) شاكی هردوصورت را ذكر نموده است كه كلاً قرائت ترک شود ياتنها سورت: اما إذا قرأ الفاتحة مثلا ركع فتذكر السورة فعاد فقرأها الخ (ايضا) ديگر عبارت اين است: ولو ترک سورة اولى العشاء مثلا ولو عمدا قرأ وجوبا وقيل ندبا مع الفاتحة جهرا في الأخريين الخ ولو تذكرها في ركوعه قرأها واعاد الركوع (درمختار) قوله ولو تذكرها اى السورة قوله قرأها أى بعد عوده إلى القيام قوله وأعاد الركوع لأن ما يقع من القراءة في الصلوة يكون فرضا فيرتفض الركوع ويلزمه إعادته لأن الترتيب بين القراءة والركوع فرض كما مر في الواجبات الخ (ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۴۹۹ – ۵۰۰، ط.س. ج۱ ص۵۳۵). ظفير

اداء کند سپس ازآن کاملا التحيات ودرود شريف رابخواند وبعداز آن سلام بگرداند فقط. بعد از درود دعا را نیز بخواند ظفير.[۱]

در دو رکعت اول فرائض ضم سورت را فراموش نمود وسجده سهوه را اداء کرد نمازش درست شده است: سوال: (۲۰۸۹) در نخستین دو رکعت فرائض یادریک رکعت ضم سورت را فراموش نمود فلهذا آیا باداء نمودن سجده سهوه نمازش درست خواهد شد یانه؟

جواب: ضم سورت واجب است وبترک نمودن آن سجده سهوه لازم میگردد فلهذا درصورت مسئوله باداء نمودن سجده سهوه نماز درست خواهد شد وضرورت براي اعاده نیست[۲] فقط.

اگر مسبوق مع الامام سلام بگرداند درآن مورد حکم چیست؟ سوال: (۲۰۹۰) اگر مسبوق سهوا مع الامام سلام بگرداند دراین موردسه صورت راعلماء نوشته اند یکي ۱.آنکه قبل از امام یا ۲ مع الامام سلام بگرداند پس نمازش بغیر از سجده سهوه درست است واگر ۳ بعد از امام سلام بگرداند دراین صورت بغیر از سجده سهوه اعاده لازم میباشد معنی مع الامام چیست؟

جواب: اگر بعد از امام اندک مؤخر نیز باشد بازهم سجده سهوه بر مسبوق لازم میگردد وبنا بر همین وجه در شامي نگاشته شده است که حقیقة دشوار وشاذ ونادر است ودر مورد آن بطور عموم حکم وجوب سجده سهوه کرده میشود[۳] فقط.

درقعده اخیر بعد از ختم نمودن درو دودعا بتأخیر سلام گردانید آیا سجده سهوه لازم است: سوال (۲۰۹۱) درقعده آخیر بعد از خواندن درود وتشهد تاوقتي سکوت نموده سلام نگشتاند بناء ایاسجده سهوه واجب است یانه؟ ودرصورت وجوب دوباره تشهد سجده سهوه را بگوید یا چطور؟

جواب: دراین صورت سجده سهوه واجب نیست[۴] فقط.

---

(۱) وكيفيته أن يكبر بعد سلامه الأول ويخر ساجدا و يسبح في سجوده ثم يفعل ثانيا كذلک ثم يتشهد ثانيا ثم يسلم ويأتي بالصلوة على النبي ﷺ والدعاء في قعدة السهو هو الصحيح الخ (عالمكيري مصري في سجود السهو ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(۲) ولو قرأ الفاتحة وحدها و ترک السورة يجب عليه سجود السهو (عالمكيري مصري سجود السهو ج۱ ص۱۱۸، ط.ماجدية ج۱ ص۱۲٦). ظفير

(۳) ولو سلم ساهيا إن بعد إمامه لزمه السهو وإلا لا (درمختار) قوله لزمه السهو لأنه منفرد في هذه الحالة قوله وإلا لا، اى وإن سلم معه او قبله لا يلزمه لأن مقتد في هاتين الحالتين وفي شرح المنية عن المحيط إن سلم في الأولى مقارنا لسلامه فلا سهو عليه لأنه مقتد به وبعده يلزم لأنه منفرد آهـ ثم قال فعلى هذا يراد بالمعية حقيقتها وهو نادر الوقوع آهـ قلت يشير إلى أن الغالب لزوم السجود لأن الأغلب عدم المعية وهذا مما يغفل عنه كثير من الناس (ردالمحتار باب الإمامة قبيل باب الإستخلاف ج۱ ص۵٦۰، ط.س. ج۱ ص۵۹۹). ظفير =

لاحق همراه امام سجده سهوه نکند: **سوال:** (۲۰۹۲) لاحق همراه امام سجده سهوه بکند یانه؟ اگر نکند سپس درآن اثنا او چه باید گرد؟

جواب: دردر المختار مذکور است: که لاحق همراه امام سجده سهوه نکند دراخر نماز ان را اداء کند ودرآن اثنا همانطور بنشیند واگر همراه امام سجده سهوه را اداء نماید پس درآخر نماز نیز سجده سهوه را اداء کند ونمازش صحیح است (۱) الدر المختار فقط.

اگر بعد از قرائت نمودن برخی از سورت سورت دیگر را شروع نمود آیا نمازش درست شده است یانه؟ **سوال:** (۲۰۹۳) یک نفبر درنماز فرض بعد تلاوت نمودن اَلْحَمْدُ لله شریف رکوع آتي (يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوْا اللّٰه) تا (كَالَّذِيْنَ نَسُوا اللّٰه) خواند سپس سورت دیگر را شروع نمود وبغیر از اداء نمودن سجده سهوه نماز رابه انجام رساند آیا نمازش درست شده است یانه؟

جواب: اگر تأخیر بقدر تحریمه نشده باشد پس سجده سهوه واجب نیست (۲) ونمازش درست شده است ظفیر.

به یک آیت بزرگ نماز میشود: **سوال:** (۲۰۹٤) (۱) به یک آیت بزرگ نماز میشود یانه؟ یک آیت تلاوت نموده از وي فراموش شد ودرسورت دیگر پرداخت آیا نمازش درست شده است یانه؟ در قرائت بالکل محصور نگردیده بود آیا سجده سهوه بر او واجب است یانه؟

بعد از نسیان قرائت به چقدر وقت خاموش ایستاده شدن اما سجده سهوه واجب میگردد؟ **سوال:** (۲۰۹۵) (۲) اگر دروقت قرائت از وي فراموش شود پس به چقدر توقف نمودن سجده سهوه واجب میشود؟

جواب: (۱) میشود یک آیت دراز یاسه آیات کوتاه را با سورت فاتحه ضم نمودن نماز درست میشود وسجده سهوه لازم نمیشود (۳).

---

(٤) أما لو تفكر في صلاة قبلها هل صلاها ام لا ففي المحيط انه ذكر في بعض الروايات انه لا سهو عليه وإن أخر فعلا كما لو تفكرمن امور الدنيا حتى أخر ركنا الخ (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۷، ط.س. ج۲ ص۹٤). ظفير

(۱) وحكمه كمؤتم فلا يأتي بقراءة ولا سهو ويضر فرضه بنية إقامة ويبدأ بقضاء ما فاته عكس المسبوق (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الإمامة مطلب في المسبوق واللاحق والمدرک ج۱ ص۵۵۷، ط.س. ج۱ ص۵۹۵). ظفير

(۲) منشا آن است که بعد از تلاوت نمودن حصه مذکور رکوع متذکره اگر فورا سورت دیگر را شروع نمود وبقدر رکن تاخیر ننمود پس سجده سهوه واجب نیست. واعلم أنه إذا شغله ذلک الشک ففکر قدر اداء رکن ولم يشتغل حالة الشک بقراءة ولا تسبيح وجب عليه سجود السهو (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٦، ط.س. ج۲ ص۹۳). ظفير

(۳) وضم أقصر سورة كالكوثر اوما قام مقامها وهو ثلاث أيات قصار نحو (ثم نظر ثم عبس وبسر ثم أدبر واستكبر) وكذا لو كانت الآية او =

جواب: (۲) بقدر اداء نمودن یک رکن توقف کردن سجده سهوه واجب میگردد [۱] فقط.

اگر خودش متیقن باشد که من رکعات را تکمیل نمودم اما مرد برایش کاهش رکعات را وانمود می نمایند پس چی باید بکند: **سوال:** (۲۰۹۶) (۱) شخصي متیقن است که من بعد از اداء نمودن چهار رکعت سلام گردانیده ام اما دونفر میگویند که تو بعد از سه رکعت سلام گشتاندي فلهذا آیا این نماز را اعاده نماید ویا بریقین خود باقي بماند؟

اگر بجای دورکعت فجر چهار وبجای چهار رکعت عصر شش رکعت را اداء نماید پس حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۰۹۷) (۲) نماز فجر را بجاي دو رکعت چهار رکعت اداء نمود وهمچنان نماز عصر را بجاي چهار رکعت شش رکعت اداء فرمود فلهذا آیا باداء نمودن سجده سهوه نماز درست خواهد شد یا خیر؟ اگر میشود پس دو رکعت آن نفل خواهد شد وبوجه کراهیت نماز دران هر دو اوقات نفل کننده گنهکار است یانه؟

جواب: (۱) نمازش صحیح است وبیقین خود اکتفاء نمودن کافي است [۲].

جواب: (۲) درآن صورت اگر قعده آخیر را کرده باشد سپس قیام نموده باشد ودو رکعت دیگر را ضم کرده باشد دراین صورت باداء نمودن سجده سهوه نماز او تکمیل میگردد وآن دو رکعت او نفل خواهد شد وبر اداء کننده هیچ گناه نیست.

قال فی الدر المختار: وضم الیهاسادسة لوفي العصر وخامسة فی المغرب ورابعة فی الفجر به یفتی لتصیر الرکعتان له نفلاً (قوله ولوفي العصر الخ) اَشار الی آنه لا فرق فی مشروعیة الضم بین الاوقات المکروهة وغیرها لما مران التنفل فیها انما یکره لو عن قصدو الا فلا وهو الصحیح [۳] شامي فقط.

= الآیتان تعدل ثلاثا قصارا (درمختار) وهي ثلاثون حرفا فلو قرأ اية طویلة قدر ثلاثین حرفا یکون قد أتی بقدر ثلاث أیات الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ج۱ ص۴۲۷، ط.س. ج۱ ص۴۵۸). ظفیر

(۱) فلو اتم القراءة فمکث متفکرا سهوا ثم رکع الخ سجد للسهو (الدر المختار علی هامش ردالمحتار واجبات الصلوة ج۱ ص۴۳۷، ط.س. ج۱ ص۴۶۹) وتفکره عمدا حتی شغله عن رکن (درمختار) وأجاب في الحلیة عن وجوب السجود في مسئلة التفکر عمدا بأنه وجب لما یلزم منه من ترک واجب هو تأخیر الرکن او الواجب عما قبله فإنه نوع سهوا (الدر المختار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۸۰). ظفیر

(۲) واختلف الإمام القوم فلو الإمام علی یقین لم یعد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۷، ط.س. ج۲ ص۹۴). ظفیر

(۳) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰، ط.س. ج۲ ص۸۶. ظفیر

در سنن بجای التحیات فاتحه را خواند آیا سجده سهوه لازم میشود یانه؟ سوال: (۲۰۹۸) درسنت موکد بجاي تشهد فاتحه را قرائت نمود وقتیکه بیادش آمد پس التحیات را خواند دراین صورت بر او سجده سهوه واجب است یانه؟

جواب: نیست [۱] دراین مورد تفصیل چنین است که اگر سورت فاتحه را بجاي تشهد خواند ویا نخست فاتحه را تلاوت کرد سپس تشهد را پس درهر دو صورت سجده سهوه لازم میشود واگر نخست تشهد راخواند سپس فاتحه را تلاوت کرد پس سجده سهوه لازم نخواهد شد. ظفیر الدین

سجده سهوه بخفیه خواندن درنماز جهري: سوال: (۲۰۹۹) در جمعه وغیره نماز هائیکه حکم قرائت بالجهر است اگر درآنها بفراموشي خفیه قرائت نماید آیا سجده سهوه واجب خواهد شد یانه؟

جواب: در نمازي که جهر واجب نیست دران بترک جهر سجده سهوه واجب نخواهد شد ودرآن نمازي که جهر واجب است مانند نماز جمعه که در آن بترک جهر بالقراة سجده سهوه واجب میشود [۲] اما درمورد خود نماز جمعه حکم سجده سهوه نیست [۳] وباقی التفصیل یطلب من کتب الفقه.

سلام گردانیدن مسبوق مع الامام وسجده سهوه: سوال: (۲۱۰۰) درکدام صورت سلام گردانیدن مسبوق براو سجده سهوه لازم میگردد درصورت مقارنت یا درصورت تعدیت بهرحال علت سجده سهوه چیست؟

جواب: مقارنت حقیقة نادر الوقوع است یعني آنکه سلام مسبوق بالکل مع الامام شروع شود وهمراهش بپایان رسد ونا در الوقوع بودن آن بعد ازسلام گردانیدن سهوا مسبوق سلام گردانید

---

(۱) واذا قرا الفاتحة مکان التشهد فعلیه السهو وکذلک إذا قرأ الفاتحة ثم التشهد کان علیه السهو وکذا روي عن ابي حنیفة الخ ولو بدأ بالتشهد ثم بالقراءة فلا سهو علیه الخ (عالمکیري مصري الباب الثاني عشر في سجود السهو ج۱ ص۱۱۹، ط.س. ج۱ ص۱۲۷) ازین معلوم شد که در این صورت سجده سهوه لازم است. والله اعلم. ظفیر

(۲) والجهر فیما یخافت فیه للإمام وعکسه لکل مصل في الأصح والأصح تقدیره بقدر ما تجوز به الصلوة في الفصلین وقیل قائله قاضیخان یجب السهو بهما أی بالجهر والمخافة مطلقا أی قل اوکثر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۴ – ۶۹۵، ط.س. ج۲ ص۸۱). ظفیر

(۳) والسهو في صلوة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتأخرین عدمه في الأولیین لدفع الفتنة کما في جمعة البحر. (ایضا ج۱ ص۷۰۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفیر

پس سجده سهوه براولازم است زیرا بعدیت درآنجا متحقق [۱] است فقط.

اگر درمیان برخی از آیت ترک شود آیا سجده سهوه خواهد واجب شد یانه؟ سوال:

(۲۱۰۱) از آیت اخري سورت بقره: (لَايُكَلِّفُ اللهُ نَفسًا الاَّ وُسْعَهَا) نماز را شروع نمود اما سهوا (رَبَّنَا وَلَاتُحَمِّلْنَا مَالَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا ربنا) را ترک نمود وآیت بعد را تا به آخر تلاوت نمود بناء آیا سجده سهوه واجب است یانه؟

جواب: دراین صورت سجده سهوه واجب نیست ونماز درست شده است [۲] فقط.

بعد از سجده سهوه اگر بجای تشهد اَلحَمْد را بخواند پس حکم آن چیست؟ سوال:

(۲۱۰۲) زید در نماز بسبب ترک نمودن واجب سجده سهوه نمود وبعد از آن او بجاي تشهد اَلْحَمْدُ شریف راخواند وقتیکه بیادش آمد پس اوثانیا سجده سهوه نماید ویا فورا تشهد را شروع کند؟

جواب: از سرنو تشهدرا بخواند وثانیا ضرورت براي سجده سهوه نیست [۳] فقط.

اگر مقتدی یک رکن را فراموش نماید او چه باید بکند؟ سوال: (۲۱۰۳) ازمقتدي که بدنبال امام است یک رکن نماز فراموش شود مثلا رکوع سجده ویا التحیات را فراموش کند آب آن را تکمیل نماید یاسجده سهوه بکند؟

جواب: اگر از مقتدي که بدنبال امَام است یک رکن مانند رکوع یا سجده ترک شود پس آن را در داخل نماز یا بعد از نماز تکمیل نماید واگر بدنبال امام ازوي واجب ترک شود مانند التحیات پس اعاده آن لازم نیست وسجده سهوه نیز براو واجب نیست کما في الدر المختار: لابسهوه اصلا در متخار ای لا قبل السلام للزوم مخالفة ولابعده لخروجه عن الصلاة بسلام الامام الخ وروی ابن عمر ﷺ عن النبی ﷺ لیس من خلف الامام سهواً [٤] الخ شامی فقط.

بعد ازرکعت چهارم فورا قیام نمود ورکعت پنجم رانیز اداء کرد سجده سهوه نموده نماز

---

(۱) والمسبوق یسجد مع إمامه مطلقا سواء کان السهو قبل الإقتداء او بعده الخ (درمختار) قید بالسجود لأنه لا یتابعه في السلام بل یسجد معه ویتشهد فإذا سلم الامام قام إلی القضاء فإن سلم عامدا فسدت وإلا لا، ولا سجود علیه إن سلم سهوا قبل الإمام او معه وإن سلم بعده لزمه لکونه منفردا حینئذ بحر، والمراد بالمعیة المقارنة وهو نادر الوقوع کما في شرح المنیة (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦۹٦). ظفیر

(۲) در آن کدام وجه برای سجده سهوه نیست زیرا کدام ترک واجب یا تقدیم وتاخیر آن همراهش لازم نمیشود ظفیر.

(۳) وإذا قرء الفاتحة مکان التشهد فعلیه السهو وکذلک إذا قرأ الفاتحة ثم التشهد کان علیه السهو کذا روی عن ابي حنیفة الخ ولو بدء بالتشهد ثم بالقراءة فلا سهو علیه (عالمکیري مصري باب سجود السهو ج۱ ص۱۱۹، ط.س. ج۱ ص۱۲۷). ظفیر

(٤) ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦۹٥، ط.س. ج۲ ص۸۲. ظفیر

را بانجام رساند دراین مورد حکم چیست؟ **سوال:** (۲۱۰۴) چهار رکعت نماز عشاء اداء شد در این اثنا امام بدان فکر که نماز سه رکعت اداء شده است قیام نمود برخي از مقديان نشستند وبراي امام اشاره نمودند لکن نشست ننمودند بلکه رکوع وسجده رکعت پنجم را اداء نمود وسجده سهوه را اداء گرده نماز را بپایان رساند بناء آیا درصورت مذکوره نماز امام درست شده است یانه؟ وآن عده مقتدیان که بغرض قعده آخر نخست نشسته بودند وسپس با امام در رکوع رکعت پنجم شامل شده بودند آیا نماز آنها همچنان درست شده است یانه؟

جواب: وقتیکه امام در رکعت چهارم نشست ننمود وبه رکعت پنجم ایستاده شده رکوع وسجده نمود ونشست فلهذا بوجه فوت شدن قعده اخیر نماز امام درست نشده است وقتیکه نماز امام درست نشده است پس نماز امام مقتدیان بطریق اولی درست نشده است خواه مقتدي مسبوق باشد یا مدرک [1].

اگر قرائت مکرر شود حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۱۰۵) شخصي یک رکوع را مکررا در دو رکعت قرات نمود وسجده سهوه را نیز نکرد آیا نمازش درست شده است یاخیر؟

جواب: دراین صورت نمازش درست شده است وسجده سهوه واجب نیست [2] فقط.

سجده سهوه بعد از یک سلام است ویا انکه بعداز دوسلام میباشد: **سوال:** (۲۱۰۶) سجده سهوه را بعد از یک سلام اداء نماید ویا بعد از هردو سلام ها؟

جواب: بعد ازیک سلام اداء نماید فقط: دلیله قول درالمختار: یجب بعد سلام واحد عن یمینه الی قوله سجدتان فقط والله تعالی اعلم.

بتکرار آیت سجده سهوه لازم است یانه؟ سو ال (۲۱۰۷) نماز تراویح که سنت مؤکد است اگر در آن یک نفر یا پیش امام قاري درجماعت بیست نفري اگر یک آیت راسه یا چهار دفعه قرائت نماید آیا سجده سهوه برایش ضروري است یانه؟ بخاطر آنکه در کتاب اردو مفتاح الصلاة: ص ۸۲ تحریر نموده است که اگر همان آیت را دو یاسه دفعه تکرار نمود سجده سهوه براولازم است درالدر المختار جلد اول: ص۳۳۸ نوشته است: که در تراویح از آن احتراز نماید

---

(۱) وإن سهى عن القعدة الأخيرة حتى قام إلى الخامسة رجع إلى القعدة ما لم يسجد الخ وإن قيد الخامسة بسجدة بطلت فرضه عندنا (هدايه باب سجود السهو ج۱ ص۱٤۲). ظفير

(۲) لا بأس أن يقرأ سورة ويعيدها في الثانية (درمختار) أفاد أنه يكره تنزيها وعليه يحمل جزم القنية بالكراهة الخ (ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤٦). ظفير

از سخنان نامشروع وغیره فلهذا آیا درآن صورت هاي فوق الذکر سجده سهوه اداء نمودن بکار است یانه؟ بناء لطف نموده بحواله کتاب برایم آن را تحریر فرمائید فقط.

جواب: اگر یک آیت بمراتب مکررا قرائت شود از آن سجده سهوه لازم نمیگردد ودر مفتاح الصلاة که چیزي نوشته است درفهم بنده نیامد وشاید مراد از آن چنین موقع باشد که تنها یک آیت را مکررا قرائت نموده باشد ودیگر چیزي را نخوانده باشد یاتنها سورت فاتحه را خوانده باشد لکن سورت را نخواند فلهذا بسبب ترک نمودن واجب درآن صورت سجده سهوه لازم میگردد مگر در تراویح همچنان نمیشود تا که چیزي دیگر را نخوانده باشد ودرتراویح اکثر اوقات چنین معضله عارض میگردد که بسبب عدم یاد شدن آیت آتي یک آیت را بدفعات اعاده مي نماید که در آن صورت هیچ نوع گنجایش لزوم سجده سهوه نمودن اولی است بل الاولی ترکه لئلا یقع الناس في فتنة ودر المختار نیز بعد از نقل نمودن این عبارت که شما نوشته اید چنین نگاشته است که مختار عند المتأخرین آنست که سجده سهوه را نکند فقط والله تعالی اعلم.

(والسهو في صلوة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتاخرین عدمه في الاولین الدر المختار باب سجود السهو) قال في الشامي: الظاهر آن الجمع الکثیر فیما سواهما کذلک شامي: ج ۱ ص ۷۸۷. جمیل الرحمٰن.

یک سجده را کرد وایستاده شد اکنون چه بایدکرد؟ سوال: (۲۱۰۸) شخصي در رکعت اولین نماز در دوسجده تنها یک سجده را اداء نموده ایستاده شد وقتیکه بیادش آمد که یک سجده را اداء نمودم پس درآن حالت چه باید کرد؟

جواب: هر وقتیکه بیادش آمد در همان وقت سجده دوم را باید کرد سپس در اخر سجده سهوه را اداء کند [1] فقط.

اضافه نمودن درتکبیرات زوائد موجب سجده سهوه نیست: سوال: (۲۱۰۹) درنماز های عیدین بنا برغلطي اگر بجاي شش تکبیر نو ۹ تکبیر بگوید آیا سجده سهوه لازم خواهد شد یانه؟

جواب: نیازي براي سجده سهوه نیست [2].

---

(۱) لو ترک سجدة من رکعة ثم تذکرها فیها بعدها من قیام او رکوع او سجود فإنه یقضیها ولا یقضیها هو بعد رکعتها من قیام او رکوع او سجود بل یلزمه سجود السهو فحسب. کبیري ص۲۹۱. جمیل الرحمن)

(۲) ویصلي الإمام بهم رکعتین مثنیا قبل الزوائد وهي ثلاث تکبیرات في کل رکعة ولو زاد تابعه إلی ستة عشر لأنه مأثور آهـ درمختار ج۱ ص۷۰۸، ط.س. ج۲ ص۱۷۲. ظفیر

امام قعده او را ترک نمود وایستاده شد سپس نشست حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۰) امام قعده اولی را ترک نموده ایستاده شد وقتیکه برایش اطلاع داده شد اونشست وسجده سهوه اداء نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: اگر امام سهوا قعده اولی را اداء ننموده بلکه ایستاده شد وبعد از یادهانی نشت وسجده سهوه را اداء کرد پس اولی را اداء کرد پس بنا بر قول صحیح نمازش درست شده است لکن براي او واپس رجوع نمودن بکار نبود بلکه این عمل او ناپسند است بعض فقهاء کرام رح دراین صورت حکم بفساد نماز نموده است اما صحیح آنست که نماز میشود فقط والله اعلم.

همراه فاتحه تنها دو آیت کوتاه را خواند پس حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۱) (۱) در نماز بعد از سورت فاتحه سورت والعادیات را قرائت نمود اما تنها بعد از اینقدر قرائت نمودن برکوع رفت (وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۲) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا) آیا دراین صورت سجده سهوه برقرائت کننده لا زم است یا نه؟

در والعادیات لفظ فَالْمُغِيرَات را ترک نمود پس آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۲) (۲) بعد از الحمد والعا دیات را قرائت نمود لکن فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا را ترک نمود ومتباقی همه سورت را خوانده آیا سجده سهوه بر او لازم است یانه؟

بعد از درود ودعا سجده سهوه را اداء نماید یانه؟ سوال: (۲۱۱۳) (۳) اگر سجده سهوه را اداء مي نمود اما درود شریف ودعاي مأثوره را همچنان خواند آیا سجده سهوه را اداء نماید یانه؟

جواب: (۱) دراین صورت واجب ترک شده است واگر سهوا چنین شده باشد پس سجده سهوه بذمه اش واجب است که آن را اداء نماید واگر سهوا چنان نشده باشد دراین صورت نماز را اعاده فرماید: في الدر المختار فی بیان واجبات الصلوة: وضم سورة کالکوثر او ماقام مقامهم الخ جمیل الرحمٰن.

جواب: (۲) دراین صورت سجده سهوه نیست.

جواب: (۳) سجده سهوه بعد از درود شریف نیز اداء نمودن بکار است فقط.

در نماز جهری سرا قرائت نمود سپس از آن بجهر خواند حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱٤) امام در نماز جهري سرا قرائت نمود وبعد از آن بیادش آمد که نماز جهر است لکن امام اندک قرائت نموده بود اما اوثانیا از سرنو قرائت را آغاز نمود آیا نمازش درست شده است

یانه؟ وآیا سجده سهوه را اداء کند یا خیر واگر سجده سهوه را اداء نکرد آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: نمازش درست شده است ونیازي براي اعاده اش نیست واگر بمقدار سه آیات سرا قرائت نموده بود دراین وقت سجده سهوه بر ذمه اش واجب است ورنه لازم نیست و اگر با وجود وجوب سجده سهوه را اداء نکند پس در نماز نقصان وارد شده است و اعاده اش واجب است (۱).

در نوافل وسنن سجده سهوه است یانه؟ سوال (۲۱۱۵) در نوافل وسنن وهمچنان درنماز هاي عیدین سجده سهوه است یانه؟.

جواب: در در المختار آمده است: والسهو في صلاة العدين والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المستاخرين عدمه في الاولين الخ خلاصه عبارت فوق آنست که در نماز هاي عیدین و جمعه و فرائض ونوافل بترک واجب سجده سهوه واجب ولازم است لکن متأخرین گفته اند که اگر درنماز هاي عیدین وجمعه ازدحام مردم زیاد بود پس سجده سهوه را نکند براي رعایت دفع نمودن فتنه فقط.

براي شافعي در نماز فجر رعایت چگونه است؟ سوال (۲۱۱٤) اگر امام حنفي براي رعایت نمودن مقتدیان شافعي المذهب در نماز فجر در رکعت دوم درقعده آنقدر مکث وتوقف کند که ایشان از خواندن قنوت فارغ شوند پس این چگونه است آیا نمازش درست خواهد شد یانه؟ و بدنبال همچو امام نماز خواندن بکار است یانه؟ اگر بدنبال او نماز را اداء کرد آیا مکروه خواهد باشد یا بغیر از کراهیت؟ ودر کدام امور براي امام حنفي رح رعایت مقتدي شافعي جائز است وبخاطر مقتدي شافعي آیا امام حنفي قبل از سلام سجده سهوه را اداء نموده میتواند یاخیر؟

جواب: در درالمختار مذکور است: لکن يندب للخروج من الخلاف لاسيما للامام لکن بشرط عدم لزوم ارتکاب مکروه مذهبه (۲) الخ یعني براى امام رعایت داشتن صاحب مذهب دیگر مثلا رعایت مقتدیان شافعي المذهب مستحب است لکن بشرطیکه ارتکاب مکروه مذهب خویش لازم

---

(۱) يجب له بعد سلام واحد سجدتان (الى قوله) بترک واجب سهو وإن تكرر كركوع قبل قراءة (إلى أن قال) والجهر فيما يخافت فيه وعكسه بقدر ما يجوز به الصلوة الخ (تنرير محضا سجود السهو ج۱ ص۷۷٦، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفیر

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الطهارة مطلب في ندب مزاعاة الخلاف الخ ج۱ص۱۳٦، ط.س. ج۱ ص۱٤۷. ظفیر

نشود و شامي فرموده است که مکروه تنزيهي همچنان درآن شامل است يعني اگر ارتکاب مکروه تنزيهي مذهب خويش لازم ميگردد پس دراين وقت رعايت مقتديان شافعي المذهب وغيره را نبايد کرد پس بناء بر اين امام حنفي درنماز فجر بعد از قيام نمودن از رکوع درقومه بخاطر رعايت مقتدي شافعي المذهب انقدر توقف ننمايد که او دعاي قنوت را بخواند زيرا اين توقف وه است ودر شامي مذکور است: نعم ذکر نحوه ابن عبد الرزاق في شرحه على هذه الشرح کاطالة وقوفه بعد الرفع من الرکوع [1] الخ واين مثال را ارانه نموده است که اين ترک اطالت وقوف بعد الرکوع واجب است پس دراين توقف مذکور ترک واجب خواهد شد که اين مکروه تحريمي است فلهذا بعقب همچو امام نماز مکروه ميباشد وهمچنان قبل از سلام سجده سهوه اداء نمودن براي امام حنفي بخاطر رعايت مقتدي بکار نيست که آن هم مکروه تنزيهي است. کما في الشامي انه لوسجد قبل السلام کره تنزيها [2] الخ: ج ۱ ص ٤۹۵ باب سجود السهو فقط.

در نماز چهار رکعتی امام بعد از سه رکعت سلام گردانید وقتیکه از جانب مقتدیان فتح را شنید ایستاده شد بناء حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۱۱۷) امام وقتيکه در نماز چهار رکعت سه رکعت را اداء نمود او سلام گشتاند پس اکنون امام رو به قبله نشسته است ودر مابين مقتديان زمزمه وشور شغب شد درمورد تعداد رکعت که چند رکعت اداء شده است آيا چهار ياسه وباشنيدن اين زمزمه امام الله اکبر گفته ايستاده شد ورکعت چهارم را تکميل نموده سجده سهوه را اداء کرد وسلام گشتاند فلهذا آيا نماز امام ومقتديان درست شده است يانه؟

جواب: اگر امام چيزي تکلم نکرده بود پس نماز او درست شده است وآن عده مقتديان که سخن ننموده بودند نماز آنها نيز درست شده است ومقتديان که سخن نموده بودند نماز ايشان درست نشده است وآنان نماز خود را اعاده نمايند [3] فقط.

کسی که در رکعت ششم شریک شد نمازش درست نیست: **سوال:** (۲۱۱۸) امام بر رکعت پنجم ايستاده شد ورکعت ششم را تکميل نموده سجده سهوه را اداء فرمود وسلام گشتاند ودر

---

(۱) رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة قبيل مطلب مهم في تحقيق متابعة الإمام ج۱ ص۴۳۸، ط.س. ج۱ ص۴۷۰. ظفير

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۱، ط.س. ج۲ ص۷۸. ظفير

(۳) سلم مصل الظهر مثلا على رأس الرکعتين توهما إتمامها أتمها اربعا وسجد للسهو لأن السلام ساهيا لا يبطل لأنه دعائه من وجه (درمختار) قوله لأنه دعائه من وجه اى فلذا خالف الکلام حيث کان مبطلا ولوساهيا (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٤، ط.س. ج۲ ص۹۱). ظفير الدين غفر له

رکعت پنجم شخصي دیگر شریک شد آیا نماز او صحیح شده است یاخیر؟

جواب: اگر امام دررکعت چهارم بعد از نشستن بقدر تشهد سهوا ایستاده شد وسجده رکعت پنجم را نیز ادا نمود پس او باید که رکعت ششم را نیز همراهش یکجا نماید ودر آخر سجده سهوه بکند فلهذا نماز فرضش کامل شده است واگر شخصي در رکعت پنجم یا ششم مقتدي این امام گردید دراین صورت نماز مقتدي درست نخواهد شد بخاطر این دو رکعت امام نفل است [1] هکذا في الشامي.

در جمعه وعیدین سهوه است یانه؟ سوال: (۲۱۱۹) در نماز جمعه وعیدین سهوه است یانه؟

جواب: دراین مورد قول مختار متأخرین آنست وقتیکه در عیدین وجمعه از دحام واجتماع مردم زیاد میباشد فلهذا سجده سهوه را نکند کذا في الدر المختار والشامي [2].

درفرض فجر بفراموشی بجای التحیات الحمد راخواند وقتیکه بیادش آمد پس التحیات را نیز خواند آیا نماز درست شده است یانه؟ سوال: (۲۱۲۰) درنماز فجر صبح امام سهوا بجاي التحیات اَلْحَمْدُ شریف یا دیگر آیات قرآني را قرائت نمود سپس بیادش آمد والتحیات را نیز خوانده وسجده سهوه اداء کرد در این صورت آیا سجده سهوه واجب است وآیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: چونکه دراین صورت تاخیر واجب انجام شده است فلهذا سجده سهوه واجب است وباداء نمودن سجده سهوه نماز دوست شده است.

امام بفراموشی درقعده او هر دوطرف سلام گرانید آیا او متباقی نماز را اداء نموده میتواند یانه؟ سوال: (۲۱۲۱) امام درقعده اولی بنا برفراموشي هر دوطرف سلام گشتاند پس اکنون متباقي نماز را اداء نموده میتواند یاخیر؟ وبا هر دوطرف سلام گردانیدن نماز درست میشود یانه؟

جواب: با هردوطرف سهوا سلام گردانیدن نماز فاسد نمیشود ومتباقي رکعات را اداء نماید وسر

---

(۱) لو إقتدى به مفترض في قيام الخامسة بعد القعود قدر التشهد لم يصح ولو عاد إلى القعدة لأنه لما قام إلى الخامسة فقد شرع في النفل فكان إقتداء المفترض بالمتنفل (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۱، ط.س. ج۲ ص۸۸). ظفير

(۲) والسهو في صلوة العيدين والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتأخرين عدمه في الأولين لدفع الفتنة (درمختار) وفي جمعة حاشية إلى السعود عن العزمية أنه ليس المراد عدم جوازه بل الأولى تركه لئلا يقع الناس في فتنة (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص.....، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفير

انجام سجده سهوه را اداء کند پس نماز صحیح خواهد شد. [۱]

اگر درقعده او بعد از تشهد درود بخواند یا سلام بگرداند آیا سجده سهوه برآن لازم است یانه؟

سوال: (۲۱۲۲) در نماز چهار رکعتي بعد از تشهد رکعت دوم یک چند الفاظ درود شریف را اضافي خواند آیا بر اوسجده سهوه واجب باشد یانه؟ واگر هردو طرف سلام گردانید دراین مورد حکم چیست؟

جواب: سجده سهوه بر او واجب است ودرصورتیکه هر دوطرف سلام گردانید نیز سجده [۲] سهوه واجب میباشد که باید اداء نماید.

اگرسجده سهوه بر او واجب شود وبعد از هر دو طرف سلام گردانیدن بیادش شود پس چه باید بکند؟ **سوال:** (۲۱۲۳) اگر در یک نماز سجده سهوه واجب شد وبعد از هر دو طرف سلام گردانیدن برایش یاد شد که دراین مورد حکم چیست؟

جواب: سجده سهوه را بکند [۳].

درکم ازسه آیات اگر از وی فراموش شد آیا سورت دیگر را یکجا نماید یانه؟ **سوال:** (۲۱۲٤) اگر از نماز گذار درکم از سه آیات فراموش شود وسورت دیگر را ضمیمه ویکجا نماید دراین کدام حرج است؟ واگر ضم سورت دیگر نمود آیا سجده سهوه بکند یانه؟

جواب: سجده سهوه لازم نخواهد شد [٤].

اگر درسنت فجر بفراموشی به رکعت سوم ایستاده شد پس چه باید کرد؟ **سوال:** (۲۱۲۵) اگر شخصي در سنت فجر در رکعت اول سورت فلق ودررکعت دوم سورت الناس را قرائت نماید وبعد از رکعت دوم بفراموشي به رکعت سوم ایستاده شد پس چه باید کرد؟

جواب: وقتیکه درحالت قیام بیادش آمد پس بنشیند وبعداز تشهد خواندن سجده سهوه را اداء

---

(۱) إلا السلام ساهيا للتحليل اى للخروج من الصلوة قبل إتمامها على ظن إكمالها فلا يفسد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج۱ ص۵۷۵). ظفير

(۲) وتأخير قيام إلى الثالثة بزيادة على التشهد بقدر ركن وقيل بحرف وفي الزيلعي الأصح وجوبه باللهم صل على محمد (ايضا باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٤، ط.س. ج۲ ص۸۱). ظفير

(۳) ولو نسي السهو او سجدة صلوتية او تلاوية يلزمه ذلک مادام في المسجد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٤، ط.س. ج۲ ص۹۱). ظفير

(٤) يكره أن يفتح من ساعة كما يكره للإمام أن يلجئه إليه بل ينتقل إلى آية أخرى لا يلزم من وصلها ما يفسد الصلوة او إلى سورة اخرى (ردالمحتار باب مايفسدالصلوة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص٦۲۲). ظ

کند [۱]. فقط

تنها سورت فاتحه یا تنها سورت را قرائت نمود وبه رکوع رفت دراین مورد حکم چیست؟

سوال: (۴۱۲۶) اگر کسي در نماز فجر تنها بعد ازقرائت نمودن سورت به رکوع برود یا الحمد را بگذارد ویک سورت را قرائت نماید وبه رکوع برود پس حکم آن چیست؟

جواب: در هر دو صورتین سجده سهوه واجب است ونمازش درست شده است [۲].

اگر سجده سهوه واجب شد وآن را اداء ننمود حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۱۲۷) اگر سجده سهوه واجب گردید وآن را اداء نکند حکم آن چیست؟

جواب: اگر سجده سهوه واجب شد وآن را اداء ننمود پس اعاده [۳] نماز واجب است.

برای اداء نمودن چیزی بامانده از رکوع بطرف قیام رجوع نمودن چگونه است؟ **سوال:** (۲۱۲۸) از رکوع بطرف قیام بدان فکر رجوع نمودن که یک سنت باقیمانده یا واجب را اداء نماید سُخن عام است که واقعا چیزي از آن هر دو باقیمانده باشد یانه؟ وبطرف قیام واپس من قصدا یا سهوا رجوع نمودن درسائر صورت هاي متذکره از رکوع بطرف قیام آمدن چه حکم دارد؟

جواب: درسائر صورت های متذکره مسئوله سجده سهوه واجب است واعاده نماز لازم نیست [۴] لکن متأخرین ترک سجده سهوه را در عیدین وجمعه اولی فرموده اند بسبب انبوه وازدحام مردم فقط.

در رکعت سوم جلوس نمود لکن فورا ایستاده شد حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۱۲۹) امام

---

(۱) سها عن القعود الأول من الفرض عمليا أما النفل فيعود ما لم يقيد بالسجدة ثم تذكره عاد إليه وتشهد ولا سهو عليه في الأصح (درمختار) لا سهو عليه في الأصح يعني إذا عاد قبل أن يستتم قائما الخ واما إذا عاد وهو إلى القيام أقرب فعليه سجودالسهو (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۶، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفير

(۲) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو الخ وهي الخ قراءة فاتحة الكتاب فيسجد للسهو بترک اكثرها لا اقلها لكن في المجتبى يسجد بترک اية منها وهو أولى الخ وضم أقصر سورة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۲۴، ط.س. ج۱ ص۴۵۶). ظفير

(۳) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا (الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب واجبات الصلوة ج۱ ص ۴۲۴، ط.س. ج۱ ص۴۵۶). ظفير

(۴) ولو نسيه اى القنوت ثم تذكره في الركوع لا يقنت فيه لفوانت محله ولا يعود إلى القيام في الأصح لأن فيه رفض الفرض للواجب فان عاد إليه وقنت ولم يعد الركوع لم تفسد صلوته الخ وسجد للسهو (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۶، ط.س. ج۲ ص۹). ظفير

در رکعت سوم سهوا نشست وبا الحمد لله گفتن مقتدي فورا ایستاده شد ودر حین جلوس بوجه شک به انتظار الحمد لله چیزي رانخوانده بود وبدنبال آن سجده سهوه رانکرد آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: اگر معمولي واندک نشست صورت گرفته بود ومدت طولاني را در نشست دربر نگرفته بود پس دراین صورت سجده سهوه واجب نیست ونمازش درست شده است [۱].

بعد از قعده اخیر بفراموشي ایستاده شد پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۳۰) درنماز بعد از اداء نمودن قعده آخر نماز خوان ایستاده شد وقتیکه بیادش آمد واپس نشست بناء اکنون او براي اداء نمودن سجده سهوه بعد از خواندن التحیات به یک طرف سلام بگرداند ویا آنکه بغیر از قرائت آن؟

جواب: دوباره براي خواندن التحیات ضرورت نیست زیرا قعده وتشهد قبلا خوانده شده است ونشسته اوسلام بگرداند وسجده سهوه را اداء نماید وبعد از خواندن التحیات وغیره سلام اختتام را بگرداند درشامي مذکور است: قوله عاد وسلم الخ وفیه اشارة الی آنه لایعیدالتشهد وبه صرح في البحر [۲].

بعد ازثناء خواندن به رکوع رفت سپس بیادش آمدکه قرائت ترک شد: سوال: (۲۱۳۱) (۱) زید بعد از نیت نمودن سبحانک اللهم راخواند وبه رکوع فرود رفت وبعداز تسبیح گفتن بیادش آمد که قرائت راترک نمودم اکنون برایش چه کردن بکار است؟

رکوع را فراموش نمود: سوال: (۲۱۳۲) (۲) نماز خوان بعد از نیت نمودن قرائت خواند اما رکوع ننود بلکه بطرف سجده رفت وبعد از اداء نمودن هر دوسجده بیادش آمد که رکوع را اداء نمودم الان براي اوچه کردن بکار است؟

تنها یک سجده کرد: سوال: (۲۱۳۳) (۳) نماز گذار در رکعت اول تنها یک سجده راکرد ودر رکعت دوم بیادش شد که من یک سجده کردم اکنون براي او چه کردن بکار است؟

امام بفراموشي به رکعت ایستاده شد، آیا مقتدی متابعت اورا بکند؟ سوال: (۲۱۳٤) (٤)

---

(۱) ویکره للنهوض علی صدور قدمیه بلا إعتماد وقعود الراحة ولو فعل لا بأس به (درمختار) ولا ینافي هذا ما قدمه الشارح في الواجبات حیث ذکر منها ترک قعود قبل ثانیة ورابعة لأن ذلک محمول علی القعود الطویل ولذا قیدت الجلسة هنا خفیفة (رد المحتار فصل في بیان تألیف الصلوة، ط.س. ج۱ ص٤۹۷). ظفیر

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰. ظفیر

امام چهار رکعت را اداء نمود ودرقعده اخیر تنها التحیات راخوانْد وسهوا ایستاده شد ومقتدي اورا فتحه ندادونه میخواهد که او را فتح بدهد وبراي مقتدیان معلوم است که این رکعت پنجم است پس اکنون مقتدیان بعد ازکامل خواندن التحیات سلام بگرداند ویا اقتداء امام را بکند؟

زید در دورکعت آمد وبا امام یکجا شریک شد وامام بعداز اداء نمودن قعده آخر سهوا قیام نمود ومقتدي اورا فتحه داد اما امام فتحه را نگرفت اکنون براي زید اقتداء وتقلید امام بکار است یانه؟

فتح دادن: **سوال**: (۲۱۳۵) (۵) امام در داخل سه آیات برایش متشابه عارض شد اکنون مقتدیان برایش فتح بدهند یانه؟

فتح دادن بعد از قرائت سه آیات: **سوال**: (۲۱۳٦) (٦) امام بعد از الحمدسه آیات را درست قرائت نمود اکنون برایش فتح داده شود یانه؟

سائر رکعات را پراداء نمود حکم آن چیست؟ **سوال**: (۲۱۳۷) (۷) امام سه یا چهار رکعات را پر اداء نمود اکنون برایش سجده سهوه کردن بکار است یانه؟

قرائت درسنن ونوافل: **سوال**: (۲۱۳۸) در سائر دو رکعت نخستین نماز هاي نوافل سنن وفرائض قرائت نمودن سورت فاتحه واجب است آیا در دورکعت آخري نیز واجب است یاخیر؟ اگر در آخري دورکعت سورت فاتحه را نخواند نمازش صحیح باشد یانه؟

جواب: (۱) خواندن بکار است ودرآخر سجده سهوه را اداء نماید: المتروک ثلثة انواع فرض وسنة وواجب ففي الاول ان آمکنه التدارک بالقضاء یقضي الى قوله ولایجب السجود الا بترک واجب اوتاخیره او تاخیر رکن الخ عالمگیري کشوري: ج۱ ص ۱۲٤ ظفیر.

جواب: (۲) ازسجده قیام نماید ورکوع کند سپس درآخر سجده سهوه بکند: ولا یجب السجود الا بترک واجب اوتاخیر رکن او تقدیمه اوتکراره عالمگیری کشوري: ج ۱ ص ۱۲٤ ظفیر.

جواب: (۳) آن سجده را اکنون اداء نماید وبعد از اداء نمودن رکعت درآخر سجده سهوه رابکند [1]

جواب: (٤) هردو اختیار را دارد لکن هرکسي که از ابتـداء شریـک نیـست مسبـوق است اگر

---

(۱) فلو ترک سجدةمن رکعة فتذکرها في اخر الصلوة سجدها وسجد للسهو لترک الترتیب فیه ولیس علیه إعادة ما قبلها. (عالمگیري کشوري ج۱ ص۱۱۵). ظفیر

اقتداء او را بکند فرضش باطل [۱] خواهد شد.

جواب: (۵) نه خیر لو قام الی الخامسة فتابعه فان کان الامام قعدعلی الرابعة فسدت صلوة المسبوق الخ غنیة المستملي: ج ۱ ص ٤٤١ ظفیر.

جواب: (٦) برایش اختیار است لکن اگر امام ا زمکان دیگر قرائت را شروع ننمود دراین صورت برای مقتدیان ضروري است که فتح بدهند [۲].

جواب: (۷) اختیار دارد لکن اگر قسما قرائت غلط نماید که مفسد الصلاة باشد پس ناگزیر ضرورت است که برایش رهنمائي درست وصحیح نمایند ورنه نماز هاي سائر آنان فاسد خواهد شد. الا یری الی آنه ﷺ قال لِأُبَیِّ هَلّا فتحتَ عليّ غنیة المستملي: ص ٤١٧ ظفیر.

جواب: (۸) نه خیر ولو قرا في الاخرين الفاتحة والسورة لایلزمه السهو وهو الاصح عالمگیري کشوری: ج۱ ص ۱۲۵ظفیر.

جواب: (۹) صحیح نیست ویجب قراءة الفاتحة وضم السورة اومایقوم مقامها من ثلث آیات قصار او آیة طویلة في الاولیین وفي جمع رکعات النفل والوتر هکذا في البحر الرائق عالمگیري کشوری: ج ۱ ص ٦۹ ظفیر.

درقعد ہ اخیر برایش شک عارض شد که قعده او را اداء ننموده ام پس چه باید کرد؟

سوال: (۲۱۳۹) درقعد ہ اخیر برایش شبهه عارض شد که قعده اولی را اداء نمودم یانه؟ آیا سجده سهوه را اداء کند یانه؟

جواب: اداء نماید فقط والله اعلم.

سجده سهوه را بعد ازسلام اداء نماید: **سوال:** (۲۱٤۰) سجده سهوه را قبل از سلام یابعد ازسلام اداء نمودن بکار است ویا آنکه درمیان امام ومنفرد فرق است؟

جواب: راجح وصورت بهتر آنست که تنها بعداز سلام گردانیدن بطرف راست سجده سهوه بکند ودر آن هیج فرق در میان امام ومنفرد معلوم نمیشود في الدر المختار: یجب له بعد سلام واحد عن یمینه الی آن قال لانه المعهود وبه یحصل التحلل وهو الاصح [۳] الخ فقط.

(۱) ومن جملتها أنه لو قام إمامه إلى الخامسة فتابعه فإن کان الإمام قعد على الرابعة فسدت صلوة المسبوق لإقتدائه في موضع الأنفراد(غنیة المستملي ص٤٤١). ظفیر

(۲) والفتح إن لم یقرأ قدر الواجب لهدة تاکد الواجب وقربه من الفرائض (غنیة المستملي ص٤١٨). ظفیر

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۱۰۱، ط.س. ج۲ ص۷۸. ظفیر

حکم ترک شهد اول: **سوال**: (٢١٤١) بترک تشهد اول نماز میشود یانه؟ درصورتیکه سجده سهوه رابفراموشي اداء نکند؟

جواب: اعاده نماز واجب است [١] فقط.

حکم خواندن مقدم ومؤخر سورت: **سوال**: (٢١٤٢) (١) در نماز بقرائت نمون مقدم ومؤخر سورت سجده سهوه لازم میگردد یانه؟

اگر شک باشد چه باید کرد؟ **سوال**: (٢١٤٣) (٢) براي امام شک عارض شد که من یک سجده کردم یادو دراین صورت سجده سهوه (اداء کند ویا آنکه نماز را اعاده نماید؟

سجده سهوه بلا ضرورت: **سوال**: (٢١٤٤) بلا ضرورت اداء نمودن سجده سهوه موجب اعاده نماز است یانه؟

جواب: (١) سجده سهوه لازم نیست اما عمدا همچو کردن مکروه است ویکره الفصل بسورة قصرة وان یقرء منکوسًا الدر المختار [٢].

جواب: (٢) اگر ظن غالب به یک طرف نباشد پس یک سجده دیگر را بکند سجده سهوه نماید وجب علیه سجود السهو في جمیع صور الشک سواء عمل بالتحري اوبنی علی الاقل لکن في السراج انه یسجد للسهو في اخذ الاقل مطلقًا وفي غلبة الظن ان تفکر قدر رکن الخ در المختار [٣].

خلاف ترتیب سور قرائت نمودن: **سوال**: (٢١٤٥) خلاف ترتیب سورت ها قرائت نمودن موجب سجده سهوه است یا نه؟

جواب: سجده سهوه واجب نیست قوله بترک واجب اي من واجبات الصلوة لاکل واجب اذ لوترک ترتیب السور لایلزمه الخ شامی [٤] فقط.

درنماز حکم قرائت بلا ترتیل: **سوال**: (٣١٤٦) شخصي درنماز جهري قرآن مجید را بلاترتیل قرائت نمود آیا این نماز شد یانه حلا نکه سجده را نیز نکرده؟

---

(١) ومنها قراءة التشهد فإنها واجبة في القعدتين الأولى والأخيرة وإلى هذا أشار صاحب الهداية في باب سجود السهو فاوجب السجود بترک التشهد في القعدة الأولى (غنية المستملي ص٢٩٠). ظفير

(٢) الدر المختار فصل ويجهر الإمام ج١ ص٤٨١، ط.س. ج١ ص٥٤٦. ظفير

(٣) ايضا: ج١ ص ١٠٣ ظفير

(٤) ردالمحتار ابتداء باب سجود السهو. ظفير

جواب: اگر چنان غلطي مفسد الصلوة نشده باشد پس نمازش شده ونیازي براي سجده سهوه احساس نمیشود [1] فقط.

امام رابه سبحان الله گفتن تنبیه دادن: سوال: (۲۱٤۷) (۱) اگر از امام سهوا قعده آخر ترک شوذ وامام عنقریب قیام رسید آیا براي مقتدي بگفتن سبحان الله ایستاد شدن اولی است ویا نشته سبحان الله را بگوید اولی چگونه است؟

قعده اخیر را فراموش نموده ایستاد شد سپس بیادش امد اکنون جه باید کرد؟ سوال: (۲۱٤۸) (۲) اگر از کسي قعده آخیر فراموش شد وقیام نمود پس [2] آیا آنکس بمجرد یا دشدن قعده بکند یا بقدر الحمد قیام نماید فقط.

جواب: (۱) درحالت نشستن گفتن اولی معلوم میشود ودر آن مورد کدام جزئیه از نظرم نگذشته است وصحیح هر دوطریقه است.

جواب: (۲) اگر فورا بیادش آمد درآن صورت قعده نمودن بکار است یعني تا وقتیکه سجده نکرده باشد کما هو عامة المعتبرات ولو سها عن القعود الاخیر الخ عاد الخ مالم یقید بالسجدة الخ فقط.

درنماز خوابیدن: سوال: (۲۱٤۹) در نماز شخصي طوري خوابید که مفسد الصلاة نیست ودر آن اثنا درواداء نمودن فرض بقدرسه بار تسبیحات تأخیر شد آیا سجده سهوه لازم خواهد یانه؟

جواب: قال في الدر المختار: فان اتی بها او باحدها بان قام اورکع اوسجد او قعد الاخیر نائما یعتد بما اتی به بل یعیده وهل یسجد لتاخیر الرکن؟ الظاهر نعم [3].

از عبارت فوق الذکر شامي معلوم شد که لزوم سجده سهوه بکار است [4].

الباب الثانی عشر فی سجود التلاوة

سجده تلاوة چه وقت ودرکجا واجب میگردد؟

اگر بعد از تلاوت نمودن آیت سجده معنی آنرا نیز بگوید درآن صورت چند سجـــده

---

(۱) ومنها القراءة بالألحان إن غیر المعنی وإلا لا، إلا في حرف مد ولین إذا فحش وإلا لا، (الدر المختار ج۱ ص۹۰). ظفیر

(۲) الدر المختار باب سجود السهو ج۱ ص۱۰۲، ط.س. ج۲ ص۸۵. ظفیر

(۳) الدر المختار باب صفة الصلوة ج۱ ص۷۱، ط.س. ج۱ ص٤۵۵. ظفیر

(٤) رد المحتار باب صفة الصلوة قبیل مطلب واجبات الصلوة ط.س. ج۱ ص٤۵۵. ظفیر

بکند؟ سوال: (۲۱۵۰) شخصي بعد از تلاوت نمودن آیت سجده آن آیت متذکره را معنی نیز کرد آیا این شخص یک سجده بکند یا دوسجده؟

جواب: یک سجده بذمه اش لازم است [1] فقط.

در سجده تلاوت گنجایش تأخیر است یانه؟ سوال: (۲۱۵۱) یک واعظ در جریان تقریر آیت سجده را جهرا تلاوت نمود لکن خودش سجده را اداء ننمود ونه براي حاضرین در مورد اداء سجده چیزي گفت وقتیکه هدف اعتراض قرار گرفت پس در پاسخ با عرض معذرت گفت: که در مجمع عام جهرا تلاوت نمودن ایت سجده کدام مضایقه ندارد وانسان باسهو خطا ونسیان مواجه است زیرا ابو البشر حضرت آدم علیه السلام بفراموشي گندم را نوشیده بود وهمچنان از حضرت موسی (عليه السلام) ما هي فراموش شده بود فلهذا آیا در مقام عذر براي واعظ مذکور بطور شهادت خطا ونسیان انبیاء کرام (ص) راپیش نمودن درست بوده یانه وآیا عذر او شرعا معقول است یانه؟

جواب: در شامي است: قوله یجب اي وجوباً موسعًا في غیر صلوة الخ از آن عبارت معلوم شد که وجوب سجده تلاوت موسع است وفورا واجب نیست بناء بالای واعظ اعتراض نمودن بي مورد بود هر گاه مورد اعتراض قرار گرفت پس واعظ موصوف نیز عذر خود را تقدیم میتوان کرد که اداء نمودن سجده تلاوت في الفور واجب نیست بویژه درمجلس وعظ.

ودر پیش نمودن خطا ونسیان انبیاء کرام بطور استشهاد نیز کدام ممانعت وحرج نیست ودر حدیث شریف نیز همچو مضمون وارد شده است: فنسي آدم الخ فنسیت ذریته او کما قال ﷺ فقط.

در رکوع یاسجده صلاتیة نیت نمودن سجده تلاوت میشود یانه؟ سوال: (۲۱۵۲) اگر امام یامنفرد درنماز فرض یا تراویح یا تهجد وغیره یک رکوع از سورت هاي اعراف یا سورت نجم یا سورت علق یا دیگر رکوع که مشتمل بر سجده تلاوت باشد آنرا قرائت نماید وبجاي سجده

---

(۱) یجب بسبب تلاوة آیة ای اکثرها مع حرف السجدة (درمختار) قوله بسبب تلاوتها إحترز عما لو کتبها او تهجاها فلا سجود علیه (رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۵، ط.س. ج۲ ص۱۰۳). ظفیر

تلاوت در ركوع نيت اداء نمودن سجده تلاوت را كرد آيا در همچو صورت سجده تلاوت امام ومقتديان اداء خواهد شد يانه؟ وعلى هذا بعد از آيت سجده امام همانطور دو چهار آيات را قرائت نموده ركوع كرد ودرآن نيت سجده تلاوت را نيز بست بناء آيا اين چنين نيز درست است يانه؟ سورت بني اسرابيل بعد از آيت سجده بر دو آيت ديگر ختم ميگردد وهمچنان سورت انشقاق بعد از آيت سجده بر چهار آيات ديگر اختتام مي يابد بناء آيا بعد از ختم شدن سورت هاي فوق الذكر در ركوع بنيت نمودن سجده تلاوت اداء خواهد شد يانه؟

جواب: اگر بعد از تلاوت نمودن آيت سجده فورا دوسه آيت را قرائت نمود وركوع كرد ودر ركوع نيت سجده تلاوت را بست پس سجده تلاوت اداء خواهد شد وبراي مقتديان همچنان نيت نمودن ضروري است وبغير از نيت سجده تلاوت از ذمه آنها اداء نخواهد شد [1] وفوريت از سه آيات بيشتر منقطع ميگردد فقط.

سجدة آخري سورت حج وحكم آن: سوال: (۲۱۵۳) سجدة آخري سورة حج عندالشافعي رحمت الله عليه وا جب است ودر حالت اقتداء آيا حنفي المذهب نيز در اتباع شافعي المذهب اين سجدة را اداء نمايد يانه وقتيكه امام حنفي باشد ومقتديان شوافع باشند پس مقتديان ان سجدة را چگونه آداء خواهند نمودند؟

جواب: درشامي آمده است كه بخاطري متابعت امام شافعي المذهب مقتديان احناف نيز درسجده آخري سورة حج سجده را اداء كنند والظاهر انه يتبعه فيها لوكان في الصلوة [2] الخ شامي وهرگاه امام حنفي باشد پس اين سجده را نكند از ذمه مقتدي همچنان مطابق قواعد احناف اين سجده ساقط است لكن اگر بنزد شوافع اداء نمودن سجده صلاتيه بتعقيب نيز جائز باشد پس

---

(۱) تؤدى بركوع صلوة إذا كان الركوع على الفور من قراءة آية او آيتين وكذا الثلاث على الظاهر كما في البحر إن نواه اى كون الركوع لسجود التلاوة على الراجح «درمختار» وفي الإمداد الإحتياط قول شيخ الإسلام خواهر زاده بإنقطاع الفور بالثلاث وقال شمس الأئمة الحلواني لا ينقطع ما لم يقرأ اكثر من ثلاث وقال الكمال ابن الهمام قول الحلواني هو الرواية الخ (رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۳، ط.س. ج۲ ص۱۱۱). ظفير

(۲) ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۷ ، ط.س. ج۲ ص۱۱۱. ظفير

ایشان اداء نموده میتوانند واما بنزد احناف هرسجده که در نماز لازم شود ودر آن وقت اداء نگردد پس آن سجده بتعقیب اداء نمیشود (۱) فقط

اگر درنماز سجده تلاوت را فراموش نماید: سوال: (۲۱۵٤) اگر درنماز سجده تلاوت را فراموش کند ودر رکعت دیگر بیادش آید پس چگونه آن را اداء کند؟

جواب: اگر سجده تلاوت را درآن رکعت فراموش نموده باشد که در آن آیت سجده را قرائت نموده بود پس هر گاه که در رکعت دوم یا سوم بیادش آمد آن را اداء نماید (۲) وبعد از آن سجده سهوه بکند فقط.

درنماز آیت سجده تلاوت را قرائت نمود پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۵۵) اگر کسي آیت سجده را درنماز قرائت نمود پس سجده را چه وقت اداء نماید؟

جواب: بهتر آنست که درهمان وقت سجده را اداء فرماید درکدام وقتیکه آیت سجده راتلاوت نموده است وفقهاء کرام تحریر نموده اند که اگر بعد از آن بیادش آمد ودرآن وقت آن را اداء کرد پس سجده سهوه بر او لازم است (۳) فقط.

تاخیر سجده تلاوت: سوال: (۲۱۵٦) تاخیر سجده تلاوت جائز است یانه؟

جواب: قال في الدر المختار وهي علي التراخي علي المختار (٤) وفي شامي قوله یجب اي وجوباً موسعاً في غير صلوة الخ شامي (٥) ويكره تاخيرها تنزيها (٦) الخ فقط پس معلوم شد.

---

(۱) وهي على التراخي الخ إن لم تكن صلوتية فان كانت صلوتية فعلى الفور لصيرورتها جزء منها ويأثم بتأخيرها ويقضيها مادام في حرمة الصلوة ولو بعد السلام (درمختار) اى ناسيا مادام في المسجد وروى أنه لايسجد بعد السلام ناسيا (رد المحتار باب ايضا ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۹). ظفير

(۲) المصلي إذا نسى سجدة التلاوة في موضعها ثم ذكرها في الركوع او السجود او في القعود فانه يخير لها ساجدا ثم يعود إلى ماكان فيه ويعيده إستحسانا وإن لم يعد جازت صلوته كذا في الظهيرية في فصل السهو (عالمكيري كشوري كتاب الصلوة باب ثالث عشر في سجدة التلاوة ج۱ ص۱۳۲، ط.س. ج۱ ص۱۳٤). ظفير

(۳) ولو تلا في الصلوة سجدها فيها لا خارجها الخ (درمختار) أما لو سهوا وتذكرها ولو بعد السلام قبل أن يفعل منافيا يأتي بها ويسجد للسهو (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۳) واذا كان المختار وجوب سجود السهو لو تذكرها بعد محلها (ايضا ج۱ ص۷۲۲، ط.س. ج۲ ص۱۱۰). ظفير

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۹. ظفير

(٥) ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱٥، ط.س. ج۲ ص۱۰۳. ظفير

(٦) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۹. ظفير

بعد از نماز فجر وقبل از طلع آفتاب وبوقت زوال وهمچنان بعد از نماز عصر سجده تلاوت جائز است يانه: **سوال**: (٢١٥٧) بعد از نماز فجر وقبل از طلع آفتاب ودر وقت زوال وبعد از صلواة عصر وقبل از غروب آفتاب آيا سجده تلاوت جواز دارد ياخير.

جواب: جواز دارد: كما في الدر المختار لايكره قضاء فائتة ولو وترا اوسجدة تلاوت وصلوة جنازة [(١)] الخ.

آيت سجده را از تيپ (ضبط صوت) يا پرنده شنيدن موجب سجده تلاوت نيست: **سوال**: (٢١٥٨) اگر بذريعه تيپ (ضبط صوت) يا ازپرنده آيت سجده شنيده شود آيا سجده تلاوت واجب خواهد شد يانه؟

جواب:دردرالمختار آمده است كه از پرنده يا صداي نقل كننده آواز اگر آيت سجده شنيده شود موجب سجده تلاوت نيست وصداي نقل آواز وحكايت آن ميباشد كه ازكوه وغيره بطريق انعكاس معلوم ميشود وبهمان طريق اگر از تيپ ضبط صوت وغيره شنيده شود موجب سجده تلاوت نيست [(٢)] فقط.

اگر بغير از نيت تلاوت آيت سجده را قرائت نمود نيز تلاوت واجب نميگردد: **سوال**: (٥٩ ٢١) اگر بغير از نيت تلاوت آيت سجده قرائت شود آيا سجده واجب خواهد شد يانه؟

جواب: درآن صورت سجده واجب است [(٣)] فقط.

دردل بتلاوت سجده سجده تلاوت واجب نمگيردد: **سوال**: (٢١٦٠) اگر كسى آيت سجده را نگاه كرده دردل تلاوت نمايد آيا بالاي او سجده واجب است يانه؟

جواب: تلاوت نمودن ضروري است بغير از تلاوت سجده واجب نميشود قال في الدر المختار بسبب [(٤)] تلاوت الخ فقط.

---

(١) الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلاة قبيل باب الاذان ج١ ص٣٤٨، ط.س. ج١ ص٣٤٥. ظفير

(٢) لا تجب بسماعه من الصدى والطير (درمختار) الصدى هو ما يجيب لک مثل صوتک في الجبال والصحاري ونحوهما (رد المحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧٢١، ط.س. ج٢ ص١٠٨). ظفير

(٣) يجب بسبب تلاوة اية اى أكثرها مع حرف السجدة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧١٥، ط.س. ج٢ ص١٠٣). ظفير

(٤) قوله بسبب تلاوة احترز عما لو كتبها او تهجاها فلا سجود عليه (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧١٥، ط.س. ج٢ =

اگر درمجمع از واعظ آیت سجده شنیده شود پس سائر حاضرین علیحده سجده بکنند:

سوال: (۲۱٦۱) یک واعظ درمحضر صدها نفر آیت سجده را قرائت نمود آیا سجده تلاوت بر سائرین آنها ضروري است اگر باشد پس آیا واعظ براي آنها سجده رابجماعت داده میتواند؟

جواب: بتلاوت وسمع نمودن ایت سجده سجده تلاوت واجب میگردد فلهذا بر سامع وتلاوت کننده سجده لازم شد وعلیحده هر یکي سجده را اداء فرمائید [۱].

بعد از تلاوت نمودن آیت سجده سجده را اداء کرد که قبلا بیادش نبود پس اکنون چه باید کرد: **سوال:** (۲۱٦۲) زید قارٰي است زید نماز را اداء نمود ودر اثناء تلاوتش آیت سجده آمد وفورا سجده تلاوت را اداء نمود وبعد از سجده ایستاد شد اما براي اوقرآن شریف درپیش بیادش نیامد زید دروقتاً سجده تلاوت رکوع را نیز بنا برلاعلمي یا فراموشي نکرد بناء آیا زید بعد از قیام نمودن ازسجده تلاوت رکوع بکندیا چه خواهد کرد؟

جواب: وقتیکه درنماز آیت سجده را تلاوت نمود وپیش از آن چیزي را قرائت نمي نماید بازهم درحالت رکوع بنیت سجده نمودن سجده تلاوت اداء میگردد واگر سجده تلاوت را اداء کرد پس بهتر آن است که قیام نماید وبعد ازتلاوت نمودن چند آیات باز رکوع بکند واگر قیام نماید وفورا برکوع برود پس درآن نیز کدام حرج نیست نمازش صحیح است [۲] فقط.

اگر تمام سجده هاي تلاوت قرآن مجید را درآخر تلاوت یکجاه اداء نماید آن چیست: **سوال:** (۲۱٦۳) آیا تمام سجده هاي تلاوت رابعد ازختم قرآن مجید یکبار اداء نموده میتواند یانه؟

= ص۱۰۳). ظفیر

(۱) وذکر في المجتبى أن الموجب للسجدة أحد ثلاثة: التلاوة والسماع والإئتمام (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۷، ط.س. ج۲ ص۱۰٤). ظفیر

(۲) وتؤدى برکوع وسجود غیر رکوع الصلوة وسجودها في الصلوة وکذا خارجها ینوب عنها الرکوع (درمختار) قال في الحلیة والأصل في ادائها السجود وهو افضل ولو رکع بها على الفور جاز وإلا لا آه اى وإن فات الفور لا یصح الخ وفي الحلیة إذا سجد او رکع لها علیحدة فورا یعود إلى القیام ویستحب أن لا یعقبه بالرکوع بل یقرأ ایتین او ثلاث فصاعدا ثم یرکع (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۳، ط.س. ج۲ ص۱۱). ظفیر وهي على التراخي على المختار، ویکره تاخیرها تنزیها الخ إن لم تکن صلویة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۹). ظفیر الدین غفرله

جواب: این هم جائز است اما بهتر آنست که در همان وقت اداء شود فقط لکن گنجائیش تاخیر در آن صورت است که در نماز نباشد ودرنماز فورا باید اداء شود فقط.

سجده تلاوت واجب است: **سوال:** (۲۱۶٤) درقرآن مجید که بکدام تعداد سجده هاي تلاوت است آنها واجب اند یا فرض؟

جواب: سجده هاي تلاوت واجب اند [۱].

اگر نشسته آیت سجده را تلاوت نماید بناء آیه سجده را نشسته اداء نموده میتواند یانه؟ **سوال:** (۲۱٦۵) (۱) اگر سجده تلاوت را درحالت جلوس قرائت کند آیه سجده رانشسته اداء میتواند یا آنکه ایستاد شود؟

بعد از فجر وعصر سجده نمودن: **سوال:** (۲۱٦٦) (۲) آیا بعد ازنماز فجر وعصر تنها اداء نمودن سجده نیز حرام است؟

بلا وضوء سجده تلاوت درست نیست: **سوال:** (۲۱٦۷) (۳) اگر شخصي بغیر از وضوء آیت سجده تلاوت نمود آیا سجده تلاوت را اداء کند یانه؟

جواب: (۱) درکتاب هاي فقه نگاشته اند مستحب آنست که ایستاد شود وسجده نماید وبعد از سجده قیام نماید درهر حالتیکه قرائت نموده باشد ظفیر لکن اگر نشسته سجده تلاوت را اداء نمود درآن نیز کدام حرج نیست [۲].

جواب: (۳) سجده تلاوت وغیره درست است واما نماز نوافل دران وقت مکروه است [۳] بعدا وضوء بکند وسجده را اداء نماید [٤] فقط زیرا سجده تلاوت واجب است وبلا وضوء اداء نمودن سجده تلاوت جواز ندارد ظفیر.

---

(۱) والسجدة واجبة في هذه المواضع علي التالي والسامع الخ (عالمكيري مصري الباب الثالث عشر سجود التلاوة ج۱ ص۱۲٤، ط.س. ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۲). ظفير

(۲) والمستحب أنه إذا أراد أن يسجد للتلاوة يقوم ثم يسجد وإذا رفع رأسه من السجود يقوم ثم يقعد كذا في الظهرية (عالمكيري مصري باب سجود التلاوة ج۱ ص۱۲۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۵). ظفير

(۳) ويكره أن يتنفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس وبعد العصر حتى تغرب الخ و لاباس بان يصلي في هذين الوقتين الفوائت ويسجد للتلاوة ويصلي على الجنازة (هدايه باب المواقيت ج۱ ص۸۱). ظفير

(٤) وشرائط هذا السجدة شرائط الصلوة إلا التحريمة (عالمكيري مصري باب سجود التلاوة ج۱ ص۱۲٦، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۵). ظفير

سجده تلاوت واجب میشود به تکرار نمودن قرائت آیة سجده: سوال: (۲۱۶۸) یک نفر در نماز سورة سجده را تلاوت نمود وسجده را اداء کرد سپس بنابر کدام وجه ضیرورت براي اعاده نماز شد ثانیا نیز همان سورت راقرائت نمود فلهذا آیا دوباره سجده اداء نمودن لازم است ویاسجده قبلي کافي خواهد شد؟

جواب: سجده ثاني لازم است [1] فقط.

اگر برخی از آیات سجده رابخواند وبرخی را نخواند حکیم آن چیست؟ سوال: (۲۱۶۹) آخرین الفاظ آیت سجده را قرائت ننمود آیا سجده تلاوت بروي لازم شد یانه؟

جواب: اگر کلمه را قرائت نموده است که مشتمل برلفظ سجده باشد درآن صورت سجده تلاوت بروي لازم وواجب [2] خواهد شد.

ان عده سجده های تلاوت را که اداء ننموده است اکنون طریقه اداء نمودن انها چگونه است؟ سوال: (۲۱۷۰) یک حافظ علاوه از رمضان المبارک هیچگاه سجده تلاوت را اداء نمي کرد اکنون اومیخواهد که سجده ها را اداء کند قدرت کفاره را ندارد؟

جواب: مقدار واندازه آن رامعلوم نماید وسجده هاي تلاوت راتکمیل کند وروزانه هرچندي که ممکن باشد بنیت قضاء آن سجده ها را اداء کند وکفاره آنها همان است که سجده را اداء کند [3]. فقط

اطلاع سجده تلاوت: سوال: (۲۱۷۱) قبلا براي امام چنین گفتن که من در فلاني رکعت سجده تلاوت را اداء مي نمایم بناء خبردار باشید آیا این جائز است یانه؟

---

(۱) وشرط التداخل إتحاد الآية واتحاد المجلس حتى لو إختلف المجلس واتحدت الآية او إتحد المجلس واختلفت الآية لا تتداخل كذا في المحيط (ايضا ج۱ ص۱۲۵، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۷). ظفير

(۲) يجب بسبب تلاوة آية اى اكثرها مع حرف السجدة (درمختار) هذا خلاف الصحيح الذي جزم به في نور الإيضاح ففي السراج وهل تجب السجدة بشرط قراءة جميع الآية أم بعضها فيه إختلاف والصحيح انه إذا قرأ حرف السجدة وقبله كلمة او بعده كلمة وجب السجود وإلا فلا الخ (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۵، ط.س. ج۲ ص۱۰۳). ظفير

(۳) وهي على التراخي على المختار ويكره تأخيرها تنزيها الخ إن لم يكن صلوتية (درمختار) حتى لو أداها بعد مدة كان مؤديا إتفاقا لا قاضيا الخ لو تراخى كان اداء مع أن المرجح انه على الفور ويأثم بتأخيره (رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۳). ظفير الدين

جواب: درآن کدام حرج نیست فقط.

سجده تلاوت فرض است یا واجب وطریقه اداء نمودن آن چگونه است؟ سوال: (۲۱۷۲) (۱) سجده تلاوت فرض است یاواجب وچگونه اداء نمودن آن بکار است یعني درسجده وقبل ازشروع نمودن سجده ویا بعد از آن چه چیز قرائت نمودن بکار است وهنگامیکه دُرتلاوت قرآن مجید مصروف باشد وآیت سجده را بخواند پس آیا درهمان وقت نشسته سجده را اداء کند ویا آنکه ایستاد شود؟

سوال: (۲۱۷۳) (۲) دیگر آنکه اگر یکبار آیت سجده را درلسان عربي بگوید وبعد از آن ترجمه اش را تکرار واعاده نماید وبهمین طریقه براي کسي مي آموزد ویاخودش حفظ مي کند آن آیت سجده را که بدفعات تلاوت میشود فلهذ آیا درسائر صورتهاي فوق الذکر اداء نمودن سجده تلاوت یکدفعه خواهد باشد علیحده علیحده؟

سوال: (۲۱۷٤) (۳) دیگر آنکه درکدام اوقات اداء نمودن هر نوع نماز مکروه است که درآن سجده نمي تلاوت جائز است؟ مثلا بعد ازفرض فجر تا به طلوع آفتاب یادر وقت چاشت یابعد ازنماز عصر وهمچنان دروقت صبح صادق وقبل از سنت فجر ویا درمیان سنت وفرض؟

سوال: (۲۱۷۵) (۳) دیگر آنکه اگر کسي براي طفل نابالغ درس مي آموزد آیا ازطرف طفل خودش سجده را اداء کند ویا آنکه برایش معاف است؟

سوال (۲۱۷٦) (۵) یا اگر دروقت تلاوت آیت سجده را کسي از تلاوت کننده بشنود اگر اوخودش درآن مورد فهمید وآن را اداء نمود پس فبها ورنه عدم اداء نمودن سجده آیا بالای قرائت کننده باعث کدام گناه میگردد ویا آنکه از طرف سامع نیز قرائت کننده اداء نماید؟

جواب: سجده تلاوت واجب است وطریقَۃ اداء نمودنِ سجده تلاوت از آن قرار است که بعد ازگفتن الله آگر بسجده برودسه دفعه یا زیاد تراز آن برعایت سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی رابگوید سپس از آن بگفتن اللّٰہُ اَکْبَرْ برخیزد پس سجده اش اداء شده است واگر درحالت نشسته بسجده رفت وبعد از سجده نشست باز هم کدام حرج درآن نیست لکن افضل آنست که بعد از قیام نمودن بسجده برود وبعد از اداء نمودن سجده ایستاد شود یجب بسبب تلاوة آیة اي اکثرها مع حرف

السجدة الدر المختار وهی سجدة بين تكبرتين مسنونتين جهراً وبين قيامين مستحبين بلا رفع يد وتشهد وسلام وفيها تسبيح السجود الدر المختار جميل الرحمٰن.

جواب: (۲) در سائر صورت هاي متذكره يک سجده واجب خواهد شد وكررها في مجالس تكررت وفي مجلس واحد لا تتكرر بل گفته واحدةً الخ الدر المختار سجدة التلاوة.

جواب: (۳) دروقت طلوع آفتاب وغروب آفتاب ودر وقت زوال سجده تلاوت نيز حرام است لكن وقتيكه اين سجده را درهمان اوقات تلاوت كند پس سجود نيز درهمان اوقات درست است وبعد از نماز فجرتا به طلوع افتاب وبعدا ونماز عصرتا به غروب آفتاب وبعد از صبح صا دق سجده تلاوت درست است. ذكره تحريماً صلوٰةً ولوعلى جنازة وسجده تلاوة وسهو مع شروق واستواء وغروب الخ وكره نفل الى قوله بعد صلاة فجر وصلوة عصر لاقضاء فائتة وسجدة تلاوة وصلوة جنازة وكذا بعد طلوع فجر سوٰی سنة الخ تنوير.

جواب: (٤) بر طفل نا بالغ سجده تلاوت واجب نميگردد.

جواب: (٥) برسامعين سجده كردن واجب ميشود اگر ايشان آن را اداء نكنند برتلاوت كننده كدام قسم گناه نيست وقرائت كننده ازطرف سامعين سجده را اداء نموده نميتواند فالسبب التلاوة وان لم يوجد السماع كتلاوة الاصم والسماع شرط في حق غر التالي الدر المختار جميل الرحمٰن.

الباب الثالث عشر

فی صلوٰة المریض

رعايت ها براي مريضان در اركان نماز

بدنبال نماز گذار نشسته اقتداء شخص قيام كننده درست است: سؤال: (۲۱۷۷) هر اماميكه نماز را نشسته ميدهد اما او چيزي معذرت وتكليف نيز دارد كه از آن تكليف توان ايستاد شدن را ندارد وسائر امور را ايستاده اجرا مي نمايد بناء آيا نماز امام ومقتديان درست است يانه؟

جواب: اگر معذوري باشد که قیاما نماز را اداء نموده نمیتواند پس نماز او نشسته اداء کردن درست است وبعقب او نماز مقتدیان نیز درست است [۱] همچنین معذور نباشد بلکه قیاما براداء نمودن نماز قادر باشد درآن صورت نماز او درست نیست وبعقب وی نماز مقتدیان نیز صحیح نخواهد [۲] باشد فقط.

تنها دریک چادر خودرا پیچاندن نماز درست است: سوال: (۲۱۷۸) اگر مریض بسبب سردي لحاف یاچادر را ازخویشتن بپیچاند ودر آن نماز میخواند که سائر جسم او را باسر ورویش در آن پنهان باشد ومواضع ستر او مانند زانو فخذین وسرین او مکشوف وغیر مستور باشد از نگاه مرض وآنکس که در پهلویش باشد از نظر اونیز پنهان نباشد آیا نماز همچو مریض جائز خواهد باشد یانه؟

بنا بر مجبوریت نماز درلباس نجس: سوال: (۲۱۷۹) اگر مریض مجبورا مع نجاست نماز را اداء نماید آیا بعد از صحت یابی شدن قضاء بذمة اش لازم است یانه؟

جواب: (۱) نماز آن مریض صحیح است [۳]

جواب: (۲) اگر در حالت مجبوري تطهیر لباس نباشد وباقي مانده نخواهد شد پس نماز او صحیح است واگر لباس را تبدیل نموده میتوانست اما او تبدیل نکرد پس درآن صورت قضاء بر ذمه اش لازم است [۴] فقط.

در حالت مریضی شدید ترک نمودن روزه ونماز وکفاره آن: سوال: (۲۱۸۰) مادر کلان جدة زید تابه مدت پنج سال درچنان مریضي مبتلا بود که بسبب آن مریضي یک دست وپایش را

---

(۱) ویصح إقتداء القائم بالقاعد الذي یرکع ویسجد لا إقتداء الراکع والساجد بالمؤمي (عالمکیري مصري باب الإمامة ج۱ ص۷۹، ط. ماجدیة ج۱ ص۸۵). ظفیر

(۲) من فرائضها التی لا تصح بدونها التحریمة الخ ومنها القیام الخ في الفرض الخ لقادر علیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث القیام ج۱ ص۴۱٤، ط.س. ج۱ ص٤٤۲). ظفیر

(۳) والشرط سترها عن غیره ولو حکما کمکان مظلم لا سترها عن نفسه به یفتی فلو راها من زیقه لم تفسد وإن کره (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۸۰، ط.س. ج۱ ص٤۹۰). ظفیر

(٤) ون إستوعب عذر تمام وقت صلوة مفروضة الخ وحکمه الوضوء لما غسل ثوبه ونحوه الخ وإن سال علی ثوبه فوق الدرهم جاز له ان لا یغسله إن کان لو غسله تنجس قبل الفراغ منها ای الصلوة وإلا الخ فلا یجوز ترک غسله (الدر المختار علی هامش ردالمحتار احکام المعذور ج۱ ص۲۸۱، ط.س. ج۱ ص۳۰۵). ظفیر

مرض فالج زده بود سپس اودرعمر ۵۸ سالگي وفات شد وتا كدام وقتيكه او گشت وگذر مي نمود هوش وحواس او قائم بر حال بود تا به همان وقت او نماز وروزه را اداء مي نمود اما از آن مدتيكه ازگشت وگذر باقي درماند وهوش وحواس را نيز از دست داد پس نماز وروزه نيز از او ترک شد اگر خودش يا بگفتار كسي براي اداي نماز در چارپائي او را بجهت قبله متوجه مي نمود پس در اداء نمودن نماز مي پرداخت اما در نماز يكسو وسوي ديگر نظر مي نمود بناء او در حالت مذكوره وقتيكه اكثر اوقات از شكستاندن وضوء نيز مطلع نمي بود آيا بر او نماز وروزه واجب بود يانه اگر فرض بود پس اكنون اداء نمودن ان بكدام حساب وچگونه بايد شد؟

جواب: روزه در همچون بيماري مؤخر ميگردد ودر چنين حالت فديه روزه واجب ميشود [۱] واين كافي است واما نماز بذمه اش فرض ميباشد البته نمازهاي راكه درآن حالت اداء نموده است آنها صحيح است [۲] وآن عده نمازهاي را كه قطعا اداء ننموده است براي ورثه در عوض آن فديه دادن بكار است واگر بلا وصيت وبدون انكه چيزي تركه را گذاشته باشد درآن صورت دادن فديه بذمه ورثه واجب نميگردد لكن با آنهم فديه دادن بهتر است واميد است كه اين فديه نماز هاي فاية اش گردد [۳] فقط.

<u>بيماران قسرح چگونه نماز را اداء نمايد</u>: سوال: (۲۱۸۱) در مورد جرح چشم پرسش بعمل مي آيد كه بسيار اطباء تاكيد مي ورزند كه سر را اندک نيز نبايد جنبيد پس در مورد نماز چه حكم خواهد باشد آيا قطعا آن را اداء نكند واگر اداء كند پس چگونه؟ ودرمورد حركت سر ممانعت قطعي است بناء اگر وضوء مي كند پس بكدام طريقه؟ ويا اگر تيمم مي كند پس چگونه

---

(۱) وللشيخ الفاني العاجز عن الصوم الفطر ويفدي وجوبا الخ (درمختار) للشيخ الفاني أى الذي فنيت قوته او اشرف على الفناء ولذا عرضوه بأنه الذي كل يوم في نقض إلى أن يموت الخ عن الكرماني المريض إذا تحقق اليأس من الصحة فعليه الفدية بكل يوم من المرض اهـ (رد المحتار كتاب الصوم فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص۱۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۲۷). ظفير

(۲) من تعذر عليه القيام لمرض الخ صلى قاعدا ولو مستندا إلى وسادة الخ كيف شاء (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المريض ج۱ ص۷۰۸، ط.س. ج۲ ص۹۵). ظفير

(۳) ولو مات وعليه صلوات فائتة و اوصى بالكفارة يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله (درمختار) و أما إذا لم يوص فتطوع بها الوارث قال محمد في الزيادات أنه يجزيه إنشاء الله تعالى (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶ ، ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفير

وبعد از ان تا به مدت سه روز جبيره بسته ميباشد ودرآن حالت وقتيكه وضوء مي كند يا بنا بركدام وجه ديگر تيمم ميكند؟ آيا تنها آن جلدي را مسح كند ويابر سائر روي مسح نمايد يعني تمام روي رانشويد يا آن جلدي كه از كام عليحده است آن را بدست خود مرطوب نمايد زيرا آن را شسته نميتواند؟

جواب: درشامي آمده است قولي: وان تعذر القعود ولو حكماً كما لو قدر علي القعود ولكن بزغ الطبيب المأء من عينيه وامره با الاستلقاء اياماً اجزاه ان يستلقي ويرمي لان حرمة الاعضاء كحرمة النفس.[۱] الخ حاصل عبارت آنست كه قعود برايش دشوار است اگر چه حكما باشد مثلا نشسته ميتواند لكن داكتر چشم او را ساخت وسپس برايش گفت كه يک چند روز مستقيما بشكل خوابيده استراحت كنيد پس براي مريض اين كافي است كه مستقيم به پشت استراحت بهند وبه اشاره نماز را اداء نمايد واين سخن واضح وروشن است كه دراشاره نمودن جنبيدن سرضروري است وبدون اشاره نماز نخواهد شد وترک نمودن نماز نيز ناممكن است بخاطر آنكه عقلش سالم است وبيهوشي برايش طاري نشده است قاري عبدالرحمٰن صاحب پانی پتی رح وقتيكه چشم راساخته بود باشاره نماز را اداء مي نمود وداكتر نيز اورا اجازه فرموده بود وباعتبار ظاهر برايش كدام نقصان وارد نشده بود بناء بخاطري اداي نماز اخذ نمودن اجازه براي اشاره سر بكار است واگر اجازه برايش ميسر نشود با آنهم ترک نمودن نماز بكار نيست واما وقتيكه بر چشم جبيره [۲] باشد پس درآن وقت متباقي روي رابشويد وبرجبيره مسح كند واگر درصورت نشستن روي اثر رطوبت بطرف چشم سرايت مي نمود وبراي چشم مضر نيز باشد دراين صورت بر سائر روي مسح نمودن نيز درست ومتباقي اعضاء را بايد بشويد واگر بنا بركدام معاذير تيمم رامي نمود پس تيمم را موافق قاعده بايدكرد به اين معني كه بعد از يک ضرب بالاي جلد دست را بمالد وبضرب ثاني دست ها را با آرنج ها مسح كند فقط.

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المريض ج۱ ص۷۱۱، ط.س. ج۲ ص۹۹. ظفير

(۲) وحكم مسح جبيرة الخ او خرقة قرحة وموضع فصد وكى ونحو ذلک عصابة جراحة كغسل لا تحتها فيكون فرضا الخ ويجمع الخ معه اى غسل الأخرى ألخ ويترک المسح كالغسل إن ضر وإلا، لا يترک (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مسح على الخفين ج۱ ص۲۵۷، ط.س. ج۱ ص۲۷۸). ظفير

بوجه ضعف نشسته نماز خواندن درست است: سوال: (۲۱۸۲) یکنفر بسیار ضعیف است وحواسش نادرست میباشد ونمازهاي پنجگانه راقعودا اداء مي نمايد نماز او صحيح است يانه؟

جواب: هرقدریکه قدرت داشته باشد موافق آن نمازش اداء خواهد شد اگر قدرت قیام را ندارد پس قعودا اداء نماید واگر قدرت قعود را نداشته باشد پس بهیئت خوابیدن اداء نمودن نماز صحیح [1] است غرض آنکه تکلیف بقدر وسع است: قال الله تعالى [2] لَايُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلاَّ وُسْعَهَا) الاية فقط.

وقتیکه قدرت وضو وتیمم را نداشته باشد آیا نماز بر او فرض است یانه؟ سوال: (۲۱۸۳) (۱) مریض آنقد قوت ندارد که خودش وضوء یا تیمم بکند آیا بذمه اش نماز واجب است یانه؟

بعضی اوقات معاون میباشد وبعضی اوقات موجود نمیباشد پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۸٤) (۲) براي مريض مذكور بعضي اوقات كسي تيمم دهنده موجود ميباشد وبعضي اوقات نميباشد پس دراين صورت حكم نماز چيست؟

وقتیکه برای مریض قدرت توجه بجهت قبله نباشد پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۸۵) (۳) مریض خودش روي بجهت قبله آورده نميتواند وهمراهش كسي نيز موجود نيست پس در اين مورد حكم چيست؟

درآخری وقت نماز های بسیاری اوقات را اداء ننمود پس چه باید کرده شود؟ سوال: (۲۱۸٦) (٤) شخصي بتاريخ بيستم شوال وفات شد وازماه رجب تا به بيستم شوال چنين وضعيت را دنبال داشت كه احيانا نماز را اداء مي نمود واحيانا اداء نمي نمود حالانكه وي آنقدر قدرت را بر خور دار بود كه آب را مطالبه نموده ميتوانست وسر خود را بلند نموده ميتوانست؟

جواب. (۱ ۲ ۳) در صورت فوق الذكر از شخص ديگر درتيمم يا وضوء وغيره اعانت بگيرد وبغير او وضوء وتيمم او بجهت قبله نمودن وبدون اين موارد متذكره نماز را اداء ننمايد ونماز

---

(۱) وإذا عجز المريض عن القيام صلى قاعدا يركع ويسجد الخ فان لم تستطع الركوع والسجود أومأ ايماء يعنى قاعدا الخ فإن لم يستطع القعود إستلقى على ظهره وجعل رجليه إلى القبلة الخ (هدايه باب صلوة المريض ج۱ ص۱٤٤). ظفير

(۲) سورة البقر ة، اخيري ركوع. ظفير

نیز درآن صورت ها ساقط نگردید هروقتیکه برایش میسر شد آن نماز را اداء یا قضاء [۱] بجاه آرد. فقط

جواب: (٤) بذمه اش او لازم بود پس درصورت وصیت از یک ثلث ترکه فدیه نمازها یش اداء گردد ودربیشتر از ثلث براي ورثه اختیار است اگر ایشان میخواهند اداء نمایند واین افضل است ورنه کدام گناه براي ایشان متوجه نمیشود [۲] فقط.

کسیکه قدرت ندارد آیا او فدیه نماز را داده میتواند یانه: سوال: (۲۱۸۷) هر شخصیکه قدرت ندارد ومیخواهد که فدیه روزه ونماز هاي فوت شده خودرا بدهد آیا این پول در مدرسه دیني مصرف شده میتواند ونیز درآن تملیک ضروري است یانه؟

جواب: براي شیخ فاني دادن فدیه روزه درست است لکن فدیه [۳] نماز براي شخص او اعطاء نمودن درست نیست ونماز هایش بذریعه این فدیه ساقط نخواهد شد بخاطر آنکه در نماز چنین وسعت است که اگر ایستاده آن را اداء نموده نمیتواند پس بنشیند وآن را اداء نماید [٤] واگر نشسته اداء نموده نمیتواند پس به هئیت خوابیدن نماز را اداء کند واگر از رکوع وسجده ناتوان بود پس باشاره نماز را اداء نماید البته اگر بعد از وفاتش هر مقدار نمازها ئیکه باقي بماند یا روزه بماند ومیت وصیت اداء نمودن فدیه آنها رانموده باشدومال رانیز گذاشته باشد درآن صورت

---

(۱) برای نماز چونکه وضوء یا تیمم شرط است خواه خودش بکند یا بذرعه دیگران. اما الشرائط المجمع علیها فستة الخ الطهارة من الحدث الخ أما الطهارة من الحدث قدمها لکونها أهم الشروط واکدها حتی انها لا تسقط بحال ولا یجوز الصلوة بدونها اصلا بخلاف غیرها من الشروط (غنیة المستملي ص۱۳) ورو آوردن بجهت قبله نیز شرط است لکن فقها تصریح نموده اند که برای عاجز بر هرجهت که قادر باشد همان کافی است ومریض صاحب فراش لایمکنه أن یحول وجهه ولیس بحضرته احد یوجهه یجزیه صلوته إلی حیثما شاء الخ (عالمگیري کشوري کتاب الصلوة باب ثالث فصل ثالث ج۱ ص۶۲، ط. ماجدیة ج۱ ص۶۳). ظفیر

(۲)ولومات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطی لکل صلوة نصف من بر وکذا حکم الوتر والصوم وإنما یعطی من ثلث ماله (درمختار) فلو زادت الوصیة علی الثلث لایلزم الولي إخراج الزائد إلا باجازة الورثة (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵، ط.س. ج۲ ص۷). ظفیر الدین غفر له

(۳) والشیخ الفاني الذي لا یقدر علی الصیام یفطر ویطعم لکل یوم مسکینا کط یطعم في الکفارات (هدایه کتاب الصوم باب یوجب القضاء والکفارة ص۲۰٤). ظفیر

(٤) من تعذر علیه القیام ای کله لمرض الخ صلی قاعدا الخ کیف شاء الخ وإن تعذر الخ اوماً قاعدا الخ وإن تعذر القعود ارماً مستلقیا الخ وإن تعذر الإیماء برأسه وکثرت الفوائت الخ سقط القضاء عنه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المریض ج۱ ص۷۰۸، ط.س. ج۲ ص۹۵). ظفیر

بذمه ورثه اش اداء نمودن فديه ضروري است وحكم آن مانند زكات است ودرآن تمليک فقير ضروري ميباشد بناء اگر درمدارس اسلامي براي طلاب مساكين تأديه شود آن هم درست است وباعث ثواب مزيد است زيرا اين مساعدت وكومک است باطلاب علوم ديني فقط.

خارج كشتي پايان شد ونماز را اداء نمود آيا اين نماز شد يانه: سوال: (۲۱۸۸) يكمرتبه من بملاقات پير صاحب رفتم وازكشتي پايان شدم نماز را اداء نمودم بناء اين جواز دارد يانه؟

جواب: صلى الفرض في فُلک جار قاعداً بلاعذر صح لغلبة العجز واساء وقالا لا يصح الا بعذر وهو الا ظهر برهان والمربوطة في الشط كا الشط في الاصح الخ درمختار [۱] قوله جارای سائرا احتراز من المربوطة قوله والمربوطة في الشط كما الشط فلاتجوز الصلوة فيها قاعداً اتفاقاً وظاهر ما في الهدايه وغيرها الجواز قائما مطلقا استقرت علي الارض اولا وصرح في الايضاح يمنعه في الثانى اي في عدم الاستقرار حيث امكنه الخروج الحاقاً لها با الدابة هر واختاره في المحيط والبدائع وعزاه في الامداد آيضا الى مجمع الروايات عن المصفي وجزم به في نور الايضاح وعلي هذا ينبغي ان لاتجوز الصلوة فيها سائرة مع امكان الخروج الي البر وهذه المسئلة الناس عنها غافلون شرح [۲] المنية والمربوطة بلجة البحران كان الريح يحركها شديداً فكا السايرة والا فكا الواقعة ويلزم استقبال القبلة عند الافتتاح وكلما دارت ولوام قوماً في فلكين مربوطين والا لا درالمختار از روايات فوق الذكر واضح است در هداية وغيره جواز ان منقول است وهمين احوط است كما هو ظاهر فقط.

بعد از بيهوشي اگر بهوش آمد پس در مورد نماز هايش چه حكم است: سوال: (۲۱۸۹) اگر شخصي بوجه ازديا وكثرت مرض مدت بيست وچهار ساعت بيهوش باشد وبعد درآن اگر احيانا بهوش مي آيد اوعلاوه از اشارة بطريق ديگر نماز را اداء نميتواند بناء آيا بذمه اش قضا آوردن نماز هاي فوت شده است يانه اگر قضاء بذمه اش باشد وانرا درحالت مذكوره باشاره اداء نمايد ايا كافي خواهد باشد يانه واگر اضافه تر از بيست وچهار ساعت بيهوش باشد در آن مورد

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المريض مطلب في الصلوة في السفينة ج۱ ص۷۱۳، ط.س. ج۲ ص۱۰۱. ظفير
(۲) رد المحتار باب صلوة المريض ج۱ ص۷۱۳ – ۷۱۴، ط.س. ج۲ ص۱۰۱. ظفير

حكم چیست؟

جواب: دردرمختار صلواة المريض آمده است ومن جن او اغمي عليه الخ يومًا وليلة قضي الخمس وان زاد وقت صلوة سادسة لا للحرج [(۱)] الخ از این عبارت معلوم شد اگر زیاد تر از بیست وچهار ساعت بیهوشي بود وشش نماز یابیشتر از آن قضاء شده پس قضاء بذمه اش لازم نمیباشد ودرصورت لزوم قضاء اگر درحالت مرض نمازهاي فوت شده را باشاره اداء کند سپس نمازش اداء خواهد شد [(۲)] فقط.

آیا کفاره سائر نمازهای یک سال بیک نسخه قرآن ممکن است: سوال: (۲۱۹۰) شخصي سائر نماز هاي یک سال را قضاء نمود ودرحین وفات او گفت که در بدل کفاره نماز هاي فوت شده بنده یک جلد قرآن مجید را اعطاء نمائید زیرا من آنقدر توان ندارم که کفاره سائر نمازهارا اداء نمایم آیا از نگاه شریعت این نسخه قرآن مجید براي سائري نمازهاي فوت شده یک سال اش کفاره خواهد گشت؟

جواب: باعطاء نمودن یک نسخة قرآن مجید کفاره سائر نمازهاي فوت شده اداء نخواهد شد بلکه کفاره نمازهاي یک روز بوزن انگلیسی ده نیم سیر یا قیمت آن میباشد که تقریبا یکنیم روپیه همان عصر میشود وکفاره نمازهاي یک ماه ۵٤۰ میشود وکفاره دوازده ماه از آن تخمین واندازه کرده شود صماللمعه فلهذا اگر درترکه آنکس دریک ثلث آن گنجائش باشد پسی در آن صورت اداء نمودن کفاره کامل نمازها بکار است [(۳)] فقط.

اگر قدرت جلوس را ندارد پس چگونه نماز را اداء نماید: سوال: (۲۱۹۱) شخصي آنقدر

---

(۱) الد رالمختار على هامش ردالمحتار باب صلاة المريض ج۱ ص۷۱٤، ط.س. ج۲ ص۱۰۲. ظفير

(۲) وإن تعذر القعود اوماً بالركوع والسجود مستلقيا على ظهره وجعل رجليه إلى القبلة الخ (عالمكيري كشوري الباب الرابع عشر في صلوة المريض ج۱ ص۱۳٤، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳٦). ظفير

(۳) ولو مات وعليه صلوات فائتة واوصى بالكفارة يعنى لكل صلوة نصف صاع بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٨٥ – ٦٨٦، ط.س. ج۲ ص۷۲) وکدام حساب که درج است آن از سنه ۱۳٤٤ هجري است ودر عصر ما سنه ۱۳۸۱ هجري در قیمت امتیاز زیاد مي آید زیرا قیمت ده نیم سیر گندم بوزن انگلیسي تقریبا چهار روپیه است ودرحین ترجمه پشتو سنه ۱٤۲٤ نیز به اختتام رسیده است ونه نیم گنده وزن انگلیسي اکنون بصد روپیه نیز نخواهد شد عارف بهر حال حساب گندم همان خواهد باشد که درج است لکن اندازه قیمت در عصر موجوده تعین میشود خواه کم باشد یا زیاد والله اعلم. ظفیر الدین

لاغر وضعيف شد كه قادر بنشستن نيست بناء چگونه نماز را اداء نمايد وآيا سنت ونوافل رانيز اداء كند يا آنكه تنها فرض را اداء نمايد؟

جواب: هر انكسكه نماز را نشسته باشاره اداء نموده نميتواند او نماز را بشكل خوابيدن باشاره اداء كند واداء نمودن سنت ونوافل برايش ضروري نيست اگر اداء كند بهتر است ورنه كدام گناه عائد حالش نيست [1] فقط.

بوجه مريضى جبيره شراب رابسته نمود پس نماز را چگونه اداء نمايد: سوال: (۲۱۹۲) پاي يكنفر زخمي بود وداكتر برآن جبيره شراب بسته نمود وبرايش تاكيد ورزيد كه اين جبيره را دور نبايد كرد بناء آيا اكنون با اين جبيره نماز اداء نموده ميتواند؟

جواب: درهمان حالت اونماز را بايد اداء كند ونمازش درست [2] است فقط.

خانم دروقت ولادت نماز را چگونه اداء نمايد: سوال: (۲۱۹۳) زن د حين ولادت طفل باموجوديت آنكه هوش وحوا س اودرست باشد وظاهرا انديشه ضياع طفل نيز نخواهد باشد لكن خون ورطوبت وغيره راش جاري باشد وبعضي حصه طفل از جسم خارج وبرخي باقي باشد ووقت نماز نيز باشد واو تنها بخاطري آداب طهارت يا براي حرمت نماز ويا بدان فكر كه سائر جسم خون آلوده خواهد شد ونماز را اداء ننمود آيا درآن صورت گنهگار خواهد شد يانه وآيا نماز را اداء نمايد يانه.

جواب: درهمچو حالت اگر انديشه فوت شدن نماز محسوس شود پس آن زن مريضه اگر ممكن باشد وضوء چاراندام بسازد ورنه تيمم نمايد نماز را اداء كند ودرفكر جريان خون نباشد زيرا اين خون استحاضة است كه مانع عن الصلواة نيست در شامي آمده است ولو لم تصل تكون

---

(۱) وإن تعذره القعود ولو حكما اوماً مستلقيا على ظهره ووجهه نحو القبلة الخ او على جنبه الأيمن او الأيسر ووجهه إليها الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المريض ج۱ ص۷۱۱ – ۷۱۲، ط.س. ج۲ص۹۹). ظفير

(۲) إمرأة خرج راس ولدها وخافت فوت الوقت توضأ إن قدرت وإلا تيممت وجعلت رأس ولدها في قدر او حفيرة وصلت قاعدة بركوع وسجود فإن لم تستطعها يؤمي ايماء أى تصلي بحسب طاقتها ولا تفوت الصلوة عن وقتها لأنها لم تصر نفساء بخروج بعض الولد ما لم ير الدم بعد خروج الولد كله والدم الذي تراه في حالة الولادة قبل خروج الولد إستحاضة لا تضع الصلوة فكانت مكلفة بقدر وسعها فلا يجوز لها تفويت الصلوة عن وقتها إلا إن عجزت بالكلية كما في سائر المرضى (غنية المستملي ص۲٦٥ – ۲٦٦). ظفير

عاصيةً لربّها الخ ودرشرح الخ ودرشرح المنية است. فلا يجوز لها تفويت الصلوة الخ فقط.

اگر در داخل نماز ازمریض ریاح ریح خارج شود حکم آن چیست: سوال: (۲۱۹٤)
اگرشخصي مبتلا به مرض نفخ وريح باشد پس باوضوء مسجد نماز را اداء نموده ميتواند واگر در اثناء نماز از او ريح خارج شود حكم آن چيست؟

جواب: اگر آن شخص معذور شرعي گرديده باشد يعني مرضي خروج ريح براي او آنقدر زياد شده باشد كه در يک وقت چنان حالت عارض شده است كه در سائر وقت از آن مرض آنقدر مهلت برايش داده نميشود كه وضوء نمايد ونماز فرض را بغير از آن عذر اداء كرده بتواند براي او جواز دارد كه يک مرتبه وضوء بكند ودرهمان وقت نماز را اداء كند اگر چه خروج ريح از او جريان داشته باشد. درمختار [1] فقط.

آیا درآن کشتی نماز جائز است که درکنار ساحل بسته شده باشد یانه: سوال:
(۲۱۹۵) اگر كشتي دركنار درياب بسته شده باشد بناء آيا ايستاده بغير از مستقر زمين درآن نماز جائز است يانه ودر خلاصة الفتاوي جلد اول ص ۱۹٤ ناجائز مينگارد؟

جواب: درهداية ذكر است والمربوط كالشط هوالصحيح [2] ومثله في الدر المختار وفي رد المحتار.

قوله: والمربوطة والشط فلا تجوز الصلوة فيها قاعداً اتفاقًا فظاهر مافي الهداية وغيرها الجواز قائماً مطلقًا اى استقرت على الارض اولا وصرح في الايضاح بمنعه في الثاني حيث امكنه الخروج [3] الحاقًا لها با الهداية الخ معلوم گرديد كه صحيح آنست كشيتي كه در كنار بسته شده باشد درآن نماز قياما درست است ونشسته نماز اداء نمودن درآن جائز نيست لكن احوط آنست كه خارج از كشتي موصوف درگوشه نماز را اداء كند براي اينكه ازخلاف بيرون شود فقط.

---

(۱) وصاحب عذر من به سلسل البول لا يمكنه إمساكه او استطلاق بطن او إنفلات ريح الخ إن إستوعب عذره تمام وقت صلوة مفروضة بأن لا يجد في جميع وقتها زمنا يتوضأ ويصلي فيه خاليا عن الحدث ولو حكما الخ وحكمه الوضوء لا غسل ثوبه ونحوه لكل فرض ثم يصلي به فيه فرضا ونفلا الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب احكام المعذور ج۱ ص۲۸۰، ط.س. ج۱ ص۳۰۵). ظفير
(۲) هدايه باب صلوة المريض ج۱ ص۱٤۵. ظفير
(۳) رد المحتار باب صلوة المريض مطلب في الصلوة في السفينة ج۱ ص۷۱٤، ط.س. ج۲ ص۱۰۱. ظفير

الباب الرابع عشر في صلواة المسافر

مسافر چگونه نماز را اداء نماید ومتباقي مسائل این باب

اگر بلا اختیار اتفاقا پانزده یومکث نماید پس چه باید کرد: سوال: (۲۱۹۶) چند اشخاص بخاطري تجارت رخت میروند ودر یک مکان قیام مي نمایند ودر مناطق عنقریب آنها بفروش میرسانند وشبانه واپس بجاي قیام باز گشت مي نماید ونماز را قصر میخواند و میگوید که ما اراده قیام را نداریم وهر وقتیکه زخت ها فروخته شود درآن وقت میرویم پس درهمچو حالت اگر پانزده روز یا از آن بیشتر بانوبت بگذرد پس درآن مورد حکم چیست؟

جواب: وقتیکه نخست در آنجا اراده موثق مکث نمودن پانزده روز نداشته باشد اگر چه اتفا قا پانزده یا زیاد تر از آن قیام صورت گیرد باز هم در هجو حالت نماز را قصر باید کرد [1] فقط.

بکدام راه که سفر شده باشد همان قابل اعتبار است: سوال: (۲۱۹۷) اجمیر از منطقه مایان براه پیاده بمسافت بیست میل قرار دارد وبذریعه ریل راه آهن هشتاد میل است بناء اگر بذریعه ریل سفرمي نماید آیا قصر بکند یانه؟

جواب: اگر بذریعه ریل سفر مي نماید باز هم قصر واجب است [2] فقط.

جائیکه پدر مقیم باشد درآنجا پسر بغیر از نیت پانزده روز قصر نباید کرد: سوال: (۲۱۹۸) یک شخص بخاطری معیشت وروز گار از وطن خویش بمنطقه بهر تپور آمد ودرآنجا مدت چهل سال را سپري نمود ودرآن جریان احیانا رخصتي میگرفت وبوطن اصلي خود میرفت لکن احیانا اعضاي خانواده خود را نیز به آنجا مي آورد ودر بهر تپور در مسکن بکرایه سکونت مي نمودند وپسرش محمد رفیق نیز همراهش بود اکنون او براي روزگار به دهلي رفت ودر دهلي مدت چهار سال سکونت نمود الان اگر محمد رفیق از دهلي نزد پدر خود تشریف میبرد

(۱) ولا یزال على حكم السفر -حتى ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اكثر الخ ولو دخل مصرا على عزم أن یخرج غدا او بعد غد ولم ینو مدة الإقامة حتى بقى على ذلک سنین قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۴۹). ظفیر

(۲) فان قصد بلدة وإلى مقصده طریقان أحدهما سیرة ثلثة أیام ولیالیها والآخر دونها فسالک الطریق الأبعد كان مسافرا عندنا هكذا في فتاوى قاضیخان (عالمكیري كشوري ج۱ ص۱۳۶، الباب الخامس في صلوة المسافر ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۸). ظفیر

آيا نماز را كاملا اداء نمايد ويا آنكه قصر بكند؟

جواب: اگر بمنطقه بهر تپور بنيت پانزده روز قيام رفتن او نباشد پس قصر در نماز بكار است زيرا بهر تپور وطن آقامتش بود وبسفر نمودن آن باطل شد [1] فقط.

منطقه امبر سر را ترک گفت ولاهور را وطن اقامت گرفت اكنون او درا مبرسر نماز را چگونه اداء كند: سوال: (٢١٩٩) شخصي نخست درمنطقه امبر سر سكونت داشت سپس از آن از چهار سال بدينسو با اهل وعيال خود در لاهور سكونت گزين شده است ودر امبر سر اندک زمين نيز دارد برادران وخواهرانش نيز در لاهور زيست دارند بناء اگر درميان امبر سر ولاهور مسافت سفر باشد پس آنكس در امبر سر فصر نمايد يانه؟

جواب: اگر اين شخص لاهور را وطن اصلي قرار داده باشد وسكونت امبر سر را وداع گفته باشد سپس اگر در امبر سر نيت پانزده روز را ننموده باشد او در آنجاه قصر بايد كرد كما في الدر المختار الوطن الاصلي يبطل بمثله اذا لم يبق له با الاول اهل الخ [2] فقط.

مسافت قصر ۴۸ ميل است: سوال: (٢٢٠٠) منزل چند ميل است وبحساب ميل انگليسي براى قصر نماز سه منازل بكار است يا چطور؟

جواب: بنزد ما معمولا ٤٨ ميل براي قصر نماز سفر كردن است وشانزده ميل يک منزل قرار داده شده است فقط.

در وقت اطمينان مسافر سنت را اداء نمايد: سوال: (٢٢٠١) مسافر تنها فرض را اداء نمايد يا سنت رانيز؟

جواب: دردر مختار است وياتى المسافر با السنن ان كان فى حال امن وقرار والا بان كان في خوف وقرار لا ياتى بهاهو المختار لانه ترک لعذر الخ قبل الاسنة الفجر الخ وفي الشامي: قال شرح المنية والاعدل ما قاله الهندوانى قلت والظاهران ماهو في المتن هو هذا [3] ص ٥٣٢ جلد

---

(١) وطن الإقاهة يبطل بوطن الإقامة وبانشاء السفر وبالوطن الأصلي (عالمكيري كشوري باب صلوة المسافر ج١ ص١٤٠، ط.س. ج١ ص١٤٢). ظفير

(٢) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٣٢. ظفير

(٣) رد المحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٣١. ظفير

اول شامي از آن عبارت واضح معلوم شد که اگر درحالت اطمينان قرار داشته باشد پس سنت را اداء بايد کرد واگر حالت اطمينان نباشد بلکه در صدد سرعت باشد وخوف نيز باشد درآن صورت سنت را ترک نمايد وبعض فقهاي کرام فرموده اند که با آنهم سنت فجر را ترک نبايد کرد فقط.

مسافر درچقدر مسافت قصر نمايد: سوال: (۲۲۰۲) براي مسافر درچقدر فرسخ قصر نمودن بکار است وهرفرسخ چند ميل ميباشد؟

جواب: اگرسفر به اندازه سه منزل يعني سه روز باشد پس براي مسافر قصر لازم است وبعضي فقهاء کرام تجديد آنرا بعوض منازل بفرسخ وميل فرموده [۱] اند ودرآن مورد سه اقوال است ۱۵ فرسخ يعني ۴۵ ميل مقرر نموده اند وقول مفتي به قول ثاني ياثالث است قال: في شامي ثم اختلفوا فقيل احد وعشرون وقيل ثمانية عشر وقيل خمسة عشر والفتوي علي الثانى لانه الاوسط وفي المجتبي فتوىٰ ائمة خوار زم [۲] على الثالث واما مذهب ثالث آنست که عادتا درمدت سه روز هرچند سفر که سپري ميشود درآن قصر واجب است وميل چهار هزار ذراع يا چهار هزار قدم است كذا في الشامى [۳] فقط.

هر مسافر اگر بجاى قصر نمازرا کامل اداء نمايد حکم آن چيست: سوال: (۲۲۰۳) يک مسافر حنفي درنماز قصر ننمود وقتيکه از او پرسش بعمل آمد او گفت هرگاه نماز را قصر اداء کنم چنين برايم معلوم ميشود مثليکه قطعا نماز را اداء نکرده باشم واطمينان قلبي برايم فراهم نميشود پس ناگزير قصر نمي نمايم ومجبورا بر قول امام شافعي رحمة الله عمل مي نمايم بناء آيا درآن صورت نماز اين مسافر شد يانه؟

---

(۱) قاصد مسيرة ثلاثة أيام ولياليها من أقصر أيام السنة ولا يشترط سفر كل يوم إلى الليل بل إلى الزوال ولا إعتبار بالفراسخ على المذهب (درمختار) قال في النهاية أى التقدير بثلاث مراحل قريب من التقدير بثلاثة أيام الخ وكذا ما في الفتح من أنه قيل يقدر بأحد وعشرين فرسخا وقيل بثمانية عشر وقيل بخمسة عشر وكلّ من قدر عينها إعتقد أنه مسيرة ثلاثة أيام (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۴، ط.س. ج۲ ص۱۲۲). ظفير

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳. ظفير

(۳) الفرسخ ثلاثة أميال والميل اربعة الاف ذراع (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳. ظفير

جواب: مسافر موصوف این عمل قبیح وبد را انجام نمود ودرآن مورد براي او بر مذهب شافعي عمل نمودن درست نیست وموافق مذهب خود حتما قصر بکند وقصر نمودن واجب است [1] باقي آنکه اگر اوعلیحده تنها نماز را اداء نمود پس نمازش شد واگر امام گردید پس نماز مقتدیان نخواهد [2] شد فقط.

اگر اولا درجای نیت اقامت پانزده روز نمود بناء درآن مدت نماز را کامل اداء نماید:

سوال: (۲۲۰٤) یک مامور دولت جاي سکونتش سکندر آباد است واو با اهل وعیالش میباشد ودریک طرف سکندر آباد منطقه قرار دارد بسافت ۳۲ میل وبطرف دیگر پنج میل وبطرف آخرش ۲۱ میل وطرف دیگر عنقریب ۲۲ میل میباشد ودرمدت دوران وظیفه اش دریکي بیشتر از ده روز اقامت نمي داشته باشد پس درآن صورت مامور مذکور درسکندر آباد یادیگر مناطق نماز را قصر اداء کند یاپوره درآن مورد حکم چیست؟

جواب: قاعده آنست که درجاي اقامت تا وقتیکه بهم نیت اقامت پانزده روز را نکنند تابه آن وقت قصر نمودن بکار است ودرحین دور وگردش چونکه هیچ مقام مسافت شرعي یعني قابل قصر نیست بناء اگر نخست درسکندر آباد نیت اقامت پانزده روز شده باشد پس درمدت دوران وظیفه هیچ جاي قصر نخواهد باشد واگر درسکندر آباد اول نیت اقامت پانزده روز نشده بود ونه درمقام دیگر نیز نیت اقامت پانزده روز شده باشد پس درآن صورت هموار یکسان قصرباید کرد یعني درسکندر آباد ودرحین دوره وظیفه نیز [3] فقط.

احکام مامور هوا پیما: سوال: (۲۲۰۵) (۱) بعضی مردم به مناطق دور افتیده مانند رنگون وغیره میروند ودرچنان طیاره ها وظیفه ماموریت را انجام میدهند که علاوه از شهرستان وبناء

---

(۱) والقصر لازم عندنا الخ والآثار في ذلک کثیرة وهی تدل إلی أن الفرض رکعتان وأن الإتمام منکر ولو کان جائزا بفعله علیه الصلوة والسلام مرة تعلیما للجواز (غنیة المستملي ص۴۹۹ – ۵۰۰). ظفیر

(۲) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولی تم فرضه ولکنه أساء لو عامدا، لتأخیر السلام وترک واجب القصر وواجب تکبیرة إفتتاح وخلط النفل بالفرض الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفیر

(۳) لا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او أکثر وإن نوی أقل من ذلک قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۸). ظفیر

درخویش به شهر هاي ديگر رفت وآمد كرده نميتواند بلكه درهمان شهر بخاطري رفت وآمد طيارات يک دگير راه وشركت ها راتنظيف وتصفيه مي نمايد؟

آن عدئی مردمیکه همیشه دربند رگاه بسر میبرند: **سوال:** (۲۲۰۶) (۲) وبرخي از در چنان طيارات وظيفه اجراء ميكنند كه هميشه مربوط بند رگاه وهموار برمكان خود ثابت ميباشد؟

کسیکه هموار درسفر باشد: **سوال:** (۲۲۰۷) (۳) بعضي مردم درطيارات تجارتي موظف ميباشند كه البته وظيفه آنها تنها انتقال من مصر الي مصر ميباشد وهيچگاه اطمينان قيام نميداشته باشد بلي احيانا در شهر اقامتگاهش نيز يک ماه ميباشد لكن موظفين درآن مورد تابع آمير ميباشند بلكه براي ايشان اطلاع نيز نميباشد كه طياره تا به چه وقت درآنجا باقي ماند وچه وقت پرواز خواهد نمود درآن هر سه صورت ها آيا براي ملا زمان طياره قصر بكار است يانماز راكامل اداء نمايد ويادرآن صورت ها كدام فرق وجود دارد؟

جواب: (۱-۲) آن عدئي مردميكه درصورت مسئله اول ودوم ميباشند آنها مقيم اند ونماز را براي ملا زمت رفتند ودر آنجا نيت اقامت پانزده يابيشتر را كردند وسپس درچنان طياره وظيفه ونوكري را اجرامي نمودند كه براي سفر نباشد پس ايشان مسافر محسوب نيستند بناء نماز را كامل اداء نمايند.

جواب: ۳ ودرصورت مسئله سوم ايشان مسافر ميباشند ونماز را قصر اداء كنند ودليل اداء نمودن نماز كامل درصورت اول ودوم اين عبارت درمختار است حتي يدخل موضع مقامه الخ او ينوي اقامة نصف شهر بموضع واحد صالح لها من مصر او قرية [1] الخ ودليل مسئله سوم آن است فيقصران نوي الاقامة في اقل منه اي من نصف شهر اونوي فيه لكن في غير صالح كبحر اوجزيرة الخ او يكن مستقلاً برايه الخ درمختار قوله: او لم يكن مستقلاً برايه عطف علي قوله ان نوي اقل منه وصورته نوي التابع الاقامة ولم ينوها المتبوع اولم يدر حاله فانه لايتم الخ شامي فقط.

جائیکه نیت اقامت پانزده روش نباشد درآنجاه قصر باید کرد: **سوال:** (۲۲۰۸) وطن اصلي زيددهلي است ومكان اقامتش در كانپور ميباشد ومدت اقامت وي در كانپور به پانزده روز

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۶ – ۷۳۷ ، ط.س. ج۲ ص۱۲٤. ظفير

نمیرسد بناء آیا درمکان اقامت خود زید نماز را قصر اداء نموده میتواند یانه؟

جواب: بعد ازسفر نمودن از جاي اقامت ان وطن اقامت باطل میگردد (۱) سپس ازان اگر اودر آنجانیت اقامت پانزده روز را نکرد ناگزیر قصر نمود في بکار است فقط.

آنکسیکه دومکان سکونت دارد او نماز را چگونه اداء نماید: سوال: (۲۲۰۹) یک شخصي در موضع را براي سکونت انتخاب کرده یک درکوئته ودیگري درجیکب آباد درگرما درکوئته مقیم میباشد ودر سرما جیکب آباد ودرمیان هردوموضع مسافت سفر است اگر براي کار وبار در جیکب آباد یا کوئته آمد قصر کند باتمام درخواند عیال واطفال باخود هرجا که می باشد همراه او مي باشد ودرموضع گرما وسرما مکانات وعقار ودیگر سامان گذر است وبس؟

جواب: اگر هر دو موضع را وطن اصلي وجای قرار گرفته است ودر هردو موضع مکان وعقار است واهل وعیال در هردو موضع مي باشند درهردو موضع نماز تمام کند قال: في الشامي من شرح المنية ولوکان له اهل ببلدتين فايتهما دخل صار مقيماً الخ فقط.

جائیکه مسلسل نیت اقامت پانزده روز نباشد قصر باید کرد: سوال: (۲۲۱۰) ما مردم از پانزده سال بدینسو در قصبه بنام تراور تجارت مي نمائیم مال مي آوریم وبفروش میرسانیم وبعد از آمدن به آنجا به دیهات میرویم لکن خانه را بکرایه اخذ نمودیم وقتیکه از خانه بیایم چار پنج ماه درآنجا بسر میبریم اما پانزده روز اقامت نمیباشد بلکه دو روز بیرون میرویم ودو روز درمنطقه بنام تراور میباشیم وچنین نیت داشته میباشیم که بعد (از چار ماه بوطن خواهم رفت بناء آیا نماز را قصر بخوانیم یاپوره؟

جواب: وقتیکه شما جاي بغرض تجارت میروید ونیت اقامت پانزده روز را ننموده باشید بلکه چنان نیت داشته باشدکه بعد از اقامت دویا چهار روز بدیهات میرویم ودرآنجا گشت خواهم نمود وبعضي قریه ها دو روز ودربرخی چهار روز میباشیم که بهمان طریقه چهار وپنج ماه گذشت پس در همچو صورت نماز قصر باید کرد کذا في کتب الفقه (۲) فقط.

---

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۷ – ۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۵. ظفیر

(۲) لا يزال على حكم السفر حتى ينوي الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما او اكثر وإن نوى أقل ذلک قصر (هدايه باب صلوة =

حکم صاحب دوخانه: **سوال:** (۲۲۱۱) شخصي دوخانه دارد درميان هردوخانه مسافت سفر است عيال باخود هرجا كه مي باشد مي برد اهليه يكي است دريك خانه پس اگر براي كار وبار درخانه ديگر آيد كه عيال باخود نميدارد قصركند يانه؟

اگر هردورا وطن اصلي بشمار دو اراده ترک یکی ازانها نکرده است ویک مقام را ترک کرده بديگر مقام سكونت نگرفته است هردو وطن اصلي است درهريك اذان نماز تمام كند. والتفصيل في شرح [1] المنية فقط.

اگر معلوم نباشد که چقدر وقت اقامت نمود پس چه باید کرد: **سوال:** (۲۲۱۲) : مامردم جاي آمده ايم كه درآنجا اقامت خواهم نمود ويا چقدر سفر خواهم كرد لكن اكثرا درمورد سفر انقدر روشن است كه از ده يا پانزده ميل بيشتر نميباشد ودر مورد قيام آنقدر معلوم است كه درهمان جاي يكماه اقامت خواهم نمود واز همان جاي بعداز ده روز كوچ خواهم نمود غرض آنكه ما مردم دراختيار نود نميباشيم پس درهمچو حالت آيا نماز را قصر نمايم ياتمام در حاليكه هيچ حال قيام وسفر معلوم نيست؟

جواب: درهمچو حالت شما نماز تمام اداء كنيد زيرا كه اين اصل است درمؤرد قصدا ونيت حكام وامراء معلومات نيست [2] فقط.

اگر مسافر چهار رکعت ظهر راتمام اداء نمود پس اعاده واجب است: **سوال:** (۲۲۱۳) مسافر سهوا نماز ظهر را چهار ركعت اداء نمود آيا اعاده بكند يانه؟

جواب: وجوبا [3] اعاده نمايد.

= المسافر ج۱ ص۱٤۸). ظفير

(۱) فالأصلي وهو مولد الإنسان او موضع تأهل به الخ وفي المبسوط هو الذي نشأ فيه او أوطن فيه او تأهل كقوله او توطن فيه يتناولها عزم القرار فيه وعدم الإرتحال وإن لم يتأهل فعلي هذا لو عزم من له أبوان في بلد على القرار فيه وترک الوطن الذي كان قبله له يكون وطنا له ولو تزوج المسافر ببلد ولم ينو الإقامة به فقيل لا يصير مقيما وقيل يصير مقيما وهو الأوجه لما مر من حديث عثمان ولو كان له اهل ببلدتين فأيتهما دخلها صار مقيما وإن ماتت زوجته في أحديهما وبقى له فيها ورد عقار الخ (غنية المستملي ص٥٠٥). ظفير

(۲) ولم يكن مستقلا برايه كعبد او إمرأة اوبلدة ولم ينوها اى مدة الإقامة الخ ولو بقى سنين الخ والمعتبر نية المتبوع لأنه الأصل لا التابع كامرأة الخ وعبد الخ وجندى إذا يرتزق من الأمير او بيت المال وأجير وأسير وغريم وتلميذ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوٰة المسافر ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲٦). ظفير

(۳) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولى تم فرضه ولكنه أساء ولو عامدا لتأخير السلام وترک الواجب القصر الخ وهذا لا يحل كما =

امام مسافر اگر قصدا چهار رکعت اداء نمو پس نماز مقتدی نشد: **سوال:** (۲۲۱٤) امام مسافر اگر قصدا چهار رکعت اداء نمود وبرایش معلوم است که قصر کردن بکار است بناء آیا نماز مقتدیان شد یانه وبراي مقتدي بعد ازختم نماز معلوم شد که امام مسافر عمدا چهار رکعت اداء کرده است فلهذا درآن اثنا مقتدی چه باید کرد ودرمورد امام چه حکم است حالانکه هر دو احناف میباشند بنیوا توجروا؟

جواب نماز مقتدیان نشد واما فرض امام اداء شد اگر قعده درمیاني کرده باشند لکن بوجه تأخر واجب در صورت عدم اداء نمودن سجده سهوه براو اعاده واجب است (۱) فقط.

بهر راه که سفر میکند همان قابل اعتبار است: **سوال:** (۲۲۱۵) (۱) سه آشخاص جاي رفتند که آن مکان سه نوع راه هاي مختلف عبور ومسافت مختلف دارد یک شخص براه راست ومسافت میرود که به اندازه سي ۳۰ میل است وشخص دیگر براه سرک پخته میرود که براي سیاحت وچکر زدن گذشته متعین است ومسافتش سي وشیش ۳٦ میل است وشخص سوم بذریعه ریل آهن میرودکه مسافتش چهل ٤۰ میل است پس دران صورت نمبر ۱ ونمبر ۳ مسافر دانسته میشود یانه وبراي آنها نماز قصر نمودن بکار است یانه ودر آن هر سه نوع راه ها کدام راه صحیح پذیرفته خواهد شد؟

مسافت راکم پنداشته نماز را اتمامی نمود وقتیکه بتحقیق برایش روشن شد که مسافت قصر بود پس باید قصر کرد: **سوال:** (۲۲۱٦) (۲) شخصي جاي زفت که مسافت آنرا بعد از تحقیق بفکر خود از حد سفر کم مي پندارد فلهذا او نماز را تمام مي نمود وبعد از چهار وپنج روز برایش معلوم شد که مسافت از حد سفر زیاد است واو نماز ها را به اتمام اداء نموده بود بناء آیا آن نماز ها را اعاده نماید یانه وهمچنان شخصي دریک مقام که مسافت آن از حد شرعي

= حرره القسهتاني بعد أن فسر ساء بائم واستحق النار (درمختار) فعلم ان الاساءة هنا كراهة التحريم (ردالمحتار باب صلاة المسافر ج۱ ص۷۳۹ – ۷٤۰، ط.س. ج۲ ص۱٤۸). ظفير

(۱) فلو أتم سفر إن قعد في القعدة الأولى تم فرضه ولكنه أساء الخ وما زاد نفل كمصلي الفجر اربعا وان لم يقعد بطل فرضه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹ – ۷٤۰) ونماز مقتدیان مقیم بخاطری نمیشود که نماز مفترض یعقب متنفل درست نیست ودر صورت مسئله متباقی در رکعت امام نفل شد والله اعلم ظفیر.

کم میباشد ودرآنجا بفکر مسافت شرعي قصر مي نمود وبعد از چند روز برایش هوید اشد که این مقام از حد سفر کم است بناء آیا آن شخص آن نماز ها را اعاده کند یانه؟

نماز های قضاء شده حالت سفر در صورت قصر میباشد: سوال: (۲۲۱۷) (۳) نمازها ئیکه در حالت سفر قضاء شده باشد آیا آنها را در حضر قصر اداء کند یا اتمام و همچنان اگر در حالت سفر اتمام نماز شده باشد آیا آن را اعاده نماید وآیا آنکه نمازش شد.

جواب: (۱) کسي که بهرراه سفرمي نماید همان راه اعتبار دارد بناء آشخاص نمبر ۱ ونمبر ۲ مسافر شرعي اند وایشان قصر باید بکنند [1].

جواب: (۲) شخص اول اگر درقعده درمیاني نشسته باشد پس نماز فرض او درست شده است واعاده اش فرض نیست وشخص دوم آن نماز ها را اعاده نماید [2].

جواب: (۳) درمورد ان همان است که نماز هاي فوت شده حالت سفر را در حالت حضر نیز قصر اداء کند [3] وآن عده نماز ها را که درسفر اتمام نموده است اگر درآنها قعده اولی راکرد باشد پس آن نماز ها درست شده اند فقط.

معلوم نیست که چند روز اقامت خواهد باشند پس چه باید کرد: سوال: (۲۲۱۸) زید براي بکر حکم داد که از راه زمین برو ومقام منتها را بصره متعین نمود لکن متیقن نیست که پانزده روز اقامت خواهد باشد یا زیاد یا کم وبراي بعضي مردم دستور داده میشود که شما درآن مقام مستقل بسر ببرید وبراي شخصي حکم داده میشود که از هر جاي مطالبه صورت گیرد پس شما بهمان جاي ارسال خواهد شدید لکن درآن مورد هیچ یکي درست یقین مؤثق ندارد که چند

---

(۱) ولو لموضع طریقان احدهما مدة السفر والآخر أقل قصر في الأول ولا الثاني (درمختار) ای ولو کان إختیار السلوک فیه بلا غرض صحیح خلافا للشامي کما في البدائع (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفیر

(۲) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولی تم فرضه ولکنه أساء الخ وما زاد نفل الخ وإن لم یقعد بطل فرضه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹ – ۷۴۰، ط.س. ج۲ ص۱۲۸) وشخص آخر در بدل چهار رکعت دو رکعت کرد فلهذا نمازش صحیح نه شد : بقي من المفسدات ارتداد بقلبه وموت الخ وترک رکن بلا قضاء (ایضا باب ما یفسد الصلوة ج۱ ص۵۸۸ – ۵۸۹ ، ط.س. ج۱ ص۶۲۹). ظفیر

(۳) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولی تم فرضه الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفیر

روز درآنجا اقامت خواهد باشد بناء دراين صورت قصر نماز بکار است یا اتمام؟

جواب: درهمچو حالت تردد قصر نمودن بکار است [1] فقط.

نوافل وسنن را مسافر ترک نموده میتواند یانه؟ سوال: (۲۲۱۹) براي مسافر در مورد اداء نمودن سنن ونوافل چه حکم است اگر آنها را ترک نما يد آيا گنهکار خواهد شد یاخير؟

جواب: دراين مورد مذهب احناف آنست که اگر مسافر درحیالت اطمینان قرار داشته باشد واز تعجيل وسير ايمن باشد پس سنت رواتب را اداء بايد بکند واگرحالت مطمئن وقرار نباشد بلکه تعجل وخوف احساس باشد دراین صورت سنت را ترک نماید ودرالدر المختار باب صلاة المسافر مذکور است: ويتى المسافر بالسنن ان كان في حال امن وقرار والاابان كان في خوف وفرار لا ياتى بها هوالمختار [2] فقط.

شخصى که هموار درگشت ودور ن باشد اونماز را چگونه اداء نماید؟ سوال: (۲۲۲۰) شخصي به اساس وظيفه محوله اش در جاي مقرر است که علی الدوام درگشت میباشد وهيچ جاي پانزده (۱۵) روز اقامت نموده نمیتواند پس دراين صورت اگر او سه منزل سفر کند وبعلاقه خود مواصلت ورزد آيا دادن نماز را قصر کند يا اتمام؟

جواب: اصل مسأله آن است که وطن اقامت يعني جائيکه باساس مأموريت وغیره درآنجا مقيم است که از آنجاي اگر سه منزل سفر نمايد پس وطن اقامت باطل میگردد بناء اگر بعد از سه منزل یا بیشتر ازسه منزل دوره نمودن به انجا يعني بجاي اقامت واپس ايد پس اگر نيت اقامت پانزده ۱۵ روز را داشته باشد اوباید که نماز را اتمام نماید واگر نيت اقامت پانزده .۱۵. روز را داشته باشد درآن قصر نمودن بکار است [3] فقط.

---

(۱) والمعتبر نية المتبوع لأنه الأصل لا التابع كامرأة الخ وعبد الخ وجندي واجير الخ ولا بد من علم التابع بنية المتبوع فلو نوى المتبوع الإقامة ولم يعلم التابع فهو مسافر حتى يعلم على الأصح (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۵، ط.س. ج۲ ص۱۳۳) او لم يكن مستقلا برأيه الخ او دخل بلدة ولم ينوها اى مدة الإقامة بل ترقب السفر الخ (ايضا ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۶). ظفير الدين غفر له

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظفير

(۳) ويبطل وطن الإقامة بمثله وبالوطن الأصل وبانشاء السفر (درمختار) قال في البدائع لو قام خراسانى بالكوفة نصف شهر ثم خرج منها إلى مكة فقبل أن يسير ثلاثة ايام عاد إلى الكوفة لحاجة فإنه يقصر لان وطنه قد بطل بالسفر (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۳، =

بلا نیت سفر قصر نست: **سوال:** (۲۲۲۱) شخصي نیت سر رانمود لکن مشخص نیت جاي معین را ننموده بود بناء اوماه ها وسال ها درسفر بود آیا اونماز راقصر کند یا اتمام؟

جواب: آن شخص که ابتداء از یک جاي نیت سه روز سفر را ننموده باشد او نماز را اتمام اداء کند وقصر نباید کرد [۱] ومن طاف الدنیا بلا قصد لم یقصر [۲] فقط.

شخصی که بخاطر تجارت میرود وهیچ جای زیاد از یک شب اقامت نمی ورزد بناء او نماز را چگونه اداء کند؟ **سوال:** (۲۲۲۲) یک نفر بیرون ازخانه بفاصله سي ۳۰ ا میل وتقریبا بمسافت چهل یاپنجا یابیشتر از آن گشت نموده تجارت مي نماید ودرهیچ شهري زیاد تراز یک شب بسر نمیبرد آیا آن شخص درحق صوم وصلاة حکم مسافر رادارد یانه؟

جواب: شخص موصوف مسافر است واحکام سفر برایش متوجه میشود بناء نماز را قصر نماید [۳] فقط.

وقتیکه مسافر به امام در رکعت سوم اقتداء کند پس اونماز را چگونه اتمام نماید؟

سوال: (۲۲۲۳) (۱) امام مقیم است وقتیکه امام دورکعت نماز ظهر وعشاء را اداء نمود پس دراین اثنا یک مسافر همراهش در رکعت سوم شامل شد پس آیا این مسافر بعداز اداء نمودن دو رکعت آخري مع الامام سلام بگرداند ویا آنکه دورکعت متباقي راپر اداء کند سپس سلام بگر داند؟

وقتیکه مسافر بعقب امام مقیم اقتداء می نماید پس او نیت چهار رکعت را بکندیا ازدو؟

سوال: (۲۲۲٤) (۲) امام مقیم است پس مسافر بعقب او نیت چهار رکعات رابکند یا ازدو؟

جواب: (۱) دو رکعت دیگر را اداء کند [٤].

= ط.س. ج۲ ص۱۳۲). ظفیر

(۱) ولا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر وإن نوی أقل ذلک قصر الخ (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص١٤٦). ظفیر

(۲) ولایزال علی حکم السفر حتی ینوی الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر وان نوی اقل من ذلک قصر الخ ولو دخل مصرا علی عزم ان یخرج غدا او بعد غد ولم ینو مدة الإقامة حتی بقی علی ذلک سنین قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص١٤٩). ظفیر

(۳) ولا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص١٤٩). ظفیر

(٤) إن إقتدي مسافر بمقیم أتم اربعا (عالمکیري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۳، ط. ماجدیة ج۱ ص١٤٢). ظفیر

جواب: (۲) نيت چهار ركعات رابيكند [1] فقط.

عمله وراننده قصر كند يا اتمام؟ **سوال:** (۲۲۲۵) وقتيكه عمله وراننده ريل سفر مي نمايند آنها روزانه بعد ازطي نمودن دوصد ميل هشت ساعت استراحت وقيام مي ورزند آيا دراين اثنا ايشان قصر كنند ويا آنكه مانند اهل اخبيه نماز را اتمام نمايند؟

جواب: ظاهر است عمله وغيره كه روزانه سفر مي نمايند ايشان قصر نمايند واهل اخبيه (طبقه كوچي) نيز دراين وقت اتمام كنند كه ايشان نيت اقامت نمايند واين سخن روشن است كه عمله وغيره نيت اقامت پانزده روز رانمي نمايند [2] في الدر المختار: بخلاف اهل الاخبية نووها في المفازة فانها تصح في الاصح [3] الخ فقط.

شخصى كه خودش دريك شهر تجارت مى نمايد واطفالش درشهر ديگر باشد پس درآنجا او نماز را چگونه اداء كند؟ **سوال:** (۲۲۲۶) شخصي درآن شهر دوكان دارد واطفال واولادش درشهر ديگر بسر ميبرند كه بفاصله ٤٨ ميل مسافت بلكه زياد تراز آن واقع است واين دوكاندار احيانا بخاطر خبر گيري اولادش به آنجا ميرود بناء ايا نماز را درآنجا قصر كند يا اتمام؟

جواب: قصر كند [4] فقط.

زيد تجارت سيارمى نمايد واسباب را درجاى ميگذارد لكن در آنجا اوخودش بيشتر ازيک هفته بود وباشى نميكند بناء آيا اونماز را قصر كند يا اتمام؟ **سوال:** (۲۲۲۷) زيد سامان تجارت خود را از وطن خويش بفاصله صد ميل دور ميبرد ودرآنجا مكان را براي سامان بكرايه اخذ نموده است كه از آنجا سامان را گرفته ودر ديهات بفروش ميرساند واز آن اماكن احيانا بعداز يک هفته واحيانا ده .۱۰. روز بعد بمكان قيام خود عودت مي نمايد ودرآنجا دويا چهار روز يايک هفته قيام مي نمايد سپس سامان را گرفته عازم ديهات ميشود وآن را بفروش

---

(۱) ايضا. ظفير

(۲) ولا يزال على حكم السفر حتى ينوي الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما او اكثر (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۷. ظفير

(٤) ولا يزال على حكم السفر حتى ينوى الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

میرساند وتقریبا درحدود هشت یاده ۱۰. روز واپس مي آید وبهمان منوال چهار یاشش روز راسپري نموده وبوطن اصلي خویش بازگشت مي نماید بناء زید که درکدام مقام سامان تجارت را میگذارد آیا آن مقام وطن اقامتش شده میتواند یانه؟ وآیا براي زید نماز قصر اداء نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: اگر زید اولا درآن مکان نیت اقامت پانزده روز را کرده باشد پس دراین صورت اودر آنجاو دردیهات قریب وهمجوار که فیما بین آنها مسافت قصر نباشد نماز را اتمام نماید واگر درجاي اقامتش درمرتبه اول نیز نیت اقامت پانزده روز را نکرده باشد پس دراین صورت هموار قصر باید کرد فقط.[1]

بسته کننده گان سفینه که در بحر سکونت دارند آیا آنها نماز را قصر کنند یا اتمام؟

سوال: (۲۲۲۸) باشنده پنجاب سفینه را در دریاب جمنا وغیره بسته نموده یعني چوب وغیره را از جنگلات مي آورد وبدریاب پرتاب مي نماید وبشهر هاي متباقي از همین راه آن ار مي برد وغالبا اودر همان سفر مدت نه ۹ ماه را سپري مي نماید واحیانا ده ۱۰ روز واحیانا بیست روز واحیانا کمتر از آن بود باش اودر آنجا باقي میماند وسفر ایشان درداخل دریاب میباشد وبالاي چوب ها ایشان نشسته جریان سفر را دنبال مي نماید ودرهرمکان که چوب را بسته مي نماید درآنجا قیام بیشتر میباشد واحیانا از دریاب خارج میشوندنان وغیره راپخته مي نمایند فلهذا در مورد ایشان حکم اداء نمون نماز چگونه است آیا براي ایشان قصر کردن بکار است یاخیر؟

جواب: وقتیکه سفر ایشان سه منزل یا بیشتر از آن است ناگزیر براي ایشان قصر نمودن بکار است ونماز راحتی المقدور دروقتش اداء نمودن بکار است وبهتر آنست که هر گاه بخاطر ضرورت نان وغیره درکنار پایان شود وآن عمل را انجام نماید همچنان براي نماز نیز همانطور باید کرد[2] وبراي ایشان برتخته ها ومجتمع وغیره نیز اداء نمودن نماز درست است قسمیکه

---

(۱) ولا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر (عالمکیري مصري ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۹). ظفیر

(۲) وإن نوی الإقامة أقل من خمسة عشر یوما قصر (عالمکیري مصري باب صلوة المسافر ج۱ص۱۳۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۹). ظفیر

درکشتي اداء مسشود [1] فقط.

مسافری که بعدار رسیدن بوطن بنا برنادانی نماز راقصر می نماید برای او وبرای اقتداء کننده اش اعاده ضروری است: **سوال**: (۲۲۲۹) درحالت سفربا اداء نمودن نماز قصر بوطن اصلي رسید فلهذا دروطن درآوان قیام نیز نماز را قصرمي نمود اگر امامت میداد نیز قصر مي نمود بناء دراین مورد براي امام ومقتدیان چه حکم است؟

جواب: دراین صورت هر چند نماز ها راکه در وطن اصلي خود قصر نموده است اعاده آنها بذمه اش وبذمه آن عده مردم که بعقب او نماز اداء نموده است لازم میباشد [2] فقط.

مقتدی مقیم بعقب امام مسافر چگونه نماز را کامل نماید؟ **سوال**: (۲۲۳۰) امام مسافر است ومقتدیان مقیم میباشند ونماز چهاررکعتي است وقتیکه امام دو رکعت را اتمام نمود او سلام گردانید اکنون مقتدیان اَلْحَمْدُ بگویند ویا بعد ازخاموش ایستا ده شدن برکوع بروند؟

جواب: وقتیکه امام مسافر باشد دراین صورت مقتد یا متباقي نماز را بدون قرائت وفاتحه اتمام نمایند وصح اقتداء المقیم بالمسافر في الوقت وبعده فاذا [3] قام المقیم الی الا تمام لا یقرأ.

جائیکه عقد نکاح نمود آیا اودر وطن است یانه؟ **سوال**: (۲۲۳۱) (۱) بطور مثال زید باشنده دیوبند درمنطقه اله آباد عقد نکاح نمود پس اکنون بمحض عقد نکاح زید اله آباد وطن اصلي زید شده میتواند ویا آنکه درآنجا گزینش سکونت مي نویسند ودر کبیري وغیره قید سکونت را نیز گذاشته است بناء فتوی برکدام قول است؟

دختر اگر بعد از عروسی بخانه والدین برود ونیت ازپانزده روز را بکند آیا نماز را قصر نماید یااتمام؟ **سوال**: (۲۲۳۲) (۲) بعد از عقد نکاح وقتیکه خانم بخانه شوهرش رفت سپس از آن اگر بخانه والدین میرود واراده کمتر از پانزده روز قیام را داشته باشد آیا او نماز را قصر

---

(۱) أما الصلوة في السفينة فالمستحب أن يخرج من السفينة للفريضة إذا قدر وإذا صلى قاعدا في السفينة وهي تجري مع القدرة على القيام تجوز مع الكراهة الخ (عالمكيري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳٤، ط. ماجدية ج۱ ص۱٤۳). ظفير

(۲) الوطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه يبطله بمثله إذا لم يبق بالأول أهل فلو بقى لم يبطل بل يتم فيهما (درمختار) اى بمجرد الدخول وإن لم ينو إقامة (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲ – ۷٤۳، ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۰، ط.س. ج۲ ص۱۳۰. ظفير

کند یا اتمام؟

بخانه خسر رفت ونماز را اتمام نمود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۲۳۳) (۳) اگر زید مذکور از دیوبند به اله آباد برود ونماز را اتمام مي نماید وبراي مقیمین نماز را به اتمام میدهد آیا نیازی براي اعاده است؟

جواب: (۱) شامي دردیل قول در المختار تاهله از شرح منیه نقل نموده است: ولو تزوج المسافر ببلد ولم ینو الاقامة به فقیل لایصر مقیما وقیل یصیر مقیما وهو الاوجه [۱] الخ از این عبارت واضح معلوم شد که بمحض تَزَوج عروسي کردن در آنجا مقیم میگردد وهمین اصح واوجه میباشد یعني وقتیکه آنجا رفت پس نماز را اتمام نمودن بکار است.

جواب: (۲) نماز را اتمام نماید بخاطر آنکه این نیز وطن اصلي اش است [۲].

جواب: (۳) حکم آن از واجب نمبر ۱ معلوم شد که براي او اتمام نماز بکار است فقط.

درحالت سفر ازکدام وقت قصر واجب است وآیا نماز را اتمام نموده نمیتواند؟ سوال: (۲۲۳٤) درحالت سفر نماز چه وقت واجب میشود ودرصورت وجوب قصر اگر براي ثواب نماز اتمام اداء شود آیا درست خواهد بود یانه؟

جواب: باراده قصر مسافت یعني سه منزل از شهرخارج شود واز ابادي وعمرانات بیرون گردد پس از همان وقت نماز را قصر بخواند [۳] ودرحالت سفر اتمام نمودن نماز ممنوع است وتنها حکم قصر میباشد واهتمام حکم شرعي وپابندي نمودن آن بکار است [٤] فقط.

وقتیکه امام مسافر از قعده اولی بر خاست ورکعت سوم را ضم کند آیا نماز مقتدی

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر مطلب في الوطن الأصلي ووطن الإقامة ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظ

(۲) الوطن الأصلي هو موطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر مطلب في الوطن الأصلی الخ ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفیر

(۳) من خرج من عمارة موضع إقامته من جانب خروجه الخ قصدا الخ مسیرة ثلاثة أیام ولیالیها من أقصر أیام السنة الخ صلی الفرض الرباعي رکعتین (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱). ظفیر

(٤) صلی الفرض الرباعي رکعتین وجوبا لقول ابن عباس إن الله فرض علی لسان نبیکم صلوة المقیم اربعا والمسافر رکعتین (درمختار) قوله وجوبا فیکره الإتمام عندنا حتی روی عن ابي حنیفة أنه قال من أتم الصلوة فقد أساء وخالف السنة شرح المنیه (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفیر

فاسدخواهد شد یانه؟ **سوال:** (۲۲۳۵) مسافرامامت کرد بعد ازقعده اولی که درحق اومفروض است برخاست ورکعت ثالث را بسجده مقید کرد نماز جماعت مقیمین فاسد مي گردد یانه؟ ودر المختار بساب المسافر تحت قوله لم یصر مقيماً تحرير مي كند: فلو اتم المقيمون صلوتهم معه فسدت لانه اقتداء المفترض بالمتنفل ظهيرية اي اذا قصد متابعةٍ امانو وامفارقته ووافقوا صورة فلا فساد افاده الخير الرملي [1] يجب تقيده بما اذالم ينووا مفارقته اما اذانووا مفارقته لاتفسد صلوتهم وان وافقوه في الاتمام صورة اذ لا مانع من صحة مفارقته بعدا تمام فرضه الخ: ج ۲ ص ۱٤٦ بحر الرائق درين صورت چه حكم است؟

جواب: این مسأله همانطور است قسمیکه در رد المحتار وبحر الرائق منقول است وتقید ذکر شده ضروري است فقط يعني اگر به نيت متابعت مقيم نماز را اتمام نمود نمازش فاسد خواهد شد ظفیر.

مسافر بعقب امام مقیم نیت چهار رکعات را باید کرد: **سوال:** (۲۲۳٦) مسافر را بعقب امام مقیم در نماز ظهر بعد نیت چهار رکعات بکار است یا دو رکعت وهرگاه براي مقیم در نماز ظهر بعد از اداء نمودن دو رکعت قعده کردن واجب است وبراي مسافر فرض است پس بکدام دلیل نماز مسافر بعقب امام مقیم صحیح است؟

جواب: نیت کردن چهار رکعات فرض میشود وقعده اولی بمذمه اش فرض باقي نمي ماند [2] فقط.

عساکر قصر کنند یا اتمام؟ **سوال:** (۲۲۳۷) در اینجا تقریبا سه صد (۳۰۰) نفر سکونت دارند وسائر مردان انان در توپخانه وغیره انگلیسها نوکر واجیر اند وبراي صاحب منصبان نیز معلوم نیست که درآنجا تا چه مدت اقامت خواهد نمودند بناء ایا دراین صورت نماز ظهر وعشاء وغیره را چهار رکعت اداء نمایند یا دو رکعت اگر دراین مورد حکم دو رکعت باشد وچهار رکعت را اداء نماید آیا نماز ایشان درست خواهد شد یانه؟

---

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۱، ط.س. ج۲ ص۱۳۰. ظفير

(۲) وإن إقتدى المسافر بالمقيم في الوقت أتم اربعا لأنه يتغير فرضه إلى أربع للتبعية (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

جواب: درهمچو حالت بکار است که چهار رکعت اداء شود زیرا اگر دو رکعت واجب باشد وچهار رکعت اداء گردد بدان شرط که قعده درمیاني را کرده باشد دراین صورت نماز میشود کذا في کتب الفقه [1] فقط.

در وطن اقامت اگر نیت پانزده روز باشد پس نماز را اتمام کند ورنه قصر نماید: سوال:
(۲۲۳۸) وطن اصلي زید آ له آباد اَست اما وظیفه اش درشهر انباله میباشد وعلی الدوام در گشت ودوران میباشدودرشهر انباله تنها دو روز اقامت داشته میباشد وبرخي ازمناطق ولسوالي بفاصله ۳۰۲ میل قرار دارد بلکه از آن بیشتر میباشد واحیانا دوره اش در ماحول عنقریب وهمجوار شهرانباله میباشد بناء آیا براي زید در نماز قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: وطن اصلي زید آله آباد میباشد وشهرانباله وطن اقامتش اسَت اگر درآنجا نیت اقامت پانزده (۱۵) روز راکرده باشد نماز را اتمام باید کرد ورنه قصر نماید [2] واگر درشهرانباله نیت اقامت پانزده (۱۵) روز را کرد ودر آنجا نماز را اتمام مي نمود پس هرگاه از انباله بفاصله ٤۸ میل قصد سفر را نمود نماز را قصر باید کرد ورنه نماز را اتمام باید نمود [3] فقط.

اگر مسافر سهوا نیت چهار رکعت را نمود پس چند رکعت را اداء نماید؟ سوال: (۲۲۳۹)
(۱) مسافر سهوا نیت چهار رکعت را بست اکنون او دو رکعت را اداء نماید یا چهار رکعت وآیا سجده سهوه را بکند یاخیر؟

مسافر امام را پینداشته بعقبش اقتداء نمود پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۲٤۰) (۲)
شخصي مسافر امام مقیم پنداشته بعقب او اقتداء نمود وبعد ازگردانیدن سلام برایش معلوم شدکه امام نیز مسافر بود آیا اکنون اومع الامام سلام بگرداند ویا آنکه چهار رکعت را اتمام نماید؟

---

(۱) لأنه إجتمع في هذه الصلوة ما یوجب الاربع وما یمنع فرجحنا ما یوجب الأربع إحتیاطا (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولی تم فرضه الخ وما زاد نفل (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفیر

(۲) او ینوي إقامة نصف شهر حقیقة او حکما الخ بوضع واحد صالح لها الخ فیقصر إن نوی الإقامة في أقل منه ای من نصف شهر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳٦،ط.س. ج۲ ص۱۲۵). ظفیر

(۳) ویبطل وطن الإقامة بمثله وبالوطن الأصلي وبانشاء السفر الخ (ایضا ج۱ ص۷٤۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۹). ظفیر

جواب : (۱) او نیز دو رکعت را اداء کند وسجده سهوه را نباید کرد [۱].

جواب: (۲) مع الامام سلام بگرداند [۲] فقط.

شخصی که از منطقه کالکا بمنطقه شمله میرود اوقصر کند یا اتمام؟ سوال: (۲۲٤۱)
یک نفر در ریل موظف است وروزانه از منطقه کالکا بسوي منطقه شمله دررفت آمد دارد ومیان هردو منطقه مذکور بفاصله (۶۰) امیل است بناء آیا براي او درنماز قصر نمودن بکار است یا اتمام اگر قصر باشد پس نماز هاي را که قبل از آن اتمام نموده است آیا آنها درست اداء شده است یانه؟ وعلاوه از این درحالت سفر سنت اداء نمودن دشوار میباشد وتنها به پایان شدن از ریل فرض را اداء نموده میتواند زیرا فرصت چهار دقیقه میباشد ودرداخل ریل براي نماز مکان وگنجایش نمیباشد وشخص مذکور درهر دو منطقه کالکا وشمله مسافر محسوب میشود یانه؟

جواب: دراین صورت نماز را قصر نمودن بکار است [۳] واگر قبل از آن نماز ها را اتمام نموده باشد وقعده درمیاني راکرده باشد پس این نماز ها درست شده اند ونیازي به اعاده اش نیست [٤] وسنن نیز [۵] قضا ندارد ودر منطقه کالکا وشمله هر دو او مسافر محسوب میباشد فقط.

اگر سفر سه منزل باشد قصر باید کرد: سوال: (۲۲٤۲) اگر شخصي على الدوام در سفر بحري باشد یا درطیاره اخیر باشد یا ده (۱۰) روز دریک ماه درطیاره سفرمي نماید وده (۱۰) پانزده (۱۵) روز درخانه خودش میباشد آیا او درنماز قصر کند یا اتمام؟

---

(۱) صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا لقول ابن عباس ﷺ إن فرض على لسان نبيكم صلوة المقيم اربعا و للمسافر ركعتين (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳)

(۲): لا بد من التعيين عند النية الخ لفرض الخ دون تعيين عدد ركعاته لحصولها ضمنا فلا يضر الخطأ في عددها (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في النية ج۱ ص۳۸۸ – ۳۹۰، ط.س. ج۱ ص٤۱۸). ظفير

(۳) ولايزال على حكم السفرحتى ينوي الإقامة في بلدة اوقرية خمسة عشر يوما اواكثر وإن نوى أقل من ذلک قصر (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

(٤) فإن صلى اربعة وقعد في الأية قدرالتشهد اخرته والأخريان نافلة ويصير مسيئا لتاخير السلام (عالمكيري كشوري صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱٤۱). ظفير

(۵) ولا يقضيهما إلا بطريق التبعية لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده الخ بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة فإنه إن خاف فوت ركعة يتركها ويقتدي ثم يأتي بها على أنها سنة في وقتها اى الظهر (درمختار) فلا تقضي بعده لا تبعا ولا مقصودا الخ (رد المحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۲، ط.س. ج۲ ص۵۷). ظفير

جواب: وقتیکه درسفر باشد ودرطیاره سفر مي نماید بشرط آنکه سفرش سه منزل باشد او باید قصر کند [۱] وهرگاه بوطن خویش مواصلت نمود ودر آنجا سکونت ور زید پس درآن آیام نماز را اتمام نماید [۲] فقط.

وقتیکه شب او در اقامتگاهش بگذارد او از طرف روز چکر میزند حکم آن چگونه است؟

سوال: (۲۲۴۳) شخصي از رخصتي واپس امد ودریک جاي متعین شد که روزانه از آن جاي سه چهار میل سفر مي نماید لکن شبانه به اقامت گاه خودش عودت مي نماید آیا آنکس مسافر محسوب میشود یامقیم؟

جواب اگر شخص مذکور نخست درجاي متعین خود نیت اقامت پانزده روز را نموده بود او مقیم میباشد سپس اگر روزانه او دوچهار میل جاي سفر میکند با این سفر او مسافر نمیگردد وبراي او اتمام نماز بکار است واگر بجاي دیگر تبدیل شد پس درآنجا نیز همین حکم است [۳].

براي ملازم سفینه معلوم نیست که درکجا وچند روز باقي ماند بناء قصر باید نمود:

سوال: (۲۲۴۴) اینجانب در سفینه که اموال را انتقال مي نماید ملازم میباشم وسفینه بکشور هاي بعید ودور افتیده گشت وگذر مي نماید احیاناً دریک جاده (۱۰) روز پانزده روز ماه دوماه ایستاده میباشد ومعلوم نمیباشد که چه وقت از آنجا روان وسفر می نماید وبرخي از سفینه ها از یک جای معین بمقام معین سفر مي نماید وبراي مایان بعد از شش (۶) هفت (۷) یا نو (۹) وده (۱۰) ماه یا بعد از یک یا دوسال موقع رفتن خانه میسر میشود بناء آیا براي مایان در همچو حالت در نماز قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: در این صورت تا وقتیکه بوطن خویش نرسدیده باشد نماز را قصر نمودن بکار است

---

(۱) ولا یزال على حکم السفر حتى ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر أو أکثر وإن نوى أقل من ذلک قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۴۹). ظفیر

(۲) الوطن الأصلي الخ یبطل بمثله إذا لم یبق له بالأول أهل فلو بقى لم یبطل بل فیهما (درمختار) اى بمجرد الدخول وإن لم ینو إقامة (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲ – ۷۴۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفیر

(۳) وإن دخل اولا ما نوى البیت فیه یصیر فیه مقیما ثم بالخروج إلى الموضع الآخر لا یصیر مسافرا لأن موضع إقامة الرجل حیث یبیت فیه (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۸) او ینوي الخ إقامة نصف شهر الخ موضع واحد الخ فیقصر إن نوى الإقامة في أقل منها (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۶، ط.س. ج۲ ص۱۲۵). ظفیر

وقتیکه بوطن رسیدي پس درآن وقت نماز را اتمام کن وکدام سفینه که از مکان معین بمکان معین میرود ملا زمان آن نیز همین حکم دارند که علی الدوام درحالت سفر نماز را قصر کند [1].

رفتن براهی که موجب قصر است وبازگشت نمودن براهی که موجب قصر نیست پس او درحین باز گشت قصر بکند یانه؟ **سوال:** (۲۲۴۵) یک قریه داراي دو راه است اگر در ریل میرود موجب قصر است واگر پیاده براهي نزدیک میرود نماز را اتمام باید کرد وبهمان قریه شخصي در ریل رفت وچند روز اقامت درآنجا نمود ونماز را قصر مي نمود ودرحین عودت براهي مشي الاقدام آمد فلهذا آیا تا به رسیدن بخانه نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: دراین صورت این شخص درحین بازگشت نیز قصر باید کرد تا وقتیکه بوطن خویش نرسیده باشد زیرا درآن قریه او نیت اقامت پانزده روز را نکرده بود وقریه مذکور تا به آن وقت وطن اقامتش نشده [2] بود.

بعداز طی نمودن ده میل راه نیت سفر را فسخ نمود پس اکنون چه باید کرد؟ **سوال:** (۲۲۴۶) زید بقصد سفر رفت وبعد از سپري نمودن نیت سفر را فسخ کرد وبوطن عودت نمود آیا او در وقت مراجعت نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: دراین صورت نماز را اتمام نماید در عالمگیري مذکور است: اما اذا لم یسر ثلثة ایام فعزم علی الرجوع او نوی الاقامة یصیر [3] مقیماً وان کان في المفازة فقط.

مسافري که معتقد قصر نیست حکم اوچیست؟ **سوال:** (۲۲۴۷) زید بقصر مسافر معتقد نیست یا معتقد است لکن قصر نمیکند در هر دوصورت حکم چیست؟

جواب: برای مسافر سفر شرعي قصر نمودن واجب است وهر شخصیکه معتقد قصر نباشد یا قصر نمیکند او مبتدع وعاصي است وتارک واجب میباشد کما بسط في الاحادیث وتفصیله في

---

(۱) اودخل بلدة ولم ینوها ای مدة الإقامة بل ترقب السفر غدا اوبعده ولو بقی ذلک سنین (درمختار) قوله ولم ینوها وکذا إذا نوها وهو مترقب السفر کما في البحر لأن حالته تناف عزیمته (رد المحتار باب صلاة المسافر ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۶). ظفیر

(۲) ولو لموضع طریقان احدهما مدة السفر والآخر أقل قصر في الأول لا الثاني الخ حتی یدخل موضع مقامه الخ او ینوی الخ إقامة نصف شهر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵ – ۷۳۶، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفیر

(۳) عالمکیري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۹. ظفیر

کتب الفقه [۱] فقط۔

در سفر منزل قابل اعتبار است یافرسخ؟ سوال: (۲۲۴۸) قال في الهداية: ولاعبرة بالفراسخ وهو الصحيح آه وفی الدر المختار: ولا اعتبار لی فراسخ علی المذهب انتهی وفي حاشيته الهداية قوله هوالصحيح احترازاً عن قول عامة المشايخ لانه قدروه بالفراسخ ثم اختلفوا فيما بينهم فقيل احد وعشرون فرسخا وقيل ثمانية عشر وقيل خمسة عشر والفتوی علی ثمانية عشر كذا في المحيط [۲] انتهی ودرحاشيه ما لابد منه لكن آنست كه درمذهب حنفيه اعتبار اميال وفراسخ نيست ودرعالمگيري از هدايه مي آورد: ولا تغير بالفراسخ اما چهل وهشت ميل چنانكه مصنف رح اختيار كرده مذهب شافعي رح است هرگاه بنزد احناف ميل وفرسخ اعتبار ندارد بناء درسفر سفينه بكدام طريقه نماز را قصر نمائيم؟

جواب: اصل مسأله بيشک آنست كه منازل اعتبار دارد يعني مسافت سه روز معتبر است لكن (۴۸) نيز سه منزل ميباشد وبخاطر آن معمول همان است ودركتاب ما لابد منه آن را اختيار نموده است [۳].

ودرسفر بحري اعتبار بمسافت كشتي وسفينه است يعني درمدت سه روز هر قدر سفر كه با اعتدال ريح قطع ميشود درآن حكم قصر ميباشد [۴] فقط.

خانه خسر وطن اصلی نیست: سوال: (۲۲۴۹) كسي ازوطن اصلي خود به نيت نكاح بجاي دور بمسافت قصر رفته زني را نكاح كردهِ دروطن اصلي خود بياورد وآن زن بعد نكاح بمكان شوهر خود قريب از بيست سال بطور مستند مي ماند مگر خانه پدرش درآنجا موجود است دراين حالت اگر زوجش گاه گاه نيت سفر بخانه آن خسر يا در اطراف آن برود آيا زوج نماز قصر بخواند يا تمام كند وخانه خسر براي او وطن اصلي است يانه؟

جواب: هرگاه ان كس ببلد ديگر نكاح كرده زوجۀ خود را بوطن اصلي خود اورد وخود بموضع

---

(۱) والقصر عندنا واجب كذا في الخلاصة (عالمكري صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط.س. ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۹. ظ

(۲) مطالعه فرمائيد حاشيه هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۴۸. ظفير

(۳) مگر وقتيكه قصد كنند دفعة واحدة سفر چهل وهشت كرده را ما لابد منه فصل نماز مسافر: ص ۶۰. ظفير.

(۴) وإنما يعتبر في كل موضع منهما ما يليق بحاله (عالمكيري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۸). ظفير

تأهل وتزوج يعني مسكن زوجه خود اقامت نكرد ومستقر نه شد ونه وزجه خود در آنجا گذاشت آن بلد وطن او نه شده است پس بمجرد دخول درآن بلد مقيم نخواند شد واتمام نماز لازم نخواهد شد بلكه قصر بكند كذا يظهر من كتب الفقه وفقهاء كه موضع تزوج را وطن فرموده اند مراد آنست كه وزجه او در انجا مقيم باشد وهرگاه زوجه اش آنجا مقيم نيست وخود نيز درآنجا سكونت نكرده بلكه زوجه خود را بوطن خود بياورد پس محض اقامت خسرو وجود خانه آن خسر درآنجا مفيد اين امر نخواهد كه آن بلد را وطن شوهر گفته شود ولو كان له ببلدتين فايتها دخل صار مقيماً فان ماتت زوجته في احدهما وبقي له فيها دور وعقار قيل لا يبقى وطناله اذ المعتبر الاهل دون [1] الدار الخ ونيز در جائيكه اشتباه باشد كه قصر كند يانه كند آنجا اتمام نماز احوط است قال في الشامي في موقع الاشتباه لانه اجتمع في هذه الصلوة مايوجب الاربع ومايمنع فرجحنا مايوجب [2] الاربع احتياطاً وظاهر است كه بصورت اختلاف احتياط در اتمام نماز است نه در قصر فقط.

اگر دريک شهر وطن اصلي اقامت نمود پس دركشتي ياسفينه ملازم شد پس چه بايد كرد؟ **سوال:** (۲۲۵۰) (۱) بعضي از رانندگان سفينه وكشتيبانان از وطن اصلي خود مي آيند ونخست در يک قريه يا دريک جاي به نيت اقامت مقيم ميشود سپس از آن تلاش وسعيه مي ورزد كه دريک سفينه يا دريک كشتي ملازم مقرر شود وبرخي از مردم بدون نيت اقامت در آنجا باقي مي مانند كه در آن حالات فوق الذكر ايشان را قصر واجب است يا اتمام؟

جائيكه سفينه دو سه ماه باقي بماند آيا درآنجا به نيت اقامت مقيم خواهد شد يانه؟

سوال: (۲۲۵۱) (۲) بعضي سفينه هاي تجارتي از ممالک بعيده مي آيند ودريک بند رگاه تا به دو سه ماه مقيم ميباشند درهمچو حالت اهل كار ومنسوبين به نيت اقامت مقيم خواهد شد يانه؟

ملازمان كشتيها مقيم نميباشند: **سوال:** (۲۲۵۲) (۳) برخي ازكشتيها اكثرا از بندرگاه برپل

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظفير

(۲) ردالمحتار باب صلوة المسافر تحت قوله قاصدا ج۱ ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲. ظفير

بطور گودام مال همیشه بند میباشد وکارمندان آن که از ممالک خارجي میباشند وهمیشه درآن سکونت وبود باش دارند آیا ایشان را مقیم گفته میشود یامسافر؟

جواب: (۱) آن عده مردمي که از مسافت بعیده تشریف آورده اند ودر هیج جاي نیت اقامت پانزده روز را ننموده اند وسپس درآن دور در سفینه یا کشتي ملا زمان شدند وبسفر میرفتند خواه سفر کم بود یا زیاد بناء ایشان هموار مسافره اند وقصر باید مي نمودند بعدم علة الاتمام وآن عده مردمي که در جاي مقیم بودند ویا از خارج امدند ومقیم شدند وسپس انها باراده سفر سه روزه خارج نشدند فلهذا ایشان نماز را اتمام نمایند وقصر نباید بکنند [1].

جواب: (۲) درشامي مذکور است: والملاح مسافر الخ وسفینته ایضاً لیست بوطن آه بحر وظاهره ولوکان ماله واهله معه فیها ثم رایته صریحا في المعراج [2] بناء معلوم شد که این عمله وکار مندان مقیم نمیباشند بلکه مسافر میباشند ونماز را قصر باید بکنند.

جواب: (۳) مسافر میباشند کمامر فقط.

سفر شرعی چند منزل میباشد؟ **سوال:** (۲۲۵۳) یک منزل چند میل میباشد؟

جواب: درکتاب هاي فقه نوشته شده است که سفر شرعي سه منزل میباشد واما صحیح آنست که میل معتبر نیست بلکه منزل معتبر است وبعضي فقهاء میل را قابل اعتبار گفته اند ودر آن سه اقوال منقول است یک منزل را (۲۱) یا (۱۸) یا (۱۵) میل نوشته اند وفتوی پر هژده (۱۸) میل است وبنزد بعضی فتوی برپانزده میل میباشد [3] فقط.

بعد ازعودت نمودن از سفر اگر در بازار جدا از خانه قیام نماید آیا او مسافر میباشد یا

---

(۱) ولابد للمسافر من قصدمسافة مقدرة بثلاثة أيام حتى يترخص برخصة المسافرين وإلا لا يترخص ابدا ولو طاف الدنيا جميعها الخ ولا يزال على حكم السفر حتى ينوي الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما او اكثر (عالمگيري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۹). ظفير

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر تحت قوله كبحر ج۱ ص۷۳۷، ط.س. ج۲ ص۱۲٦). ظفير

(۳) اعلم ان أقل مدة السفر عندنا مسافة ثلثة أيام من أقصر أيام السنة بالسير الوسط واهى مشي الأقدام والإبل في البر واعتدال الريح في البحر الخ وصحح صاحب الهداية أنه لا يعتبر التقدير بالفراسخ لكن قال المرغيناني وعامة المشائخ قدرها بالفراسخ فقيل أحد وعشرون فرسخا وقيل ثمانية عشر فرسخا قال المرغيناني وعليه الفتوى وقال العتابي في جوامع الفقه وهو المختار ر وقيل خمسة عشر فرسخا الخ (غنية المستملي صلوة المسافر في المدة ص۴۹۷). ظفير

نه؟ **سوال:** (٢٢٥٤) شخصي از مسافرت بوطن خود تشريف فرماشد وازخانه خويش بفاصله يک ونيم ميل دور در بازار دكان خياطي را باز نمود وخياطي را شروع كرد واحيانا دوچهار شب نيز در آنجا باقي ميماند آيا اين شخص قصركند يا اتمام؟

جواب: درهر قريه وآبادي كه زيست مي نمايد در مورد قصر نماز وعدم قصر خروج ودخول آن معتبر ميباشد فلهذا بازا ريكه از قريه مذكور منفصل وعليحده است چنانچه درمناطق ينگلا ديش ممنوع است درآن مناطق دخول وخروج اعتبار ندارد بناء شخص مذكور تا وقتيكه درقريه وعمرانات خويش داخل نشده باشد تابه آن وقت او قصر بايد كرد. قال في الشامي: واما الفناء فهو المكان المعد لمصالح البلد كركض الدواب ودفن الموتى والقاء التراب فان اتصل بالمصر اعتبر مجاوزته وان انفصل بفلوة اومزرعة فلا كما ياتى [1] فقط.

پدر درمكان پسر وپسر درخانه پدرمسافر است يامقيم؟ **سوال:** (٢٢٥٥) (١) شخصي از مسكن پدر خويش بفاصله كافي دور سكونت مي نمايد بناء اكنون اگر پدر بمكان پسر وبسر بخانه پدر بروند آيا نماز را قصر كنند يا اتمام؟

جائيكه جايداد باشد درآنجا قصر كند يا اتمام؟ **سوال:** (٢٢٥٦) (٢) جايداد ومكانات يک شخص وپدرش وبرادر هايش دريک قريه واقع است وقبلا سكونت ورهائش مالكانش نيز درهمان قريه بود اكنون بعد از مدتي بمكان ديگر سكونت آنها منتقل گرديده ودرميان ايشان شخصي درآوان حاصلات انجا رفت بخاطر آنكه محصولات را وصول نموده بياورد فلهذا آنكس كه به آنجا ميرود او قصر نموده ميتواند يانه؟

جواب: (١) هرگاه وطن اصلي هرواحد عليحده وجدا شده است فلهذا هر واحد ايشان اگر بوطن يكديگر ميروند ايشان درجاي يكديگر مقيم نميباشند بلكه آنها نماز را قصر كنند [2].

---

(١) ردالمحتار باب صلوة المسافر تحت قوله: من خرج من عمارة موضع إقامته ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١. ظفير

(٢) والوطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه يبطل بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٢٨) ولو كان له اهل ببلدتين فأيهما دخل صار مقيما فإن ماتت زوجته في إحداهما وبقى له فيها دور وعقار قيل لا يبقى وطنا له إذا المعتبر الأهل دون الدار (رد المحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٢٨) الوطن الأصلي الخ يبطله بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل (درمختار) اى وإن بقى له فيه عقار الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر =

جواب: (۲) اگر درآنجا اراده اقامت کم از پانزده یوم را داشته باشد پس قصر باید کرد واگر بقصد اقامت پانزده (۱۵) روز یا بیشتر به آنجا برود دراین صورت نماز را اتمام کند واگر اراده راسخ نداشته باشد بلکه چنان اراده داشته باشد که درمدت دویا چهار روز خواهم رفت ویا هر وقتیکه وصولي شد درآن وقت خواهم رفت پس از آن همواره نماز را قصر کند اگر چه بلا اراده تا به ایام مزید باقي بماند [1] فقط.

درسفر شرعی بترک نمودن قصر گنهکار خواهد شد یانه؟ سوال: (۲۲۵۷) شخصیکه درسفر قصر نمیکند اوگنهکار خواهد شد یانه اگر گنهکار میشود پس چرا وآیا اطلاق آیت ذیل براو میشود یانه (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌلَّهٗ)

جواب: مذهب امام صاحب آنست که درسفر قصر واجب است وقصدا اتمام نماز ممنوع [2] است زیرا که این تجاوز است از حدود الله (وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُوْدَ اللهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ) [3] وهمچنان درآیت (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً) نیز داخل نیست بخاطر آنکه خلاف حکم شارع علیه السلام عمل نمودن خیر نیست بلکه شر است.

شخصی درخانه خسر مقیم محسوب میباشد یا مسافر؟ سوال: (۲۲۵۸) (۱) زید درمنطقه سهار نپور نکاح نموده است که از وطن بفاصله ضد میل دور میباشد وزید منکوحه خود را بوطن خویش آورد اگر درهمچو صورت حال زید به سهار نپور رفت درحالیکه منکوحه اش نیز درسهار نپور نمیباشد آیا زید مقیم خواهد باشد یا مسافر؟

(ب) **سوال:** (۲۲۵۹) (۲) اگر منکوحـــۀ زید وفات شد واو به سها رنپور رفت آیا مقیم خواهد

= ج۱ ص۷۴۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۰. ظفیر

(۱) ولا يزال على حكم السفر حتى ينوي الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما او اكثر (عالمكيري ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدية ج۲ ص۱۳۹) او ينوي الخ إقامة نصف شهر الخ بموضع واحد صالح لها فيقصر إن نوى الإقامة في أقل منه اى من نصف شهر الخ او دخل بلدة ولم ينوها اى مدة الإقامة بل ترقب السفر غدا او بعده ولوبقى ذلک سنين (الدرالمختار على هامش ردالمحتارباب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳٦،ط.س. ج۲ ص۱۲۵). ظفير

(۲) صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ والإكمال ليس رخصة في حقه بل إساءة (درمختار) قوله وجوبا فيكره الإمام عندنا حتى روى عن أبي حنيفة أنه قال من أتم الصلوة فقد أساء وخالف السنة (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفير

(۳) سورة البقرة ركوع : ۲۹. ظفير

باشد یا مسافر؟

(ج) **سوال:** (٢٢٦٠) (٣) زید باشنده اله آباد است وهنده باشنده سها رنپور میباشد وهردو درسفر خویش بمراد آباد مواصلت نمودند ودر آنجا هر دوعقد نکاح بستند فلهذا آیا زید درمراد آباد مقیم خواهد باشد یانه؟

جواب: در در المختار مذکور است: ولو کان له اهل ببلدتین فایتهما دخلها صار مقیما فان ماتت زوجته في احدا هما وبقي له فیها دور وعقار قیل لایبقی وطناله اذ المعتبر الاهل دون الدار کما لو تاهل ببلدة واستقرت سکناله ولیس.له فیها دا روقیل تبقي الخ از این پاسخ صورت دوم یعني (ب) واضح گردید که بعد از وفات خانمش سهار نپور وطن اصلي او باقي نمي ماند با آنهم که اودر آنجا خانه وزمین نیز ندارد زیرا دراین صورت که دار وعقار باقي باشد اختلاف است ودر صورت اختلاف اتمام احوط میباشد.

درصورت اول (الف) نیز وقتیکه خانمش در آنجا نیست پس ظاهرا به آنجا رفتن او مقیم نخواهد شد ودرصورت سوم (ج) همچنان مراد آباد وطن او نخواهد باشد ودرآن کدام شک وشبهه وجود ندارد وتنها شبهه موافق روایت شرح منیة درصورت اول است لکن تنهاء کرام این قاعده را نیز نگاشته اند جائیکه شبهه باشد درآنجا اتمام نماز باید بشود ودرآن احتیاط میباشد قسمیکه درشامي در موقع شبهه نوشته است: لانه اجتمع في هذه الصلوة ما یوجب الاربع وما یمنع فرجحنا ما یوجب الاربع احتیاط الخ شامی [1] فقط

نخستین وطن اصلی در حکم وطن است یانه؟ **سوال:** (٢٢٦١) اراضي ومکان یک شخص در ولسوالي جالند هرواقع است واکنون او مع عیال بخاطر بدست آوردن اراضي به ولسوالي لائلپور رفت ودرآنجا سکونت اختیار نمودند وچونکه او درولسوالي جالند هر نیز اراضي ومکان دارد وبعد از سپري نمودن مدت شش ماه کم وبیش که درآنجا بخاطر انتظام واعمار آن بود وباش نمود بفامیل بازگشت میکند آیا این شخص که اینجا تشریف مي آورد نماز را قصرکند یا اتمام؟

---

(١) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٢٨. ظفیر

جواب: دراین مورد اصح وسخن احوط انست که وطن اول نیز اصلي اومیباشد ودرآنجا نماز را اتمام نماید چنانچه بنا براقوال بعضي فقهاء آن را ترجیح معلوم میشود ودیگر آنکه بتابر قاعده اتمام راجح است که آن قاعده را علامه شامي درمورد ترجیح قول امام ابي یوسف رح نقل نموده است وآن قاعده عبارت است از آنکه هرگاه درمیان اتمام وقصر اشتباه واقع شود دراین صورت ترجیح براي اتمام است زیرا که احتیاط درهمان است وآن عبارت راکه درمورد شروع نماز مسافر علامه نقل نموده است از آن قرار است: کفي التجنیس اذا افتح الصلوة في السفینة حال اقامته في طرف البحر فنقلتها الریح ونوی السفر یتم الصلوة المقیم عند ابی یوسف رح خلافاً لمحمد رح لانه اجتمع في هذه الصلوة ما یوجب الاربع ومایمنع فرجحنا مایوجب [1] الاربع احتیاطاً الخ شامي.

<u>**بمجرد خروج از منطقه خویش قصر را شروع کند خواه از آنجا منطقه اش آشکار نیز شود:**</u> **سوال:** (۲۳۶۲) دراین کشور مکانات متصل هستند ودرآن باغات نیز میباشند وبا وجود اتصال اسمائي مناطق جدا جدا میباشد اگر کسي بقصد سفر ازمکان خویش خارج شود وبعد از مواصلت بقریه دیگر وقت نماز فر رسد واز آن مکان برایش قریه اش معلوم وبنظرش مي آید بناء آیا این مسافر قصر کند یا اتمام؟

جواب: برای این شخص تجاوز نمودن شرط نیست کما في الدر المختار: من خرج من عمارة موضع اقامته من جهة خروجه وان لم یجاوز من الجانب الاخر [2] الخ فقط.

<u>**بقصد سفر شرعي اگر کسي بیرون شود پس بمجرد خروج قصر را شروع نماید:**</u> **سوال:** (۲۲۶۳) یک نفر قصد رفتن بمبني را نمود وتصمیم اتخاذ نمود که درآنجا شش ماه را سپري خواهم نمود اکنون این شخص قصر کند یا اتمام؟

جواب: این شخص نماز را در راه باید قصر کند زیرا که او قصد سفر شرعي از خانه بیرون شده است لهذا علت قصر موجود شده است وباقي آنکه هر گاه به بمبني مواصلت نمود ودرآنجا نیت

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر تحت قوله قاصدا ج۱ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲. ظفیر

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱. ظفیر

اقامت شش ماه را داشته باشد پس درآنجا نماز را اتمام نماید کما في الدر المختار: من خرج من عمارة موضع اقامته الخ قاصداً سیرة ثلاثة ایام ولیالیها الخ صلي الفرض الرباعي رکعتین وجوبا الخ حتی یدخل موضع اقامة ان سار مدة السفر [1] الخ فقط.

قبلا نیت اقامت را نموده بود سپس نیت بدل شد اوقصر باید کرد: سوال: (٢٢٦٤) زید مسافر در قصبه نیت اقامت پانزده (١٥) روز را نمود وچهار رکعت نماز ظهر را امامت داد اما دروقت عصر نیت اقامت پانزده (١٥) روز را فسخ نمود ونماز هاي چهار رکعتي را دو رکعت اداء کرد ونیز در امامت دادن دو رکعت شروع نمود ایا این نماز ها صحیح شده اند یانه؟ وبراي مسافر بعد از نیت نمودن اقامت عزم بر فسخ کردن نماز را قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: براي زید اول بنیت اقامت اتمام نماز بکار است وبعد از آن بوجه فسخ نمودن نیت اقامت قصر کردن بکار است [2] فقط.

بقصد سفر اگر در ماحول قریه های مختلف آنقدر گشت وچکر بزند که مسافت مجموعه آن بمسافت شرعی میرسد پس حکم آن چیست؟ سوال: (٢٢٦٥) شخصي باراده سفر میرود وسفرش در دیهات ومواضع است ویک موضع از مواضع آخر چندان دور نیست که حکم قصر صلاة بر اوعائد شود مثلا بعضي مواضع از یک موضع بر مساوت نه میسل وبعضي از بعضي یازده میل وبعضي هشت میل بعضي شانزده میل لکن دوره او در این دیهات زائد از مسیرة ثلاثة ایام مي شود درین صورت بر اوقصر واجب است یانه؟

جواب: هرگاه قصد شخص مذکور بوقت خروج براي سفر دوره جمیع دیهات مذکور است که مسافتش سه یوم یا زیاده او میرسد یوم یعني سه منزل است قصر بر او واجب است من خرج من عمارة موضع اقامة الخ قاصدا مسیرة ثلثة ایام ولیالیها [1] الخ درالمختار فقط.

---

(١) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١. ظفير

(٢) ولا يزال على حكم السفر حتى نوي الإقامة في بلدة خمسة عشر يوما او اكثر وإن نوى أقل من ذلک قصر (هدايه باب صلوة المسافر ج١ ص١٤٩) ولو كان مسافرا في أول الوقت إن صلى صلوة السفر ثم أقام في الوقت لا يتغير فرضة وإن لم يصل حتى أقام في اخر الوقت يقلب فرضه اربعا وإن لم يبق من الوقت إلا قدر ما يسع فيه بعض الصلوة (عالمكيري مصري صلوة المسافر ج١ ص١٣٢، ط. ماجدية ج١ ص١٤١). ظفير

درسفر شرعی قصر باید کرد اگر چه بفاصله اندک اندک اقامت چرا نباشد: سوال: (۲۲۶۶) (۱) من مسافر منطقه مارواړ هستم وبمنطقه احمد آباد بقصد سپري نمودن چهار پنج ماه میروم اما بخاطر کدام کارو بار هر روز بفاصله یک میل یا دومیل اقامت مي نمایم مثلا امروز دراینجا وفردا به یک مقام دیگر بفاصله دوسه میل اقامت مي ورزم دراین صورت قصر نمودن بکار است یانه؟

اگر درجنگل تصمیم اقامت یک ماه را داشته باشد بازهم قصر باید کرد: سوال: (۲۲۶۷) (۲) یک مسافر بقصد سپري نمودن یک ماه کامل دریک جنگل اقامت ورزد دراین مدت او نماز را قصر کندیا اتمام؟

جواب: (۱) دراین صورت قصر نمودن نماز بکار است [۲].

جواب: (۲) درجنگل او مقیم نمیگردد بناء براي او قصر نمودن نماز بکار است [۳] فقط.

وتر درسفر معاف نیست واداء نمودن سنت نیز ثابت است: سوال: (۲۲۶۸) شخصي ادعا دارد که برای مسافر وتر وسنت معاف است ودر ترک نمودن آن گناه نیست ونبي اکرم ﷺ نیز آن را در سفر اداء ننموده است آیا این ادعا صحیح است یانه؟

جواب: وتر واجب است وترک نمودن آن در هیچ حال جواز ندارد خواه مسافر باشد یامقیم باشد ودرمورد سنت بهتر آنست که درحالت اطمینان واستقرار آن را اداء کند ودرصورت تعجیل آن را ترک نماید درآن کدام حرج نیست [۴] ودر ترمذي شریف آمده است که رسول الله ﷺ در حالت سفر سنت را اداء نموده اند [۵] فقط

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوٰة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱. ظفیر

(۲) او ینوي الخ إقامة نصف شهر حقیقة او حکما الخ بموضع واحد صالح لها من مصر او قریة فیقصر إن نوی الإقامة في أقل منه ای من نصف شهر اونوی فیه لکن في غیر صالح کبحر وجزیرة او نوی فیه بموضعین مستقلین الخ او دخل بلدة ولم ینوها ای مدة الإقامة بل ترقب السفر غدا او بعده ولو بقی علی ذلک سنین (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۶، ط.س. ج۲ ص۱۲۵). ظفیر

(۳) وصلاحیة الموضع حتی نوی الإقامة في بر اوبحر او جزیرة لم یصح (عالمکیري مصري صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۹). ظفیر

(۴) ویأتي المسافر بالسنن إن کان في حال أمن وقرار وإلا بأن کان في خوف وقرار لا یأتي بها هو المختار (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفیر

(۵) وروی عن ابن عمر أن النبی ﷺ کان لا یتطوع في السفر قبل الصلوة ولا بعدها وروی عنه عن النبي ﷺ أنه کان یتطوع في السفر =

کسی که هموار درسفر باشد اوقصر باید کرد: **سوال:** (٢٢٦٠) شخصي درسهار نپور دردفتر ريل مامور است وخانه اش از سهار نپور بفاصله (٢٧) ميل دور ميباشد اوبيست وچهار ساعت در ريل ميباشد وتابه منطقه انباله وسوي ديگر تا به غازي آباد ميرود آيا براي او درآن مدت قصر نماز بكار است يا اتمام؟

جواب: درهمچو حالت تا وقتيکه او بوطن اصلي خود باز گشت نکرده باشد اونماز را قصر کند [1] فقط.

ساکنین کشتی نماز را قصر کنند: **سوال:** (٢٢٧٠) سفينه ها ئيکه از طرف شب درخليج بسته ميباشد واز طرف روز سه بار براي نيم ساعت از اين کناره بکناره ديگر رفت وآمد ميکند آيا منسوبين همچو سفينه نماز را قصر کنند يا االتمام حالانکه وطن اصلي آنها بفاصله سفر سه روز دور است وايشان درآن سفينه سکونت گزين ميباشند خورد ونوش واستراحت آنها نيز درآن سفينه ميباشد.

جواب: آن عده مرديکه از فاصله دور بيايند ودرسفينه اجراي وظيفه مي نمايند مثلا سه روز يا بيشتر از سه روز مسافه را يطي کند وبيايند درسفينه اجير شوند وهموار دربحر سفينه را مي چلاند ودرهيچ جاي نيت اقامت پانزده (١٥) روز را نميکنند که صلاحيت اقامت راداشته باشد پس ايشان مسافر اند ونماز را قصر بايد نمودند درردالمختار آمده است: فيقصر ان نوى الاقامة في اقل منه اي من نصف شهر اونوی فيه لکن في غير صالح کبحر اوجزيرة الخ (درالمختار) قوله کبحر قال في المجتبى والملاح مسافر الا عند الحسن وسفينته الخ ليست بوطن آه [2] الخ فقط.

رانده ريل که اوبا انجن (موتر) در دويدن باشد وقيامش در يکجا بيشتر از چند ساعت نباشد او چه بايد کرد؟ **سوال:** (٢٢٧١) رانده که ريلی را رانندگي ميکند ازمکان مستقر خود روزانه صد (١٠٠) ميل کم وپيش دوره مي نمايد. وهرگاه وظيفه خود را انجام نمود بمستقر

= (ترمذي شريف باب ما جاء في التطوع في السفر ج١ ص٧٢). ظفير

(١) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسيرة ثلثة أيام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ حتى يدخل موضع مقامه الخ او ينوي الخ إقامة نصف شهر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١). ظفير

(٢) رد المحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٧، ط.س. ج٢ ص١٢٦. ظفير

ديگر ميرود وتقريباً كم وپيش دوازده ساعت يا بيست وچهار ساعت استراحت مي نمايد سپس از آن بعد ازچند ساعت موتر ديگر را اخذ نموده واپس عودت مي نمايد وقتيكه بمستقر قبلي خويش مواصلت ورزد پس در اينجا نيز براي اوموقع آنقدر قيام ميسر ميشود فلهذا براي اودر هردومكان قصر نمودن نماز بكار است يا اتمام؟

جواب: براي اودر هردو مكان قصر نمودن نماز بكار است [1] فقط.

اجير ماتحت مالک خود است اگر او قصر ميكرد اجير نيز قصر كند: سوال: (۲۲۷۲)

يک مسافر شرعي به يک منطقه رسيد ويكي خود بشرط اجير گرفت كه تا وقتي من درسفر باشم توهمراه با من باشي وانتهائي مسافت سفر را قطعا بيان نكرد وقتيكه از آن منطقه خارج شد او بفاصله پنج شش ميل به يک قريه رسيد وبدون نيت اقامت تا به چهال هفته درآنجا باقي ماند كه مسلسل نماز را او قصرمي نمود اكنون براي اجير چه حكم است؟ آيا بتبعيت مالک وآقاي خود اوخودش نيز نماز را قصر كند يا اتمام؟

جواب: اجير مذكور دراين صورت تابع مالک خود است هر نيت كه مالک داشته باشد براجير نيز اتباع آن لازم است لكن معلوم شدن نيت متبوع ضروري است در درالمختار مذكور است: والمعتبر نيت المتبوع [2] الخ ولابد من علم التابع بنية المتبوع الخ وفي رد المحتار قوله واجير اي مشاهرة او مسانهةً [3] الخ پس وقتيكه اجير تابع مستأجر است بهمين منوال اجير مذكور نيز تابع ميباشد زيرا كه او نيز مشاهرة اجير ميباشد فقط.

اگر درچند قريه بچكر رفتن مسافت كامل شود پس حكم آن چيست؟ سوال. (۲۲۷۳)

شخصي مربوط چند قريه ميباشد كه از وطن اوهر يک قريه ازمسافت قصر كمتر ميباشد اگر آن شخص ازيک قريه خويش بقريه ديگر بدنبال يكى بعدديگر منتقل ميشودكه درنتيجه ازان مسافت

---

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسيرة ثلاثة أيام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ فيقصر إن نوى الإقامة في أقل منه اى من نصف شهر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۲ ۷۳۲ تا ۷۲۷، ط.س. ج۲ ص۱۲۱ – ۱۲۳). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤٤، ط.س. ج۲ ص۱۳۳. ظفير

(۳) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤٥، ط.س. ج۲ ص۱۳٤. ظفير

قصر تکمیل میگردید وبهمین اراده از وطن خارج شده باشد آیا درمورد آن شخص احکام سفر ثابت خواهد باشد یانه؟

جواب: براي آن شخص احکام قصر ثابت میباشد [1] فقط.

قصر نمودن غیر مقلدین درمسافت سه میل وتاویل حدیث مستدل ایشان: سوال:

(٢٢٧٤) عند الفقهاء درفاصله (٤٨) میل مسافر دوگانه نماز را اداء باید نمود واما غیرملقدین درفاصله سه میل نماز را قصر میکنند ودرثبوت این عملکرد خویش حدیث حضرت انس ﷺ را پیش مي نمایند که درآن نبي اکرم ﷺ در فاصله سه میل دو رکعت اداء نموده اند مطلب آن حدیث چیست؟

جواب: وقتیکه تصمیم سفر مسافت سه منزل که از آن (٤٨) میل میشود داشته باشد پس بمجرد خروج از شهر قصر آغاز مي یابد [2] وهمین تأویل آن حدیث شریف است که درآن چنین وارد است که نبي اکرم ﷺ خارج از مدینه طیبه بفاصله سه میل قصر نمودند یعني آنجناب ﷺ اراده مسافت بعید را داشتند لکن بعد ازخروج ازمدینه بفاصله سه میل وقت نماز شد پس ایشان نماز را قصر نمودند فقط.

اگر اجیر بوطن خود رسید پس او در میباشد اگر چه مالک همراهش نباشد: سوال:

(٢٢٧٥) اجیر مشاهرة یعنی ملا زم اگر درحالت سفر همراه مالکش بقریه خویش مواصلت نماید آیا اونماز را قصر کند یا اتمام؟ درفتاوی حمادیه است عبد سافر مع مولی فدخلا في وطن العبد لایصیر ان مقیمین اما العبد فلانه تابع واما المولی لم توجدنیة الاقامة ولادخول الوطن اصلی آیا مسأله فوق تنها مخصوص بغلام میباشد ویا براي اجیر نیز همین حکم است؟ **جواب:** اجیر مشاهرة اگر چه بلحاظ متابعت درحکم غلام است وهیچ شک نیست درآن که اگر دروطن اقامت همچو صورت عارض شود پس نیت او مانند غلام نیز مدار اعتبار نیست بلکه اقامت

---

(١) فاذا قصد بلدة والی مقصده طریقان أحدهما مسیرة ثلاثة أیام ولیالیها والآخر دونها فسلک الطریق الأبعد کان مسافرا عندنا هکذا في فتاوی قاضي خان (عالمگیري مصري باب صلوة المسافر ج١ ص١٣٠، ط. ماجدیة ج١ ص١٣٨). ظفیر

(٢) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسیرة ثلاثة ایام ولیالیها الخ ولا إعتبار بالفراسخ علی المذهب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٥، ط.س. ج٢ ص١٢١). ظفیر

وسفرش موقوف برنیت مستاجر میباشد لکن در وطن اصلي آن صورت نخواهد بود زیرا که درآنجا بمجرد مواصلت نمودن سفر باطل میشود نیت وعدم نیت درآن مورد کدام اثر وارد نمیکند فلهذا اگر اجیر مع مستأجر خود بوطن اصلي خود برسد سفرش فورا باطل میشود وعلاوه از آن درجاي دیگر تابع نیت متبوع میباشد در الدر المختار مذکور است: والمعتبر نیة المتبوع ولانه الاصل لا التابع کامراة وفاها مهرها المعجل وعبد الخ واجیر الخ مع زوج ومولی ومستاجر الخ فقط.[1]

مقتدي مسافر بعقب امام نیت چند رکعت را بکند: سوال: (٢٢٧٦) امام مقیم است ومقتدي مسافر آیا اکنون مقتدي نیت چهار رکعت را بکند یا دورکعت؟

جواب: برای مسافر اقتداء بمقیم جائز است ومقتدي مسافر بخاطر اتباع امام مقیم نیت چهار رکعت را باید کرد در درالمختار مذکور است: واما اقتداء المسافر بالمیقیم فیصح في الوقت ویتم الخ.[2]

یک شهر را ترک گفت وبشهر دیگر اکنون اگر بشهر سابق آید درآن مورد حکم چیست؟

سوال: (٢٢٧٧) یک نفر بنا برکدام دلیل اهل وعیال خودرا از شهر (الف) بشهر (ب) گسنیل نمود واو خودش در نواحي شهر (الف) منزل نموده وقت را میگذا رنید اگر این شخص بشهر (الف) تشریف آورد که درآنجا مکانش مقفل است قلف است آیا درانجا براي اومقیم گفته میشود یامسافر ودیگر آنکه اگر این شخص بشهر (ب) رفت جائیکه سائر خویشاوندان واقارب او میباشد لکن در آنجا اقامت او کمتراز ده روز نیز میباشد حالانکه او بشهر الف باز گشت مي نماید جائیکه بطور مستقل قیام پذیر است فلهذا آیا درهمچو صورت اودرشهر (ب) مقیم دانسته میشود یا مسافر وبراي اودر شهر (ب) هرنوع سهولت واسایش مهیا است واز شهر (الف) اهل وعیال اوبطور عارضي جاي رفته اند؟

---

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٤ – ٧٤٥، په شامي کي دي: وأجیر ای مشاهرة او مسانهةً الخ (رد المحتار باب ایضا ج١ ص٧٤١، ط.س. ج٢ ص١٣٠). ظفیر

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤١، ط.س. ج٢ ص١٣٠. ظفیر

جواب: ازعبارت فوق معلوم میشود که وطن اصلي اوشهر (ب) است جائیکه سائر اقارب وخویشاوندان او میباشند، واگر واقعا وطن اصلي اوشهر (ب) باشد پس بمجرد رسیدن به انجا فورا در اتمام نماز بپردازد ودرشهر (الف) اگر بخاطر ملازمت سکونت، مي نماید پس آنجا وطن اقامتش است اگر درآنجا نیت اقامت پانزده (١٥) روز یابیشتر از آن را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید ورنه قصر باید کرد حاصل آنست که در وطن اصلي اتمام نماز بکار است اگر چه براي یک دو روز به آنجا تشریف آورد واگر در وطن اقامت نیت پانزده روز را داشته باشد پس نماز را اتمام نمودن بکار است ورنه قصر بایدکرد واما وطن اصلي است که تولدش درآن شده باشد ووالدینش درانجا سکونت داشته باشد وعقد نکاحش شده باشد غرض آنکه باشنده هرمکان که باشد همان وطن اصلي اش میباشد تا وقتیکه آن را ترک نگفته ووطن دیگر را انتخاب نکند بناء همین وطن اصلي اومیباشد [1] فقط.

درچقدر سفر قصر باید کرده شود؟ **سوال:** (٢٢٧٨) در چقدر فاصله سفر قصر نماز جائز است؟

جواب: سفر سه منزل قصر واجب است [2].

شخصی که قصر نمی کند آیا گنهکار خواهد شد یانه؟ **سوال:** (٢٢٧٩) اگر نماز را قصر نکند گنهکار میشود یانه؟

جواب: گنهکار میشود [3].

درحالت قصر سنت ووتر است یانه؟ **سوال:** (٢٢٨٠) در حالت قصر وتر وسنت است یاخیر؟

جواب: اداء نمودن وتر ضروري است وسنت را نیز درحالت أطمینان وحرصت ترک نباید کرد

---

(١) الوطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه يبطل بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل فلو بقى لم يبطل الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٣١). ظفير

(٢) السفر الذي يتغير به الأحكام أن يقصد مسيرة ثلاثة أيام ولياليها بسير الإبل ومشي الأقدام الخ والسير المذكور هو الوسط (هدايه باب صلوة المسافر ج١ ص١٤٨). ظفير

(٣) وفرض المسافر في الرباعية ركعتان لا يزيد عيها الخ وإن صلى اربعا وقعد في الثانية قدر التشهداجزاته الأوليان عن الفرض والأخريان له نافلة (هدايه ايضا). ظفير

فقط.[1]

در حالت سفر نماز عصر وظهر را دریک وقت اداء نمودن جواز دارد یانه؟ **سوال:**

(٢٢٨١) **جواب:** دریک وقت اداء نمودن هر دوجائز نیست[2].

بطور گردش سفر کننده را قصر جائز است یانه؟ **سوال:** (٢٢٨٢) آن عده مردمي که درحالت ملا زمت بطور گردش سفرمي نمایند آیا بر ایشان قصر واجب است یانه؟

جواب: اگر منزل سفر باشد پس قصر لازم است یعني درحین گردش جاي که اراده رفتن را دارد اگر تا به آخر بقدر سه منزل دور باشد قصر نمودن بکار است[3].

امام قصر کننده نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدی وامام درست شده است یانه؟ **سوال:**

(٢٢٨٣) (١) یک مسافر قصر کننده درنماز عشاء امام شد وبجاي قصر اونماز را چهار رکعت اداء نمود آیا این نماز مقتدیان وامام درست شده است یانه؟

بسفر ریل اتمام نماز چگونه است؟ **سوال:** (٢٢٨٤) (٢) دیگر آنکه اگر قصر کننده بدان فکر که سفر ریل راحت بخش است قصر نکند آیا گنهکار خواهد باشد؟

جواب: (١) اگر امام بر دو رکعت نشست نموده بود پس نمازش درست شده است ومقتدیان اگر یا آنهم نماز را اتمام نمودند پس ایشان درست نشده است کمامر في الشامي: فلو اتم المقیمون صلاتهم معه فسدت لانه اقتداء المفترض بالمتنفل اي اذا قصدوا متابعته الخ[4].

جواب: (٢) براي مسافر قصر کردن لازم است وبدان فکر که سفر ریل استراحت بخش ودارای سهولت است نماز را اتمام نمودن درست نیست[5] فقط.

---

(١) وبعضهم جوز للمسافر ترک السنن والمختار أنه لا یأتي بها في حال الخوف ویأتي بها في حال القرار و الأمن. (عالمكیري ج١ ص١٣٠ ط. ماجدیة ج١ ص١٣٩). ظفیر

(٢) ولا جمع بین فرضین في وقت بعذر سفر ومطر خلافا للشافعي وما رواه محمول علی الجمع فعلا، لا وقتا فإن جمع فسد لو قدم الفرض علی وقته وحرم لو عكس ای اخره عنه وإن صح بطریق القضاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار كتاب الصلوة قبیل باب الأذان ج١ ص٣٥٤ – ٣٥٥، ط.س. ج١ ص٣٨١). ظفیر

(٣) أقل مسافة تتغیر فیها الأحكام مسیرة ثلاثة أیام الخ والقصر واجب (عالمكیري باب في صلوة المسافر ج١ ص١٢٩، ط. ماجدیة ج١ ص١٣٨). ظفیر

(٤) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤١، ط.س. ج٢ ص١٣٠. ظفیر

(٥) والقصر لازم عندنا الخ وهی تدل علی ان الفرض ركعتان وان الاتمام منكر ولو كان جائزا لفعله علیه الصلوة والسلام مرة تعلیما للجواز =

اگر فاصله شصت میل دور باشد ایا قصر کند یا خیر؟ **سوال:** (٢٢٨٥) (١) زید از وطن اصلي خود عازم شهر (ب) میشود که بفاصله بیشتر از شصت میل دور واقع است لکن درحین روانگي او نیت اقامت بیشتر از پانزده یوم را در شهر (ب) دارد فلهذا ایا درهمچو صورت در راه براي اوقصر نمودن بکار است یانه؟

وقتیکه بعد از اقامت پانزده یوم واپس میرود پس سفرش از آنجا شمار میشود یا از شهر سابق؟ **سوال:** (٢٢٨٦) (٢) مثلا زید از شهر (ب) بعد از اقامت بیشتر از پانزده یوم بشهر (ج) میرود فلهذا ایا بخاطر قصر نمودن شمار فاصله از شهر (ب) باید بشود یا از وطن اصلي زید؟

مقیم بعقب مسافر نیت چهار رکعت را باید کرد: **سوال:** (٢٢٨٧) براي مقیم بعقب امام مسافر مثل درنماز عصر نیت چهار رکعت نمودن بکار است یا از دورکعت؟

جواب: (١) قصر نمودن نماز بکار است [١].

جواب: (٢) دراین صورت شمار فاصله از شهر (ب) گرفته خواهد [٢] شد.

جواب: (٣) نیت چهار رکعت نمودن بکار است دو رکعت را با امام خویش ودو رکعت را بعد از آن تنها اداء نمائد [٣] فقط.

جائیکه نکاح کرده باشد آیا آن جاي مطلقا در وطن اصلی است: **سوال:** (٢٢٨٨) (١) دردرالمختار این مکان رانیز دروطن اصلي نوشته است که او تأهله یعني جاي نکاح نمودن بناء آیا در جائیکه عقد نکاح نموده است این جاي مطلقا وطن اصلي او است یا کدام مطلب دیگر از آن است وتفصیل آن چگونه است؟

وطن اصلی زن خانه خسر است یا خانه والدین واگر بفاصله ده یا دوازده از وطن اقامت سفر نماید آیا مسافر خواهد باشد یانه؟ **سوال:** (٢٢٨٩) (٢) وطن اصلي زن خانه خسر

= (غنیة المستملي فصل صلوة المسافر ج١ ص٤٩٩). ظفیر

(١) من خرج من عمارة موضع إقامته قاصداً مسیرة ثلاثة أیام ولیالیها الخ صلی الفرض الرباعي رکعتین وجوبا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١). ظفیر

(٢) ویبطل الإقامة بمثله وبالوطن الأصلي وبانشاء السفر (ایضا ج١ ص٧٤٣، ط.س. ج٢ ص١٣٢). ظفیر

(٣) وصح إقتداء المقیم بالمسافر في الوقت وبعده فإذا قام المقیم إلی الإتمام لا یقرأ ویسجد للسهو في الأصح لأنه کاللاحق والقعدتان فرض علیه وقیل لا (ایضا ج١ ص٧٤٠، ط.س. ج٢ ص١٣٠). ظفیر

است یاخانه والدین مراد از وطن ولادت چیست؟ آیا مطلقا است یا آن جائیکه آن را درعرف وطن میگویند اگر شخصي درجای ملازم باشد اما وطن او از آن جاي بمسافت سفر شرعي واقع باشد فلهذا اگر آن شخص ازمکان ملازمت ده دوازده میل سفر مي نماید آیا او مسافر است یانه؟

جواب: (١) معنی وطن اصلي را چنین مي نگارند که وطن قرار باشد یعني درآنجا سکونت مقصود باشد پس موضع تاهل یعني تزوج وطن وقتي میباشد که درآنجا سکونت مقصود باشد وخانمش درآنجا همراهش باشد وچنین مطلوب نیست که اگر از یک جاي بعد از عقد نکاح نمودن خانم را بیاورد سپس ان جاي وطن نکاح او شود خلاصه انست جائیکه خانمش بود وباشد دارد وبراي اودر آنجا سکونت مقصود باشد پس همان نیز وطن اصلي است اگر دو خانم او در دوشهر سکونت مي نمایند پسر هردو اماکن برایش وطن اصلي است: ولو کان ببلدتین فایتهما دخل صار مقیما [1] شامی.

از این عبارت روشن است که سکونت زن درآنجا وموجودیتش معتبر است وزن را ازجاي آوردن بعد ازمحض نکاح نمودن این سبب وطن شدن نیست.

جواب: (٢) زن تابع مرداست شوهرش هرجائیکه او را نگهداري میکند هماي جاي وطن او است واما وطن ولادت آنست جائیکه او وتولد نموده باشد ووالدینش درآنجا سکونت مي نماید ودرمکان ملازمت جائیکه اومقیم است وبوجه اقامت نماز را اتمام مي نماید تاوقتیکه از آن جاي بقصد مسافت شرعي سفر ننماید او قصر نکند.

مامور دولت در گردش فاصله (۴۸) یا (۶۰) میل باشد او قصر نماز کند یا اتمام؟ سوال:

(٢٢٩٠) زید مامور دولت است وجاي سکونتش شهر (ب) است لکن حسب هدایت مقام ذیصلاح درآن نواحي تا به مقدار (٤٨) میل وگاهي پنجاه شصت وگاهي تابه هشتاد میل گردش داشته میباشد وبجاي سکونت مراجعت نمي نماید دراین صورت آیا قصر کند یا اتمام؟

جواب: اگر دروقت بیرون شدن از خانه اوقصد نموده بود که درآن گردش منتهاي سفر فلاني مقام است جائیکه ازمکان سکونت اودرفاصله چهل وهشت میل یا زیاد است پس قصر لازم است

(١) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٣١. ظفیر

ورنه نیست.

از اله آباد به نیت دوچهار ماه بصوبه بمبی روان شد آیا درمسیر راه قصر کند یانه؟

سوال: (۲۲۹۱) زید از اله آباد روانه بمبي شد لکن در بمبي میخواهد که دویا چهار ماه بود باش نماید دراین صورت آیا او درمسیر راه نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: درمسیر راه قصر نماید [۱].

یک چند سوالات درمورد قصر: **سوال:** (۲۲۹۲) (۱) اگر شخصي از وطن بفاصله چهل دو ۴۲ میل دور محصور بماند ودرآنجا اراده محصور بودن پانزده (۱۵) روز یاکم از آن باشد آیا قصر نماز جائز است یانه؟

سوال: (۲۲۹۳) جائیکه حکم قصر نمودن نماز است اگر درآنجا سنت را ترک نمود معصیت نخواهد بود؟

سوال: (۲۲۹٤) درحالت سفر جمع بین صلاتین مانند نماز ظهر وعصر ویا نماز مغرب، وعشاء را یکجا اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: (۱) درمسافت سه یوم قصر میشود وچهل هشت میل اندازه ان تعین شده است واگر در انجا بعد از رفتن اراده پانزده یوم را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید واگر از آن اراده کمتر را داشته باشد پس نماز را قصر کند.

جواب : (۲) گناه نیست لکن در حالت قیام اداء نمودن سنت پسندیده است [۲].

جواب: (۳) اگر چنین طرح میان صلاتین جمع کند که ظهر را دروقت آخر وعصر را دراول وقت اداء کند این جمع درست است واین جمع صوري است نه حقیقي یعني چنین نباید کرد که نماز عصر را دروقت ظهر ونماز ظهر را دروقت عصر اداء نماید واین جمع درست نیست [۳].

---

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسيرة ثلثة أيام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱) قوله قاصدا اشار به مع قوله خرج إلى انه لو خرج ولم يقصد او قصد ولم يخرج لا يكون مسافرا (رد المحتار ج۱ ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲). ظفير

(۲) ويأتي المسافر بالسنن إن كان في حال أمن وقرار وإلا لا يأتي بها هو المختار (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱) ظفير

=

چقدر فاصله رفتن از خانه قصر را شروع نماید؟ سوال: (۲۲۹۵) (۱) درچقدر فاصله که از خانه برسد قصر کرده شود؟

ملا زمی که در ریل همواره درسفر باشد اوچه باید بکند؟ سوال: (۲۲۹۶) (۲) من کارمند ریل میباشم وعلی الدوام درسفر هستم واتفاقا دربعضي مناطق سه روز ودر بعضي چهار روز ودربرخي از مناطق دوماه متواتر بود وباش میشود آیا درهمچو حالت نماز را قصر نمایم یا اتمام؟

باوجود قصر اتمام شود آیا جواز دارد یانه؟ سوال: (۲۲۹۷) (۳) اگر من مستحق قصر باشم وبجاي دو رکعت نماز را اتمام نمایم آیا این جواز دارد یانه؟

دروقت سفر حکم وتر وسنن موکده چیست؟ سوال: (۲۲۹۸) (٤) درهمچو حالت حکم اداء نمودن سنن مؤکده وتر ونوافل چیست؟

فرض مغرب قصر دارد یانه اگر دارد پس چگونه خواهد باشد؟ سوال: (۲۲۹۹) (۵) حکم سه رکعت فرض مغرب چیست؟

جواب: (۱) اسم این قصر است ودرحالت سفر حکم قصر نمودن نماز است به این معنی هر نمازي که چهار رکعتي باشد آن را درسفر دو رکعت اداء نماید ودرنماز مغرب وفجر قصر نیست ودرقصر شرط آنست که اراده سفر سه منزل را داشته باشد یا بیشتر از آن واندازه سه منزل چهل وهشت میل متعین شده است.

جواب: (۲) براي مانند شما سفر کننده وقتیکه سفر سه منزل یا زیاد تر از ان باشد انست که اگر دریک مکان اراده ا قامت پانزده یوم یا زیاد تر از آن باشد پس نماز را اتمام نماید ورنه قصر کند [1].

جواب: (۳) براي مسافر شرعي تا وقتیکه اراده اقامت پانزده روز یابیشتر از آن نکنند قصر نماز

---

(۳) ولا یجوز الجمع عدنا بین الصلوتین في وقت واحد سوی الظهر والعصر بعرفة والمغرب والعشاء بمزدلفة (غنیة المستملي ص۵۰۷). ظفیر الدین

(۱) من خرج من عمارة إقامته قاصدا مسیرة ثلاثة ایام الخ صلی الفرض الرباعي رکعتین وجوبا الخ حتی یدخل موضع مقامه الخ او ینوی الخ إقامة نصف شهر حقیقة او حکما (درمختار باب صلوة المسافر، ط.س. ج۲ ص۱۲۱). ظفیر

واجب است واتمام برایش بکار نیست که این جائز نیست [۱].

جواب: (٤) سنن موکده را درحالت اطمینان اداء نماید واگر در عین سفر باشد وتعجیل داشته باشد دراین صورت ترک نماید واما فرض درهرحال اداء نمودن آن بکار است [۲].

جواب: (۵) درنماز مغرب قصر نیست [۳] فقط.

اگر برای عساکر میدان نبرد نباشد آنان چه باید بکنند؟ سوال: (۲۳۰۰) ما مردم درمیدان جنگ واقع میباشیم اماده (۱۰) یوم دریکجا وده (۱۰) روز جاي دیگر اقامت میباشد ودراین مورد از سابق براي مایان کدام اطلاع نمیباشد ممکن است که درمدت یک روز بخانه بیایم وممکن است که تابه مدت ده (۱۰) سال باز گشت نکنیم آیا دراین صورت نماز را قصر نمایم یا اتمام وهمچنان سنت را اداء کنیم یانه؟ ودرمورد نماز جمعه چه حکم است؟

جواب: درهمچو حالت قصر اداء نمودن بکار است [٤] وحکم سنت آن است که اگرحالت اطمینان بخش باشد پس افضل آنست که سنت اداء شود ورنه ترک شود دردرالمختار مذکور است اگر مسافر درحالت امن واطمینان قرار داشته باشد پس سنت موکده را اداء کند واگرحالت اطمینان نباشد آن را بگذارد وامام هندواني رح میفرماید که د رحالت حصر بودن سنت را اداء کند ودروقت مزل نمودن نکند [۵] (کذا في الشامي وبر مسافر نماز جمعه فرض نیست اگر موقع برایش میسر شد ونماز جمعه را اداء نمود بهتر است ضروري نیست اگر نماز جمعه اداء مسافر اداء نمود پس نماز ظهر از ذمه اش ساقط میشود ورنه ساقط نمیگردد بلکه اداء

---

(۱) من خرج من عمارة إقامته قاصدا مسيرة ثلاثة ايام الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ حتى يدخل موضع مقامه الخ او ينوى الخ إقامة نصف شهر حقيقة او حكما (درمختار باب صلوة المسافر، ط.س. ج۲ ص۱۲۱). ظفير

(۲) ويأتي المسافر بالسنن إن كان في حال أمن وقرار وإلا لا يأتي بها هو المختار. (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفير

(۳) صلى الفرض الرباعي ركعتين (درمختار) واحترز بالفرض عن السنن والوتر وبالرباعي عن الفجر والمغرب (ردالمحتار ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفير

(٤) ولو دخل مصرا على عزم أن يخرج غدا او بعد غد ولم ينو مدة الإقامة حتى بقى على ذلک سنين قصر الخ وإذا دخل العسكر فنوو الإقامة بها قصر وكذا إذا حاصروا فيها مدينة او حصنا الخ (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

(۵) ويأتي المسافر بالسنن إن كان في حال أمن وقرار إلا بان كان خوف وفرار لا يأتي بها هو المختار (درمختار) وقال الهندواني رحمه الله الفعل حال النزول والترک حال السير الخ والأعدل ما قاله الهندواني رحمه الله (رد المحتار باب صلوة المسافر ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفير

نمودن ظهر بکار است [۱].

اگر دریک ماحول همواره گردش می نماید لکن آن اما کن به اندازه مسافت سه یوم نباشد پس چی باید کرد؟ **سوال:** (۲۳۰۱) اگر درمدت سفر برایم حکم گردش دردیهات ونواحی باشد ومسلسل بیست ۲۰ روز یا بیست وپنج (۲۵) روز یاده (۱۰) روز هر قسمیکه باشد او مستقر خویش خارج میباشم لکن دریک مقام بیشتر از اقامت یک هفته برایم اجازه نیست لکن آن مقامات ازمکان مستقر بفاصله مسافت سه شبانه روز نباشد بلکه اطراف مستقر در گردش یک دائره باشد اگر لحاظ مسافت مسلسل شود پس سفر ازمدت مقرره اش افزایش مي یابد واگر لحاظ تمام سفر شود از آن مسافت بسیار زیاد میشود بناء آیا دراین صورت قصر واجب است یانه؟

جواب: چونکه همجموعۀ مسافت از مدت سفر شرعي زیاد است بناء تابه مراجعت نمودن بمستقر در صورت فوق الذکر قصر نماز بکار است قال في الدر المختار: حتی یدخل موضع مقامه ان سار مدة السفر الخ قید بقوله حتی یدخل اي انما یدوم علی القصر الی الدخول ان سار ثلثة الخ [۲].

مقتدی مقیم بعد ازسلام امام مسافر در دو رکعت متباقی فاتحه را بخواند یانه؟ **سوال:** (۲۳۰۲) اگر مقتدي بعقب امام مسافر نماز میخواند پس هرگاه امام بعد از اداء نمودن دو رکعت سلام بگرداند پس او چهار رکعت را تمام نماید اکنون سخن سوال بر انگیز آنست که آیا اودر دورکعت متباقي فاتحه را قرائیت نماید یانه؟

جواب: در دو رکعت متباقی هیچ را نگوید بلکه بعد ازخاموش وساکت ا یستاده شدن رکوع کند [۳].

در جای خسر قصرکند یا اتمام: (۱) تابه خانه خسر فاصله ده امید میباشد فلهذا آیا براي زید

---

(۱) ولا تجب الجمعة علی مسافر الخ فإن حضروا فصلوا مع الناس اجزأهم عن فرض الوقت الخ (هدایه باب الجمعة ج۱ ص۱۵۲). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۶، ط.س. ج۲ ص۱۲٤. ظفیر

(۳) وصح إقتداء المقیم بالمسافر في الوقت وبعده فإذا قام المقیم إلی الإتمام لا یقرأ ولا یسجد للسهو في الأصح لأنه کاللاحق والقعدتان فرض علیه وقیل لا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۰، ط.س. ج۲ ص۱۳۰). ظفیر

بعد از رسیدن بمکان خسر قصر نماز بکار است یا اتمام.؟

امام مسافر نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدی درست شده است یانه؟ سوال: (٢٣٠٤)

(٢) امام مسافر سهوا نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدیان درست شده است یانه؟

سوال: (٢٣٠٥) (٣) مسافر نذر نمود که دروقت سفر دوچهار روز نماز را اتمام خواهم نمود فلهذا آیا او نماز ایام منذورا را اتمام کند یاقصر؟

جواب: (١) وقتیکه بجاي خسرخیل رسید نماز را اتمام کند کما في الشامي: قوله او تأهله اي تزوجه قال فی شرح [1] المنية: ولوتزوج المسافر ببلد ولم ينو الاقامة به فقيل لايصير مقيما وقيل يصير مقيما وهوالاوجه الخ ده (١٠) ميل مسافت قصر نيست فلهذا درصورت مسؤله درمورد قصر سوال پیدا نمیشود ظفیر.

جواب: (٢) نماز مقتدیان فاسد شده ع‍ت شامی: ج ١ ص ٣٩١ ، ولو اقتدی مقیمون بمسافر واتم بهم بلانية اقامة وتابعوه فسدت صلاتهم لكونه متنفلا في الاخيرين.

جواب: (٣) قصر نمودن بکار است واین نذر او لغو میباشد زیرا که معصیت است وخلاف شرع می باشد قصدا به اتمام نمودن نماز گنهکار میشود ونماز مقیم نیز بعقب او درست نخواهد شد: کمامر فلو اتم مسافر ان قعد في الاولی تم فرضه واساء الخ درالمختار [2] فقط.

مقیم بعد از یک رکعت امام مسافر اقتداء نمود پس چگونه نماز خود را به انجام برساند؟ سوال: (٢٣٠٦) مقیم وقتی اقتداء بعقب مسافر نمود که امام مسافر یک رکعت را اداء نموده بود پس اکنون بعد از سلام امام مسافر براي مقیم چگونه اداء نمودن نماز بکار است؟

جواب: نخست دو رکعت را خالي اداء نماید ودر رکعت سوم قرائت بخواند [3] فقط.

مسافر امام جمعه شده میتواند؟ سوال: (٢٣٠٧) مسافر درنماز جمعه امام شده میتواند یانه؟

---

(١) غنية المستملي ص٥٠٥. ظفير

(٢) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٦٠٩، ط.س. ج٢ ص١٢٨. ظفير

(٣) ولو إقتدى المقيم بالمسافر صح (إلى قوله) فاذا صلى المسافر ركعتين يسلم ويقوم المقيم فيتم صلوته بغير قراءة في الأصح الخ بخلاف المسبوق (غنية المستملي ص٥٠٤). ظفير

جواب امام جمعه شده میتواند [1] فقط.

دلیل قصر در حال: سوال: (٢٣٠٨) در هرسفر باوجود تامین امنیت حتما وجوب نماز قصر ثابت نمیباشد.

جواب: دلیل وجوب حدیث آتي است: وعن يعلى بن امية قال قلت لعمر بن الخطاب رضي الله عنه انما قال الله تعالى: (اَنْ تَقْصُرُوْا مِنَ الصَّلَاةِ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوا. فقدا من الناس فقال عمر رضي الله عنه: عَجِبْتُ مما عجِبْتَ منه فسألت رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال صدقةٌ تصدَّقَ اللهُ به عليكم فاقبلوا صَدَقَتَهُ، رواه مسلم حاصل آنکه يعلى بن امية ميگويد که من براي حضرت عمر رضي الله عنه عرض کردم که الله پاک میفرا ماید که براي شما خوف فتنه کفار باشد پس نماز را قصر کنید واکنون مردم به امنیت قرار دارند وهر اس وجود ندارد پس اکنون قصر کردن بکار نیست مترجم برایم این شبهه عارصت شده بود بناء من براي جناب رسول اکرم صلى الله عليه وسلم دراین مورد عرض نمودم پس ایشان صلى الله عليه وسلم فرمودند که این یک انعام خداوندي است بناء ان را بپذیرید.

در ریل بچقدر مسافت قصر نماید؟ سوال: (٢٣٠٩) در سفر ریل تا به چقدر مسافت قصر نمودن بکار است؟

جواب: اگر به اندازه سه منزل سفر پیاده باشد پس در ریل نیز بدان مسافت قصر کردن بکار است مثلا (٤٨) میل سفر باشد پس قصر درست وضروري است [2] فقط.

آن حضرت صلى الله عليه وسلم درسفر چند رکعت را اداء نموده است؟ سوال: (٢٣١٠) جناب رسالت پناه در سفر دو رکعت اداء نموده بودند یا چهار رکعت؟

ودیگر آنکه ایشان در غزوات دو رکعت اداء نموده اند وبعقیده مردم روشن فکر عصر جدید تنها دو رکعت نماز فرض است نه چهار رکعت بنا ارقام این مساله مفصل بفرمائید؟

جواب: درعصر جناب رسول اکرم صلى الله عليه وسلم در وقت سفر درغزوات بجای چهار رکعت دو رکعت

---

(١) ويجوز للمسافر والعبد والمريض أن يؤم في الجمعة (هدايه ص١٥٢ ج١). ظفير

(٢) اعلم أن أقل مدة السفر عندنا مسافة ثلاثة ايام من أقصر ايام السنة بالسير الوسط (إلى قوله) وعامة المشائخ قدروها بالفراسخ الخ (غنية المستملي ص٤٥٧). ظفير

اداء نمودن بسبب قصر شده است ودرسفر شرعي بجاي چهار رکعت دو رکعت فرض ميباشد درقران مجيد آمده است: (وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ) الاية وفي الحديث: عن ابن عباس ﷺ وعن ابن عمر ﷺ قالا: سَنَّ رسول الله ﷺ السفر رکعتين وهو تمام غير قصر الحديث [1] فقط.

در حالت سفر وتر وسنت: **سوال**: (٢٣١١) درحالت قصر وتر وسنت اداء نمودن بکار است يانه؟ اگر شخصي در گردش باشد وروزانه در کوچ واقامت باشد پس در همچو حالت قصر کند يا اتمام ودرچقدر فاصله دور باشد از وطن که قصر لازم شود؟

جواب: دردرالمختار مذکوز است: وياتي المسافر بالسنن ان کان في حال امن وقرار والا بان کان في خوف وفرار لاياتی بها هو المختار [2] حاصل آنست که مسافر اگر در جاي باشد وعجله نداشته باشد پس سنت را اداء نمايد واگر در سفر تعجيل داشته باشد يا احساس هراس باشد پس سنت را ترک نمايد سپس گفته است که عند البعض سنت فجر با آنهم ترک نکند [3] واگر از اقامتگاه بدوره بقصد فاصله آنقدر دور رفته باشد که سه منزل يعني (٤٨) ميل ميشود بناء در سائر گردش خود او قصر بايد کرد وهرگاه به اقامتگاه خويش بازگشت نمود واقلا نيت اقامت پانزده يوم را داشته باشد پس نماز را اتمام نمايد [4] فقط.

براى قصرتعمير ساختن معتبر نيست: **سوال**: (٢٣١٢) شخصي در وطن اصلي خود سکونت دارد ودرشهر ديگر تنها بخاطر بود وباش وسکونت خانم دوم خانه ساخت وبعد از يک چند سال بخاطر عدم موافقت آب هوا خانم دوم را بوطن اصلي آورد وخانه که درآن شهر دوم داشت آن را قفل وبعضي اثاثيه خانه داري نيز درآنجا همراه داشت وهمچنان بازگشت خانم درآنجا نيز

(١) مشکوة باب صلاة السفر ص١١٩، اخرجه مسلم في صحيحه عن مجاهد عن ابن عباس فرض الله الصلوة على لسان نبيکم في الحضر اربع رکعات وفي السفر رکعتين (نصب الرايه ج١ ص١٨٩). ظفير

(٢) مطالعه فرمائيد الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص١١٨، ط.س. ج٢ ص١٣١. ظفير

(٣) وقيل يصلى سنة الفجر خاصة وقيل سنة المغرب ايضا، بحر (ردالمحتار ج١ص٧٠٧، ط.س. ج٢ص١٢١). ظفير

(٤) من خرج من عمارة موضع اقامة قاصدا مسيرة ثلاثة أيام ولياليها الخ او نوي اقامة نصف شهر حقيقة او حکما (إلى قوله) اتم مختصرا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٠٧، ط. س. ج٢ ص١٢١). ظفير

مشکوک میباشد اگر دراین صورت شخص مذکور بخاطر ضرورت بشهر دوم تشریف ببرد آیا او قصر کند یاچهار رکعت را کاملا اداء نماید؟

جواب: در این حالت فوق الذکر قصر با ید کرد کما في شرح المنية اذا المعتبر الاهل دون الدار [۱] وهکذا في رد المحتار فقط.

مسافری که نیت پانزده روز را نموده است: **سوال:** (۲۳۱۳) یک نفر بفاصله سي وشش (۳٦) میل دوراز مکان خویش طوري تجارت میکند که دریک شهر مکان را خریداري مي نماید ودرآن سکونت مي ورزد وبدیهات بغرض فروختن روزانه میرود وشام به اقامت گاه مراجعت مي نماید وبعضي اوقات دو روز دریک قریه مکث مي نماید دراین صورت آیا نماز را قصر کند.یا اتمام؟

جواب: اگر پانزده یوم یا بیشتر از آن درآن مقام نیت اقامت را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید واگر بعد از نیت اقامت بطور پیره دو دو یا چهار چهار میل بدیهات برود وشام به اقامت گاه واپس بیاید دراین وقت براي او حکم قصر نمودن نماز نیست بلکه نماز را اتمام کند لکن اگر در آنجا نیت اقامت پانزده روز را نداشته باشد بلکه از ابتداء چنین قصد داشته که در فلاني منطقه که بفاصله سي وشش (۳٦) میل دور قرار دارد مکان را خواهم گرفت واز آنجا بدیهات گردش خواهم نشود ودراقامتگاه خود قیام نخواهم کرد بناء او قصر باید بکند [۲] فقط.

بسفر بدان نیت رفتن که خدامي داند که چه وقت عودت باشد پس چه باید کرد؟

سوال: (۲۳۱٤) شخصي با این فکر بفر طولاني روان شد که خدا عالم است که چه وقت بازگشت خواهم نمود آیا او قصر کند یا اتمام؟

جواب: برای او قصر نماز یعني دو رکعت اداء نمودن بکار است تا وقتیکه دریک شهر نیت اقامت پانزده (۱۵) روز را نکند [۳] فقط.

---

(۱) غنیة المستملي ص٥٠٦. ظفیر

(۲) عن عبدالله بن عمر قال اذا کنت مسافرا فوطنت نفسک علی إقامة خمسة عشر یوما فأتم الصلاة وان کنت لا تدري متی تظعن فاقصر (غنیة المستملي ص٥٠١). ظفیر

(۳) او دخل مصرا علی عزم ان یخرج غدا او بعد غد ولم ینو مدة الاقامة حتی بقی علی ذلک سنین قصر لان ابن عمر ﷺ اقام =

خانه خسر بفاصله سه میل قرار دارد ایا در انجا قصر کند یانه؟ سوال: (۲۳۱۵) اگر بخانه خسر برود که بفاصله سه منزل واقع است آیا درآنجا قصر کند یانه؟ یعني بقصد کم از پانزده روز برود وهمچنان اگر هنده نیز بقصد کمتر از پانزده یوم بخانه خسر برود که بفاصله سه منزل قرار دارد ایا ایشان قصر کنند یا اتمام؟

جواب: قال في الدر المختار: الوطن الاصلي هو موطن ولادته او تاهله اوتوطنه الخ قوله او تاهله اي تزوجه قال في شرح المنية ولو تزوج المسافر ببلد ولم ينو الاقامة به فقيل لايصير مقيما وقيل يصير مقيما وهو الاوجه [۱] الخ شامي از این عبارت معلوم شدکه زید وهنده درصورت متذکرها نماز را اتمام نمایند فقط.

سفر بلا قصر: سوال: (۲۳۱۶) اگر باپیمائش نمودن درقریه هاي ماحول گردش باشد ومکان قیام در سائر مکانها از سه منزل کمتر باشد وبا پیمائش کردن این قریه تابه قریه دیگر واز آنجا به قریه سوم وچهارم که بهمین منوالي فاصله بسا قریه ها از سه منزل بسیار افزایش مي یابد یا آنکه چیزي معلوم نباشد فلهذا در مورد قصر نماز چه حکم است ؟

جواب گشت نمودن با این پیمائش در حالیکه ابتداء او نیت سفر سه منزل را نداشته باشد ویا آنکه معلوم نباشد اگر با گشت وگذر افزایش یابد حکم قصر نماز نیست ونماز را اتمام نمودن بکار است [۲] فقط.

آیا برای قصر بیرون شدن از شهر ضروری است؟ سوال: (۲۳۱۷) اگر کسي بر وطن اقامت مقیم گردیده است وهرگاه اراده رفتن وطن اصلي کند قصر صلاة لازم آمد یانه؟ از بلد اقامت بیرون شدن شرط است؟

جواب: بیرون شدن از بلد اقامت به قصد سفر شرعي شرط قصر است از محض اراده رفتن قصر لازم نخواهد [۱] شد فقط والله اعلم کتبه عزیز الرحمن

٭ بادربایجان ستة اشهر وکان یقصر ومن جماعة الصحابة مثل ذلک (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۴۹). ظفیر

(۱) مطالعه فرمائید ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲، ط. س. ج۲ ص۱۳۱. فالأصلي وهو مولد الإنسان او موضع تأهل به قصد التعیش به لا الارتحال عنه (غنیة المستملي ص۵۰۵). ظفیر

(۲) ومن طاف الدنیا بلا قصد لم یقصر (الدرالمختار باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۰۷ ط. س. ج۲ ص۱۲۲). ظ

اگر مسافر بفراموشی نماز را اتمام نماید حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۳۱۸) مسافر بعد ازنشستن در رکعت دوم ایستاده شد وچهار رکعت را کاملا اداء نمود آیا نماز او درست شده است یانه؟

جواب: اگر مسافر قعده در میانی راکرد ودرحال و علمي نماز را چهار رکعت اداء نمود پس نماز درست شده است ومعصیت نیز انجام نشده است واگر قصدا همچنان کرد نمازش درست شده است اما گنهکار نیز است واگر مسافر امام شخص مقیم شد دراین صورت نماز مقیم نخواهد شد زیرا براي او اطلاع دادن لازم آست لو اتم مسافر ان قعد في القعدة الاولى تم فرضه ولكنه اساء لو عامدا، در المختار على هامش الشامي: ص (۸۲۵) وما زاد نفل لمصلي الفجر اربعا ايضاً لايصح الاقتداء الى قوله و لا مفترض بمتنفل درالمختار على هوامش الثاني: ص ۶۰۶.

اگر در راه باشد واو براه قصر رفت در این مورد چیست؟ **سوال:** (۲۳۱۹) شخصی از جاي سفر مي نمايد وبجاي كه مرود آنجاي دو راه دارد یک راه داراي مسافت قصر است ومسافت راه دیگر کمتر است اکنون اگر آن شخص به آنجا براه برود که درآن مسافت قصرا است آیا براي او قصر نماز جواز دارد یانه؟ یعني براي جواز قصر درآن هر دو مسافت اعتبار بکدام مسافت داده میشود آیا بکدام راه که میرود همان اعتبار دارد یا آنکه مسافت کمتر است ومسافت قصر چقدر است؟

جواب: بکدام راه که سفر مي نماید مسافت همان راه در قصر وعدم قصر اعتبار دارد وبهر راه که آن شخص میرود اگر مسافت آن راه سي وشش ۳۶ میل یا چهل وهشت میل باشد براي او قصر لازم است اگرچه مسافت راه دیگر از آن کمتر باشد ادا قصد بلدة والى مقصده طريقان احدهما مسيرة ثلثة ايام ولياليها والاخر دونها فسلك الطريق الابعد كان مسافة قتر عدنا وان سلك الاقصر يتم عالمگير: ج ۱ ص ۱۳۶ جميل الرحمٰن

---

(۱) المعتبر في السفر أمران أحدهما عزم السير وثانيها الخروج من البلدان فإن جاوز بيوت المصر غير قاصد للسفر لا يون مسافرا وإن جاوزها قاصدا مدة مادون السفر لايكون سفرا آه (بنایة شرح الهدايه) هو ان قصد سيرا وسطا للاصة ايام ولياليها وفارق بيوت بلده آه شرح وقايه (مولانا مفتي سيد مهدي حسن صاحب).

شخصی که از منطقه میرته بدهلی میرود قصر کند یانه؟ **سوال:** (٢٣٢٠) چه میفر مایند علماء دین درین مورد که مسافت سفر شرعي حساب میل انگلیسي است که مقدار آن هفده صد وشصت (١٧٦٠) میباشد فلهذا آیا شخصي که از منطقه میرته بدهلي سفر میکند نماز را قصر کند یا اتمام در حالیکه درمیان هردومسافت (٤٥) میل است واز شهر (٤٢) میل میباشد؟

جواب: مذهب حنفي آنست که در مسافت سه منزل سفر نمودن قصر انست بناء اگر در میان مرته تابه دهلي مسافت سه منزل باشد قصر کرده میتواند ورنه قصر نمیتواند وموافق ظاهر مذهب فراسخ ومیل اعتبار ندارد و آن عده مشایخ کرام رح که اعتبار فرسخ را بفرض سهولت عوام نموده اند دراین مورد سه اقوال موجود است: بیست ویک فرصخ یعني (٦٣) سه میل شرعي یا هژده فرسخ یعني پنجاه وچهار (٥٤) میل شرعی یا پانزده فرسخ یعني (٤٥) میل شرعي وامافتوی برقول دوم وسوم داده شده است کذا فی رد المحتار ومیل شرعي چهار هزار ذراع است؟ وذراع شث مشت یعني تقریبا هشت بهره ذراع مروج انگلیسي وقتیکه هفده صد وشصت گز است فلهذا درمیان میل شرعي ومیل انکیلسي دوصد وچهل (٢٤٠) گز فرق بمیان آمد بناء (٤٥) میل شرعي تقریبا پنجاه میل انگلیسي میشود ودر صورت اعتبار نمودن فرسخ اقلا قصر مسافت پنجاه میباشد لکن هر گاه اعتبار نمودن فرسخ خلاف اصل مذهب است پس گزیر اکنون مدار آن بمنازل میباشد واین مسأله واین سخن موقوف برعرف عادت وتجربه است وآن هم درکتاب هاي فقه موجود احت که مراد از سه روز سفر آنسیت که درمیان کوتاه ومختصر از صبح تا به زوال هر چند سفر ممکن باشد که طي شود همان مقدار میل ها معتبر است وهمان وجه معلوم میشود که حضرات استاذه ما روزانه سفر شانزده میل را اختیار فرموده اند زیرا اگر روزانه شش ساعت براي سفر مقرر شود پس دریک ساعت یک نفر پیاده برفتار درمیانه دومیل راه راطي نموده میتواند وبنابر این اعتبار مسافت قصر را چهل وهشت ٤٨ میل مقرر نموده اند.

(تم المجلد الرابع بتوفیق الله تعالی وعونه وکرمه فالحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سید المرسلین وعلی آله وصحبه اجمعین ویلیه المجلد الخامس انا العاجز المفتقر ای رحمة الله تعالی محمد ظفر الدین المفتاحي غفر الله ذنوبه الخفي والجلي.